# کارگران

شماره بیست و سوم   آبان ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی — بها: ده ریال

تجلی نیروی اندیشه و بازوها،
در ماشین سازی تبریز

23

## روح مشارکت، یکپارچگی وانضباط در فضای دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران

توک با پنیر
واقعا خوشمزه است

# برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکاکولا

# دراین‌شماره

COLLECTION OF TAHEREH FOUNDATION

## مقالات سیاسی

آبان، ماه پرشکوه و پربرکت صفحه
کنگره پیروزرستاخیز صفحه
بازوی ایرانی‌ضامن‌بقای‌ایران صفحه۵

## میزگرد

دوری مسکن کارگر از محل کار موجب اتلاف وقت میشود.
(میزگرد در کارخانجات زاگروس) صفحه ۱۸
صاحب‌خانه‌ها از اینکه صبح زود بیدار میشویم بما اعتراض میکنند.
(میزگرد با کارگران جیار اهواز) صفحه ۳۵

سرگذشت و شرح کارهای یك کارگر مبتکر ایرانی که چند ماشین جدید ساخته است. صفحه ۲۸
کارگر گراورسازی که نویسنده‌ای نامدار و بزرگ شد: ژان‌ژاك‌روسو وقتی در کارگاه گراورسازی کار میکرد حقوق او کفاف کرایه رفت و امدش را هم نمیکرد. صفحه ۷۰

## حوادث و سوانح کار

این کارگر جوان بر اثر بی‌احتیاطی بدریا سقوط کرد ومرد
کارگر ناشی آتش بپا کرد صفحه ۱۶

## تفسیر مقررات کار

چه کسانی مشمول قانون کارهستند صفحه ۲۵
هزینه‌های تامین اجتماعی از چه منابعی تأمین میشود صفحه ۳۳
از تعاون و شرکت‌های تعاونی چه میدانیم صفحه ۹۷

کزاز، اغلب موجب مرگ و میر نوزادان میشود. صفحه ۳۶
کارگران در خانواده‌های خود چگونه باید از کزاز جلوگیری کنند.؟
هشدار بکارگران: انفجار جمعیت یك خطر جدی برای مردم جهان صفحه ۳۷

## حفاظت و بهداشت

ماشینهای افزار به چه وسایل باید مجهز باشند؟ صفحه ۵۵
چگونه از خطرات و حوادث ناشی از تلویزیون بکاهیم. صفحه ۵۶
خبرهای کمیته‌های حفاظت کارگاه‌ها صفحه ۵۷

## سندیکاهای کارگری

نمایندگان کارگران برگزیده شدند.
با سندیکای کارگران تعمیرگاههای شرکت واحد آشنا شویم صفحه ۵۸
چگونه سندیکا تشکیل دهیم؟ صفحه ۵۹

## دانستنی‌های کارگران

**بیماری مرموز یك دختر کارگر دانش پزشکی راگیج کرده است صفحه ٤٦**
**ایا میتوان بدون تکیه‌گاه راه رفت؟**
**بحرالمیت، دریائی که کسی دران غرق نمیشود.**
**ابتکار جالب یك کارگر خوش ذوق صفحه ٤٧**

## خبرهای حزبی

[illegible] دومین کنگره حزب رستاخیز صفحه ٤و ۵
دبیر کل جدید حزب رستاخیز ملت ایران را بشناسید صفحه ۵
فلسفه انقلاب ایران (متن کامل فلسفه انقلاب وتفسیر آن از نظر کارگران) صفحه ۱۰۲
نقش کارگران در انتخابات انجمن‌های دموکراتیك
وگفتگو با کارگرانی که انتخاب شده‌اند. صفحه ۱۲

## گفت و شنود

آموزش سیاسی کارگران از اولویت خاصی برخوردار است.
(یك مصاحبه با منوچهر ازمون نماینده مجلس ومسئول کمیته آموزش شورای عالی سازمان کارگران) صفحه ۱٤
پای صحبت دوستان کارگر:
افزایش بهره‌دوری وظیفه کارگران در مقابل مواهب انقلاب شاه وملت است صفحه ۱۵
(گفتگوئی با الداغی نماینده کارگران در مجلس شورای ملی)
در پنج نقطه ایران، پنج مجتمع تولید فولاد دائر میشود. صفحه ۲٦
(گفت وشنودی با دکتر مهندس محمدرضا امین مدیر عامل شرکت صنایع فولاد ایران)

## گزارش‌ها...

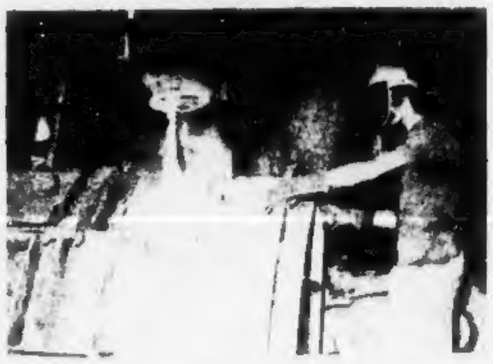

تجلی نیروی اندیشه‌ها وبازوها در ماشین سازی تبریز:
یك گزارش مفصل وخواندنی با عکسهای رنگی از کارخانه ماشین سازی تبریز صفحه ۲۰
رپرتاژی از: نانی که میخوریم وکارگران نانوا..... صفحه ۳۰
حلبی سازی هم فراموش میشود صفحه ۳٤
(گزارشی از یك صنف که کار آنها بتدریج فراموش میشود)

## حرفه و فن

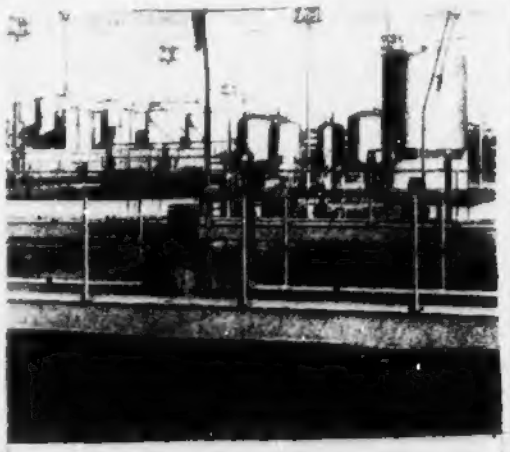

دانستنی‌های علمی:روش‌های شناخت مخازن نفتی صفحه ۳۸
مگس‌کش‌الکتریکی که خطرات ناشی از مصرف مواد شیمیائی را هم از بین میبرد. صفحه ۳۹
لامپی که در مصرف انرژی هم صرفه‌جوئی میکند. صفحه ۳۹
لامپ تیراترون چگونه لامپی است صفحه ٤۰
تلفن‌های کنتردار صفحه ٤۱
صنعت پشم و دانش پشم شناسی ،اشنائی با سنجش و تعیین قطر انواع پشم صفحه ٤۲
قطارهای پرنده جانشین هواپیما میشوند. صفحه ٤٤
اتومبیل که با انرژی خورشیدی کار میکند. صفحه ٤۵

## خانواده کارگر

گزارشی از خانواده یك کارگر ایرانی من با ماهی ۱۷۰ تومان در ماه کارم را شروع کردم و حالا ۲۲۰۰ تومان حقوق میگیرم. صفحه ۵۲
ایا شما هزینه زندگی خود را با درآمدتان هماهنگ کرده‌اید. صفحه ٤۸
من از کی کمترم صفحه ٦۷
اه از این دوستی و همکاری
(درد دل خصوصی خوانندگان عزیز کارگر) صفحه ٦۸
گیاهان شفابخش صفحه ٦٦

**مطالبی که کارگران برای ما فرستاده‌اند:**
**بزن به تخته- وظیفه نشناسها**
**در حاشیه زندگی- از خدا خواسته-**
**سخنان بزرگان در باره کار-**
غروب دریاها صفحه۵۰

**خونخواهی پیران ویسه بخاطر کشته شدن پسرش بدست قارن‌شاه صفحه۷۲**
**سرداران استقلال:ماجرای یعقوب لیث صفاری صفحه۷٦**

## قصه‌های کارگری

**ازناامیدی تاامیدواری صفحه۷٤**
**اکبرآقا بایران بازمیگردد صفحه۷۸**

## مسابقات

**جدول صفحه۸۰**
**فال ماه صفحه۸۱**

## نامه‌های کارگران

نامه به سردبیر صفحه ۱۰۰

## خبرهای کارگری

خبرهای کارگری تهران و شهرستانها صفحه ۱۰٦

## بازار کار

فهرست کارگران مورد نیاز و نرخ بازار کار در ماه گذشته صفحه ۱۰۸

## هنری

این فیلم‌ها را بکارگران بچسبانید-
رقصنده‌های ایرانی در آمریکا صفحه ۸٦
گروه تلخ و شیرین بازمیگردد
درگیری فیروزه - مازیار به جای ستار

## ورزش

**باشگاه راه‌آهن و تحولاتی که طی کرده است صفحه ۱۱۰**
**فرار داور از مرگ نجاتش داد صفحه ۱۱۲**
**ماجرای فوتبال در کشتی تکرار شدصفحه ۱۱۳**
**کارگران خوزستان، قهرمان وزنه‌برداری کارگران کشور شدند صفحه ۱۱۳**

**روی‌جلد** چهار رنگ
کارخانه ماشین‌سازی تبریز
(صفحه ۲۰ را مطالعه کنید)

## مقاله‌های اساسی

# آبان، ماه پرشکوه و پربرکت

اکنون که ماه آبان، اخرین هفته و آخرین روزهای خود را طی میکند، شایسته آن هست که- ولواینکه انتشار این شماره از مجله مصادف با اولین هفته پر میمنت آبانماه نبوده است- حق تجلیل وتعظیم و شکرگزاری این ماه از سوی گروه کارگران ایرانی و از زبان نشریه مخصوصشان بعمل آید. چهارم آبانماه که روز میلاد فرخنده شاهنشاه آریامهر، ابرمرد نجات بخش ایران از یوغ عقب‌ماندگی‌های تاریخ و قرون است، به تنهائی کافی است که آبانماه را به نقطه اوج دلخوشی‌ها و جشنهای ملت ایران در طول تقویم یکساله خود مبدل سازد تاچه رسد باینکه درهمین ماه، یعنی بروزغ نهم‌آبانماه، تولد ولیعهد محبوب ایران نیز چشم‌ودل ملت ایران را روشن ساخته است.

درتاریخ و تقویم همه ملتها، روزهای فرخنده و نشاندار برای یادآوری خاطره‌های خاص آنان وجود دارد که بهرحال مهم‌ترین آنها روزهائی هستند که بطور مستقیم و یا باصطلاح زیربنائی باموجودیت و استقلال و عظمت ملی آنان ارتباط دارند..... مثلاً روز مشخص موسوم به (روز استقلال)، روز معین موسوم (به‌روزنجات ملی) و یا روز تاریخی مثلاً (روز وقوع انقلاب ملی) و امثال این‌گونه روزهای تقویم تاریخ همچنانکه در وطن مانیز، روزهای تاریخی از نوع روز چهاردهم امرداد ماه (روز انقلاب مشروطیت) و یا روز ششم‌بهمن ماه (روز انقلاب شاه و ملت) و همچنین روز ۲۸ امرداد ماه و امثال آن داریم که جشن میگیریم و گرامی میداریم.....اما بی‌تعارف باید گفت اگر قرار براین است که روزهائی را گرامی بداریم که در امر ملی و مملکتی ما گرامی بوده‌اند و هستند، بی‌تردید باید روزی را که باوجود آورنده عمیق‌ترین تحولات تاریخی وطنمان ارتباط دا... گرامی‌تر بداریم، و آن هم روز چهارم آبانماه (روز تولد رهبر بزرگ و پدر مهربان و فرمانده توانا و لایق وطنمان) میباشد...جالب اینست که روز نهم آبانماه نیز که روز تولد والاحضرت ولیعهد محبوب ایران است درخور هر گونه تجلیل و حتی باید گفت یکی از روزهای شکرگزاری ملت شاهدوست ایران میتواند باشد...

هنوز فراموش نشده است نگرانی عمیق ملت ایران که قبل از تولد والاحضرت ولایتعهد در میان اکثریت خانواده‌ها و افراد این ملت وجود داشت....

یعنی در واقع ملت ایران، دقیقاً بصورت خانوادگی و شخصی، در این اندیشه بودند که چه وقت شاهنشاه آریامهر دارای ولیعهد شده و این گوهر پرارج و بهای سلطنت آریامهری و شاهنشاهی پرشکوه ایران نگهبان آینده خود را باز خواهد شناخت...

هنوز فراموش نشده روز تاریخی نهم آبانماه که علیاحضرت شهبانو در زایشگاه بیمارستان حمایت مادران واقع در محله‌های جنوبی پایتخت (آنجا که مردمش خصوصاً نوعی دلبستگی و عشق خاص نسبت به شاهنشاه همواره نشان داده‌اند و قیامهائی نظیر ۲۸مرداد را به وجود اورده و پیروز ساخته‌اند) والاحضرت ولیعهد را تحویل ملت ایران دادند...آن شور و هیجان مردم و آن مسرت واقعی مردم ایران که بدرگاه خدای بزرگ شکرگزار شدند که شاهنشاهی ایران ادامه دهنده خود را باز یافته بود.....

و جالبتر اینکه همان روز مصادف با آغاز سلطنت رضاشاه کبیر و بنیانگزاری سلطنت دودمان پهلوی بوده است....

ملت ایران بخوبی میداند که تمام این پیروزیهای سیاسی و اقتصادی خود را چه در زمینه مسائل ملی و چه در صحنه جهانی مدیون رهبری‌ها و دلسوزیها و فرماندهی شخص شاهنشاه آریامهر میباشد، و باین دلیل است که برگزاری جشن چهارم آبانماه میلاد شاهنشاه و یا بزرگداشت میلاد فرزند برومند شاهنشاه والاحضرت ولیعهد را در واقع جشن دلهای ملت ایران و عید خانواده‌های ایرانی میداند.....

ملت ایران، خصوصاً زحمتکشان ملت ایران که فقط بر اثر رهبری شجاعت و انساندوستی شاهنشاه آریامهر از قید اسارتها رهائی یافته‌اند تا جان در بدن دارند خود را مدیون مهربانی‌ها و رهبری‌ها و مردم‌دوستی‌های شاهنشاه آریامهر میدانند و مجله«رستاخیز کارگران» نیز بعنوان زبان کارگران عصر رستاخیز در گرامی داشت این ماه فرخنده صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را به پیشگاه خاندان جلیل سلطنت تقدیم میدارد.

رستاخیز **کارگران**

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران

مدیرمسئول و محمدحسین کردبچه

شماره بیست وسوم آبانماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

نشانی: خیابان وصال شیرازی، چهارراه بزرگمهر پلاک ۱/۱۴۸

تلفن مدیر مسئول و سردبیر۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه ۶۶۳۷۵۵

تلفنخانه ۶۴۰۷۹۹- ۶۶۷۱۵۹- ۶۶۶۰۴۴

# کنگره پیروز رستاخیز

همانطور که پیش‌بینی می‌شد، تدارکاتی که برای تشکیل دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران فراهم می‌آمد، بخوبی و بحد کفایت کار خود را انجام داد و کنگره حزب با شکوه و نظم و ترتیب خاص و استثنائی برگزار شد و پایان یافت. دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران هنگامی تشکیل گردید که انتخابات انجمن‌های ملی که از بهترین آثار و جلوه‌های مشارکت مردم در تعیین مقدرات وطنشان میباشد، انجام گرفته بود و بیش از یکسال نیز از پایان و انجام انتخابات مجلسین قانونگزاری- که انهم در عصر رستاخیز صورت گرفت- نمیگذشت ......

علیرغم آنچه که دشمنان آزادی این ملت میخواهند بگویند، لیاقت ملت ایران برای جذب و کاربرد دموکراسی از هیچ ملتی کمتر نیست و تجارب گرانبهای ملی- خصوصاً در سالهای دوران پنجاه ساله سلطنت پرشکوه پهلوی- و بویژه بعد از انقلاب شاه و ملت وعصر آریامهر نشان داده است که فقط در داخل یك نظم دموکراسی سالم میتوان بیك انضباط قبول شده و مورد احترام همگان دست یافت که در سایه آن برای همه افراد ملت همه نوع آزادی- جز آزادی در خیانت و ویرانگری و بی‌اعتنائی به اصول و مبانی حیات ملی- میسر و ممکن باشد....

در مدت بیست‌ماهی که از تشکیل حزب موفق رستاخیز میگذرد ثابت شد که رهنمود شاهنشاه بزرگ ایران زمین در این مورد نیز کاملا منطبق با روحیه و نیازهای ملت ایران بوده و ملت آزاده ایران به بهترین وجهی تمایلات دموکراتیك خود را در داخل چنین حزب و سازمان سیاسی- اجتماعی میتواند برآورده سازند ..... کنگره‌ای که تشکیل گردید نشان داد که درواقع آنچه که بنام ((بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی)) مورد انتقاد قرار میگرفت بمیزان زیاد (و بلکه بطورکلی) از میان رفته و فردفرد مردم ایران احساس تعلق نسبت به جریان امور مملکتی مینمایند... خصوصاً اینکه نسبت خیلی جالب توجه نمایندگان روستائیان کشور که در کنگره شرکت کرده بودند نشان داد که دهقانان و کشاورزان مملکت (که در واقع اولین و گسترده‌ترین طبقه اجتماعی هستند که از انقلاب شاه و ملت عمیقاً برخوردار شده، و تغییر زندگی یافتند) اکنون نیز اولین و گسترده‌ترین قشرهای انقلابی هستند که در حزب فراگیرنده ملی مشارکت داشته و نمایندگان واقعی خود را به کنگره حزب گسیل داشتند، همچنین مشارکت کارگران مملکت در کانونهای حزبی و شرکت در انتخابات کنگره حزب نمودار آن بود که کارگران مملکت بخوبی درك کرده‌اند که فضای رستاخیز همان چیزی است که آنان و شاهنشاه بزرگشان برای بروز استعدادهای ملی آرزو داشته و دارند و مشارکت در کانونها و اعزام نماینده به کنگره سالمترین و بهترین راهی است که آراء و عقاید فردفرد زحمتکشان را میتواند درگردش کارهای مملکت دخالت بدهد... همچنانکه شاهنشاه در پیام خودشان خطاب به کنگره یکبار دیگر مشارکت وسیع همگان را در کانونها توصیه فرمودند در واقع هم استقبالی که مردم از حزب رستاخیز کردند پاسخ مثبت و گرمی است که مردم به رهبر بزرگشان میدهند و آرمانهای ملی خود را درهمان‌جا جستجو میکنند که رهبر توصیه میکند و امکان آنرا فراهم میسازد... کنگره با نظم و آرامش و با گرمی و علاقه تشکیل گردید و پایان یافت، تاحدی که شاهنشاه در مراسم گشایش «موزه پهلوی» فرمودند:

«کنگره حزب وظیفه خود را خوب انجام داد» ... و این تقدیر ملوکانه محققاً بهترین و صحیح‌ترین ارزشیابی است که از کار کنگره بعمل آمده است. و انتظاری که اکنون از حزب میرود اینست که در آغاز مرحله نوینی که در پیش دارد – و قطعا مرحله موفقیت دیگری خواهد بود- توجه به مطالبی که شاهنشاه در مصاحبه اخیر خودشان بیان فرمودند در رأس برنامه‌های خود قرار داده و درتمام سطوح مملکت اقدام به بهره‌برداری از آنهمه رهنمودهای گرانبهای شاهنشاه شود...

شاید بهترین دلیل برصلاحیت و شایستگی تصمیمات کنگره- من‌جمله انتخاب دبیرکل جدید- تعریف و توصیفی باشد که اولین دبیرکل حزب بعمل آورده و لیاقت و توانائی‌های دبیرکل جدید را ستودند... و همین نوع تلقی و برداشت از تصمیمات کنگره و این‌گونه همبستگی عمومی و صمیمیتها مؤید آن است که درحقیقت رستاخیز فضای مطلوب و مطبوع همکاریها و همدلی‌ها را فراهم ساخته است و این امید روزبروز افزون‌تر میشود که با ادامه فعالیت همه افراد ملت در داخل این سازمان سیاسی - اجتماعی شناسائی مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسائل ملی و بین‌المللی فزونی یافته و امکان بهترین برخورداری از استعدادها و آراء و عقاید عمومی برای کشور فراهم شود.

پیرامون مصاحبه شاهنشاه آریامهر، در سوم آبان‌ماه:

# بازوی ایرانی، ضامن بقای ایرانی

> کار نکردن خطرناک است. این در ایران امروز قابل قبول نیست
> «شاهنشاه آریامهر»
>
> من نمیتوانم بگویم فعلاً پولی را که هست به همه بخورانیم و بفکر فردا نباشیم
> «شاهنشاه آریامهر»
>
> مردم ایران نه تنها باید مطابق دستمزد و برابر با ارزش دستمزد کار کنند، بلکه باید بیشتر هم کار کنند...
> «شاهنشاه آریامهر»

شاید در تاریخ سیزده ساله‌ای که از وقوع انقلاب شاه و ملت میگذرد مصاحبه اخیر شاهنشاه یکی از آموزنده‌ترین و آگاه‌کننده‌ترین سخنانی باشد که معظم‌له در زمینه مسائل ملی و خصوصاً در جهت حفظ پیروزیهای ناشی از انقلاب و ادامه جهت‌گیری حساب شده بسوی هدف‌های عالی انقلاب فرموده‌اند.

شاهنشاه در مصاحبه روز سوم آبانماه که در آستانه تشکیل کنگره بزرگ حزب رستاخیز ملت ایران و برگزاری جشن میلاد خود بیان فرمودند ضمن اینکه صریحاً فرمودند که «از نظر داخلی خوشبختانه نگرانی ندارند». و واقعاً هم چنین است، زیرا کشور ما در اثر پیروزی انقلاب شاه و ملت و در پرتو رهبری‌های آگاهانه و مستمر رهبر بزرگ انقلابمان هر روز بسوی ترقی و تعالی بیشتر میرود و هر روز پایه‌های زیربنای حیات ملی ما محکم و محکمتر میشود و اطمینان و اعتماد بزندگی در این سرزمین عمیق‌تر و حقیقی‌تر میگردد، و طبیعی است که شاهنشاه نیز نگرانی نداشته باشند. با این وجود رهنمودهائی بس گرانبها و حساس در مصاحبه رهبر بزرگوارمان بچشم می‌خورد که بی‌گمان ضامن توفیق قطعی و ادامه اطمینان‌بخش راه زندگی ملی ما بوده و بدون آن و بدون پیروی کامل و موبمو و گام‌به‌گام از این رهنمودهای مهم و خردمندانه آیندهٔ پیروزیهای ملت سربلند ما را دچار به پیچیدگی خواهد ساخت......

درست در همین مرحله از سخن باید سپاس واقعی نثار رهبری گرانقدر شاهنشاه بزرگمان بکنیم که پیوسته و مستمر مراقب تمام مراحل حرکت انقلابی ملت- و در واقع مش زندگی ملی- بوده و بعنوان یك رهبر آگاه و دانا و عاقبت‌اندیش و بصورت یك پدر مهربان و دل‌آگاه و زندگی شناس و کاردان پیش‌بینی آینده را نمود، و با رهنمودهای واقع‌بینانه و علمی خود از وقوع هر نوع حادثهٔ ناگوار و پیدایش هر سنگ نابهنگام در پیش پای قافلهٔ حرکت ملی، جلوگیری کرده و از هم‌اکنون ملت را از روبرو شدن با هرگونه خطر و مانع پیشرفت انقلاب بدور نگاه میدارد. نقل دو نکته از متن سخنان شاهنشاه در اینجا به حق هر ایرانی را متوجه ضرورت این حقشناسی می‌کند. شاهنشاه در یك جا میفرمایند: «من صاف و پوست‌کنده حرف میزنم چون فردا دنبال رای گرفتن نیستم که بخواهم روی معایب سرپوش بگذارم و دروغ بگویم» و در جای دیگر در کمال واقع‌بینی فرموده‌اند: «**من دیگر زیاد بگذشته فکر نمی‌کنم و افکارم اساساً متوجه آینده است..... من نمی‌توانم بگویم فعلاً پولی را که هست به همه بخورانیم و بفکر فردا نباشیم..... من به کسی رشوه نمیدهم که ادعای شاهدوستی و وطنپرستی کند...... ما بزور هم که شده این ملت را بمرحله تمدن بزرگ خواهیم رسانید......**» به گمان ما بی‌آنکه چیزی از ارزش والای همه سخنان گذشته و رهنمودهای سالیان‌سال رهبری شاهنشاه نادیده گرفته شود- شاید بتوان ادعا کرد که هرگز شرایط حساس زندگی ملی ایران در رابطه با اوضاع جهانی و اهمیت مرحلهٔ حرکت جامعه بسوی هدف‌های والای خود تا این حد چشمگیر و دقیق نبوده است که شاهنشاه طرح این نکات حیاتی و تاریخی را به این عریانی و بی‌پردگی ضروری دیده باشند......

شاهنشاه پس از یك مقایسه ساده ولی منطقی و حساب شده از سطح زندگی کنونی مردم ایران با آینده‌ای که در جهت ترقی و توسعهٔ باز هم بیشتر ترسیم فرموده‌اند، و همچنین مقایسهٔ زندگی امروز و فردای بهتر ملت ایران با سطح زندگی فردای ملل دیگر که همچنان بجلو می شتابند در کمال صمیمیت و دلسوزی میفرمایند:

«**.... آن وقت خواهید فهمید که چند برابر همین درآمد فعلی را لازم خواهیم داشت تا وضع موجود را حفظ کنیم، تا چه رسد به اینکه سطح زندگی را بالاتر هم ببریم...... و درست در همان موقع نفت ما تمام شده است..... خوب چطور میشود این کار را کرد؟....**».

این محاسبه وطرح این سئوال، در واقع حسابرسی و بودجه‌نویسی پدر دلسوز یك خانواده است که در مقابل فرزندان و اهل و عیال تحت تکفل خود نشسته و با تکیه برلزوم اجرای همهٔ طرح‌ها و برنامه‌های آیندهٔ زندگی خانواده و با ارزشیابی مجدد امکانات مادی و معنوی و وسایل لازم برای رسیدن به نقطه آرزوها، هشدار میدهد و میگوید: اگر زندگی با افتخار و مطابق آنچه که با همدیگر به تفاهم رسیده‌ایم می‌خواهیم و آرزوی هممان هست که بآن برسیم، باید که آگاه باشیم، باید که شرایط زمانی و حتی شرایط هر لحظه از آینده را بشناسیم و بدانیم که چه باید بکنیم...... پدر خانواده هشدار میدهد که منابع سرشار مالی که امروز تکیه‌گاه خانواده است یك روز بپایان میرسد- و تاریخ پایان را هم پیش‌بینی میکند- و آنگاه صادقانه میگوید که باید چیزی مهمتر و بیشتر جانشین این ثروت بشود تا ادامه زندگی شرافتمندانه همواره در طول زمان امکان‌پذیر گردد... وقتی که انسان امروز شاهد اینگونه گفتگوی صمیمانه و محبت‌آمیز یك شاه با ملت خود می‌شود، بی‌اختیار نکته‌های ادبی ظریف و انسانی زبان شیرین فارسی را بخاطر میاورد که در گفته‌های مردانی مانند سعدی و نظامی بصورت داستانهای کوتاه اندرزگونه آمده است.....

مثلا دهقان دانائی که بفرزندان خود خبر از گنج پنهانی میدهد که در زمین مزرعه نهفته است ولی دقیقاً جای آنرا نمی‌گوید. و چون فرزندان دهقان دانا بدنبال یافتن گنج، زمین را چندین بار با شخم گاوآهن و بیل و بیلچه زیر و رو می‌کنند و گنج را نمی یابند، به گمان اینکه پدر به آنان گزاف گفته است دلشکسته بخانه باز می‌گردند و گله نزد پدر آغاز می‌کنند..... پدر پیر و دانا پاسخی نمیدهد و صبر می‌کند که تا بهار آینده میرسد...... زمینی که بدست فرزندان شخم خورده و چندین بار خاکش زیر و رو شده و در واقع برای کشت و کار آماده‌تر گشته بود بارورتر از همیشه شده و تخمی صد تخم حاصل بعمل میاورد..... و آنگاه پدر پیر به سخن در آمده و بفرزندان میگوید: گنجی که خبرش را میدادم همان رنج و کوشش و کار زیاد بود که متحمل شدید و زمین را خوب شخم و شیار زدید و قابل زراعت نمودید و امروز شاهد باروری آن هستید و در واقع گنج بدست آورده‌اید.....

و اکنون شاهنشاه، پدر شایسته و دلسوز ملت را می بینیم که حقایق را به فرزندان خود میگویند ولی نه با کنایه و استعاره و اشاره..... بلکه صریحاً میفرمایند:

«**تنها راهش این است: کار کردن عموم ملت ایران. مردم ایران نه تنها باید مطابق دستمزد و برابر با ارزش دستمزد کار کنند، بلکه باید بیشتر هم کار بکنند..........برای حفظ این مملکت، برای بهتر ساختن این مملکت چاره‌ای جز این نیست که همه ما بیشتر و بهتر کار کنیم تا هم تولید و هم وصول مالیات افزایش یابد..........**».

و این براستی همان گنج واقعی است که پدر دانا و واقع‌بین خانواده بزرگ ملت ایران، یعنی شاهنشاه، بی‌پرده و بی‌هیچ معما و کنایه بملت نشان میدهند و صریح میگویند که این گنج باید جانشین پول‌های حاصل از نفت شود.... نفتی که بهرحال محکوم به پایان یافتن است.....

نکته بسیار ظریف و یادداشت کردنی که در همین رهگذر از سخنان شاهنشاه وجود دارد، توصیف و تعریف صحیحی است که ایشان از «میهن پرستی» فرموده‌اند.....شاهنشاه میفرمایند: «**......در اینجاست که مردم باید حس وطن‌پرستی خود را نشان دهند، در اینجاست که هر ایرانی باید عرق ملی، پیش‌بینی آینده و فداکاری خود را نشان دهد......**».

و ملاحظه می‌کنیم که وطن‌پرستی صریحاً مفهوم عملی و قابل لمس بخود میگیرد و از حالت ذهنی بدرآمده و کاملاً عینیّت پیدا می‌کند.... یعنی اینطور نیست که یك فرد یا یك گروه فقط در عالم خیال و در قلب، خودشان را وطن‌پرست و علاقمند به ملیت و آب و خاك بدانند و بهمان هم بسنده کنند. **بلکه برای وطن‌پرست حقیقی بودن باید کار کرد و کار کرد و کار کرد تا آنطور که** رهبر مملکت فرموده‌اند از یك سو تولید و از سوی دیگر مالیات‌ها افزایش پیدا کنند و جبران کمبود پول لازم برای بالا رفتن سطح زندگی ملی بعمل آید..... و با توجه به نکته‌ای که در بالا هم به آن اشاره شد، یعنی این قسمت از فرمایش شاهنشاه که فرموده‌اند: «من به کسی رشوه نمیدهم که ادعای شاهدوستی و وطنپرستی کند.» و با در نظر گرفتن اینگونه تعریف که از وطنپرستی بعمل آورده‌اند، یکبار دیگر

معنی و مفهوم این فرمایش شاهنشاه روشنتر میشود که میفرمایند: ..... اگر در این کارها تجدید نظر نکنیم از بین میرویم..... من که از ملت ایران چیزی را پنهان نمیکنم، این ریخت و پاشی که شد ، در همین مدت و بهمان وضعی که صحبتش شد ، بقول شما کار را بجائی کشاند که حالا باید مردم را باد هم بزنیم....... میروید بده شکایت دارند که کارگر نیست یا اگر هست پول عجیب و غریب میخواهد، در شهر هم وضع همین است - البته من مخالف افزایش بیشتر حقوق و دستمزد کارگران نیستم، چون هنوز بآن حدی که دلم میخواهد نرسیده است ، اما گرفتاری اینست که میگویند: «اینها کار نمیکنند». کار نکردن خطرناك است ، این در ایران امروز قابل قبول نیست . هر کسی که کار نکند ما دمش را میگیریم و می‌اندازیمش بیرون..... کسی که کارش را انجام نمیدهد نه وظیفه وجدانی‌اش را که کار کردن در برابر دستمزد است انجام میدهد و نه بوظیفه میهنی‌اش که دلسوزی در کار است می‌پردازد........».

در تجزیه تحلیل همین قسمت از بیانات صریح و قاطع و در عین حال پر از مهر و محبت شاهنشاه به نکاتی بر خورد میکنیم که در واقع نه تنها درس زندگی و کسب شرافتمندی ویژه برای کارگران است ، بلکه اصولاً پایه و معیار و مبنای زندگی منطقی و قابل توجیه ملی است ...... شاهنشاه به جامعه کارگری و دهقانی ایرانی اندرز میدهند و هشدار میدهند و فرمان میدهند که باید این کمبود و نقیصه هر چه زودتر بر طرف شود ........

انقلاب برای این انجام گرفته است که شرافت کارگر و دهقان و یا هر فرد زحمتکش محفوظ بماند و هیچ انسان زحمتکش مستملکه و مستعمره یك فرد دیگر نباشد ، اما اگر قرار بر این باشد که یك فرد دستمزد بگیرد و در مقابل بدهی وجدانی و شرعی و ملی خود، کار انجام ندهد، دیگر در آنصورت انقلاب از کدام شرافت دفاع بکند و ضامن احترام و استقلال کدام انسان بشود؟ شرافت یعنی مدیون نبودن وجدان ، شرافت یعنی تساوی حقوق، شرافت یعنی احترام به حق فرد و جامعه. **شرافت در مقیاس ملی یعنی مشارکت جدی داشتن در استحکام مبانی زندگی ملی و فراهم کردن وسیله ادامه حیات ملت.....**

دانشجوئی که درس مجانی بخواند و کمك هزینه زندگی بگیرد، ولی درس نخواند و خود را مبدل بیك مهره و چرخ و اهرم حرکت پیشرفت ملی نسازد، چگونه ادعای آرامش وجدان داشته و یا حق مطالبهٔ ارج داری در مقابل شرافت و وجدان خواهد داشت؟

کارمندی که در قبال حقوق و مزایا و سایر امکاناتی که مملکت در دسترس وی میگذارد ، وظایف محوله را شرافتمندانه بسر نبرده و کار ارباب رجوع را انجام ندهد ، چه توقعی از انقلاب تواند داشت که حامی و پشتیبان او باشد؟....

بازرگان یا پیشه‌وری که با استفاده از امنیت و آرامش مملکت به کسب و کار میپردازد و ثروت می‌اندوزد ، چنانچه سهم خود را در نوسازی و بازسازی جامعه بصورت کار و مالیات حقه نپردازد و وظیفه‌اش را در تکمیل صنایع و توسعه شبکهٔ توزیع کالاها و مایحتاج

بقیه درصفحه ۱۰۷

## پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، بمناسبت

## تشکیل دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران (۵ آبان ۲۵۳۵)

تشکیل دومین کنگرهٔ حزب رستاخیز ملت ایران که امروز با حضور نمایندگان منتخب حزب گشایش میباید، مایهٔ خوشوقتی ما است. اکنون نزدیك به دوسال از بنیانگذاری این حزب که ما موجودیت آنرا در یازدهم اسفند ماه ۲۵۳۳ شاهنشاهی اعلام کردیم می‌گذرد، و در این مدت بر اثر استقبال همه‌جانبهٔ ملت ایران، این حزب بصورت یك مکتب بزرگ آموزشی‌سیاسی‌در وسیعترین سطح ملی در آمده، و با گسترش روزافزون تشکیلات خود بدل به محیط فعالی برای گفت و شنود سالم و سازنده شده است. تشکیل بیش از ۵۰۰۰۰ کانون حزبی در سراسر کشور، با عضویت و شرکت قریب پنج میلیون‌ونیم نفر از مردان و زنان ایرانی، نمایانگر همبستگی عمومی در این راه و علاقه بدین گفت وشنود در مورد مسائل مملکتی و محلّی و حزبی، و مشارکت در این مسائل است. نکتهٔ جالب در این امر، شرکت وسیع بانوان کشور در امور حزبی است که طبعاً رشد اجتماعی و سیاسی‌آنانرا نشان میدهد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که در فضای سیاسی مطلوب و مثبتی که با تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران در کشور پدید آمده است، حداکثر امکانات برای مشارکت سازندهٔ عموم افراد ایرانی در همهٔ شئون مادی و معنوی ملی فراهم شده، و شرکت فعالانهٔ مردم در انتخابات قانونگذاری در سال گذشته و در انتخابات انجمن‌های ملی در سال جاری، گواه زنده‌ای بر این واقعیت است.

با اتکاء بدین استقبال و مشارکت همگانی، حزب رستاخیز ملت ایران توانسته است میلیونها زن و مرد ایرانی را از گروههای مختلف اجتماعی، با حفظ سلیقه‌ها و نظرهای گوناگون آنان، در تشکیلات سیاسی‌خود متشکّل و متحد سازد، و از برخورد آراء و عقاید آنها در محیط گستردهٔ گفت وشنود ملی، که مهمترین خصیصه و وظیفهٔ این حزب است، جامعهٔ متحوّل ایرانی را بصورتی مردمی و بنیادی در راه سازندگی پیش برد و به هدف نهائی که نیل به دوران تمدن بزرگ است رهنمون گردد.

بدیهی است پیشرفتهائی که در این مدت نصیب حزب رستاخیز ملت ایران شده است، معلول اعتقاد و ایمان ملّی به سه رکن استوار و اساسی این حزب، یعنی نظام شاهنشاهی، قانون اساسی، و انقلاب شاه و ملت است، زیرا این سه اصلی است که جزء جدائی ناپذیر خوی و طبیعت ایرانی است. این طرز تفکّر باید روزبروز بصورتی عمیقتر و ریشه‌دارتر در سراسر مملکت و میان یکایك افراد ملّت ایران گسترش پیدا کند و تربیت سیاسی فراگیرندهٔ هر فرد ایرانی بشود. در این مکتب بزرگ ملّی و سیاسی، میباید هر ایرانی با برخورداری از دانش و بینش وسیع فرزند خدمتگزار و شایستهٔ میهن باشد، زیرا از این پس اساس زندگی امروز و آیندهٔ ملت ایران تنها بر کار و کوشش سازنده استوار است. دوران بطالت و بیکارگی، و انتظار آنکه بی‌انجام کاری مفید مزدی به کسی‌بدهند، بحکم اجبار و برای همیشه در جامعهٔ پیشرو و مترقی ایران سپری شده است. ما باید بهمان نسبت که مهمترین منبع ثروت طبیعی ما یعنی نفت رو به کاهش میرود تا طبعاً روزی به پایان برسد، خود را آماده‌سازیم که‌به‌نیروی کار یکایك افراد ملت ایران و به کیفیّت و ارزش این کاربیفزائیم، تا هم زندگانی بهتری برای عموم مردم این کشور تامین شود، و هم مملکت روزبروز گامهای استوارتری بسوی اعتلاء بردارد.

اکنون که فلسفهٔ انقلاب بصورتی علمی و تحلیلی تدوین شده است، طبعاً مفاد آن در دسترس همهٔ شما گذاشته خواهد شد؛ ولی این انقلاب آنقدر عمیق و ریشه‌دار است که میباید در بارهٔ هر اصل آن بررسیهای بسیار وسیعتر و جامعتری صورت گیرد، و این کاری است که حزب رستاخیز ملت ایران بتدریج انجام خواهد داد، تا هر فرد ایرانی بتواند بصورتی هرچه کاملتر و هر چه بهتر، با آرمان‌هائی که میباید مملکت و اجتماع ما بر اساس آنها پیش برود، آشنا گردد.

از این پس باید به گسترش کانونهای حزبی به نحوی توجه شود که همهٔ افراد واجد شرایط برای عضویّت در کانونها بتوانند با شرکت مداوم خود در جلسات این کانونها به گردش اندیشهٔ سیاسی‌در سطحی هرچه وسیعتر کمك نمایند. با توجه به استمرار انقلاب اجتماعی ایران، حزب رستاخیز ملت ایران میباید در عین حفظ و حراست همبستگی و وحدت ملی، در هر مورد از تحرّك کافی برخوردار باشد؛ بدین منظور لازم است بموازات گسترش کمّی تشکیلات حزبی، به کیفیّت فعالیتهای آن نیز، از جمله آموزش سیاسی، توجه هرچه بیشتر بعمل آید.

با تشکیل شوراهای حزب در نقاط مختلف کشور و تکمیل سازمان سیاسی آن، نظارت حزب بطور منظّم تحقق خواهد یافت، و گفتوشنود و گردش مداوم اندیشه در سازمان‌های حزبی، از کانونها گرفته تا دفتر سیاسی، موجبات بازشناختن نظرات مردم را در برابر تصمیمات متخذه در مملکت فراهم خواهد ساخت، و باعث‌خواهد شد که در هر مورد بتوان از اعضای حزب نظرخواهی کرد، و بدین ترتیب این نهاد سیاسی بتدریج موضع و نقش مثبت خود را در راه ایفای رسالت خویش استوارتر خواهد کرد.

توفیق همگی شما را که به نمایندگی اعضاء فعال حزب در دومین کنگرهٔ حزب رستاخیز ملت ایران شرکت جسته‌اید، در راه انجام وظائف ملی و اجتماعی خواستاریم.

# روح مشارکت، در فضای دومین

**هنگامی که کنگره، به اتفاق آراء جمشیدآموزگار را به دبیرکلی حزب برگزید رئیس کنگره دست امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و اولین دبیرکل و جمشید آموزگار دبیرکل جدید حزب را بالا برد، و این پاسخ دیگری بود به ابراز احساسات شدید ۵۲۰۰ نفر اعضاء کنگره**

دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران روز پنجم آبان‌ماه با پیام شاهنشاه آریامهر ، با حضور آقای هویدا نخست وزیر و بیش از دوازده هزار نفر نمایندگان ملت در ورزشگاه آریامهر گشایش یافت و در روز ششم آبان با انتخاب جمشید آموزگار بعنوان دبیرکل جدید و صدور قطعنامه بکار خود پایان داد.

دومین کنگره حزب با انتخاب آقای محمد فلاح ، کشاورزی از شهر کاشان آغاز شد و پس از رسمیت جلسه سلام شاهنشاهی و سرود رستاخیز خوانده شد. سپس آقای اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی پیام شاهنشاه آریامهر را قرائت کرد. (متن پیام شاهنشاه جداگانه بچاپ رسیده است) و بدنبال آن آقای قاسم معتمدی رئیس دانشگاه اصفهان باتفاق آرا به ریاست کنگره برگزیده شد.

آنگاه پرفسور سیروس معتمدی و خانم نسرین جواهری بعنوان نواب رئیس و آقای ظریف مالکی شجاع و خانم فرخنده اسکندری بعنوان منشی در هیات رئیسه انتخاب شدند.

در اینجا رئیس کنگره طی سخنانی همزمانی میلاد شاهنشاه آریامهر و پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را با تشکیل دومین کنگره حزب بفال نیك گرفت و آرزو کرد که کنگره بتواند با موفقیت هدف خود را دنبال کند.

در این هنگام متن تلگرام کنگره به پیشگاه شاهنشاه آریامهر قرائت شد.

سپس آقای امیر عباس هویدا نخست‌وزیر و رئیس دفتر سیاسی حزب گزارش فعالیت ۲۱ ماهه حزب را به اطلاع رساند آقای هویدا در آغاز سخن خود اظهار داشتند:

**آقای رئیس**

**خانمها، آقایان**

**موجب کمال خوشوقتی و مسرت است که بیست و یك ماه پس از اعلام تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران، این کنگره پر شکوه تاریخی، که بیشك سرآغاز عصر نوینی در تشکیل و تحول سیاسی جامعه ایران خواهد بود با پیام شاهنشاه آریامهر گشایش می‌یابد**

**پیش از هرچیز میخواهم بعنوان نخستین دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران به شما برگزیدگان این حزب فراگیرنده ملت خوشامد بگویم و تشکیل موفقیت آمیز این کنگره را که نقطه اوج کوشش‌های وسیع دموکراتیك حزب ما است بهمه شما تبریك و تهنیت عرض نمایم. این کنگره عظیم ندای سپاس است پرطنین به پیشگاه شاهنشاه آریامهر که آرامش کشور و آسایش مردم و پیشرفت و**

# یکپارچگی و انضباط
# کنگره حزب رستاخیز ملت ایران

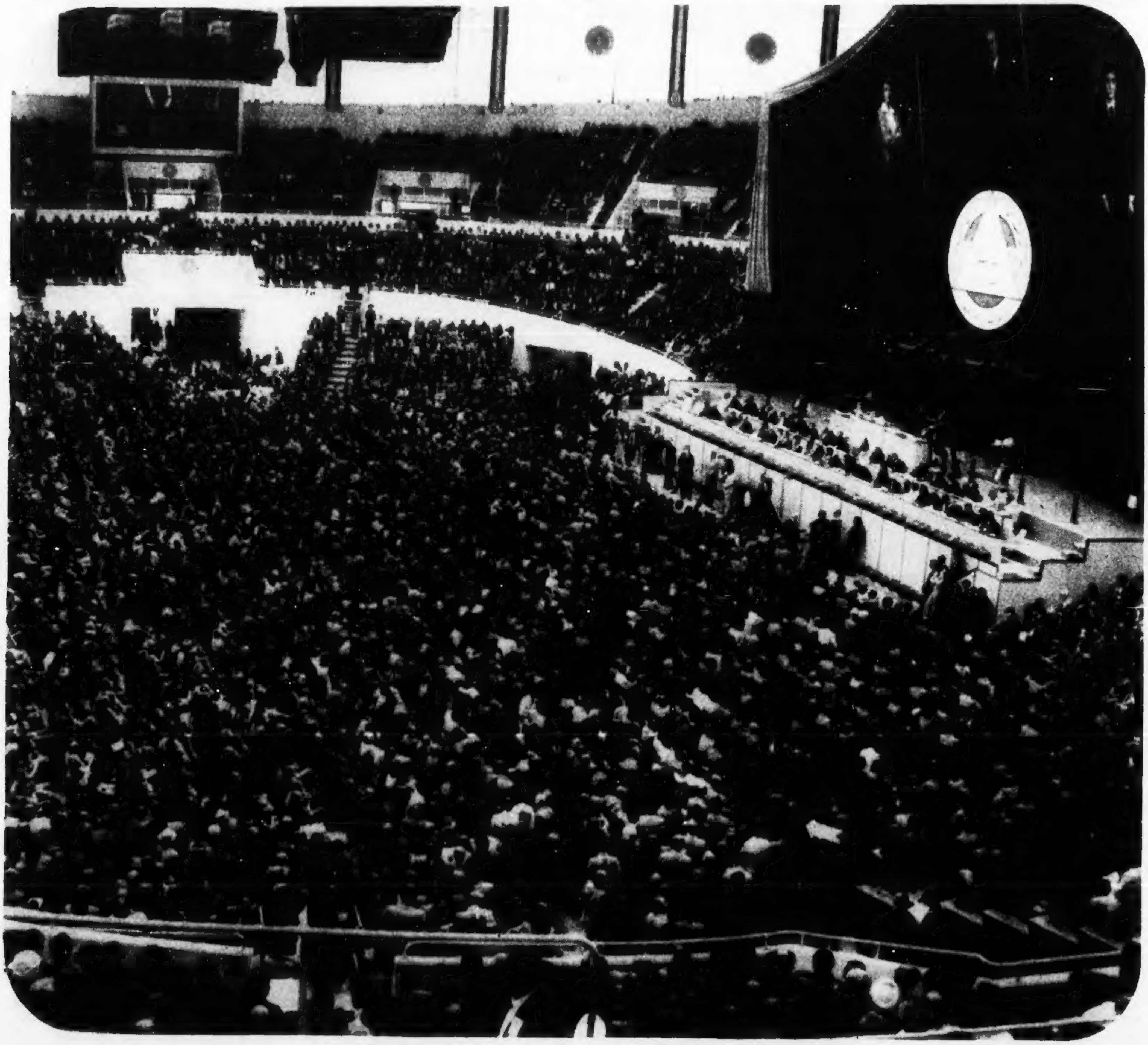

گوشه‌یی از نخستین جلسه، دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران.

توسعه سریع این مرز و بوم همه مدیون اندیشه بلند و فرماندهی قاطع او است

اهمیت این کنگره و وظایف خطیری که بر عهده دارد بر هیچ یك از ما پوشیده نیست، زیرا در پایان این کنگره دورانی تازه از زندگی حزب بزرگ ما آغاز خواهد شد. دوران گسترش و عمق‌دادن به تشکیلات حزب، دوران آموزش وسیع فلسفه انقلاب ایران و دوران پیوند معنوی و تشکیلاتی بیشتر و قاطع‌تر برای فردفرد اعضای حزب. از این لحاظ کنگره حاضر نه تنها تجسم کامل وحدت و یکپارچگی ملت ایران در پرتو سه اصل نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت است بلکه خود عامل مهمی در تقویت این همبستگی و مشارکت عمومی که ما نمونه آن را در شرکت مشتاقانه میلیونها ایرانی در انتخابات اخیر انجمن‌های ملی دیدیم بشمار میرود.

افق‌های روشن:

این کنگره از دیدگاه تاریخی نیز اهمیتی ویژه دارد، زیرا در پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی برگزار میشود. در این لحظه بخصوص، همه ما از خود می‌پرسیم که این مملکت همین ۵۰ سال پیش کجا بود و اکنون

لطفاً ورق بزنید

جمشید اموزگار، دبیرکل جدید حزب، به ابراز احساسات شدید اعضای دومین کنگره حزب پاسخ میدهد.

## بادبیر کل جدیدبیشتر آشناشویم

دکتر جمشید آموزگار دومین دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران فرزند آقای حبیب‌الله آموزگار وزیر اسبق فرهنگ سناتور و نویسنده محقق معروف کشور است.

جمشید آموزگار در چهارم تیرماه ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲شمسی) در تهران دیده بجهان گشود. پس از پایان تحصیلات متوسطه در دبیرستان ایرانشهر، بمدت دوسال در دانشکده فنی و حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. آنگاه به آمریکا رفت. ابتدا از دانشگاه «کرنل» دیپلم مهندسی گرفت و سپس به اخذ فوق لیسانس در مهندسی بهداشت از دانشگاه واشنگتن موفق گردید و آنگاه دیپلم دکترا از دانشگاه «کرنل» دریافت کرد.

دکتر جمشید آموزگار از سال ۲۵۰۷ تا ۲۵۱۰ شاهنشاهی دانشیار دانشگاه «کرنل» بود. سپس بعنوان کارشناس برای امور لوله‌کشی آب به استخدام سازمان ملل متحد درآمد و آنگاه بعنوان رئیس اداره مهندسی بهداشت و معاون سازمان همکاری بهداشت از سال ۲۵۱۱ تا ۲۵۱٤ شاهنشاهی در استخدام هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران (اصل چهار) بود.

در اردیبهشت ۲۵۱٤ در ۳۲ سالگی معاون وزارت بهداری شد و سه سال در این سمت بود تا اینکه در کابینه دکتر اقبال به وزارت کار منصوب گردید.

یکسال وزیر کشاورزی بود و در زمان تصدی وی وزارت کشاورزی به امر شاهنشاه اریامهر نخستین قانون اصلاحات اراضی ایران را تهیه و به تصویب پارلمان رساند.

در کابینه شادروان حسنعلی منصور وزیر بهداری و در کابینه آقای امیرعباس هویدا، وزیر دارائی شد. از مهمترین اقدامات او در دوران وزارت دارائی تهیه و تدوین قانون جدید مالیات بردرآمد را میتوان نام برد. دکتر جمشید آموزگار در مجامع بین‌المللی نیز بعنوان یك کارشناس مطلع امور اقتصادی و مالی معروفیت دارد و بهمین مناسبت بعنوان رئیس مجمع سالانه بانك جهانی و صندوق بین‌المللی پول انتخاب گردید و ریاست کمیسیون امور اداری و مالی سازمان ملل را بعهده داشت. وی سپس وزیر کشور و سرپرست سازمان امور استخدامی کشور و در ترمیم کابینه هویدا عهده‌دار وزارت کشور گردید.

دکتر جمشید آموزگار در سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی که در سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران به ریاست هیئت دومین اجلاسیه اوپك انتخاب گردید، بدنبال پیروزی درخشان اوپك که تحت رهبری عالیه شاهنشاه اریامهر نصیب کشورهای صادر کننده نفت گردید، از طرف شاهنشاه آریامهر بپاس مساعی و خدماتی که در اجرای اوامر همایونی برای حل مسئله نفت و استیفای حقوق ملت ایران ابراز داشته، باعطای یك قطعه نشان تاج درجه اول با حمایل مباهی مفتخر شد.

دکتر جمشید آموزگار هنگام تحصیل در امریکا با یکدختر آلمانی که با وی همدرس بود، ازدواج کرد و فرزند ندارد.

جمشید اموزگار فعالیت خود را در حزب رستاخیز ملت ایران با سه مسئولیت - ریاست هیات اجرائی موقت حزب، عضویت در دفتر سیاسی حزب و هم‌آهنگ‌کننده جناح پیشرو حزب- شروع کرد.

جمشید اموزگار همچنین در چهارم بهمن ماه سال قبل به عنوان مسئول هماهنگی خدمات شهری تهران از سوی دفتر سیاسی حزب انتخاب شد و سرانجام روز ششم ابان ۲۵۳۵ شاهنشاهی بعنوان دومین دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران انتخاب گردید.

اموزگار تالیف و ترجمه‌های متعددی دارد که از آن جمله میتوان، «اثرات امواج دریا بر روی صخره‌های مرجانی» و «اهمیت تامین اب اشامیدنی سالم در اقتصاد یك کشور»را نام برد.

قطعنامه دومین کنگره حزب توصیه کرد:

# آموزش سیاسی و حزبی باید

به کجا رسیده است؟

### بیم و امید

انچه ایران در نیم قرن شاهنشاهی پهلوی، بدست اورده است در مقایسه با آرمانهای بزرگ شاهنشاه برای این ملت و این مملکت تنها یك سراغاز است. اطمینان دارم که با کار و کوشش سازنده و آفریننده شما افراد ملت ایران و با تکیه به گسترده‌ترین تفاهم ملی همه دشواریها را در همه زمینه‌ها از میان خواهیم برد.

از چنین دیدگاهی، اکنون می‌بایست نگاهی به جهان امروز بیافکنیم. دنیای امروز ما در حال گذشتن از بحران‌های عمیق و بی‌سابقه سیاسی و اقتصادی است. هماتطور که شاهنشاه فرمانده ایران در این هفته فرمودند تا هفت یا هشت سال دیگر روشن خواهد شد که شکل نهائی زندگی دنیای معاصر چگونه خواهد بود. جهان امروز می‌بایست سرانجام از میان بیم و امید کنونی، یکی را برگزیند و ملتهای زنده و بیدار، بی‌تردید امید را انتخاب خواهند کرد. جهان امروز در برزخ وحشت جنگ و سلامت صلح دست و پا میزند و ملتهای زنده و بیدار باید سلامت صلح را برگزینند و تفاهم سازنده را جانشین تفرقه ویرانگر سازند. در خانواده ملل همه باید بکوشیم تا باین تفاهم سازنده برسیم.

تجربه انقلاب ایران در سطح ملی بما نشان داده است که یك ملت با اتفاق نظر برسر اصول اساسی، میتواند مسئولیتهای تاریخی خود را برعهده گیرد.

### یکسونگریستن، بدون یکسان نگریستن

آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر در جای دیگری از سخنان خود گفتند:

باردیگر باید تاکید کنم که حزب رستاخیز ملت ایران تجربه منحصربفردی است که ریشه‌های آن را در سوابق تاریخی و بافت اجتماعی ایران باید جست. پیش از ما کسی این نوع سازمان سیاسی را تجربه نکرده بود و بهمین جهت نباید آن را با شیوه‌های تك‌حزبی مقایسه کرد.

تجربه رستاخیز مفهوم تازه و وسیعتری به حزب بخشید و آن را به پوششی از آرمان‌خواهی تمام افراد ملت برای پیشرفت و تعالی کشور و جلوه‌گاهی از اندیشه‌ها و سلیقه‌های تمام افراد کشور در این راه تبدیل ساخت. این حزب پرورشگاه اندیشه‌ها، سلیقه‌ها و نظریات گوناگون است. حزب رستاخیز ملت ایران، تجسم سنت کهن «یکسو نگریستن بدون یکسان نگریستن» است سنتی که در فلسفه و عرفان ایرانی، جائی ویژه داشته و دارد. راه یکی است اما رهروان متفاوتند و سلیقه‌ها و نظرها مختلف. این به باغی از اندیشه می‌ماند که در آن گلهای گوناگون، بارنگ ها و عطرهای گوناگون می روید. هدف حزب ما یکسان کردن افکار نیست بلکه وحدت دلها و آرمان ها است.

انقلاب ایران در کار آن است که افراد را بصورت شخصیتهای بیدار و هشیار در مکتب رستاخیز پرورش دهد و با اجرای اصل عدم تمرکز وظیفه تصمیم گیری و نظارت بر امور عمراتی هر منطقه را بر عهده مردم ان منطقه بسپارد.

حزب مرکز بزرگ گفت وشنود و برخورد اندیشه‌ها و نظرهاست. ان ها که از گفت و شنود می هراسند در واقع از قانع شدن بیم دارند. امابا شناخت درست مسئولیتها، با اعتقادبه حقیقت، هیچ کس بیمی از گفت و شنود و هراسی از قانع شدن نخواهد داشت. صدها فکر و نظر می تواند در چارچوب حزب رستاخیز در برابر هم قرار گیرد و باهم مقایسه شود تا سرانجام به «اکثریت فکری» دست یابیم.

فکر یا نظری که از مقایسه دور میماند و تنها به این خاطر که در برابر دیگر فکرهاو نظرها قرارنمی گیرد ممکن است ارج و منزلتی تصوری داشته باشد، در تحلیل نهائی کوچك ترین ارزشی ندارد. باید برای فکر یا نظری ارج و منزلت قائل شویم که از ازمون مقایسه‌ها سربلند بیرون می اید.

حزب ما بعنوان عمده ترین وسیله مشورت، مشارکت در مقیاس ملی، از اغاز وپیش از هر چیز دیگر این اصول را در داخل خود پذیرفته و تمامی تشکیلات خود را بر پایه ان بنانهاده است.

مرحله تازه انقلاب شاه و ملت، ما را ملزم می‌کند که یك ارزیابی دو باره از رابطه فرد و اجتماع بعمل اوریم. آن ایرانی راستین، ان ایرانی که قلبش کانون میهن پرستی بزرگ و شاهدوستی بزرگ است آن ایرانی که می بایستی در ایجاد تمدن بزرگ سهیم باشد بیش از هرچیز باید از خود بیشتر بخواهد واین «از خود بیشتر خواستن» را در خدمت به جامعه به بیند. ان ایرانی که وجدان بیدار اجتماعی واخلاق انقلابی دارد از خود میپرسد من بجامعه چه داده‌ام، زیرا هر چه جامعه قوی تر و غنی تر باشد افراد جامعه نیز قوی تر و غنی تر خواهندبود. در جامعه ازاد فرد سرنوشت اجتماع را میسازد و اجتماع سرنوشت فرد و این دو ازهم جدائی ناپذیرند.

کم کاری هرفردی در اجتماع بمنزله خالی ماندن یا خالی شدن جای یك سنگ در یك بنا است و ان را نمیتوان کوچك و ناچیز پنداشت. تفهیم این فلسفه، رسالت بزرگی است که برعهده فرد فرد اعضای حزب رستاخیز ملت ایران در شهرها و روستاهای این مملکت گذاشته شده است. باید با تجهیز ملی و بسیج همه نیروهای مادی و منابع انسانی کشور و جلب مشارکت همگان در امور مملکتی و با تقویت امیدها و ارزوهای مشترك در مورد اعتلا ایران، نیروی اندیشه وقدرت اراده آنان را در خدمت نیکبختی و اسایش و سربلندی جامعه بکار انداخت.

### سپاس به پیشگاه شاهنشاه

### آقای هویدا نخست وزیر در جای دیگری از سخنان خود اظهار داشت:

ساختن اینده درخشان ایران وظیفه فرد فرد ما است و این کنگره بزرگ که خود والاترین مرجع حزب ما است از جهت بسیج نیروهای ملی می تواند کمك بزرگی به ساختن این فردای درخشان تر بکند.

این کنگره فریاد اجابتی است به آوای دعوت رهبر انقلاب ایران که همه قریحه‌ها و

استعدادها و افکار بکر را برای مشارکت فعال، دربنای جامعه سرفراز فردای ایران فراخوانده‌اند، به پیشگاه فرمانده عالیقدرمان که ملت شایسته و حق شناس خود را بسوی تمدن بزرگ رهنمون هستند سپاس می گوئیم و اطمینان میدهیم که تمام قدرت و کارائی و توانائی خود را برای گشودن دروازه‌های تمدن بزرگ بکار خواهیم بست. خانمها. آقایان.

شما دراین کنگره تاریخی فرصت آن را خواهید داشت که سیاستها و برنامه‌ها و روش کلی فعالیت این حزب فراگیرنده ملت را تعیین و تصویب کنید. این کنگره ضمناً فرصت مغتنمی برای شناختن عمیق فلسفه انقلاب ایران خواهد بود و راه حزب را برای سالهای آینده روشن خواهد کرد.

شاهنشاه آریامهر روز یازده اسفند ۲۵۳۳ در اجتماعی تاریخی، فصلی نو از فعالیتهای سیاسی را در کشور ما گشودند و حزب

# ...به سرعت در سراسر کشور آغاز شود

کنگره گزارش امیرعباس هویدا نخستوزیر و دبیرکل سابق حزب را به اتفاق آراء تصویب کرد.

پیام شاهنشاه آریامهر بمناسبت دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران بوسیله‌آقای اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی قرائت شد

رستاخیز ملت ایران پایه گذاری شد، در همان اجتماع، شاهنشاه مسئولیت پر افتخاری را بعهده نخست وزیر گذاردند تا وظیفه دبیرکلی حزب را در دوسال آینده انجام دهد. طی ۲۰ ماه گذشته، مطابق آخرین آماری که امروز داده شده تعداد کانون‌های حزب از ۵۱ هزار واحد تجاوز کرده و تعداد اعضای حزب به بیش از پنج میلیون و پانصد هزار نفر رسیده و حزب دراین مدت کوتاه در سراسر کشور گسترش یافته است. ازین بابت من نه برخودم می‌بالم و نه بهمکارانم در ستاد حزب و در هیئت اجرائی و دفتر سیاسی و کمیته‌های تخصصی و مسئولین حزب در استانها که در این مدت باجان و دل و شب و روز کوشیدند و تلاش کردند چون ما وظیفه‌ای را انجام دادیم که بما سپرده شده بود ولی بشما کارگران می‌بالم به شما کشاورزان و فرهنگیان و دانشگاهیان می‌بالم به شما دانشجویان و دانش‌آموزان می‌بالم، به زنان و مردانی می‌بالم که در کانون‌ها گرد آمدند و چنین مظهری از یکپارچگی و وحدت و قدرت پدید آوردند.

این آخرین باری است که در سمت دبیر کلی حزب رستاخیز ملت ایران با شما سخن می‌گویم بهمین سبب لحظه‌هائی که می‌گذرد برای من لحظه‌های خاصی است. دراین لحظه‌ها اجازه می‌خواهم که از همکاری همه شما و همه اعضای حزب رستاخیز ملت ایران که در این ۲۰ ماه گذشته مرا یار و یاور بوده‌اند سپاسگزاری کنم.

۲۰ ماهی که در آن افتخار دبیرکلی این حزب بزرگ و جاوید را داشتم روزهای پر ارزش زندگیم را در بر می‌گیرد. خاطراتی که برای من از آن روزها بجای میماند، همواره عزیز خواهد بود و هرگز فراموش نخواهد شد.

اکنون با تشکیل کنگره حاضر ماموریت من بعنوان دبیرکل حزب پایان می‌یابد امیدوارم توانسته باشم وظائف خودرا تا سرحد امکان انجام داده و رضایت شاهنشاه و همه اعضای حزب را بدست آورده باشم.

اینك شما دراین کنگره تاریخی باید دبیر کل جدید حزب رستاخیز ملت ایران را برای چهار سال آینده برگزینید، اطمینان میدهم که بعنوان نخستوزیر و رئیس دفتر سیاسی حزب و بعنوان یك فرد مومن و منضبط حزبی تمام توانائی و امکاناتم را برای موفقیت دبیرکل منتخب بکار خواهم برد و همیشه بعنوان یك سرباز انقلاب شاه و ملت در کنار شما خواهم بود.

ازفرصت استفاده می‌کنم و ضمن تعظیم در برابر راهنمائیها و ارشاد فرمانده بزرگ انقلاب، از نمایندگان کنگره تقاضا دارم مراتب سپاس مرا به فرد فرد اعضای کانونهای حزبی که همیشه برای پیشبرد هدفهای حزب تلاش کرده‌اند ابلاغ فرمایند. کامیابی‌های بیشتر حزب رستاخیز ملت ایران را در تحقق نیات عالیه شاهنشاه و توفیق این کنگره تاریخی را آرزومندم.

پس از بیانات آقای امیرعباس هویدا، نخستوزیر و رئیس دفتر سیاسی حزب رستاخیز ملت ایران، نمایندگان شرکت کننده در کنگره بمنظور بررسی دستور کار کنگره از ده گروه پانصد نفری به بحث در باره مرامنامه، اساسنامه و گزارش دبیرکل از فعالیتهای حزب و همچنین مفاد قطعنامه کنگره پرداختند و منابع کار آنها در چهار کمیته که به همین نام با شرکت ۵۲ نفر تشکیل شده بود، ارسال شد و این کمیته‌ها تا پاسی از نیمه شب روز پنجم آبان فعالیت داشتند.

کنگره در دومین روز برپائی خود گزارش کمیته‌های مذکور را مورد بررسی و تصویب قرار داد.

براساس تصمیمات اتخاذ شده دومافوق اصل، یعنی دفاع از ایران و سیاست مستقل ملی در مرامنامه گنجانده شده و همچنین تغییراتی در اساسنامه صورت گرفت، که در باره هر یك از آنها گروهی سخن گفتند و موارد آنرا تشریح کردند. سپس رئیس جلسه پیشنهاد کفایت داد و گزارش دبیر کل حزب به رای گذاشته شد که به اتفاق آراء به تصویب رسید.

آنگاه کنگره وارد مرحله مهمی از دستور کار خود، یعنی انتخاب دبیرکل شد.

پیش از رای‌گیری آقای هویدا نخستوزیر و رئیس دفتر سیاسی طی سخنانی گفتند:

خانمها، آقایان، نخست از لطف همه شما سپاسگزارم. باید بگویم همانطور که دیروز در اینجا گفتم من نه به خود میبالم نه به همکارانم، نه به هیات اجرائی و نه به دفتر سیاسی حزب، بلکه به شما میبالم، شما که حزب را درست کردید شما که زحمت کشیدید شما که در کانون‌ها صحبت کردید. گفت وشنود داشتید و هیچ تفاوتی بین دبیرکل،نخستوزیر و عضو عادی حزب نیست.

ما خدمتگزار شاه و سرباز انقلاب هستیم و همه با هم، جوان، پیر، مرد و زن این حزب را بجائی خواهیم رسانید که بزرگترین حزب دنیا شود. اطمینان دارم با کوشش شما و کار بیشتر حزب رستاخیز ملت ایران در زمانی کوتاه به آنجا خواهد رسید که رضامندی خاطر فرمانده انقلاب ایران بدست آید.

آقای هویدا افزودند: هنگامیکه‌رئیس جلسه در باره دبیرکل جدید صحبت کرد، شما از شخصی نام بردید ولی من می‌خواهم افتخار ارائه پیشنهادی را داشته باشم.

دوستان عزیز این کنگره باشکوه اینك پس از طرح مواد دستور جلسه کنگره و نظرات صائبی که اینجا مطرح شد، به کار خود پایان میدهد و درحال حاضر باید دبیرکل انتخاب شود. من ضمن سپاسگزاری از همه شما پیشنهاد می‌کنم جمشید آموزگار، رئیس هیات اجرائی و عضو دفتر سیاسی حزب به دبیرکل حزب برگزیده شود.

در این لحظه، پیشنهاد آقای هویدا با کفزدنهای ممتد حاضران در کنگره روبرو شد.

آقای هویدا افزود: جمشید آموزگار را همه می‌شناسیم. او علاوه برخدمات کشوری و سیاسی که همه شما از آنها آگاه هستید فردی است مؤمن و یك عضو منضبط حزب و در این بیست ماه گذشته در سمت رئیس هیات اجرائی بتوسعه حزب و تشکل افکار و نظریات حزب کمك کرده است. اطمینان دارم که جمشید آموزگار در صورتیکه مورد پشتیبانی شما قرار گیرد، در مقام جدید قدرت و توانائی خود را در راه گسترش حزبمان بکار خواهد برد و رضایت شاهنشاه و اعضای حزب را بەدست خواهد آورد و منهم در سمت رئیس دفتر سیاسی دوش‌بدوش جمشید آموزگار برای گسترش حزب اقدام خواهم کرد.

پس از سخنان آقای هویدا، رئیس جلسه،

لطفاً ورق بزنید

ـبت به گزینش آقای جمشید آموزگار به
وان دبیرکلی حزب اخذ رای کرد، این
شنهاد به‌اتفاق آراء به تصویب رسید و دکتر
مشید آموزگار بعنوان دومین دبیرکل حزب
ستاخیز ملت ایران برگزیده شد.

جمشید آموزگار سپس به دعوت رئیس
لسه در جایگاه مخصوص قرار گرفت و طی
خنانی اظهار داشت:

ـخواهران و برادران گرامی،
افتخار بزرگی که امروز نصیب من شده،
ـمیمانه سپاسگزارم. از درگاه یزدان
یـهمتا ارزومندم توفیق خدمت عنایت
رماید، باشد که از این راه شایستگی این‌همه
ر و محبت و آنهمه توجه و عنایت را داشته
شم. دقایقی دیگر کار دومین کنگره حزب
ستاخیز ملت ایران بپایان خواهد رسید، ولی
ن پایان، آغاز کار شما و من است، آغازی که
 فرمان شهریار دادگستر و فرمانده بیداردل
ران باید آغازی پرتلاش و کوشش
نش‌آفرین و آینده‌نگر باشد.

شما زنان و مردانیکه از بامدادان به سوی
وستاها و شهرهای خود در سراسر این
رزمین آریائی رهسپار می‌شوید، وظیفه‌ای
س خطیر و رسالتی بزرگ بعهده دارید،
سالتی که اساس آن شناسائی واقعی حزب
ستاخیز ملت ایران و اهمیت بسزای آن بین
وستان و یاران و همگنان خود و تشویق آنان
شارکت صادقانه و فعالانه در حزب
ی‌باشد. برشماست که برای یاران و دوستان
ود روشن کنید که پیروزی حزب پیروزی
ت ایران است که این حزب به فرمان
ـاهنشاه آریامهر بنیان گرفته، ازآن ملت
ست، فراگیرنده است، و از ملت جدا نیست.

درحزب رستاخیز، تحصیل قدرت مطرح
یست، بلکه مشارکت صادقانه مورد توجه
ست و آنچه که باید همگی پرتوان و پرتلاش
دنبال آن برویم شرکت‌دادن تمام مردم در
ندگی حزبی و سرنوشت ملی است. حزب
ستاخیز با فردفرد افراد جامعه سروکار دارد،
 باگروههای خاص. حزب باید افراد جامعه را
خاطر فرد جامعه‌بودن و نه وابستگی به
روههای خاص مورد توجه قرار دهد و
رموده شاهنشاه تفاوتی میان افراد حزب
یست، مگر به فضیلت و تقوی در راه بهتر
نجام دادن وظایف محول. آن روستائی، آن
ارگر، آن آموزگار، آن پیشه‌ور، آن دبیران و
ویسنده که وظایف میهنی خود را توام با
ضیلت و تقوی، بهتر از یك صاحب‌مقام و یك
ـاحب‌منزلت انجام می‌دهد، لاجرم بر او
رتری دارد و این گفته شاه، کلام خداست که
ر قرآن مجید فرمود «ان‌اکرمکم عندالله
تقی‌کم.» در حزب رستاخیز ملت ایران
ـاس و پایه کار، همکاری، همبستگی،
ك‌پارچگی و وحدت است.

گرشی به گذشته تاریخ کشور خودمان
وشنگر این حقیقت است که در هر زمان
دف و آرمان مشترکی داشته‌ایم و یا هرگاه
وجودیت و هستی ما درخطر نیستی و نابودی
وده، اگر پادشاهی بیداردل و رهبر و
رماندهی مقتدر داشته‌ایم، همه مردم باوجود
مام اختلاف سلیقه‌ها بدنبال رهبر عالیقدر
ـودشان در راه نیل به هدف از جان و دل
وشیده‌اند. این خصیصه ذاتی ملی ما و
مایشگر هویت ایرانی است که استحکام و
وای و یکپارچگی و همبستگی و وحدت ملی
ما در گردهم‌آئی بدور پادشاهان مقتدر و
رماندهان بیداردل است. این است راز بقای
ایران و ایرانی.

## روح مشارکت، یك پارچگی وانضباط

کشور ما در قرون و اعصار دیرین گذشته خود الهام‌بخش فرهنگها و تمدن‌ها بوده است. چه بسیار مردمی که از خوان گستردم فرهنگ و تمدن ما بهره‌ها گرفته‌اند و چه تیرگیها و ظلمت‌ها که به برکت شعله‌های فروزان دانش و بینش نیاکان ما از میان رفته دریغ و افسوس که بازی سرنوشت شراره‌های این عظمت و بزرگی را زمانی چند در زیر خاکستر پلیدیها، تن‌پروریها و خودپرستی‌ها مدفون کرد و ایران و ایرانی با آن‌که، بانگ جرسها، اعلام بستن محمل‌ها می‌کرد، از کاروان تمدن و فرهنگ جهان بدور ماند.

سپاس بیکران یزدان بی‌همتا را که با پیدایش دودمان شاهنشاهی پهلوی ایرانی از خواب غفلت بیدار شد و با تحولی چشمگیر و اصیل با انقلاب شاه و ملت مسیری را برای خود برگزید که تجدید عظمت باستانی او را تضمین می‌کند. از اینجاست که همه ما باید چون سربازانی فداکار و صدیق خدمت را برای نعمت آرامشی که پس از پایان آن احساس می‌کنیم انجام دهیم و نه الزاماً بخاطر اجر و مزد و پاداش.

حزب رستاخیز ملت ایران براساس فلسفه انقلاب شاه و ملت از دو بنیاد الهام گرفته، اول ایمان بخدا و توجه به معنویات و دیگری حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی. از اینروست که جامعه ما به جای تبعیت از الگوهای خاص برخی از جوامع صنعتی غربی که در پایان مسیر آن دشواریهای بغرنج چون تنازع میان «نسل‌ها»، برخورد بین طبقات، بهم‌ریختگی نظام ارزش‌ها، مسخ انسان‌ها در شبکه تولید و مصرف و مشکلاتی این چنین ظهور کرده گریزان بوده و کوشش کرده که به الهام از غنای فرهنگ و تمدن باستانی ایران مسیری برای خود برگزیند تا تعادل میان انسان‌ها، تعادل میان افراد و سازمان‌ها، تعادل میان انسان و محیط و بالاخره تعادل درونی برای رفاه و آسایش کلیه افراد محفوظ بماند، در این راه مدعی گر نکند فهم سخن گوسر خشت.

در حزب رستاخیز ملت ایران تنها پیشرفت مادیات مورد توجه نیست، اعتلای والای انسانی است بزبان شیرین شاعر پارسی‌زبان که قند پارسی‌اش به بنگاله میبرند،

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیبا است نشان آدمیت
رسد آدمی به جائی که به جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

حزب رستاخیز ملت ایران مکتب فضیلت و تقوی است، محفل صمیمیت و صداقت و صراحت است. علیاحضرت شهبانوی ایران به هنگام شرفیابی اعضای دفتر سیاسی و هیات اجرائی فرمودند احترام هر ایرانی باید برای خود محفوظ باشد. در کانون‌ها باید با صراحت و صمیمیت و صداقت گفت و شنود ریشه گیرد.

منافع مملکتی باید بر مصالح فردی رجحان داشته باشد از طمع و حرص و آز گریزان باشیم.

این فرمایشات برای همه ما یك رسالت تاریخی است.

آیا هرگز اندیشیده‌اید که اگر از حرص و طمع اجتناب کنید تا چه حد آرامش روان دارید و تا چه حد خود را آزاد کرده‌اید؟

به گفته مولانا:

بند بگسل باش آزاد ای پسر
چند باشی در پی هر سیم و زر
گربریزی بحر را در کوزه‌ای
چند گنجد قسمت یکروزه‌ای
کوزه چشم حریصان پرنشد
تا صدف قانع نشد پر در نشد

اگر در این راه ، در راه اعتلای آرمان‌های ایران و ایرانی دشمنان ایران به یاوه‌گوئی می‌پردازند، بیاد حافظ شیراز باشیم که فرمود

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گرکند خار مغیلان غم مخور

اما منظور از قناعتی که مولانا فرموده تن‌پروری و بیکاری نیست، عزت نفس است.

درزندگی فرمایش مولای متقیان علی‌بن‌ابیطالب باید سرچشمه تمام افکار ما باشد آنجا که فرمود: «آنچنان پاك و منزه زی که هرآن آماده مرگ باشی و آنچنان کار و تلاش و کوشش کن که تو گوئی جاودانه خواهی بود»

این کیفیت زندگی همان مطلبی است که فرمانده عالیقدر انقلاب در پیام خود مطرح فرمودند. در پیام شاهنشاه آریامهر بدومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران بروشنی آمده بود که در گسترش حزب تنها کمیت مورد نظر نیست، بلکه کیفیت هم مطمع نظر است. شاهنشاه می‌فرمایند در اجتماعی که ایمان توجه به معنویت و آزادی فردی و اجتماعی نباشد، این اجتماع را دوام و بقائی نیست و تازه لطف و جاذبه‌ای ندارد.

بحق و حقیقت که کلام‌الملوك ملوك‌الکلام. در راه تشخیص آزادی هم توجه بظواهر فریبنده و تبلورهای درخشان بعضی از جوامع غربی نباشیم، شاید باشند کسانی که تصور می‌کنند آزادی محدود بنوعی خاص و برای جوامعی خاص است، ولی اگر با دیده عبرت و تیزبین بنگریم به زودی درمی‌یابند که در برخی از این جوامع اندیشه‌ها و آزادی‌ها در بند رسانه‌های گروهی و تحت نفوذ روزنامه‌های غیر مسئول و در برخی دیگر اسیر پنجه اتحادیه‌های گوناگون هستند. آزادی در مفهوم ایران و ایرانی اندیشه‌های والاتر دارد.»

آقای آموزگار افزود:

ـ سخنم بدرازا کشید، ولی گفته‌هایم ناقص و نارسا خواهد بود اگر در باره مردی خدمتگزار، رجلی با هوش و با کیاست، روشنفکری ارجمند و پرمایه، که به عنوان نخستین دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در اجرای نیات رهبر خردمند ایران پایه‌های اساسی این حزب را بنا نهاد سخنی نگویم. نام امیر عباس هویدا به عنوان مجری نیات شاهنشاه آریامهر در پی‌ریزی پایه‌های این بنای عظیم حزب رستاخیز ملت ایران در خاطره‌های ما جاودان خواهد ماند.

خدایش توفیق دهد که در مقام نخست وزیری بیش از پیش در راه خدمت به شاهنشاه و مردم مؤید و پیروز باشد.

«جاوید شاهنشاه آریامهر، پاینده ایران»

در پایان، قطعنامه کنگره قرائت شد و به اتفاق آراء بتصویب رسید، و دومین کنگره بزرگ حزب رستاخیز ملت ایران ، با ابراز سپاس و احساسات پرشور نسبت به شاهنشاه آریامهر فرمانده بزرگ مملکت پایان گرفت.

## قطعنامه اولین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران

بنام خداوند متعال

دومین کنگره حزب‌رستاخیز ملت ایران در روز پنجم آبانماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی با شرکت بیش از پنجهزار نفر منتخبین کانونهای حزبی سراسر کشور در تهران تشکیل گردید و با قرائت پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر آغاز بکار نمود.

اعضاء کنگره بدواً سپاس خود را به پیشگاه مبارك فرمانده عالیقدر خود که تمام ترقیات مملکت و اعتلاء و ارتقاء ملت ایران مرهون اندیشه‌های ژرف آن شاهنشاه بزرگ است تقدیم کرده و بمناسبت اینکه ارادهٔ سینه ملوکانه موجد این حزب فراگیرنده ملت بوده است درود و تحیات عموم مردم ایران را از این موهبت تاریخی به ساحت همایونی معروض داشتند.

در این کنگره که در شکوه بی‌نظیر آن جلوه‌های تابناك پیوند شاه و ملت تجلی بود و با اعلام دو رکن بنیادی سیاست مستقل ملی و دفاع از ایران حس غرور ملی و عشق باین مرز و بوم باستانی به اوج کمال رسیده بود اعضاء کنگره در روزهای پنجم و ششم آبانماه در چنین فضای شکوهمند وظائف حزبی خود را انجام داده و پس از استماع گزارش جناب آقای هوایدا نخست وزیر دبیرکل حزب و بررسیهائیکه در گروههای دهگانه کنگره و کمیته‌ها انجام یافت و مطالبی که از جانب اعضاء کنگره بیان گردید، در اساسنامه و مرامنامه حزب اصلاحات لازم را بعمل آورد و تصویب گزارش دبیرکل و انتخاب جناب آقای جمشیدآموزگار بسمت دبیرکل حزب و اتمام سایر اموری‌که در دستور کار قرار داشت تصمیمات خود را دربارهٔ روشهای کلی و خطمشی‌ها اتخاذ نمود.

اساس خطمشی‌ها و برنامه‌های آتی حزب در پیام شاهنشاه آریامهر به کنگره، مقرر است و اینك با الهام از آن اندیشه‌های تابناك و رهنمودهای ارزنده تصمیمات کنگره بشرح زیر اعلام میگردد.

۱- نظرباتیکه آموزش حزبی و سیاسی لازمهٔ نیل بهدفهای حزبی است، اقتضا دارد این مهم مخصوصاً با توجه باینکه فلسفهٔ انقلاب ایران همزمان با تشکیل کنگره تدوین و انتشار یافته است، با دقت و سرعت هرچه بیشتر از سطح روستاها آغاز و در سراسر کشور بسط و تعمیم داده شود.

در مسئله آموزش مخصوصاً توجه به جنبه‌های معنوی و ارتقاء سجایای اخلاقی و فضائل انسانی باید در رأس برنامه‌ها قرار گیرد.

۲- نظر باتیکه تشکیل شوراهای روستا- بخش- شهر- شهرستان و استان تاثیر مهمی در گسترش حزب و توفیق در نیل بهدفهای حزبی دارد از اینرو مقتضی است نسبت به تشکیل شوراهای مذکور اقدامات سریع بعمل آید.

۳- باآنکه تعداد کانونهای حزبی که تاکنون در سراسر کشور تشکیل گردیده در خور کمال توجه است معهذا با استقبال بی‌نظیر مردم برای فعالیتهای حزبی، اقتضا دارد که موضوع کانونها که اولین و مهمترین واحد حزبی است از لحاظ کیفیت و کمیت مورد توجه کامل قرار گیرد. شاهنشاه آریامهر در باره کانونهای حزبی چنین فرموده‌اند.

## در ششمین دوره مسابقات مهارت فنی،وزیر کار و امور اجتماعی گفت:

ششمین دوره مسابقات مهارت فنی در زادروز والاحضرت همایون ولایتعهد در تهران و دیگر نقاط کشور گشایش یافت.

در مراسمی که به همین مناسبت در مرکز اموزش حرفه‌ای سرکارگران و مربیان حرفه‌ای شماره دو با حضور وزیر کار و امور اجتماعی و جمعی از مقامهای وزارت کار ترتیب یافت، یکی از شرکت‌کنندگان طی سخنانی برگزاری ششمین دوره مسابقات مهارت‌فنی را در تحت همین سال شاهنشاهی تهنیت گفت و یادآور شد

برگزاری چنین مسابقات، به کارگران جوان کشور این فرصت را میدهد تا همه ساله در چنین روزی رقابتی سالم و سازنده را برای ابراز لیاقت و شایستگی خویش در کسب مهارتهای فنی و حرفه‌ای ابراز دارند.

قبول ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی از سوی والاحضرت همایون ولایتعهد همواره ارزنده‌ترین مشوق و سرمشق‌ها بوده است، کارگران جوان همواره از تحت چنین سعادت برخود میبالند

در این مراسم وزیر کار و امور اجتماعی طی سخنانی زادروز والاحضرت همایون ولایتعهد را تبریك گفت و با تاکید بر سخنان شاهنشاه آریامهر یادآور شد که عصر، عصر تخصص حرفه‌ای است و برای رسیدن به تمدن بزرگ لازم است کوشش و تلاش بیشتری همراه با دانش فنی صورت گیرد و برای رسیدن به این هدف، نیروی انسانی متخصص و ماهر مورد نیاز است که برگزاری این مسابقات در راه هدف یاد شده میباشد.

وزیر کار اضافه کرد ما وظیفه داریم در راه نیات شاهنشاه آریامهر در جهت بهسازی کشور کوشش کنیم و کوشش ما نیز در بهتر کار کردن، بالابردن بهره‌وری کار خواهد بود که برای بهره‌وری نیز کسب دانش و پدیده‌های جدید علم و تکنولوژی لازم است. مرکز اموزش حرفه‌ای سرکارگران و مربیان حرفه‌ای که از امروز مسابقات مهارت فنی استان مرکز در آن شروع شده، در سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی تا سال ۲۵۲۵ فعالیت خود را در رشته‌های الکترونیك- الکترومکانیك - شوفاژ و تهویه

**گسترش حرفه‌های فنی در بین زنان، یکی از هدفهائی است که مسابقات مهارت فنی آن را پیگیری میکند.**

کارآموزان این مرکز که از بین دارندگان تحصیلات ششم ابتدائی تا سوم متوسطه سابق برگزیده میشوند، از يك وعده غذای گرم روزانه بطور یکسان بهره‌مند می‌شوند و در پایان کارآموزی گواهینامه‌های درجه ۱-۲-۳- کارگری دریافت می‌کنند و وارد بازار کار می‌شوند.

عمومی و تکهداری تاسیسات برقکاری جوشکاری گاز- جوشکاری برق نقشه‌کشی صنعتی نقشه‌کشی فنی و تعمیرات دیزل آغاز کرد. این مرکز در حال حاضر دارای ۱۶۸ نفر کارآموز پسر و دختر است و طی چهارماه دوره آموزشی که ۷۰۰ ساعت کار عملی و ۱۴۰ ساعت برنامه سمعی و بصری است با ویژگی‌های رشته‌های خود اشنا می شوند.

---

**«از این پس باید به گسترش کانونهای حزبی بنحوی توجه شود که همه افراد واجد شرایط برای عضویت در کانونها بتوانند با شرکت مداوم خود در جلسات این کانونها به گردش اندیشهٔ سیاسی در سطحی هرچه وسیعتر کمك نمایند».**

**بنابر مراتب مذکور باید نظریات کانونها در موضوعات حزبی و امور عمومی مورد بررسی و پی‌گیری واقع گردد و ابراز افکار و پیشنهادهای مفید و سازنده مورد تشویق و حمایت قرار گیرد.**

**٤- مسئله گفت‌وشنود در کانونها و سایر تشکیلات حزبی، بمنظور بازشناختن افکار و نظریات مردم، در بارهٔ مسائل مملکتی و محلی و حزبی باید با تنظیم روشهای اجرائی و برنامه‌های عملی بمورد اجرا درآید و مهمتر اینکه نتایج آن گفت‌وشنودها طبق ضوابط حزبی برای توجه هرچه بیشتر مسئولین اجرائی منعکس شود. علیاحضرت شهبانوی ایران دربارهٔ اهمیت گفت‌وشنود در کانونها چنین فرموده‌اند «کانونها محل بالا بردن سطح آگاهی و شناسائی اعضاء کانون نسبت باوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مملکت و محل شناخت و برداشتهای مردم از مسائل گوناگون مملکتی است».**

**براین اساس لازم است ترتیبی اتخاذ گردد که نتیجه گفت‌وشنودهائیکه در کانونها بعمل میاید منتج به هماهنگی لازم بین افکار و نظریات مراجع حزبی و دستگاههای اجرائی گردد.**

**٥- بمنظور اطلاع بیشتر عموم افراد از موضوعات حزبی و مطالب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی اقتضا دارد که مسائل مذکور که هم‌اکنون نیز باسعی و کوشش فراوان در نشریات حزبی منتشر میگردد، از نظر توزیع سریع و دقیق آن در سطح کشور و مخصوصاً روستاها مورد توجه بیشتر واقع گردد.**

**٦- نظر باینکه با ارتقاء سطح زندگی مردم، که در اثر اجرا اصول انقلاب شاه و ملت تحقیق یافته است، تامین مسکن متناسب با رشد اجتماعی و اقتصادی ملت ایران ضروری تشخیص میگردد از اینرو اقتضا دارد امر تهیه مسکن در برنامه‌های عمرانی مورد توجه خاص قرار گیرد تا با کمك و راهنمائیهای دولت این امر انجام پذیرد.**

٧- با اقداماتی که برای بالا بردن رشد اجتماعی و اقتصادی ساکنین روستاهای کشور طبق اصول انقلاب شاه و ملت بعمل آمده، اقتضا دارد که درمورد آبادانی و عمران هرچه بیشتر روستاها توجه خاص با مشارکت فعالانه خود روستائیان بعمل آید. در این زمینه باید ایجاد راههای روستائی که اولین وسیلهٔ ارتباط روستاها با مراکز شهری است و همچنین مسئله توسعه و تامین بهداشت و آموزش و سایر خدمات رفاهی در سطح روستاها از اولویت ویژه برخوردار باشد

٨- نظرباهمیت برنامه‌های توسعهٔ کشاورزی در تامین ارزاق عمومی اقتضا دارد برنامه‌های مذکور مورد توجه واقع گردد تا بموازات رشد صنعتی رشد کشاورزی کشور نیز بحد مطلوب برسد و با افزایش تولید از طریق کاربیشتر مردم و اتخاذ تدابیر دیگر که در امر توزیع صحیح کالاهای کشاورزی ضروری است مراقبت لازم در جلوگیری از افزایش قیمتها یا گرانفروشی بعمل آید.

٩- بمنظور حسن جریان امور در دستگاههای اجرائی اقتضا دارد با حذف تشریفات زائد اداری تسریع در انجام خواستههای قانونی آنان فراهم شود و مناسبات مراجعین با تصمیم گیرندگان برمبنای ضوابط صحیح و حسن همکاری و تعاون ستقرار گیرد.

١٠- نظر باینکه عدالت قضائی از مبانی انقلاب شاه و ملت است از اینرو توجه به اصلاح قوانین دادگستری در زمینه‌های بیشتر و متناسب ساختن تشکیلات آن با نیازمندیهای جامعهٔ متحول ایرانی کمال ضرورت را دارد تا مراجعات مردم به دادگستری با سرعت بیشتر مورد رسیدگی قرار گیرد و دادگستری بتواند وظائف خود را در تأمین عدالت و مجازات متجاوزین بحقوق عمومی بنحو هرچه مؤثر و سریعتر انجام دهد.

١١- نظربانیکه جهاد ملی مبارزه بابیسوادی ایجاب میکند که در درجهٔ اول اطفال لازم التعلیم زیر پوشش آموزشی کشور قرار گیرند از اینرو اقتضا دارد برنامه‌های مذکور مورد بررسی دقیقتر قرار گرفته و ترتیبی اتخاذ گردد که این جهاد ملی با سرعت بیشتری انجام پذیرد.

١٢- نظر باهمیتی که امر آموزش‌وپرورش در فرهنگ ملی جامعهٔ ما دارد و با توجه به لزوم مشارکت جوانان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی کشور اقتضا دارد موجبات استفادهٔ هرچه بیشتر از استعدادهای جوانان فراهم گردد و از هرگونه غفلتی که سبب کاهش استعدادهای آنان است جلوگیری قاطع بعمل آید.

١٣- نظربانیکه برنامه‌های عمرانی و خدمات رفاهی بدون مشارکت خود مردم نتیجهٔ مطلوب را دربر نخواهد داشت اقتضا دارد ترتیبی اتخاذ گردد تا موجبات مشارکت مسئولیت فردی در قبال مسائل اجتماعی و عمومی، تقویت و تحکیم گردد و وجدان کار که لازمهٔ نیل به تمدن بزرگ است، در عموم افراد مملکت هرچه بیشتر ایجاد شود. در این خصوص شاهنشاه آریامهر چنین فرموده‌اند «حقیقت دیگری که باید گفت اینست که نفت ما روزی تمام خواهد شد اگر این حقیقت را درك نکنیم سرانجام چیز دیگری باید جای این نفت را بگیرد کارمان بکجا خواهد کشید؟ هدف ما که حفظ سطح زندگی موجود نیست چون میخواهیم آنرا بالا ببریم درست در همان موقعی که نفت ما تمام شده، خوب چطور میشود این کار را کرد. تنها راهش اینست: کارکردن عموم ملت ایران. مردم ایران نه تنها باید مطابق دستمزد و برابر با ارزش دستمزد کار کند بلکه باید بیشتر هم کار کند و در اینجا است که مردم باید حس وطن‌پرستی خود را نشان بدهند، برای حفظ این مملکت برای بهتر ساختن این مملکت چاره‌ای جز این نیست که همه ما بیشتر و بهتر کار کنیم»

١٤- نظر باینکه بهره‌گیری بیشتر از گفت‌وشنود در کانونها ایجاب میکند که حتی‌المقدور تعداد اعضاء کانونها بمیزان کمتری کاهش یابد از اینرو اقتضا دارد که در آئین‌نامه‌های مربوط از این لحاظ تجدیدنظر بعمل اید.

کنگره در پایان کارخود لازم میداند از خدمات گرانبها و کوشش مستمر و ثمربخش جناب آقای امیرعباس‌هویدا نخست‌وزیر و نخستین دبیرکل حزب قدردانی نموده و اطمینان دارد که در مقام ریاست دفتر سیاسی کماکان منشاء خدمات ارزنده برای حزب خواهد بود.

همچنین کنگره از مساعی و کوششهای اعضاء دفتر سیاسی و هیئت‌اجرائی حزب و همکاران دبیرکل در ستاد حزب تقدیر می‌نماید

# گفتگوئی با چندتن از کارگران عضو انجمن شهر و شهرستان

**انتخابات انجمنهای ملی با پیروزی بزرگ کارگران پایان یافت و کلیه کارگرانی که در تهران از طرف جامعه کارگری کاندیدای عضویت انجمن شهر و شهرستان شده بودند از جانب همکاران و عامه مردم برگزیده شدند.**

**در یك گردهم‌آئی دوستانه که با این کارگران داشتیم برنامه‌ها و هدف خود را در انجمن شهر و شهرستان تشریح کردند و در کلامی صمیمانه و ساده ضمن تشکر از تمام کسانی که انها را برای این مهم برگزیده‌اند، لزوم صمیمیت و مشارکت در کارها را یادآور شدند.**

## عبدالله بلندقد

وی در سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شده و در مدت بیست سال دوران کارگری خود همیشه در فعالیتهای اجتماعی کارگران کوشش مؤثر داشته است. بلندقد دبیری سندیکای کارگران کارخانه جنرال‌طایر- ریاست سازمان کارگران تهران- و عضویت هیات اجرائی سازمان کارگران ایران را بعهده دارد.

اقای بلندقد در پاسخ این سئوال که چرا خود را کاندید انجمن شهر کرده بود اظهار داشت:«از کودکی به انجام کارهای اجتماعی علاقمند بودم و سعی میکردم برای اطرافیان خود مفید باشم. از زمانیکه بعنوان کارگر خود را شناختم این شوق و علاقه را در جامعه کارگری جستجو و دنبال کردم و دوران انقلاب نیز این امکان را فراهم اورد که بتوانم صادقانه فعالیت اجتماعی، بویژه در جامعه کارگری داشته باشم و همین مسئله باعث شد تا در سازمان کارگران منشاء خدماتی بشوم

این انگیزه خوبی برای من بود تا خدماتی را که میتوانم انجام دهم در محیط گسترده‌تری نیز به ازمایش بگذارم، از این نظر خود را برای این وظیفه مهم اماده کردم که امیدوارم همچون گذشته بتوانم خدمتی انجام دهم، زیرا اکنون بایستی از بی‌تفاوتی پرهیز کرد و خودیار بود، تابا پشتکار و جدیت مشکلات را با کمك یکدیگر از پیش پ برداشت.»

بلندقد در پاسخ این سئوال که چگونه خود را نسبت به رای‌دهندگان متعهد میبیند گفت: «مسلماً اشخاص چشم‌بسته به کسی رای نمیدهند و عقلانی است که سوابق افراد به هنگام رای دادن مطرح میشود. بنابراین سعی من براین خواهد بود که صادقانه با مردم و کسانی که مرا انتخاب کردند گفتگو کنم و خود را متعهد میدانم که بمیان مردم بروم و با انها از نزدیك صحبت کنم و در نتیجه این رفتار مسلماً از نیازها و خواسته‌های یکدیگر آگاه خواهیم شد و امیدوارم که زبان خوبی برای رای‌دهندگان خود در انجمن شهر باشم.»

## حسین توحیدی

حسین توحیدی اقدام، متولد سال ۱۳۱۸ از مهربان آذربایجان شرقی، مدت بیست وسه سال است که بعنوان کارگر فعالیت دارد و در حال حاضر دبیر سندیکای گروه صنعتی بهشهر (تاسیسات تهران) و دبیر سازمان کارگان تهران و عضو هیات اجرائی سازمان کارگران ایران

بنا به همین دلایل خود را کاندیدای انجمن شهر کردم که خوشبختانه با حمایت و پشتیبانی کارگران عزیز و دیگر طبقات مردم به عضویت انجمن شهر انتخاب شدم.» توحیدی اضافه کرد: «سعی خواهم کرد همانند گذشته که توانسته‌ام برای کارگران واحد تولیدی خود مفید باشم، در وسعت بزرگتری برای مردم تهران نیز خدماتی انجام دهم.»

توحیدی در پاسخ پرسش دیگری در مورد وظایف گروه کارگر در مراجعی مانند انجمن شهر اظهار داشت: «خوشبختانه نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی یا گروه کارگران در انجمن‌های ملی تا کنون با درك وظایف و مسائل کارگری موفق بوده‌اند، زیرا آنها میدانند در عصر و زمانه کنونی بجای حرف زدن باید عمل کنند و با بهره‌گیری از این فلسفه، هر روز نیز گامهای موفقیت‌آمیزتری بردارند.

توحیدی در مورد وظیفه یك عضو انجمن شهر اظهار داشت:

– باید در باره مسائل کلی شهری تا حد قانونی نهایت کوشش را بکنند و عقیده دارم که نباید وعده‌های بدون عمل بدهند. باید بجای هر گونه وعده و حرف عمل کرد و در میان مردم بود. در کنار مردم بود و در این صورت است که میتوان واقعاً خدمتی را ارائه داد.»

از توحیدی خواستیم در این مورد که به چه علت خود را کاندیدا کرده است، توضیح دهد، گفت: «احساس میکنم امروز تمام شرایط جهت فعالیتهای اجتماعی برای تمام افراد فراهم آمده و میتوان برای مملکت و هموطنان خود مفید واقع شد.

## علی خاقانی

در سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شده و [illegible] سالگی بعنوان کارگر فعالیت خود را [illegible] کرد و مدت بیست‌وشش‌سال است کارگری را از سطح ساده تا یك فرد متخصص و تکنیسین ادامه داده است

وی در ضمن کار تحصیل را نیز دنبال کرد و موفق به اخذ دیپلم شد. وی عضویت شورای اموزش و پرورش تهران- شورای عالی سازمان کارگران ایران – شورای عالی کاراموزی را داراست و تخصص فنی رشته آسانسور از کشور سوئیس دریافت کرده است. اقای خاقانی در پاسخ نخستین پرسش‌مان در مورد علت کاندیدا شدن برای انجمن شهر و هدفهای خود که بعضویت انجمن شهر پذیرفته شده است گفت

«عصر رستاخیز لزوم تلاش و حرکت را برای همه لازم و واجب کرده است و بنابراین کوشش در بهبود زندگی افراد و خدمت به هموطنان نوعی وظیفه بشمار می اید.

پس خدمت در انجمن شهر نیز در حکم همین امر است و کاندیدا شدن را نیز نوعی وظیفه ملی برای خود میدانستم و میدانم و امیدوارم که بتوانم منشاء خدماتی نیز باشم.»

خاقانی سپس در مورد هدف خود در انجمن شهر گفت: «رفع مشکلات شهری با کمك دیگر دوستان و توزیع صحیح خدمات شهری بطوریکه هیچگونه احساس تفاوتی وجود نداشته باشد و تمام قسمتهای شهر تهران از خدمات برقرار شده استفاده کنند و هر فرد در خیابانهای جنوب شهر همان لذتی را احساس کند، که در شمال میتوان حس کرد.»

وی افزود: «از دیگر هدفهائی که در انجمن شهر دنبال خواهم کرد، تشکیل جلسات انجمن در مکانهای مختلف مثلا کیلومتر ده جاده ساوه خواهد بود تا اعضای انجمن شهر از نزدیك با مسائل اشنا شوند و انرا لمس کنند.»

خاقانی در مورد موقعیت گروههای کارگری در مراجع قانونی یادآور شد که این گروه خوشبختانه تا کنون در انجام وظایف خود موفق بوده ولی باید گفت که در عصر رستاخیز که فعالیت بیشتری را لازم میدارد بایستی بر تلاش خود افزود و هدفها را گسترش داد که مسلما در اینصورت میتوان موفقیتهای بدست آمده را ابتدای راه دانست و در فضای مناسبی که بوجود آمده، باز هم بیشتر تنفس کرد.»

خاقانی در پاسخ این پرسش که خود را در قبال رای دهندگان به او چگونه متعهد میداند گفت. «استمرار [illegible] [illegible] تعهدی که کرده‌ام [illegible] سازم. زیرا این امر تحت یك مقررات و ضوابطی است که در حد عضو انجمن شهر نیست ولی این تعهد را دارم که همیشه با جامعه در تماس باشم و رباط دائمی خود را حفظ کنم تا در نتیجه آن به راحتی بتوانیم سخن و نیازهای یکدیگر را درك کنیم این تعهد من خواهد بود.»

## «جعفر نماینده» عضو انجمن شهرستان تهران

وی در سال ۱۳۱[illegible] در شهرستان قم بدنیا امد و در [illegible] بیش از سن دهسالگی، کار خود را با حقوق روزی ۲ریال شروع کرده و همیشه در سندیکای حباران منشأ خدماتی بوده است

وی عضویت هیئت مدیره سازمان کارگران تهران و شورای عالی سازمان کارگران ایران و هیئت اجرائی این سازمان را دارا میباشد.

با توجه به سوابق ممتد در امور مربوط به کارگران از «نماینده» خواستیم که برنامه‌های اینده خود را در انجمن شهرستان تشریح کند

وی با اشاره به پدیده‌های جدید انقلاب شاه و ملت یادآور شد که انجمن شهرستان تهران نیز از همین گونه است و در مهرماه ۱۳۵۱ بفرمان شاهنشاه آریامهر تشکیل شد. و این افتخار نصیب من شد که در اولین دوره بعضویت انجمن شهرستان درایم و با کوشش دسته‌جمعی موفقیتهائی را نیز بدست اوریم، که از آن جمله تأسیس دو اموزشگاه صنعتی و چندین مدارس را میتوان نام برد.

و بالاخره با توجه به این کوششهای پر ثمر بود که خود را موظف دانستم برای بار دوم کاندیدای انجمن شهرستان تهران شوم و خوشبختانه با پشتیبانی کارگران و دیگر طبقات مردم موفق بعضویت انجمن شهرستان تهران شدم.»

نماینده اضافه کرد: «در عصر رستاخیز و در دورانی که انقلاب شاه و ملت همه‌گونه امکانات مشارکت را برای همه فراهم اورده است، این پرسش مطرح میشود که چرا کارگران در مراجع قانونی شرکت نداشته باشند؟ بنابراین این گروه کارگران خوشبختانه چه در مجلس شورای ملی و چه در انجمنهای ملی از تعداد قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند و از این رو کارگران خود را موظف میدانند هرچه بیشتر در راه تأمین نیازهای عامه مردم پایتخت کوشش کنند و فکر میکنم این مسئله‌ای است که همه مردم بایستی انجام بدهند و به آن مؤمن باشند و تنها برعهده ما بعلت عضویت در انجمن شهریا شهرستان نیست، زیرا برطرف کردن نیازهای شهری به مساعدت و کمك دسته جمعی نیازمند است. بنابراین اگر هرکدام از ما که در این شهر زندگی میکنیم در بهتر نگاهداشتن و رعایت بعضی از اصول دقت کنیم، مسلماً بسیاری از مشکلات شهری بر طرف خواهد شد.» اقای نماینده سپس به این مسئله پرداخت که کوشش و جدیت امروز ما مسلماً برای فردای بهتر خواهد بود و این از وظایف ماست که تا میتوانیم فرزندان برومندی برای ایران فردا آماده کنیم. چنانکه فرزند خود من که در آمریکا تحصیلات عالی در رشته الکترونیك را طی میکند، تاکنون موفق شده از شرایط ممتازی برخوردار شود و علاوه بر تشویق دانشگاهی، شهردار شهر کالیفرنیا میهمانی به افتخار وی ترتیب دهد که یقیناً این افتخاری برای کشور عزیزمان است که من نیز خود را در آن سهیم میدانم.

وی افزود: بهر جهت حاصل تمام کوششهای فردی و جمعی متوجه خود ما خواهد شد و ازاین‌رو با مسئولیت تمام و حس وظیفه شناسی باید فعالیت کنیم، فعالیت در راه اعتلای وطن.

## لطفعلی سلیمی، عضو انجمن شهرستان تهران

در سال ۱۳۱۱ در یکی از قراء زنجان بنام بیماور بدنیا آمد و در سال ۱۳۳۸ در کارخانه چیت ساری تهران کار خود را اغاز کرد.

سلیمی بعلت اشنائی به امور فنی و علاقه به این رشته مدارج مختلف کارگری را در این مدت طی کرد و اکنون در کارخانه چیت ری سرپرستی گروهی را که مسئول نصب و اماده کردن وسائل و ماشین‌آلات جدید هستند بعهده دارد.

سلیمی با کلامی ساده و مهربان از تمام کارگران و کسانی که به وی رای داده‌اند تشکر کرد و یادآور شد: «طی نوزده سال فعالیت کارگری خود همیشه به امور اجتماعی کارگری علاقمند بوده‌ام و از این رو خود را برای ارائه خدمت بیشتر در انجمن شهرستان کاندیدا کردم. وی در پاسخ اظهار داشت: «تجربیات یکی از بهترین عوامل ساخت انسانی است. بنابراین تکیه براین نکته میتواند راهنمای مناسبی برای شخص باشد

نکته‌یی که باید به ان اشاره کرد و در زندگی برای من سبب موفقیت شده، احساس مسئولیت کردن و متعهد بودن است، بطوریکه کارگری را از سطح اولیه اغاز کردم ولی اکنون خود را شخصی متخصص و مفید برای واحد تولیدی خود و همچنین صنایع کشور خود احساس میکنم. این فقط در سایه حمایت و پشتکار بدست امده است علاقمند بودن به فراگیری- علاقه به کار و مسئولیت، پس با این تجربه آنچه که برای من ثابت شده و بر آن اصرار دارم علاقمند بودن است و در انجمن شهرستان نیز همین هدف و فلسفه را ترویج خواهم کرد و تمام کارگران و کسانی که با انها تماس پیدا کنم، این مسئله را یادآور خواهم شد زیرا اگر ما به مسائل شهر واطراف خود علاقمند باشیم حتی اگر علاقه داشتیم که با غرس یك درخت در بوجود آوردن فضای سبز کمك کنیم، بسیاری از مسائل را حل خواهیم کرد. پس علاقمند بودن، و خود را متعهد و مسئول دانستن میتواند بهترین خط مشی من درمدت خدمت در انجمن شهرستان باشد.»

سید حسین سادات حسینی، عضو انجمن شهرستان تهران

متولد سال ۱۳۱۲ از کاشان، ۱۵ سال پیش کارگری را اغاز کرد و تاکنون در مسائل مربوط کارگران فعالیت گسترده‌ای داشته است وعضویت شورای عالی سازمان کارگران ایران- هیات مدیره اتحادیه صنایع فلزی- هیات مدیره سازمان کارگران تهران- هیات تشخیص مطالبات سازمان تامین اجتماعی را دارا میباشد. وی همچنین مدت ۱۰ سال است که نمایندگی کارگران واحد تولیدی خود را نیز بعهده دارد و رئیس کانون شماره ۹۶۲۳ است.

حسینی در پاسخ نخستین پرسش ما در مورد وظیفه یك عضو انجمن شهرستان گفت: «شهر ما شهری است که از هر طرف گسترش یافته، بدون اینکه برنامه منظمی برای آن تدارك دیده باشند. بنابراین رساندن خدمات شهری نیز در چنین محدوده‌ای چندان کار ساده‌ای نیست و ناگزیر در آن بی‌نظمی دیده میشود که مسلماً برای این امر انجمن- شهرستان بایستی چاره‌اندیشی بکند.»

# تلاش و کوشش کارگران درانجمن‌های ملی، متوجه عموم طبقات بویژه کارگران خواهد بود

عبداله بلندفد، عضو انجمن شهر

حسین ابوحیدی، عضو انجمن شهر

علی خاقانی، عضو انجمن شهر

جعفر نماینده انجمن شهرستان

لطفعلی سلیمی انجمن شهرستان

قاسم مستعلی، عضو انجمن شهر

مظفر مروت‌جو، انجمن شهرستان

سیدحسین سادات‌حسینی، عضو انجمن شهرستان

در انجمن شهرستان فعلی ۸ نفر از کارگران راه‌یافته‌اند بنابراین با توجه به این مسئله آیا انجمن شهرستان فعلی میتواند تفاوتی با انجمن شهرستان قبلی داشته باشد؟

حسینی در پاسخ این سئوال اظهار داشت: «کارهائی که در انجمن شهرستان دوره گذشته صورت گرفته میتواند راهنمائی برای انجمن شهرستان فعلی باشد و با توجه به تعداد کارگران عضو انجمن این را باید انتظار داشت که با آگاهی از مسائل مردم اطراف شهر نیاز آنها را در انجمن شهرستان مطرح کنند تا برای آن چاره‌اندیشی بشود. بنابراین تفاوت را بیشتر در این میتوان ذکر کرد که در این دوره شناخت از نیازهای مردم اطراف شهر بیشتر است.»

قاسم مستعلی عضو انجمن شهر

وی ۳۰ سال پیش حرفه کارگری در رشته رانندگی را پیشه خود کرد و از جمله اشخاصی است که در سرویس حمل و نقل داخلی از تجربه و اطلاعات کافی برخوردار هستند. مستعلی از زمان تشکیل شرکت واحد اتوبوسرانی تا کنون در این موسسه فعالیت دائمی دارد و دارای عنوان نماینده ادارات مرکزی شرکت واحد است و در حال حاضر علاوه بر عضویت در سندیکای کارگران شرکت واحد مسئول تشکیلات سازمان کارگران ایران و عضو شورای عالی این سازمان نیز هست.

از مستعلی نیز همچون دیگر دوستان خواستیم که هدف خود را از عضویت در انجمن شهر بیان کند. وی اظهار داشت: شرایط بوجود آمده در دوران انقلاب و رستاخیز باعث شد تا هر چه بیشتر در راه خدمت به هموطنان خود احساس مسئولیت کنم. بنابراین باید بگویم که همین موضوع بود که مرا بر آن داشت تا کاندیدای عضویت در انجمن شهر بشوم.

عصر رستاخیز این فرصت را بهمه داده و میدهد که آنچه را در درون خود دارند آشکار سازند و استعدادهائی که تاکنون نهفته بود شکوفا شود و من این برداشت چون من این توانائی را در خود دیدم که میتوانم منشاء اثری باشم و برای همشهریان خود خدمتی انجام دهم، خود را کاندیدا کردم که خوشبختانه با پشتیبانی جامعه کارگری و عامه مردم این موقعیت برای خدمتگزاری برایم پیش آمد.»

مستعلی در پاسخ این سئوال که در قبال همشهریان خود چه وظیفه‌ای دارد گفت: با توجه به نیازهای شهر تهران و با توجه به مقدورات تا آنجا که امکان داشته‌باشد به اتفاق سایر همکارانم در انجمن شهر سعی خواهم کرد به این خواستها در حد قانون جامه عمل بپوشانم، بخصوص در مورد خواستهای کارگران عزیز که ما را مورد اعتماد و بعنوان نماینده شان در این انجمن راه یافته‌ایم.»

مستعلی در پایان سپس از خود به مردم تهران، بخصوص کارگران و همچنین اعضاء هیات مدیره سندیکاهای کارگری که در انتخاب وی فعالیت کرده‌اند، تقدیر کرد و گفت امیدوارم بتوانم در این راه لیاقت و شایستگی خود را به ثبوت رسانم و من باتفاق همکارانم سعی بر آن خواهیم داشت تا سرحد امکان آنچه را که بایستی یک عضو انجمن شهر انجام دهد، صورت تحقق ببخشیم.

## مظفر مروت‌جو، عضو انجمن شهرستان تهران

آقای مروت‌جو، یکی دیگر از دوستان عزیز کارگر است که در انتخابات انجمنهای ملی توانست به انجمن شهرستان راه یابد.

آقای مروت‌جو که مدت بیست سال است خود را کارگر میداند، همیشه سعی داشته در فعالیتهای اجتماعی، بویژه در امور کارگران منشاء خدماتی باشد. وی نماینده کارگران شیشه میرال است و همچنین در سازمانهای کارگری مسئولیتهای عمده‌ای بعهده دارد.

مروت‌جو در پاسخ این پرسش که هدف او از عضویت در انجمن شهرستان چه بوده است، گفت:

«کاندیدا شدن من در عصر رستاخیز دلیل خاص داشت: نخست بعلت سابقه طولانی کارگری که احساس میکنم با نیازهای شهری این گروه آشنا هستم و همچنین زندگی در تهران بزرگ آگاهیهائی را برای هر شخص بوجود می‌آورد و با توجه به این مسائل بود که خود را کاندیدای انجمن شهرستان تهران کردم تا شاید بتوانم از این طریق برای همشهریان عزیز خود خدمتی انجام دهم.»

آقای مروت‌جو سپس در مورد تعهدات خود اظهار داشت:

«سعی خواهم کرد در ارتباط با مردم نیازها و خواسته‌های قانونی آنها را بشناسم و در رفع آن بکوشم که البته در این امر باید به امکانات و نیروی انسانی توجه داشت.»

مروت‌جو سپس در این مورد که گروه کارگران در انجمن‌های ملی چه نقشی میتوانند داشته باشند گفت:

«گروه کارگران و منتخبین انجمن شهر و شهرستان تهران میتوانند کمکهای مؤثری در عمران شهری انجام دهند و بطور کلی کاری که ما انجام خواهیم داد باید کلی باشد و البته سعی ما بر اینست که در رفع نیازهای مردم تهران بزرگ کوشش دسته‌جمعی انجام دهیم و مسلماً در این میان مسائل مربوط به کارگران برای ما از اولویت بیشتری برخوردار خواهد بود.»

وی در اینجا متذکر شد من بسیار خوشحالم که مجله رستاخیز کارگران ارگان کارگران ایران این امکان را بوجود آورده تا منعکس کننده نظریات کارگران باشد و همچنین کارگران را در جریان پیشرفتهای کشور قرار دهد.

# آموزش سیاسی کارگران

# از اولویت خاصی برخوردار است

**گفتگوئی با دکتر منوچهر آزمون وزیر کار و اموراجتماعی و مسئول کمیته آموزش شورایعالی سازمان کارگران**

**در باره دکتر منوچهر آزمون بدانید:**

**●دکتر ازمون در یك خانواده روحانی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در این شهر بپایان رسانید و پس از دریافت دیپلم متوسطه برای ادامه تحصیل به کشور المان رفت و در رشته فلسفه و اقتصاد سیاسی تحصیل کرد و موفق به اخذ دکترا در رشته اقتصاد سیاسی شد و پس از بازگشت به ایران چند سال در دورههای تخصصی دانشگاه پلیس رشته فلسفه و تاریخ احزاب را تدریس کرد.**

**●دکتر ازمون تا کنون مشاغل متعدد دولتی داشته است که عبارتند از:**

**۱–مدیر کل خبرگزاری پارس**
**۲– معاون فنی وزارت اطلاعات و جهانگردی**
**۳– معاون امور اجتماعی وزارت کشور**
**٤– معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف.**
۵– نماینده اول تهران در مجلس شورای ملی.

**●دکتر ازمون از چهرههای معروف و فاضل ادبی معاصر است. او سالها قبل از سفر به المان و اروپا با مطبوعات ایران همکاری داشت و مقالات وی با نام مستعار «منوچهر قاطع» در مطبوعات بچاپ میرسید-علاوه بر این دکتر ازمون چند سال مجله «مسائل ایران» را شخصا منتشر میکرد.**

**● از دکتر ازمون علاوه بر مقالات متعدد و فراوان در زمینههای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، تا بحال دو جلد کتاب بنامهای: «نوشتههای دیروز» و «دنیای کمونیسم» منتشر شده است.**

**دید علمی و ژرف دکتر ازمون در مورد مسائل اجتماعی و ادبی، قلم شیوا و سلیس وی، نوشتههای این چهره اشنا را از اعتبار و ارزش خاصی برخوردار کرده است.**

● در کنگره اخیر سازمان کارگران ایران، شورای عالی سازمان کارگران مسئولیت کمیته اموزش را بعهده دکتر منوچهر ازمون- که در آن زمان هنوز وزارت کار و امور اجتماعی را به عهده نداشت- محول ساخت. و ما این گفت و شنود را پیش از اینکه دکتر ازمون بمقام وزارت کار و امور اجتماعی رسد، درباره وظایف و هدفهای کمیته آموزش بعمل آوردیم.

## گفتگو شنود از: «دیروز»

**نویسنده رستاخیز کارگران:**– «آقای دکتر ازمون ممنونیم از اینکه پذیرفتید بحث و گفتگوئی داشته باشیم در زمینه مساله آموزش کارگران و چند و چون این مساله. باتوجه به مسئولیتی که در کمیته آموزش کارگران بعهده شما محول شده، بهتر است در آغاز این بحث این سئوال را عنوان کنم که از دیدگاه شما مساله آموزش بطور اعم و آموزش کارگران بطور اخص چه تعریف و ابعادی را در بر میگیرد و دیگر اینکه آیا اولویت آموزش کارگران باید از هرجهت در مد نظر قرار گیرد؟»

**دکتر آزمون:**– «در آغاز باید باین نکته مهم، اشاره کنم که مساله اموزش از دیدگاه مسائل ملی از اولویت خاصی برخوردار است و بطور کلی بهتنها در جامعه امروز ما، بلکه در هر جامعهای این حالت وحود دارد و بدون آموزش پیشرفت یك جامعه قابل تصور نیست، بویژه آنکه امروز اموزش تقریباً تمام مسایل بشری را دربر میگیرد. ما تاکنون در جامعه خود کمتر به مسئله آموزش توجه عمیق و زیربنائی داشتهایم و دلایل این امر بسیار متعدد است که از حوصله گفتار ما خارج است. اما آنچه که من مخصوصاً بر آن تاکید دارم، اینستکه آموزش اصولاً یك مسئله زیربنائی است و از همین موضع باید مورد توجه قرار گیرد و برهمین اساس از اولویت خاصی برخوردار باشد، بویژه از نظر تقسیم اعتبارات مملکتی. بازده این سرمایهگذاری برای مملکت داشتن یك جامعه مترقی و پیشرفتهایست که از هرجهت برای انجام وظایف خودش آمادگی داشته باشد. درمورد آموزش کارگران تا آنجائیکه ظاهراً قابل رؤیت است ما کمتر به این مسئله پرداختهایم و کارگران ما بحد کافی از آموزشهای لازم، چه اموزشهای تخصصی و حرفهای و چه آموزشهای عمومی، برخوردار نیستند. یکی از مسائلی که در جامعه ما از اهمیت ویژه برخوردار است آموزش سیاسی است. در این مورد هم کارگران انطور که لازم بوده است بهره نگرفتهاند. البته مسئله آموزش سیاسی، مسئله خاصی است که جامعه ما بناچار باید بطور جدی به ان بپردازد. در اینجا باید بگویم فضای رستاخیز ایجاب میکند تا هرچه بیشتر با مفهوم واقعی یك جامعه سیاسی که در پی ساختن ان هستیم اشنا شویم. آموزش سیاسی یکی از مسایل بسیار حیاتی جوامع مرفه است و بنظر میرسد بدون آموزش سیاسی، جامعه نمیتواند به همبستگی و مشارکت ملی شکل بدهد، بعبارت دیگر آموزش سیاسی ملاك و مبنای پیوند و یکپارچگی ملت است که در سایه آن، جامعه میتواند شکل مترقی خود را پیدا کند. بهمین سبب باید به مسئله آموزش سیاسی کارگران توجه کافی و لازم بشود. اگر آموزشهای تخصصی برای کارگران موجب میشود که تولید از نظر کمیت و کیفیت در وضع و شرایطی قرار بگیرد که از تنگناها و نارسائیهای کنونی خارج بشود، بوسیله اموزش سیاسی کارگر در شرایطی قرار خواهد گرفت که دقیقاً متوجه خواهد شد برای چه تولید میکند و چرا تولید میکند و با کالائی که تولید میکند بکجا میخواهد برسد؟ در واقع روح جامعه را آموزش سیاسی مشخص میکند. من فکر میکنم کمیته آموزش سازمان کارگران ایران از دیدگاهی که مطرح کردم میتواند از اهمیت ویژهای برخوردار باشد و بهمین سبب است که باید به آموزش کارگران از طریق همین کمیته آموزشی توجه لازم بشود. البته وزارت کار و امور اجتماعی برنامههائی را اجرا کرده و من پس از بررسیهائی که کردم دیدم اقداماتی که شده گرچه قابل توجه است ولی کافی نیست. باتوجه باین وضع فکر میکنم مسئله آموزش در همه اشکال چه تخصصی چه عمومی و چه حرفهای و یا سیاسی از اهمیت خاصی برای کارگران که گردانندگان اصلی چرخ اقتصادی مملکت هستند برخوردار است».

●:– «کمیته اموزشی کدام هدفها را دنبال میکند؟»

**دکتر ازمون:** «همانطور که اشاره کردم فکر میکنم کمیته آموزش در سازمان کارگران ایران بیشتر از هر مساله باید به آموزش عمومی و سیاسی کارگران بپردازد. آموزشهای تخصصی البته میتواند یکی از هدفهای بسیار اساسی باشد کمااینکه وزارت کار و امور اجتماعی و همچنین واحدهای تولیدی در این راه گامهائی برداشتهاند، ولی فکر میکنم ما نباید به اینحد بسنده کنیم چون حقیقت این است که تولید ما به نیروی متخصص و متبحر احتیاج فراوان دارد. این کافی نیست که کارگرانمان را برای آموزشهای تخصصی در دستههای کوچك و بزرگ بخارج بفرستیم البته این کار خوبی است، اما فقط نباید به این اکتفاء کرد، باید بوسیله متخصصان امر کلاسهائی در زمینههای مختلف تولیدی برای بالابردن سطح دانش تخصصی کارگران تشکیل بشود بسیار بجا خواهد بود که کارگران ما ناگزیر از طی دورههائی بشوند که این دورهها آموزش تخصصی لازم را به آنان بدهد.

اگر دارای نیروی کار متخصص نباشیم چگونه ممکن است بتوانیم از تکنولوژی پیشرفته دنیای صنعتی بنفع پیشرفت صنعتی کشور بهره بگیریم و یا حتی چگونه ممکن است امید اینرا داشته باشیم که به ایجاد تکنولوژی ملی یا ایجاد صنایع ملی دست یابیم؟.

در دوران انقلاب شاه و ملت جامعه ما موفق شد با یك شتاب قابل توجه در راه گسترش صنایع (چه صنایع سبك و چه صنایع سنگین) گام بردارد اما با سرعتی که ما در این راه سرمایهگذاری کردیم و با سرعتی که در این راه از تکنولوژی خارج بهره گرفتیم صاحبان صنایع نیامدند نیروی کار را تربیت کنند و نیروی کار متخصص بوجود بیاورند. بسیاری از کارگران ما امروز تخصص لازم را ندارند. بعبارت دیگر اصولاً امروز

# بدون آموزش سیاسی جامعه نمی‌تواند به همبستگی و مشارکت ملی شکل بدهد

بزرگترین نقص پیشرفت صنعتی کشور ما بودن کارگر متخصص است . حتی شما در صنایع سبك و صنایع خانگی امروز میبینید بزرگترین مشکل کمبود کارگر ماهر و آگاه است . در آموزش تخصصی و حرفه‌ای کارگران از طریق بخش خصوصی یا سرمایه‌گذاری نشده و یا اگر شده بسیار بسیار ناچیز است . سرمایه‌داران یعنی صاحبان صنایع

کمتر به این فکر بوده‌اند که کارگر متخصص تربیت بکنند زیرا حرکت بخش خصوصی بیشتر در راه بدست آوردن سودهای کلان آنی بوده است تا تضمین سود متعادل و متعارف برای زمان آینده که تنها از راه اصولی بهبود مستمر کالا و افزایش متوازن سطح تولید ممکن است. این حقیقت است که بخش خصوصی حاضر نشده است سهم متناسبی از سودی را که در جریان صنعتی شدن مملکت بدست آورده است در راه متخصص کردن، تربیت کردن و آموزش دادن به نیروی کار بمصرف برساند

درصورتیکه لازم بود درجریان این پیشرفت و آن سود کلان به آموزش تخصصی کارگر هم توجه میکردند، مقصودم اینست که آنچه در این باره بعمل آمده سرمایه گذاری بسیار ناچیزی بوده است بویژه وقتی که مشاهده میشود سرمایه‌گذاری برای گسترش ابعاد صنعت بهیچ وجه با سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی متخصص که بتواند سلامت و پیشرفت صنایع را تضمین کند هماهنگ نبوده است، یعنی توازن میان این دو وجود ندارد، در جامعه ما صنایع با سرعت بارور شدند وابعادشان گسترش پیداکرد بدون اینکه کارگران از قدرت تخصصی لازم برخوردار گردند و آمادگی علمی برای حفظ رشد صنعتی را داشته باشند.

غیر از کم توجهی بخش خصوصی به امر آموزش مشکلات متعدد دیگری‌هم در این راه وجود داشته است مثلا یکی از این مشکلات کمبود استاد برای آموزش تخصصی و حرفه‌ای‌است توجه کرده‌اید که شاهنشاه آریامهر در زمینه آموزشهای حرفه‌ای تاکید فرموده‌اند که ما باید جامعه‌ای داشته باشیم که هر فرد آن در انجام کاری که بر عهده گرفته است مهارت داشته باشد یعنی ما یك جامعه متخصص میخواهیم جامعه‌ای

که در آن هرکس در کاری که انجام میدهد متبحر و کاردان باشد، و برهمین اساس شاهنشاه فرموده‌اند برنامه ریزی آموزشی مملکت صورت بگیرد. مسئله دیگر که بسیار اهمیت دارد این است که با آنکه امروز آموزشهای حرفه‌ای اهمیت بیشتری برای بقا و پیشرفت جامعه دارند متاسفانه روح آموزش ما به این طرف است که جوانهای ما را تشویق میکند که بروند یك مقدار آموزشهای ذهنی دانشگاهی را تعقیب بکنند، و بالمال بدنبال آن اوراقی باشند که بعنوان مدرك مورد استفاده آنها قرار بگیرد یعنی در واقع مدرك را در معرض فروش میگذارند نه دانش و اطلاعات و معلومات خود را، زیرا دانشی که امروز در سیستم آموزشی موجود به جوانهای ما داده میشود، اغلب دانش حفظی است یعنی جنبه فنی و تخصصی بآن معنی که جامعه ما طلب میکند، ندارد. بهمین سبب معمولاً جوانهای ما وقتی تحصیلاتشان بپایان میرسد، بقول خودشان همه کاره و هیچ کاره‌اند. درحالیکه شاهنشاه میفرمایند جامعه ما باید جامعه‌ای باشد که هر کس در کار خودش مهارت پیدا کند، این تبحر چگونه باید بدست آید؟ آیا سیستم آموزشی ما قابلیت و قدرت آنرا داردکه این تخصص را به جوانهای ما بدهد؟

تردید نیست در زمینه آموزش کلی مملکت به آموزش حرفه‌ای بحدی که میبایست توجه نکرده‌ایم و تا آن حد هم پیش نرفته‌ایم که جوانهای خودرا آماده پذیرفتن آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی کنیم و یك کار دیگر هم نکرده‌ایم یعنی شأن و اعتبار لازم را به آموزشهای

حرفه‌ای از نظر اجتماعی نداده‌ایم لذا جوانهای ما بیشتر عاشق بوروکراتیسم اداری و (نوکربابی) هستند تا خدمت در سازمان تولیدی کشور

اقتصاد جامعه انقلابی ایران آنچه کم دارد آموزش تخصصی و آموزش حرفه‌ای است، اگر دارای کادر لازم متخصص و ماهر نباشیم ممکن نیست بتوانیم ایران فردا را بسازیم، بهمین سبب امروز باید هم وزارت کار و امور اجتماعی و هم وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی و هم سازمان کارگران ایران و هم جامعه کارگری مملکت بیش از هر زمان دیگر به امر آموزش حرفه‌ای و تخصصی کارگران بپردازد و همانطور که اشاره شد دراین کار فقط نباید به این بسنده بشود که ما عده‌ای را بخارج بفرستیم ، بلکه باید در داخل کشور هم دوره‌های متعدد برای آموزش تخصصی و تربیت متخصصان و کارگر ماهر در همه سطوح بوجود بیاوریم، فکر میکنم این مسئله بسیار اساسی است و البته در کنار این مسئله روح فلسفی جامعه امروز طلب میکند که ما یك جامعه سیاسی داشته باشیم زیرا نمیتوانیم نیاز خود را به ایجاد جامعه سیاسی کتمان کنیم کارگر جامعه ما حتماً باید آگاهی کافی سیاسی و جهان‌بینی فلسفی مشخص داشته باشد حتماً بایدمسایل جامعه خود را بشناسد و با چگونگی آنها آشنا باشد و بالاخره بداند که تخصص خود را با چه فلسفه‌ای باید توام و هماهنگ بکند و چگونه روح فلسفی و دانش سیاسی‌اش را با مهارت فنی خود هماهنگ سازد تا بتواند یك جامعه سالمی را بوجود بیاورد. لذا فکر میکنم در کمیته آموزش سازمان کارگران ایران دو هدف باید هم پای هم مورد تعقیب و پی‌گیری قرار بگیرد و برای این دو هدف باید از همان مراحل اولیه بافت مشخصی در نظر گرفته شود، این دو هدف یکی تقویت و توسعه و همه جانبه کردن آموزش تخصصی و آموزش حرفه‌ای و دیگر همه‌گیر کردن آموزش سیاسی است باین منظور که همه کارگران به متن مسایل سیاسی هدایت شوند، تا دقیقاً با مسایل سیاسی وطنشان آشنا گردند، جامعه سیاسی را بشناسند و در ساختن آن از راه مشارکت وسیع و همه جانبه نقش ایفاء کنند و این اندیشه را در عمل هم بارور سازند که رستاخیز وطن عزیزمان جز از طریق پیدایش و تبلور جامعه سیاسی مفهوم واقعی و عینی نخواهد یافت تردید نکنیم که یك فرد آگاه نسبت به کار خود، ماهر در کارخود و یك فرد با شعور و آگاه نسبت به مسایل ملی و میهنی و مسایل سیاسی جامعه خود آنچنان فردی خواهد بود که دقیقا میداند چگونه باید از استقلال مملکتش، از تمامیت سرزمینش، از آزادی کشورش و از شرف کارش و حیثیت و هویت ملی‌اش دفاع کند.

این همان آگاهی است که شاهنشاه بر اساسش آمادگی ملی را بمفهومی وسیع و همه‌گیر امکان پذیر میدانند و خاطرنشان میسازند جامعه آنگاه بر پای خود استوار میماند که نسبت بآنچه میکند و میخواهد که بکند دقیقاً آگاه است، نه تنها آگاه بلکه معتقد و مؤمن است، بقای ملتها را در این رمز جستجو کنیم در آگاهی ملی در ایمان ملی و در آمادگی ملی.

## از دیروز...تا امروز...

### پای صحبت دوستان کارگر

# کار، و باز هم کار و ازدیاد بهره‌وری وظیفه کارگران در قبال مواهب انقلاب شاه و ملت است

خلیل‌الداغی- نماینده کارگران درمجلس شورای ملی- زندگی پرنشیب و فرازی دارد. او یکی از افراد پرتلاش و خود ساخته است. کارگر ساده‌ای که توانسته است در سایه پشتکار و همت و تلاش‌های پیگیر نه تنها تحصیلات خود را تاحد لیسانس دنبال کند، بلکه موقعیت اجتماعی چشمگیری را نصیب خود سازد. «الداغی» روبروی من نشسته است. میخواهم از دیروز و امروز حرف بزند، از یادها و یادبودها. از خاطرات تلخ و شیرینش... و او در آغاز به زندگی خود اشاره میکند:

### ● زندگی پرتلاش

- درسال ۲٤۹۸ شاهنشاهی در شهر سبزوار متولد شدم. تازمانیکه پدرم زندگی مرا تامین میکرد، توانستم دوره ابتدائی و چند سالی از متوسطه را طی کنم ولی بعلل مختلف و مشکلات خانوادگی تقریباً از سال ۲۵۲۰ راهی تهران شدم. مدتی در منزل یکی از بستگانم بودم تا اینکه درخیابان مولوی اطاقی اجاره کردم با ماهی ۲۵۰ریال و ضمن اینکه تصمیم داشتم شغل خوب و مناسبی پیدا کنم، مصمم بودم که بهرترتیب شده دیپلم خود را بگیرم. با انواع و اقسام مشاغل، از جمله ویزیتوری توانستم زندگی خود را تامین کنم. درسال ۲۵۲۳ با شغل کارگری با روزی ۱۰ تومان در فرودگاه مهرآباد استخدام شدم و همیشه بیاد دارم که پس از خاتمه ۸ ساعت کار، بکار دوم میپرداختم و ضمناً از درس خود غافل نبودم. این وضع تا سال ۲۵۲۷ ادامه داشت.

دراین سال بعنوان نماینده کارگران فرودگاه مهرآباد انتخاب شدم و تقریباً از همان سال فعالیت کارگری و اجتماعی خود را شروع کردم. درخلال این چند سال که درتهران بودم توانسته بودم دوره دوم متوسطه را طی کنم و طبق دعوتی که سازمان کارگران از من بعمل آورده بود، به تشکیلات کارگری تهران پیوستم. تقریباً تمام بعدازظهر و ساعات فراغت خود را در سازمان کارگران میگذراندم و اموری که مسئولین سازمان به من واگذار میکردند به نحو احسن انجام میدادم . در سال ۲۵۳۰ بعضویت هیئت مدیره سازمان کارگران تهران انتخاب شدم. همچنین در همین سال به عضویت هیئت حل اختلاف تهران که بالاترین مرجع رسیدگی باختلافات بین کارگر و کارفرما است بر گزیده شدم . لازم به تذکر است که این سمتها همه انتخابی بودند و از طرف نمایندگان کارگر و رؤسا و دبیران سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری این انتخاب بعمل می‌آمد.

در سال ۲۵۳۲ در تجدید انتخابات سازمان کارگران تهران، اول بعضویت هیئت مدیره و سپس از بین اعضاء هیئت مدیره که ۹ نفر بودند بسمت رئیس هیئت مدیره سازمان کارگران تهران انتخاب شدم و بیش از دو سال این سمت را داشتم و در اولین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران بعضویت هیئت اجرائی موقت حزب انتخاب شدم که در حال حاضر نیز این سمت را دارم . در سال گذشته هم بعنوان کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی از طرف حزب رستاخیز ملت ایران معرفی شدم و توانستم با رای مردم تهران بویژه کارگران، به مجلس شورای ملی راه پیدا کنم و در اولین اجلاسیه دوره بیست و چهارم بعضویت هیئت رئیسه مجلس شورای ملی

بقیه در صفحه ۸۸

# کارگر ناشی آتش بپا

## از حوادث بیاموزیم...
## از حوادث جلوگیری کنیم...

کارگری بنام « داراب مرادی» که چندی پیش در یکی از خانه های تهران مشغول نصب موکت بود، براثر نا آشنا بودن باموادی که باآن کارمیکرد، دچار آتش سوزی شد و در بیمارستان بستری گردید.

خبرنگار سرویس حوادث رستاخیز کارگران در مورد علت این حادثه و چگونگی بوجود آمدن آن مینویسد: کارگر نامبرده از طرف مؤسسه تزئیناتی قشنگ بکار فرمائی آقای جهاندیده موظف شده بود در منزل آقای رضائی موکت نصب کند.او از صبح روز حادثه در این منزل مشغول کار بود بعد از ظهر همان روز هنگامیکه مشغول نصب موکت هال منزل بود ناگهان فضای هال مشتعل شد و داراب مرادی از ناحیه دوصورت و قسمتی از پای چپ دچار سوختگی گردید و قسمت اعظم موکت هال و دیوار و درها سوخت و آتش به سایر قسمتها سرایت کرد که بلافاصله باکمك همسایگان و با استفاده از کپسولهای اطفاء حریق، آتش خاموش شد. علت حادثه فضای هال وجود بخاربنزین (حلال چسب) بوده که نسبت غلظت آن با هوا بحد قابل اشتعال رسیده بود و در این شرایط شعله یا جرقهای باعث اشتعال گردید در مورد منبع ایجاد جرقه یا شعله از کارگر مصدوم و برادرزاده صاحب خانه که در موقع حادثه در محل بود، تحقیق شد برادر زاده صاحبخانه مدعی است که در لحظه حادثه تمام شعلههای اجاق و پیلوت آن و شعله آب گرم کن خاموش بوده و در آن موقع کبریت نیز روشن نکردهاند داراب مرادی اظهار میدارد در حالیکه مشغول چسباندن موکت بود ناگهان دیده شعلهای از طرف آشپز خانه به هال رسید و هال آتش گرفت.

باتوجه به آنچه در بالا آمده منبع جرقه یا شعله دقیقاً معلوم نشده . لکن مسلم است در شرایطی که غلظت بخار بنزین در هوا بحد قابل انفجار برسد، هرگونه جرقهای اعم از جرقه ناشی از قطع و وصل کلید های برق و کلیدهای اتوماتیك دستگاههای برقی مانند یخچال و یا جرقه ناشی از تخلیه الکتریکی تسمه ساکن که در اثر مالش در بعض اجسام ایجاد میگردد و جرقه ناشی از برخورد دو جسم سخت باهم، میتواند این مخلوط بخار بنزین و هوارا مشتعل نماید. ضمناً هال خانه مزبور مستقیماً به فضای آزاد مربوط نبوده و در این شرایط بخار بنزین متصاعد شده از چسب (که بکف هال زده شده بود) در فضای هال جمع شده و مخلوط قابل انفجار بوجود آورده است چنانچه درهای اتاق به هال باز میبود بادر نظر گرفتن اینکه هریك از اتاقها بوسیله پنجره با فضای آزاد مربوط بودند، مسلماً دراثر پخش بخار بنزین در فضای بازتر و جریان هوا غلظت بخار بنزین در محل کار بحد قابل اشتعال و انفجار نمیرسید. از این رو بنظر میرسد که بی مبالاتی کارگر مذکور وعدم اطلاع وی از خطرات کاری که به آن گمارده شده، باعث این حادثه شده است. زیرا چنانچه این کارگر عزیز برای جلوگیری از متراکم شدن بخار بنزین درفضای هال از ساکنین خانه خواسته بود که درهای مربوط به هال را باز نگهدارند، مسلماً، آنها اینکار را انجام میدادند. بعلاوه کارگر می باید علاوه برتذکر بساکنین خانه درمورد اینکه هیچگونه شعلهای در اطراف محل کار نباشد خود وسایل گاز سوز و نفت سوز منزل را برای حصول اطمینان بخاموش بودن شعلهها و پیلوتها( گیرونه) کنترل میکرد. کارشناسان وزارت کار وامور اجتماعی در مورد علت این حادثه و راههای جلوگیری از حوادث مشابه آن به گزارشگر ما یاد آور شدند برای پیشگیری از اینگونه حوادث باید مسؤلان مؤسسات نصب موکت و کاغذ دیواری و غیره که با حلال های صنعتی سرو کار دارند، حتی المقدور از حلالهای کم خطر استفاده کنند و کارگران مربوط را از خطرات کارآگاه نموده و تعلیمات کافی از جهت مراقبتهای لازم و ایمنی بهنگام کار به آنان داده شود

### کارگرجوان غرق شد

آقای غلامحسین لطیفی، کارگری که دربندر ماهشهر مشغول تخلیه لوله های فلزی بود در اثر بی احتیاطی و لغزش ناگهانی بدریا سقوط کرد، و جان خودرا از دست داد. این کارگر در شرکت «کلف اجنسی» مشغول کار بود.

### جریان حادثه

گزارشگر ما ضمن تماس با کارشناسان وزارت کارو امور اجتماعی، و بررسی مدارك بدست آمده، درگزارش خود پیرامون این حادثه مینویسد طبق اظهارات عمکاران حادثه دیده کارگر متوفی در حالیکه مشغول جابجا کردن لولههائی برروی تریلی بوده، براثر بازشدن چنگکهای تریلی تعادل خود را از دست می دهد و بدریا سقوط میکند. پس از سقوط کارگر از بالای تریلی و گویا برخورد او بالبه دوبه (درفاصله بین دوبه واسکله) به آب می افتد و درهمین هنگام، راننده جرثقیل برای نجات اوخود را به آب می زند ولی متاسفانه موفق به نجات کارگر حادثه دیده نمی شود و او در دریا غرق میشود

### علت حادثه

عدم هماهنگی کار بین کارگران ( کارگر علامت دهنده راننده جرثقیل و کارگران طناب بند) موجب از بین رفتن نظم نقل وانتقال بار که مقررات خاصی دارد میشود و اهمیت این هماهنگی با توجه به وسعت کم فضای کاروزمان حادثه (۹/۲۰ بعد از ظهر) بیشتر بچشم میخورد

از طرفی با توجه باینکه این قبیل کارگران که در مجاورت آب و یاروی سطح آب کارمیکنند همیشه مواجهباخطر سقوط در اب میباشند، لازم است از طرف کارفرمایان برای گرفتن آنها از آب و نجات شان و جلوگیری از وقوع حادثه وسایل نجات غریق فراهم آورند و کلیه اقدامات لازم در این زمینه انجام گیرد.

### پیشنهاد برای جلو گیری از حوادث مشابه

۱- هدایت دربالا بردن و پائین آوردن و حمل ونقل بار توسط دستگاههای بالا برباید بوسیله علائم مشخصه یکنواخت و قابل فهم که توسط مقام صلاحیت دار تعیین شده است بعمل آید. بطوریکه هرحرکت دارای یك علامت مجزا باشد و بهتر است که این علائم با دست انجام گیرد.

۲- درمواردیکه بیش از یکنفر کمك برای بالا بردن باروجود داشته باشد باید علائم فقط بوسیله یکی از آنها(زنجیربان- قلاب زن و طناب بند و غیره ) که همیشه در میدان دید راننده بالا قرار دارد داده شود.

درهرحال راننده بالا بربایستی از علامت توقف که توسط هریك از افراد کمکی فوق الذکر داده میشود، اطاعت کند.

۳- برای نجات کارگرانیکه از سطح دوبه ها و یا اسکله ها به آب سقوط می کنند، از طرف شرکت باید وسائل نجات از قبیل تیوپ نجات تهیه شود و نیز شخصی وارد به امر نجات غریق برای کمك به کارگرانیکه در اب سقوط می کنند، درمحل بکارگماشته شود.

٤- هنگامیکه بالا بربدون بار کارمیکند، باید رانندگان بالابر قلاب بالا بر را قبلا بارتفاع مناسبی برسانند، بطوریکه فاصله کافی بین قلاب و اشخاص یا اشیاء وجود داشته باشد.

### مرگ در آتش

چندی پیش در کارگاه ماشین شوئی آقای محمد نوری ، واقع در شهرستان رشت بعلت یك بی‌احتیاطی آتش‌سوزی بوقوع پیوست و بر اثر آن یك پسر بچه ۱۲ ساله دچار سوختگی شد که بعد از مدتی درگذشت. گزارشگر ما ضمن بررسی وقوع این حادثه، چگونگی امر را بشرح زیر گزارش کرده است.

### چگونگی حادثه

دراثر ترکیدن منبع نفت سفید و انتشار نفت باطراف و وجود ماشین دستگاه مولد بخار، آتش سوزی رخ داده است. بهمراه انفجار، دریك لحظه آتش تمام کارگاه را فرا میگیرد و دونفر باسامی هادی و اسماعیل حسین‌جانی در محاصره آتش قرار میگیرند هادی که در نزدیکی در خروجی بوده است، می‌گریزد، ولی اسماعیل در داخل آتش محبوس و طعمه حریق می‌شود. آتش سوزی به خانه مجاورو دکانهای مشرف به کارگاه نیز سرایت و خسارات فراوانی به آنها وارد میکند.

### علت حادثه

منبع نفت سفید برای استفاده مولد بخار تعبیه شده و عملی کاملاً شبیه پریموس انجام میدهد. در این منبع ابتدا نفت ریخته و سپس بوسیله تلمبه هوا در بالای سطح نفت فشرده میشود، و نفت از طریق یك لوله با فشار از سر مشعل که در زیر مولد بخار قرار دارد، خارج می‌شود و سوخت انجام می‌گیرد. این منبع بشکل استوانه، و بارتفاع تقریبی ٦۰ الی ۸۰ سانتیمتر و قطر آن ۳۰ الی ٤۰ سانتیمتر است و برای استفاده با تلمبه دستی ساخته شده بود، ولی اخیراً کارفرما بجای تلمبه دستی، یکدستگاه پمپ برقی نصب کرده بود که بوسیله این پمپ هوا در داخل منبع فشرده میشد و وسیله کنترل عبارت از یکعدد فشارسنج بوده که هنگام هواگیری منبع کارگر بوسیله فشارسنج میزان فشار را تشخیص داده و مبادرت به قطع پمپ مینمود و دراین شرایط کمترین غفلت کارگر باعث ازدیاد فشار داخل منبع شده و خطر انفجار را بوجود آورده است. زیرا هیچگونه وسیله ایمنی روی منبع یا پمپ تعبیه نشده بود تا از ازدیاد فشار داخلی منبع جلوگیری و یادر حد معینی از فشار،پمپ را قطع کند. در روز حادثه نیز مسلماً درحین کمپرس کردن هوا در داخل منبع نفت، کارگر از کنترل فشار سنج غافل شده و چون منبع مذکور برای استفاده از تلمبه دستی با فشار کم ساخته شده بود، تحمل فشار ناشی از پمپ را نیاورده و از ضعیفترین نقطه( محل جوش صفحه قاعده تحتانی با دیوار جانبی منبع) ترکیده است. بنابراین حادثه در اثر استفاده از وسایل نا متناسب و فاقد وسایل ایمنی بوقوع پیوسته است.

امروزها که ماشین و صنعت جائی در فضای زندگی ما نداشت، مرگ و میر بصورتی طبیعی و براثر بیماری‌های گوناگون اتفاق می‌افتاد. در گذشته مرگ زودتر بسراغ کسانی میرفت که سن و سالی بیشتر از حد متوسط گذرانده بودند، اما از هنگامی که صنعت و مزایای آن در کنار زندگی انسان قرار گرفت، بناگزیر حوادثی نیز باخود بهمراه

# کرد!

محمد رضا سفری،
کارگر کارخانه
کفش‌سازی

احمد عابدینی، کارگر سازمان برق رشت

وجیه‌الله سلطانمرادی، کارگر کارخانه سپنتا

گزارش از: پرویز میلانی

آورد و ازجمله جفاکاری‌های آن، اینکه هر روز، و هرچه بر دامنه فعالیت این غول نوپا افزوده میشود، انسان‌های ناآگاه از چگونگی استفاده ازاین وسایل را که موجب راحتی زندگی است، بکام می‌کشد و سبب مرگ آنها میشود. بطور مثال به تصادفات جاده‌ها اشاره می‌کنیم. همانطور که میدانید روزی نیست که تصادفی را شاهد نباشیم و هموطنان ما یکی از عزیزانشان را در این راه قربانی ندهند. راستی چرا اتومبیل، این ساخته و پرداخته دامان صنعت این چنین قتل عام می‌کند و پیر و جوان ، زن و مرد و کودك را

بکام مرگ میکشاند؟.. راستی چرا؟ آیا بعلت خشونت و نبودن احساس ماشین است؟ نه، ماشین چنین نا مهربان نیست، بلکه مائیم که با او نا مهربانی میکنیم و مقررات و موازینی را که برای استفاده از آن در نظر گرفته‌اند، بکار نمیبندیم. مثلا مقررات رانندگی بماحکم میکند در فلان خیابان یا جاده ،با سرعت ۸۰ کیلو متر در ساعت بیشتر نباید رانندگی کنیم،اما اغلب مشاهده میکنیم افرادی هستند که در همان خیابان یا جاده با سرعتی بیش از ۱۲۰ کیلو متر اتومبیل میرانند، و بعد انتظار داریم که این مرغ سبکبال ما را سلامت به مقصد برساند!!

از اتومبیل که بگذریم، برای کار کردن با هر یك از دستگاههای کارخانه‌های صنعتی نیز مقرراتی در نظر گرفته شده که اگر با توجه به آن دستورالعمل‌ها رفتار شود حادثه‌ای ببار نخواهد آمد، و در غیر آن حوادث نا گواری را شاهد خواهیم بود. در هر صورت تجربه نشان داده است که نا آشنائی و یا عدم رعایت مقررات محیط کار و بی احتیاطی و بی توجهی، حادثه ببار می آورد. امیدواریم دوستان عزیز کارگر برای مبارزه با این معایب صنعت و جلوگیری از مرگ‌های زودرس با مقررات محیط کار و دستگاههائی که با آن کار میکنند، آشنائی کامل یافته، آنرا رعایت کنند تا هیچگاه دچار حادثه‌ای ناگوار نگردند.

## گفتگو با کارگران حادثه دیده

این بار گزارشگر سرویس حوادث رستاخیز کارگران، پرویز میلانی، به مرکز شماره ۲ مرکز درمانی رفت و با چند تن از کارگران حادثه دیده که در حین کار دچار نقص عضو و یا حوادث کاری شده‌اند باآنان‌بگفتگو نشست و علل وقوع حادثه در حین کار را از آنان جویا شد.

## کارگر با تجربه دچار حادثه شد

گزار شگر ما می نویسد اولین کارگری که در این مرکز عیادت کردم، آقای محمد رضا سفری بود که در کارخانه کفش ملی کار می‌کرد. او که ۳۱ سال از عمرش میگذرد و ۱۲ سال سابقه کار دارد و روزانه ۱۱۰۰ ریال دستمزد دریافت می‌کند، در مورد حادثه‌ایکه برایش پیش آمده، گفت: چند روز پیش مشغول بستن کابل برق در یکی از قسمتهای کارخانه بودم که بر اثر غفلت و بی‌توجهی، ناگهان از ارتفاع سه متری بزمین سقوط کردم. با اینکه چندین سال است کار سیم کشی انجام میدهم با این وصف دچار برق گرفتگی شدم و این حادثه برایم پیش آمد.

او یاد آور شد از طرف من در مجله رستاخیز کارگران به سایر همکاران من هشدار دهید که همیشه بهنگام کار، مخصوصاً کارهای حساس، دقت و توجه کافی داشته باشند و باتکای اینکه چندین سال کار کرده‌اند، پس دیگر احتیاجی نیست مثل یك کارگر کم تجربه دقت کنند، باشند

## بشکه روغن منفجر شد و.....

دومین کارگری که در این مرکز پای صحبت و نشستیم، آقای وجیه‌الله سلطانمرادی نام داشت که یکسال سابقه کار در کارخانه سپنتا دارد. او که دارای یك فرزند است. مدتیست حرفه جوشکاری را برای امرار معاش خود انتخاب کرده است.

در مورد حادثه‌ایکه برایش پیش آمده، گفت: من یك کارگر جوشکار هستم. روز حادثه در محل کارم مشغول انجام وظیفه بودم. در کنار محل کارم یك بشکه روغن وجود داشت که بعد از چند مدت که از کار من می‌گذشت، بر اثر حرارت دستگاه جوش بشکه روغن داغ شد و منفجر گردید و همانطور که می‌بینید باعث شد دست و صورت من باین وضع اسفناك دچار سوختگی شود.

این کارگر حادثه دیده اضافه کرد: برای جلوگیری از حوادثی مشابه حادثه‌ایکه برای من پیش آمده لازم است شما از طریق مجله به کارگران عزیز بخصوص جوشکارها توصیه کنید در محلی که کار می‌کنند قبل از شروع کار اطراف را با دقت از هر جهت بررسی نمایند، تا خدای نکرده وسایلی وجود نداشته باشد که بر اثر انجام کار در آن محیط دچار آتش‌سوزی شوند. و حادثه تلخ ببار اورند.

## حادثه در میانکو

چند روز پیش یکی از کارگران شرکت ملی گاز ایران بنام علی‌شیر مولوی هنگامیکه در مسیر خطوط لوله گاز آغاجاری میانکوه مشغول کار بود. در اثر وینچ کردن یکی از میله‌های آهنی که در مسیر خطوط لوله قرار داشت ناگهان میله از بالا به پشت کارگر نامبرده اصابت کرد و در اثر شدت ضرب مهره‌های نخاع، کمر و چند دنده او بشدت سیب دید. بیدرنگ نامبرده بوسیله کارمند مسئول به بیمارستان شرکت ملی نفت ایران در آغاجاری انتقال یافت، ولی تلاش پزشکان و معالجات درباره وی مؤثر واقع نشد و در اثر خونریزی شدید داخلی در بیمارستان درگذشت.

جنازه وی پس از تشریفات قانونی، در میان هزاران کارگر و مردم شریف آغاجاری تشییع و در میانکوه بخاك سپرده شد. علی‌شیر مولوی ۳۲ سال داشت و یکی از بهترین کارگران منطقه میانکوه بوده که باخصائل نیکویش همیشه در دل همکاران خود جای داشت و با مرگ او کلیه کارگران و بازماندگان این کارگر جوان داغدار شدند.

از: غلامرضا قیصری

**میزگرد سندیکای کارگران «زاگروس» شرکت کنندگان در میزگرد**

| | |
|---|---|
| ۱– محمدباقر طباطبائی | مدیر کارخانه و نماینده کارفرما |
| ۲– عباس عابدینی | رئیس هیات مدیره سندیکا |
| ۳– یداله شریفی | دبیر سندیکا |
| ٤– الهوردی فاتح‌اعظم | نماینده کارگران زاگروس |
| ٥– یحیی کرابی | عضو سندیکا |
| ٦– سیدمحمد کرابی | خزانه‌دار سندیکا |

● آقای مظفر مروت‌جو نماینده کارگران شیشه میرال نیز بعلت نداشتن سندیکا بعنوان نماینده کارگران این واحد تولیدی در این گفت و شنود شرکت کرده است.

### لازم است در ارزیابی خانه‌ها افزایش قیمت زمین و خانه در طول ۷ سال گذشته در نظر گرفته شود

# دوری مسکن کارگر از محل کار موجب اتلاف وقت می‌شود...

کارمندان بخش خصوصی که از سال ۲۵۳۱ شاهنشاهی (۱۳۵۱) در کارگاهها مشغول کار

خواهد داد. متاسفانه نبودن دفترچه باعث شده است که بعضی از بیمارستانها از پذیرش بیمار خودداری کنند و سبب ناراحتی متوسل شوند که از انجمله نداشتن پزشک و نبودن ... است. امیدوارم دفترچه‌های راهنما گره این کار را بگشاید. بعضی از پزشکان طرف قرارداد با سازمان هم صبحها بیمار نمیپذیرند و میگویند برای بعداز ظهرها قرار داد داریم. چه بجا است که رفع این نقیصه هم بشود.

بعضی از کارگران برای بیمه کردن مادرشان که سنهائی از عمرشان گذشته مراجعه کرده‌اند و بعضی هم برای پدرانشان. شرط سنی را که

برای بیمه شدن پدران ومادران گذاشته‌اند مانع برخورداری آنها از بیمه میشود. استدعا داریم ترتیبی داده شود که شرط سن پدر ومادر ملغی شود تا بدینوسیله این اشخاص هم بتوانند از مزایای بیمه استفاده کنند.

راجع به بعضی از بیمارستانها هم گله‌مندی وجود دارد. مثلا بیمارستان شماره ۲ در جاده قدیم کرج که محل مراجعه ۳۰۰ تا ٤۰۰ هزار کارگر است این بیمارستان گاه به بیماران وقت دوماهه میدهد، و تازه بعداز این مدت هم ممکنست نوبت را تجدید کند.

ممکن است مدت کارگران را نسبت به بستری شدن بیمورد بدانند. دلیل شتاب کارگران برای بستری شدن این است که مبلغی را که بابت غرامت در طول مدت بیماری به او میپردازند، چندان کافی نیست. از این رو تلاش میکنند هرچه زودتر بهبودی یافته بکار خود مشغول شوند.

مطلب دیگری را که بعرض میرسانم، مربوط به کارخانه میشود، که خوشبختانه آقای طباطبائی مدیر کارخانه حضور دارند و بخاطر همکاریهای

زحمتکشان ... سپاسگزاری میکنیم. ممکن است مواردی پیش بیاید که اتوبوس نتواند کاری بکند. مثلا همین سقف کارخانه که توضیح دادند، و همچنین حمام که هزینه‌ای صرف شده ... شود.

گرفتاری راجع به سرویس آمد و رفت و ... دیگری است که به آن اشاره میکنم. کارخانه با یك شرکت قراردادی به این منظور تعهد بسته که پیمانکار وسیله آمد ورفت کارگران را فراهم کند در صورتیکه یا اصولا ماشین نمیفرستند یا مثلا بعداز خاتمه کار حاضر نمیشوند. در این خصوص با کارفرما مذاکره کرده‌ایم. ...

معتقدند بهتر از این ماشینها فعلا پیدا نمیشود. کارگران عقیده دارند بالاخره مرجعی باید برای نظم بخشیدن به این سرویسها قدم کند، حتی وزارت کار باید در اینمورد نظارت داشته باشد.

**یداله شریفی** دبیر سندیکا: منظور این نیست که دولت یا وزارت کار سرویس بگذارد، بلکه نظر براین است که وزارت کار نظارت کند که ... مسئولینی که تعهد کرده‌اند صفرد بروند.

**سید محمد کرابی** خزانه‌دار سندیکا: ... در حضور آقای کارفرما ... در شهر ... سد شهر و بعد دور افتادگی ... این عیب مسکن ... این پراکندگی موجب کمبود کارگر نمیشود. خوشبختانه شاهنشاه آریامهر که پیوسته در اندیشه تامین رفاه هرچه بیشتر عموم مردم وویژه کارگران هستند، مقرر فرموده‌اند راجع به وضع مسکن کارگران هرچه زودتر چاره‌اندیشی شود و امیدواریم فرمان معظم‌له هرچه زودتر تحقق یابد.

**سید محمد باقر طباطبائی** (مدیر کارخانه ونماینده کارفرما): ضمن تشکر از محبت زحمتکشان

کارگران که امکان گردهمائی کارگر و کارفرما را در ... فراهم ... در این کمیته خوشحالی خود را ... که وضع ... این کارخانه ... 

... برخی نقصهای موجود در کارخانه ... خود بیشتر قبول ... میکند ... همواره سعی ... که دوستی ... کارگران حفظ کرده و به رفاقت وهمکاری ... پس ببرد بطور قطع کار ... خواهد ...

خود آقایان گفتند در بدو تاسیس کارخانه از جهت کولر و بخاری در مضیقه بودیم، ولی چون علاقه وجود داشت، سعی کردیم بتدریج رفع نواقص را بکنیم و وضعی را بوجود آوریم که هم اکنون کارگران ما از آن راضی هستند.

راجع به حمام کارخانه اطلاع دارید ... مشکلاتی که ... جهت سازمانهای مربوطه ... شهر ... موضعی که ... نظر ... ساختمانی ... حتی خود نماینده سندیکا ... مسئولین مربوط ... حمام ... اقدام کنیم. خوشبختانه ... چندی ... مضیقه برطرف شد ... که فعلا کارخانه ... معمول ... ورودی این مسئله ... خواهد رفت.

امروز اطلاع یافتم که آب سردکن تهیه شده ... کارگری که ... نصب کند ... کرده‌ایم ... هم در مورد نصب حمام همین ... کارگر مختص است، شرکتی که با

ما قرارداد منعقد ساخته کار کرد ندارد. در این مورد فقط میتوانم قول بدهم که بزودی رفع این نگرانی خواهد شد. راجع به سرویس آمد ورفت هم، یکی از عوامل مهم تاخیر ورود اتوبوسها ترافیك است یکی دیگر هم ... است. به طور تاکید در خصوص این مسائل اولیای مسئول بی‌تفاوت نیستند. بلکه تا حد ممکن سعی میکنند موانع را از سر راه بردارند. خوشبختانه ... کارمندان و ... کارهای خود را شروع کرده و ... زندگی است که ... و پس از مدتی ... خود ... که موفق نشده‌اند و گو ... کرفته‌اند ... که ... تصور نکنید که کارفرما ... وضع سرویس ... هرگز ... وقتی ... میکنیم ... امروز مثلا ... نیرو ... چون کمبود کارگر مشکلاتی را بوجود ... ... مسکن ... کارهائی انجام میگرفته است.

در خصوص مسکن آقای کرابی مطالبی بیان داشتند و گفتند کارگران در نقاط دور افتاده مسکن گزیده‌اند. کارخانه ما اگر نتوانسته است خانه در دسترس کارگران بگذارد، حداقل برای مسیرهای دور هم سرویس رفت و آمد برقرار کرده است و نمونه آن اتوبوسهای شاد شهر است.

من از وزارت کار و امور اجتماعی خواهش میکنم هر یك ماه، مقامی را که مسئول سندیکاهای کارگری است بکارخانه ما بفرستند و رابطه کارفرما و سندیکا را اگر خدای ناکرده نزدیك نیست نزدیکتر کند. چه اگر مواردی پیش آید و کارگری مرتکب خلاف شود، چنانچه سندیکا بتواند با جلب اعتماد کارگران آنها را تحت ارشاد و راهنمائی قرار دهد و بعبارت دیگر کارگر را برای کارخانه مفید سازد، آن وقت کارفرما هم از وجود سندیکا استفاده خواهد کرد. حق مسکن که به آن اشاره شد، اگر این مورد قانونی است، با توجه بدوستی موجود بین کارفرما و کارگر آقایان از طریق قانونی حق خود را بخواهند. کارفرما بدون هیچ عذری تقاضای شمارا خواهد پذیرفت و اگر حقی قانونی نیست، کاری نمیتوان کرد و هرگز نمیشود کارفرما را مجبور به انجام آن ساخت. گر چه بسیاری از کارگران ما خوشبختانه مسکن دارند و امیدواریم همه کارگران داشته باشند.

**یداله شریفی**: بنا به امر مطاع شاهنشاه آریامهر طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا شده، ولی همانطور که اطلاع دارید و مسئولین امر هم میدانند، طبقه‌بندی در بعضی از کارخانه‌ها به آن صورت که منظور و مراد است اجرا نشده و نارسائی‌هائی دیده میشود.

بعداز پیاده شدن هم مثلا در ماده ۷ آئین‌نامه طرح، قید شده است که بعد از سه سال امکان تجدید نظر درباره آن ممکن است و کارفرما هم قبول کرده است. امیدواریم بهمان صورت که مورد نظر قانونگذار است مورد عمل قرار گیرد.

**سید محمد باقر طباطبائی**: در مورد طرح طبقه‌بندی مشاغل و اجرای آن در کارخانه ما خوشبختانه هر جا که مورد ایراد کارگران واقع شده، کنار هم نشسته‌ایم و مانع تضییع حق کارگران شده‌ایم. حال اگر میبینید از کسی حقی ضایع شده است، بفرمایند تا اقدام کنیم.

**یحیی کرابی** (عضو سندیکا): اصولا در کارخانه

بقیه درصفحه ۸۹

رپرتاژی از کارخانه و کارگران ماشین‌سازی تبریز

اسلایدها از: علی‌اکبر رهبر

# تجلی نیروی اندیشه و باز

......و تو ای خواننده عزیز

این‌بار، با رستاخیز کارگران به سفر میروی، به سرزمین مردپرور آذرابادگان، آنجاکه زرتشت زاده شد. آنجاکه ستارخان و باقرخان پرورش یافتند و در انقلاب مشروطیت، در روزهائی که میرفت کوشش آزادیخواهان بی‌ثمر شود، مردانه قد برافراشتند و در اهتزاز پرچم پیروزی فداکاری‌هائی کردند، که تاریخ کشور ما هرگز آنرا از یاد نخواهد برد. خوانندهٔ عزیز، با ما همگام شو، زیرا که می‌خواهیم با هم از صنایع این‌گوشه وطنمان دیداری داشته باشیم و باخواهران و برادران کارگر آذرابادگانی خود گپی و گفتگوئی.

## گزارش از: محمود اشوری

هواپیما از اوج آسمان بتدریج ارتفاع خود را کم می‌کند و از پنجره آن، مسولشهر تبریز و کارخانه‌های عظیم اطراف آن «ماشین‌سازی» و «تراکتورسازی» و چند کارخانه کوچکتر پیدا می‌شود. در بلندگو دستورات هنگام فرود را یادآوری می‌کنند و همه مسافران آماده می‌شوند.

یکبار دیگر به یاد ماموریتی میافتم که مجله مهیده من «کزارشگر» و همکارم خبرنگار عکاس گذاشته است و درهمین هنگام منظره یك شهرك کوچك با ساختمانهائی مرتب و منظم نظرم را جلب می‌کند. از همکارم جویا میشوم و درحالیکه او مردد است چه پاسخی بدهد، مسافر بغل‌دستیم میگوید: این ساختمانها متعلق به کارخانه ماشین‌سازی تبریز است و کارگران کارخانه، در اینجا زندگی می‌کنند. اشتیاق دیدن کارخانه‌های این استان و آشنائی با کارگران آن‌ها باعث می‌شود که بدون هیچ استراحتی، کار خود را شروع کنیم. نخست به ماشین‌سازی میرویم و بعد هم بسراغ تراکتورسازی.

• • •

ازدور سواد کارخانه را می‌بینم که بواقع مانند نگین درخشانی است که در محیط تاریکی نور بپاشد و تلألؤ آن چشم را خیره کند، چرا که کارخانه در بیابانی پر از سنگ و خار و علفهای هرزه قد برافراشته و درختان سرسبز و گلهای رنگارنگ اطراف آن زیبائی فوق العاده‌ای آفریده است و به آشکار معلومست که برای حفظ طراوت گلها و درختان باغ کارخانه کوشش زیادی بعمل می آید.

بهر جهت وارد کارخانه می شویم. کارخانه‌ای که بقول مسئولانش سن متوسط کارکنان آن حدود ۳۶ سال است و شاید همین امر حکایت از جوانی آن واعضایش می کند و از سوی دیگر این انتظار را بحق بر میانگیزد که با واحد پرتحرکی روبرو خواهیم شد و [illegible] چنین است چرا که نقش امید وامیدواری در سیمای تمام اعضای این خانواده از کارآموز نوجوان ۱۵ ساله‌اش گرفته تا آن مرد میانسال پنجاه ساله، جلوه‌گر است. با مسئولان کارخانه آشنا میشویم و بعد همینکه میخواهیم بطرف کارگاهها برویم، بما میگویند کارگران امروز را جشن گرفته‌اند و شما اگر میخواهید اول در جشنشان شرکت کنید و بعد بدنبال تهیه مطالب خود بروید.

رهسپار سالن اجتماعات کارخانه می شویم، بیش از دوهزار و هفتصد نفر کارگر، تکنیسین، مهندس و کارمند کارخانه بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی و آغاز سی و ششمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر، جشنی برپا داشته‌اند که واقعاً دیدنی است. آنها که چندی پیش شاهد تشریف فرمائی شاهنشاه آریامهر به تبریز و کارخانه خود بوده‌اند و هر بار پس از بازدید شاهنشاه از کارخانه اثرات آنرا در تامین رفاه بیشتر خود مشاهده کرده‌اند، امروز بپاس اینهمه عنایت و بذل توجه، میخواهند سپاس بیکران خود را از خدای خویش بخاطر داشتن چنین رهبری ابراز دارند و بهمین جهت یك لحظه دست از سپاس بدرگاه ایزد یکتا و ابراز احساسات نسبت به شاهنشاه آریامهر بر نمیدارند و گوئی که میخواهند باین وسیله فریادهای «زنده باد شاهنشاه» و «سپاس ... سپاس» خود را آنقدر اوج بدهند که پیوسته در فضای وطنشان طنین داشته باشد.

در جشن کارگران شرکت می کنیم و پس از ساعتی برای تهیه مطالبی در باره کارخانه سیر و گشت خود را شروع می کنیم.......

### تاریخچه کارخانه

ماشین سازی تبریز که در واقع تکانی انقلابی و جهشی عظیم در پایه‌ریزی و رشد صنایع وطنمان بشمار میرود در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر برای صنعتی شدن کشور بوجود آمد و سرآغاز آن به بهار سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی (۱۳٤٦) بر میگردد که بر اساس موافقتنامه همکاریهای فنی و اقتصادی ایران و چکسلواکی مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹٦٦، اولین گام جهت تاسیس آن بر داشته شد.

بر اساس طرح اولیه، این مجتمع عظیم در زمینی بمساحت ٥٤ هکتار احداث شد که مساحت زیر بنای تاسیسات و قسمت‌های مختلف کارخانه ۱۰۳۳۲۰ مترمربع میباشد و تا کنون نیز ساختمانهای دیگری به آن افزوده شده است. میزان سرمایه‌گذاری در مرحله اول که از زمان تاسیس (فروردین ۲۵۳٦ شاهنشاهی- ۱۳٤٦) تا تاریخ افتتاح (بیستم شهریورماه ۱۳۵۱- ۲۵۳۱ شاهنشاهی) میباشد، پنج میلیارد و ششصد میلیون ریال است و تولیدات کارخانه سالانه ۱۰۰۰۰/ تن انواع ماشین آلات از قبیل ماشین های ابزار سازی - الکتروموتور- پمپهای آب- پرس- کمپرسور و موتورهای دیزل است.

در مرحله دوم که بر اساس فرمان شاهنشاه آریامهر، طرح توسعه کارخانه به اجرا در آمد، با سرمایه‌گذاری به مبلغ پنج میلیارد و یکصد و چهل‌میلیون ریال طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ (۲۵۳۲ تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی) به اتمام میرسد که علاوه بر تولیدات قبلی، انواع ماشین‌های تراش، فرز، سنگزنی، عناصر هیدرولیکی و پرس‌های اکسانتریك نیز تولید میشود.

### نظارت دقیق و همه جانبه

نکته جالب توجه در جریان احداث کارخانه و تاثیر شگرف آن بر روحیه کارگران که هنوز نیز از آن یاد می کنند توجه عالیه شاهنشاه آریامهر بر نحوه کار و پیشرفت این مجتمع عظیم است که باعث دلگرمی فوق تصور همکارکنان آن شده است.

در این مورد تنی چند از کارگران قدیمی کارخانه در گفتگوئی پیرامون وضع خود میگویند: یکی از وقایع پر افتخار زندگی ما، بازدیدی است که رهبر وطنمان در مهرماه سال ۱۳۵۰ بدون اطلاع قبلی از کارخانه بعمل آوردند.

آنروز رهبر بزرگ ما بی هیچ پیرایه بمیان ما کارگران تشریف فرما شدند و از قسمتهای مختلف کارخانه بازدید کردند و اوامری در زمینه‌های گوناگون صادر فرمودند.

حسین‌آقا که مرد میانسالی است میگوید: این بازدید بهمه ما ثابت کرد که رهبر بزرگ وطنمان توجه و نظارت مستمر نسبت به عوامل سازنده جامعه جدید صنعتی کشور دارند و بهمین جهت بازدید معظم‌له آنچنان موثر افتاد که از آن پس همه کارکنان کارخانه اعم از کارگران و تکنیسین ها و یا مهندسان و افراد کادر اداری در فعالیتهای روزمره خود با چنان دلگرمی و شور و شوقی کوشش کرده و میکنند که گوئی میخواهند محصول اندیشه و دست خود را به پیشگاه پدر تاجدار خویش عرضه دارند.

حسین آقا میافزاید: آنروز شاهنشاه اوامری جهت توسعه کارخانه و تامین رفاه کارگران از نظر تامین غذا و مسکن صادر فرمودند که همه بمرور اجرا شده و در نتیجه اینك ما در آسایش و راحتی بسر میبریم.

### مسئولان چه میگویند.....؟

از آنها جدا میشوم و بسراغ مسئولان کارخانه میروم تا با آنها در زمینه‌های گوناگون کار ماشین سازی، گفتگوئی داشته باشم. نخست سراغ مدیر عامل کارخانه را میگیرم، میگویند، در سفر است و بناگزیر با معاون او به گفتگو می پردازم. آقای مهندس قاسملو معاون مدیرعامل کارخانه ماشین‌سازی با خرسندی بسیار از من و خبرنگار عکاس مجله استقبال می کند و آمادگی خود را برای پاسخگوئی به پرسش‌ها اعلام میدارد.

نخستین سئوالم در باره اولین گام در احداث و شروع کار در کارخانه است، میگوید: ما از همان ابتدای امر سعی کردیم که بموازات تاسیس ساختمانهای مورد احتیاج کارخانه افراد مورد نیاز در رشته‌های مختلف را آموزش دهیم و تربیت کنیم، و بهمین جهت مرکزی بعنوان مرکز موقت آموزش ایجاد کردیم و پس از نصب ماشین‌آلات آن شروع به آموزش افراد مورد نظر کردیم. از نظر تحصیلات افرادی که استخدام کردیم و تحت آموزش قرار دادیم در سه سطح مختلف بودند. عده‌ای ششم ابتدائی داشتند و عده‌ای سوم متوسطه وعده‌ای هم دیپلم کامل، که در میان این گروه اخیر حتی دیپلمه‌های ادبی نیز دیده میشدند این گروهها پس از آنکه آموزشهای مقدماتی را فرا گرفتند، مانند کارگران شروع به کار در کارگاههای مرکز موقت آموزش کردند، ولی بتدریج نحوه و سطح آموزش آنها را بالا بردیم ویك دوره آموزش برای تکنیسین شدن نیز جهت دیپلمه‌ها بر قرار کردیم. آن موقع در مرکز موقت آموزش کارخانه کارشناسان خارجی (چکسلواکی) تعلیم میدادند و خلاصه در سال ۱۳٤۸(۲۵۲۸) شاهنشاهی اولین گروه دیپلمه‌های ما بعنوان تکنیسین فارغ‌التحصیل شدند و بقیه افراد، یعنی گروههای، با مدرك سیکل(سوم متوسطه نظام سابق) و ششم ابتدائی نیز بعنوان کارگران ماهر و نیمه ماهر مشغول کار گردیدند و از این زمان کارهای عملی شروع شد، به این ترتیب که در مرکز موقت آموزش کارخانه ساخت قطعات ساده ماشین‌ها و دستگاههای گوناگون را شروع کردیم و سپس افراد مذکور را بتدریج به خط تولید راهنمائی کردیم.

### دوتیم در دوجهت

آقای مهندس قاسملو در اینجا به وضع خود نیز می‌پردازد و می‌گوید:

- ناگفته نماند که قبل از سال ۲۵۲۸ یعنی در سال ۲۵۲۷(۱۳٤۷) کارخانه گروهی از این دیپلمه‌ها را همراه عده‌ای مهندس و لیسانسیه مالی و اقتصادی برای طی یك دوره- ۱۰ ماهه در زمینه‌های مختلف کارخانه به چکسلواکی فرستاد که خود من هم جزو این گروه بودم. افراد این گروه بصورت دوتیم در دوجهت در چکسلواکی آموزش دیدند، یکی در زمینه‌های مدیریت کارخانه و سازمان‌دهی و بازاریابی و فروش و تدارکات و بطور کلی مسائل اداری و مالی، و دیگری در زمینه‌های فنی و تولیدی، و خوشبختانه آموزش این گروهها بصورتی بود که کارخانه توانست‌بعداً از بین آنها، افرادی را بعنوان رئیس تولید، رئیس کارگاه و یا رئیس طراحی یا رئیس قسمتهای دیگر انتخاب کند. در مدتی که این گروهها در چکسلواکی بودند ساختمانهای کارخانه نیز بسرعت احداث میشد و پس از بازگشت تنها کار نصب ماشین‌آلات نیز تماماً بوسیله افراد خودمان انجام شد، البته با راهنمائی کارشناسان خارجی و مشورت با آنها و بندرت پاره‌ای وقتها، آنها ناگزیر میشدند که خود نیز دست بکار شوند.

لطفاً ورق بزنید

# وها،در ماشین سازی تبریز

در این کارخانه [illegible] ... دیدن دوره‌های آموزشی [illegible]

در این عکس سالن مونتاژ یا سالن تولید ماشین‌های تراش را میبینید. ترتیب کار از این قرار است که قسمات ریخته شده در قسمتهای دیگر این سالن تراش داده شده و اماده میشود و سپس به قسمت مذکور ارسال میگردد تا ماشینها مونتاژ و برای آزمایش نهائی اماده شود.

## تجلی نیروی اندیشه و بازو...
## ...ماشین سازی تب...

قالبی را که در عکس ملاحظه میکنید، از دریچه‌های آهنی شرکت مخابرات گرفته‌شده که در معمولا کف پیادەروها، روی اتاقک‌های کابل‌های تلفن شرکت مخابرات دیده‌اید.

# در ماشین سازی تبریز
# کارآموزان هم در تولید سهیم هستند

**با این متهها قطعات مختلف ریخته شده به اندازه‌های لازم سوراخ میشوند.**

این فعالیتها سرعت انجام می‌شد، طوریکه در سال (۴۹-۵۰) ۲۵۳۰-۲۵۲۹ حدود ۷۰ درصد از کار نصب ماشین‌آلات کارخانه به پایان رسیده بود و ۳۰ درصد بقیه هم در اواخر سال ۲۵۳۰ و اوائل ۲۵۳۱ به اتمام رسید و همزمان با احداث ساختمانها و اتمام نصب ماشین‌آلات آموزش‌دیدگان مرکز موقت آموزش کارخانه نیز به قسمتهای گوناگون اعزام و مشغول کار می‌شدند.

از مهندس قاسملو در باره تولید سئوال میکنم. می‌گوید:

تولید در کارخانه ماشین‌سازی، پس از سال ۲۵۲۸ شروع شد، البته بصورت تدریجی و مقدماتی و بتدریج این امر توسعه و تکامل پیدا کرد تا اینکه در سال ۲۵۳۱-۱۳۵۱ (بیستم‌شهریورماه) طی مراسم باشکوهی شاهنشاه آریامهر، کارخانه را رسماً افتتاح فرمودند.

**همه از مسیر آموزشگاه**

... مرکز اصلی آموزش کارخانه میروم و ... عده‌ای از کارآموزان دختر و پسر و مسئولان به گفتگو می‌نشینیم، چرا که شنیده‌ایم هر نوجوان دارای مدرک ششم ابتدائی می‌تواند در این کارخانه ... دوره‌های مختلف آموزش، حتی ... مهندسی دست یابد. همچنین باید درنظر داشت که تمام ... کارخانه چه ماهر و چه نیمه‌ماهر و ساده همه به ... مسیر آموزشگاه به کارخانه میروند و مشغول ... میشوند. البته دوره‌هائی که ... بوده ... همه ... دلخواهشان ... مدت آموزش

فرق می‌کند. مثلاً افرادیکه در قسمت مدل‌سازی کار می‌کنند، یک دوره دوساله را باید بگذرانند. ولی بسیار رشته‌های دیگر نیز هست که دوره آموزشی آن‌ها حدود دوسه ماه بیشتر نیست.

بطور کلی دوره آموزش کارگر ماهر حدود دوسال است و آموزش آنها بصورت تخصصی

انجام میشود و دوره آموزش کارگر نیمه‌ماهر یکسال ... که یک دوره تخصصی ... گروه در نظر گرفته شده ... به کارگر ماهر ... میشوند.

**مهندسی پس از ۱۳ سال**

... گفتگو میشود ... مهندس میشود ... میگوید ... کارخانه ... میشود ... گرفتن حقوق ... حدود ۱۳ ... مهندسی ... کلاس سوم متوسطه ... کلاس سوم متوسطه ... کارخانه ... کلاس ... متوسطه

غازان یکی از کارگران کارگاه متالوژی است، که مشغول بیرون آوردن «س

هنرستان‌های حرفه‌ای ادامه تحصیل داده و مدرك دیپلم فنی بگیرد. پس از طی این دوره‌ها که جمعاً شش سال میشود، کارگر مورد بحث میتواند در کلاسهای تربیت تکنیسین که با همکاری ماشین‌سازی و دانشگاه آذرآبادگان تاسیس شده شرکت جوید و دوره دو ساله تربیت تکنیسین را بگذراند و سپس یك دوره دو ساله آموزش عملی را در کارخانه ببیند و آنگاه در کنکور اختصاصی دانشگاه آذرآبادگان شرکت نماید و پس از راه یافتن به دانشگاه طی سه سال و نیم به درجه مهندسی دست یابد.»

از یگانه درباره وضع خودش سئوال میکنم میگوید «۳۵ سال دارم و مدرك دیپلم فنی متوسطه رشته مکانیك (هنرستان) وارد کارخانه شده‌ام و تاکنون دوره‌های آموزشی مورد نظر را موفق طی کرده‌ام و امیدوارم که در رشته تولید صنعتی مهندس بشوم.»

**نحوه آموزش**

از وی میخواهم که درباره آموزشگاه کارخانه و کارآموزان توضیحاتی بدهد. میگوید: «ظرفیت مرکز آموزش کارخانه برای آموزش کارآموزان تحت آموزش عملی و تئوری ۳۰۰ نفر هست که فعلاً ... به ظرفیت ... نفر میرسد.» یگانه میافزاید: «نحوه آموزش در این مرکز ... است که کارآموزان هر هفته دو روز کلاسهای تئوری و ٤ روز کلاسهای آموزش عملی میبینند و در ۹ رشته درس میخوانند که عبارتند از:

۱- برشکاری
۲- فرزکاری
۳- سنگزنی
٤- ریخته‌گری
٥- مدلسازی
٦- جوشکاری و آهنگری و ... فرم
۷- ابزارسازی
۸- فیتر موتور
۹- برق

**تولیدات کار آموزان**

به یگانه می‌گویم: «در دوره‌های آموزشی چیزهائی که کارآموزان میسازند مورد مصرف قرار میگیرد یا نه و در صورتیکه مورد مصرف قرار میگیرد، درباره آنها توضیح دهید.» میگوید: «وسایل و چیزهائی که کارآموزان در دوره تحصیل میسازند، در واقع قسمتی از تولیدات کارخانه را تشکیل میدهد و مهمترین آنها عبارتند از دو نوع ماشین منه سنگ، یك نوع فیجی - چهار نوع گیره - یك نوع ماشین ... دو نوع ماشین سنگزنی و پیش... یك نوع رنده‌کاری و سوراخکاری و سه نوع جرثقیل از ۵۰۰ کیلوگرم تا ... تن ...»

خوشحالی ... از یگانه خداحافظی میکنم و ... کارآموزان میروم ... دختر ... نقش روبرو میشوم و نامش را میپرسم. با لهجه شیرین ... - فرسو میگوید ... ناهید مجتهدی هستم و با ... متوسطه یکسال است که وارد کارخانه ماشین‌سازی شده‌ام و دوره آموزشی فیتر را دیده‌ام و اکنون بعنوان کارگر ماهر مشغول کار شده‌ام.»

از حقوق و مزایایش سئوال می‌کنم. میگوید: «اولین حقوقم بعنوان یك کارگر ماهر ۱۰۲۰ تومان است و از بیمه درمانی و هرنوع مزایای کارگری نیز برخوردار هستم.»

بعنوان کارآموزی برخورد می‌کنم که خود را

در این عکس فلز ذوب شـده از کوره که در بالای این مخزن قرار دارد و در عکس دیده نمیشود وارد مخزن میشود

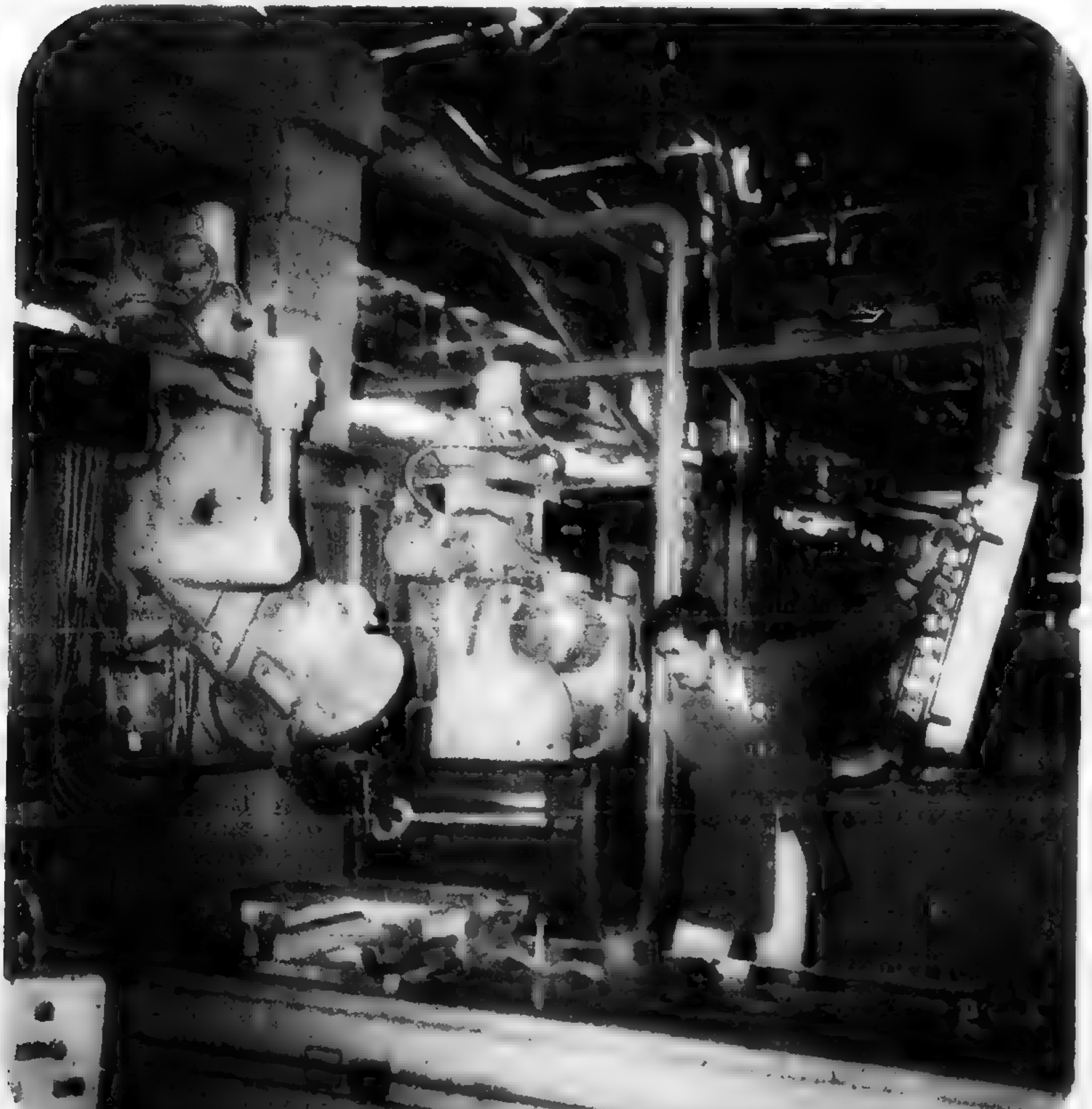

این قسمت نیز گوشه‌ای از سالن تراش قطعات و سوراخکاری و خشن کاری و... ماشین سازی تبریز است.

ی» فلز ذوب شده از بوته حاوی آنست.

# تجلی نیروی اندیشه و بازو
# ماشین‌سازی تبریز

فلز ذوب شده از بوته حاوی آن در قالب ریخته میشود

یکی از کارگران ماشین‌سازی با دستگاه مشغول سوراخکاری است.

غلامحسین تقی‌زاده معرفی می‌کند و میگوید: ده روز است که وارد کارخانه شده‌ام و در رشته فرزکاری آموزش می‌بینم.

وی میافزاید: «مدرك ششم ابتدائی را دارم و مدت دوسال باید آموزش ببینم. حقوق این دوره فعلاً ماهانه ۴۵۰ تومان است و بعد از طی این مدت، بعنوان کارگر ماهر مشغول خواهم شد.»

همکاری دانشگاه تبریز

درمرکز آموزشی کارخانه به نموداری نیز برخورد می‌کنم که نحوه فعالیت و عده کارآموزان این مرکز را در هرسال نشان میدهد. براساس این نمودار تا سه ماهه اول سال جاری مجموعاً ۱۲۳۲ نفر از مرکز مذکور در حرفه‌های مختلف فنی بعنوان تکنیسین و کارگر با دوره درازمدت و کارگر بادوره کوتاه‌مدت (ماهر و نیمه ماهر) فارغ‌التحصیل شده‌اند که از این عده حدود ۱۰درصد تکنیسین و ۷درصد کارگر با دوره کوتاه‌مدت و بقیه کارگر با دوره درازمدت بوده‌اند.

ضمناً طی این مدت صدها تن از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تبریز (آذرابادگان) نیز دوره‌های کارآموزی فنی خود را در کارگاههای آموزشی ماشین‌سازی گذرانده‌اند و بهمین جهت در طرح نهائی ماشین‌سازی برای آموزشگاه نه تنها حفظ و ادامه کار آن در سطح وسیعتری پیش‌بینی شده، بلکه باهمکاریهای دانشگاه آذرابادگان و سازمانهای تولیدی و مؤسسات علمی کوشش می‌شود که نقش فعالی در تامین نیازمندیهای فنی منطقه‌ای و قسمتی وسیع از مملکت در سطوح مختلف بازی به عهده بگیرد.

شاهرگ حیاتی ماشین‌سازی

ازآنجا که در جریان احداث و براه افتادن کارخانه ماشین‌سازی تبریز نخستین گام، تاسیس آموزشگاه کارخانه جهت تربیت کادر فنی بود و بهمین جهت در ابتدای امر مرکزی موقتی در این مورد تاسیس شد، ما نیز در گزارش خود از این کارخانه نخست به مرکز آموزش آن و نقش فعالی که تاکنون بازی کرده است پرداختیم، در حالیکه دریك کارخانه تولیدی، بخصوص چنین واحد عظیم صنعتی، همیشه قلب گرم یا در واقع کوره‌های ذوب فلز و ریخته‌گری آن، شاهرگ حیاتی و نقطه اصلی بشمار میرود و باین مناسبت همیشه گزارشگران وسایل ارتباط جمعی گزارش خود را از آن قسمتها آغاز میکنند. بهرصورت ما نیز اینك به این قسمت میپردازیم و از شاهرگ حیاتی ماشین‌سازی تبریز گفتگو می‌کنیم.

کارگاه متالوژی کارخانه ماشین‌سازی تبریز که در یك سالن سرپوشیده استقرار یافته، به دستگاهها و جرثقیل‌های هوائی بسیاری مجهز است که هر تازه‌واردی را در ابتدای ورود به این قسمت دچار حیرت و شگفتی میسازد. دراین قسمت درحالیکه مرتب جرثقیل‌های هوائی با صدای عجیب خود از اینطرف کارخانه به آنطرف میروند و بوته‌های حاوی فلزات ذوب شده را در کنار قالبها قرار میدهند، عده‌ای نیز در گوشه دیگر سالن سرگرم قالب‌گیری هستند و دستگاههای آنها چون با فشار باد کار می‌کنند، پشت‌سر هم صداهای مهیبی در فضا می‌پیچد و بواقع اگر کسی به وضع آنجا عادت نداشته باشد، لحظاتی چند نمیگذرد که دچار سرسام می‌شود. جالب توجه این نکته است که ارتباط کارگران درچنین محیطی با آن شرایط، بیشتر بوسیله اشاره، صورت میگیرد و آنان باصطلاح از زبان بین‌المللی که همان تفهیم مقاصد با حرکات دست و سر و اشارات مختلف است به بهترین وجهی استفاده میکنند. قبلاً از جرثقیل‌های هوائی صحبت کردم.

رانندگان این جرثقیل‌ها که با برق کار می‌کنند، واقعاً کار حساسی بعهده دارند. آنها بوته‌های سنگین را در کنار کوره‌های کوپل قرار میدهند و پس از آنکه بوته پر از فلز ذوب شده گردید، آنرا بلند میکنند و در کنار قالبها در دسترس کارگران میگذارند تا آنها با بگردش درآوردن فرمانی شبیه فرمان اتومبیل، بوته‌ها را سرازیر کرده و محتویات آنها را در قالبها بریزند. هریك از این مراحل چنان حساس است که اگر از کارگری کوچکترین غفلتی سربزند ممکنست حادثه‌یی دردناك رخ دهد. برای مثال بازهم از جرثقیل‌های هوائی بگوییم که اگر رانندگان آنها غفلت کنند، قلاب و زنجیر قطور آن که بسرعت همراه جرثقیل از اینطرف سالن به طرف دیگر میرود، ممکنست به کسی برخورد کند و اورا چون پرکاهی نقش زمین سازد.

کوره‌های ذوب فلز

با آقای محمد بقالی، کارگر قسمت متالوژی تولید گفتگو می‌کنم... محمد کمك‌فورمن (کمك سرپرست) این کارگاه است و با ۶۰ کارگر ماهر، نیمه ماهر و ساده کار می‌کند.

او میگوید: «دراین قسمت دونوع کوره داریم یکی کوره کوپل و دیگری کوره الکتریکی»

و در حالیکه با دست آنها را نشان میدهد و دهانش را نزدیك گوش من گرفته تا توضیحاتش را بشنوم، میافزاید:

همانطور که می‌بینید، از دو کوره کوپل هر روز یکی را بکار می‌اندازیم و دیگری را تحت تعمیر قرار میدهیم و همین یك کوره کوپل جوابگوی تمام تولیداتی است که کارخانه از ما میخواهد.

از او میپرسم، اگر هر دو کوره کوپل خراب شدند، انوقت، چه کار میکنید؟ میگوید: از کوره‌های الکتریکی استفاده میکنیم. ضمناً همانطور که گفتم هر کوره کوپل یك روز کار می‌کند و روز دیگر تحت تعمیر قرار میگیرد و بندرت اتفاق می‌افتد که هر دو با هم خراب شوند. در باره کوره‌های الکتریکی میپرسم، میگوید: این کوره‌ها هر کدام یك تن ظرفیت دارند و با برق کار میکنند و دو کار انجام میدهند، یکی اینکه ترکیبات فلز در این کوره‌ها بسهولت تعیین می‌شود و یا اگر بخواهیم تغییر مییابد و دیگر اینکه به وسیله آنها میتوانیم درجه حرارت فلز ذوب شده را بسرعت بالا ببریم یا ثابت نگهداریم. در باره بوته‌های حاوی فلز ذوب شده سئوال می‌کنم، میگوید: این بوته‌ها انواع مختلف دارند، از جمله یك تنی، سه تنی، ۸۰۰ کیلوئی و غیره، و کار ما با هر یك از آنها بستگی به ساخت قطعاتی دارد که قالبهای آنرا بما میدهند. اگر تعداد قطعاتی که باید بسازیم زیاد باشد و همچنین فلز زیادی ببرد، بنابراین از بوته‌های بزرگتر استفاده می‌کنیم و فولاد یا چدن ذوب شده را از کوره کوپل در آن‌ها ریخته و بوسیله همان جرثقیل‌های هوائی بسرقالبها میبریم و در آنها میریزیم، ولی اگر قطعات کوچك باشد و فلز کمی برای ساخت آن‌ها مورد نیاز باشد، از بوته‌های کوچکتر استفاده می‌کنیم.

از او میپرسم، شما غیر از آنچه خود کارخانه جهت ماشین‌های خود سفارش میدهد و قالب‌گیری می‌کنید و میسازید، برای سازمانهای دیگر هم کار می‌کنید؟ با خوشحالی زایدالوصفی میگوید البته، از خارج هم سفارش میگیریم و آنچه را بخواهند برایشان میسازیم. ما در اینجا غیر از قطعات مختلف ماشین‌های ساخت کارخانه خودمان که همه را میسازیم، برای بسیاری از سازمانهای مختلف نیز وسایلی را ریخته و تحویل میدهیم که هنوز شاید کسانی باشند که باورشان نشود، ولی شما به رای‌العین می‌بینیدنا چه اندازه کار ماشین سازی تبریز وسیع و گسترده است.

از سخنان این کارگر شریف که با غروری و صف ناشدنی ادا می‌کند، چنان خوشحال میشوم که بی‌اختیار پیشانیش را میبوسم و تحسینش می‌کنم و به یاد آنروزهائی میافتم که هر ایرانی از خود میپرسید آیا روزی فرا خواهد رسید آنچه را که میخواهیم در مملکت خودمان بسازیم و دست نیاز بسوی کشورهای صنعتی دراز نکنیم. بلی، امروز همان روز است، همان ایامی که ارزویش را داشتیم و سالهای سال برایمان صورت رؤیائی دست نیافتنی جلوه‌گر بود.

پس بکوشیم که امروز را بارورتر از دیروز بکنیم و فردا را درخشانتر از امروز.....بگذریم، با محمد در باره فعالیت کارگاه متالوژی گفتگو میکردم. از او میخواهم در باره خودش بگوید.... با فروتنی بسیار میگوید. همانطورکه قبلاً گفتم، در این قسمت ۶۰ نفر با من کار می‌کنند که از کارگران ماهر- نیمه ماهر و ساده هستند و در واقع این قسمت و قسمت قالب‌گیری در انطرف سالن شاهرگ حیاتی کارخانه است و ادامه کار تمام قسمت‌های دیگر بستگی به کار این کارگاه و ادامه تولیدات آن دارد. کارگران این قسمت از جمله خودم از تمام مزایای کارگری که قانون پیش بینی کرده برخورداریم و هر سال نیز علاوه بر یك ماه پاداش یا عیدی اخر سال از سود ویژه نیز بهره میبریم و بهمین جهت همه ما با جان و دل کارمان را انجام میدهیم از میزان حقوق و سود ویژه‌ای که سال گذشته گرفته میپرسم، محمد میگوید: ماهی ۲۶۰۰ تومان حقوق میگیرم و سال گذشته ۳۷ روز که حدود ۳۲۰۰ تومان شد، سود ویژه گرفتم. میپرسم متاهلی یانه؟ میگوید: شش سال است که عروسی کرده‌ام، ولی هنوز خداوند به من و همسرم بچه‌ای نداده است..... و با صداقتی تمام از من (گزارشگر مجله) میخواهد که برایش دعا کنم و میگوید هم خودش و هم همسرش بشدت در آرروی یك بچه میسوزند. از او خدا حافظی می‌کنم، در حالیکه از خداوند میخواهم با دادن فرزندی به او خوشبختی خود و خانواده‌اش را تکمیل کند و بعد به نزدیك کوره کوپل میروم که آهن مذاب چون خون از آن سرازیر است و به بوته میریزد.

در این قسمت کارگر جوانی که سیمایش صلابت ذاتی او را بخوبی نشان میدهد، مشغول کار است. اصغر طربی غزال در حالیکه کلاه حفاظتی بر سر گذاشته و نقابی در جلوی چشمانش آویزان است با وسیله‌ای بصورت یك میله آهنی که انتهایش مانند قاشق میباشد، مشغول بیرون آوردن سرباری فلز ذوب شده است.

او دستکشهای بلندی بدست دارد و آنچنانکه خودش میگوید: وقتی فلز ذوب شده به بوته ریخته می‌شود، باید فوراً آشغال‌های آنرا که روی بوته قرار میگیرد از آن خارج کرد، و گرنه سفت شده و مجبور میشوند که مجدداً آنرا ذوب کنند. خلاصه کار اصغر اینست که بوته را پر از فلز ذوب شده کند و آنرا تحویل دیگران دهد تا در قالبها بریزند

از او در باره سن و سال و میزان حقوق و زندگیش سئوال می‌کنم، میگوید: ۲۵ سال دارم و متاهل هستم و خداوند دو بچه بمن و همسرم اعطا کرده است. یك دختر و یك پسر، که از جان خودم بیشتر دوستشان دارم. حدود دوسال و نیم است که در ماشین سازی کارمیکنم- و ماهانه ۱۱۰۰ تومان حقوق میگیرم . دردوره کارآموزی که چهارماه طول کشید، ماهانه ۳۳۰ تومان میگرفتم و پس از پایان این دوره با ۵۳۰ تومان در ماه استخدام شدم که تاکنون بتدریج زیاد شده و به ۱۱۰۰/ تومان رسیده است. سال گذشته ۷۲ روز حقوق سود ویژه گرفتم که حدود ۲۲۰۰ تومان شد. البته سال گذشته حقوقم ۹۰۰ تومان بود...

ریخته گری کاری مردانه

بایك کارگر تازه استخدام نیز گفتگوئی ترتیب میدهم

بقیه درصفحه ۸۵

# چه کسانی مشمول قانون کار هستند؟...

## چرا بعضی از کارگران مشمول مقررات دیگری هستند که باید در مورد آنها بمرحله اجرا گذارده شود؟

**کارگران عزیز، از روزی که ما بحث در مورد مواد قانون کار را در این مجله آغاز کردیم، مرتبا نامههائی از شما دریافت داشتیم که ضمن قدردانی وتشویق ما در کاری که در پیش گرفتهایم، حاوی مطالبی از درد دل ومشکلات کارگران ودر عین حال راهنمائی ما نیز بود.**

این امر ما را بیش از پیش در راهی که در پیش گرفتهایم تشویق کرده وبرآن داشته است که در کار خود توجه ودقت بیشتری مبذول داریم.

در میان مسائلی که از طرف برخی از دوستان کارگر چندین بار بدان اشاره شده است، وضرورت ایجاب کرد که دنباله بحث خود را در مورد مزد وحقوق رها کرده ودراین شماره به آن بپردازیم، موضوع شمول قانون کار به گروههای مختلف کارگران وبویژه تبصرههای ۲ و۳ ماده ٦ قانون کار میباشد وهدف ما روشن کردن این موضوع است که چه افرادی بنحو کامل مشمول قانون کار هستند وکدام گروه مشمول قسمتی از قانون کار میباشند وسرانجام کدام گروه مشمول قانون کار نبوده وقانون دیگری در مورد آنها اجرا میگردد.

برای پی بردن بدین مساله، بهترین مرجع قانون کار است وما برای بحث دراین زمینه اول به گروه افرادی که مشمول قانون کار نیستند، میپردازیم.

**الف: افراد وگروههائی که مشمول قانون کار نیستند**

این گروه افراد، آنهائی هستند که قوانین دیگری از آنها حمایت میکند ولذا تابع ومشمول قانون کار نیستند، زیرا از نقطه نظر حمایتهای مربوط بکار، افرادی که مشمول قانون دیگری نباشند، مشمول قانون کار هستند.

ماده اول قانون کار تعریفی از کارگر بموجب قانون مذکور بدست داده است که کلیه افراد شاغل در رشتههای مختلف اقتصادی، اعم از کشاورزی، صنایع وخدمات را در برمیگیرد زیرا ماده مذکور میگوید: «کارگر از لحاظ این قانون کسی است که بهر عنوان به دستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار میکند.» بطوریکه ملاحظه میشود، این تعریف بسیار وسیع است وهمه افراد جمعیت فعال شاغل کشور را در برمیگیرد. ولی تردید نیست تمامی جمعیت شاغل کشور با توجه به شرائط اشتغال و اوضاع واحوال کارشان نمیتوانند زیر چتر حمایتی یك قانون قرار گیرند وبرای این امر قوانین مختلفی لازم است وقانونگزار نیز ضمن پذیرش این واقعیت بلافاصله درصدد جدا کردن گروههای کارگران وافرادی که مشمول قانون کار نمیتوانند شد، برامده است، زیرا از همان ابتدا، در تبصره ماده ۱ گروههای عظیمی را تحت عنوان آنهائیکه «مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین ومقررات استخدامی میباشند» مشخص ومجزا کرده است. این تبصره کاملاً روشن است وشامل دو گروه میشود:

۱- کارکنانی که تابع قانون استخدام کشوری هستند.

۲- اشخاصی که مشمول قوانین ومقررات استخدامی خاص هستند. البته منظور آن دسته مقررات استخدامی است که به تصویب قانونگزاری رسیده است. زیرا ممکن است برخی از واحدهای تولیدی وصنعتی دارای مقررات استخدامی باشند که خود آنها تنظیم کردهاند. این مقررات جنبه قانونی ندارد وکارگران این واحدها تابع قانون کار هستند.

اکنون، این سئوال مطرح میگردد که چرا این افراد مشمول قانون کار نیستند. پاسخ اینست که قانون دیگری در زمینه کار انها از آنان حمایت میکند ولذا نمیتوان قانون دیگری در همین زمینه از آنها حمایت کند.

قانون کار علاوه بر افرادی که یاد شد، افراد دیگری را نیز از شمول خود مستثنی داشته است، این افراد عبارتنداز:

۳- کارگران کارگاههای خانوادگی که درآن کار منحصراً بوسیله صاحب کار وخویشاوندان نسبی درجه یك از طبقه اول انجام میشود.

در این زمینه باید توضیح بیشتری داد، بدین معنی که برخی معتقدند منظور قانونگزار از این ماده آنست که کارگاه مشمول قانون کار نیست ونه کارگران کارگاه وانچه که دراین مورد، مربوط به قانون کار میشود، مسائل حفاظت وبهداشت کار واوضاع واحوالی است که کار در آن انجام مییابد، مانند محیط کارگاه از نقطه نظر هوا، نور وآفتاب وغیره.

ولی نظر دیگر آن است که این ماده ناظر بر روابط کارگر وکارفرماست، زیرا مسائل یاد شده که به سلامت وبهداشت کارگر در محیط کار مرتبط است، در مورد کارگاههای خانوادگی که درآن افراد فامیل درجه یك بکار اشتغال دارند، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، زیرا افراد مذکور بیش از دیگر افراد به سلامت خود ودیگر افراد خانواده علاقمندند.

بنا براین، اگر این نظر را بپذیریم، معلوم میشود که کارگاههای خانوادگی که منحصراً صاحب کار وخویشاوندان نسبی درجه یك از طبقه اول (یعنی پدر ومادر واولادان بکار اشتغال دارند) مشمول قانون کار نخواهند بود. اکنون این سئوال مطرح میگردد که چرا چنین حکمی در قانون کار وجود دارد؟... بعقیده ما دو دلیل دراین زمینه وجود دارد. اولا از لحاظ حرمت خانواده واحترام پدر وفرزند، واز سوی دیگر این مساله که قانون کار معمولا بمنظور ایجاد حسن روابط بین کارگر وکارفرما وجلوگیری از استثمار کارگر تنظیم گردیده است وحال آنکه نمیتوان تصور کرد در یك خانواده از طبقه درجه اول امکان استثمار وجود داشته باشد ولذا قانون کار نیز در مورد آنها بمورد اجرا گذاشته نمیشود.

گروه دیگری نیز در قانون کار از شمول این قانون مستثنی گردیدهاند وآنها:

٤- کارگران کشاورزی هستند، البته هنگامی که قانون کار تدوین میشد هنوز قانونی برای کارگران کشاورزی تهیه وتدوین نگردیده بود ولذا تکلیف این گروه عظیم کارگران روشن نبود، ولی با تصویب قانون کار کشاورزی اکنون وضع این دسته از کارگران مشخص گردیده وتابع قانون خاص خود میباشند.

۵ - خدمه ومستخدمین منازل نیز گروه دیگری هستند که تابع مقررات خاص که بموجب قوانین جداگانهای تعیین میشود، خواهند بود.

علت مستثنای این گروه، وضع خاص شغلی [illegible] که [illegible] شغل [illegible] وجود [illegible] که خدمتگزار

و یا مستخدم، در تمامی مدتی که در منزلی کار میکند، در آن خانه ساکن است و لذا مسأله تعطیل هفتگی و مدت کار و غیره نمیتواند در مورد وی صدق کند و بویژه مسائل دیگر مندرج در قانون کار نیز میتواند در مورد این گروه از افراد بمرحله اجرا درآید. بدین لحاظ است که قانون کار آنها را از شمول قانون معاف داشته است

بدین ترتیب آنچه بیان گردید مربوط به افراد و گروههائی میشود که بهیچوجه مشمول قانون کار نیستند، ولی در قانون کار، طی مواد مختلف افرادی را نیز به لحاظ کیفیت کار و شرائط و اوضاع احوال محیط کار از قسمتی از مواد قانون کار معاف داشته و یا اینکه آنان را عنداللزوم تابع مقررات خاص دیگری که باید بوسیله وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و تنظیم گردیده و به تصویب رسد،داشته است.

٦ – مورد دیگری که در قانون کار از آن نام برده شده و صریحاً امکان عدم شمول آنها ذکر شده است، تبصره یك ماده ٦ قانون کار میباشد. بموجب این تبصره وزارت کار میتواند کارگاههائی را که دارای کمتر از ده نفر کارگر هستند موقتاً از شمول قسمتی از مواد این قانون معاف نماید

بطوریکه ملاحظه میشود، دو قید در این تبصره وجود دارد، اولاً این امر بوسیله وزارت کار باید انجام پذیرد و وزارت کار نیز با توجه به وضع کارگاه و کیفیت کار و شرائط موجود در آن بچنین کاری اقدام خواهد کرد، ثانیاً جنبه موقتی بودن آن است و این امر نشان میدهد که هیچگاه این عدم شمول جنبه دائمی ندارد، و بالاخره از همه مواد قانون کار نمیتوانند معاف گردند، بلکه قسمتی از آن و برخی از مواد آن.

ولی باید خاطرنشان ساخت که وزارت کار و امور اجتماعی، هیچگاه این ماده را بمرحله اجرا ننهاده و همواره کوشیده است که قانون کار در تمامی کارگاهها بمرحله اجراگذارده شود.

**ب – افرادی که از برخی از مقررات قانون کار مستثنی بوده و باید برای آنها مقررات خاصی تنظیم گردد.**

این دسته از کارگرانی هستند که به لحاظ کیفیت کار آنها شمول برخی از مواد قانون کار در مورد آنها امکان پذیر نمیباشد و لذا باید مقررات خاصی برای آنان در همین زمینهها تهیه و تنظیم گردد.

تبصره ۲ ماده ٦ قانون کار این گونه افراد را برمیشمارد و مواردی را که از شمول قانون کار معاف میگردند نیز مشخص میسازد.

این افراد عبارتند از: کارگران ماهیگیر و ملاحان و کارکنان کشتیها و فرودگاهها و خلبانان و مامورین فنی و کارکنان داخل هواپیماها، یا کارگرانی که طرز کارشان به نحوی است که قسمتی یا کلیه مزد و درآمد انها بوسیله مشتریان یا مراجعین تامین میشود و کارگران بنادر که مامور تخلیه یا بارگیری کشتیها میباشند و همچنین کارگرانی که کار آنها نوعاً در ساعات متناوب انجام میگیرد

بطوریکه ملاحظه میشود گروه افرادی که از انها نام برده شد وضع و کیفیت کارشان نوعاً بنحوی است که از لحاظ مدت و کار و یا تعطیلات و مرخصیها و یا مزد و حقوق مشابه دیگر کارگران نیستند. فیالمثل کارگرانی که در کشتیها و یا کشتیهای ماهیگیری کار میکنند، مدت زمان طولانی در دریا خواهند بود، و لذا از لحاظ مدت کار و تعطیلات نمیتوانند مشمول قانون کار باشند و یا انها که قسمتی از درآمد و مزد آنها بوسیله مشتریان پرداخت میگردد. بدین لحاظ قانون کار مواردی را که این گروه از شمول قانون کار معافند نیز برشمرده است و آن مدت کار، تعطیلات و مرخصیها و مزد و حقوق میباشد و لذا از لحاظ سه موضوع یاد شده، کارگران مذکور تابع قانون کار نبوده و باید در مورد آنها ائیننامه خاصی تهیه و تنظیم گردد.

**پ: برخی معافیتها در مورد گروههای خاصی از کارگران**

برخی از کارگران نیز بلحاظ وضع کار از برخی از نظامات پیشبینی شده معاف هستند و یا از مزایا و امتیازات بیشتری برخوردار میگردند و از سوی دیگر برخی افراد به لحاظ کیفیت جسمانی و یا از نظر سن و وضع بدنی خود، از برخی از موارد پیشبینی شده در قانون معاف میگردند.

این کارها و این افراد عبارتند از:

۱ - کارهای سخت و زیانآور که بموجب تبصره ۱ ماده ۱۱ در کارهای سخت و زیانآور مدت کار کارگران از هشت ساعت در روز کمتر خواهد بود و همچنین برای کسانی که در کارهای سخت و زیان آور بکار اشتغال دارند نباید اضافه کاری انجام دهد.

۲- کار شب، بکارگرانی که نوبتکار نباشند و شبها بکار اشتغال ورزند، ۳۵ درصد اضافه برمزد پرداخت میشود.

۳- کار نوبتی، به کارگرانی که بطور نوبتی بکار اشتغال ورزند، ده درصد مزد بیشتر پرداخت مشود.

٤- برای زنان، انجام کارهای سخت و زیانآور و نیز کار در شب ممنوع است(مواد ۲۰ و ۱۷ قانون کار) و بموجب قوانین بهنگام وضع حمل شش هفته قبل و بعد از وضع حمل از مرخصی استعلاجی استفاده خواهند کرد.

ضمنا زنان کارگر که کودکان خود را شیر میدهند روزانه نیمساعت اجازه و حق دارند که به سر دادن اطفال خود بپردازند.

٥- برای جوانان کمتر از ۱۸ سال کارهای سخت و زیانآور و کار شب ممنوع است.

٦- برای جوانان کمتر از ۱٦ سال، انجام اضافهکاری ممنوع است و در عین حال مدت مرخصی سالانه این افراد ۱۸ روز میباشد.

بطوریکه ملاحظه میشود، گروه افرادی که از آن نام برده شد یا بلحاظ کیفیت کار آنها و یا بلحاظ وضع جسمی و بدنیشان از برخی حقوق و مزایا برخوردار میباشند.

## گفتگو با دکتر مهندس محمدرضا امین

### مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران

# در پنج نقطه ایران پنج مجتمع تولید فولاد دائر میشود

## در حال حاضر شرکت از هر جوان مشتاقی برای کار با آغوش باز استقبال میکند

## تولید فولاد کشور تا سال ۲۵۴۲ شاهنشاهی به حدود ۱۸ میلیون تن خواهد رسید

در این شماره «رستاخیز کارگران» گفتگوئی داریم با آقای دکتر مهندس محمدرضا امین، مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران که درباره مجتمع‌های صنعتی فولاد گازی، برای خوانندگان ما توضیحاتی داده‌اند. در باره صنعت فولاد، لازم است نقطه شروع و سرآغاز تاریخی آن را اسفندماه سال ۲۵۳۱ شاهنشاهی (۱۳۵۱) دانست که شاهنشاه آریامهر طی مراسم با شکوهی ذوب آریامهر را افتتاح فرمودند و در واقع به آرزوی چهل ساله ملت ما در مورد داشتن صنعت ما در، جامه عمل پوشاندند.

در آن مراسم و در آن روز تاریخی شاهنشاه آریامهر اعلام فرمودند که در پایان برنامه ششم عمرانی کشور باید میزان تولید فولاد از ۱۵ میلیون تن فراتر رود.... و این نوید بواقع از آینده درخشان و تابناکی حکایت میکند که تحقق آن بیشتر شبیه بیك معجزه است. معجزه‌ای که چون سایر برنامه‌ها و آینده‌نگری‌های رهبر بزرگ ما جامه عمل خواهد پوشید و همه آحاد و افراد ملت ما به تحققش ایمان و اطمینان دارند.

**گفتگو از: محمود آشوری**

آقای دکتر امین در پاسخ اولین سئوال «رستاخیز کارگران» در مورد هدف از تشکیل شرکت ملی صنایع فولاد ایران، اظهار میدارد:

– بطور کلی شرکت ملی صنایع فولاد ایران براساس فرمان شاهنشاه آریامهر در خرداد ماه ۲۵۳۲ شاهنشاهی پس از تصویب مجلسین با ۷ نفر کارمند کار خود را آغاز کرد و هدف از تاسیس آن تولید سالانه ۱۱ الی ۱۲ میلیون تن فولاد تا پایان برنامه ششم عمرانی کشور (سال ۲۵٤۲) با استفاده از روش احیاء مستقیم میباشد. بعبارت دیگر، با توجه به منابع غنی گاز در کشور این شرکت وظیفه دارد بااستفاده از این منابع، صنایع فولاد گازی را پایه‌گذاری کند و بهمین جهت در پنج نقطه ایران با توجه به موقعیت‌های مختلف از نظر تاسیس کارخانه، پنج مجتمع بزرگ و کوچك صنایع فولاد گازی تاسیس خواهد شد.

**رستاخیز کارگران:**

– ممکنست درباره هر یك از این مجتمع‌ها توضیحاتی در اختیار خوانندگان مجله بگذارید؟

**دکتر امین:**

– البته، نخستین مجتمع تولید فولاد با استفاده از گاز در خوزستان احداث میشود که ظرفیت آن ۲/۵ تا ۳ میلیون تن آهن اسفنجی میباشد و ۱/۵ میلیون تن آن بصورت فولاد مذاب تولید میشود. عملیات ساختمانی آن مجتمع از اواسط (مهرماه) سال ۲۵۳۲ آغاز شده و نخستین واحد ۳۳۰/ هزار تنی آهن اسفنجی آن در نیمه دوم امسال (انشاءالله در آذرماه) طی مراسمی مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

مجتمع صنایع فولاد گازی اهواز از نظر پرسنل سه هزار و پانصد نفر مهندس– تکنیسین و کارگرماهر و ساده خواهد داشت که تقریباً ده درصد از این عده، یعنی حدود ۳۵۰/ تا ٤۰۰ نفر آنها دارای تحصیلات دانشگاهی، چه در قسمتهای فنی و چه در امور اداری، خواهند بود و بقیه آنها را همانطور که قبلا گفتم تکنیسین‌ها و کارگران ماهر و ساده تشکیل میدهند.

محل و موقعیت دقیق این مجتمع از اینقرار است که از جاده اسفالته اهواز– بندر شاهپور یك جاده اختصاصی بطول ٦ کیلومتر منشعب میشود و کارخانه در انتهای آن کنار خط آهن جنوب قرار گرفته و از سوی دیگر با رودخانه کارون ۸ کیلومتر فاصله دارد و در نقطه‌ای واقع در ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهر اهواز قرار گرفته است. از نظر آب مورد نیاز مجتمع نیز دستگاهی به ظرفیت ۲۵۰۰/ متر مکعب در ساعت، آب کارخانه و آب شهرك کارکنان آنرا تامین خواهد کرد.

### مسائل رفاهی کارکنان مجتمع

در مورد مسائل رفاهی ناگفته نماند که یك شهرك با تمام تجهیزات از قبیل آب لوله‌کشی و برق– درمانگاه– اماکن تفریح و مدرسه در نقطه‌ای واقع در ٦ کیلومتری کارخانه در حال احداث است که تا سه یا چهار سال آینده تکمیل میشود و مهندسان و دیگر کارکنان کارخانه در آن مسکن خواهند گزید.

### مجتمع بندر عباس

این کارخانه با ظرفیت سه میلیون تن فولاد ورق در نقطه‌ای واقع در ۲۰ کیلومتری غرب شهر بندرعباس احداث خواهد شد و تاکنون مطالعات فنی و اقتصادی مربوط به آن به پایان رسیده و قرار است کارهای ساختمانی و سفارش ماشین آلات آن از اوائل سال ۲۵۳٦ (سال آینده) آغاز شود. این واحد در واقع مجتمع کاملی است که نورد خواهد داشت.

یعنی مراحل کار آن از سنگ آهن شروع میشود و به نورد (کالای ساخته شده) ختم میگردد. تردید نیست که عده کارکنان این مجتمع که بسیار عظیم است، از دیگر واحدهای صنایع فولادی گازی بیشتر خواهد بود و طبق برآوردهای بعمل آمده در این واحد ۹ هزار نفر کار خواهند کرد که شامل مهندسین– کارگران و تکنیسین‌ها خواهند بود.

**رستاخیز کارگران:**

– بهره‌برداری از این مجتمع چه موقع [illegible] میشود؟

**دکتر امین:**

– مجتمع بندرعباس قرار است تا آخر برنامه ششم عمرانی کشور یعنی تا سال ۲٥٤۱ شاهنشاهی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. نا گفته نماند که در کنار این مجتمع نیز چون واحدهای دیگر شهرکی ساخته خواهد شد که کارکنان مجتمع از آن برای سکونت خود و خانواده‌اشان استفاده خواهند کرد.

### مجتمع تولید فولاد بوشهر کنگان

این مجتمع نیز ظرفیتی حدود ۲/۵ تا ۳ میلیون تن خواهد داشت که در نزدیکی بوشهر- کنگان ساخته می‌شود. و مطالعات مقدماتی آن از سال اینده آغاز میشود. از نظر تامین سوخت نیز در کنگان– بوشهر منابع گاز مانند اهواز بحد وفور وجود دارد که از آنها استفاده خواهد شد.

### مجتمع اصفهان

این مجتمع که در نزدیکی مبارکه واقع در ۵۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهر اصفهان احداث می‌شود، ظرفیتی برابر یك میلیون و دویست هزار تن (۱/۲ میلیون تن) خواهد داشت و تولیدات آن فولاد ساختمانی است و هنگام بهره‌برداری ظرفیت آن در واقع دو برابر ظرفیت اولیه ذوب‌آهن آریامهر خواهد بود و امکان دارد تا ۲ الی ۳ میلیون تن در سال نیز افزایش داده شود.

مطالعات فنی و اقتصادی این واحد نیز به اتمام رسیده و پس از انجام مهندسی طرح، کارهای ساختمانی و سفارش ماشین‌آلات آن از اوائل سال آینده (۲۵۳٦ شاهنشاهی) شروع میشود. مجتمع اصفهان هم حدود ۳۵۰۰ نفر پرسنل خواهد داشت که [illegible] مهندس و بقیه تکنیسین‌ها و [illegible] میدهند.

### مجتمع تولید فولاد مشهد

علاوه بر این واحدها [illegible] تولید فولاد گازی در خراسان [illegible] مشهد [illegible] ظرفیت آن ٤۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن [illegible] مطالعات و [illegible] مرحله تامین و [illegible]

برای [illegible] بوشهر [illegible] میشود.

### فولاد مخصوص

علاوه بر این طرحها، اخیراً قراردادی برای تولید فولاد مخصوص با کشور فرانسه امضاء شده که واحد آن ظرفیتی معادل ۱٤۰/ هزار تن در سال خواهد داشت و طبق طرح تهیه شده این ظرفیت در مرحله بعدی تا ۲۵۰/ هزار تن توسعه مییابد.

**رستاخیز کارگران:**

آقای دکتر امین درباره معادن سنگ آهن مورد نیاز این مجتمع‌ها تاکنون چه تصمیماتی و اقداماتی اتخاذ و انجام شده؟

**دکتر امین:**

مواد اولیه مورد نیاز مجتمع‌ها از داخل و خارج کشور تامین میشود. از داخل منبع عظیم گل گهر واقع در ٦۰ کیلومتری جنوب سیرجان را در اختیار داریم که عملیات اکتشافی آن از اواخر سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی آغاز شده و طبق برنامه زمانی قرار است بهره‌برداری از معدن مذکور از سال ۲۵۳۸ شروع شود.

از این معدن گل گهر که ظرفیت آن ۲۰۰ میلیون تن براورد شده، سالانه ٤ تا ۵ میلیون تن استخراج خواهد شد. سنگ آهن استخراج شده از گل گهر پس از خرد و آسیاب شدن به صورت سنگ آهن تغلیظ شده به کارخانه‌ها حمل میگردد.

تنها مسئله نگران کننده در مورد این معدن مشکل کمبود اب بود که در مطالعات اخیر معلوم شد آب به اندازه کافی در دسترس قرار دارد و بدین ترتیب مسئله مورد نظر نیز منتفی گردید.

### منابع خارج از کشور

منبع دیگر مهم ما، معدن معروف «کودرموك» واقع در هندوستان است که طبق قرارداد منعقده بین دولتهای ایران و هند، سنگ آهن آن تماماً به

[illegible] حمل خواهد [illegible]

در توضیح این مطلب باید اضافه کنم که سال [illegible] دولت ایران وامی برای باز کردن و [illegible] معدن گودرموك در اختیار دولت هند [illegible] و براساس قرارداد دو دولت قرار است از این معدن سالانه ۷/۵ میلیون تن سنگ آهن استخراج و [illegible] به ایران حمل می‌شود [illegible] گودرموك در سواحل غربی هندوستان [illegible] و فاصله [illegible] در حدود [illegible] چهار روز [illegible]

رستاخیز کارگران:

[illegible] مجتمع [illegible] فولاد [illegible] اهواز [illegible]

دکتر امین:

[illegible] کارخانه اهواز [illegible] معدن [illegible] خارجی [illegible] کشورهای [illegible] همچنین باید اضافه [illegible] سنگ آهن کارخانه‌ها [illegible] سنگ آهن [illegible] آهن [illegible] که [illegible] میلیون تن کمبود سنگ آهن [illegible] که اگر تا چند سال دیگر [illegible] معدنی پیدا شود، تردید نیست که سنگ آهن خارجی استفاده می‌کنیم

رستاخیز کارگران:

[illegible] در این زمینه این نکته را عرض کنم [illegible] هم‌اکنون بسیاری از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان مورد نیاز احتیاج خود را از خارج وارد میکنند و محصولاتشان هم از نظر قیمت و مشخصات با دیگر ممالك صنعتی قابل رقابت است. [illegible] هم‌اکنون آلمان غربی ۹۰ تا ۹۵ درصد از سنگ آهن مورد نیاز کارخانه‌های خود را از خارج مثل استرالیا و سوئد وارد میکند، ولی ما چون قسمت اعظم مواد اولیه مورد نیاز خود را در داخل تامین میکنیم، باین جهت میتوانیم محصولات خود را با قیمت کمتری عرضه کنیم.

## تامین گاز، آب و برق مورد نیاز کارخانه‌ها

در مورد سوخت مورد نیاز [illegible] هم همانطور که قبلا عرض کردم، در خوزستان منابع گاز بحد وفور وجود دارد و نیاز کارخانه‌ها را تامین می‌کند. ولی در اصفهان واحد [illegible] بهره‌برداری خواهد کرد و بطور کلی مجموع [illegible] که در واحدهای مختلف شرکت ملی صنایع فولاد [illegible] مصرف [illegible] گازی است که هم‌اکنون به شوروی صادر میگردد. بطور کلی مقدار [illegible] برای تمام واحدهای شرکت ملی صنایع فولاد ایران [illegible] هزار متر مکعب [illegible] و برق مورد نیاز [illegible] مگاوات میباشد

در توضیح [illegible] مصرف برق بعنوان نمونه [illegible] برای مجتمع اهواز به تنهائی ۴۰۰ مگاوات برق پیش‌بینی شده که این مقدار تقریباً [illegible] مصرف برق تمام ایران در ۲۰ سال پیش [illegible]

## تعداد پرسنل کارخانه‌ها

**رستاخیز کارگران:**

-همانطور که استحضار دارید، مسئله نیروی انسانی کارآمد و کمبود آن این روزها در مملکت ما بصورت یك مشکل تا اندازه‌ای حاد خودنمائی می‌کند. در این زمینه شرکت ملی صنایع فولاد ایران چه برنامه‌هائی را اجرا کرده و اجرا می‌کند؟

**دکتر امین:**

- بطور کلی نیروی انسانی طرحهای شرکت که به تفکیك شرح داده شد، حدود ۴۰ هزار نفر پیش‌بینی شده که یکدهم آن، یعنی ۴ هزار نفر مهندس و ۳۰ درصد آن یعنی ۱۲ هزار نفر تکنیسین وبقیه (۲۴ هزار نفر) کارمند وکارگر ماهر ونیمه ماهر وساده خواهند بود.

از سوی دیگر تولیدات مجتمع‌های مورد بحث روی‌هم در حدود ۱۱ میلیون تن فولاد درسال است که رقم ۴۰ هزار نیروی انسانی برای ۱۱ میلیون تن [illegible] استانداردهای رایج در دنیا قابل مقایسه است.

### چند کلمه در باره مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران

دکتر مهندس محمدرضا امین، مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران، اهل اصفهان است و در پنجم مردادماه ۱۳۰۶ در این شهر تولد یافته و اینك حدود ۴۹ بهار را پشت سر گذاشته است. امین دیپلم ریاضی خود را از دبیرستان ادب اصفهان گرفته و سپس در دانشگاه کالیفرنیا در رشته مهندسی فیزیك لیسانس شده و آنگاه در همین دانشگاه بترتیب دوره عالی مهندسی برق و دکترا در فیزیك را بپایان برده است. در زمینه فیزیك [illegible] تحقیقاتی بعمل آورده و تالیفاتی نیز دارد. در بسیاری از سازمانهای علمی مهم عضویت دارد. سالها نیز در دانشگاه اوکلاهما و دانشگاههای تهران و اصفهان تدریس کرده و علاوه بر پستهای مهمی که در سازمانهای مختلف داشته، قبل از تصدی پست فعلی، مدت بیش از چهار سال نیابت تولیت عظمی دانشگاه صنعتی آریامهر را نیز عهده‌دار بوده است.

## آموزش وآماده سازی

در مورد تامین نیروی انسانی من هیچگونه نگرانی نسبت به آن ندارم واین اعتماد شاید ناشی از تجربه ۲۰ساله من در صنعت باشد که طی آن اعتماد عجیبی نسبت به نیروی موجود در مملکت، بویژه نسل جوان خودمان بدست آورده‌ام.

در توضیح این مسئله باید بگویم، مهندسین، کارگران وسایر متخصصین ما قدرت شگرفی در سریع آموختن دارند. این عقیده من ناشی از حس ناسیونالیسم خواب دیده نیست، بلکه واقعا بر تجربیاتم متکی است. البته باید شرط مهم مدیریت را در نظر داشت وبراین اساس باید به مهندسین ومتخصصین خودمان اعتماد داشته باشیم وبه آنها مسئولیت بدهیم. ناگفته نماند درعین حال باید قبول کنیم که اشتباه بوجود می‌آید. من فکر میکنم اگر در سطح مدیریت این اعتماد بوجود آید وبه جوانان میدان داده شود تا مسئولیت بپذیرند، از نظر نیروی انسانی نگرانی نخواهیم داشت، ولی اگر بخواهیم بخاطر یافتن نیروی انسانی اجرای طرحها را به عقب بیاندازیم، سالهای بسیار حساس آینده را از دست میدهیم.

خلاصه من معتقدم، از نظر مدیریت، بدترین سیستم‌ها با نیروی انسانی کارآمد بنحو احسن اداره میشود وبهترین سیستم‌ها با نیروی انسانی بدون کارآئی لازم نتیجه‌ای در برندارد واگر بتوان نیروی انسانی خوب وسیستم مدیریت خوب را با هم همگام کرد تردید نیست که بهترین نتیجه ممکن عاید میگردد

بهر صورت از نظر آموزش، فلسفه ما اینست که قدم اول در اجرای هر طرح آموزش افراد مجری طرح است. ما تا کنون سعی کرده ومیکنیم که از بازار کار موجود استفاده نکنیم وبرای واحدهای مختلف کمبود نیروی انسانی بوجود نیاوریم، بلکه از افراد جدیدی که آنها را آموزش میدهیم استفاده نمائیم.

برای مجتمع تولید فولاد اهواز عده‌ای از فارغ‌التحصیلان داخل وخارج را انتخاب کردیم وآنها را به خارج فرستادیم وپس از آموزش‌های لازم اینك بازگشته ومشغول کار شده‌اند وحتی در نصب ماشین‌آلات کارخانه شریك وسهیم هستند. گروه بعدی در سطح تکنیسین هستند که عده‌ای را انتخاب کرده‌ایم وپس از آنکه در ماشین سازی اراك دوره آموزشی مخصوص را دیدند در کارخانه مشغول کار میشوند. دراین سطح برنامه‌ای تهیه کرده‌ایم که اگر افرادی از خود شایستگی واستعداد بیشتری بخرج دادند، آنها را برای طی آموزشهای بیشتر به خارج از کشور بفرستیم. بطور کلی در زمینه آموزش، همیشه گروههائی را که انتخاب میکنیم از یکصد نفر بیشتر نیستند، چراکه با این ترتیب بهتر میتوانیم به مسائل ومشکلات آنها رسیدگی کنیم واز هر نظر به آنها برسیم واین برنامه تا کنون که دوسال از اجرای آن میگذرد، نتیجه خوبی ببار آورده است.

درضمن قرار است در جوار هریك از مجتمع‌ها مرکز آموزشی خاصی دائر شود که افراد مورد نظر را انتخاب وآماده کار کند.

در زمینه کمبود کارگر متخصص باید اضافه کنم این مسئله برای ما محسوس نیست، ما میگوئیم کارگر ماهر کم داریم، من فکر می‌کنم از افرادمان آنطور که باید وشاید استفاده نمیکنیم وتا زمانیکه خودمان دنبال این مسئله نباشیم که کارگر ماهر تربیت کنیم وآماده نمائیم، مسلم با این مشکل روبرو خواهیم بود

همین امسال رقمی در حدود ۲۹۰ هزار جوان در کنکور شرکت کردند که حدود ۲۵۰ هزار نفر آنها به دانشگاهها راه نیافتند. حال اگر ما با یك برنامه ریزی صحیح اقدام کنیم از این نیروها به بهترین وجهی میتوانیم استفاده کنیم وبطور کلی از نظر جمعیت تقریبا نصف افراد مملکت ما زیر ۱۵سال هستند. بهترین مؤسسات صنعتی وغیر صنعتی با برنامه‌ریزی درست به بهترین نحو ممکن میتوانند جوانان را آموزش دهند وآماده خدمت کنند. من از این فرصت استفاده میکنم وبه همه جوانان وافرادی که مایل به کار در صنایع فولادسازی هستند اعلام میدارم که واحدهای ما با آغوش باز از جوانان وکارگران برای همکاری استقبال می‌کنند. البته ناگفته نماند که برای کار در مراکز صنعتی نه پشت میز نشین. اینگونه افراد میتوانند به کارگزینی شرکت در اهواز مراجعه کنند تا ترتیب استخدامشان داده شود. ولی در تهران مطلقاً احتیاجی نداریم وکادر فعال ما پراست.

## جمع کل سرمایه‌گذاریها

**رستاخیز کارگران:**

- درزمینه سرمایه‌گذاریهای شرکت واین مسئله که بخش خصوصی چه نقشی دارد، توضیحاتی بفرمائید.

**دکتر امین:**

- جمع کل سرمایه‌گذاریهای شرکت براساس قیمت‌های سه سال پیش، ۳۸۳۰/ میلیارد ریال پیش‌بینی گردیده که ناگفته نماند این رقم فقط شامل هزینه‌های صنعتی است وهزینه‌های زیربنائی درآن در نظر گرفته نشده است.

در مورد نقش بخش خصوصی نیز انتظار داریم معادل ۱۱۱ میلیارد ریال ازاین مبلغ را بخش مذکور سرمایه‌گذاری کند.

## تولیدات کارخانه‌ها

درباره محصولات کارخانه‌ها باید بگویم که در اصفهان وبندرعباس فولاد ورق تولید خواهیم کرد که شامل ورق سرد و ورق گرم خواهد بود.

در کنگان بوشهر فولاد ساختمانی وکالاهای نیم ساخته تولید میشود ودر اهواز نورد تولیدی برای مصرف بخش خصوصی، از جمله کارخانه نورد است وتولیدات مجتمع خراسان نیز فولاد ساختمان خواهد بود.

## مصرف داخلی وسیر افزایش آن

**رستاخیز کارگران:**

- درباره مصرف فولاد در کشور با توجه به ارقام چند سال پیش توضیحاتی بدهید.

**دکتر امین:**

- بطور کلی فولاد مصرفی درایران به دو صورت است. یکی فولاد ورق ودیگری فولاد ساختمانی. درسال ۱۳۵۲ (۲۵۳۲) مصرف فولاد کشور ۲میلیون تن درسال بود که ازاین مقدار ۴۸درصد بصورت ورق وبقیه بصورت فولاد ساختمانی مصرف میگردید واگر ما بارشد ۲۵٪ درسال این مصرف را محاسبه کنیم، درسال ۱۳۶۲ (۲۵۴۲) یعنی درپایان برنامه ششم عمرانی، به رقمی حدود ۱۸میلیون تن احتیاج

بقیه درصفحه ۵۳

## از ایزد مهدیان

وقتی از زبان کارگران هموطنمان میشنویم که با قـدرت و نیروی تمام از موفقیت، پیشرفـت و بویژه از اندیشه‌های سازنده سخن میگویند، به خود میبالیم که نسل ایرانی ضمن برخورداری از میراث نیاکان خود هرچه بیشـتر تکنولوژی را بخدمت گرفته است.

درفضای پیشرفته جامعه ما شاید بعبارتی همه خواهران و برادران کارگری که درسرزمین پهناور کشورمان با آهن و پولاد دست و پنجه نرم میکنند با استعداد شناخته شوند اما سعی ما بر انست که در این صفحه بهترین‌ها را بشناسانیم و دراین راه با کمك شما دوستان هرچه بیشتر درراهی که برگزیده‌ایم کوشش خواهیم کرد

کارگر با استعدادی که دراین شماره با زندگیش آشنا میشویم حسین افشار نام دارد

وی به سال ۱۳۲۰ در تهران (کن) متولد شده و در طول بیست و دوسال فعـالیت کا.گری تحصیلات خودرا نیز تا چهارم طبیعی ادامه داده است. حسین در سن ۱۱ سـالگی بعنوان یك کارگر ساده در کارخانه نساجی فروغ بخش به کار مشغول شده و اکنون مسئولان کارخانه الیاف اورا بعنوان یك کارگر ماهر و نیز یك کارگر سـازنده و مبتکر میشناسند.

نامبرده ازدواج کرده و دارای چهار فرزند اسـ‌ـت که همه به تحصیل اشتغال دارند

برای اینکه بدانیم حسین چه کرده و چه میکند با او وارد گفتگو شدیم و بطوریکـه خـودش میگوید:

**گریز نه گرایش!**

از سن ۱۱ سالگی بعوان کارگرسـاده در کارخانه ریسندگی فروغ‌بخش شروع بکار کردم و این کار بمدت ۷ سال ادامه داشت

در ابتدای کار تحصـیلاتم تا کلاس پنجـم ابتدائی بود و با وجود اینکه علاقه فراوانی به ادامه تحصـیل داشتم، اما مشغله زیاد اجـازه نداد تا کلاس چهارم دبیرستان بیشتر درس بخوانم.

وی در مورد اینکه چرا پس از ۷ سال محل کار اولیه خودرا ترك کرده اظهار میدارد:

اولا محیط کار در گذشـته دارای شرایط امروزی نبود و هیچ کارگری احسـاس امنیت آتی نمیکرد و ناچار بود، بهـرحال دنبال محیط بهتری بگردد و این جابجائی نه بدلیل فرار از محیط کار، بلکـه به منظور بدسـت آوردن مزایا و محـل مناسب‌تری صورت میگرفت.

باید گفت که کارگران خود نیز چندان شـناختی از شرایط و مزایائی که برای آنهـا برقـرار شـده، نداشـتند بهمین دلیل ۷ سـال کارمن هیچگـونه موفقیتی برایم نداشـت و این امر سـبب شـد تا تصمیم به جابجائی و تغییر محیط کار خـود بگیرم تا شـاید یك دگرگونی در وضـع کار و حـرفه خـود بوجود آورم. بنابراین بعد از ترك این کار بلافاصله در قسمت نساجی «قرقره زیبا» با دستمزد مناسبی بعنوان کمك مکـانیك اسـتخدام شـدم و پس از مدت کوتاهی به مکـانیك درجـه ۲ و بعـد از آن به مکانیك درجه ۱ ارتقاء درجه یافتم.

حسین درمورد محـل جـدید کار خـود اظهـار داشت: دراینجـا فـرصتی پیش آمد تا اولا ضـمن برقـراری ارتباط با عده‌ای از، کارکنان خـارجی شـاغل دراین واحـد تولیدی ، اطـلاعات زبان انگلیسی خـودرا افـزایش دهم، و آنگـاه موقعیت مناسبی بدسـت آمد تا ایده‌های ذهنی و ذوقـی خودرا عملی سـازم و درحقیقت طـرح وسـایل مختلفـی را که از آغاز کارگری در ذهن خـود پرورش میدادم در اینجا امکان ساخت آنهـا برایم فراهم شد

**ماشین بافندگی**

حسین اضافه می‌کند: بیشتر از این نمیتوانستم منتظر فـرصت بمانم و میبایسـتی هرچـه زودتر از شرایطی که داشتم بهـره میگـرفتم بنا براین، از ابتدای کار در واحد تولیدی جدید، توفیقی اجباری پیش آمد و براساس پیشنهادی که توسط یکـی از کارخانجات بافندگی دریافـت داشـتم سـاختن یك ماشین بافندگی را شروع کردم.

این ماشـین که اصـل آن در کشـور لهسـتان ساخته و وارد میشود نخ‌های ضخیم را برای بافتن پتو و فـرش آماده میکند و ارزش آن در حـدود یك میلیون و پانصدهزار تومان است.

بهرحال با خوشحالی تمام چنین درخـواستی را پذیرفتم و بلافـاصله قبول کردم که مشـابه آن

ماشین را بسازم، بااین تفاوت که هزینه‌ای بیشـتر از ۸۰۰۰ تومان یعنی نصف قیمت ماشین اصـلی را لازم نداشـت و ارزش تولید آن نیز از نظر کمی و کیفی نه تنهـا مطابق ماشـین اصـل بود بلکـه امتیازاتی را نیز در برداشت.

حسین دراین جا اضافه میکند: بله اتفاقا ساخت این ماشـین با برگزاری اولین نمایشگـاه صـنعتی تهران مصـادف شـد و ماشـین سـاخت من نیز در ردیف تولیدات صنعتی داخلی در یکی از غرفه‌های نمایشگاه جا گرفت و مورد بازدید قرار گرفت.

حسین با غرور میافزاید: برای من مایه افتخـار است که این ماشین مورد بازدید شاهنشاه آریامهر قـرار گرفـت و درمورد سـاخت و کاربرد آن پرسشـهائی فـرمودند و این ماشـین هم اکنون به نحو مطلوبی به امر تولید مشغول است

افشـار در مورد نحـوه کارکرد و ارزش تولیدی ماشین میگوید: ماشـین درهر ۲۴ سـاعت حـدود ۱۵۰ بقچـه (هر بقچـه ٤/٥ کیلو وزن دارد) نخ ضخیم تولید میکند

وی درزمینه مشـخصات این ماشـین اضـافه میکند: گذشته از صرفـه‌جوئی‌هائی که در هزینه سـاخت آن رعایت شـده. برای تامین مواد اولیه مورد مصرف این ماشـین با مواد خـام مورد نیاز ماشین اصلی تفاوتِ محسوسی وجـود دارد که این نیز به صرفه‌جوئی در تولید کمك میکند. توضیحی که دراین مورد میتوان داد اینکـه بعضی از قـطعات ماشین اصـلی را نوارهای سـیمی تشکیل میدهند که پشم مواد خام را حلاجی میکند و این قـطعات سـیمی از نظر قیمت خیلی گران تمام میشـود در حـالیکه در ماشینی که من سـاختم بجـای کار گذاشـتن نوارهای سـیمی از نوارهای مخصـوص حلاجی پنبه استفاده شده که خیلی ارزانتر و حـدود نصـف قیمت نوار سـیمی ماشـین اصـلی تمام میشـود، بااین امتیاز که در کیفیت کار ماشـین هیچگـونه تاثیر منفـی ندارد و همچنین از نظر کیفیت و کمیت تاثیر بدی بر ماشین نمیگذارد.

سازندگی حسین به همین جا خلاصه نمیشـود، او با توسعه خلاقیت خود همیشه به دنبال موقعیتی است تا ثمره‌های ذهـنـی خـود را بارورتر کند و در کالبد ابزار و آلات صنعتی بریزد.

سپس حسینِ ضمن برشـمردن ابزار چندی که در خلال کار ساخته است به ساخت قطعات یدکی ماشینها اشاره میکند و دراین باره میگوید: همیشه مشـتاقانه در پی آن بودم که قـطعه‌ای به قـطعات ماشـینها اضـافه کنم و یا حتی اگر لازم بود قطعه‌ای از قطعات را کم کنم تا دراین راه به هدف اصـلی که ایجـاد راندمان بیشـتر و تامین صرفـه جوئی است بهتر دست یابم.

بدین منظور برای ماشین ساخت خـودم و برای ماشینهای ساخت خارجی که به قـطعات یدکی نیاز داشـتند و میبایسـتی آنهـا را از خـارج و با قیمت گران وارد کنند قطعات و ابزار لازم را میسـاختم و برای هر قطعه نخست یك قـالب مخصـوص تهیه میکنم و سپس به ساختن آن میپردازم.

دراین مورد نیز از هرجهت رعایت صرفه جوئی میشود بطوریکـه برای تهیه هر قـطعه یدکی بیش از نصف قیمت قطعه اصلی هزینه صرف نمیشود.

وی اضافه میکند: تا کنون ٦ دستگاه ماشین از روی الگـوی اصـلی سـاخته‌ام که همه بطور موفقیت‌آمیزی مشـغول تولید هسـتند البته ضـمن ساختن این ماشین‌ها چنانچه ماشـین آلات دیگـر این واحـد دچـار نقص فنی میشـد و در امر تولید مشکلاتی ایجاد میکرد، بلافـاصله سـیستم آن را تغییر میدادم تا علاوه بر آنکه کاررا برای کارگران آسانتر کند، در افزایش تولید نیز موثر واقع شود.

دراین قسـمت از گفتگـویمان، افشـار ضـمن برشـمردن مشکـلاتی که در خـلال سـاخت این ماشینها داشته است میگـوید: نبودن کارگران فنی و تراشکاران ماهر برای ساختن بعضی از قـطعات مورد نیاز و نیز تامین بعضی از قـطعات در داخـل کشور از جمله مشکـلاتی بود که باآن روبرو بودم، لیکن بالاخره با کوشش بیشـتری که دراین زمینه مصروف میداشـتم ونیز ضـمن برخـورداری از تجـربیات گذشـته، سرمایه را به خـدمت گرفتم و توانستم تصمیم نهائی خودرا عملی سازم.

حسـین در اینجـابا‌ایمان تمام به مسئله اعتقاد اشـاره میکند و میگـوید: اگر هرکس واقعـا به کارخود مومن و معتقد باشد، وبراین پشتوانه تکیه بزند حتما موفق خواهد شـد. واین نکته نیز حـائز اهمیت اسـت که در بعضی موارد حسـاس، یك لحـظه درنگ کردن، به منزله از دسـت دادن زمان است که خـود یك خـطای نابخشـودنی اسـت و زیان‌های غیر قابل جبرانی را وارد میسازد.

**فعالیتهای جنبی**

تا اینجا متوجه شدیم که قسمتی از نقشـه‌های فکـری حسـین به مرحله عمل در آمده و از او خـواستیم در مورد دیگـر برنامه‌های خـود سـخن بگوید.

وی اظهار میدارد: بعلت علاقه شـدید به حـرفه اصلی خود که همانا کارکردن با نخ پشمی بود کار خودرا در کارخانه الیاف به عنوان مکـانیك عمومی (ماشـینهای نسـاجی و کارهای فنی تاسـیساتی) دنبال کردم و پس از مونتاژ و نصب ماشـین آلات جدید، بعـداز مدت کوتاهی چـرخهای کارخـانه به گردش درآمد و آنگـاه پس از مدتی بعنوان سرپرست سـالن کشش (دی- تی) ترفیع شـغلی گرفتم.

همچنین ضمن داشتن این مسئـولیت در غیاب مهندس قسـمت تعمیرات وظـایف فنی اورا نیز انجام میدادم. بهـرحال، هم من شرایط محیط را پذیرفته بودم و هم محیط کار مرا بعنوان یك فـرد کارآمد و موثر پذیرا شده بود.

پس سـعی کردم از همان آغاز طـرحهای ابتکـاری خـودرا ادامه دهم و ایده من از ابتدا این بود که هرگاه هرگونه اشکال فنی در کار ماشـینها ایجاد شود در رفـع آن بکـوشم و از طـرفی ایده و طرحهای من مورد تائید کارشناسان خارجی که در این واحد به کار اشتغال داشتند قـرار گرفـت و در بیشتر موارد از ایده فنی من استفاده میشد.

**ادامه کوششها**

ازحسین خـواستیم تا از نگفته‌ها و نپرسـیده‌ها صحبت کند و اینکه بالاخره این سرگذشت به کجا انجامید و درحال حاضر چگونه میگذرد.

وی میگـوید: انجـام وظیفـه دراین کارخـانه، باآنکه اشـتغال و مسئـولیتهای فـراوان و مجـال دیگـری باقـی نمیگـذارد، ولی باز جسـتجوگر و کنجکـاوانه به مسـائل نگـاه میکنم و از فـرصتها بنحو مطلوب سود میبرم دراین صورت درهمین جا هم فعـالیتهای خـودرا کم و بیش ادامه دادم و بطور مثال، قـطعات زایدی را که در ماشـینهای کشش (دی. تی) و ماشـینهای چله پیچـی کار گذاشـته شـده بود، حـذف کردم و بانصـب سـیلندرهای مخصـوص برروی پایه‌های آن و همچنین سـاختن ترمزهای پائـی برای این دستگاهها و برای ساده شدن کار، در سیستم کار آنهـا تغییراتی بوجـود آوردم که هم میزان تولید را به نسبت ۲۰ درصد افزایش داد و هم نحـوه کاررا بهتر کرد و مهمتر اینکه به قطعات اضافی که تهیه و ساختن آن مشکـلاتی را ایجـاد میکـرد، دیگـر نیازی نیست.

وی میافزاید: درضمن طرحهائی دردست اقـدام دارم که به یاری خـداوند و پس از عملی شـدن از

**اولین ماشین ساخت این کارگر، در اولین نمایشگاه صنعتی تهران مورد بازدید قرار گرفت**

# اندیشیدن به درجه اعلای ترقی بزرگترین عامل جهش به سمت کار برتر

**شایستگی و لیاقت کارگران متفکر ایرانی، ایمان کارشناسان خارجی را نسبت به خود جلب کرده است •**

**تغییر در سیستم کار ماشین آلات ساخت خارج از جمله ابتکارات این کارگر متفکر است •**

**حسین افشار، کارگر مبتکر**

آن صحبت خواهم کرد.

افشار در آخرین کلام به مسئله گرایش خود به کار و محیط‌های کارگری اشاره میکند و میگوید: اندیشیدن به درجه اعلای ترقی در کاری که به آن دلبند هستم و به آن عشق میورزم بزرگترین عامل جهش من بوده است. وی در خصوص مشکلاتی که اغلب در محیط‌های کار در گذشته برای کارگران پیش می‌آمد میگوید: به نظر من بزرگترین مشکل در محیط کار کارگران در چندسال گذشته همانا عدم شناختی بود که کارفرمایان و بخصوص کارشناسان و متخصصان خارجی از کار کارگران ایرانی داشتند.

بویژه آنکه بطور فراوان خود شاهد این ماجرا بودمام که چگونه کارگران کشور ما از نظر یك متخصص خارجی دست کم گرفته میشدند و اصولا پذیرفتن ایدمهای سازنده کارگران باهوش و با استعداد ایرانی برای یك خارجی که خود را نسبت به همه نظریات صائب میدانست بعید بنظر میرسید. ولی خوشبختانه با شایستگی و لیاقتی که کارگران ما در دوران انقلاب از خودنشان داده‌اند، برای همه آنها محرز گردید که کارگر متفکر ایرانی صاحب فکر و اندیشه والائی است و اگر بخواهد قدرت خلاقیتی برتر از آنچه که قابل تصور است از خود ابراز میدارد.

درپایان آقای تهرانی نماینده کارگران این کارخانه ضمن ارج‌نهادن بر ارزش فکری و تلاش حسین افشار میگوید: تاکنون کارهای ابتکاری وی مورد تائید کارفرما و همه برادران کارگرمان قرار گرفته و وی از هر گونه پاداش مادی و معنوی ... میخواریم که بتوانیم ... بیشتری از این کارها در واحدتولیدی خود

گزارش از: محمود احیائی
اسلایدها از: علی‌اکبر رهبر

رپرتاژی جالب از:

# نانی که می‌خوریم و کارگران نانوا...

**در تهران انواع نان‌ها، از جمله سنگک، تافتون، لواش، بربری، روغنی، مشهدی، یزدی، و**

حرکت و تلاش برای تامین نان ساکنان محله ادامه دارد.....

کارگر نانوائی، در تابستان و زمستان ، ناگزیر است در مقابل تنور داغ به انجام وظیفه بپردازد.

ترازوداران می‌گویند برای اینکه ما را متهم به گرانفروشی نکنید، نان را بدون توزین از مغازه نبرید.

بعضی از نانوائی‌ها، بر خلاف سنگکی‌ها، چند نوع نان تولید می‌کنند.

نان از قـدیمی‌ترین دوران‌ها ماده اولیه زندگی بوده اسـت. هرچند این ماده حیاتی را نمیتوان دارای ارزشی برابر با ارزش آب دانسـت، اما بی‌تردید دوواژه «اب و «نان» همیشه هماهنگی کاملی با هم داشته‌اند، و گرچه ازهمان زمان که بشر به پخت نان دست زد، انواع انرا پخت و مصرف کرد، اما پیوسته گندم ازجمله بهترین غله برای نان بوده است.

درواقع گندم بعلت ویژگی‌ها و حواص غذائیش از دیر زمان بصورت لازم‌ترین و بدیهی‌ترین ماده حوراکی درامده است، و آیاتی که در کتب مقدس، منجمله کتاب آسمانی ما «قـرآن مجید، در مورد گندم وجود دارد، بهترین دلیل اهمیت غذائی این ماده در زندگی بشر است.

در کتب مقدس آمده است که خـداوند به ادم و حوا فرمود شما می‌توانیداز تمام میوه‌های، موجـود در بهشت استفاده کنید. فقط نباید ازگندم. بهشت

## ..طبخ می‌شود.....

بخورید. اما شیطان حوا را وسوسه کرد که از این دانه ممنوعه بخورد. حوا سرانجام هم نتوانست در مقابل این وسوسه پایداری ورزد و روزی درحالیکه شدت وسوسه شده بود، خود و شـوهرش آدم، از گندم چیدند و در دهان گذاشتند.

خدا که از نافرمانی آدم و حوا بخشـم آمده بود، فوراً آن دو را از بهشت بیرون کرد و بدنیای خاکی فرستاد......

بهرحال، تا انجـا که تاریخ بیاد دارد، بشر از آن پس که از غارنشـینی و زندگی درجنگـل‌ها دست کشید و به کشت مواد غذائی خود پرداخت، گندم بصـورت اولین ماده خـوراکی او درآمد. در زمان حـاضر هم هنوز گندم واجـبترین ماده زندگی ۹۰درصد مردم جهان است، و درواقـع برای این اکثریت، هیچ غذائی بدون وجـود نان کافـی بنظر نمیرسـد. حتی در کشـورهای آسیای شرقـی، هندوچین و نیز مناطـق شـمالی ایران که برنج مصرف فراوانی دارد، نان هم مورد استفاده است.

### نانوائی‌های تهران

درحال حاضر حدود سه‌هزار و دویست و شانزده مغـازه نانوائـی در سراسر تهـران وجـود دارد، که انواع نان‌ها مثل سنگك، تافتون، لوله‌ای (سـفید) و...رامی‌پزند باآنکه درشـهرستان‌ها هم تنوع نان را میتوان دید، اما این تنوع درتهران بیشتر بچشم می‌خـورد، و آن ناشی از وجـود افـرادی از شهرستانهای مختلف در تهـران است، که طبع و ذوقی مختلف دارند، و نیز خارجیان مقیم پایتخـت راهم فراموش نکنیم که آنها نان سنگك و تافتون نمی‌خـورند، و از نانی ا سـتفاده می‌کنند که بتوان انرا «تست»(برشته) کرد.

در پایتخـت خـوزستانی درکنار کرمانشـاهی و خراسانی درحـوار شـمالی و زاهدایی درکنار افـراد دیگر نقاط کشور، زندگی می‌کنند. این تنوع باعث شده تابسیاری از این افراد نانهای سـنتی خـود را هم در تهران تولید کنند.

نان مشـهدی، نان لواش نازك و نان بربری که نوعی نان سـنتی اذربایجـان اسـت، نان یزدی و امثال آن نشـانه‌ای از وجـود افـراد شـهرستانی و سلیقه‌های گوناگون درجهت تولید نان است.

درحـال حـاضر ۷۵۸ مغـازه نان بربری، ۹۳۱ مغـازه سـنگکی، ۳۷٦ مغـازه تافتون‌پزی، ۳۷٦ مغـازه لواش‌پزی، ۲٤٥ مغـازه نان مشـهدی و یزدی‌پزی و ۷۷ مغـازه مخصـوص پختن انواع دیگر نان در تهران وجود دارد، که در این مغـازه‌ها بیش از ۱۲،۰۰۰ کارگر به انواع کارهای مربوط به پختـنان مشغول هستند.

**نان تافتون، از جمله پر طرفدارترین انواع نان در تهران است .**

### نان سنگك

نان سنگك از اوائـل دوره قـاجاریه بعنوان نان سنتی تهرانی‌ها مورد توجه قرار گرفـت. علت این امر را باید در مرغوبیت این نوع نان جستجو کرد. از سـوئی آردی که برای تهیه نان سـنگك مورد استفاده قـرار میگیرد، از مرغوب‌ترین انواع آرد است. گذشته از این، بعلت کیفیت ساختمان تنور مغازه‌های سنگکی و اسـتفاده از شـن برای پختن خمیر، نان سنگك همیشه خشـکتر از دیگـرنان‌ها است و باصطلاح کمتر بطور خمیر بدست مشتری می‌رسد.

وجه تسمیه این نان هم همان استفاده از شـن برای پختن آنسـت. نانواهای سـنگی شـن‌های مناسـب برای پختن نان را توی تنور میریزند و آن را داغ میکنند. خمیر نان بعـد از اینکـه شکـل گرفت، روی این شن‌ها قـرار میگیرد و بعـد از ده الی دوازده دقیقه پخته میشود.

خـاصیت دیگـر نان سـنگك زود هضـم بودن آنست. بهمین جهت افـرادی که می‌خـواهند نانی که میخـورند زود هضـم شـود، یا از بیماری‌های گوارشی رنج میبرند، همواره ترجیح میدهند از این نوع نان اسـتفاده کنند. از سـوی دیگـر هرنوع از نانهائی که هم اکنون در تهـران وجـود دارد برای خـوردن با غذای مشـخصی مناسـب اسـت. نان سنگك بهترین نان برای خوردن ابگـوشت اسـت. از این‌رو، این نوع نان درقهـوه‌خانه‌ها هم مصرف زیادی دارد.

نان بربری هرچند خـواص بهـداشتی نان سنگکی را ندارد، اما این نوع نان بعلت طعم خوبی که دارد، همواره مورد توجـه گروهی از مردم بوده است.

نان بربری درواقـع بیشـترین مصرف را برای عصرانه و همچنین برای خـوردن خـوراکی‌های مختصر بین دو وعده اصـلی غذا دارد. باین جهـت نان بربری در بعضی از مواقع بصورت نوعی تنقـل در می‌اید. بااینهمه دربسیاری از خانواده‌ها این نان بومی آذربایجان نان اصلی بشمار میرود.

همانطور که نان سـنگك بیشـتر مورد علاقـه افراد مسن است، جوانان و کودکان هم طرفداران اصلی نان بربری هستند.

طـرز پختن این نوع نان هم با نان سـنگك تفاوت زیادی دارد. تنورهای مخصوص پخـت نان بربری معمولاً مسـطح اسـت. کف این تنورها از اجر یا سنگ درست شـده و بوسـیله «فـر»های مخصوص گداخته میشود

در گذشـته تمام تنورهای نان بربری بوسـیله هیزم گرم میشـد، ولی با پیشرفـت بیشـتر تکنیك دستگاههای حـرارتی، هم اکنون انواع «فـر» در بیشتر مغازه‌های نانوائی مورد استفاده است.

نان بربری برخلاف نان سنگك که همیشـه یك شکل دارد، دارای شکل‌های متعددی است.

این نان بسته به سلیقه مشـتری، گاه بصـورت بیضی و گاهی دایره‌ای شکـل و بعضی وقتهـا هم بصورت تقریبی مستطیل درست میشود.

### تافتون

نان تافتون هم از قدیم درتهران مصرف زیادی داشته است.

هرچند این نوع نان هم دربسیاری از خانواده‌ها نان مصرفـی اصـلی را تشکیل میدهد، اما در سیاری از دیگـر خـانواده‌ها در مواقـع بخصـوص

لطفا ورق بزنید

عده‌یی نان بربری را بیشتر با صبحانه و یا عصرانه می‌خورند.

مورد استفاده قرار میگیرد.

بعضی از خانواده‌ها بیشتر در روزهای میهمانی و شبهای عروسی نان تافتون مصرف می‌کنند.

تنورهائی که این نوع نان درآن پخته میشود از سفال و گرد است، که خمیر را پس از آماده شدن و پهن کردن در درون آن به اطراف می‌چسبانند، که چند دقیقه بعد، پخته می‌شود.

## نان لواش

نان لواش در واقع نازک ترین انواع نان است. این نوع نان در چند سال اخیر مورد توجه تهرانی‌ها قرار گرفته است. تنورهای مخصوص پختن نان لواش مانند تنور نان خراسانی، است، که البته این تنورهم شبیه تنور نان تافتون است، با این تفاوت که تنور نان تافتون هوائی نصب می‌شود و کارگر درحال ایستاده نان را می‌پزد.

تنورهای زمینی درواقع به یادآورنده تنورهای سنتی موجود درخانواده‌های قدیمی ایران است. از زمان‌های قدیم تاهمین پنجاه سال پیش که خیلی از خانواده‌ها نان مصرفی خود را درخانه تهیه می‌کردند این تنورها در هرخانه‌ای دیده میشد.

هم‌اکنون نانوائی‌هائی درتهران وجود دارد که در واقع نان را بصورت خانگی عرضه میکنند.

نان این گونه نانوائی‌ها بیشتر از نوع محلی بویژه مشهدی است، و در مغازه‌هائی که در واقع یکی از اتاق‌های خانه بشمار میرود، کار خود را

# نانی که می‌خوریم

انجام میدهند.

درچند سال اخیر این قبیل نانهای خانگی هم طرفداران زیادی پیدا کرده است.

هم‌اکنون حدود ۴۰ مغازه «خشکه پزی» هم در تهران وجود دارد. کار این نانوائی‌ها پختن نان شیرمال، نان لواش شیرین، نان روغنی و نان دوالکه (خشك) است. درگذشته این نوع نان طرفداران بسیاری داشت و در واقع نان مخصوص صبحانه بشمار میرفت، اما اکنون با رواج انواع بیسکویت، نان سوخاری و امثال آن از اهمیت نان خشك کاسته شده است.

زین‌العابدین طوماری، صاحب یك خشکه‌پزی است. او درمورد وضع کنونی این نوع نان میگوید: «مردم همیشه طالب چیزهای تازه‌هستند. حال اگر این تازگی اصالتی هم نداشته باشد برای آنها مهم نیست. بیسکویتها و انواع نان‌های ماشینی در واقع ظاهر خوبی دارند، ولی میزان مواد غذائی موجود در این نوع نانها چندان زیاد نیست، درحالیکه نان خشك از گندم خالص تهیه میشود و بهترین ماده غذائی برای صبحانه است.»

## تنوع کار در نانوائی‌ها

تنوع کار در مغازه‌های نانوائی در کمتر کارگاهی دیده میشود. این تنوع در واقع نشانه‌ای از وجود یك فعالیت گسترده دراین مغازه‌هاست.

خمیرگیر، شاطر، ترازودار، و چانه‌گیر، چهار شغل مهم در مغازه‌های نانوائی است.

در بسیاری از مغازه‌ها در آوردن نان از تنور هم خود وظیفه جداگانه‌ای بشمارمیرود.

هرکدام از کارگران نانوائی در طی سالها در وظیفه‌ای که انجام میدهند، بحد کافی تجربه اندوخته‌اند. خمیرگیری یکی از مهمترین شغل‌های موجود در مغازه‌های نانوائی است.

سلیم مؤمنی، یك کارگر خمیرگیر است و روزانه ۷۰۰ ریال دستمزد میگیرد. او در باره چگونگی شغلش میگوید: «هرچند هم‌اکنون دستگاههای خمیرگیری کار ما را تا اندازه زیادی آسان کرده است، اما هنوز هم بازوهای کارگر است که نقش اصلی را انجام میدهد.»

این کارگر میافزاید: «نظافت و رعایت اصول بهداشتی باید صفت اصلی یك خمیرگیر باشد، چراکه کوچکترین سهل‌انگاری در اینمورد، بیماری و ناراحتی گروه زیادی را در پی خواهد داشت. بهرحال من خوشحالم که در طی هیجده سال کار، هرگز این موضوع را فراموش نکرده‌ام.»

محمد علی بازوکی صاحب یك نانوائی سنگکی است. حدود سی و دو سال سابقه کار دارد او میگوید: «محیطی را که در مغازه‌های نانوائی وجود دارد، در هیچ کارگاه دیگری نمیتوان مشاهده کرد. یك کارگر نانوا در گرمای چهل درجه تابستان مجبور است در کنار تنور و در حرارت زیاد کار کند. باین جهت من همواره بر این عقیده بوده‌ام که کارگران نانوائی زحمت کش‌ترین افراد طبقه کارگر هستند.»

محسن فریدونی، شاطر یك نانوائی بربری پزی است. شانزده سال سابقه کار دارد و روزانه حدود ۷۰۰ ریال دستمزد میگیرد.

او میگوید: شاطرها در واقع سخت‌ترین وظیفه را در مغازه‌های نانوائی بعهده دارند، چرا که هرگز از کنار آتش دور نمیشوند.»

این کارگر نانوائی در باره مشتریان مغازه‌های نانوائی میگوید: «من نمیدانم چرا مردم همینکه پایشان به مغازه‌های نانوائی میرسد، صبر وحوصله خود را از دست میدهند، گوئی حتی ده دقیقه ماندن در دکان نانوائی برای آنها تحمل ناپذیر است، بطوریکه حاضرند نوبت دیگران به آنها داده شود. این موضوع همواره ناراحتی کارگران مغازه‌های نانوائی را باعث شده است»

چانه گیرها هم در نانوائی‌های تافتونی و بربری و لواشی شکل دادن خمیر را بعهده دارند ودر واقع کار آنها بانوعی سلیقه خاص همراه است

کارگران نانوائی در گذشته ساعت کار بخصوص نداشتند. آنها از صبح زود سرکار حاضر میشدند و گاه تا ساعت ده شب بکار ادامه می‌دادند، اما از چند سال پیش به اینطرف با اجرای قانون کار، کارگران نانوائی هم مشمول مقررات این قانون شدند.

درحال حاضر ساعتهای کار بین کارگران نانوائیها تقسیم شده است. باین ترتیب که گروهی صبح‌ها انجام وظیفه میکنند و گروهی دیگر بعداز ظهرها سرکار حاضر میشوند.

نانوایان از معدود اصنافی هستند که جز در روزهای بخصوص مثل روز عاشورا یا روز اول فروردین، تعطیلی دیگری ندارند، چرا که همان نیاز بیش از اندازه مردم به نان باعث میشود تا انها همیشه مشغول کار باشند. از سوی دیگر کارگران نانوائی به سه گروه تقسیم میشوند. گروه اول در تمام سال کار میکنند و در واقع کارگر دائمی هستند. گروه دوم کارگرانی هستند که بطور فصلی کار میکنند و این کارگران معمولاً تابستانها را در روستاهای خود بکارهای کشاورزی میپردازند و پس از پایان فصل کشت و درو کردن محصول، به شهر می‌آیند. کار در مغازه‌های نانوائی برای بسیاری از این گروه شغل ایده‌آلی است، چرا که گذشته از دریافت دستمزد خوب، زمستان را هم میتوانند به بهترین وجهی به پایان برسانند.

سومین گروه کارگرانی هستند که تنها بعضی مواقع بعنوان «کمك» و یا بجای یك کارگر که به مرخصی رفته کار میکنند، ولی شغل اصلی انها نانوائی نیست.

## نان سفید

نان سفید (لوله‌ای) را هم باید بعنوان نوعی نان جدید بحساب آورد. این نوع نان نشانه اینست که حتی کیفیت نان هم از تقلیدهای اروپائی بدور نمانده است . نان سفید در واقع نان بومی بسیاری از کشورهای اروپا است حدود چهل‌و پنج سال پیش این نوع نان بتدریج در تهران و سپس در برخی از شهرستانها رواج یافت. امروزه نان سفید بیشتر برای درست کردن انواع ساندویچها مصرف میشود، اما بسیاری از مردم هم آن را بعنوان بهترین نان برای خوردن صبحانه یا عصرانه میدانند.

نان سفید بیشتر بوسیله آذربایجانی‌های مقیم تهران یا هموطنان ارمنی ما درست میشود.

کارگران نانوائی، آن گروه که بناگزیر سر پا می‌ایستند و چند ساعت کار می‌کنند پس از چند سال چنانچه تدبیر لازم اتخاذ نکنند، از جمله تغییر سمت در کارگاه ندهند، گاه به بیماری واریس دچار می‌شوند، که بیماری واریس در واقع خاص کارگران نانوا نیست، و واریس معمولاً برای طبقات دیگر هم که شغلشان ایستادن سرپاست، وجود دارد. «ولی کمان کش» یکی از شاطرهای با سابقه، می‌گوید: «ایستادن کارگران بر روی پاها، علت اصلی بروز این بیماری است.»

سرما خوردگی از دیگر بیماری‌هاست ، که در کمین کارگران نانواست . هر چند این بیماری در

بقیه درصفحه ۸۹

از: دکتر حیدرقلی عمرانی، معاون امور بهزیستی وزارت بهداری و بهزیستی

تامین اجتماعی

# هزینه‌های تامین اجتماعی از چه منابعی تامین میشود؟

در مباحث گذشته در باب تعهدات سازمان تامین اجتماعی در قبال بیمه‌شدگان مخصوصاً کارگران ایران به تفصیل گفته شد. هر یك از این تعهدات که سراسر متضمن حمایتهای موضوع نظام تامین اجتماعی است بسهم خود هزینه‌های بالنسبه سنگینی در بر دارد و بالطبع لازمهٔ تامین اعتبار اینگونه هزینه‌ها وسیله سازمان تامین اجتماعی، وجود منابع درامد معین و مطمئن میباشد.

لازم به توضیح نیست که اگر قرار باشد مردم جامعه‌ای را که تحت پوشش تامین اجتماعی بوده‌اند در زمان پیری و ناتوانی و از کار افتادگی و یا در موارد فوت نان‌آور خانواده، از کمك‌های مالی برخوردار سازند تا معاش آنها دچار تزلزل نشود و نیز چنانچه قرار باشد بیمه شدگان را در زمان بیماری از انواع خدمات درمانی لازم برخوردار سازند و در ازاء در آمد از دست رفته آنها در زمان بیماری و عدم توانائی ادامه کار و مدت معذوریت مبلغی غرامت دستمزد پرداخت گردد بدون تردید برای اینگونه هزینه‌ها بایستی منابع مالی قابل اتکاء در دسترس باشد. امروزه در کشورهای مختلف جهان بر حسب درجه پیشرفت نظام تامین اجتماعی و موارد بیمه، ضمن اینکه تعهدات سازمانهای عهده‌دار برنامه‌های تامین اجتماعی تقریباً از همسانی و مشابهت برخوردارند از لحاظ چگونگی تامین منابع مالی بین آنها تفاوتهائی دیده میشود در مواردی سهم دولت از محل عواید عمومی در تامین مالی برنامه‌های تامین اجتماعی چشمگیر است در مواردی دیگر سهم کارفرمایان قابل ملاحظه است ولی تا زمان حاضر عموماً برنامه‌های تامین اجتماعی در وهله اول به درامدهای حاصل از حق بیمه متکی میباشد که وسیله کارفرما و بیمه شده پرداخت میشود و جز در چند کشور پیشرفته عالم که دولت قسمتی از نیازهای مالی برنامه‌های تامین اجتماعی را تامین میکند در بقیه کشورها صندوق تامین اجتماعی از محل حق بیمه پرداختی کار فرما و بیمه شده تغذیه میکند.

بموجب ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی ایران منابع درامد اصلی سازمان تامین اجتماعی عبارتست از حق بیمه پرداختی بماخذ مزد یا حقوق بیمه شده وسیله کارفرما و بیمه شده (هفت درصد بیمه شده و بیست درصد کارفرما) و معادل سه درصد مزد یا حقوق بیمه شده که وسیله دولت تامین میگردد (جمع حق بیمه معادل سی درصد مزد یا حقوق بیمه شده میباشد).

ضمناً منابع در امد دیگری نیز برای سازمان پیش بینی شده است از قبیل در آمد حاصل از

«افزایش عظیم در آمد ملی ما، که قسمت اعظم آن حاصل مبارزه مشروع و موفقیت امیز ما برای احقاق کامل حقوق ملی از بابت منابع و صنایع نفتی کشورمان بود، بما امکان طرح و اجرای برنامه‌های سازندگی چنان و سیعی را در همه رشته‌های مادی و معنوی حیات ملی داد که حتی تصور آن نیز تا چند سال پیش ممکن نبود.»

**از سخنان شاهنشاه آریامهر در مراسم گشایش مجلسین در هفدهم شهریور ماه ۲۵۳٤**

**به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان از مزایای «قانون تامین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هر شماره ضمن گفت و گو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون امور بهزیستی و گروههای ویژه وزارت بهداری و بهزیستی، و یکی از صاحبنظران تامین اجتماعی مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یك از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه‌های اجتماعی بازگو می‌کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می‌توانند نظریات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.**

وجوه و ذخایر و اموال سازمان و وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی بعلت تاخیر پرداخت حق بیمه و خساراتی که بسازمان وارد شده است و همچنین در آمدهائی که احیاناً بصورت کمك‌ها و هدایائی بسازمان داده میشود.

در مباحث گذشته اشاره شده است که ذخائر مالی تامین اجتماعی و چگونگی بکار انداختن و بهره برداری از این منبع مالی بعد از در آمدهای حاصل از حق بیمه یکی از مهمترین و حساس‌ترین امور سازمان تامین اجتماعی بشمار میرود، زیرا پیش بینی لزوم ذخایر و ایجاد اندوخته‌هائی از محل عواید و حق بیمه‌های وصولی در قوانین و مقررات بیمه‌های اجتماعی صرفاً بخاطر این نیست که مبالغی نقدینه یا اموال قابل تبدیل به پول از دسترس استفاده و مصرف دور بماند و برای روز به اصطلاح مبادا و بعضی از ضرورتهای مالی اندوخته گردد بلکه همواره در محاسبات فنی بیمه‌ای و در واقع برآورد خرج و دخل دستگاه بیمه‌گر با در نظر گرفتن بسیاری از احتمالات مانند بروز اتفاقات پیش‌بینی نشده هزینه‌زا و گاهی پر خرج، در امدهای حاصل از بهره‌برداری از اندوخته‌ها و ذخایر اعم از اینکه بصورت وجه نقد باشد یا بشکل اموال منقول و غیر منقول مانند ماشین‌الات و وسایل و ابزار کار و ساختمانهای مورد استفاده از قبیل بیمارستانها درمانگاهها و بناهای اداری و غیر اداری و سایر مستغلات قابل بهره‌برداری همواره مورد توجه و محل اتکاء مسئولین امور مالی تامین اجتماعی میباشد.

بنابراین توجه دقیق به نوسانات و اوضاع و احوال اقتصادی و بازارهای پولی و مخصوصاً تغییرات ارزش پول که معمولاً در طی زمان کاهش میابد کاملاً لازم است. زیرا پولی که امروز از محل درامدهای سازمان تامین اجتماعی ذخیره و پس‌انداز میشود در آینده قدرت خرید خود را در مقایسه با قدرت خرید خود در زمان پس‌انداز از دست میدهد و دارای ارزشی برابر ارزش گذشته خود نخواهد بود. بمنظور جبران کاهش ارزش اینگونه اندوخته‌ها که لزوماً در آینده باید برای انجام تعهدات سنگین و اجتناب ناپذیر صندوق تامین اجتماعی همواره مهیا و مجهز باشد، دور اندیشی و اتخاذ تدابیر فنی صحیح و حساب شده از مهمترین و احیاناً پر دردسرترین گوشه‌های کار مدیران سازمانهای عهده‌دار انواع بیمه‌های اجتماعی است.

شاید لازم به توضیح نباشد که در هر حال درامدهائی که از بکار انداختن ذخایر و اندوخته‌های صندوق تامین اجتماعی بدست میاید بایستی در حدی باشد که بتواند اولاً تنزل ارزش پول را در طی زمان جبران کند و ثانیاً با خطرات احتمالی که در هر گونه سرمایه‌گذاری اجتناب ناپذیر است مقابله کند و ثالثاً نفع مالی قابل قبولی برای صندوق تامین اجتماعی در بر داشته باشد تا ضمن حفظ ارزش اندوخته‌ها و جبران مخاطرات مالی احتمالی، به تقویت پشتوانه مالی صندوق تامین اجتماعی کمك کند و این صندوق را برای رویاروئی با تعهدات سنگین و روزافزون خود اماده سازد.

در حال حاضر از منابع مالی و درامدهای جاری سازمان تامین اجتماعی قسمتی صرف انجام تعهدات قانونی سازمان در قبال بیمه شدگان، مانند هزینه‌های درمانی، غرامات دستمزد و انواع مستمریها و سایر تعهدات و قسمتی نیز صرف مخارج اداری میشود و بالاخره سهمی از این درامدها بحساب ذخایر و اندوخته‌های سازمان تامین اجتماعی نزد بانك رفاه کارگران واریز میگردد که با توجه بماده ۵۳ قانون تامین اجتماعی تحت نظر هیئتی از کارشناسان ذیربط مورد بهره برداری قرار میگیرد

گفته شد که بنا به تعریف قانون اجتماعی (بند شش ماده دو) حق بیمه عبارتست از وجوهی که برای استفاده از مزایای موضوع این قانون پرداخت میگردد و این حق بیمه است که بزرگترین منبع درامد سازمان تامین اجتماعی را تامین میکند و بسازمان امکان میدهد به تعهدات خود در مقابل بیمه شدگان و مخصوصاً کارگران کشور جوابگو باشد.

بموجب ماده۳٦ قانون تامین اجتماعی کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و سهم بیمه شده بسازمان میباشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده بسازمان تادیه نماید. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصاً مسئول پرداخت ان خواهد بود.

در اینجا ممکن است این سئوال مطرح شود که اگر احیاناً کارفرما از انجام این تکلیف قانونی خود یعنی کسر حق بیمه سهم بیمه شده و تادیه کل حق بیمه (سهم خود و سهم بیمه شده) بسازمان مسامحه یا امتناع کرد وضع بیمه شده در برخورداری از حمایتهای سازمان تامین اجتماعی چه خواهد شد.

خوشبختانه در این مورد قانونگزار مشکل بیمه را حل کرده و مقرر داشته است که «تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت ان رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود».

به این ترتیب تنها کافیست که بنحوی از انحاء بیمه بودن شخص نزد سازمان تامین اجتماعی محرز و محقق گردد تا بتواند از کمکها و مزایای مربوط برخوردار شود و برای انجام این شناسائی و احراز بیمه بودن شخص، ارائه کارت یا دفترچه مخصوص بیمه که توسط سازمان تامین اجتماعی بنام هر یك از بیمه شدگان صادر شده است ساده‌ترین وسیله میباشد.

# حلبی سازی هم فراموش می شود!

**یک زمان، در هر محل و بازارچه، دو تا ۳ مغازه حلبی سازی وجود داشت، اما در حال حاضر، ۴۰ مغازه حلبی سازی در تمام تهران وجود دارد**

حلبی‌سازی در شمار یکی از حرفه‌های قدیمی است. هر چند این حرفه از دویست سال پیش رواج کامل یافته، اما پیش از این زمان هم شکل ابتدائی آهن سفیدسازی در کشورهای آن زمان رواج داشته است.

در سومر، آکاد، کلده، آشور و ایران باستان هر سال مقدار زیادی فلز از معادن استخراج می‌شد. در این بین ورقه‌های نازک آهن که بیشتر برای [illegible] وسائل خانه مورد استفاده قرار می‌گرفت، پس از [illegible] بدست می‌آمد.

از همان موقع بسیاری از صنعتگران به شکل دادن این فلز می‌پرداختند و در واقع باید آنان را پایه‌گذار حرفه حلبی‌سازی دانست.

سی — چهل سال پیش، در هر گذر و محله، حداقل دو سه حلبی‌سازی وجود داشت، اما در حال حاضر تعداد ۴۰ مغازه حلبی‌سازی در تهران وجود دارد، و عده کارگران حلبی‌ساز هم [illegible] ۲۰۰ نفر تخمین [illegible]. عمر این کارگران بین [illegible] تا [illegible] سال در نوسان است، که البته [illegible] ۸۰۰ ریال.

[illegible] بازار حلبی‌سازها [illegible] و [illegible]؛ در این بازار تنها سه مغازه حلبی‌سازی وجود دارد. بقیه قسمت‌های بازار را خواربار فروشی‌ها، عطاری‌ها و دیگر مغازه‌ها اشغال کرده‌اند.

عبدالله کریمی، یک حلبی‌ساز قدیمی است و مغازه او [illegible] در خم بازار آهنگران قرار دارد. او در مورد علت رکود کار حلبی‌سازان می‌گوید: «رواج بیش از اندازه ظروف و وسائل پلاستیکی، علت اصلی رکود کار ما است. در گذشته نه چندان دور، بخاری و سایر [illegible] خانه بدست ما ساخته می‌شد. در حالیکه اکنون [illegible] حلبی‌سازها به [illegible] ناودان و کانال کولر، [illegible] و [illegible] محدود شده است.

حلبی‌سازها در حال حاضر آهن سفید را کیلوئی ۴۰ [illegible] و آن را به شکل‌های گوناگون در می‌آورند.

[illegible] فصل اصلی کار [illegible] است چرا که در این زمان [illegible] بازار فروش بیشتری دارد.

در گذشته که کار آن‌ها رواج کاملی داشت انواع [illegible] طشت، لگن، اسباب‌بازی‌های کوچک مثل [illegible] و سیاری وسایل دیگر بوسیله افراد این صنف ساخته می‌شد، که این روزها بیشتر این وسایل در کارخانه‌ها بوسیله پلاستیک ساخته می‌شود.

در آن زمان کیفیت کار آن‌ها با امروز تفاوت زیادی داشت. این تفاوت در مورد حلبی‌سازها نکته بسیار جالبی است.

**تکنیک کار تمام حرفه‌ها با پیشرفت زمان کامل‌تر شده است در حالیکه حلبی‌سازها از نظر طرز کار به سادگی گرائیده‌اند. جریان از این قرار است که در گذشته حلبی‌سازها بعلت تنوع کار از دستگاههای لحیم‌کاری، کوره و دم استفاده زیادی می‌کردند و در واقع این وسائل ابزار اصلی کار آن‌ها بود اما اکنون بعلت محدودیت [illegible] تنها به چکش و چرخ اکتفا کرده‌اند.**

**تنها وسیله‌ای که در گذشته در مغازه‌های حلبی‌سازی وجود نداشت و اکنون هست، چرخ مخصوص برش است.**

**در آن زمان حلبی‌سازان با استفاده از قیچی‌های ریز و درشت حلبی را می‌بریدند. این کار مقدارزیادی از وقت آنان را می‌گرفت، در حالیکه اکنون با استفاده از چرخ در مدت کوتاهی مقدار زیادی حلبی میبرند.**

**در زمستان‌ها ساختن بخاری‌های کوچک و ناودان بصورت شغل اصلی حلبی سازها در می‌آمد، اما با رواج بخاری‌هائی که در کارخانه‌ها بوسیله ماشین تولید می‌شود، این کار هم به تدریج دچار رکود شده است.**

[illegible] یکی دیگر از حلبی‌سازها می‌گوید: **«ایجاد کارخانه‌های تولید بخاری و وسایل پلاستیکی رکود کار ما را باعث شده است.**

**چرا که با وجود اینهمه فرآورده‌های تکنیکی، دیگر کسی به فکر خرید اجناس [illegible] نیست. از طرفی، این روزها، قوطی‌های حلبی و حتی، کانال‌های کولر را هم در کارگاههای بزرگ با ماشین‌ها و وسایل مدرن، می‌سازند، و محلی برای کار ما نیست.»**

این کارگر می‌افزاید: «در حال حاضر کمتر کسی هم به فکر پرداختن به این حرفه است. بابن جهت هر روز از تعداد مغازه‌های حلبی سازی کمتر می‌شود و با توجه به محدودیت این شغل دور نیست که تا چند سال دیگر این حرفه بکلی از بین برود.»

**بهای دست ساخته‌های کارگران حلبی ساز هم بسته به وزن و حجم آن بسیار گوناگون است. از سوئی نوع حلبی در این مورد تاثیر زیادی دارد. حلبی‌هائی که سفیدتر و دارای قطر بیشتری باشد ارزش زیادتری هم دارد.**

**در حال حاضر بسیاری از ساخته‌های حلبی سازها بطور توزیعی بفروش می‌رسد این طرز فروش در واقع به بهترین وجهی منافع هر دو طرف را حفظ می‌کند**

میزگرددرستاخیزکارگران،باشرکت اعضای هیات مدیره کارگران خباز اهواز

# صاحبخانه‌های ما ازاینکه صبح‌ها زود از خواب بیدار میشویم بما اعتراض می کنند!

قربانعلی سرافراز، نایب رئیس سندیکای

علی تلوهی، کارگر خباز

هرمزی، عضو هیئت مدیره

غلامعلی پناهنده، دبیر سندیکای

محمد قنادی نژاد، کارگر خباز

رستاخیز کارگران، از نخستین روز انتشار تاکنون، هرگز از انعکاس خواستها و نظرات کارگران عزیز سراسر کشور غفلت نورزیده و در این طریق همواره نقش مهمی را که بعهده داشته، ایفا کرده است. از همین رو با خرسندی کامل میزگرد مسائل کارگری سندیکای کارگران نانوائی اهواز را چاپ می‌کنیم، و چنانکه ملاحظه میفرمائید، در مورد مسائل طرح شده بوسیله این کارگران عزیز با دوتن از صاحبمنصبان عالیرتبه وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداری و بهزیستی تماس گرفته و پاسخ لازم را دریافت داشته‌ایم. امیدواریم راهنمائی‌هائی که بعمل امده، بتواند راهگشای حل مشکلات این کارگران عزیز باشد. اینك میزگردی را که آقای مهدی واحدی تهیه کرده و حاصل گفتگوی ایشان با سندیکای کارگران نانوایی اهواز است بنظر شما خوانندگان عزیز میرسانیم:

■ ■ ■

بسراغ تنی چند از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران خبازی شهر اهواز رفتیم ببینیم در پشت تنورهائی که از آتش زبانه میکشد چه میکنند و براینها که با تمام وجود به تهیه نان مورد نیاز مردم، مهمترین ضرورت زیستی مشغولند و در این رهگذر رنج گرما و خستگی مفرط را بر خود هموار کرده تا بتوانند به تعهدات و وظایف خود در مقابل مردم عمل کنند، چه میگذرد.

برای آگاهی از نظرهای این گروه شریف و زحمتکش به سندیکای کارگران خباز آمدیم، سندیکایی که در طول حیات هشت ساله خود توانسته است گامهایی در راه خواستهای منطقی کارگران بردارد. آنچه در زیر میخوانید، حاصل این گرد همائی است:

**غلامعلی پناهنده، دبیرسندیکا:** با وجود اینکه ۷۰۰ نفر از ۱۲۰۰ نفر کارگران خباز این شهر بیمه شده‌اند، ولی همین تعداد نیز بدرستی نمیتوانند از مزایای قانون بیمه‌های اجتماعی استفاده کنند، زیرا با توجه به حدود ۶۸٫۰۰۰ کارگر مختلف شهر اهواز، بیمارستان کورش کبیر نتوانسته پاسخگوی نیازهای درمانی کارگران و خانواده‌های آنها باشد، مثلا در مورد بستری کردن آنها باید مدت زیادی را برای نوبت بسر برند.

**قربانعلی سرافراز، نایب رئیس سندیکا:**
کارگران خباز بدلیل فشار و سنگینی کار و نداشتن رفاه متناسب با کار و تا حدوی کمی دستمزد، جذب مشاغل دیگر شده و در نتیجه این صنف با کمبود کارگر مواجه است. تعدادی از خبازیها نیز بحالت تعطیل در آمده‌اند برای جلوگیری از گسسته شدن صنف که بخصوص در جامعه کارگری خوزستان نقش اساسی‌را بعهده دارند و برای حل مسئله کارگران با توافق کارفرمایان ۱٪ حقوق کارگران خباز را افزایش دادیم و قرار بر آن شد که نان کیلوئی ۱۸ ریال و هردانه‌ای ۵ ریال - البته با توجه به افزایش وزن آن - فروخته شود و باین وسیله توانستیم عده‌ای از کارگران را دوباره به کار خود برگردانیم. مع‌الوصف بعلت گرانفروشی چند تن از کارفرمایان که خلاف مقررات موجود عمل کرده و در بعضی موارد نان را به کیلوئی ۲۵ تا ۳۰ ریال فروخته بودند، باز کارگران خباز را ملزم به پختن نان ۳ ریالی کرده‌اند، در صورتیکه نان ۳ ریالی در اثر سبکی وزن نمیتواند پخت مرغوبی داشته باشد و شاید همین امر باعث گریزان شدن مجدد کارگران نانوائی شود.

**محمد قنادی‌نژاد:** اجاره خانه زیاد شده واز عهده پرداخت آن عاجزیم وتازه رفتار مالکان با مستاجران نیز این مشگل را تشدید کرده وکارگران خباز بالاجبار برای تهیه مسکن به شهرهای کوچکتر پناه میبرند. امیدواریم مسئولین امر در این جهت اقداماتی انجام دهند.

**علی تلوهی،** عضو هیات مدیره سندیکا، توجه مقامات مسئول را نسبت به خواسته‌های هیئت مدیره سندیکای کارگران خباز جلب کرده وگفت: کارگران غیربومی بعلت مشکل مسکن ناچار می‌شوند به روستاها بروند ودر نتیجه ما با کمبود کارگر مواجه میشویم.

**هرمزی، عضو هیئت مدیره سندیکا:**
نداشتن امکانات بهداشتی در محیط‌کار ونبودن ساعات مشخص کار از دیگر مشکلات ماست واز نظر درمانی کارگر بعد از ده روز اول کار بیمه میشود، ولی برای بدست آوردن دیگر مزایای قانونی بیمه، داشتن حداقل سه ماه سابقه کار است واین در صورتی امکان پذیر است که پیش از سه ماه بیکار نشود

**اسماعیل صادقی.** مشکل دیگری که برای ما پیش امده، اعتراض صاحب خانه‌ها در مورد ساعت کار ماست که چرا صبح خیلی زود سر کار میرویم وشبها تا دیر وقت بخانه میائیم. در شرایطی که به صورتهای مختلف بهانه‌جوئی از سوی مالکان خانه‌های استیجاری دیده میشود، شاید ورود وخروج در ساعاتی که مناسب کار کارگران نانوائی است، بهانه‌ای گردد برای نابسامانی‌های مالك ومستاجر

**عبدالمجید نورالله:** به پذیرید که ۸ساعت کار و٤ ساعت اضافه کاری، برای ما طاقت فرساست وانتظار داریم مسئولین در مورد رفاه ما توجه بیشتری بکنند.

کارگران خباز با شناخت موضع خود وآگاهی از مسئولیت وتعهدی که در مورد تهیه یکی از ضروریات زندگی روزمره مردم، یعنی نان مورد نیاز عموم دارند، متفقاً با توجه به گسترش نهضت تعاونی در سراسر مملکت از مقامات مربوطه خواستارند که در تشکیل شرکت تعاونی مسکن ومصرف آنان را یاری دهند

بیدرنگ پس از وصول میزگرد کارگران نانوائی شهرستان اهواز، با آقایان حبیب‌اله حسامی مدیرکل نظارت بر فروش سهام ونماینده وزارت کار وامور اجتماعی در میزگردهای مسائل کارگری ودکتر مرتضی روحانی مدیرکل وزارت بهداری وبهزیستی تماس گرفته ومشکلات این دسته از کارگران عزیز را با انها درمیان گذاشتیم.

آقای دکتر مرتضی روحانی، در مورد بیمه نشدن ۵۰۰ نفر از کارگران نانوائی اهواز گفت این مورد از جمله مسائلی است که کارگران میتوانند با مراجعه بمقامات سازمان تامین اجتماعی در اهواز، به حقوق خود دست یابند. منتهی در درجه نخست طرح شکایت اهمیت دارد

بقیه درصفحه ۸۹

# کزاز نوزادان

**●کارگرانی که با خاك و شن و گرد و غبار سرو کار دارند، باید علیه این بیماری خطرناك واکسینه شوند.**

بیماری کزاز را از زمانهای بسیار قدیم میشناختند و حتی آنرا یادگاری از زخمهای زمان جنگهای گوناگون قبایل و تیره‌های مختلف و ملتهای باستان می‌دانستند، تا اینکه در سال ۱۸۸٤ میلادی «نیکولایر» موفق شد با تزریق مقداری از خاك باغچه و کوچه به بدن خرگوش، میکرب آنرا پیدا کند. میکرب این بیماری در خاك و گرد و غبار بخصوص پهن و در دستگاه گوارش بعضی از حیوانات چون اسب، گوسفند، و گاه انسان (بدون اینکه برای آنها ناراحتی ایجاد کند) یافت میشود.

میکرب کزاز از راه جراحات پوست، زخم آلوده به خاك و یا شن و پهن وارد بدن انسان میگردد. میکرب کزاز هیچوقت وارد خون نمیشود، بلکه در محل زخم مانده و سم خود را وارد خون میسازد، و به مغز و اعصاب آسیب میرساند. کسانیکه بوسائل غیربهداشتی سقط جنین می‌کنند، مخصوصاً افرادی که سقط جنین عمدی انجام میدهند، ممکن است دچار کزاز شوند همچنین کسانی که دچار سوختگی وسیع بدن می‌شوند بخاطر نسج مرده و خورد شده میکرب کزاز ممکن است به بدن آنها دست درازی کند. همچنین در بعضی اعمال جراحی که با وسایل ضدعفونی نشده انجام می‌گیرد، امکان بروز کزاز میرود. در نزد کسانی که مجروح شده و جراحت آنها با خاك آلوده باشد، حتماً باید آنها را از نظر ابتلا به کزاز مشکوك دانست. در مورد نوزادان که بطور غیر بهداشتی بدنیا میآیند و ماماهای باصطلاح خانگی آنها را به دنیا می‌آورند و محل ناف ضدعفونی نمیشود، میکرب کزاز از ناحیه ناف وارد شده و کودك در عرض ۷ تا ۱۰ روز به کزاز مبتلا میگردد. آمار مرگ و میر این نوزادان در روستاها و شهرستانهای کوچك واقعاً تاسف آور است. باید توجه داشت که در مورد نوزادانی که به کزاز مبتلا میشوند، به ندرت ممکن است سرم ضد کزاز (تنها درمان این مرض مهلك) مؤثر واقع شود و اغلب نوزاد تلف میشود. در قدیم، مردم بیسواد و بی اطلاع از مسائل پزشکی برای شب هشتم زندگی نوزاد اهمیت خاصی قائل بودند و معتقد بودند اگر طفلی تا این شب تشنج نگرفت، سالم خواهد ماند. آنها فکر میکردند نوزاد نیز چون مادرش گرفتار موجود موهومی بنام «آل» میشود و بعضی از مردم عوام نیز فکر میکردند که نوزاد وسیله جن و پری محکوم به مرگ میشود. آنها این آگاهی را نداشتند، ولی امروز ما میدانیم که علت مرگ و میر این نوزادان، فقط بعلت ضدعفونی نکردن ناحیه بند ناف و ورود میکرب موذی به بدن طفل است. بهمین دلیل در زایشگاهها و بیمارستانها نمیتوان کزاز نافی دید، زیرا طفل بطور بهداشتی به دنیا میاید.

در این جا لازم بیادآوریست کارگران عزیزی که با گرد و خاك و اصولاً با خاك سروکار دارند، باید توجه داشته باشند بمحض بروز جراحتی هر چند بنظر آنها بی‌اهمیت باید بیدرنگ محل جراحت را پانسمان کنند و اگر پزشك لازم بداند با مراجعه به درمانگاه بخواهند که به آنها سرم کزاز تزریق شود. از نظر علائم نباید در این باره مطلبی بنویسم زیرا با توجه به اینکه علائم کزاز به عده زیادی از بیماریها شبیه است، فقط پزشك میتواند آنرا تشخیص دهد. دانستن بعضی علائم ممکن است سبب وسواس خانواده‌ها شود. فقط باید توجه داشته باشیم که این بیماری مهلك را صددرصد میتوان با تزریق واکسن مهار کرد.

بهمین دلیل مسئولان بهداشتی همیشه توصیه میکنند نوزادان از ماه دوم ببعد، علیه این بیماری خطرناك مایه کوبی شوند و در عده زیادی از کشورهای جهان تزریق واکسن کزاز به سربازان اجباری است و یا تزریق آن به کارگرانی که در محیطهای آلوده کار میکنند، لازم و ضروری است.

باید خانواده‌های عزیز توجه داشته باشند که طفل ممکن است با خاك بازی کند و این بازی احتمالاً سبب شود مجروح گردد و زخم آلوده به خاك، او را دچار کزاز کند پس تزریق مرتب واکسن به کودك از ماههای نخست زندگی و تزریق واکسنهای یادآور از بروز این

**از: دکتر مرتضی روحانی**

بیماری مهلك جلوگیری خواهد کرد.

خوشبختانه واکسن این بیماری در دسترس همه مردم جهان است و همراه واکسنهای دیفتری و سیاه سرفه به اسم «واکسن سه گانه» یا ثلات به کودکان تزریق می‌شود. برای کودکان بزرگتر از ۵ سال واکسن دو گانه (فقط دیفتری و کزاز) تزریق میگردد و برای افراد بزرگ واکسن کزاز تنها ساخته شده که بسیار مفید است. با توجه به اهمیت جلوگیری از بیماری کزاز باید توجه

داشت که این بیماری بمراتب خطرناکتر از ابله و وبا میباشد و اگر در افراد بزرگ بتوان تا حدودی معالجه کرد، ولی در نوزادان درمان، اغلب با ناکامی روبرو می‌شود.

امید است خوانندگان عزیز و مخصوصاً کارگران شریفی که این مطالب را میخوانند، اگر تا حال به کودکان خود واکسن کزاز تزریق نکرده‌اند، در اولین فرصت به مراکز بهداشت و درمانگاهها مراجعه و کودکان خود را بر علیه این بیماری واکسینه نمایند.

# انفجار جمعیت یک خطر جدی برای مردم جهان در پنج نقطه ایران

**در ۲۴سال بعد، جمعیت جهان به ۷میلیارد میرسد و جمعیت کشور ما، از مرز ۷۰میلیون نفر خواهد گذشت!**

طبق آخرین بررسیهائی که انجام گرفته، جمعیت جهان از مرز ٤میلیارد نفر گذشت.جمعیت جهان که در سال ۱۹۷۰ بالغ بر ۳/۶میلیارد نفر بود، تا پایان قرن بیستم به ۷میلیارد نفر خواهد رسید، در حالیکه ما با پایان این قرن ۲٤سال بیشتر فاصله نداریم!

از طرفی بموجب آخرین آمار یك میلیارد انسان، یعنی یك‌چهارم جمعیت فعلی از گرسنگی کامل رنج میبرند.

کارشناسان مسائل بین‌المللی و صاحبنظران میگویند مواد غذائی زمین بارشد سرسام‌آور جمعیت، روز بروز محدودتر و ناچیزتر میشود.

جالب اینست که رشد جمعیت بیشتر در نقاطی است که اغلب مردم آن گرسنه و از نظر منابع طبیعی و درآمد، فقیرتر هستند، بطوریکه طبق پیش‌بینی، کشورهای پیشرفته جهان در ۲٤سال آینده از یك‌میلیارد و دویست‌میلیون به ۱/۵میلیارد نفر میرسد، ولی در کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه، این جمعیت از ۲/۸میلیارد نفر کنونی به ۵/۵میلیارد نفر خواهد رسید و بیشترین این جمعیت در کشورهای آسیائی- افریقائی و آمریکای جنوبی خواهد بود. بهمین دلیل انسان وقتی تابلوی غم‌انگیز آمارهای جمعیتی را در جهان می‌بیند که سالیانه بین ۷۵ تا ۸۰میلیون و تقریباً روزانه ۲۰۰/۰۰۰نفر به جمعیت جهان اضافه میشود و از طرفی ذخیره غذائی جهان پس از جنگ جهانی دوم مرتباً رو به کاهش است، متوجه میشود که چه خطر عظیمی که بمراتب از بمب هسته‌ای خطر آن بیشتر است، مردم جهان را تهدید میکند. گرسنگی و قحطی در اسیا و آفریقا بیشتر به چشم میخورد و عده زیادی از مردم این سرزمین‌ها حداقل غذا را ندارند و باصطلاح گرسنه هستند.

طبق آمارهای موجود و پیش‌بینی کارشناسان مسائل جمعیتی، در کشور ما جمعیت در ۲٤سال بعد، به مرز ۷۰میلیون نفر خواهد رسید و تهران بزرگ ما که هم‌اکنون از کم‌آبی بهدر رفتن انرژی برق و ترافیك به نفس‌نفس افتاده، دارای ۷ تا ۸میلیون نفر جمعیت خواهد بود! در چنین صورتی، در کشور ما بیش از همه کمبود آب مسئله بزرگی است که کمبود مواد غذائی را بوجود خواهد آورد.

از طرفی مهاجرت بی‌رویه، و نیز علاقه‌مندی مردم روستانشین برای وارد شدن به کارهای صنعتی، و لاجرم هجوم به شهرها، خود باعث شده که منابع غذائی، نسبت به افزایش جمعیت و ازدیاد مصرف، روز بروز کاهش نشان دهد و محصولات کشاورزی در نسبت این افزایش جمعیت و مصرف سیر نزولی پیدا کنند.

بدیهی است مسئولان امور بشدت مشغول تنظیم برنامه‌هائی هستند که از این نابسامانی جلوگیری کنند و راه‌حل‌های صحیحی بیابند که در راس آنها کنترل جمعیت میباشد. شك نیست که کنترل جمعیت و جلوگیری از بچه‌های ناخواسته، بطوریکه هر خانواده دارای ۲ تا ۳فرزند باشند، یك راه‌حل عاقلانه و صحیح است که از انفجار جمعیت در این منطقه آسیا جلوگیری خواهد کرد و اگر خانواده‌ها (همانطوریکه در سالهای اخیر عده زیادی از مردم به مشکلات داشتن فرزندهای زیادی پی برده‌اند) توجه به برنامه‌های تنظیم خانواده پیدا کنند، مسلماً جمعیت کنترل شده و بعد از ۲٤سال جمعیت کشور ما به مرز ۵۰میلیون نفر خواهد رسید.

خوشبختانه با وسائل جدیدی که از نظر جلوگیری از بارداری در اختیار مردم جهان قرار میگیرد، و طبق آخرین پژوهش‌ها بزودی قرص‌های سالیانه برای جلوگیری از بارداری به بازارهای جهان عرضه میشود، امید میرود خانواده‌ها، مخصوصاً خانواده‌های کارگران و روستائیان که اولاد بیشتری دارند، به این مسائل توجه کنند و مشکلات خانوادگی و کشورشان را در نظر داشته باشند.

از طرفی مردم کشور ما که مسلمان هستند، باید توجه داشته باشند که از نظر دیانت نیز ما مشکلی نداریم، زیرا مذهب اسلام نه‌تنها با جلوگیری از باروری و بچه‌های ناخواسته مخالفتی نکرده، بلکه عده زیادی از علمای اسلامی و فقها آنرا یك راه‌حل باارزش و منطقی دانسته‌اند، اما باید توجه داشت که سقط جنین از نظر دین و مذهب ما، گناهی بزرگ و نابخشودنی است. پیشرفت برنامه‌های جمعیتی و تنظیم خانواده‌ها در سالهای اخیر بسیار چشمگیر بوده، ولی برای مردم ما کافی نیست. بهمین دلیل وزارت بهداری و بهزیستی نیز در این مورد برنامه‌های وسیع‌تری تدارك دیده است تا مسئله کنترل جمعیت را در اقصی نقاط کشور مورد بررسی قرار دهد و وسائل جلوگیری از بارداری را بیش از پیش در اختیار توده‌های مردم بگذارد. از این نظر یکی از برنامه‌های اساسی این وزارتخانه توسعه برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده است. امید است در مقالات بعد، مطالبی نیز در مورد وسائل جلوگیری از بارداری و آخرین کشفیاتی که در این‌باره شده است، به اطلاع خوانندگان عزیز مجله، بویژه کارگران شریف برسانم.

مهندس گوئل کهن

# روش‌های شناخت مخازن نفتی

*** روشهای زمین شناسی و ژئوفیزیکی، مهمترین راههای شناخت منابع نفتی است.**

*** هرچه میزان هدایت زمین بیشتر باشد، احتمال وجود «گنبدهای نفتی» افزایش می‌یابد.**

## ۱ روش نشانه‌های ظاهری

[illegible]

## ۲ روش اکتشاف

[illegible]

۱ [illegible]

۲ [illegible]

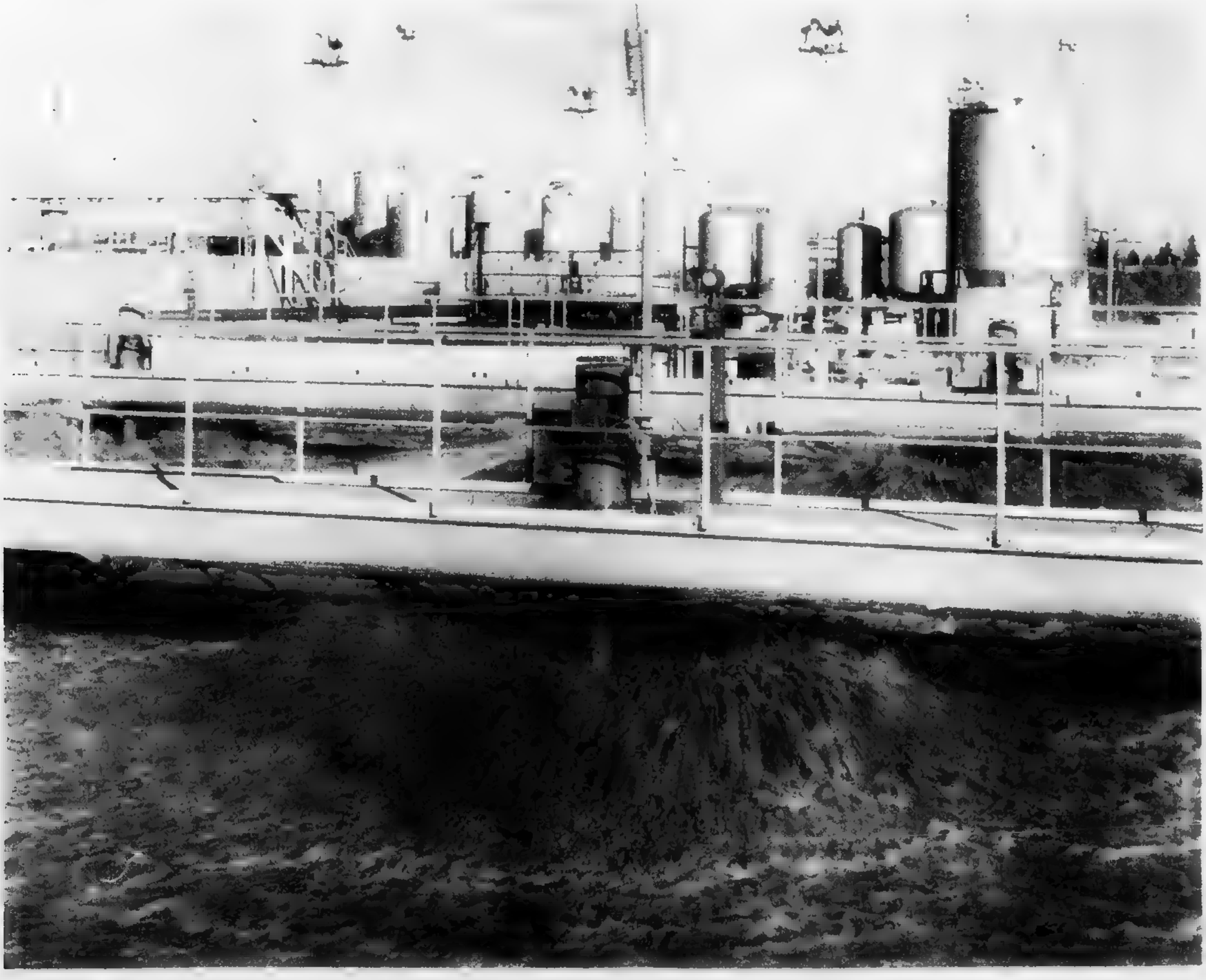

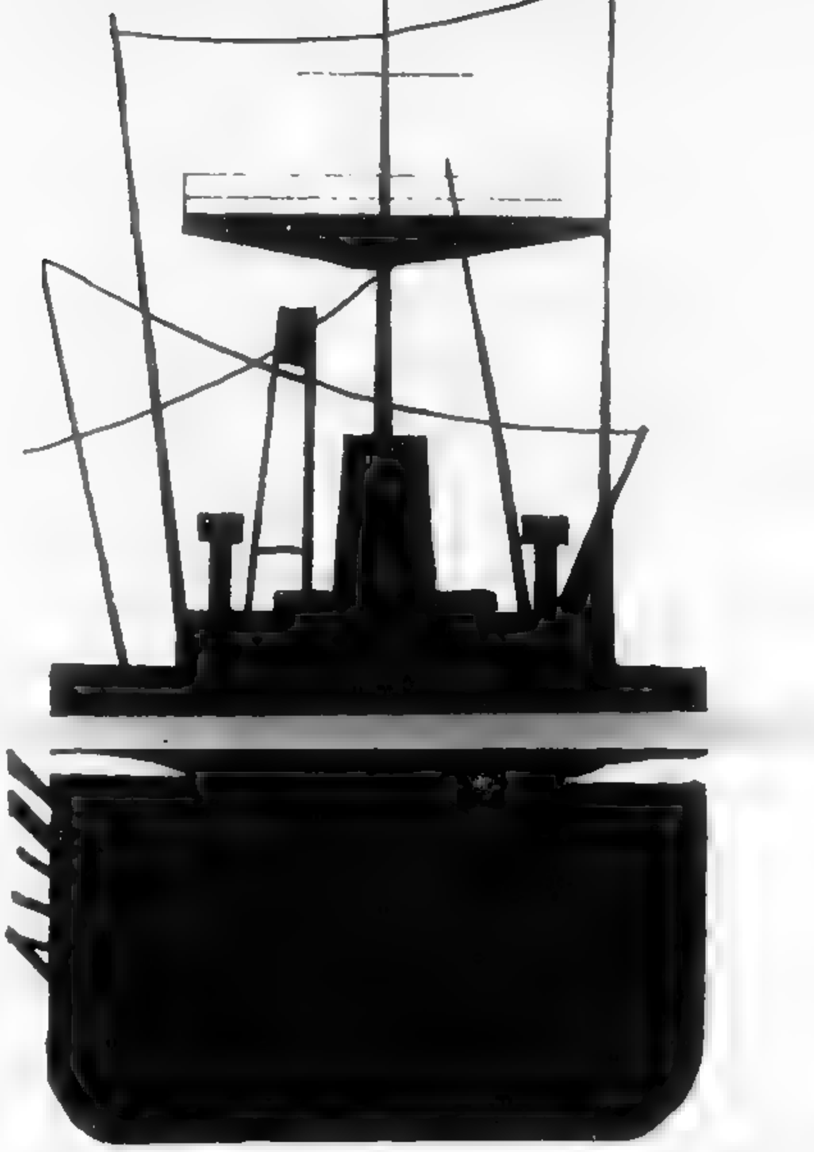

ـ بوسیله سطحی

ج معصص

### اکتشاف به وسیله زمین شناسی

۱ـ نقشه برداری هوائی: در مناطقی که احتمال وجود منابع زیرزمینی هست، از عکسبرداری هوائی ولین قدم برای تعیین نقاط حفاری و تعیین حوزه‌های فعالیت اکتشافی برداشته میشود. زیرا تنها به وسیله عکسبرداری هوائی و داشتن نقشه کلی از یک منطقه است که میتوان تشخیص داد، چه نقطه‌ای از لحاظ تسهیل در رفت و آمد و از نظر اقتصادی، و نزدیکی به محل تصفیه، پالایش وهمینطور از لحاظ داشتن تپه‌های طاقدیسی بر سایر نقاط اولویت دارد. نقشه‌ها معمولا به مقیاس یك دوهزارم یا یك چهل‌هزارم برداشته میشوند و پس‌انداز تعیین منطقه مورد نظر، عمل عکسبرداری هوائی به وسیله عکس‌برداری و نقشه‌برداری زمینی دنبال میشود.

همچنین زمین‌شناس در مرحله اول از عمر و نوع و چگونگی قرار گرفتن لایه‌های نفتی کسب اطلاع می‌کند.

در عکسبرداری‌های هوائی سالهای اخیر بنحوی عکسبرداری می‌کنند که در هرلحظه وضعیت یك نقطه در مختصات سه بعدی مشخص می‌شود. عکسهای حاصل را وقتی در دستگاه استرسکوپ قرار می‌دهند، پس از میزان و مسلسل کردن عکسهای گرفته شده، عکسها برجسته به نظر می‌رسد و بدینوسیله می‌توان از پستی و بلندی‌های سطح زمین هم مطلع شد، این نوع نقشه‌ها را بلانستری فتوژئولوژیکال می‌گویند.

با اطلاعی که از عکسبرداری هوائی بدست آمد و مشخص شدن مرکز مورد نظر گروه نقشه‌برداران زمینی شروع به کار می‌کند و دقیقاً شکل و ابعاد صخره‌ها نقشه‌برداری کرده و بهترین نوع، زیرین شناسی و احتمال وجود سرپوش نفتگیر در اعماق زمین و همینطور امکان وجود تپه‌های طاقدیسی مورد بررسی قرار می‌دهند.

در پایان، این اطلاعات را گردآوری کرده و از روی آن دستور انجام سایر عملیات آزمایشی را می‌دهند و در صورت عدم موفقیت می‌توانند کار تحقیقی را کوتاه کرده و از پژوهش بیشتر چشم پوشی کنند.

### اکتشاف بوسیله عملیات ژئوفیزیکی

قبلا خواندید در صورت امکان، عملیات زمین‌شناسی که قبلا بعمل آمده است، باید قبل از حفرچاه تکمیل شود و گودی و شیب و شکل لایه‌ها در زیرزمین مشخص گردد و برای این کار وسائل مختلفه خواص فیزیکی زمین استفاده می‌کنند. این شعبه از فیزیك که با خواص مختلف قشرهای زمین سروکار دارد به ژئوفیزیك موسوم است.

در ژئوفیزیك، خواص زمین را در جهت قائم و افقی اندازه می‌گیرند و تغییرات طولی و عرضی آن در یك ناحیه می‌سنجند چه

عوامل نامرئی موجود در زیر زمین، موجب تغییر خواص مزبور می‌شوند و در صورت دقت دستگاه اندازه‌گیری می‌توان بوسیله مطالعه دقیق و مناسب این تغییرات، به وضاع و احوال عوامل تغییر دهنده پی برد. مشاهده شده اینگونه تغییرات با ساختمان لایه‌های زمین مرتبط‌اند واز طرف دیگر چون مخازن نفتی نیز بین لایه‌ها قرار دارند، پس در موارد مساعد ممکنست تغییرات مزبور نشانه وجود نفت در محل باشد.

مثلا می‌دانیم علت اصلی جریان برق در زمین هادی بودن آبی است که در خلل و فرج لایه‌ها موجود است و هر چه که آب این لایه‌ها هادی‌تر باشد مقاومت مخصوص زمین در آنجا کمتر خواهد بود و نیز هر جا املاحی مانند کلرور سدیم در آب بیشتر باشد آب مزبورهادی‌تر می‌شود، پس لازم می‌آید که مقاومت مخصوص لایه معین روی گنبد نمك کمتر از نقاط دیگر باشد. زیرا در آنجا لایه شورتر و بنابراین هادی‌تر است. بنابراین اگر در امتداد خطی که از روی گنبد نمك می‌گذرد مقاومت مخصوص زمین بفواصل مساوی اندازه‌گیری شود ملاحظه خواهد شد که در آن قسمتی که خط مزبور از روی گنبد نمك می‌گذرد مقاومت مخصوص خیلی کمتر از نقاط دیگر خواهد شد. بنابراین از پدیده‌ها و خواص فیزیکی زمین می‌توان کمك متناسبی در تشخیص لایه‌های نفتگیر گرفت.

ثقل یکی دیگر از خواص زمین است که در حوالی گنبد نمك تغییر می‌کند و با اندازه‌گیری جهت و میزان تغییرات آن می‌توان حدود گنبد نمك را تعیین کرد حتی اگر در سطح زمین اثری از وجود آن دیده نشود.

# مگس کش الکترونیکی!

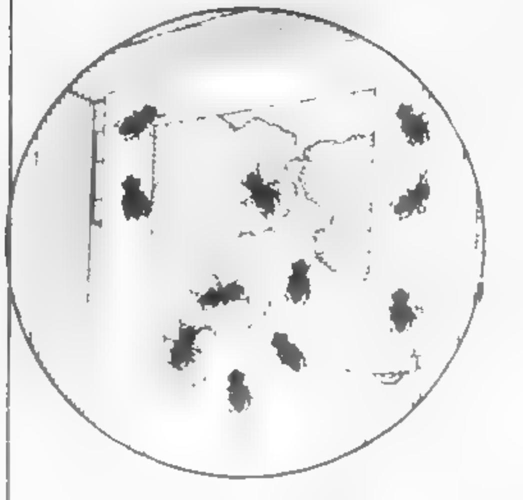

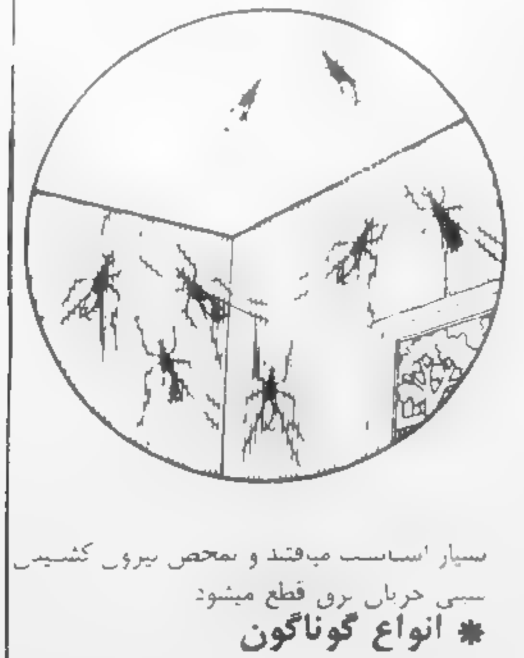

*** مگس کش الکترونیکی علاوه بر نابودکردن حشرات، خطرات ناشی از مصرف مواد شیمیائی را نیز از بین میبرد.**

اخیرا شرکت «جی- اس پی-اك» با مسئولیت محدود مجموعه جدیدی از مگس کشهای الکترونیکی را بمعرض نمایش گذاشته است.

این مجموعه شامل ٤ مدل ٤٠٠ و ١٠٠٠، ٢٠٠٠، ٣٠٠٠ است که سازندگان معتقدند برای جلوگیری از آلودگی در هر نوع محیط، از مغازه‌های کوچك گرفته تا بزرگترین شهرها مناسب است. این دستگاهها که برای از بین بردن انواع حشرات پرنده طرحریزی شده است در محیطهائی بکار میروند که نباید در آنها از آفات شیمیائی استفاده کرد. در مقایسه با حشره‌کشهای شیمیائی، این دستگاهها محیط را از جنبه‌های گوناگون بهداشت و سلامت کنترل میکند و استفاده از آنها مانع آلودگی محیط و پراکنده شدن لاشه حشرات در محیط کار و زندگی میشود.

حشرات از طریق اشعهٔ ماوراء بنفش که از دستگاه منتشر میشود و هیچگونه خطری برای انسان و حیوان ندارد، جذب میشوند. وقتی حشرات بدستگاه نزدیك میشوند و از میان روزنه مشبك آن عبور میکند جرقه‌ای باولتاژ زیاد بین قسمت داخلی و خارجی شبکه‌های فلزی ایجاد میشود که حشره را میکشد سپس حشرات بداخل یك سینی بزرگ که بیرون آوردن و تمیز کردن آن بسیار آسان است میافتند و بمحض بیرون کشیدن سینی جریان برق قطع میشود.

*** انواع گوناگون**

مدل ٤٠٠ که برای محیطی برابر ٤٠٠ فوت مربع (٣٧ متر مربع) یا بیشتر کافیست برای ادارات، مغازه‌ها، قصابی‌ها، نانوائی‌ها، کافه‌رستوران‌ها، و فروشگاههای کوچك مواد غذائی کاملا مناسب است. مدل ١٠٠٠ برای محیطهای بزرگتر و مدل ٢٠٠٠ مخصوص ساختمانهای صنعتی مانند کارخانجات صنایع غذائی، کرخانه‌های لبنیات‌سازی و بیمارستانهاست. برای ساختمانهای بزرگ مانند انبار مواد غذائی و نوشابه مدل ٣٠٠٠ برای مساحتی بیش از ٣٠٠ فوت مربع (٢٧٩ متر مربع) ساخته شده مناسب است.

# لامپ معجزه‌گر

تهیه یك لامپ واقعی که عمر طولانی داشته باشد، معجزه‌یی است که تقریبا با معجزه پیدا کردن اکسیر جوانی برابر است.

واکنون «دونالد هالیستر» که یکی از فیزیکدانان دانشگاه کالیفرنیاست، لامپی را ساخته است که بدون شك حداکثر ده سال عمر خواهند کرد.

این لامپ در مصرف انرژی هم صرفه‌جویی می‌کند و بهمین‌جهت اداره تحقیقات و توسعه انرژی آمریکا یك قرارداد ٣١٠هزار دلاری با «هالیستر» منعقد کرده است تا درباره تولید لامپ معجزه‌گر تحقیق کند.

# لامپ تیراترون چگونه لامپی است؟

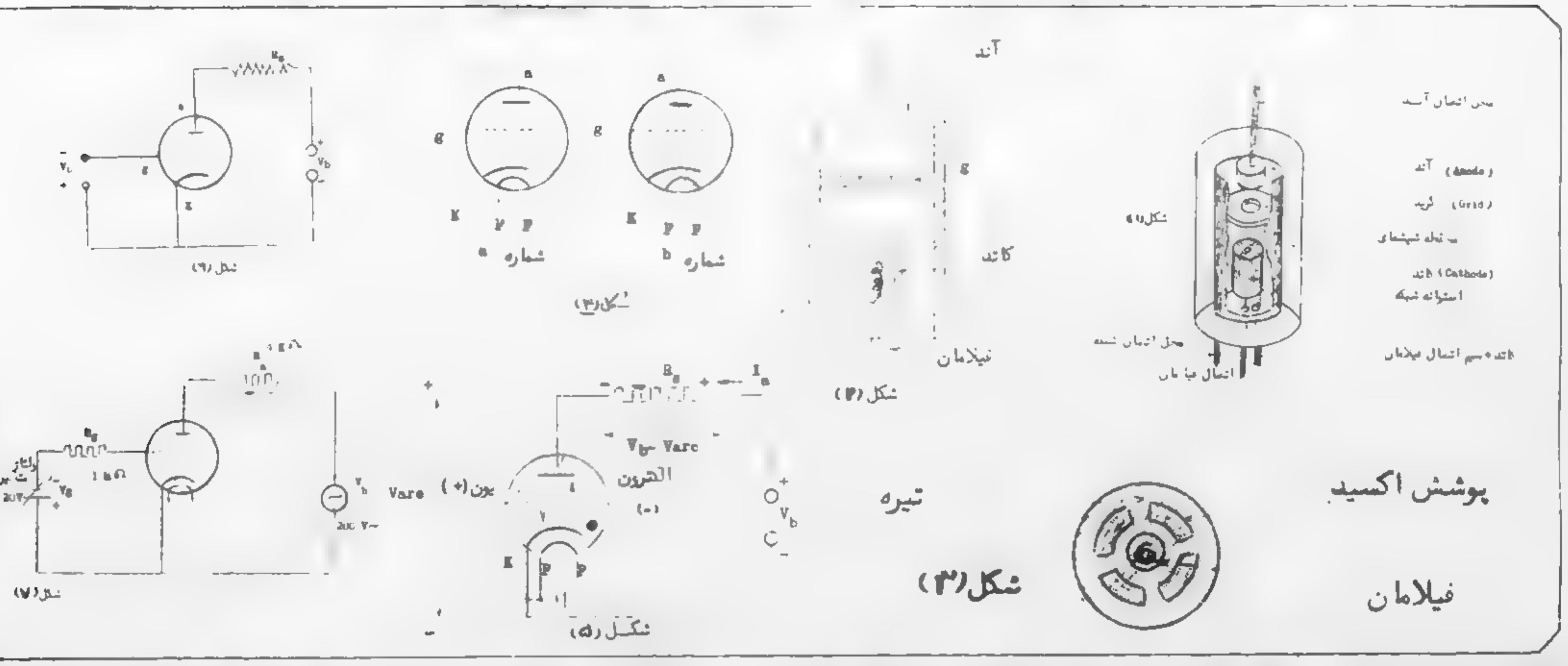


**برای کنترل جریان لامپ تیراترون بر روی محور افقی، از روش تغییر فاز جریان متن**

## لامپ تیراترون چیست؟

لامپ «تیراترون» یکی از انواع لامپهای گاری است که تشکیل میشود از یك محفظه شیشه‌ای که درون آن سه یا چهار الکترود قرار گرفته که از هم مجزا وعیق شده‌اند. پایه این الکترودها در ته حباب شیشه‌ای، برای اتصال به موار بیرون امده است. شکلهای ۱ و۲ ساختمان وطرز قرار گرفتن الکترودها را بخوبی نشان میدهد

لامپ تیراترون یاد شده یك تر بود گازی ست که تشکیل میشود از اند- شبکه- کاتد. فیلامان برای گرم کردن وپرتاپ الکترون کاتد، تشکیل شده است از دو استوانه فلزی داخل هم که بوسیله چهار پره نازك بیکدیگر از داخل وصل شده‌اند. مطابق شکل ۳ که مقطع کاتد را بخوبی نشان داده است، سطح داخلی کاتد از یك طبقه کسد فر اغشته شده ودرون آن رشته سیمی از جنس تنگستن بنام فیلامان قرار گرفته است درجه حرارت کاتد در موقع کار در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه سانتی‌گراد است که بر عبور جریان الکتریك از فیلامان وگرم شدن آن چنین گرمایی ایجاد میشود. مطابق قرار داد، یك سر فیلامان از داخل به کاتد وصل شده است شبکه بصورت دیسك سوراخ دار که متصل بیك استوانه است ودور کاتد را حلقه کرده است اند بی سیم در محل شبکی استوانه کوچك در بالا قرار گرفته وسیم اتصال آن از انتهای لامپ بخارج هدایت میشود شبکه، صفحه پرده‌ای سراز کاتد محفوظ نگاهداشته است.

## جنس آند

آند معمولا از مواد گرافیت ساخته میشود تا بتواند در زمان کار، حرارت خود را بخارج منتقل کند. لامپ «تیراترون» یك‌تر یود است. البته لامپهای تیراترون بشکل تر یود نیز وجود دارند که اساس آن تاحدی با تریود تفاوت دارد. ولی عمل آن تقریباً کلی است. گاز داخل لامپ تیراترون از ترکیبات بخار جیوه یا یك نوع گاز کمیاب مانند آرگون یا گزنون یا مخلوطی از بخار جیوه وگازهای دیگر پر می‌شود.

در مدارها معمولا شمای لامپهای گازی با a, یا b, نشان داده میشود. بطوریکه اگر روی شمای لامپ نقطه سیاه وجود داشته باشد درون لامپ گاز وجود دارد (یا هاشور زده میشود). اگر لامپ بطور ساده بدون نقطه وهاشور ترسیم شود لامپ از نوع واکیوم یعنی محفظه ان خالی از هوا وبعبارت دیگر خلاء است. (شکل ٤)

## روش کار

برای تشریح طرز ایجاد جریان در داخل لامپ تیراترون ابتدا فرض میکنیم که در داخل لامپ شبکه وجود نداشته باشد وفقط اند، کاتد وفیلامان درون آن باشد- وقتی فیلامان لامپ توسط جریان برق گرم شد، حرارت به کاتد منتقل میشود. براثر حرارت الکترونهای ازاد فلز بسطح خارجی ان منتقل میشود وروی کاتد از یك طبقه اکسید فلز پوشیده شده این اکسید باعث میشود که با یك حرارت کم مقدار بیشتری الکترون بتوانند از کاتد خارج شوند. حال اگر ولتاژ مثبت را کمی روی اند بگذاریم الکترونهای ایجاد شده در کاتد بطرف اند میروند. این الکترونها در بین راه با اتم گاز داخل لامپ تصادم میکند اگر در این حال ولتاژ اند را رفته رفته زیاد کنیم، سرعت الکترونها بیشتر شده وتصادم بین الکترونها واتمهای گاز بیشتر می‌شود بر اثر این عمل اتمهای گاز یونیزه شده وتبدیل به الکترون ویون مثبت خواهند شد. الکترونهای ایجاد شده بر اثر یونیزاسیون گاز در همان جهت الکترونهای خارج شده از کاتد بطرف اند که دارای ولتاژ مثبت است میروند. یونهای مثبت آزاد شده بطرف کاتد سرازیر میشوند. برای اینکه ایجاد جریان را در مدار داخل وخارج که در اثر تصادم وبرخورد الکترونها باتمهای گاز در داخل لامپ که پیوسته در مسیر گاز انجام میگیرد محدود کنند در مدار خارج یك مقاومت بطور سری با لامپ قرار میدهند مطابق شکل (۵) یونهای مثبت که بطرف کاتد میآیند در اطراف کاتد با الکترون‌های خارج شده از کاتد ترکیب گشته ودوباره بصورت گاز خنثی در میآیند. برای حالتی که گاز درحال دشارژ است ولتاژ حدودی ۸ تا ۱۲ ولت روی آند آن کافی خواهد بود این ولت را با Varc نشان میدهند واین افت ولتاژ دوسر لامپ متناسب با جریان آند است که از داخل لامپ عبور می‌کند. اگر روی اند ولت منفی قرار گیرد جریانی از داخل لامپ نمیگذرد باین ترتیب با این لامپ عمل یکسو سازی جریان تناوب نیز امکان پذیر می‌شود.

اگر مداری مطابق شکل (٦) برقرار کنیم ویك ولتاژ منفی زیاد بین شعبه وکاتد لامپ تیراترون قرار دهیم جریانی از لامپ عبور خواهد کرد. حتی اگر ولتاژ مثبت آند را نیز افزایش دهیم وتا حدود چند صد ولت برسانیم.

این امر به سبب بار منفی «گرید» است که الکترون‌ها را دفع می‌کند ونمیگذارد بآند برسند حال اگر ولتاژ منفی شبکه را کم کنیم جائی میرسد که رفته رفته جریان در مدار آند بوجود بیآید.

## منحنی افروزش تیراترون

در مدارهای الکترونیك معمولا ولتاژی که روی آند لامپ تیراترون می‌گذارند ولتاژ متناوب است و به طوریکه از شکل ۷ مشاهده می‌شود یك ولتاژ سینوسی است، که مقدار آن برحسب زمان تغییر می‌کند. مقدار جریان لامپ یا مقدار ولتاژ مدار آند لامپ تیراترون را می‌توان بوسیله تغییر دادن ولتاژ منفی گرید تغییر داده و کنترل کرد.

باید توجه داشت که افروزش در داخل لامپ موقعی اتفاق می‌افتد که قسمت مثبت ولتاژ متناوب آند لامپ قرار گیرد بازاء ولتاژ منفی

بطوریکه دو مقاومت $R_1$ و $R_2$ در یکطرف و در طرف دیگر مقاومت $R_3$ با خازن C بطور سری قرار گیرند و اختلاف سطح متناوبی $V_i$ را گر دوسر مقاومت $R_1$ و $R_2$ قرار دهیم، میتوانیم بین دو نقطه P Q اختلاف سطح متناوب $V_0$ را که میتواند با اختلاف سطح اصلی از صفر تا تقریباً ۱۸۰ اختلاف فاز داشته باشد بدست آوریم...

میتوانیم بجای دو مقاومت از یك ترانسفورماتور استفاده کرد و مقاومت نیز متغیر انتخاب کرد. در این صورت مداری مطابق شکل ۹ بدست میاید که با یك متناوب که از پریمر ترانسفورماتور به رگوندر آن القا میشود، دو ولتاژ متناوب با فازهای مختلف بدست میاید.

شبکه از سیم پیچی دیگری که دارای سه وسط است استفاده می‌کند. و یا اتصال مقاومت متغیر R و خازن C مطابق مدار تغییر فاز پیش متصل شده است و نقاط P و Q نیز مشخص است. با تغییر دادن مقاومت R ولتاژ تناوب Q نسبت به ولتاژ اند دارای فازهای مختلف خواهد شد و در مدار اند حریانی خواهد آمد که

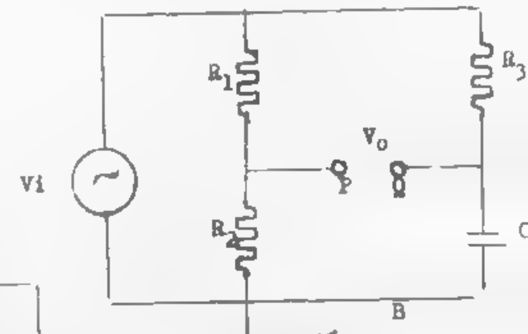

شکل (۸)

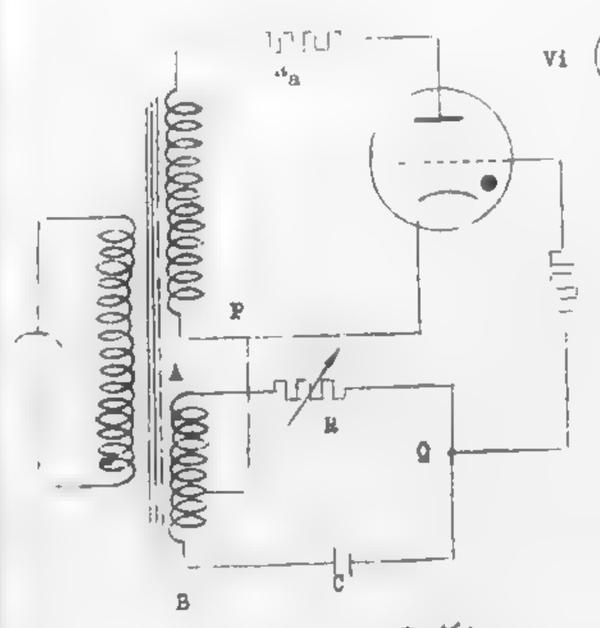

شکل(۹)

## روی شبکه لامپ استفاده میشود

جریانی از لامپ نمی‌گذرد. با استفاده از منحنی کنترل لامپ تیراترون می‌توان منحنی افروزش لامپ را ترسیم کرد و به‌ازای مقادیر مختلف ولتاژ منفی شبکه مقدار ولتاژ اند را به دست آورد.

بنابر این لامپهای تیراترون مانند لامپهای یك سو ساز برق متناوب را یك طرفه کرده با قرار دادن صافیهائی به برق مستقیم، مبدل می‌کند با این تفاوت که در این لامپ مقدار جریان را می‌توان تغییر داد.

مقدار جریان را میتوان از صفر تا ۹۰ تا ۱۸۰ درجه تغییر داد روی گرید جریان متناوب قرار می‌دهند. با وسیله‌ای که بتوان فاز را تغییر داد که بین جریان متناوب آند و شبکه اختلاف فاز وجود داشته باشد. حال باید دید که چگونه می‌توانیم از یك جریان متناوب، جریان متناوب دیگری با فازهای مختلف بوجود آوریم.

### مدار تغییر فاز

همانطور که اشاره شد برای کنترل جریان لامپ تیراترون روی محور افقی از روش تغییر فاز جریان متناوب روی شبکه لامپ استفاده می‌شود. اگر مداری مطابق شکل ۸ برقرار کنیم

مطابق شکل خواهد شد، که مقدار آن از صفر تا ۱۸۰ درجه میتواند تغییر کند.

اگر در مدار بجای مقاومت R موتور جریان مستقیمی قرار گرفته باشد، دور موتور تغییر خواهد کرد. (البته با تغییر دادن مقدار مقاومت R )

لامپهای تیراترون را بصورت پارالل یا انتی پارالل نیز میتوان وصل کرد در حالت رفتن پارالل دور موتور را نیز میتوان برعکس کرد زیرا جریان مدار لامپ دوم عکس لامپ اول است و نیز کنترل با لامپ تیراترون میتواند در جهت افقی و یا در جهت عمودی باشد.

**اگر در مداراند بجای مقاومت R موتور جریان مستقیمی قرار گرفته باشد، دور موتور تغییر خواهد کرد. (البته با تغییر دادن مقدار مقاومت R )**

**لامپهای تیراترون را بصورت پارالل یا انتی‌پارالل نیز میتوان وصل کرد در حالت رفتن پارالل دور موتور را نیز میتوان برعکس کرد زیرا جریان مدار لامپدوم عکس لامپ اول است و نیز کنترل با لامپ تیراترون هم میتواند در جهت افقی ویا در جهت عمودی باشد.**

# بزودی تلفن‌های کنتوردار در اختیار مردم قرار میگیرد

## تلفن‌های کنتوردار مقدار مکالمه هر مشترك را مشخص خواهد کرد

۳۰ هزار تلفن کنتوردار و همچنین کنتور تلفن برای واگذاری به متقاضیان این نوع تلفن وسیله شرکت مخابرات ایران وارد شد

این تلفن‌ها به لحاظ مشخص کردن تعداد مکالمات روزانه مورد استفاده کسانی که در اپارتمانها و یا سایر اماکن بطور جمعی از یك تلفن استفاده می‌کنند قرار خواهد گرفت

اغلب دارندگان تلفن‌های مشترك در مورد پرداخت مبلغ ابونمان دچار اختلاف میشوند و چون تلفن‌های کنتوردار و یا کنتور تلفن تعداد مکالمه هر شخص یا خانواده را مشخص خواهد کرد از بروز اختلاف بین دارندگان تلفن‌های مشترك بر سر میزان پرداخت ابونمان جلوگیری خواهد کرد.

تلفن‌های کنتوردار مانند تلفن‌های معمولی است لیکن در جلوی آن در قسمت زیر دایره شماره‌گیر صفحه مخصوصی دارد که تعداد مکالمات را مشخص میکند

کنتور تلفن دستگاه دیگری است جدا از دستگاه تلفن که در کنار آن نصب میشود و تعداد مکالمات تلفنی را مشخص می‌کند لازم به یاداوری است که تلفن‌های کنتوردار با کلید مخصوص قابل قفل شدن است و کسانی که در خانه یا محل کار بخواهند بطور اختصاصی از تلفن استفاده کنند با برداشتن کلید مخصوص از روی قفل تلفن میتوانند ارتباط تلفن را یکطرفه کنند.

## قدیمی‌ترین ماشین بخار

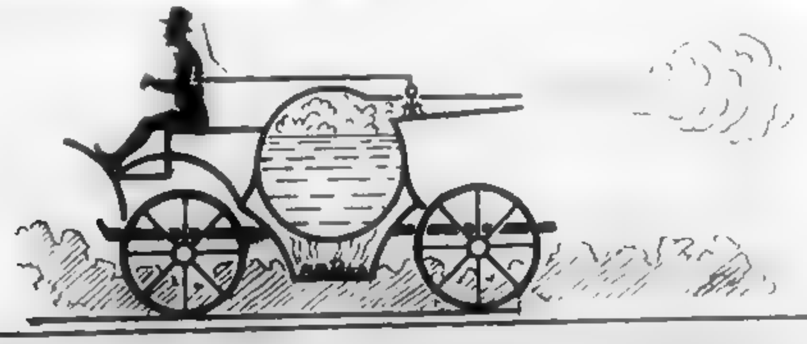

قدیمی‌ترین ماشین بخار که آن را به «هرون»، از مردم اسکندریه، نسبت داده‌اند.

اتومبیل بخاری که گمان میرود «نیوتون» دانشمند معروف انگلسی، ان را اختراع کرده است.

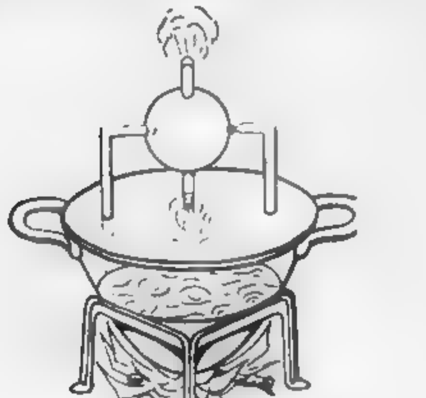

پیش از این که کشتی بخاری اختراع شود، طرحی برای یك کشتی ماشینی ریخته شده بود که بر اساس آن محققان در نظر داشتند با یك تلمبه قوی که در عقب کشتی نصب می‌شد، آب دریا را با فشار به عقب برانند تا به این ترتیب کشتی در مسیر مخالف حرکت کند البته این طرح در آن زمان اجرا نشد، اما به «فولتون» کمك کرد تا کشتی بخار خود را بسازد و امروز نیز در شوروی کشتی‌هایی ساخته شده که با فوران آب کار میکند.

قدیمی‌ترین ماشین بخار که در قرن دوم پیش از میلاد بوسیله یکی از ساکنان اسکندریه به نام «پرون» اختراع شد، برمبنای همین اصل ساخته شده بود. در این ماشین، بخار به وسیلهٔ لوله‌ای از یك دیگ وارد یك گوی می‌شد، این گوی روی یك محوری افقی سوار بود و وقتی بخار از دو لوله در دو طرف گوی بیرون می‌آمد، لوله را در مسیر مخالف می‌راند و با این کار گوی دور محور افقی می‌چرخید.

توربین بخار «هرون»، همچنان بصورت یك بازیچهٔ محض باقی ماند، زیرا در قدیم، کار بردگان بسیار ارزان تمام میشد و بنابراین هیچکس در اندیشهٔ آن نبود که از توربین «هرون» استفادهٔ عملی بکند، اما با اینحال اصول «توربین» از یاد نرفت و امروز نیز از این طرح برای ساختن توربین‌های جت استفاده می‌شود.

یکی از اتومبیل‌های ابتدایی که با نیروی بخار کار می‌کند، با استفاده از همین اصل ساخته شده است. طرح این اتومبیل ابتدائی به «نیوتون»، دانشمند معروف انگلیسی و کاشف قانون عمل و عکس‌العمل نسبت داده شده است. در طرح «نیوتون»، بخار از یك دیگ که روی یك چهار چرخه سوار شده است، از یك جهت بیرون می‌آید و در نتیجه چهارچرخه را در جهت دیگر به پیش می‌راند.

## «انتخاب شده از کتاب پشم شناسی تالیف دکتر ناصر کاشانیان»

## صنعت

نکاتی که ذیلا بدان‌ها اشاره می‌شود مربوط به روش اندازه‌گیری قطر الیاف پشم بوسیله تصویر میکروسکوپی است.

این روش برای تمامی محصولات پشمی در مراحل مختلف (پشم خام تا نخ) قابل استفاده است

اساس روش یاد شده از این قرار است که تکه‌های کوچکی از الیاف پشم انتخاب شده را به کمك میکروسکوپ مشاهده کرده و قطر الیاف را با دستگاه مخصوصی بنام «لانامتر» اندازه‌گیری می‌کند. در هرقسمت از روش اندازه‌گیری باید شیوه خاصی را مورد استفاده قرار داد تا بدین وسیله بتوان از بروز خطاهای ناشی از اشتباهات ممکن شخص اندازه‌گیر، جلوگیری به عمل آورد.

میکروسکوپ مورد نیاز باید دارای منبع نور، خازن، عدسی شیئی، عدسی چشمی و چتر دایره‌ای باشد. ضمنا باید یك محمل شیئی برای نمونه الیاف نیز در دسترس قرار گیرد.

چون روغن چوب سدرو روغن پارافین، رطوبت الیاف را بدون کوچك‌ترین تغییری در آنها نگهداری میکند، و از طرفی نمونه انتخاب شده، باید تحت شرایط متعارفی (٦٥ در صد رطوبت نسبی و ۲۵ درجه سانتی‌گراد) مورد آزمایش قرار گیرد، از این رو نمونه‌ها را در روغن‌های مزبور نگهداری می‌کنند.

پشم خام از توده‌ای که باید مورد سنجش قرار گیرد ابتدا به طریق ذیل نمونه برداری میشود. توده مربوطه را به ٤٠ دسته تقسیم میکنند و از هر قسمت حدود یك مشت الیاف بر می‌دارند. هریك از این نمونه‌های اولیه را به دو قسمت می‌کنند و یك قسمت آن را نگهداری کرده و قسمت دیگر را از آزمایش حذف می‌کنند.

البته این عمل (انتخاب یك قسمت و حذف کردن قسمت دیگر) کاملا بطور تصادفی صورت میگیرد. نیمه‌ای را که انتخاب کرده‌اند بار دیگر به دو قسمت میکنند و باز یکی از این نیمه‌ها را بر حسب تصادف (اتفاقی) از آزمایش حذف میکنند. این نوع تقسیم را تا زمانی که فقط ۲۵ تار پشم از هر قسمت باقی بماند ادامه میدهند بدین ترتیب از ٤٠ منطقه مورد آزمایش نمونه‌ای شامل ۱۰۰۰ تار پشم بدست می‌آید. این نمونه‌ها را به وسیله ماده مخصوصی شستشو میدهند. این ماده شامل دو قسمت مانند «بنزین و اتر» و یا ماده آلی حلال دیگری شبیه این دو است. الیاف نمونه سپس در شرایط متعارفی قرار می‌گیرد. و سرانجام با قیچی

# در این مقاله با چگونگی سنجش و تعیین قطر انواع پشم و ویژگیهای الیاف پشمی ایران آشنا شوید

**اشاره**

**دوستان عزیز کارگر و تکنیسین**

**برای ایجاد تنوع بیشتر در مطالب حرفه و فن و نیز برای آشنائی بهتر با کتابها و منابع انتشاراتی مناسب سرویس حرفه و فن از این شماره سعی خواهد کرد تا مطالب جالب و در عین حال آموزنده را از کتابهای علمی که در دسترس شما نیز می‌تواند قرار گیرد، انتخاب کند و با عنوان «حرفه و فن در کتاب‌های علمی» در یک یا دو صفحه به چاپ برساند.**

**امیدواریم اینکار بتواند دو هدف مورد نظر ما را بر آورده سازد و شوق مطالعه کتاب و نشریه را در شما افزایش دهد.**

# پشم و دانش پشم شناسی

پارچه‌ای پنبه‌ای کاملا تمیز می‌کنند تا بدین وسیله هنگام قراردادن لامل روی لام، محلول مربوطه در لبه آن‌ها ظاهر نشود و ضمنا بدین وسیله مانع از بین رفتن الیاف ظریف‌تر میشوند. سرانجام لامل را روی لام حاوی مخلوط قرار میدهند. برای این منظور نخست یک لبه لامل را بر روی لام گذارده و سپس به آرامی تمامی لامل را بر سطح لام قرار میدهند.

## روش اندازه گیری

توجه به هریک از نکات روش اندازه‌گیری یاد شده از آن رو ضروری است.تا اطمینان حاصل شود که هرقسمت از قطعات الیاف حقیقتا به طریق تصادفی مورد اندازه‌گیری واقع میشوند. علاوه امکان آن که تکه‌ای از الیاف دوباره اندازه‌گیری شود نیز کاهش می‌یابد و بالاخره فرد اندازه‌گیر آزادی انتخاب ندارد تا الیاف مورد آزمایش را هنگام اندازه‌گیری به دلخواه انتخاب کند.

اگر دستورات مربوط کاملاً و نکته به نکته مورد توجه قرار نگیرند این خطر پدید می‌آید که نتایج آزمایشات مربوط کاملا غلط باشد.

لام را روی محمل شیئی قرار میدهند پس از آنکه تکه‌های الیاف آرام شدند از یکدیگر جداشده و در تمام فضای مورد آزمایش تقسیم میشوند. فواصل بین فشار مورد اندازه‌گیری باید بزرگ‌تر از طول قطعه تار الیاف مربوط باشد زیرا در غیر اینصورت امکان دارد که تحت تاثیر عواملی برخی از الیاف دوباره اندازه‌گیری شوند. چنانچه قطعات تار پشم حدود ۰/۵ میلی‌متر از یکدیگر فاصله داشته باشند احتمال دوباره اندازه‌گیری کاهش می‌یابد.

در آغاز آزمایش گوشه‌ای از لامل را وسط با وسیله مناسب دیگری روی یک صفحه شیشه‌ای به تکه‌هائی به طول ۰/۵ تا ۰/۱ میلی متر بریده میشود.

حال تکه‌های الیاف نمونه روی یک لام در چند قطره محلولی که باید در ان خوابانیده شوند قرار میگیرند و سپس به کمک سوزن نمونه‌برداری و با حرکات دایره‌ای شکل، به صورتی منظم روی لام تقسیم میشوند. مقداری کافی از این مخلوط (تکه‌های الیاف و محلولی مورد نظر) را به وسیله میکروسکوپ قرار داده و دستگاه را روی الیافی که در آن قسمت قرار دارند میزان میکنند. سپس لام را حرکت می‌دهند، تا بدین‌وسیله اولین بخش مورد اندازه‌گیری در زیر صفحه بوضوح و روشن دیده میشود.

در داخل تصویر میکروسکوپی، پهنای کلیه الیاف قابل اندازه‌گیری است.

قسمتهائی که از این امر مستثنی هستند به قرار ذیل‌اند:

۱ - الیافی که بیش از نیمی از پهنای آنها خارج از دایره مرکزی تصویر میکروسکوپی قرار داشته باشد.

۲ - تارهائی که در محل اندازه‌گیری تار دیگری را قطع کرده باشد.

## طول تار

الیاف پشم در حقیقت دو نوع طول دارند:

۱- طول طبیعی یا ارتفاع پشم (ارتفاع استاپل) ۲- طول اصلی:

۱- طول طبیعی یا ارتفاع پشم عبارت است از طول داخل فلیس و یا استاپل هنگامی که این دو به یکدیگر متصل شده باشند. اگر توده‌ای از پشم گوسفند را با دست از هم جدا کنیم فاصله بین پوست تانوک پشم را طول طبیعی پشم مینامند. در چنین حالتی الیاف پشم کشیده نشده و جعد یا پیچ‌های طبیعی باز نمی‌شود

طول اصلی پشم را هنگامی میتوان اندازه گرفت که الیاف پشم کاملا کشیده شده و جعد آن به‌کلی از بین رفته باشد اندازه‌گیری پشم در کارخانه‌های نساجی بیشتر بدین صورت انجام میگیرد زیرا طول اصلی پشم برای تهیه نخ پشم اهمیت فراوانی دارد.

موارد استفاده از الیاف پشم با درنظر گرفتن طول آن تعیین می‌شود. مثلا برای تهیه کام‌گارن صاف از الیاف طویل پشم استفاده میکنند، زیرا هر اندازه پشم مورد استفاده طولانی‌تر باشد انتهای آن کمتر و نخ حاصل از این نوع الیاف صاف‌تر خواهد بود. برای تهیه «کام‌گارن مرینو» از الیافی استفاده مشود که طول آنها از ۷، [illegible] متر زیادتر است. سطح پارچه‌ای که از الیاف ظریف بافته میشود مخملط بنظر میرسد.

برای اندازه‌گیری طول استاپل می‌توان از یک خط‌کش ساده استفاده کرد. برای این کار نخست به کمک دست قسمتی از پشم بدن گوسفند را به دو قسمت میکنند بطوری که پوست حیوان دیده شود، سپس از قسمت سطح پوست تا انتهای تار را به وسیله خط‌کش (طول تار) اندازه میگیرند. در چنین حالتی چون جعد و طول الیاف پشم ثابت است میتوان طول طبیعی تار را نیز تعیین کرد. این روش برای اندازه‌گیری الیاف پشم ضخیم صحیح بنظر نمیرسد زیرا به این طریق فقط الیافی که طویل هستند اندازه گرفته میشوند. معمولاً برای اندازه‌گیری طول‌طبیعی این‌گونه الیاف از متدهای آزمایشگاهی استفاده میشود.

## خواص فیزیکی

الف: استحکام. قابلیت مقاومت الیاف پشم در مقابل پاره شدن، استحکام پشم نامیده میشود این خاصیت پشم اهمیت فراوانی دارد، زیرا فقط از الیاف پشم مقاوم میتوان پارچه‌های محکم و بادوام تهیه کرد.

هر چه الیاف پشم قطورتر باشد به‌همان میزان نیز استحکام الیاف بیشتر میشود. ولی در مورد پشم مغزدار، باید متذکر شد که ضخامت آن دلیل بر استحکام تار پشمش نمیشود. بعبارت دیگر میتوان گفت که زیاد بودن مغز الیاف پشم موجب کاهش استحکام آن می‌شود

بر اثر تخمیر، الیاف پشم شکننده و فاسد شده و آغاز به ریزش میکند. برخی اوقات نیز ریزش الیاف پشم معلول کمبود مواد غذائی است. برای تعیین میزان استحکام الیاف پشم از دستگاه مخصوصی به نام دینامومتر استفاده میشود.

استحکام الیاف پشم را میتوان عملاً بدین طریق اندازه گرفت که نمونه‌ای از الیاف را برداشته و به کمک انگشتان دست آن را از دو طرف کشید، بطوری که از قسمت طولی پاره شود.

طریقه دیگر سنجش استحکام الیاف پشم این است که الیاف را محکم نگهداشته و سپس با انگشت ضربه‌ای عمودی بر آن وارد آورد. بر اثر این ضربه الیاف پشم کشیده شده ایجاد صدای مخصوص می‌کند. به کمک این صدا، بلند یا کوتاه، میتوان استقامت تار پشم مورد آزمایش را معلوم کرد هر اندازه صدای حاصل از ضربه وارده بلندتر باشد، الیاف پشم مربوط نیز محکم‌ترند

ب: کشش. منظور از کشش پشم قابلیت افزایش طول الیاف پشم بر اثر کشیدن است بطوری که جعد و پیچ آن کاملا از بین برود. برخی انواع تار پشم بر اثر کشش حدود ۲۰٪ تا ۵۰٪ به طولشان افزوده میشود.

دوام پارچه‌های پشمی بستگی به کشش الیاف پشم دارد. اگر قابلیت کشش پارچه‌های پشمی کم باشد، چروک برداشته و زودتر پاره میشوند. کشش الیاف پشم را میتوان بطور دقیق با اسباب مخصوص اندازه گرفت. ضمنا میتوان با کشیدن الیاف پشم میزان، کشش آنها را معلوم کرد.

پس از آزمایش‌های فراوان معلوم شده که بین ظرافت و استحکام الیاف رابطه‌ای وجود دارد، ضریب هم بستگی این رابطه بین ۰/۷ و ۰/۸ و در آزمایشهای دیگر ۰/۸ و ۰/۹ محاسبه شده است

علاوه بر استحکام الیاف پشم در حالت خشکی، استحکام آنها در زمان مرطوب بودن نیز نقش بسیار مهمی دارد. مهم‌ترین الیافی که در نساجی مورد استفاده قرار میگیرد در حالت خشکی دارای استحکامی به قرار ذیل‌اند:

در مقایسه فوق الیاف پشم در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. بنابراین در حالت مرطوب بودن نیز استحکام آن زیاد خواهد بود.

معمولا علاوه بر استحکام، طولی که فشار بر ان وارد می‌آید نیز اندازه گرفته میشود. اندازه این طول برابر است با افزایش طولی که از آغاز کشیدن تا پاره شدن تار پدید می‌آید.

علاوه بر کشش الیاف پشم، قابلیت ارتجاع الیاف پشم نیز در کارخانه‌های نساجی اهمیت بسزائی دارد.

## قابلیت ارتجاع

قابلیت ارتجاع الیاف پشم به حالت اولیه را میتوان چنین تعریف کرد: اگر تار پشمی تا سرحد پاره شدن از دو طرف کشیده شود و سپس رها گردد دوباره کم و بیش جمع میشود. میزان جمع شدن پشم پس از کشیده شدن، قابلیت ارتجاع آن را نشان میدهد. اختلاف بین طول تار کشیده شده و تار جمع شده را کشش باقی مانده مینامند.

نرمی پشم عبارت است از تغییر شکل پشم در اثر کشیدن و یا وارد آوردن فشار بر آن، این خاصیت پشم در نساجی دارای اهمیت فراوانی است. زیرا پارچه ظریف واجد چنین خاصیتی، مدت زیادی حالت اولیه را حفظ میکند. اگر پارچه‌ای به اندازه کافی نرم نباشد زود چروک برداشته و حالت خود را از دست میدهد. ضمنا لباس تهیه شده از چنین پارچه‌ای زود گشاد شده و در قسمت زانو و آرنج چروک برمیدارد. نرمی پشم را نمیتوان عملا به دقت تعیین کرد. رایج‌ترین طریق سنجش نرمی پشم بدین ترتیب است که مقداری الیاف پشم را بین دو دست فشار میدهند، اگر پشم دارای نرمی خوبی باشد پس از باز کردن دست به شکل و حجم اولیه خود باز میگردد. پشمی که نرمی آن کم باشد براثر فشار حالت اولیه خود را از دست میدهد. الیاف مغزدار و اغلب پشم ضخیم بدون حرکت‌اند و در نتیجه از لحاظ نرمی، کمبودی در آنها مشاهده میشود. اگر الیافی را که قابلیت ارتجاع متفاوتی دارند با یکدیگر مخلوط کنیم در کارخانه‌های نساجی الیاف راست و بی‌ارتجاع، به علت کمبود نرمی از نخ حاصل جدا میشوند.

قضاوت درباره پشم چیده نشده بدین صورت انجام میگیرد که با وارد کردن فشار بوسیله کف دست روی سطح فلیس و مشاهده عکس‌العمل تار در مقابل فشار (برگشت سریع و یا آهسته الیاف پشم به حالت اول) قابلیت ارتجاع آن را میسنجند.

الیاف پشم که قابلیت ارتجاع نداشته باشد، پشم پنبه‌ای و یا مرده خوانده میشود، این گونه الیاف برای کارخانه‌ها مناسب نیستند.

# قطارهای پرنده میتوانند جانشین هواپیما شوند

چنین بنظر میرسد که قطارهای پرنده بطور جدی به رقابت با قطارهای معمولی و هواپیما برخاسته‌اند. این قطارها در واقع نه پرواز میکنند و نه روی چرخ حرکت میکنند بلکه به فاصله کمی از سطح زمین بلند میشوند. آنها به کمك نیروی مغناطیسی در هوا نگهداشته میشوند و مسافتهای طولانی را با سرعت ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر در ساعت طی میکنند.

نمونه‌های ازمایشی هم اکنون در دست است و بمحض انکه تکمیل شوند بازار پر رونقی پیدا خواهند کرد. رقابت بر سر ساختن این قطارها نیز بسیار حاد میباشد.

در جمهوری فدرال المان دو گروه برقابت برخاسته‌اند. یکی کنسرسیوم کراس- مافی، سازنده لکوموتیو و تانکهای لئوپارد و مسراشمید- بولکو- بلوم، سازنده هواپیما، است که در مونیخ فعالیت میکند.

گروه دوم از شرکت عمده مهندسی برق، زیمنس، ا. ا. گ تلفونکن تشکیل میشود. هر دو گروه طرح خود را براساس واحدی ساخته‌اند، به این معنی که دو دستگاه مغناطیس جداگانه یکی در واگن و دیگری در خط اهن نصب میکنند. یکی از این دستگاهها قطار را بالا و دیگری بجلو و عقب میبرد.

در دو نوع مختلف قطار از نظامهای گوناگونی برای بالا بردن استفاده میشود. گروه کراس- مافی از نیروی جاذبه اهنربا کمك میگیرد. آنها اهنربا را زیر واگن و زیر خط قرار میدهند و قطار را در حدود ۱۵ میلیمتر از زمین جدا میکنند. گروه دوم از نیروی دفع اهنربا برای بالا بردن قطار استفاده میکند.

در حال حاضر سه نمونه در دست آزمایش است که هر سه هم حائز شرایط میباشند. یکی ام ام بی سریع‌السیر ۰٤ میباشد که در حومه مونیخ با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت روی خط اهن ۲/٤ کیلومتری مورد آزمایش قرار گرفته است.

ام ام بی مخصوص حمل بار است ولی مسافر هم میتواند حمل کند.

نمونه دیگر در نزدیکی مانچینگ است که سرعت بیشتری دارد و توانسته رکورد جهانی ٤۰۱/۳ کیلومتر در ساعت را در بین قطارهای پرنده مغناطیسی هیدرو دینامیك باقی بگذارد.

ازمایشات نشان داده که با دو برف و یخبندان قادر نیست قطار پرنده را از مسیر خود خارج کند و درصورتیکه موتور آن از کار بیافتد فقط بروی خط می‌نشیند و همانجا میماند تا موتور دومرتبه بکار افتد.

سایر کشورها نیز سرگرم ازمایشهائی در این زمینه هستند فرانسه این طرح را کنار گذارده، چون موتورهای جتی که برای این کار در نظر گرفته شده بود بسیار پرسروصدا و پرمصرف بودند. در امریکا و ژاپن نیز چند شرکت سرگرم ازمایش در این زمینه هستند.

از لحاظ محیط زیست، قطار پرنده از همه‌گونه مزیت برخوردار است. قطار و خط‌اهن در تمام مسیر خود تماس حاصل نمیکنند و از لحاظ نظری قطار پرنده باید بی‌سروصدا باشد. ازمایشات انجام‌شده نشان میدهند که این قطارها وقتی با سرعت ٤۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت میکنند و به اوج سروصدای خود میرسند. درصورتیکه قطارهای معمولی با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ساعت حداکثر سروصدا را دارند.

چون این قطارها دارای قطعات متحرك نیستند و یا با سطح زمین و یا چیز دیگری اصطکاك پیدا نمیکنند میزان استهلاك خیلی کمتر است و چون مانند سایر وسایل نقلیه از سوختهای مشتق از نفت استفاده نمیکنند بنابر این هوا را نیز الوده نمی‌سازند.

بنابراین طرح این قطار پرنده سریع‌السیر عملی است. فقط باید طی ازمایش‌های مختلف ثابت کرد که ایا مقرون به صرفه و بیخطر هست یا نه. اگر از این ازمایشها موفق بیرون بیاید می‌تواند جانشین خطوط اهن و هوائی داخل شهرها و سرتاسر اروپا گردد. در اینجاست که قطار پرنده واقعا گران تمام میشود. قرار است خطی ازمایشی بطول ۵۷ کیلومتر در ناحیه دناربد برای براه انداختن قطار پرنده‌ای به اندازه واقعی تاسیس شود.

ممکنست چند دهه طول بکشد تا تصمیم نهائی در مورد عملی کردن طرح قطار پرنده گرفته شود. هانس ماتوفر عقیده دارد که مخارج این طرح ممکنست انقدر زیاد شود که فقط در صورت ملحق شدن سایر کشورهای اروپائی به این طرح قابل توجیه گردد.

# اتومبیلی که با انرژی خورشید کار میکند

رویتر- یك مخترع اسرائیلی دیروز اولین اتومبیلی را که با انرژی خورشیدی کار میکند معرفی کرد.

پرفسور آریا برونشتاین رئیس بخش «مهندسی نیرو» دانشگاه تل‌آویو گفت در اتومبیلش از دو «دریچه سلولهای خورشیدی» استفاده کرده است وی گفت اتومبیل با نیروی برق کار می‌کند و نیروی خورشیدی یك سوم نیروی محرکه اتومبیل را تشکیل میدهد.

پرفسور به خبرنگاران گفت رمز کار این است که اتومبیل را باید در جای آفتابی پارك کرد. وی افزود این فقط شروع کار است، ما کوشش خواهیم کرد که باز هم پیشرفت کنیم.

این اتومبیل دو دریچه سلول‌های خورشیدی سلیکون دارد که یکی روی سقف اتومبیل و دیگری در جلوی اتومبیل جائیکه موتور اتومبیل‌های معمولی قرار دارد نصب شده است.

پرفسور برونشتاین گفت امیدوار است در سالهای دهه ۱۹۸۰ قیمت این نوع اتومبیلها به یك دهم برسد و حجم دریچه‌ها نیز کوچکتر شود. او گفت اکنون زمان طرح این اتومبیل‌ها رسیده است.

## تازه‌های علم و صنعت

به دنبال موفقیت‌های دستگاه‌«ای- ام- ای» که برای مشاهده داخلی مغز انسان ساخته شده بود و در دنیای پزشکی با تحسین فراوان روبرو شد، شرکت سازنده ان اخیراً دستگاه دیگری عرضه کرده است که دارای طرحهای خاص الکترونیکی و مکانیکی است. این دستگاهها اطلاعات بیشتری را در اختیار می‌گذارند و نقطه دید در انها تاحد ناحیه گردن است.

با دستگاه جدید میتوان دوزاویه مختلف دید را انتخاب کرد. این دوزاویه یکی استاندارد ۱۸۰ درجه و دیگری ۲٤۰ درجه است. به اضافه شخص ازمایش کننده میتواند از دوسرعت مختلف استفاده کند. یکی از سرعتهای مزبور یك دقیقه و دیگری ٤ دقیقه است که عمل مشاهده با دقت هرچه بیشتری انجام می‌گیرد. کار با دستگاه تنها از طریق یك فرد واجد شرایط انجام میشود که بیمار را زیر دستگاه قرار میدهد و قسمتی را که باید دیده شود مشخص نموده و فقط دستگاه را کنترل می‌کند. وقتی عمل مشاهده اغاز میشود اطلاعات مربوط در اختیار کامپیوتر قرار میگیرد و در مدت کمتر از یك دقیقه عکس منطقه مورد مشاهده به وسیله کامپیوتر ارائه میشود.

عکسی که در اینجا ملاحظه می‌کنید، یك پوشش ضدحریق را نشان می‌دهد که در آهنکاریهای ساختمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازندهٔ این پوشش که برای سفینه‌های آپولوها هم پوشش ضدحریق ساخته بود، می‌گوید این پوشش حداقل تا یکساعت از حریق جلوگیری می‌کند تا جوشکاران بتوانند باخیال راحت بکار خود ادامه دهند. این ماده که بروی تیرآهن پاشیده می‌شود در مقابل حرارت شدید باد می‌کند و قسمتی از حرارت را جذب کرده و بقیه را دفع می‌کند و از سرایت آتش به آهن جلوگیری می‌نماید.

## ماشـــین پنبه پاك کنی

پنبه‌چین ماشین‌های کشاورزی مدرن است که کار دهها انسان را که با رنج و زحمت باید پنبه‌چینی کنند در مدت کم و با هزینه‌ای کمتر از پولی که صرف دستمزد پنبه چینان میشود انجام میدهد. این ماشین غوزه پنبه را بی‌آنکه به آن صدمه‌ای بزند کنده و آن را در محفظه‌ای که در پشت سردارد میریزد و جمع میکند.

حال که از پنبه این گیاه پرمصرف و جالب سخن به میان آمد بد نیست اطلاعاتی هر چند مختصر ولی مفید درباره آن بر مجموعه دانش‌ها و اطلاعات خود بیافزاید:

– پنبه از دیرباز تقریبا زمانی که انسان به کشاورزی به مفهوم وسیع روی آورد‌شناخته شد و آثار و مدارکی در دست است که نشان میدهد در ۳۰۰۰ سال پیش در هند، لباس کتان می‌پوشیده‌اند که ماده اصلی آن پنبه است و در مصر و چین و دیگر کشورهای باستانی از آن استفاده میشده است پنبه سه نوع است که از نظر بلندی و کوتاهی الیاف آن طبقه‌بندی شده دانه پنبه پس از ٥ تا ٦ ماه رشد کرده و محصول میدهد پنبه مثل غنچه گل است که وقتی باز میشود در آن بجای برگهای گل الیاف سفید و زرد رنگ پنبه دیده میشود این حافظ غنچه مانند را غوزه میگویند وقتی پنبه رسید آن را که مثل گل سفید است می‌چینند بعد الیاف پنبه را به کمك نوعی ماشین از دانه‌هائی که دارد جدا میکنند سپس پنبه را می‌شویند و انها را بسته‌بندی میکنند. این پنبه را سپس به ماشین دیگری میریزند که آن را شانه میکند و از حالت چسبندگی درمیاورد و در این حال است که الیاف پنبه را میتوان با دست بوسیله دوك ابتدائی‌ترین وسیله و یا ماشین به صورت نخ و یا افزودن دیگر عناصر و مواد شیمیائی به صورت پارچه درآورد و بافت از پنبه با اختلاط مواد شیمیائی پلاستیك، فیلم عکاسی و مواد دیگری ساخته میشود پنبه در مزارع بزرگ کاشت میشود و مراقبت شدیدی لازم دارد و درو به موقع آن ضروری است.

# دانستنی‌ها... برای کارگران

## بیماری مرموز دختر یک کارگر، دانش پزشکی را گیج کرده است

«سارا» باتفاق مادر و پدرش

«سارا»، ۱۸ساعت از ۲٤ساعت را در خواب است

بیماری مرموز دختر یك کارگر، دانش‌پزشکی را گیج کرده است. او به «زیبای درحال خواب» معروف است تاآنجا که وقتی نامه‌یی از هند رسید و نشانی ان «انگلستان، زیبای درحال خواب» بود، بی‌دردسر به خانه او تحویل داده شد. اما شهرت «زیبای درحال خواب» چیزی است که برای او و پدرو مادرش اهمیت ندارد. زیرا در پس این شهرت، داستان غم‌انگیز دختر کوچکی نهفته است که دارد زندگی خود را از دست می‌دهد، چون او بیشتر این زندگی را درخواب می‌گذراند. او «ساراهیوز» نام دارد و در «لوتون» واقع در «بدفورد شایر» انگلستان زندگی می‌کند. «سارا» درحالی که سرگرم بازی است، یا مشغول گردش در خیابان است و یا دارد غذا می‌خورد، بی‌آن که هشدار دهد، به خواب می‌رود.

«سارا» که دختر یك کارگر مؤسسه فروش وسایل کمپیوتری است، ۱۸ساعت از ۲٤ساعت شبانه‌روز را می‌خوابد. هرچند او از شش سال پیش به این طرف، کمی بهبود یافته است. اما اوقات زندگی‌اش را بیشتر در خواب می‌گذراند تا دربیداری. به همین دلیل دختر بچه بیچاره قادر نیست بزرگترین آرزوی خود را برآورده کند. آروزوی او این است که با خواهر ۱۲ساله‌اش، «جین» به مدرسه برود.

«سارا» درعوض ناگزیر است به طور خصوصی درخانه تحصیل کند، وتحصیل خصوصی از لحاظ مادی، برای پدر ومادرش فلج‌کننده است و پدرش، «دیوید»، ٤۳ سال دارد ومادرش، «آن»، ۳۷ساله است. وقتی «سارا» نورادی بیش نبود، دوستان و خویشاوندان، به مادر و پدرش تبریك می‌گفتند که چنین فرزند خوشرفتاری دارند. آنها می‌گفتند «سارا» به ندرت گریه می‌کند و بسیار خوب می‌خوابد.» اما آرامش شوم«سارا»، نخستین نشانه بیماری مرموزی بود که دانش پزشکی هنوز نتوانسته است آن را کشف کند.

پزشکان ابتدا تصور می‌کردند که «سارا» یکی از قربانیان دیگر «نارکولپی» است «نارکولپی» عارضه‌یی است که طی آن، بیمار به نحو مهارنکردنی می‌خوابد) اما آزمایش‌های بسیار، ثابت کرد که چنین نیست.

«سارا» در طول این شش سال به وسیله ده، دوازده پزشك معاینه شده است و تحت هر آزمایشی که بتوان تصور آن را کرد، قرار گرفته است وماه سپتامبر گذشته، «سارا» در بیمارستان کودکان«گریت اورموند استریت» لندن مدت یك هفته تحت آزمایش‌های بیشتری قرار گرفت. اما پزشکان هنوز نتوانسته‌اند راه‌حلی برای بیماری او پیدا کند.

تادوسه سال پیش، «سارا»هرگز طلوع خورشید را ندیده بود و به ماه نگاه نکرده بود، زیرا همیشه در خواب بوده است و پارسال «سارا» برای اولین بار به باغ وحش رفت. پدر ومادر «سارا» به علت بیماری دخترشان، چند سال است که به تعطیلات نرفته‌اند.

مساله اساسی که «سارا» اکنون با آن مواجه است، تحصیل است. قانون انگلستان ایجاب می‌کند کودکی که به دلیلی نتواند به مدرسه برود، باید دست کم روزی ده ساعت در خانه درس بخواند.

به‌هرحال پدر ومادر «سارا»، این دختر کارگرزاده، امید دارند یك روز راه علاجی پیدا شود و دخترشان بتواند زندگی عادی خود را اغاز کند.

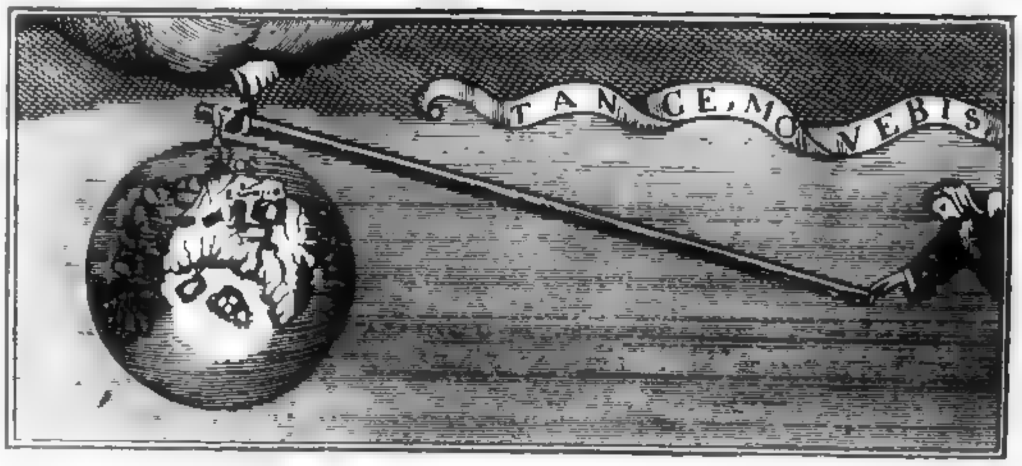


«یك تکیه‌گاه در اختیار من بگذارید تا زمین را بلند کنم.»

این کلامی است افسانه‌ها آن را به «ارشمیدس»، نابغه یونان قدیم، نسبت می‌دهند. «پلوتارك» می‌نویسد: «ارشمیدس» یك‌بار به دوست و خویشاوند خود، «هیرون»، پادشاه سیراکوز، نوشت که بزرگترین وزنه‌ها را می‌توان با کمترین نیروها از جا بلندکرد. وقتی بحث طولانی شد، «ارشمیدس» افزود که اگر زمین دیگری وجود داشت، او می‌توانست از آنجا زمین کره اصلی را بلندکند.»

«ارشمیدس» می‌دانست بوسیلهٔ اهرم می‌توان سنگین‌ترین اجسام را با کمترین نیرو بلند کرد و این نیرو باید به بازوی بلند یك اهرم مناسب وارد شود تا بازوی کوچك‌تر، خود را از جا بلند کند. «ارشمیدس» فکر می‌کرد اگر با دست خود روی بازوی بسیار بلند یك اهرم فشار وارد کند، خواهد توانست وزنه‌ای را که جرم آن با جرم زمین برابر است، بلند کند. برای این که مطلب روشن شود، یادآوری می‌کنیم که عبارت «بلندکردن زمین» را دراین جا به این معنا تلقی می‌کنیم که وزنه‌یی را از روی سطح زمین بلند می‌کنیم که جرم آن معادل جرم خود زمین باشد.

اگر این دانشمند عصر قدیم می‌دانست که زمین چه جرم بزرگی دارد، به احتمال قوی چنین نظری ابراز نمی‌کرد. ما برای این‌که مطلب را تشریح کنیم، فرض می‌کنیم، «زمین دیگری» که «ارشمیدس» می‌خواست و همچنین تکیه‌گاهی که در جستجوی آن بود، دراختیار او قرار می‌گرفت. و در ضمن قبول می‌کنیم که او برای این کار حتی می‌توانست اهرمی به درازای مورد نظرش بسازد. به عقیدهٔ شما او درچه مدت می‌توانست باری را که جرم آن معادل جرم زمین بود، دست‌کم به اندازهٔ یك سانتی‌متر از جا بلند کند؟ حداقل ۳۰هزار میلیارد سال.

ستاره‌شناسان جرم زمین را محاسبه کرده‌اند. اگر یك جسم برابر با جرم زمین روی این کره وجود داشت، وزن آن تقریبا معادل ...............٦تن بود.

ما فرض می‌کنیم یك مرد بتواند ٦۰کیلو بار را از روی زمین بلندکند. پس «ارشمیدس» برای این که بتواند زمین را «بلند» کند، به اهرمی احتیاج داشت که بازوی بزرگ آن ...............۱بار بزرگ‌تر از بازوی کوچك آن باشد!

هنگامی که راه می‌رویم، با پاهای خود به زمین، در مسیر مخالف حرکت، فشار وارد می‌کنیم. راه رفتن روی زمین کاملا صاف یا روی یخ دشوار است، زیرا همینکه پا میخواهد به تکیه گاه خود فشار وارد کند، می‌لغزد. لکوموتیو وقتی می‌خواهد به راه بیفتد، با چرخ‌های خود ریل‌هارا به عقب می‌راند. اگر ریل‌ها را چرب کنیم، لکوموتیو نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد. وقتی هوا بسیار سرد و یخبندان میشود، گاهی جلو چرخ لکوموتیو روی ریل‌ها ماسه (شن یا سنگریزه) می‌ریزند تا قطار بتواند حرکت کند.

در اوایل پیدایش راه‌آهن، چرخ‌ها و ریل هارا دندانه دندانه می‌ساختند تا به هم گیر کنند. این موضوع از این فکر ناشی شده بود که می‌دانستند چرخ و خط باید با یکدیگر را برانند.

کشتی‌ها هم به وسیله پروانه‌های خودآب را پس میدهند و خود را بجلو می‌برند. هواپیما نیز به وسیله ملخ خود هوارا پس می‌زند و پیش می‌رود.

# «بحرالمیت»

شاید اغلب خواهران و برادران عزیز کارگر تصور کنند تنها در دریاچه رضائیه، در آذربایجان است که به علت زیادی نمك آن هیچکس غرق نمیشود. درحالیکه اینطور نیست، و در فلسطین، سرزمینی که سابقهٔ تاریخی طولانی دارد، دریایی وجود دارد که کسی در آن غرق نمی‌شود؛ این دریا، همان «بحرالمیت» مشهور دریا، این نسبت به‌طور منظم افـزایش می‌یابد.

بنابراین، یکچهارم مجموع وزن«بحرالمیت» نمك اسـت و براورد شده است که آب آن تقریباً ۴۰میلیون تن نمك دارد.

آب «بحرالمیت» به سبب غلظت زیاد خود، خاصیت عجیبی دارد و آن این است

**برسطح آبهای «بحرالمیت» به‌آسانی میتوان دراز کشید و به مطالعه پرداخت.**

که چـون آب دریا از آب دریاهای عادی بسیار سنگین‌تر است، انسان هرگز در آن غرق نمی‌شود، زیرا بدن بسیار سبك‌تر از آن است.

وزن بدن انسان بسیار کمتر از وزن آب نمك‌دار هم حجم آن است. بنابراین، مطابق قانون اجسام شناور، انسان هرگز در «بحرالمیت» غرق نمی‌شود. و درست همان‌طور که یك تخمم‌رغ موقعی که در آب‌نمك‌دار انداخته شود، روی سطح آب می‌آید، انسان هم اگر در آب این دریا فرو رود به سرعت بالا می‌آید. و نباید فراموش کرد که تخمم‌رغ را اگر در آب خالص بیندازیم، به سرعت پایین میرود.

است.

نمك «بحرالمیت» آن قدر زیاد است که هیچ موجود زنده‌یی در آن زندگی نمی‌کند. آب سطح دریا، دراثر گرمای خشك و سوزان محیط بخار می‌شود.البته باید توجه داشت که فقط آب آن بخار می‌شود و نمك‌ها باقی می‌ماند.

درنتیجـه، غلظت محلول افـزایش می‌یابد. و به همین علت است که به عکس بیشتر دریاها و اقیانوس‌ها که میزان نمك‌های آنها ۲ تا ۳ درصد آب‌شان از لحاظ وزن است، مقدار نمك «بحرالمیت» ۲۷درصد و حتی بیش از ۲۷درصد است. علاوه‌بر این، درعمق

یك کارگر خوش ذوق آمریکـایی به نام «ویلیام گیلوم» دوچـرخه‌یی را طـرح کرده است که می‌تواند روی خط‌آهن راه برود و با این دوچرخه فـاصله خـانه تا محـل کارش را که چندین کیلومتر است، طی می‌کند.

این دوچرخه چنان طرح شـده است که اصلاً واژگون نمی‌شـود و راننده می‌تواند با خیال راحت روی ریل‌ها حرکت کند و هنگـام نزدیك‌شدن قطار، دوچرخه را از خطوط آهن دور کند.

# تخت معجزه‌گر

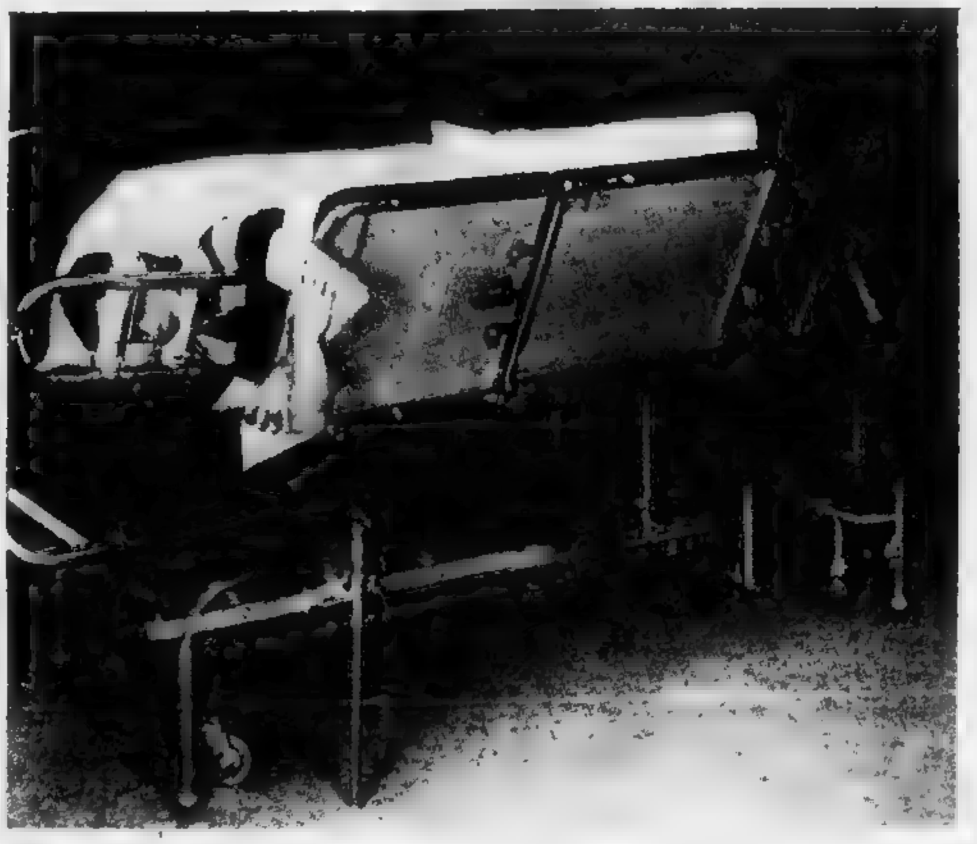

یك بیمار که فلج شده یا پشت او مجروح شده و یا به سوختگی شدید دچار شده باشد، نمی‌تواند خود را روی تخت بیمارسـتان برگرداند.

این عدم حرکت بدن، جریان خون را کند می‌کند و ممکن است سبب زخم‌شدن بدن یا عوارض دیگر شود. بنابراین، برای جلوگیری از صدمه بدنی، باید بیمار را به کمك دست و با احتیاط فراوان، جا به جا کرد، که این کار، ممکـن است احتیاج به پنج پرستار داشتـه باشد.

اما اکنون مؤسسه «هس دوبن‌دورف» در سوئیس، تخت مخصوصی را برای این‌گونه بیماران ساخته است. این دستگاه را فقط یك پرستار می‌تواند اداره کند. دستـگاه به بیمار اجـازه می‌دهد از پشـت به رو گردانده شود، از جـای خود بلند شـود و یا از تخـت پائین اورده شود.

# [illegible] قطار چگونه است؟

وقتی روی سکوی ایستگاه قـطار ایستاده‌اید و یك قـطار سریع‌السـیر از مقـابل شما عبور می‌کند احسـاس میکنید که پریدن از روی سکو به داخل قطار دشوار است..

اکنون اگر فرض کنیم سکو هم در حـال حرکت است و مسیر و سرعت آن با مسیر و سرعت قطار یکسان است، آیا باز هم به دشواری می‌توانید سوار قطار شـوید؟ مطمئناً نه زیرا در این صورت درست مثل این است که می‌خواهید به قطار متوقف شده‌ای وارد شوید. قطار و سکو وقتی در مسیر یکسان و با سرعت برابر حـرکت کنند، نسـبت به هم‌ساکن هستند.

# شما هزینه زندگی تان را با درآمدتان

## گفتگو با کارگران درباره درآمد، هزینه و تنظیم خانواده

**گزارشگر و خبرنگار عکاس رستاخیز کارگران، با چند تن از کارگران صنفهای گوناگون پیرامون مسائلی که مربوط به اقتصاد خانواده می‌شود، گفتگو کرده‌اند، و در مقابل پرسش‌هائی که با آنان مطرح ساخته‌اند، پاسخهائی گرفته‌اند که دانستن آنها برای دیگر خواهران و برادران کارگر می‌تواند مفید باشد.**

**دانستن چگونگی تنظیم درآمد با هزینه زندگی این کارگران، گاه عبرت آموز است و گاه راهگشا. عبرت آموز از آنجهت که در میزان درآمد و خرج میبایست تعادلی وجود داشته باشد و چنانچه این تعادل از بین برود، بیگمان مشکلات مالی بوجود خواهد آمد. و راهگشاست وقتی که مشاهده می‌کنیم یك کارگر هزینه زندگی خود و خانواده‌اش را به گونه‌یی تنظیم کرده است که بهر ترتیب در هرماه مبلغی، هرچند ناچیز، از درآمدش را برای آینده‌اش اندوخته می‌کند....**

**بهر حال مطالعه این گفتگوها را به شما توصیه می‌کنیم....**

علی قنادی کارگر کفاش

علی عبدی، میوه فروش

حسن یزدان لطیف، آرایشگر

خسرو ساعدمنصبی، صافکار

قدرت جلالی، قصاب

اختیاری، قهوه‌خانه‌دار

صفری محبی کرمانشاهی، کارگر حمام

بهرام ساعدمنصبی

محمد علی دخت‌مهر باقری شهرداری

آقای قدرت جلالی، کارگر مغازه قصابی، اولین کسی است که مورد سئوال قرار می‌گیرد. وقتی از او می‌پرسم که ازدواج کرده است یا نه، با لحنی شوخی‌آمیز می‌گوید: «بله، یه دونه زن و یه دونه بچه داریم.» در مورد مسکن حرف پیش می‌اید، جواب می‌دهد: «با چهار نفر شریك شدیم و یك خانه صدو چهل متری خریدیم که در حال حاضر ماهانه صدوهفتاد تومان بابت اقساط آن می‌پردازم.»

قدرت جلالی روزی ده تومان به زنش بابت مخارج کوچك خانه، مثل نان و سبزی، می‌پردازد و بقیه پول را در اختیار خود دارد، تا با آن سایر مایحتاج زندگی را تامین کند.

به پس انداز و نقش سازنده آن اشاره می‌کنم، جواب میشنوم که «از باقیمانده پول هر ماه صدو پنجاه تومان پس انداز می‌کنم.»

### ● اعتقاد به پس‌انداز

از مغازه قصابی بیرون می‌آئیم. قهوه خانه‌ای جلب نظرمان را می‌کند. وارد آن می‌شویم. چند مرد روی صندلی‌های لهستانی نشسته‌اند و با اشتها به خوردن غذا و چای مشغول هستند. شاگرد قهوه‌چی به ما نزدیك می‌شود و می‌پرسد چای می‌خورید؟... از قصدمان که تهیه گزارش است آگاهش می‌کنیم، می‌گوید: «الان صاحب قهوه‌خانه میاید. با او حرف بزنید.»

ودرست در همین لحظه کارگری که در میز مجاور ما نشسته است، میگوید: «من هم کارگر هستم. از من سئوال کنید.» آقای بهرام ساعد منصبی، کارگر صافکار اتومبیل است که بطور سیار کار می‌کند. سی و هفت سال دارد. او میگوید که چندین سال است ازدواج کرده و یك اولاد دارد. ماهانه بطور متوسط هزار و پانصدتومان درآمد دارد. از این پول چهار صد تومان بابت اجاره خانه می‌پردازد و روزی بیست تومان هم به خانمش خرج خانه میدهد. حساب پانصدتومان بقیه را از او می‌پرسم، جواب میدهد: «شما فکر می‌کنید پانصدتومان هم پول است؟! با این پول فقط می‌توانیم برای بچه دوساله‌ام شیر، و سالی هم یکی دو دست لباس برای خودمان بخریم متاسفانه پس انداز هم ندارم. خودم می‌دانم که زندگی بدون پس انداز مثل بنائی است که پایه‌هایش سست باشد، ولی کف دستی که مو ندارد، ندارد»

تا این جا نکته بسیار جالبی که دستگیرم شده، توجه این دو کارگر عزیز به مسئله تنظیم خانواده است. می‌بینیم که هر یك از آنها فقط یك اولاد دارند.

آقای خسرو ساعد منصبی، بردار بهرام ساعد منصبی است که یکی دوسال با یکدیگر تفاوت سنی دارند و خسرو نیز شغل مشابه برادر را دارد.

در مورد مسکن میگوید: «تاچندی قبل در خانه‌ای اجاره‌ئی زندگی میکردم و سیصدوپنجاه تومان بابت اجاره می‌پرداختم. اما برای اینکه هر ماه پولی بابت اجاره نپردازم، دست زن و چهاراولادم را گرفتم و در زمینی که بخودم تعلق دارد برای خودم سرپناهی ساختم و مسکن کردم.»

وقتی از خسرو ساعد منصبی می‌پرسم چرا بدون توجه به درآمد خود، دارای چهار اولاد شده است، می‌گوید: «تازه دوتای آنها هم مرده‌اند!»

### ● تنظیم خانواده

خوشحالی چند لحظه پیش من از توجه دو کارگر به مسئله تنظیم خانواده، جای خودش را به فکر کردن میدهد... در همین لحظه، صاحب قهوه‌خانه، آقای اختیاری به جمع ما می‌پیوندد. از او می‌پرسم چند شاگرد دارد و به آنها روزانه چقدر دستمزد میدهد؟... میگوید: «دوتا شاگرد دارم و بهر یك از آنها روزانه بیست تا سی‌تومان دستمزد میدهم. از میزان در آمدش سئوال می‌کنم، جواب میدهد: «نمی‌دانم، چون با بالا رفتن قیمت‌ها درآمد ماهانه من نیز بالا و پائین می‌رود. البته سعی می‌کنم بمحض اینکه مثلاً نخود و لوبیا ارزان شد یا قیمت چای پائین آمد، مقداری بخرم و ذخیره کنم، ولی راستش نمی‌دانم که در آخر ماه چقدر درامد دارم، خوشبختانه زن من از خانواده‌ای است که ملك و املاك دارد. هیچوقت از من پولی نمی‌خواهد فقط وقتی چیزی مد روز شد مثل لباسهائی که مد میشود، یك مقداری ما را تیغ می‌زند که آنرا تهیه کند!»

از آقای اختیاری سئوال می‌کنم که تهیه غذائی مثل آبگوشت، چقدر برایش تمام می‌شود و با چه مبلغی آنرا در اختیار مشتریان میگذارد؟.... جواب میدهد: «این روزها نسبت به گذشته قیمتها بالا رفته است. بار هم نمیدانم که هر کاسه ابگوشت چقدر برایم تمام می‌شود، ولی بابت یك دیزی یك نفره و چای و نان، سه تومان از مشتریان میگیرم.»

اقای اختیاری هم تنها یك اولاد دارد و دراین باره می‌گوید: «گذشت آن روزگاری که پدر و مادرها می‌توانستند از پس مخارج و تربیت چند بچه بربیایند. این دوره و زمانه نه وقت هست و نه پول. همان یك بچه برایمان کافیست.»

### ● کارگر موفق

علی میرزائی مکانیسین بیست و چهارسالهایست که درآمد ماهانه‌اش به پنج تا شش هزار تومان میرسد. او را درمحل کارش که تعمیرگاه اتومبیل است می‌بینیم. سخت به کار مشغول است ووقتی از قصدمان که گفتگوی

# هماهنگ کرده‌اید؟

کوتاهی است، آگاه می‌شود، می‌خندد و می‌گوید: «با من مصاحبه نکنید. ممکن است دیگر کارگرانی که نتوانسته‌اند مثل من موفق باشند ناراحت شوند.» و بعد اضافه می‌کند که: «گرچه ناراحت شدن ندارد، من از سیزده سالگی روی پای خودم ایستادم، کار کردم، شبانه‌روز کار کردم تا توانستم وضع مرفهی برای خود و خانواده‌ام بوجود بیاورم.»

جلوی در تعمیرگاه، دو اتومبیل قرمز رنگ خیلی قشنگ پارك شده، که توجهمان را جلب می‌کند، یکی از آنها «لامبرگینی» و دیگری «پورشه» است.

درباره ماشین‌ها سئوالاتی از علی میرزائی می‌کنم، و متوجه می‌شوم که هردوی آنها به خودش تعلق دارد... می‌گوید: «این دو ماشین را به قیمت ارزانی خریدم و خودم تعمیرش کردم. اخر من حقیقتاً عاشق اتومبیل و ورزش اتومبیل‌رانی هستم. مدتی است به عضویت «اتومبیل کلاب» درآمده‌ام. درمسابقات جوانان هم شرکت کردم و دوبار مقام سوم را بدست آوردم.» درباره زندگی و نحوه تفریحاتش می‌پرسم، می‌گوید: «همه وقتم را به کار و مطالعه درباره اتومبیل می‌گذرانم و خلاصه بگویم، عشق بزرگ من دانستن بیشتر درباره اتومبیل است.»

می‌پرسم ازدواج کرده است یانه، جواب میدهد که: «مجردم. با پدر و مادرم زندگی می‌کنم. ماهانه دوهزارتومان هم به آنها میدهم که سربارشان نباشم و به این زودی‌ها نیز تصمیم به ازدواج ندارم.»

از آقای علی میرزائی خواهش می‌کنم که کنار اتومبیلش بایستد و عکسی بیادگار تلاش یك کارگر موفق عصر از او بگیریم.

دو دختر شانزده و چهارده ساله دارد که دختر بزرگش را تازه به خانه بخت فرستاده است. او برای درآمد بیشتر، ساعات بیکاری را به کارهای دیگری می‌پردازد و متأسف است از اینکه از ابتدا حرفه‌ای نیاموخته تا در سنین سالمندی خیالش از بابت آینده راحت باشد. توصیه‌اش به جوانها این است که بدنبال آموختن حرفه‌یی بروند تا بتوانند در روزگاری که مملکتمان به سوی صنعتی شدن گام برمیدارد، از زندگی مرفهی برخوردار شوند.

## ● متأسفانه پس‌انداز ندارم

آقای علی قنادی سرگرم لیسه کردن(نازك کردن) چرم است که ما به مغازه‌اش وارد می‌شویم. او در پاسخ پرسش‌های ما میگوید: «سی و یك سال است که دراین مغازه به تعمیر و دوختن کفش مشغول هستم. در ماه بطور تقریبی هزار و هشتصد تومان درآمد دارم. خانه‌ای را سالها قبل به سی‌هزار تومان رهن کرده‌ام، ولی متأسفانه صاحب خانه الان می‌گوید بیا پولت را بگیر و خانه را تحویل بده و این برای من مقدور نیست، چرا که اصلاً خانه پیدا نمی‌شود و اگر هم پیدا شود، اجاره‌اش خیلی گران است.

دو پسر و دودختر دارم. پسر بزرگم در حال حاضر به خدمت مقدس وظیفه مشغول است و دیگری درس می‌خواند. یکی از دخترهایم شوهر کرده و آن دیگری در دبیرستان تحصیل می‌کند.»

از آقای علی قنادی می‌پرسم که با درآمد ماهیانه‌اش چگونه دخل و خرج می‌کند و آیا برای روز مبادا پس‌اندازی دارد؟..... جواب میدهد: «متأسفانه پس‌انداز ندارم، یعنی از ابتدای زندگی کار کرده‌ام و هر چه در آورده‌ام خرج زن و فرزندانم کرده‌ام. و میدانم که داشتن پس‌انداز از واجبات است، ولی متأسفانه پس‌اندازی ندارم.....»

## ● سرپرست مادر و خواهر و برادر

یکی دو خیابان را طی می‌کنیم و به یك ارایشگاه مردانه وارد می‌شویم. آقای حسن یزدان لطیف که به تنهائی همه کارهای اصلاح سروصورت را بعهده دارد، به استقبالمان می‌آید، می‌گویم این مغازه متعلق به خود شماست؟.... جواب میدهد: «بله، بیست و پنج سال است که این مغازه را در اختیار دارم. آرایشگاهم درجه سه شناخته شده، این است که درآمدم از مغازه زیاد نیست، ولی با برادرم در کارهای ساختمانی شریك هستیم.»

از آقای حسن یزدان لطیف درباره اقتصاد خانواده می‌پرسم، میگوید: «من پنجاه و هفت

بقیه درصفحه ۸۹

# صفحه خودمون

زیرنظر: شاهرخ تویسرکانی

# بزن به تخته!

شاید نشنیده‌اید که گاه اوقات قدیمی‌ها وقتی از چیزی تعریف می‌کنند، فورا این جمله را بر لب می‌اورند که «بزن بتخته» چرا که معتقدند در حین تعریف‌از فرد مورد نظر، احیانا خطری متوجه او نشود. حالا از چه‌زمان و با چه روایتی این گفته قدیمی در زبان پدران و اجداد ما قرار گرفته، معلوم نیست، اما جالب اینکه اروپائیان نیز به چنین چیزی اعتقاد دارند و با همین طرز فکر، یعنی برای پیشگیری از هر گونه خطر غیر قابل انتظاری، دست به چوب و تخته میزنند. اتفاقا آنها هم علت واقعی این اعتقاد و در حقیقت سرمنشاء این اعتقاد را نمی‌دانند اما اخیراً یکی از مجلات انگلیسی بنابر تحقیقات یك جامعه‌شناس دانشگاه کمبریج لندن، ادعا کرده است که این رسم بزمان قبل از میلاد مسیح برمیگردد و آن زمان هم این اعتقاد را داشته‌اند. ولی آنها هم نظیر ما واروپائیان زیاد هم بی‌دلیل برای رفع خطر به چوب و به اصطلاح امروزی به تخته نمی‌زدند، بلکه وقتی با دشمنی بنام رعد و برق روبرو می‌شدند، برای در امان نگهداشتن جان خود از خطر برق گرفتگی، به چوب و در حقیقت به درختها پناه میبردند و تقریباً از همان زمان و بهمین دلیل بوده است که این ضرب‌المثل و این اعتقاد بین‌المللی بین عموم ملل جهان رسم شده است.

فتح‌اله اسفندیاری. د- کارگر بروجردی

● کسانی که: به سلامتی و میمنت از خانه والدین خود جدا میشوند و زندگی نوینی را اغاز مکنند، دیگر به یاد پدر و مادر خود و زحمات انها نیستند!

● کسانی که: در هر میهمانی زودتر از سایر مدعوین سر و کله‌شان پیدا میشود و بیشتر از همه به میزبان ضرر میرسانند. ولی خود هرگز اهل میهمانی دادن نیستند!

● کسانی که: اگر انگشتان خود را مملو از عسل کنند و در دهانشان بگذارید، انها را گاز خواهند گرفت.

محمود حسینی. کارگر شرکت دخانیات

خشایارشاه با دو میلیون سرباز و پانصد هزار افراد نیروی دریائی، بسمت یونان حرکت کرد.

[illegible] در یونان به کوه بزرگی [illegible] اتوس رسیدند که جلوی کشتی‌های جنگی [illegible] را سد کرده بود. خشایارشاه [illegible] به کوه «اتوس» نوشت و به آن فرمان داد تا راه را برای عبور سپاهیان ایران هموار سازد، ولی کوه اتوس، حتی یك وجب عقب [illegible]

برای عبور سربازان ایران از دریا، خشایارشاه فرمان داد تا پلی از قایق در دریای «هلس پوند» بسازند، ولی دریا توفانی شد و پل طعمه امواج خروشان گردید.

در اینوقت خشایارشاه به خشم امد و فرمان داد تا در ازای این گستاخی، به دریا شلاق زدند، ولی آب از آب تکان نخورد!

باقر یار احمد- کارگر چاپخانه

چندی پیش یکنفر انگلیسی بنام «هاری گولدن» موفق باختراع اشك مصنوعی شد. مایعی که «هاری» بعنوان اشك مصنوعی به مردم میفروشد، با اشك طبیعی هیچ فرقی ندارد، همانطور شور و گرم است و میتواند مانند اشك حقیقی رو گونه‌ها بغلتد.

«هاری» خودش میگوید: خیلی‌ها هستند که اصلا نمی‌توانند گریه کنند مثلا وقتی یکی از اقوام یا نزدیکانشان میمیرد، مجبورند سیاه بپوشند و عزاداری کنند، اما وقتی عزاداری با گریه همراه نباشد، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و صاحب عزا میگوید: که طرف دارد حقه بازی می‌کند، اشك اختراعی من داروی درد این گونه آدمها است، میتوانند آنرا روی چشم بریزند و عزاداری کنند و یا با این گریه‌های مصنوعی، خودشان را برای شوهرشان لوس کنند.»

فرستنده: اردشیر اسدی، کارگر سازمان آب تهران

# در حاشیه زندگی

● برای مردها زندگی کردن بدون زن غیر ممکن و زیستن با آنها محال است.

● جهانگیرخان که سر گرم مطالعه مجله بود، قهقهه خنده را سر داد و خطاب به زنش گفت:

عجب کار خوبی! ببین چه نوشته «در میان بعضی از قبایل بومی امریکا مادر زن از موقع ازدواج دخترش، به بعد، حق ندارد با داماد خود حرف بزند و یا باو نگاه کند» چه خوب بود در ایران هم این رسم جاری میشد!

● تنها موردی که یك زن ممکن است از زیبائی زن دیگری تعریف کند، وقتی است که با او «خواهر دو قلو» باشد.

● بزرگترین بد بختی مرد این است که طی قرون از هر بلائی که بسر او امده، تجربه بدست آورده، ولی هرگز از بلای ازدواج تجربه‌ای نیاموخته است.

● چند تن دختر دور هم جمع بودند و بر حسب عادت چانه‌هایشان گرم شده بود و لاینقطع پرگوئی میکردند، ولی در میان انها یکی خاموش و کم حرف بود...

وقتی از او پرسیدند:

چرا حرف نمیزنی؟

طفلك با سادگی گفت:

اخر من قسم خورده‌ام فقط راست بگویم.

محمد نیازی کارگر نجار اصفهان

# از خدا خواسته

دبیر تاریخ شاگردی را صدا کرد و از او پرسید:

نام پادشاهی که تاریخ به او لقب عادل داده، چیست؟

شاگرد مات و متحیر ایستاد.

معلم گفت:

- برای روشن شدن شما اطلاعاتی هم بشما میدهم، در زمان این پادشاه بود که پیغمبر اسلام بدنیا امد.

باز هم شاگرد جوابی نداد.

معلم اضافه کرد:

- با مزدکیان جنگ کرد و عده کثیری را شکست داد.

نمیدانید؟...

نام پدرش هم قباد بود.

باز هم شاگرد بدون جواب ایستاده در اینموقع معلم با عصبانیت گفت:

انوشیروان.

شاگرد بمحض شنیدن این اسم رفت و سر جایش نشست.

معلم گفت:

- چرا رفتی نشستی؟

شاگرد جواب داد:

- اخر شما «انوشیروان» را صدا کردید که درس جواب بدهد.

جمشید تهرانی- کارگر مکانیك

## سخنان بزرگان در باره «کار»

● تن را بکار و کوشش وادارید و هرگز به سستی و ضعف مگرائید. بخویشتن نشاط و انبساط دهید و همچون روح سبکبال و تیز پرواز شوید.

«علی علیه‌السلام»

● کار کنید و راستی و صمیمیت را راهنمای خود قرار دهید که کارو راستی و صمیمیت زندگی را شیرین و فرح‌انگیز میکند.

«امرسن»

● تنبلی هر کاری را سخت میسازد و کارهر مشکلی را آسان می‌کند.

«فرانکلین»

● زندگی بدون کار مردن پیش‌از وقت است

«گوته»

● من باید خود را در کار فراموش کنم، وگرنه کمرم زیر بار یاس و ناامیدی درهم خواهد شکست.

«جانسون»

● کار و کوشش نه تنها زندگی را برای ما خوب و آسان میکند، بلکه مرد را زنده و بزرگ مینماسد.

«شیلر»

● کار دل را تسلی میدهد و جیب را پرپول می‌کند.

«فرانکلین»

● کار برای جسم و جان بهترین دوست است.

«گالیله»

● کار روز را کوتاه و عمر را دراز میکند.

«دیدرو»

● با کار فرسودن بهتر از باقی‌ماندن و زنگار گرفتن است.

««مونتسکیو»

● کاری که تنها نفع شخصی در آن منظور نظر باشد شرافتمندانه نیست

«تولستوی»

● کار سرمایه انسانی است

«کارلایل»

● کار و کوشش انسان را از سه بلای بزرگ نجات میدهد. افسردگی - فسق - احتیاج.

«مونتسکیو»

● گرسنگی جرات ورود بخانه کارگر را ندارد.

«فرانکلین»

● آنانکه کار میکنند و کارشان دور از خودنمائی است براستی سعادتمندند.

«بودا»

گردآورنده: رحمت‌الله - م کارگر کارخانه شهناز اصفهان

# غروب دریا

بهار با همه عظمت و شکوهش فرا میرسد. هر روز وقتی که خورشید آهنگ غروب میکند و هیاهوی گردش زمین، جای خود را به آرامش و سکوتی عمیق میسپارد و تاریکی شب بر همه جا حکمفرما میشود، زمانیکه دختران صحرا با لباسهای رنگارنگ خود در راه باریکه‌های جنگل از میان مناظر دلنشین طبیعت چون کبک‌های خرامان گام برداشته، بطرف کلبه‌های خود میروند، وقتی که ماه چون کشتی سرگردان در دریای بیکران آسمان درخشیدن آغاز میکند، هنگامیکه نوای مرغان شب، با آواز ملایم و دلپذیر قایقرانان ماهیگیر دست بهم داده و سکوت شب را به هم میزند، وقتی که نسیم سر مست کننده شبانگاه با وزیدن خود داستانهائی از عشق‌های گذشته باز گو می‌کند، آنوقت من نیز به کلبه خود رفته و مشغول نوشتن آن ماجرا میشوم. نوشتن چند سطری که جزئیات آن بر اساس صحت و واقعیت پایه گذاری شده است، ولی نمی‌دانم چرا اکنونکه میخواهم این چند کلمه را بنویسم، دستم میلرزد. شاید اصولاً خاطرات تلخ و وقایع ناگوار این خاصیت را داشته باشند. آنچه مسلم است این است که هر ماجرائی که در زندگی بناکامی بگراید، دوست و دشمن، آشنا و بیگانه خردو کلان را تحت تاثیر قرار میدهد، مخصوصاً این اثر در روحهای حساس و روحهائیکه بیشتر با غم و اندوه آشنائی داشته‌اند، شدیدتر و عمیق‌تر است، تا جائیکه قدرت تفکر و حتی تکلم را از انسان سلب میکند، ولی من با وجود این قلم را روی کاغذ میبرم. قلم، این افسونگر هرجائی و وحشی را، این تسکین دهنده و روشنائی بخش زوایای تاریك را، این عقده گشای جادوگر را، و بالاخره این اعجوبه‌ایکه منعکس کننده تاریخ بشریت است و با بحرکت در آوردن آن، حتی گذشته‌های خیلی دور را جلوی چشمهای ما بحرکت در می‌آورد و خاطرات آنرا بر صفحه دلها روشن و زنده میسازد. بهار آمد و در خیابان با دامن‌های پر از شکوفه در صحن چمن قد برافراشتند و با وزیدن نسیم روح‌افزای بهاری، بطنازی مشغولند. بهار آمد و دختران گل، در کوهساران با گامهای بی صدای خود قندیل‌های یخ را در هم شکسته و با جلوه‌گری جایگزین آن‌ها شده‌اند. بهار آمد و طبیعت زندگی را از سر گرفت و بالاخره موکب با شکوه این فصل طرب‌انگیز از شهر ما نیز عبور کرد و همه جا را غرق در سرور و شادی نمود.

با فرا رسیدن بهار، ورق جدیدی در دفتر زندگی جوان بوجود آمد این ورق جدید دختری بود که شاید در آینده‌ای نه چندان دور، شریك زندگی او میگردید.

یکروز غروب که روی شنهای ساحل دریا مشغول قدم زدن بودند، ناگهان جوان بطرف دختر برگشت و شانه‌های او را در دست گرفت و گفت: «بمن ... بگو به چه فکر میکنی؟ چرا سایه اندوه بر جسم و روح تو سنگینی میکند و در وهم و دلهره گام بر میداری؟... جواب بده من دوست تو هستم...» و دختر با صدای معصومانه‌ایکه بیشتر به نجوای پرندگان سبکبال بهاری شبیه بود، گفت: «آیا تا بحال از خود پرسیده‌ای که زندگی یعنی چه و چرا پا به این دنیای پر آشوب و اجتماعات سرشار از حیله و نیرنگ گذاشته‌ایم؟» در این موقع نگاه افسون کننده دختر با جوان بهم آمیخت و گفت: «اجتماع، در دل خود بعضی از افراد را کثیف و جنایتکار و دروغگو میپروراند و بالاخره آنها را بیرحمانه میکشد و یا غلام حلقه بگوش هوسهای تب آلود و گاه بی پایان میکند و طومار زندگی آنها را در هم می‌نوردد و نابود میکند و بر عکس به عده‌ای هم سعادت ابدی و جاودانی میبخشد، ولی در هر دو حال، انسانرا برده اوهام و تخیلات پیچ در پیچ و سر درگم مینماید.»

در این وقت دختر نگاهش را بطرف دریا دوخت گفت: «چه بسیار افرادی بودند که دوست داشتند، و آرزوشان این بود که دوستشان بدارند، ولی چون خود را در ردیف وازده‌ها و سرخورده‌های اجتماعشان حس میکردند، وجودشانرا زنده زنده درون این امواج سرکش مدفون ساختند و حالا هر روز عصر که خورشید غروب میکند، دریا خونین است در آن دور دستها آنجائیکه امواج بر پای افق بوسه میزنند، ابرها چون آتش گداخته و مانند فلزی مذاب صحنه افق را رنگین میکند و خورشید با همه شکوه و جلال بی پایانش در میان دریائی از خون فرو میرود.»

دختر وقتی این جملات را به زبان میراند، رخسارش جلوه ملکوتی بخود میگرفت. گاه گره‌ای بر ابرو می‌انداخت و زمانی تبسمی دلنشین بر لبانش نقش میبست... کم کم سیاهی شب لشگر روشنی روز را شکست میداد و هوا رو به تاریکی میرفت. قایقهای ماهیگیران بطرف ساحل در حرکت بودند. نسیم ملایمی صورت انسانرا نوازش میداد و قوهای وحشی که دسته جمعی بطرف لانه‌های خود در پرواز بودند، آنها را مشایعت میکردند. امواج نجوا کنان بسنگ‌های ساحل میخوردند و بطرف دریا بر میگشتند. در این وقت دختر و جوان نیز از یکدیگر جدا شدند. فردای آنروز نامه‌ای بدین مضمون از دختر به جوان رسید

«دیشب موقعی که از تو جدا شدم، حس میکردم که ورق تازه‌ای در دفتر زندگیم باز میشود. با خود گفتم چرا سرنوشت ما را در تاریکی رها میکند تا کورکورانه در ظلمت دست و پا بزنیم و با ناکامی دوست بداریم و آخر هم بدون نتیجه و ثمری، این عالم پر غوغا را ترك کنیم؟... البته درست استکه من آدم سست اراده‌ای نیستم ولی باید اعتراف کنم که هر روز صدها آرزویم را در اعماق این دریای پر فسون میبینم و میبینم که در امواج آن تمنائی موج میزند و این تمنا با سرنوشت من بستگی مستقیم دارد بدین جهت تصمیم خود را گرفتم و ناچارم بوسیله این نامه با تو خدا حافظی کنم.... خواهان سعادت تو- سیما»

عصر همان روز روزنامه‌ها نوشتند «باز دریا دختر جوانی را بقربانی گرفت» و حالا هر روز که خورشید غروب میکند، غروب دریا خونین است و ابرها چون آتش گداخته و فلزی مذاب صحنه افق را رنگین میکند و خورشید با همه شکوه و جلال بی پایانش در میان دریائی از خون فرو میرود

اصفهان مهدی ابوالفضلی ( تکنیسین متالوژی)

# [illegible]

او کارگر کارخانه ایران ناسیونال است و سی‌وشش بهار را پشت سرگذاشته است.

محمود ابری مقدم، ۲۰ سال پیش با دستمزدی معادل صدوهفتاد تومان درماه کار خود را شروع کرده و اینك ماهانه دوهزارو دویست تومان حقوق می‌گیرد. به گفته خودش ساعاتی نیز اضافه کاری می‌کند تا از این راه بر درآمد خانواده‌اش بیافزاید.

ازدواج کرده و پسری یازده‌ماهه دارد. بسیاری از شورو نشاط او وهمسرش از وجود این کوچولو است.

خانه‌ای آفتاب گیر و چهاراتاقه دارد که از خانه‌های سازمانی است و کارخانه در اختیارش گذاشته است. طیبه خانم، همسر ابری، پسریازده ماهه‌اش را در اغوش دارد که ما میهمانشان می‌شویم. پس از سلام واحوالپرسی، دقایقی بعد گفتگوی خود را با این کارگر و همسرش آغاز می‌کنیم.

## عشق و ازدواج

پدر و مادر آنچنان به فرزند خود توجه نشان میدهند که بخوبی شدت عشق و علاقه آنها را نسبت به فرزندشان و نسبت بیکدیگر میرساند. پدر وقتی با ما حرف میزند، لحظه‌ای چشم از فرزندش بر نمیگیرد و مادر نیز در حالیکه احمدرضای کوچولو را در آغوش دارد، با نگاههائی سرشار از محبت چهره عشقش را مینگرد و بخوبی پیداست که این کوچولوی سیه چشم، با آن مژه‌های فوق‌العاده بلند و لبخند شیرینش، زندگی این پدر و مادر جوان را [illegible] از شور و نشاط کرده است.

از آقای ابری [illegible] سه سال است ازدواج کرده [illegible] شده و [illegible] یافته است [illegible] [illegible] زندگی [illegible] [illegible] [illegible] می‌گردد، [illegible] [illegible] خیاطخانه [illegible] [illegible] [illegible] برای [illegible]

در همان جلسه اول یکدیگر را پسندیدیم و قرار ازدواج گذاشتیم، ولی اتفاق ناگواری برای یکی از بستگان من روی داد که ناچار چهار، پنج ماه ازدواجمان به تعویق افتاد. و ماهم این چهار پنج ماه را به حساب دوران نامزدی گذاشتیم و بعداز این مدت بدون سروصدا عقد کردیم و زندگی مشترکمان آغاز شد

من به بچه خیلی علاقه دارم، ولی چهارسال بچه‌دار نمی‌شدیم. بعداز مراجعه به پزشکان متعدد، خداخواست که بالاخره ماهم صاحب اولاد شدیم. احمد رضا در ابتدای تولدش یك کیلو و هشتصد گرم وزن داشت و در اثر ضعف قوای جسمانی بیمار شد.... مدتی در بیمارستان بستری بود و در این مدت بر ما خیلی سخت گذشت ، ولی از آنجا که بازهم لطف خدا شامل حال مابود، نجات یافت. من و همسرم واقعاً به این پسر علاقه داریم. حتی بعداز بدنیا آمدنش با آنکه طیبه پول خیلی خوبی از خیاطخانه‌اش در میآورد، دیگر کار نکرد و تمام وقتش را صرف بچه می‌کند.»

## ساعتی درکنار خانواده یك کارگر

پرسیدم که باز هم خیال بچه‌دارشدن دارند یا نه؟...

طیبه خانم گفت: بله دلم میخواهد دوبچه دیگر هم داشته باشم.

من و شوهرم واقعاً بچه دوست هستیم. بچه‌های ما بچه‌های «خواسته» هستند، نه «ناخواسته» که به امید خدا رهایشان کنیم.»

به دستهای ظریف و پنجه‌های کشیده احمد رضا نگاه میکنم و یك انگشتری کوچك با نگینی که بعنوان نظر قربانی بکار میرود، توجهم را جلب می‌کند و بلافاصله طیبه خانم می‌گوید: این انگشتر را مادر بزرگ پدری احمد رضا دستش کرده است.»

### مراحل کاری

سئوال دیگرم را درباره مراحل کاری مطرح می‌کنم، آقای ابری مقدم میگوید: «بیست سال است که کار میکنم. تقریبا همیشه انباردار بوده‌ام.»

می‌گویم آیا دلیل خاصی دارد که به شغل انبارداری تا این حد وفا داری؟ میگوید: انبارداری از جهت شناسائی جنس شغل مهمی است. سال قبل در کلاس‌هائی که از طرف وزارت کار بنام «حرفه و فن» ترتیب داده شده بود، شرکت کردم و قبول شدم و توانستم صاحب روپوش سرپرستی شوم. الان هم ماهانه پنجاه تومان بابت حق سرپرستی میگیرم.»

### خرید خانه

از طیبه خانم می‌پرسم که آیا خرید خانه را خودش انجام میدهد؟ میگوید: «مادر اینجا شرکت تعاونی داریم. مایحتاج خود را از آنجا تهیه می‌کنیم. البته این کار به عهده شوهرم است. او ماهانه سیصدتومان بابت پول میوه به من میدهدکه من از این پول مقداری هم پس‌انداز می‌کنم.»

شوهرش می‌خندد و به شوخی میگوید: «پس بگو چرا ماهیچوقت میوه. خوب نمی‌خوریم» همسرش که گوئی این شوخی را جدی تلقی کرده ، می‌گوید: بجان احمدرضا نه خودت میدانی، من زن صرفه‌جوئی هستم، ولی خسیس نیستم. تازه اگر پس‌انداز هم داشته باشم، مال تو و پسرت است.»

از آقای ابری مقدم می‌پرسم که با چه شرائطی این آپارتمان را در اختیارش گذاشته‌اند می‌گوید:

«واگذار کردن این خانه‌ها سابقه خدمت منظور می‌شود. یعنی هر کارگری باید لااقل چهارسال سابقه کار در کارخانه داشته باشد، تا بتواند از آپارتمان استفاده کند.»

### محاسن و معایب

از طیبه خانم می‌پرسم که شوهر شما چه محاسن و معایبی دارد؟.... می‌گوید:

«من واقعاً از اخلاقش راضی هستم. اگر فامیلهایم هرروز هم به خانه ما بیایند، خم به ابرو نمی‌آورد. حتی چند سال برادرم پیش ما زندگی می‌کرد و شوهرم چنان رفتاری با او داشت که زبانزد همه بود. دیگر اینکه اصلاً به کارهای خانه دخالت نمی‌کند ، ایراد نمی‌گیرد. خلاصه مرد بسیار لایقی است.»

وآقای محمود ابری مقدم نیز درباره همسرش میگوید:

«ازمن تعریف کردی که من هم همین کار را بکنم، ولی خودت میدونی که من اهل رشوه گرفتن نیستم!»

و بعد باخنده می‌گوید:

– ببخشیدخانم، شوخی کردم، ولی از حق نگذریم طیبه واقعاً کدبانوی نمونه‌ایست. بی‌نهایت تمیز است و دست پختی دارد که آدم انگشتهایش را میخواهد با آن بخورد.

### تفریحات خانواده

حرفهایمان گل میندازد و به تفریحات خانواده کشانده میشود. طیبه خانم می‌گوید: «شوهرم وقتی به خانه میآید، به تمام کارهای مربوط به بچه رسیدگی می‌کند. همانطور که گفتم، واقعاً بچه دوست است و چون پدر و مادر و فامیلهایمان دررشت زندگی می‌کنند، ماهم سالی چند بار به آنجا سفر می‌کنیم ودرکنار قوم و خویش‌ها روزهای خوشی را میگذرانیم. علاوه براین، چندتن از آشناهای ما هم درتهران زندگی می‌کنند که در نتیجه ماهی یکی دوبار دور هم جمع می‌شویم... اگر وقت اضافی داشته باشیم، یعنی پس از رسیدگی به امور خانه، برای بچه و خودم لباس میدوزم.

مثلا تمام سیسمونی بچه را خودم دوختم، به زیبائی اتاق‌ها هم خیلی اهمیت میدهم. گهگاه از پارچه‌های ارزان قیمت پرده میدوزم و باین وسیله تنوعی در ظاهر اتاقها ایجاد می‌کنم.»

آقای ابری مقدم نیز درباره تفریحات خودش می‌گوید که از دوستداران ورزش باستانی است ودر سالن ورزش این شهرك اغلب به ورزش باستانی می‌پردازد.

### آرزوها..؟

واخرین حرفهایمان درباره آرزوهای آنهاست، میگویند: آرزو داریم که برای فرزندمان پدر و مادر نمونه‌ای باشیم و با کار و فعالیت پی‌گیرزیربنای یك آینده درخشان را برایش پی‌ریزی کنیم.....

## برای پنج مجتمع تولید فولاد به ۴۰۰۰۰ مهندس، تکنیسین کارگر ماهر وساده نیاز داریم

بقیه از صفحه ۲۷

### نگاهی کوتاه

● در پنج نقطه ایران پنج مجتمع تولید فولاد دائر میشود.

● اولین مجتمع در ۷ کیلومتری جنوب شرقی اهواز بظرفیت ۲٫۵ تا ۳ میلیون تن آهن اسفنجی میباشد که در آذرماه امسال نخستین واحد ۳۳۰ هزار تنی آن مورد بهره‌برداری قرار میگیرد.

● دومین مجتمع در ۳۰ کیلومتری غرب شهر بندرعباس قرار دارد که کارهای ساختمانی و سفارش ماشین‌الات آن از اوائل سال اینده (۲۵۳۶) شروع میشود و ظرفیت آن سه میلیون تن فولاد ورق خواهد بود.

● مجتمع بعدی، در حوالی مبارکه، واقع در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان با ظرفیتی برابر ۱٫۳ میلیون تن احداث میشود. کارهای ساختمانی و سفارش ماشین‌الات این مجتمع نیز از اوائل سال اینده شروع میشود

● مجتمع بعدی نیز با ظرفیتی حدود ۲٫۵ تا ۳ میلیون تن در نزدیکی بوشهر کنگان ساخته میشود

● مجتمع دیگر در خراسان دائر میشود که ظرفیت آن حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن خواهد بود

علاوه بر اینها. قراردادی با کشور فرانسه امضاء شده که بر اساس آن یك واحد جهت تولید فولاد مخصوص با ظرفیتی معادل ۱۴۰ هزار تن احداث خواهد شد

خواهیم داشت واگر این محاسبه را بارشد ۲۰٪ انجام دهیم به رقم ۱۲میلیون تن درسال خواهیم رسید. حال شاید سئوال کنید که کدام رقم رشد، (۲۰٪ یا ۲۵٪) واقعی است؟ برای روشن شدن مطلب برمیگردیم به سال ۱۲۴۱ که مصرف فولاد کشور ۳۵۰ هزار تن درسال بود وهمانطور که قبلا گفتم این رقم به دو میلیون تن در سال ۱۳۵۲ (۲۵۳۲) افزایش یافت. یعنی بارشد ۱۹٪ درسال. با توجه به این سیر ترقی میتوانیم پیش بینی کنیم که در پایان برنامه ششم سال ۲۵۴۲ مصرف داخلی ما حداقل ۱۲ میلیون تن خواهد بود. روش دیگر محاسبه فولاد مصرفی براساس درآمد سرانه است. کشورهائی که امروز درآمد سرانه‌ای حدود ٤هزار دلار دارند، مصرف فولاد سرانه‌شان معادل ۳۵۰ تا ٤۰۰ کیلوگرم است. اگر ما در آخر برنامه ششم درآمد سرانه‌مان به ٤هزار دلار برسد وجمعیت کشورمان هم حدود ٤۰میلیون نفر باشد ومصرف سرانه فولاد را ۳۰۰ کیلوگرم محاسبه کنیم، بازهم به همان رقم حداقل ۱۲ میلیون تن وحداکثر ۱٦ میلیون تن خواهیم رسید. دراین مورد باید توجه داشته باشیم که شرکت ملی ذوب‌آهن آریامهر نیز در نظر دارد ظرفیت فعلی خود را احتمالاً تا شش میلیون تن افزایش دهد وشرکت ملی صنایع فولاد ایران هم امکان تولید ۱۱ تا دوازده میلیون تن فولاد درسال را بوجود خواهد آورد. بنابراین درپایان برنامه ششم عمرانی کشور، میتوان اطمینان داشت که همانطور که رهبر بزرگ مملکت در اسفندماه (۱۳۵۱) ۲۵۳۱ شاهنشاهی فرمودند، میزان تولید فولاد از مرز ۱۵میلیون تن فراتر خواهد رفت.

### همکاران شرکت

– بهرصورت بهرصورت در اجرای این طرحهای واقعاً بزرگ که چهره مملکت را دگرگون خواهد کرد، شرکت ملی صنایع فولاد ایران به تنهائی اقدام کرده یا از کشورهای دیگر نیز همکارانی را به کار دعوت کرده است؟

### دکتر امین:

– دراین زمینه لازم به توضیح است که ما همکارانی از خارج برای خود انتخاب کرده‌ایم. البته دراین زمینه وابسته به یك کشور خاص نیستیم، چراگاه به علل زیادی یك کشور هرچند پیشرفته وصنعتی در شرایط کنونی قدرت اجرای این طرحها را دریك زمان برای ما نخواهد داشت. بهمین جهت طرح مجتمع اهواز را با همکاری فرانسه- امریکا- مکزیك- والمان اجرا میکنیم وطرح کنگان بوشهر را یك کنسرسیوم بزرگ المانی متشکل از شرکت‌های کروپ، کنوکنر، مانسمان، سلزگیتر وکرف عهده‌دار هستند. در طرح مجتمع بندرعباس نیز گروه ایتالیائی فینسیدر که ۸۰ درصد فولاد ایتالیا را تولید می‌کند با ایران همکاری دارد. در اصفهان شرکت بریتیش استیل که تولید کننده ۸۵ تا ۹۰ درصد فولاد انگلستان است با ایران قرار داد دارد وخلاصه کوشش کرده‌ایم که در احداث مجتمع‌های صنعتی فولاد سازی از پیشروان این قسمت در ممالك پیشرفته یاری بگیریم.

### صادرات فولاد

– اقای دکتر امین در زمینه صادرات فولاد هم پیش‌بینی‌هائی شده یا نه؟ واصولا اضافه تولید به ان حد که بتوانیم مقداری از آنرا صادر کنیم خواهیم داشت یانه؟

### دکتر امین:

– البته، در قراردادهای ممقده دراین زمینه پیش‌بینی‌هائی کرده‌ایم واین امید هست که از مجتمع‌های کنگان وبندرعباس حدود ۳/۵ میلیون تن فولاد به خارج صادر کنیم.

● دراینجا گفت وگوی ما با آقای دکتر مهندس محمد رضا امین مدیرعامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران به پایان رسید، درحالیکه دراین صحبتها، ایمان واعتقاد این چهره مشخص صنایع ایران به جوان ایرانی اعم از کارگر، تکنیسین ویا مهندس بواقع حد وحصری نداشت وبا اعتماد به همین مسئله است که چنین مسئولیت خطیر وبزرگی را بعهده گرفته وبا اغوش باز از همه جوانان مملکت دعوت به همکاری میکند.

از سوی دیگر او در صحبتهایش چنان چهره‌ای از آینده درخشان وتابناك مملکت برای ما تصویر کرد که حس می‌کنیم گامی بیش با دوران تمدن بزرگ فاصله نداریم وبا ایمان واعتمادی که در چشمها وتمام وجودش موج میزند، میتوان از هم اکنون تحقق این برنامه‌های عظیم را لمس کرد. بامید آنروز.

# ماشین‌های افزار به چه وسایلی باید مجهز

ماشینهای افزار ار سه قسمت شروع تشکیل شده‌اند
۱- ماشین مته- ۲- ماشین توتراش- ۳- ماشین تراش بی‌تردید برای کارگرانیکه با این ماشینها کار میکنند، اشنائی با چگونگی این دستگاهها و چگونگی کار انها ضروریست، تا با اگاهی بیشتر بکار خود ادامه دهند و از خطرهای احتمالی که بر اثر بی‌اطلاعی حاصل میشود، درامان بمانند

رستاخیز کارگران دراین شماره شما را با این دستگاهها آشنا می‌کند و مقررات آنرا برای کارگران عزیز یاداور میشود.

الف- ماشین مته، ابزاریست که روی محور گردنده آن ابزارهای برنده یا نوك تیز یا شیاردار سوار شده است که برای سوراح کردن فلز یا چوب یا مواد دیگر بکار میرود.

همچنین میتوان با استفاده از ابزارهای مخصوص عمل کام دراری- فرزکاری- توتراشو- جاخالی کردن (عقب نشینی در داخل سوراح) و قلاویز زدن را انجام داد.

ب- ماشین توتراش، ماشین ابزاریست که روی محور حامل ابزار تراش تیغه توتراش نصب میشود و برای گشاد کردن سوراخ در فلز یا تمام کردن تراش سطح داخل ان بکار میرود. همچنین ممکن است دارای محورهای گردنده حامل ابزار مخصوص سوراخ‌گیری درچوب و مواد نرم دیگر باشد.

ج- ماشین تراش ماشینی است مخصوص تراشیدن سطوح استوانه‌ای یا درآوردن پیچ که دارای محور افقی یا قائم دوار میباشد (محور ۳ نظام یا ٤ نظام) و قطعه کار فلزی یا چوبی روی ان بسته شده و با ان میگردد. درضمن میتوان با نصب ابزارهای مخصوص از این دستگاه برای توتراشو، سوراخ‌گیری، حدیده کردن، اج دادن و پیچ تراشو استفاده کرد.

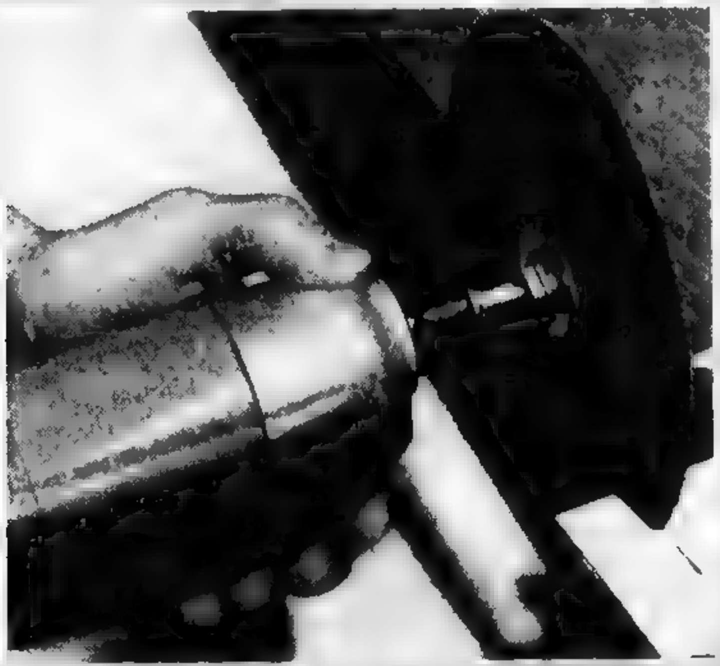

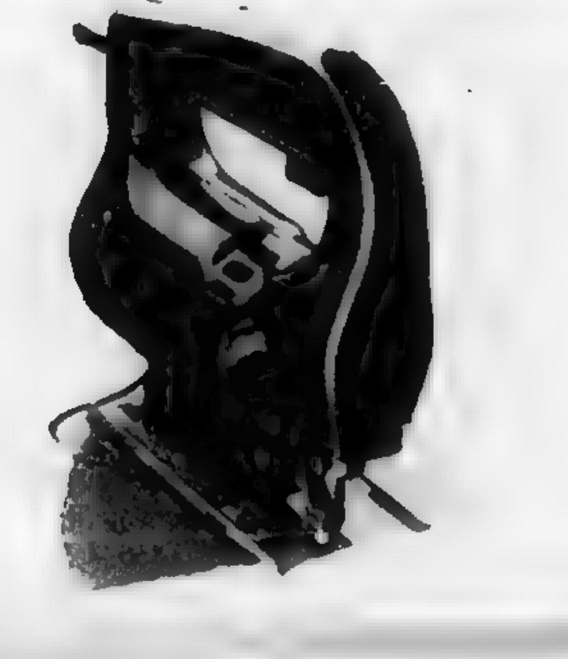

ماده ۱- چرخ دنده‌ها- محورهای حامل ابزارتراش پوسته‌های میل گاردان و محور ماشین مته و ماشین توتراش باید دارای حفاظ باشد.

ماده ۲- اگر در ماشینهای مته- تراش توتراش برای تغییر دادن سرعت سه نظام و سرعت پیشروی از فلکه تسمه پله‌ای استفاده شود، تسمه‌ها و فلکه‌ها باید بر طبق آئین نامه حفاظت وسائل انتقال نیرو حفاظ‌گذاری شود.

ماده ۳- اگر در ماشینهای مته- تراش- توتراش وزنه تعادلی بکار رفته باشد، باید این وزنه‌ها بطور محکم به بازوی وزنه تعادلی متصل شود و اگر وزنه تعادلی بوسیله زنجیر یا کابل معلق باشد، باید تا سطح زمین بوسیله حفاظ‌های مناسب محفوظ شود.

ماده ٤- سه نظام ماشین مخصوص مته و توتراشی چوب باید بدون زائده و برجستگی باشد.

ماده ۵- درماشینهای مته افقی تك محوره ساده که روی آن مته، قلم توتراشی، و قلاویز برای کارهای فلزتراشو یا سوراخ کردن قطعات چوب نصب میشود، باید قسمتی از آن که با قطعه کار در تماس نمیباشد، حفاظ‌گذاری شود.

ماده ٦- در ماشینهای مته قائم یا شعاعی تك محوره ساده که روی آن مته- قلم توتراشو یا قلاویز برای کارهای فلزتراشی یا سوراخ کردن چوب نصب میشود، باید ابزارهای فوق‌الذکر بطور مؤثر حفاظ‌گذاری شود.

ماده ۷- سپر محور فرمان مته‌های شعاعی باید حفاظ‌گذاری شود.

ماده ۸- برای جلوگیری از چرخش قطعه کار با مته میزکار باید دارای پیچهای محکم کننده یا گیره یا سایر وسایل مشابه برای ثابت‌نگاهداشتن قطعه کار باشد.

ماده ۹- در ماشینهای توتراشی قائم میز دوار فقی که کا... آن نصب شده باید بوسیله حفاظهائی که تا راس قطعه کار ادامه داشته و روی بدنه ثابت دستگاه نصب شده محفوظ گردد تا از خطر مجروح شدن کارگر بوسیله زوائد قطعه کار جلوگیری شود.

ماده ۱۰- پیچ قطعه همراه‌بر در ماشینهای تراش افقی باید در خزینه بوده یا طوری تعبیه شده باشد که ایجاد برجستگی و زائده ننماید.

ماده ۱۱- ماشینهای تراش افقی باید مجهز به ترمزهای خودکار باشد تا کارگر مجبور نشود دست خود را برای متوقف کردن سه نظام یا صفحه کارگیر روی آن قرار دهد.

ماده ۱۲- صفحات کارگیر افقی در ماشینهای تراش قائم باید بر طبق ماده ۹ این ائین‌نامه حفاظ‌گذاری شده باشد.

ماده ۱۳- در ماشینهای تراش رولور و ماشینهای دیگری که برای تراش میله‌های بلند بکار میرود و قسمتی از «پشت دستگاه» خارج میگردد، قسمت مزبور باید بوسیله لوله‌ای که توسط پایه‌های محکم بزمین متصل شده است، حفاظ‌گذاری گردد.

ماده ١٤- ماشینهای تراش خودکار و ماشینهای مشابه آن باید دارای صفحات حفاظتی باشد که کارگران را در مقابل پخش مایعهای خنك‌کننده و حاوی ذرات فلز محفوظ نگهدارد.

ماده ۱۵- روی قلم‌گیر متحرك یا ثابت ماشینهای خراطی فرم‌تراش- پاشنه‌تراش- کپی و سایر ماشینهای خراطی باید بوسیله حفاظ پوشیده شود.

ماده ١٦- ماشینهائی که برای خراطی قطعات طویل چوب بکار میرود و قطعه کار فقط بوسیله دو مرغك در روی آن نگهداری میشود باید در قسمت بالا و روی قطعه کار مجهز به حفاظهای نیم‌گرد متناسب با طول قطعه‌کار باشد.

ماده ۱۷- ماشینهای خراطی باید مجهز بسرپوش‌هائی باشد که بدستگاه مکنده مؤثری متصل گردد و غبار و تراشه‌های چوب را از محل تولید گرفته و بخارج از منطقه عمل ماشین هدایت کند.

# باشند؟

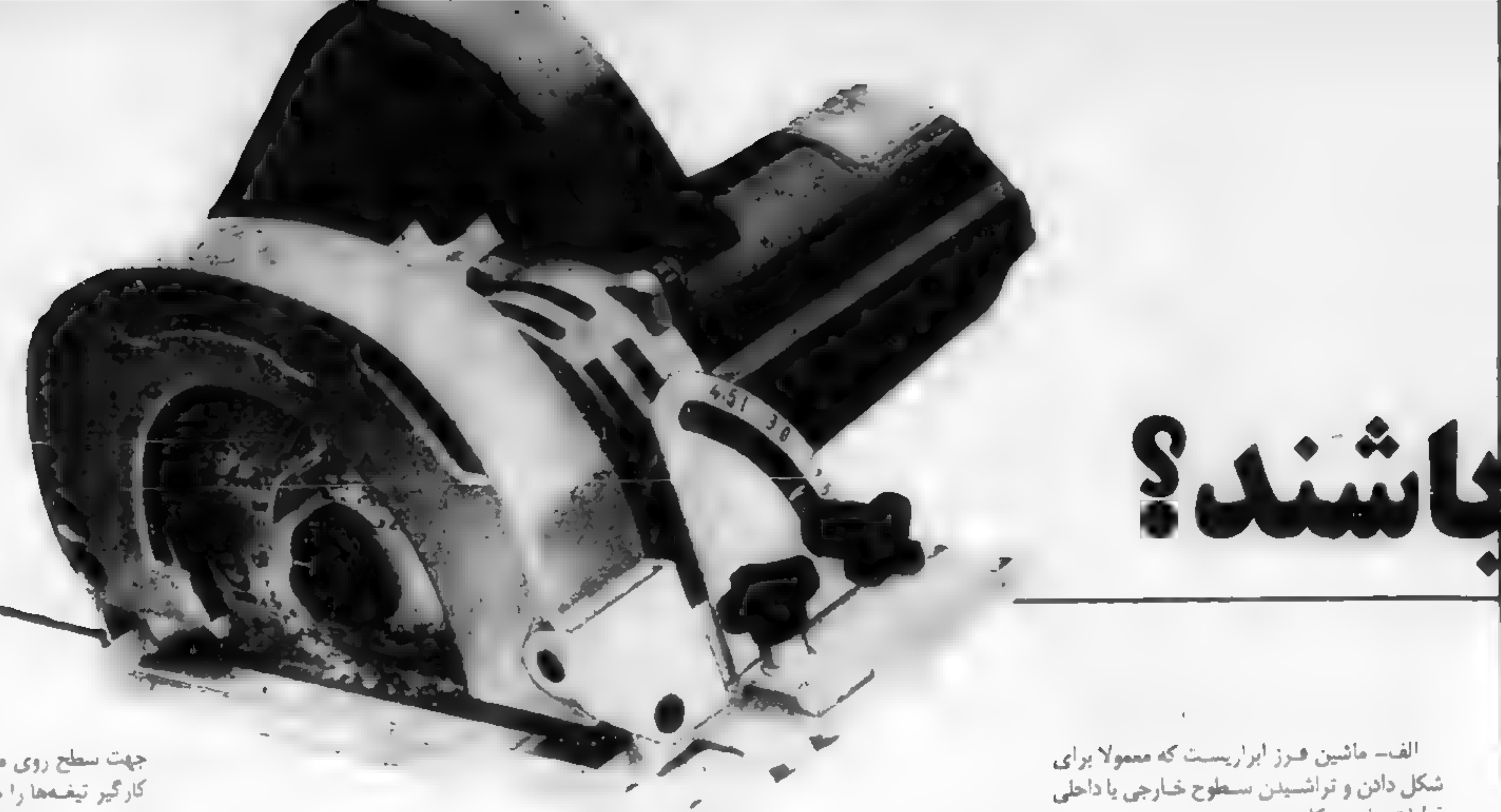


الف- ماشین فرز ابزاریست که معمولا برای شکل دادن و تراشیدن سطوح خارجی یا داخلی قطعات فلزی بکار میرود.

این قطعات روی یك میز ثابت یامیز با حرکت کشوئی یا گردان یا بین دو مرغك بسته میشود و عمل تراش بوسیله فرز دندانهداری که‌توسط یك محور گردنده افقی یا قائم بحرکت درمی یدانجام میشود. همچنین میتوان با ابزارهای مخصوص چون تراشی- سوراخ کردن- یا کمربری را روی قطعه کار انجام داد.

ب- ماشین صفحه‌تراش دروازه‌ای ماشین ابزاری است که برای صاف کردن یا شکل دادن سطوح قطعات بزرگ فلزی بکار میرود و قطعات کار روی یك میز افقی که در زیر قسمت قلم‌گیر حرکت رفت و آمد انجام میدهد، بسته میشود.

قسمت قلم‌گیر قابل تنظیم بوده و نسبت بمیز ثابت میباشد و قلم رنده به آن نصب شده که قطعه کار را فقط در یکی از جهات حرکت میز برش میدهد.

ج- ماشین رنده، ماشین ابزاریست که برای صاف کردن و شکل دادن قسمت داخلی یا خارجی قطعات فلزی بکار میرود.

قطعات کار را روی یك میز افقی قابل تنظیم محکم میکنند و قلمرنده آن سرکج یا چند لبه میباشد که روی یك قسمت کشوئی نصب شده و در جهت افقی یا قائم روی سطح قطعه کار حرکت رفت و آمد انجام میدهد و معمولاً فقط در موقع پیشروی براده‌برداری میکند.

د- ماشین کله‌زنی ماشینی است که برای رنده کردن قطعات فلزی در جهت قائم بکار میرود و طرز کار آن شبیه بماشین رنده میباشد. قلم رنده در حرکت رفت و آمد خود براده‌برداری کرده و میز کار که قطعه کار روی آن بسته میشود حرکت پیشروی و عمل تنظیم را انجام میدهد.

ماده ۱۸- میزهای گردان افقی در ماشینهای فرز و کله‌زنی باید بر طبق ماده ۹ این آئین‌نامه حفاظ‌گذاری شود.

ماده ۱۹- مکانیسم گردنده تیغه و باردادن خودکار در ماشینهای فرز چنانچه در داخل خود ماشین قرار نگرفته باشد باید حفاظ‌گذاری شود.

ماده ۲۰- تیغه‌های فرز که برای برش سطح خارجی فلزات بکار میرود و در روی بازو یا محور افقی سوار شده است باید با توجه نکات زیر حفاظ‌گذاری شود.

الف- سطح برش در تمام قسمتها (بجز قسمتی که برای فرز کاری باید باز بماند) پوشیده شده و این پوشش از دو طرف تا انتهای بازوی حامل فرز که نزدیك به یاتاقان میباشد، ادامه یابد.

ب- تیغه فرز کاملا بوسیله حفاظ پوشانده شود. این حفاظ باید خودکار بوده عملش طوری باشد که بمحض رسیدن قطعه کار به فرز حفاظ به روبه معین و بطور خودکار به اندازه‌ای باز شود که عمل فرز کاری میسر گردد

ماده ۲۱- تیغه‌های برنده فرز در ماشینهای فرز قائم باید بوسیله محفظه‌ای پوشیده شده باشد.

ماده ۲۲- فلکه‌های دستی در مکانیسم باردادن افقی یا قائم فرزها باید دارای شرایط زیر باشد

الف- بوسیله کلاچ یا ضامن شیطانك در روی بازوی فرمان بقسمی سوار شده باشد که در موقع پیشروی خودکار ماشین خلاص شود و بچرخد.

ب- مجهز به دسته‌ای باشد که قابل خلاص کردن بوده و دارای فنرهای فشاری باشد تا در موقع احتیاج کارگر بتواند دسته را در محل خود روی فلکه قرار دهد

ماده ۲۳- فرزهای خودکار باید مجهز بصفحات حفاظتی در مقابل پخش مایعات خنك کننده باشد.

ماده ۲٤- روی دهانه‌های باز میز ثابت و بدنه ماشین صفحه تراش دروازه‌ای باید با صفحات فلزی یا با حفاظهای مناسب دیگری پوشیده شود.

ماده ۲۵- کلیه وسایل تغییر جهت حرکت ماشینهای صفحه تراش دروازه‌ای که روباز باشد باید بوسیله حفاظ پوشیده شود.

ماده ۲٦- در صورتی که در ماشینهای صفحه تراش دروازه‌ای فاصله آزاد در دو پهلوی میز متحرك و انتهای کورس آن با قطعه کاری که روی آن بسته شده کمتر از ٦۰ سانتی متر باشد باید برای جلوگیری از ورود افراد باین فضای آزاد پرده‌های حفاظتی نصب گردد.

ماده ۲۷- فرمان قسمت حامل قلم اعم از مکانیسم تنگ- هیدرولیکی - چرخ دنده‌ای- پیچ کشوداز در ماشینهای دنده باید در داخل محفظه‌ای قرار داده شود.

ماده ۲۸- اطراف قسمت کشوئی حامل قلم دنده افقی باید در تمام طول کورس نرده گذاری شود.

ماده ۲۹- تمام قسمتهای متحرك ماشین مخصوص در آوردن جای خار بجز قسمت نگهدارنده قطعه کار باید داخل محفظه‌ای قرار گرفته باشد.

ماده ۳۰- برای گرفتن ذرات ریز فلزات باید دستگاه مکنده‌ای پیش بینی شده باشد.

این دستگاه در ماشینهای قائم در قسمت زیرو در ماشینهای افقی در یکطرف دستگاه باید نصب گردد.

## ماشینهای تراش چوب

تعریف ماشینهای تراش چوب عبارتند از ماشین گندگی- ماشین کف رنده- ماشین کام و زبانه درآر- ماشین چند کاره.

الف- ماشین گندگی، ماشینی است که برای صاف کردن و پرداخت سطوح و لبه‌های قطعات چوب بکار میرود.

در این ماشین قطعه کار روی یك میز افقی حرکت کرده و پس از عبور از مقابل تیغه رنده‌ها بعرض و ضخامت مورد نظر شکل میگیرد. این تیغه رنده‌ها در شیاری که روی استوانه یا محور گردانی که در قالب کشوئی قابل تنظیم نصب گردیده، محکم شده است.

ماشینهای کف رنده- تراشهای قابهای درـ منبت‌کاری- زبانه درآری جزء ایندسته از ماشینها محسوب میشود.

ب- ماشین فرز نجاری، ماشینی است که برای برش و شکل دادن لبه قطعات چوب بکار میرود. در این ماشین قطعه کار بافشار از مقابل تیغه فرز عبور مینماید.

ج- ماشین کف رنده ماشینی است شبیه بماشین گندگی با این تفاوت که فقط دارای یك محور حامل تیغه رنده در روی میز کار میباشد.

د- ماشین کام و زبانه درآر، ماشینی است که معمولاً در آن ابزار مخصوص کام یا زبانه درآری روی یك محور قائم یا افقی در بالای میز کار سوار گردیده و قطعه کار را که بمیز متحرکی بسته شده است، از دم ابزار عبور میدهند. در بعضی موارد عمل کام یا زبانه درآری را با بستن قلمهای مخصوص بروی ماشین فرز و عمل کام درآری را با ابزار زنجیری انجام میدهند.

ه- ماشین چند کاره، ماشینی استکه با آن میتوان عمل اره کردن - سوراخ کردن- فرز کردن- رنده کردن و کم و زبانه در آوردن را انجام داد.

ماده ۳۱- سیلندرها و محورهای حامل تیغه رنده باید مجهز بضامن‌هائی باشد که در موقع عوض کردن تیغه از حرکت دستگاه جلوگیری نماید

ماده ۳۲- ماشینهای گندگی و فرز چوب‌بری باید مجهز بسرپوشهای متصل بدستگاه مکنده باشد تا غبار قطعات ریز و تراشه‌های چوب را از محل تولید بخارج از منطقه عمل ماشین هدایت کند.

ماده ۳۳- ماشینهای کف رنده و گندگی با محورهای افقی باید در قسمت جلوی هدایت کننده‌ها دارای حفاظهائی باشد که در ارتفاع و در جهت سطح روی میز قابل تنظیم بوده و قسمت کارگیر تیغه‌ها را طوری بپوشاند که قطعه کار بتواند بسهولت از زیر آن عبور کند

ماده ۳٤- در ماشینهای کف‌رنده فاصله آزاد بین لبه دهانه و لبه تیغه رنده نباید از ۳ میلی‌متر تجاوز کند

ماده ۳۵- تیغه‌های ماشین‌رنده در قسمت زیر میز باید حفاظ گذاری شود.

ماده ۳٦- ماشینهای گندگی که مجهز به غلطکهای تغذیه میباشد، باید دارای چنگال‌هائی باشد که از عقب‌زدن قطعات چوب ممانعت کند.

ماده ۳۷- کارفرما موظف است دستگیره‌های فشاری در اختیار کارگران قراردهد تا برای باردادن قطعات کوتاهتر از نیم متر در دستگاه گندگی از آن استفاده شود.

ماده ۳۸- دستگاههای تغذیه خودکار در ماشینهای گندگی باید بوسیله سرپوشها یا حفاظهای فلزی محفوظ شده و فقط قسمتی از آن که محل عبور قطعه کار است باز باشد.

ماده ۳۹- محور حامل ابزار تراش و خود ابزار در ماشینهای کام و زبانه در آری باید بوسیله سرپوشهائی از ورق فولاد که ضخامت آن حداقل ۳ میلی‌متر باشد یا مصالحی با استحکام مشابه آن محفوظ گردد.

ماده ٤۰- غلطکهای تغذیه در ماشینهای کام و زبانه درآری باید بوسیله حفاظهای فلزی که به بدنه حامل غلطکها ثابت شده محفوظ گردد و طوری نصب شود که فقط قسمت محل عبور قطعه کار باز باشد.

ماده ٤۱- زنجیرها و چرخ دنده‌های تغذیه در ماشین‌های زبانه در آری دوبل و ماشینهای مخصوص کام در آری باید بطور کامل در زیر سرپوشی محفوظ شود و فقط قسمتی از زنجیر که برای حمل قطعات بکار میرود، میتواند باز باشد.

ماده ٤۲- محل نصب قلم دستگاه فرز نجاری و ماشینهای مشابه چوب بری بایددارای مهره کنترل و یا وسایل محکم کننده مشابه باشد تا در موقع کار امکان در آمدن قلم از جای خود و پرتاب شدن نداشته باشد.

ماده ٤۳- ماشینهای فرز و ماشینهای چوب‌بری مشابه آن که باردادن آنها بطور خودکار انجام نمیشود باید دارای حفاظ قلم فرز باشد. این حفاظ باید مسیرتراش بزرگترین قلم فرز ماشین را پوشانده و به تناسب ضخامت قطعه کار قابل تنظیم باشد.

ماده ٤٤- برای‌تراش دادن‌قطعات‌کوچك‌چوب با ماشینهای فرز یا ماشینهای مشابه آن باید از دستگاه هدایت کننده یا گیره دستمدار استفاده کرد.

**تلویزیونهای رنگی، بیش از تلویزیونهای سیاه و سفید، حادثه‌زا هستند!**

# چگونه از خطرات و حوادث ناشی از تلویزیون بکاهیم!

تلویزیون یکی از پدیده‌های جدید و مدرن است و ما با این پدیده ساعتها و روزها در طول تمام عمر همدم خواهیم بود، پس چه بهتر که حقایق ساده‌ای را در مورد این دستگاه بدانیم، شکی نیست که هر دستگاه برقی در مقابل خدماتی که انجام میدهد میتواند منبع خطراتی باشد و استفاده نادرست از این وسائل و عدم رعایت نکات ایمنی میتواند ضایعاتی ببار آورد. برای مثال یخچال- چرخ خیاطی- آبمیوه‌گیری اتو هرکدام به نوبه خود منشأ خدماتی در جهت رفاه و زندگی بهتر می‌باشند ولی اگر استفاده نابجا از این وسائل بعمل آید خود ما مقصر هستیم.

همانطور که میدانید تلویزیون در دو نوع رنگی و سیاه و سفید وجود دارد که متاسفانه نوع رنگی آن بعلت تراکم وسائل برقی و دستگاههای متفاوت ثابت کرده است که بیشتر میتواند منبع خطر و آتش‌سوزی باشد بطوریکه اخیراً سازندگان در صدد تکمیل یك دستگاه آتش خاموش‌کن اتوماتیك برای تلویزیون رنگی میباشند که با بالا رفتن درجه حرارت در داخل تلویزیون و بروز حریق نسبت به خاموش کردن آن و خنك کردن دستگاه بطور اتوماتیك عمل کند. ولی دستگاههای تلویزیون سیاه و سفید به علت سادگی مکانیزم و محدودیت دستگاههای برقی منبع خطر کمتری میباشد، بدین‌جهت نکات ایمنی که باید در مورد تلویزیون رعایت کرد در دو گروه بنام نکات ایمنی و بهداشتی تقسیم‌بندی میگردد.

## نکات ایمنی:

نکات ایمنی که در مورد تلویزیون باید رعایت شود بدین شرح است:

۱- تلویزیون را طوری قرار دهید که در اطراف آن جریان هوا وجود داشته باشد و از قرار دادن آن نزدیك بخاری شوفاژ- و غیره خودداری کنید.

۲- بانوساناتی که در برق موجود است، مخصوصاً در قسمتهائی از شهر که جریان برق بطور ناگهانی شدید یا ضعیف میشود تلویزیون را از طریق یك ترانسفورموتور- اتوماتیك به جریان برق وصل کنید، تا علاوه‌بر طولانی کردن عمر تلویزیون، از بروز حریق جلوگیری شود.

۳- از قرار دادن تلویزیون نزدیك به دیوار (در آن‌حد که چسبیده باشد)، پنجره‌های فلزی و پرده‌های پارچه‌ای و هرچیز قابل اشتعال خودداری کنید.

٤- از دست بردن بداخل تلویزیون و سیمهای مربوطه حتی در صورت خاموش بودن تلویزیون خودداری کنید .چون مکانیزم این دستگاه طوری است که میتواند مقدار قابل ملاحظه‌ای برق برای مدتی در خود ذخیره کند.

٥- به علل مکانیکی یا برق امکان ترکیدن لامپ تصویر وجود دارد که شکستن این لامپ به علت خالی بودن از هوا همراه باصدائی شدید و احتمالاً پراکندگی شیشه به اطراف است و این حادثه بیشتر در اثر آتش‌سوزی تلویزیون حادث می‌شود، در چنین صورتی باید تلویزیون را رو به دیوار قرار داد، یا روی آن پوششی ضخیم انداخت و از صدای آن وحشت نکرد.

٦- هرگاه تلویزیون در اثر گرم شدن یا اتصالی‌های برقی دچار آتش‌سوزی شد، بلافاصله جریان برق را قطع کرده و با قرار دادن پتو، گلیم یا پارچه‌ای ضخیم به دور تلویزیون بطور کامل آتش‌سوزی را خفه کنید.

از مصرف آب برای خاموش کردن تلویزیون، نوع گاز کربنیك و یا «مایعات هالوژنه» استفاده ننمائید.

۷- هنگام خوابیدن جریان برق را بطور کامل از تلویزیون قطع کنید و تصور نکنید که با خاموش کردن تلویزیون جریان برق قطع شده است، چون این عمل کافی نیست و بویژه در مسافرت‌های طولانی، اتصال تلویزیون به جریان برق ممکن است باعث آتش‌سوزی شود.

۸- هنگام رعد و برقهای شدید حتی‌المقدور تلویزیون را خاموش کنید و جریان برق را بطور کامل قطع و حتی آنتن آنرا از تلویزیون جدا سازید.

۹- در مواقعی که تلویزیون مورد استفاده نیست در آنرا ببندید و روی آنرا بپوشانید تا در معرض بازی و دست‌کاری اطفال قرار نگیرد و خطراتی تولید نکند و ضمناً تلویزیون را طوری قرار دهید که از تابش مستقیم نور خورشید به لامپ تصویر جلو گیری شود، چون این عمل میتواند باعث ترکیدن لامپ تصویرشود.

## توصیه:

بطوریکه میدانیم سرگرمی اکثر مردم مخصوصا در شهرستانها تلویزیون است. خانواده‌هائی هستند که هرشب « حداقل پنج ساعت » در مقابل صفحه تلویزیون می‌نشینند. این خانواده‌هاکه ساعات متوالی از عمر خودرا درمقابل صفحات تلویزیون سپری میسازند، بجاوشایسته است که نکات بهداشتی لازم را در این مورد رعایت کنند. چون شاید برای یك جلسه یایك هفته عدم رعایت این نکات مهم نباشد، ولی در طول یك عمر میتواند اثرات بد روی سلامت انسان داشته باشدو دراین مورد در درجه اول چشمان وگوش‌ها و بالاخره دستگاه تنفس ووضع عمومی بدن در معرض خطرند، لذاتوصیه میشود:

۱- تلویزیون را طوری قراردهید که دیدن صفحه تلویزیون از روبرو و (حتی‌الامکان) دریك زاویه ٦٠ درجه قرارگرفته باشد.

۲- از تابش هرگونه نور مستقیم از جهت روبرو بطرف چشم جلوگیری کنید باید سعی شود که نورها ازپشت‌سر تماشاکننده تابیده شود.

۳- فاصله خودرا نسبت به صفحه تلویزیون طوری انتخاب کنید که بدون زحمت وکوشش زیاد و باز و بسته کردن چشم بتوانید تصویر رابراحتی دریافت کنید.

٤- درصورتیکه هرگونه لرزش یابرفك در صفحه تصویر تلویزیون مشاهده شود اقدام لازم برای تعمیر آن توسط متخصص بعمل آورید.

٥- صدای تلویزیون از نظربم وزیربودن یابلند و کوتاه بودن را طوری تنظیم کنید که باعث آزردگی گوش وحساسیت وخستگی آن نشود.

٦- نور تلویزیون را طوری تنظیم کنید که مات نباشد ونور آن باعث خستگی چشم نشود.

۷- هنگام تماشای برنامه‌های تلویزیون ممکن است طوری محو تماشاشوید که دقایق بی شمار و بلکه ساعتها بطور ثابت دریك نقطه ویك حالت قرار گیرید وبدین جهت مواظب گردش خون- خستگی عضلات ومفصل ها وخواب رفتگی اعضای مختلف بدن باشید.

بطورکلی تماشای تلویزیون بطورلاینقطع وبیش از یك یا دو ساعت ممکن است برای بسیاری اشخاص خاصه کودکان ناراحتی اعصاب ایجاد کند.

بقیه درصفحه ۸۸

## تنها کارفرمایان ملزم به تهیه وسایل ایمنی و حفاظتی نیستند، بلکه کارگران هم باید اصول حفاظت و ایمنی را رعایت کنند

### جلسه کمیته حفاظت و ایمنی سیمان تهران

کمیته حفاظت و ایمنی سیمان تهران با حضور اعضاء این کمیته هفته گذشته تشکیل گردید و مقررشد که هر چهار هفته یکبار این جلسات تشکیل شود.

در این جلسه استعفاء بازرس ایمنی مورد قبول واقع شد و بجای ایشان آقای شمیعی انتخاب گردید.

همچنین بمنظور اجرای مقررات ایمنی و حفاظتی در این جلسه تصمیماتی اتخاذ گردید تا در فرصت مقرر بمرحله اجراء در آید. خلاصه این تصمیمات عبارتند از:

۱- اعضاء کمیته معتقدند که حوادث کار نه بعلت قصور کارفرما بلکه عموماً بعلت بی‌احتیاطی کارگران و عدم رعایت به نکات ایمنی اتفاق می‌افتد.

بخاطر ایمنی بیشتر کارگران کمیته پیشنهاد می‌کند که یك نردبام جکی ویك عدد قرقره حفاظتی مخصوص کاردر ارتفاع، خریداری شود.

۲- مقرر گردید دو نفر از اعضاء کمیته از نمایشگاه سازمان دفاع غیر نظامی بازدید کرده ووسایل جدید حفاظتی را خریداری نمایند. ضمن در این جلسه تصمیم گرفته شد گزارش‌های

**لزوم تکمیل جعبه‌های کمکهای اولیه در تمام قسمتها و نصب کپسول‌های آتش‌نشانی در کارخانه سیمان تهران توصیه شد...**

حوادث و کارهای ایمنی و حفاظتی توسط آقای شمیعی مطالعه و آمار انواع حوادث و کارهای حفاظتی روشن گردد و به کمیته گزارش شود.

۳- تکمیل جعبه‌های کمك‌های اولیه در تمام قسمتها و همچنین تهیه ۱ عدد کپسول آتش‌نشانی جدید و تقسیم آن بین تمام قسمتها. ضمناً توسعه دستشوئی‌ها و حمام، خرید چراغ‌خطر برای نقاط مرتفع و نصب آن روی برج دوپل و ترمیم سیم کارخانه که در کانال کنی‌صدمه دیده‌بود، جمع آوری و انتقال زباله بصورت نوبتی هفته‌ای یکبار از تمام قسمتها انجام گردد. نظر باینکه کارگران پس از انجام کار، ترانسفورماتور جوشکاری را خاموش نمی‌کنند مقرر شد که مسئول حفاظتی این تذکر را به کارگران بدهد.

جرثقیل«برجی‌گردان» ضمن گردش به برج خنك‌کن اصابت می‌کند که مقرر شد از مسئول مربوطه طی نامه‌ای در خواست شود که این جرثقیل ۱۶ متر بلندتر گردد.

در پایان این جلسه تصمیم گرفته شد با توجه به اینکه در زمستان سوزندان چوب برای گرما مغایر با اصول ایمنی است هر چه زودتر تعدادی بخاری کارگاهی برای قسمتهای مختلف خریداری شود.

جلسه حفاظت و ایمنی شرکت الکتریك‌استورج با شرکت آقایان سیدعلی‌اکبر هاشمی – محمدنوبرانی- محمودمرادی، نماینده کارگران وکامبوز یا گرانمایه، نماینده مدیر عامل شرکت تشکیل گردید.

در این جلسه ابتدا آقای هاشمی در مورد محل کولر قسمت تعمیرگاه و جابجائی آن به محل مناسبتری سخن گفت و تقاضا کرد محل آن تغییر داده شود و کمیته اعلام کرد در این مورد اقدام لازم را معمول خواهد داشت.

آقای محمدنوبرانی نیز در مورد کنترل خروج اضطراری کارگران از محیط کار شرحی بیان داشت و خواستار آموزش کارگران جدیدالاستخدام شرکت شد. در این مورد توضیح داده شد برابر مقررات ایمنی شرکت، مسئولیت این امر و آموزش افراد جدیدالاستخدام باسرپرستان قسمتها میباشد که مسئول امر حفاظت در قسمتهای خود هستند، و این امر مسلماً انجام خواهد شد.

آقای نوبرانی نیز راجع به لوله‌های هواکش تانك موم تذکر داد که چون لوله‌های مربوطه ایزوله و آب بندی نیست لهذا قطرات موم ذوب‌شده در مسیر لوله‌ها، روی زمین می‌ریزد که امکان وجود خطراتی از قبیل لیزخوردگی و زمین خوردگی میرود.

دراین مورد گفته شد برای جلوگیری از این نقص فوراً اقدامات لازم انجام خواهد گرفت و نتیجه را بکمیته اعلام خواهیم کرد.

نظافت محوطه شرقی و غربی کارخانه و کنترل چیدن مواد اولیه و بشکه‌های قیر وسیله مسئولین انبار مطرح و عدم رضایت عموم اعضاء کمیته ابراز گردید که تصمیم گرفته شد در این باب فوراً اقدام مقتضی مبذول شود.

آقای محمودمرادی، راجع به تسطیح و آسفالت محوطه کارخانه جهت پیشگیری از خطرات مختلف مطالبی بیان کرد که تصمیم گرفته شد شرحی در این بابت بمدیریت کارخانه نوشته و در خواست شود آسفالت جلوی محوطه انجام گیرد.

آقای سیدعلی‌اکبر هاشمی نیز در مورد کنترل بیشتر کپسول‌های آشپزخانه و بازدید فنی آنها مطالبی بیان کرد که مقرر شد در اینمورد هم تعمیرگاه شرکت اقدام مقتضی مبذول دارد.

سومین جلسه کمیته حفاظت ایمنی شرکت تعمیرگاه بزرگ کامیون تهران باحضور اعضاء این کمیته تشکیل گردید و تصمیماتی بشرح زیر اتخاذ نمود:

۱- در مورد تعیین محفظه‌ی کپسول کاربیت که قرار بود بخارج از کارگاه منتقل شود ولی بعلت عدم وجود وسایل مقدماتی صورت نگرفته، نظر بر این است که در صورت امکان انجام این کار بعهده شرکت پارکت که در حال حاضر کارگران آن مشغول کار در شرکت میباشند واگذار گردد.

۲- کمیته معتقد است سرپرست کارگاهها مسئول مستقیم هرگونه حوادث و سوانح در کارگاهها بوده و باید مراقبت لازم در امر استفاده از وسائل ایمنی و عینك و لباس کار و کفش و غیره بعمل آورند. در صورت قصور در اینمورد تخلف محسوب و مطابق مقررات با آنها رفتار شود.

۳- با نظر مدیران قسمتها پوسترهائی از قبیل سیگار نکشیدن و غیره تهیه و در محلهای مناسب نصب شود.

٤- کپسولهای گاز از طریق شرکت بوتان و مخزن هوای فشرده نیز از طرف شرکت سازنده بطور سالانه از نظر ایمنی بازدید شود تا احتمال خطر از بین برود.

٥- تدارکات در خرید وسایل ایمنی توجه و سرعت عمل لازم را بعمل آورد تا بموقع در انجام امر اقدام شود.

٦- مدیران قسمتها آمادگی خود را جهت انجام بازدید شبانه از شرکت اعلام میدارند تا چنانچه مدیر عامل موافقت نماید، هر هفته یك نفر از مدیران قسمتها بدون اطلاع و تعیین وقت قبلی در ساعات مختلف شب از شرکت بازدید و نتیجه بازدید را کتباً باطلاع برسانند.

۷- در مورد کابلهای برق موجود در اتلیه از طریق قسمت تأسیسات برق کارخانه تصمیم گرفته شد کابلها از داخل لوله خارج شود.

کمیته حفاظت و ایمنی کارخانجات

کمیته حفاظت و ایمنی کارخانجات نویدی تهران باحضور اعضای کمیته تشکیل گردید در این جلسه منشی کمیته صورتجلسه شش پیشین را قرائت و مسئول کمیته در پیرو مباحث جلسات گذشته در اطراف سازمان حفاظت درکارگاهها مطالبی بیان داشت.

وی‌یادآور شد که کارگران عزیز توجه دارند چنانچه در خودکارگاه برای بهبود وضع حفاظتی کاری انجام نگیرد و توجهی نشود، قوانین- آئین‌نامه‌ها- بازرسی‌ها- توصیه‌ها و نمایشگاهها و راهنمائی‌ها، هیچکدام نتیجه مثبتی نخواهد داشت. در جلسات پیشین‌اشکال مختلفه فعالیتهای حفاظتی در خارج از کارخانه بعرض همکاران گرامی رسیده است و امروز به بحث درباره سازمان فعالیتهای حفاظتی در داخل کارخانه خواهیم پرداخت.

نیازی بتذکر نیست که رئیس کارخانه خود باید راساً در زمینه بهبود و توسعه فعالیتهای حفاظتی در کارگاه ابتکار عمل نشان دهد. هر کسی که درکارهای صنعتی کار می‌کند باید در نظر داشته باشد که کارفرما نه تنها بتولید و نوع و کیفیت تولید و جلوگیری از تضییع مواد و نگهداری از ابزار و ادوات علاقمند است، بلکه بامر حفاظت نیز علاقه خاصی دارد.

مسئول کمیته سپس در مورد مسئولیت مدیریت و تفویض آن بکادر سرپرستی و وظایف کمیته‌های حفاظتی گفت: تدابیر حفاظتی و سایر مسائل مربوطه که از لحاظ فنی شایان توجه هستند و مسائلی از قبیل طرح ریزی منطقی از طرف مدیریت و بکار بردن روشهای سالم توسط کارگران و نظم و ترتیب و نگهداری خوب و نصب حفاظ برای ماشین‌آلات در جلسات قبل توضیح داده شده است.

مدیریت باید کارهای تولید را بنحو مطلوب و موثری ترتیب دهد و تولید را [illegible] حداقل هزینه [illegible] و امور حفاظتی را جزئی از کار [illegible] عادتهای صحیح کار [illegible] تربیت حرفه‌ای به کارگران آموزش داده شود. نظم و ترتیب در کارگاه هم برای تولید و هم از نظر حفاظتی اهمیت دارد و قبلا در موضوع جنبه‌های روان شناسی نیز گفته شد که آسودگی فکر کارگر از لحاظ حفاظتی بسیار مؤثر میباشد.

مدیریت باید در همه این مسائل تصمیم گرفته و دستورات لازم را صادر کند فردی که معمولا مسئول اجرای این دستورات میباشد سرپرست و یا سرکارگر و یا مسئول قسمت است. بنابراین سرپرستان و سرکارگران نیز در مسائل حفاظتی نقش مهم و اساسی دارند.

در کارگاههای بزرگ صنعتی ممکن است یکی از مهندسین راهنمای امور حفاظتی باشد و ضمنا یك کمیته حفاظت و ایمنی افراد را تشویق بهمکاری نموده و کار آنها را رهبری نماید. معمولاً قسمت کارگزینی باید مسئول استخدام افراد جدید و تربیت حرفه‌ای آنان در داخل کارخانه باشد. در کارگاههای کوچك نیز اصول حفاظتی بمانند کارگاههای بزرگ است، منتهی دارای وضع و صورت ساده‌تری است. یکی از مسائلی که غالباً مطرح میشود این است که آیا یك کارخانه باید هم مهندس حفاظت و هم کمیته حفاظتی داشته باشد؟. از آنجا که مهندس حفاظت یك فرد متخصص در این زمینه بوده و وظیفه اساسی کمیته حفاظتی ایجاد همکاری بین مدیریت و کارگران در قسمت امور حفاظتی میباشد لذا وجود هر دو امکان دارد. با وجود این در کارخانه‌های کوچك برای مهندس حفاظت کار کافی وجود ندارد تا بطور تمام وقت باین کار بپردازد، ولی برای کمیته حفاظتی میدان فعالیت کافی وجود دارد. در کارخانه‌های بسیار کوچك کمتر احتیاج بکمیته حفاظتی احساس میشود، زیرا ایجاد ارتباط مستقیم بین مدیریت و کادر سرپرستی و کارگران خیلی آسان‌تراست.

در پایان این جلسه اعضای کمیته حفاظتی در اجرای دستورات رسیده از اداره کل بازرسی وزارت کار جهت بازدید و رفع معایب مشهوده و راهنمائی و توصیه‌های حفاظتی و ایمنی از قسمتهای مختلف کارخانجات بازدید کردند و درباره رعایت اصول حفاظت و ایمنی و مراعات نظم و ترتیب درکارگاهها و پاك‌کردن لکه‌های روغن و استفاده از وسایل ایمنی انفرادی دستورات لازم بسرپرست قسمتها داده شد.

# نمایندگان کارگران برگزیده شدند

ورژبارسقیان

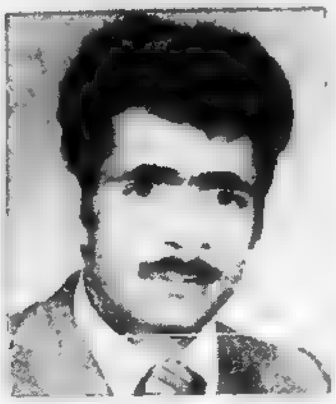

احمد ساکی

مختار سپهری‌فر

احکامی

جواد صبور حسن‌زاده

ابوالقاسم انسان

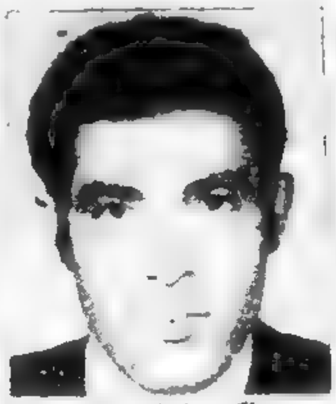

اکبر خداداوست

محمد حسین قلندران

طبق نتایج حاصله از انتخابات داخلی کارگاهها و واحدهای تولیدی که با نظارت وزارت کار و امور اجتماعی انجام گرفته است نمایندگان اصلی و علی‌البدل کارگران در برخی از این واحدها انتخاب شده‌اند که پس از تایید ادارات کار و امور اجتماعی به مدت دو سال به عنوان نماینده قانونی کارگران انجام وظیفه خواهند کرد.

بر اساس گزارش اداره کار و امور اجتماعی منطقه شمال استان مرکزی احمد ساکی بعنوان نماینده اصلی و ورژبارسقیان بعنوان نماینده علی‌البدل کارگران کارخانه آتمسفر- محمد حسین قلندران بعنوان نماینده اصلی و اکبر خداداوست بعنوان

## محمود مرادی نماینده کارگران:

## بهره گیری از لحظه‌ها در راه بهبود بیشتر

دربین کارگرانی که در کارگاههای بزرگ وکوچك واحدهای تولیدی وصنعتی کشور مسئولیت نمایندگی خواهران وبرادران کارگر خود را برعهده دارند، عده‌ای را میشناسیم که در طول خدمت خود، از هرگونه تلاشی به منظور تامین رفاه همکاران دریغ نمیورزند. علاوه برآن در اغلب واحدهائی که فاقد سندیکای کارگری هستند، نمایندگان، گذشته از وظایف محوله ومشخصه خود، بار مسئولیت خطیر سندیکا را نیز به دوش میکشند. محمود مرادی را به عنوان یکی از این کارگران فعال میشناسیم واینك بطور گذرا با نحوه کوششهایش آشنا میشویم.

در مدت ۲سال و۵ماه که وی در سمت نمایندگی کارگران کارخانه «ری. او. واك.» انجام وظیفه میکند، کارگران این واحد توانسته‌اند به راحتی مزایای قانونی خود را دریافت دارند.

اینك مرور میکنیم، آنچه را که با کوشش پیگیر وی وتایید اقدامات او بوسیله همکارانش برای خواهران وبرادران کارگر این واحد تولیدی بدست آمده است واین مطلبی است که خود برآن اذعان دارد وبه گفته او نمایندگان کارگران در واحدها موظفند برای رفاه کارگران از لحظه‌ها بهره بگیرند.

● تشکیل شرکت تعاونی مصرف در تاریخ ۲۵۳۵/۲/۲۰ با سرمایه اولیه ۲۰۰/۰۰۰ ریال وسرمایه فعلی ۲/۸۰۰/۰۰۰ ریال.

● تهیه دفترچه خدمات درمانی وراهنمائی کارگران وخانواده آنان به تعداد ۱۲۰۰ شماره.

● تشکیل دو کانون حزب رستاخیز ملت ایران با شرکت ۲۵۰ کارگر عضو

● تجدیدنظر در طرح طبقه‌بندی مشاغل وتعیین ۲۵۰ ریال بعنوان حداقل دستمزد (برای کارگر ساده) و حداکثر ۱۲۰۰ ریال، جهت ۳۸۰ نفر کارگران شاغل.

● مذاکره با کارفرما وکسب توافق در مورد تعیین تعطیلات پنجشنبه‌ها ونیز تهیه وتوزیع شیر برای کارگران.

● حل وفصل مشکلات ودعاوی حقوقی کارگران وایجاد یك شورای غیر رسمی حل اختلاف با شرکت خود نماینده وعده‌ای از کارگران.

● نظارت ومراقبت از سرویسهای ایاب وذهاب وسالن غذاخوری وطرح گسترش آتی رستوران تا حد جلب رضایت کارگران.

● دریافت سهم سود ویژه با حداقل ٤ماه وتوزیع ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال سود ویژه براساس ضرایب وجداول تعیین شده از سال گذشته ونیز افزودن میزان ۱۵ روز دستمزد بعنوان عیدی کارگران.

● رسیدگی به سنوات خدمتی ونحوه کارائی ومهارت کارگران، بمنظور مذاکره با کارفرما، در جهت افزایش مناسب دستمزدها.

● تهیه وپی گیری در برقراری پاداش اضافه تولید (در پیشرفتهای واحد).

● ایجاد مرکز کمكهای اولیه واورژانس واستفاده از اتومبیل شخصی بعنوان آمبولانس وتقاضای تهیه آمبولانس.

● پی گیری دائم در توزیع وتقسیم سود سهام کارگاه به تعداد ۱۵۰ کارگر.

آرزوی موفقیت بیشتر برای تمام کوشندگانی که در راه رفاه کارگران ودر نتیجه اعتلای سطح تولید ونیز ترقی وپیشرفت هدفهای صنعتی کشور گام برمیدارند، داریم.

مرتضی ملاحیدری

تقی احمدی مقدم

سندیکای کارگران تعمیرگاههای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال۲۵۲۰ شاهنشاهی(۱۳٤۰) به ثبت رسید.

این سندیکا در سال ۲۵۲٤ شاهنشاهی(۱۳٤٤) پس از جدا شدن از سایر سندیکاهای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه استقلال کامل یافت و فعالیت خود را آغاز کرد.

اولین اقدام سندیکا اجرای پیمان دسته‌جمعی بود و پس از این اقدام، طرح طبقه بندی مشاغل را که اجرای آن در کارگاهها و کارخانجات و واحدهای کارگری از طرف وزارت کار و امور اجتماعی اعلام شده بود پی‌گیری کرد و در اولین مرحله.۱٪ به دستمزد کلیه کارگران افزوده شد. پس از آن در مرحله دوم بر اساس طرح طبقه بندی٤٥٪ بطور متوسط به دستمزد کلیه کارگران اضافه گردید.

همچنین قرار شد بر اساس جدول موجود طرح طبقه بندی مشاغل کلیه کارگران هر دو سال یکبار تجدید نظر شود و بر اساس شرایط جدید تنظیم و مطابق شود.

سندیکای مذکور پس از این اقدامات به توسعه شرکت تعاونی مصرف پرداخت و پس از

نماینده علی‌البدل کارگران کارخانه هامارای انتخاب شدند.

همچنین بر اساس گزارش رسیده از اداره کار و امور اجتماعی شهرستان نیشابور، ابوالقاسم انسان بعنوان نماینده اصلی و جواد صبور حسن‌زاده بعنوان نماینده علی‌البدل کارگران در شورای کارگاه شرکت پنبه شعبه مرکزی نیشابور و احکامی بعنوان نماینده اصلی و مختار سپهریفر بعنوان نماینده علی‌البدل کارگران در شورای کارگاه اداره برق نیشابور برگزیده شدند.

بموجب گزارش اداره کل کار و امور اجتماعی تهران نیز حیدر حیدری بعنوان نماینده اصلی کارگران شرکت سرویس خدمات خانگی و علی‌اکبر قازایخانی بعنوان نماینده اصلی کارگران هتل اوین انتخاب شدند.

افراد مذکور در مدت ۲ سال از تاریخ اجرای حکم بعنوان نمایندگان اصلی و علی‌البدل کارگاهها ی خود وظایف محوله را برابر مفاد قانون کار و آئین‌نامههای مربوطه انجام خواهند داد و در مجامع کارگری بعنوان نماینده شرکت خواهند کرد.

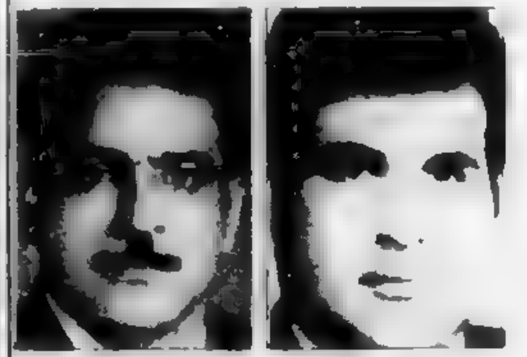

حسن مولوی　　عباس شریفی

چندی شرکت تعاونی اعتبار را نیز تاسیس کرد و از ثمره آن کارگران توانستند در مواقع اضطراری وام دریافت دارند و تا اندازه‌ای مشکلات مالی خود را در مواقع ضروری بر طرف کنند.

پس از تاسیس شرکت تعاونی اعتبار، شرکت تعاونی مسکن نیز با هدف تامین مسکن برای کارگران تاسیس شد که با پی‌گیریهای سندیکا قرار است بزودی تعدادی اپارتمان برای کارگران ساخته شود.

جلوگیری از ضایعات از دیگر اقدامات این سندیکا بوده است که با راهنمائی و ارشاد سندیکا مبلغ قابل توجهی صرفه‌جوئی گردیده و همچنین اعزام کارگران به مراکز آموزش حرفه‌ای برای بالا بردن سطح مهارتها نیز از دیگر اقدامات سندیکا در این مدت بوده است.

برنامه‌های آینده سندیکا شامل اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل تامین مسکن برای کارگران و ارتباط بیشتر با سازمان کارگران در جهت بهبود وضع کارگران می‌باشد.

امیدواریم سندیکای کارگران تعمیرگاههای شرکت واحد اتوبوسرانی در اجرای هدفهائی که برگزیده است هر چه بیشتر کوشش و صمیمیت لازم را بکار گیرد.

# چگونه سندیکا تشکیل دهیم؟

در کنفرانس‌های ملی کار، در سمینارهای منطقه‌ای، در سازمان بین‌المللی کار نیز نمایندگان سازمان کارگران ایران که همان نمایندگان منتخب سندیکاها هستند بطور مؤثر شرکت دارند. حتی بدنبال پیامی که شاهنشاه آریامهر به دومین کنگره بزرگ کارگری که برگزار کننده آن سازمان کارگران ایران بود ایراد و اوامر مؤکدی در زمینه‌های مختلف برای بهبود وضع زندگی کارگران ایران صادر فرمودند این سازمان توانست اوامر شاهنشاه آریامهر را با کمك دستگاههای دولتی بمورد اجرا گذارد.

## ج- مزایای قانونی

علاوه بر مزایای فوق در قانون کار و آئین‌نامه‌های مربوطه امتیازات خاصی بشرح زیر برای این نوع سازمانها در نظر گرفته شده است:

ماده ۳۵- قانون کار میگوید «پیمان دسته جمعی کار عبارتست از پیمان کتبی که بمنظور تعیین شرایط کار بین یك یا چند سندیکا یا اتحادیه کارگری از یکطرف و یك یا چند کارفرما یا سندیکا یا اتحادیه کارفرمائی از طرف دیگر منعقد میشود. در پیمان دسته جمعی نمیتوان مزایائی کمتر از آنچه در این قانون مقرر است منظور نمود».

بطوریکه از مفاد ماده مذکور مستفاد میگردد پیمان دسته جمعی که بجهت بهبود شرایط کار و ایجاد تفاهم و سالم سازی محیط بجهت بهره‌وری بیشتر بین کارگران و کارفرمایان منعقد میشود در صورتیکه از طرف کارگران عضو سندیکا یا اتحادیه منعقد گردد نافذ و معتبر بوده و در غیر اینصورت اعتباری بر آن مترتب نیست.

و در ماده ۲۲ آئین‌نامه سازمانهای کارگری این امتیازات برای سندیکاهای حائز اکثریت در نظر گرفته شده است:

الف- سندیکاهای حائز اکثریت میتوانند نماینده واجد شرایط جهت شرکت در شورای کارگاه و هیات حل اختلاف باداره کار و امور اجتماعی محل معرفی نمایند.

ب- با موافقت کارفرما یا سازمان کارفرمائی شورای سازش جهت حل و فصل اختلافات کارگری از طریق توافق و سازش تشکیل دهند.

ج- در مورد شرایط کار کارگران با کارفرما و یا سازمان کارفرمائی پیمان دسته جمعی منعقد نمایند.

حال که محتصری با فلسفه وجودی سندیکا و مزایای آن آشنا شدیم، در قسمت بعد ابتداء سندیکا و انواع آنرا تعریف نموده و پس از گفتاری درباره ارکان آن بتشکیل یك سندیکا و سیر گردش آن مبادرت میورزیم.

## تعریف سندیکا

ماده ۲۵ قانون کار سندیکا را چنین تعریف مینماید«سندیکا سازمانی است که بمنظور حفظ منافع حرفه‌یی و بهبود اقتصادی و اجتماعی بوسیله کارگران یك حرفه و یا یك کارگاه کارفرمایان یك حرفه و یا یك صنعت و همچنین صاحبان مشاغل ازاد تشکیل میشود.

ائتلاف چند سندیکا تشکیل یك اتحادیه و ائتلاف چند اتحادیه تشکیل یك کنفدراسیون را میدهد» بجز تعریف مذکور در ماده ۲۵ قانون کار تعاریف دیگر و از جمله دو تعریف زیر در باره سندیکا بیان شده است:

سندیکا عبارت از اجتماع اشخاص خصوصا مزدبگیران است که برای حفظ و اصلاح شرایط زندگی و دفاع از منافع اعضای خود تشکیل یافته است و یا سندیکا سازمانی است متشکل از افرادیکه دارای منافع مشترك هستند برای این افراد که بوسیله خود تنها اداره میشود و هدف آن مفیدترین و مؤثرترین خدمت به اعضای خود میباشد.

با توجه به تعاریف فوق برای اینکه سندیکائی تشکیل یابد بایستی منافع و هدف مشترکی وجود داشته باشد و افکار اقتصادی و اجتماعی مشترکی کارگران و یا کارفرمایان را بیکدیگر نزدیك کند و برای اینکار لازم است که محیط مناسبی بوجود اید که درآن حس علاقه و همکاری بین اعضای یك کارگاه، یك حرفه و یا یك صنعت ایجاد و تقویت شود، یعنی دربین این عده روح علاقه و همکاری اجتماعی بوجود آید تا جائیکه آنها بتوانند با هم در سازمانی واحد متشکل شوند.

## انواع سندیکا

ماده ۲۵ قانون کار از چهار نوع سندیکا نامبرده است که عبارتند از:

۱- سندیکاهای حرفه‌یی
۲- سندیکاهای کارگاهی
۳- سندیکاهای صنعتی
٤- سندیکاهای صاحبان مشاغل آزاد

۱- سندیکای حرفه‌یی- در صورتیکه کارگران یك حرفه یا یك شغل با داشتن چند کارفرما و یا کارفرمایان یك حرفه و یا یك شغل اقدام به تشکیل سندیکا نمایند، سندیکا را حرفه‌یی گویند. مانند سندیکای کارگران خیاط یا سندیکای کارفرمایان خیاط.

۲- سندیکای کارگاهی- سندیکا را کارگاهی گویند در صورتیکه کارگران یك کارگاه یا یك کارخانه و یا یك مؤسسه با داشتن یك کارفرما اقدام به تشکیل آن نمایند. مانند سندیکای کارگران شرکت ملی نفت شعبه تهران. یا سندیکای کارگران کارخانه پلاستیك سازی ابن‌سینا. تشکیل چنین سندیکائی برای کارفرمایان میسر نیست.

۳- سندیکای صنعتی- سندیکائی را گویند که صاحبان مربوط بیك صنعت به تشکیل آن اقدام نمایند. مانند سندیکای کارفرمایان صنعت اتومبیل سازی تهران. تشکیل چنین سندیکائی را برای کارگران قانون تجویز ننموده است.

٤- سندیکای صاحبان مشاغل آزاد- دراین نوع سندیکاها اعضای آنرا به اعتبار اینکه کارگری در اختیار ندارند، نمیتوان کارفرما نامید. مانند سندیکای دلالان بورس تهران.

## گردش کار در مجامع عمومی سندیکا

ائین نامه سازمانهای کارفرمائی برای سندیکاهای کارفرمائی چهار رکن(مجمع عمومی، هیات مدیره، بازرسان و دبیرخانه) و ائین نامه سازمانهای کارگری برای سندیکاهای کارگری سه‌رکن(مجمع عمومی، هیات مدیره و بازرسان) پیش‌بینی نموده است. چون دراین قسمت موضوع سخن ما گردش کار در مجامع عمومی سندیکاست بدین لحاظ از بیان سایر ارکان خودداری نمونه و به گفتاری در باره گردش کار در مجامع عمومی می‌پردازیم.

## تعریف مجمع عمومی

برای اینکه به معنای واقعی مجمع عمومی در سندیکاها پی ببریم ضرورت دارد ابتدا بطور مختصر سندیکا را تعریف کنیم. برای سندیکا تعاریف گوناگونی ذکر شده که ساده‌ترین آنها سندیکا را چنین تعریف می‌کند:

«سندیکا عبارت از اجتماع اشخاص خصوصاً مزدبگیران است که برای حفظ و اصلاح شرایط زندگی و دفاع از منافع اعضاء تشکیل می‌یابد»

از این تعریف چنین بر میآید که عنصر اصلی در هر سندیکا اعضای آن می‌باشند و هرچه تعداد اعضاء در یك سندیکا بیشتر باشد، سندیکا از نیرو و قدرت بیشتری برخوردار است. به اجتماع اعضای سندیکا که معمولا به منظور مشاوره و دادن رای و یا اقدام به کار معینی گرد هم میآیند، مجمع عمومی گفته میشود که بالاترین مقام و مرجع در سندیکاست.

# کشور ما با ایجاد صنایع مختلف و استقلال

**متن تلگرام**

**پیشگاه مبارك بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر.**

**کارگران، کارمندان و مدیران کارخانجات آدامس خروس نشان بابر گزاری جشن پنجاهمین سال سلطنت پرشکوه وغرور آفرین دودمان پهلوی مراتب حق شناسی وجانبازی خود و فرد، فرد این واحد تولیدی را بشرفعرض خاکپای مقدس شهریار عظیم الشان رسانده و بروان پاك رضاشاه کبیر سرسلسله دودمان پهلوی درود میفرستند و سر تعظیم فرود می آورند.**

**جان نثاران: بهادر مختاریان مدیر عامل، کارکنان و کارگران شرکت سقز سازی ایران**

کارگران، کارمندان و مدیران کارخانجات آدامس خروس نشان در یك گردهمائی پرشکوه پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار خاندان پهلوی را جشن گرفتند و با فریادهای جاوید شاه خود احساسات شدیدی نسبت به دودمان پهلوی ابراز داشتند

بمناسبت برگزاری این بزرگداشت محل باشگاه سپه با شعارهای میهنی و پرچمهای سه‌رنگ ایران تزئین یافته بود و از هرسو صدای فریادهای جاویدشاه به‌گوش میرسید

مراسم بزرگداشت ائین پنجاه ساله شاهنشاهی پهلوی بانواختن سرود شاهنشاهی آغاز شد و انگاه اقای بهادر مختاریان مدیر عامل شرکت سقزسازی ایران پشت تریبون قرار گرفت و مطالبی به‌شرح زیر ابراز نمود.

با تشکر از حضار و کارگران عزیز: در اغاز اجازه میخواهم از حضور مدعوین محترم دراین جشن ملی که بخاطر بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی از طرف کارخانجات آدامس خروس نشان برگزار می‌گردد تشکر بنمایم

اگر اوضاع اقتصادی و سیاسی مملکت را در این پنجاه سال دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و با وضع کنونی مقایسه نمائیم تصدیق خواهیم کرد برپا داشتن جشنهای بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی ابراز حداقل حق‌شناسی و شکرگزاری در قبال حداکثر فداکاریهای رضاشاه کبیر سردودمان پهلوی و شاهنشاه آریامهر میباشد

در پرتو تدابیر و رهبریهای خردمندانه این دو شاهنشاه بزرگ طرف نیم قرن میهن ما از کشور عقب افتاده به کشور صنعتی و با اقتصاد شکوفا تبدیل گردیده است

کنون که کشور ما با ایجاد صنایع مختلف و استقلال اقتصادی زیربنای مستحکمی یافته است، بخود میبالیم که امروز جزو کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان محسوب میگردیم، و ما نیز سهمی در راه صنعتی شدن مملکت بهمت شما کارگران عزیز دارا هستیم

حس خوشبینی ... حکم میکند که ... به درگاه خداوند متعال ... و ... پیشگاه ... دوم سلطنت شهریار بزرگ شاهنشاه آریامهر و سلامت و سعادت ... جشن سلطنت ... صمیم قلب خواستار شویم

پاینده ایران جاوید شاه

پس از سخنرانی ... مدیر کارخانجات آدامس خروس نشان پشت تریبون قرار گرفت و چنین گفت

خوشوقتم که در چنین روزی به نمایندگی از طرف کارخانجات آدامس خروس نشان که ... و معظم‌ترین ... پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی را به کلیه مدعوین تبریك بگویم

کشور ما در طول ۲۵۰۰سال تاریخ شاهنشاهی خود روزهای سخت و تاریکی را پشت‌سر نهاده که در تمام این روزها ... رهبری درست و خردمندانه ... بر ... مرور ... گذرانده است ... بخصوص در نیم قرن اخیر ... وجود تغییرات و دگرگونیهائی که در جهان ... و ... مهمترین

... در دو جنگ جهانی نام برد، کشور ما تحت رهبری رضاشاه کبیر و به دنبال آن شاهنشاه آریامهر توانسته است به پایه‌ای از قدرت برسد که در شمار پیشرفته‌ترین ممالك جهان امروز قرار گیرد و این پیشرفتها در تمام شئون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به وضوح دیده میشود

یمان دارم شما کارگران عزیز که در پرتو انقلاب شاه و ملت اکنون با سهیم شدن در منافع کارخانجات و بدنبال آن براساس اصل گسترش مالکیت صنعتی سهام کارخانجات را خریداری می‌نمائید، میتوانید با فعالیت زیاد و روزافزون خود و بالابردن سطح مهارتهای فردی تولیدات کشور را از نظر کیفیت و کمیت افزایش دهید

کنون که کشور ما در زیر پرچم حزب رستاخیز ملت ایران با قدمهای استوار بسوی تمدن بزرگ گام برمیدارد شما کارگران عزیز که طبقه زحمتکش و سازنده این مملکت میباشید میتوانید با عزمی راسخ و اراده استوار زیربنای اقتصادی و صنعتی کشور را مستحکم‌تر نموده و دوشادوش تمامی افراد این مملکت در راه به ثمر رسانیدن آرمانهای بزرگ ملی گام بردارید

در خاتمه در این روز بزرگ که مصادف است با سالگرد ششمین سال برگزاری جشنهای دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران همگی با صدای بلند اعلام میکنیم از هیچ کوششی در راه اعتلای نام کشور شاهنشاهی ایران فروگدار نخواهیم کرد و آماده هرگونه جانفشانی در راه شاهنشاه آریامهر و میهن خود خواهیم بود

پاینده ایران جاوید شاه

سخنرانی اقای هاشمی همراه با ابراز احساسات شدید حاضران نسبت به خاندان پهلوی پایان گرفت و سپس اقای عالیپور دبیر سندیکای کارگران پشت تریبون قرار گرفت تا بپاس نعماتی که در دوران پهلوی نصیب کارگران شده سخنانی ایراد نماید

اکنون پنجاه سال از روزی که میراث ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی ایران به روی خاندان پهلوی لبخند زد، گذشته است. در این پنجاه سال از آنجا که ایستاده بودیم به کجا رسیده‌ایم؟ نگاهی به اطرافمان بیندازیم نتیجه می‌بینیم گویی یك خواب شیرین و رویائی و آرزوپرور است. خوابی که حتی تاریخ، تعبیر شدن انرا به سختی میتوانست باور کند. اما این خواب شیرین به هرگونه، تعبیر شد: پهلوی اول، چوپان تلاشگر سرنوشت در عرصه پیشتازی‌های جهانی چنان سرزمین و سرزمینیان ما را پیش برد که در زمانی به درازی شانزده سال لحظه‌ای یا چشم بهم زدنی در تاریخ به آن چشمه جاودانه رسیدیم

آنجا که آبی زلال، آبی چون اشك فرشتگان، آمیخته‌ای از شبنم و مهتاب، غبار ظلمت چند قرن خفتن در عصر را، از جان و روان ایران و ایرانی شست و شو داد. انگاه زمان سرآمد. پهلوی اول، سکان کشتی سرنوشت ایران و ایرانی را به ناخدای دوم سپرد، شاه جوان در تلاطم طوفانها و خیزابها چشم به افقی دوردست، اما روشن و امیدپرور داشت، بار دیگر سرنوشت می‌رفت تا براین سرزمین کهن بتازد. جنگ دوم جهانی اگر از ایران با نام پل‌پیروزی سود میبرد لیکن سنگینی چکمه‌های جنگندگان، چنان بود که

... بهادر مختاریان مدیر عامل شرکت سقزسازی ایران

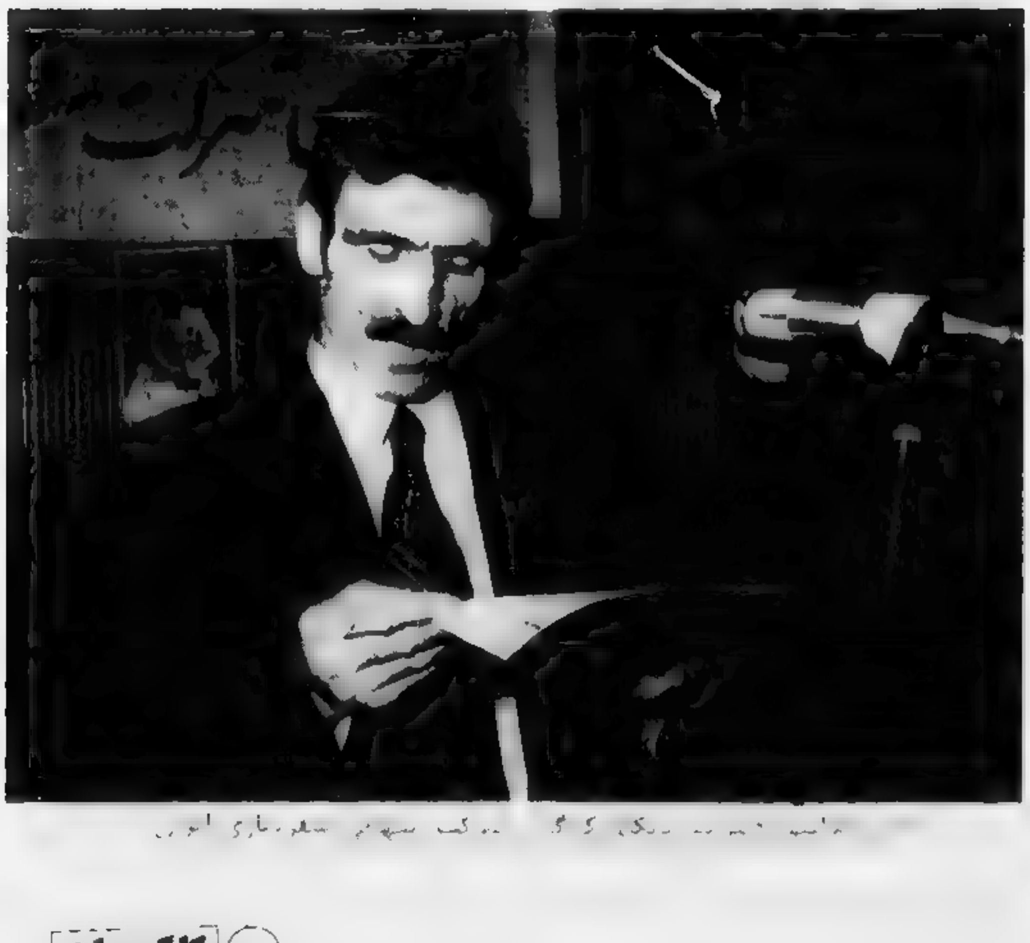

... شرکت سهامی سقزسازی ایران

# اقتصادی زیربنای مستحکمی یافته است

**جمشید هاتفی، مدیر کارخانجات آدامس خروس نشان:**

میرفت بشکند

کشتی سرنوشت ایران، در این دریای متلاطم، غوطه میخورد، فرو میرفت، بالا می‌آمد و دمی آسایش نداشت. ... خدای ایران، بار دیگر، پهلوی دیگری را سرنوشت‌ساز این سرزمین کرده بود. شاه جوان آرامش کشتی را فراهم آورد، مسیر آن را به سوی افاق روشن معین کرد و کشتی براه افتاد. کاروانی، سوار بر سریر سرنوشت که با آن همه تیرتکی و چابکسواری ماجراها برسر راه داشت. این ماجراها هرکدام بوته آزمایشی بود که ایران را پخته‌تر کرد و ایرانی را، از آن سرفراز و سربلند بر آورد.

قیام ملی ۲۸مرداد، پیوند شاه و مردم را چنان استحکامی داد که رنگین‌کمان، از امید و آرزو در آسمان ایران کشیده شد. دو انتهای رنگین‌کمان، در دو واقعه تاریخساز فرو خفته بود از ۲۸مرداد تا ششم بهمن ۱۳۴۱ روزی دیگر که باری دیگر، ملت ایران پیوند خویش را با شاه خویش، سجده‌گاه نیایش‌های وطن‌پرستانه کرد و از دل و جان شعر ناب برابر بودن را به سه‌کلام خدا، شاه، میهن برلب جاری آورد.

بدینگونه، دگرگونی سرنوشت ایران و ایرانی که با طلوع آفتاب پهلوی آغاز شده بود، در ادامه تداوم تاریخی خود به اینجا رسید که اکنون، آنچه در پیرامون خود می‌بینیم گویی که خوابی خوش است دهقان ایرانی آزاد شد، زن ایرانی آزاد شد، تکسوار دانش و سلامت، دوشادوش سپاهیان به دورترین روستاها رفت، کارگر در سود کارخانه سهیم شد و اصل گسترش مالکیت صنعتی کارگر ایرانی را سرافراز نمود.

ثروت‌های ملی در میان ملت و برای ملت فرانهاده شد، تعیین سرنوشت ایرانی به دست ایرانی سپرده شد، ایرانی به آنچه سزاوارش بود رسید. مقامی والا در عرصه عیار سنجی‌های جهانی اکنون، ایرانی، به ایرانی بودن خود می‌بالد

و به این راز دلنواز، شکرانه همین بالندگی است که ناگهان، سی‌میلیون ایرانی را برمی‌انگیزد، تا در تمام طول سال جاری، هرروز جشنی باشکوه‌تر و آئینی دلنوازتر را با تمام دل و جان برگزار کنند و به شکرانه آن که پنجاه سالگی خاندان پهلوی به هزارسالگی برسد. دیده‌اید فرزندان خانواده را، که با صفا و مهر و عطوفت قلك‌های خود را می‌شکستند، تا سالروز تولد پدر را با خرید هدایائی از طریق آن پس‌اندازها، جشن بگیرند؟ اکنون این ملت است قلك سالها مهرآموزی را شکسته است. تمامی سکه‌های مهر و عشق را تمامی آن پس‌انداز سال و سالیان مهرورزی به پدر را از نهانخانه جان بیرون آورده است، تا یکجا: این همه را به خاك پای پدر ملت، این پدر، پدرتر، پدرترین، ارزانی دارد، ایران پنجاه سالگی خود را در تولد دوباره‌اش جشن میگیرد

و به میمنت این روز همگی یکدل و یك صدا دست به پیشگاه پروردگار بلند نموده و آرزو می‌نمائیم

خداوندا روان رضاشاه کبیر بنیان‌گذار ایران‌نوین را شاد بدار

پروردگارا اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر را جاوید و سلامت بدار

خداوند شهبانوی نیکوکار ما را موفق بدار

بارالهی والاحضرت ولیعهد ما نور چشم ملت ایران را از گزند دشمنان محفوظ بدار

پاینده ایران جاوید شاه

در خاتمه از شرکت‌کنندگان در این جشن پرشکوه بطور شایانی پذیرائی بعمل آمد و برنامه‌های هنری توسط هنرمندان بزرگ کشور اجراء گردید. این مراسم پرشور در میان ابراز احساسات شدید شرکت‌کنندگان نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت در ساعت ۸ بعدازظهر خاتمه یافت

# در سایه پنجاه سال شاهنشاهی امروز کشور ما چهره دگرگون

بمناسبت بزرگداشت جشن‌های پنجاه سال دودمان پهلوی جشن باشکوهی از طرف موسس و مدیر عامل گروه صنعتی برک (کارخانجات پشمبافی ایران برک-شه‌باف پارس‌نیت- لباسدوزی شمال وایران پولین) در کارخانجات پشمبافی ایران برک رشت در سالن اجتماعات کارخانه مذکور برگزار شد در این جشن پر شکوه دکتر محمد ستاری نماینده مردم رشت در مجلس شورایملی، منوچهر احمدزاده مسئول حزب رستاخیز ملت ایران استان گیلان اربابی معاون استاندار مدیران‌کل و روسای ادارات فرمانده ژاندارمری ناحیه استان گیلان سرهنگ سیدی رئیس شهربانی استان گیلان وبیش از یکهزار نفر از کارکنان کارخانجات نامبرده حضور داشتند تمام میهمانان جشن هنگام ورود به سالن اجتماعات کارخانه که بطرز پرشکوهی آذین‌بندی شده بود توسط مهدی هرندی موسس و مدیر عامل گروه صنعتی ایران برك و دیگر مدیران کارخانه مورد استقبال گرم قرار میگرفتند در آغاز این جشن پرشکوه سرود شاهنشاهی نواخته شد و حاضرین در جشن احساسات پر شوری نسبت بشاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت نشان دادند انگاه مهندس محمدحسین سراجزاده رئیس کارخانجات پشمبافی ایران برك سخنانی باین شرح ایراد کرد:

جناب اقای اربابی معاونت محترم استاندار حضار گرام - همکاران عزیز تشریف‌فرمائی سروران گرامی را باین جشن بزرگ بپاس پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار خاندان جلیل پهلوی برگذار میشود از طرف کارکنان گروه صنعتی برك خوش‌آمد میگویم. بهروزی وسعادت روزافزون همگی را در راه خدمت به رهبر عالیقدر ایران شاهنشاه.

اریامهر و ملت عزیز ایران و جانبازی در راه میهن و آرمان‌های ملی از درگاه ایزد یکتا خواهانم.

حضار گرامی بدون شك پیروزی‌های ملت ایران در این پنجاه سال اخیر تحت رهبری خردمندانه و شجاعت و شهامت و از خود گذشتگی سردودمان پهلوی اعلیحضرت رضا شاه کبیر و فرزند برومندشان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر میباشد.

امروز در سایه پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی کشور ما چهره دگرگون بخود گرفته با گامهای سریع بسوی تمدن بزرگ در حرکت میباشد.

گروه صنعتی برك که از برکت امنیت و ثبات دامنه فعالیت و خدمات خویش را توسعه داده و در راه سازندگی کشور کوشش خستگی ناپذیری را در دوران انقلاب شاه و ملت شروع نموده و با علاقه بیشتر ادامه خواهد داد همه کارکنان این گروه هم صدا میگویند: شاهنشاها همانطوری که از همه افراد ایرانی انتظار شایستگی دارید ما هم میکوشیم تا خود را هر چه بیشتر شایسته این ازادی و دموکراسی که اکنون از آن بر خورداریم نشان بدهیم. زنده و جاوید باد شاهنشاه اریامهر پاینده ایران پس از سخنان

**متن تلگراف مدیر عامل گروه صنعتی ایران برك**

**پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر**

**شاهنشاها : امروز کارکنان گروه صنعتی برك پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار و غرورآمیزخاندان جلیل پهلوی را جشن میگیرند. چاکر به نمایندگی از طرف کارکنان کارخانجات پشمبافی ایران برك، شه‌باف، پارس نیت‌لباس‌دوزی شمال و ایران پولین مراتب حق‌شناسی و سپاس خود را به خاکپای همایونی عرضه داشته و بقای عمر و سعادت و سلامت شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی و والاحضرت همایون ولایتعهد را از درگاه ایزد یکتا مسئلت مینماید.**

جان نثار - مهدی هرندی

**گوشه‌ای از جشن پر شکوه پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی گروه صنعتی برك با حضور مهدی هرندی موسس و مدیر عامل**

رئیس کارخانجات پشم بافی ایران برك مهندس عباس مرادیان رئیس کارخانه شهباف پشت میکروفن قرار گرفت و به پیشرفتهای ایران اشاره کرد و گفت:

حضار محترم: خانم‌ها آقایان با کمال خوشوقتی افتخار دارم از طرف خود-اعضای هیئت مدیره-کارمندان و کارگران کارخانجات شه باف ضمن عرض خیر مقدم و تشکر از تشریف فرمائی مدعوین ارجمند در این جلسه که بمناسبت بزرگداشت جشن پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی که از طرف گروه صنعتی برك شامل کارخانجات پشمبافی ایران برك-کارخانجات پارس نیت و کارخانجات شه باف تشکیل شده در خور توانائی خود متناسب با زمانی که امکان صحبت میباشد چند کلمه باستحضار برسانم:

با مراجعه بتاریخ همه آگاه هستیم که سرزمین مقدس ایران طی قرون متمادی فراز و نشیبهای متعددی داشته و در بعضی از موارد ریشه حیات و وجود اسمی ایران عزیز و ایرانی در شرف زوال رفته لاکن خواست خداوند متعال باز هم مطمئنی در گوشه و کنار باقی گذارده و سکان کشتی غرق شده را بدست رهبری توانا سپرده است.

ایرانی شریف نیز هر گاه قائد توانائی بخود دیده نبوغ ذاتی خود را نشان داده است از وضع ایران قبل از سلسله پهلوی زمانی نمیگذرد که افراد ملت از آن بی‌اطلاع باشند وضع اسف‌انگیز آن زمانی بجائی رسیده بود که حتی وجود اسمی ایران عزیز رو بزوال بود اما این بار نیز کشتی طوفان‌زده ایران با ظهور سرداری رشید بزرگ و مقتدر با ظهور پیشوائی قادر چون رضاشاه‌کبیر سردودمان خاندان پهلوی بساحل مقصود رسید و مملکت از دگرگونی‌های بین‌المللی که در اثر بی‌لیاقتی مشتی خائن و اجنبی‌پرست بوجود آمده بود نجات یافت که شمارش خدماتش در هرقسمتی از ایران خود احتیاج به بحثی عظیم و مفصل دارد.

اما از بخت بد اتفاقات جنگ دوم جهانی نگذاشت که ایرانی بتواند بیش از آن از وجود چنان قائد توانائی بهره‌مند گردیده و کارها به نتایج عالی که امید و آرزوی میلیونها ایرانی بود برسد.

جای بسی شکرگزاری است که بلافاصله شاهنشاه آریامهر جانشین پدر تاجدار خود شد و زمام امور مملکت را بدست با کفایت خود گرفت شاهنشاه از نخستین روزهای زمامداری با معضلات فراوان و دشواریهای بسیاری که ناشی از جنگ دوم جهانی بود روبرو گردید لاکن فضل و نبوغ ذاتی معظم‌له سیمای سیاسی و اجتماعی کشور عزیز ایران را آن چنان درخشان ساخت که ملت و مملکت ایران در نیم قرن سلطنت پهلوی در یك جهش تاریخی قرنها عقب افتادگی را پشت سر نهاد و از هیچ بهمه چیز رسید.

# دودمان پهلوی بخود گرفته است

دکتر باقری مدیر کل کار استان گیلان در حال سخنرانی

مهندس عباس مرادیان رئیس کارخانجات شهباف

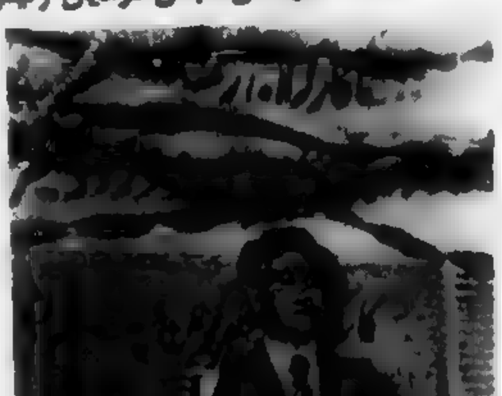

علی‌اکبر کوچکی نماینده کارگران

به حقیقت وقتی آن روزگار بدبختی را با زندگانی با فر و شکوه و پر رونق امروز مقایسه میکنیم بحکم حق شناسی و قدر دانی در مقام تجلیل و بزرگداشت از سلسله سرشار از خیر و برکت پهلوی بر می‌آئیم و بهمراه آن صمیمانه‌ترین سپاس را به پیشگاه مبارك شاهنشاه آریامهر در این گرد همآئی تقدیم داشته و آمادگی خود را برای خدمت به میهن و جان نثاری در راه وجودش در هر لباس که هستیم اعلام میداریم.

جاوید شاه پاینده ایران

علی اکبر کوچکی نماینده کارگران سومین نفری بود که از پیشرفتهای چشمگیر ایران در دوران پهلوی سخن گفت. وی اظهار داشت:

شاهنشاه فقید بموازات تامین امنیت وسائل ارتباطی بامور فرهنگ هم توجه خاصی مبذول داشتند.

برای بالا بردن سطح فرهنگ با تصویب قانون اعزام محصل بخارج اقدام فرمودند و در ضمن با گسترش و ازدیاد مدارس و ایجاد تاسیس دانشگاه تهران موجبات پیشرفت علمی ملت را باعث شدند در دوره سلطنت رضا

مهندس محمد حسین‌سراجزاده

شاه کبیر در باره اقتصاد و امور صنعتی کشور نیز گامهائی بلند برداشته شد مانند تاسیس کارخانجات قند و کارخانجات ریسندگی و چیت سازی و نساجی و خلاصه اقدامات اساسی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و رونق تجاری مبذول فرمودند پس از اعلیحضرت رضا شاه کبیر فرزند برومندشان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر از آغاز سلطنت در راه اهداف پدر تاجدار کوشا شدند تا جائی که در تمام زمینه‌ها به موفقیتهای بزرگی نائل آمدند و با اراده‌ای آهنین از نظر دفاعی یك ارتش نیرومند و مجهز را پایه گذاری نمودند در زمینه‌های آموزش و پرورش بطوریکه همگان استحضار دارند تحصیل رایگان تا دانشگاه برای فرزندان این آب و خاك آزاد گردید در زمینه بهزیستی شاهنشاه آریامهر از بدو سلطنتشان

همواره در امر بهداشت و بیمه نمودن تمام طبقات یك اقدام اساسی بعمل آوردند در زمینه کشاورزی کشور ما هم اکنون در سطحی معقول قرارگرفته و با توجه به اینکه سدسازی و تامین آب جهت آبیاری زمینهای مزروعی خود یك امر اساسی بوده و بطور کلی ایجاد راهسازی و توسعه ارتباطات زمینی و توسعه بنادر و ایجاد فرودگاهها و سایر پیشرفتهائی که هم اکنون ما شاهد آن میباشیم به منصه ظهور رسیده است امر مهمتری که در زمان ۵۰ سال دوران سلطنت پهلوی بوقوع پیوست انقلاب شاه و مردم بود که لوایح قانونی آن در مرحله اول با ۶ اصل انقلاب بوجود آمده تا جائیکه هم اکنون ۱۷ اصل انقلاب در همه جوانب مربوط در راه پیشرفت و رفاه ملت ایران بوجود آمده مخصوصاً اینکه اصل چهارم انقلاب که اولین پایه رفاه طبقه کارگر را در برداشته پایه ریزی شده و نیز اصل سیزدهم انقلاب که مکمل خواسته کارگر بوده و بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر کارگران در واحدهای صنعتی دارای سهام شده‌اند.

در خاتمه با تقدیم سپاس فراوان ما کارگران به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر گذشت پنجاه سال دوران پر افتخار سلطنت پهلوی که طلیعه افتخارات و سر بلندی ملت ما بوده همیشه برای ما گرامی و مسرور خواهد بود.

با شعار جاوید شاه بعرایضم خاتمه میدهم.

جاوید شاه پاینده ایران بزرگ

پس از سخنان نماینده کارگران دکتر باقری مدیر کل اداره کار استان گیلان پشت میکروفن قرار گرفت و سخنان پرشوری در مورد اوضاع ایران قبل از دوران پهلوی و پنجاه سال سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی ایراد کرد و در پایان گفت:

رضا شاه کبیر با دستی تهی اما اراده‌ای آهنین توانست درهای سعادت را بروی ملت خود بگشاید. اقدامات پرارزش اعلیحضرت فقید برای کشور ما بسیار پر ارج است اقدام به تاسیس ارتش نوین ایران، ایجاد دانشگاه و دانشکده‌های مختلف ایجاد طرق و شوارع ، ارتباط و مخابرات ، لغو کاپیتولاسیون و هزاران کارهای دیگر که همچون روشنائی خورشید میدرخشد . وجود فرزند برومندشان شاهنشاه آریامهر طلیعه تابناکی بود در آسمان کشور ایران که در سخت‌ترین شرایط زمان و درست در زمانیکه دنیا در جنگ جهانی خانمانسوز میسوخت قبول مسئولیت فرمودند و نجات‌بخش کشور بزرگ ایران شدند بموازات اقدامات اولیه آذربایجان عزیز را به ایران باز گرداندند و املاك سلطنتی را بین زارعین تقسیم کردند این کارخانجات عظیم تولیدی در کشور متکی بر تکنولوژی جدید واقعا نمیتوانست بر روی ستونهای پوسیده استعمار تاب مقاومت بیاورد بنابراین شاهنشاه برای بوجود آوردن ایرانی آباد و ملتی آزاد انقلاب ششم بهمن را پی ریزی فرمودند و در روز ششم بهمن ۴۱ - تز انقلابی خود را بملت عرضه کردند و ملت ایران نیز با تائید همه جانبه بدنیا ثابت کرد که ملتی آزاد و آگاه است . امروز که چند سالی از انقلاب بزرگ میگذرد یك روح همفکری - همگامی و یگانگی در تمام سطوح کشور ایجاد شده و همه و همه برای سر بلندی ایران عزیز برای احیای کشور کهنسال باستانی و گذشتن از مرز ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی میکوشند و امروز بر اثر تلاش و کوشش و یکپارچگی موجود با بر خورداری از رهنمود های شاهنشاه آریامهر یك دگرگونی کامل را در کشور شاهد هستیم در شهر رشت نیز چون دیگر نقاط کشور تغییرات اقتصادی و اجتماعی وسیعی بوقوع پیوسته است و این منطقه با آمادگی کامل خود را برای ورود به دروازه‌های تمدن بزرگ آماده میکند.

زنده و جاوید باد شاهنشاهی که برای بر قراری صلح و ثبات و پیشرفت مملکت میکوشند، جاوید بر شاهی که برای نظام کشور از هیچ تلاشی فروگذار نمیکنند. از خداوند بزرگ میخواهم شاهنشاهمان را برای همیشه سلامت بدارد.

زنده و جاوید باد شاهنشاه آریامهر.

پس از سخنرانی مدیر کل کار استان گیلان برنامه‌های هنری اجرا شد و از میهمانان پذیرائی بعمل آمد این مراسم پر شکوه در میان ابراز احساسات شدید حاضرین در جشن با غریو جاوید شاه جاوید شاه پایان یافت.

# جشن شکوهمند پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در کارخانجات صنعتی بوتان

**مهندس سعید خلیلی، مدیرعامل کارخانجات صنعتی بوتان:**

- **پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ایران را از ضعف و ناتوانی به اوج سربلندی هدایت کرد.**
- **کارخانه جدید صنعتی بوتان، بزودی در اندیمشک افتتاح میشود.**

**آقای مهندس سعید خلیلی مدیرعامل کارخانجات صنعتی بوتان**

**قربانعلی اوزن نماینده هیئت مدیره سندیکای کارکنان کارخانجات صنعتی بوتان**

**عکسی از برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در کارخانجات صنعتی بوتان**

پنجاه سال شاهنشاهی پرشکوه و سازنده دودمان پهلوی در گرد همائی بزرگ مدیران و کارکنان کارخانجات صنعتی بوتان، با سرور و شادمانی جشن گرفته شد.

دراین مراسم سرورانگیز که با حضور چند تن از نمایندگان مجلس، نمایندگان بازرگانی و صنایع و معادن درمحل کارخانجات صنعتی بوتان برپا شد، ابتدا سرود شاهنشاهی بعنوان طلیعه برنامه‌ها نواخته شد و سپس آقای مهندس سعید خلیلی، طی سخنان مبسوطی به تشریح تحولات ایران در دوران شاهنشاهی پهلوی پرداخت

وی در آغاز سخن، مدعوین و کارکنان کارخانجات بوتان را مخاطب قرار داد و گفت

«دوستان عزیز و همکاران گرامی امروز ما در این مکان جمع شده‌ایم تا بمناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان جلیل پهلوی مراتب حق‌شناسی و سپاسگزاری صمیمانه خود را به پیشگاه مقدس رهبر خردمند و پدر تاجدارمان شاهنشاه آریامهر معروض داریم و با ابراز صمیمانه‌ترین احساسات، اندکی از دین عظیمی را که بر عهده داریم، ادا نمائیم

آقای مهندس سعید خلیلی، آنگاه به تشریح تحولات پنجاه سال اخیر پرداخت و گفت:

اگر یک نگاه بگذشته بیندازیم و مواهب و مزایا و آسایش و امنیت و رفاهی را که امروز داریم و با آنچه نیم‌قرن پیش در این سرزمین باستانی میگذشت مقایسه کنیم، آنوقت روشن میشود که تنها ظرف پنجاه سال از کجا به کجا رسیده‌ایم و با چه سرعت و وسعت و شتابی در جاده ترقی و تعالی پیش رفته‌ایم

قبل از کودتای سازنده و تاریخی سوم اسفند ۱۲۹۹ کشور کهنسال ما علیرغم سوابق درخشان و گذشته‌های غرورانگیز و فرهنگ و تمدن باستانی خود قبل از نیم‌قرن گذشته براثر بی‌لیاقتی‌ها- خودخواهیها- خبطها و خیانتها در سراشیب سقوط و انهدام پیش میرفت و تحت فشار قدرتها و سیاستهای مخرب استعماری چنان ناتوان و عقب‌افتاده و ضعیف بود که در افق آینده جز تیرگی و ظلمت و یاس و ناامیدی چیزی به چشم نمی‌خورد. اما مشیت الهی این بود که ملت شریف ایران از آن سرنوشت شوم و مرگبار رهائی یابد و بدست مردی از فرزندان خلف و سرداران سلحشور میهن بار دیگر دورنمای عظمت و سعادت را در برابر خود ببیند و قدم در جاده ترقی و پیشرفت بگذارد و بعد از آن سردار بزرگ و شایسته نیز در سایه رهبریهای خردمندانه و نور بینش و جهان‌بینی وسیع و شور و عشق بی‌پایان و تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر فرزند برومندش اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با چنان سرعتی مراحل سازندگی و ترقی و تعالی را طی کند که ظرف مدتی کمتر از نیم‌قرن از چهارگوشه جهان همه چشم‌ها و نگاهها را با تحسین و اعجاب بسوی خود معطوف دارد.

اگر امروز ما در دنیای پرتلاطم حاضر از ثبات و آرامش بی‌نظیر برخورداریم- اگر کشور باستانی ما ظرف این مدت کوتاه از یک کشور ضعیف و ناتوان بصورت یک کشور پیشرو- مترقی و نیرومند درآمده است- اگر آنهمه محرومیت و عقب‌ماندگی و ناامیدی به رفاه و آسایش و امید مبدل شده است- اگر نظام پوسیده و ظالمانه قرون وسطائی جای خود را به امنیت و عدالت اجتماعی داده است- اگر روستائیان زحمتکش از بردگی و بندگی رهائی یافته و آزاد شده‌اند- اگر چرخهای عظیم صنعت بکار افتاده و طبقه شریف کارگر احترام و ارزش و موقعیتی را که شایستگی و استحقاق آنرا دارد بدست آورده است- اگر برای همه مردم در سراسر کشور موجبات تحصیل رایگان تا اعلی‌ترین درجات فراهم گردیده است همه و همه از مواهب و مزایای درخشانی است که در پرتو پنجاه سال شاهنشاهی پرخیر و برکت و افتخارآفرین دودمان جلیل پهلوی نصیب ملت حق‌شناس و شاهدوست و میهن‌پرست ایران گردیده است. جا دارد که اکنون همه ما از جان و دل در برابر پدر تاجدار و رهبر خردمند ایران سرتعظیم و تجلیل فرود آوریم و یکدل و یکزبان فریاد برآریم که.

[illegible] و جاوید باد شاهنشاه [illegible] و برقرار باد [illegible]

## سخنان نماینده سندیکا

در پایان سخنرانی آقای مهندس سعید خلیلی، آقای قربانعلی اوزن به نمایندگی از طرف هیئت مدیره سندیکای کارکنان کارخانجات صنعتی بوتان رشته کلام را بدست گرفت و گفت

حضار محترم، مهمانان عالیقدر و همکاران گرامی، پنجاهمین سال شاهنشاهی پرخیر و برکت دودمان جلیل پهلوی را، که در حقیقت سازنده تاریخ ایران نوین است به همه حاضران تبریک بگوییم.

از خداوند بزرگ، مسئلت داریم توفیق روزافزون عنایت فرماید تا پاسدارانی لایق برای به ثمر رساندن اهداف عالی انقلاب شاه و ملت باشیم

دراین جشن پرشکوه ملی که به خاطر بزرگداشت این پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی برپا شده است، موقع را مغتنم شمرده برای مدیران و صاحبان این کارخانهٔ بزرگ صنعتی که خود از پدیده‌های عصر پهلوی میباشد آرزوی موفقیت مینمایم

به یقین روزی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر به شاهنشاهی ایران رسیدند برای هر ایرانی، غرورآفرین و امیدبخش بود زیرا قدرت و اندیشه این بزرگ مرد تاریخ باعث شد فتنه و آشوب و ناامنی و فساد از مملکت رخت بربندد و اولین نشانه‌های فضای صنعتی با جلوه‌های گوناگون در کشورمان بوجود آید.

دوستان کارگر، من و اکثر شما از کوران حوادث تلخ تاریخ کار و کارگری گذشته، چندان آگاهی نداریم اما مراجعه بمراکز اسناد و مدارک پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در زمینه کار و کارگری ما را با این حقیقت روبرو می‌سازد که کارگر، پنجاه سال پیش تنها در مقام اجیرشدن و بدون هیچ نوع حمایت قانونی به سخت‌ترین و پست‌ترین مشاغل باید تن در میداد تا از حداقل یک معاش ساده برخوردار گردد. کمترین پاسخ در مقابل خواسته‌های مشروع یک کارگر اخراج و گاه تنبیه بدنی بود. اما اکنون شما بوضوح دیده‌اید که در سومین کنگره کارگران ایران در کنفرانس ملی کار و در شرفیابی نمایندگان کارگران سراسر کشور در روز کارگر امسال شاهنشاه در پیام عالمانه‌شان چگونه به حیثیت و منزلت اجتماعی کارگر ایرانی اشاره فرمودند. اگر تا دیروز صنایع ما در حد گلیم‌بافی و کوره‌گری بود، امروز به برکت شاهنشاهی پهلوی صنایعی چون ذوب‌آهن و پتروشیمی و برق و دیگر صنایع به خدمت اقتصاد مملکت در آمده است

اگر تا دیروز کسب تخصص موط به تجربه و سالیان دراز کار بوده و در این مدت کارگر چه بسا که محصول را ضایع و ماشین را فرسوده می‌ساخت، امروز مراکز آموزش حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی این نقیصه را از میان برده است.

امروز با ایجاد شرکتهای تعاونی کارگری و بانک رفاه کارگران و بیمه‌های اجتماعی رفاه و آسایش بیشتری برای کارگر ایرانی فراهم شده است

اینها همه از برکات پنجاه سال شاهنشاهی دودمان جلیل پهلوی است [illegible] وظیفه ما و میلیونها کارگر برخوردار از این مواهب در پاسخ‌گوئی به این همه لطف شاهانه چیست؟

بی‌گمان کار، تلاش بیشتر، محصول سالمتر و کسب مهارتهای برتر [illegible] مملکت و ملت از ما انتظار دارند به پاس اینهمه ارج و امتیازاتی که یافته‌ایم دین خویش را به رهبر بزرگ مملکت شاهنشاه آریامهر و ملت ادا نمائیم.

**جاوید اعلیحضرت همایون**

**شاهنشاه آریامهر-پاینده ایران**

پس از استماع اظهارات نماینده هیئت مدیره سندیکا کارکنان کارخانجات صنعتی بوتان برنامه جشن و سرور شرکت‌کنندگان دراین مراسم بیادماندنی آغاز شد. ابتدا، آقای مهندس محسن خلیلی، کیک بزرگ و زیبائی را که بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی تهیه شده بود، درمیان فریاد جاوید شاه حاضران برید. سپس، هنرمندان سرشناس، چند برنامه شادی‌آفرین اجرا کردند و با میوه و شیرینی از حاضران پذیرائی شد

مراسم، تا پاسی از شب ادامه داشت و درمیان ابراز احساسات عمیق حاضران نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی خاتمه پذیرفت.

در حاشیه این مراسم، پای صحبت آقای مهندس سعید خلیلی مدیرعامل کارخانجات صنعتی بوتان نشستیم. آنچه می‌خوانید، حاصل این گفتگو است

آقای مهندس سعید خلیلی گفت: کارخانجات صنعتی بوتان، یکی از ثمره‌های انقلاب شاه و ملت است. این کارخانجات، درسال ۲۵۲۳ شاهنشاهی، با ۱۶ کارگر آغاز به فعالیت کرد، اما همزمان با تحولاتی که در کلیه شئون مملکت پدید آمد، این شرکت نیز رشدی سریع داشت، بطوریکه اکنون ۶۰۰ کارگر، تکنسین، مهندس و کارمند، در کارخانجات صنعتی بوتان مشغول بکار میباشند

### از مونتاژ تا تولید

کارخانجات صنعتی بوتان، فعالیتهای خود را ابتدا با مونتاژ انواع وسائل گازسوز آغاز کرد، اما امروز با بهره‌گیری از تجهیزات مدرن و کامل، از مرحله مونتاژ به مرحله تولید صد درصد رسیده است. همزمان با رشد کمی، کارخانجات صنعتی بوتان به رشد کیفی تولید نیز رسیده و توانست برای تولیدات خود، از مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مهر استاندارد دریافت کند

آقای مهندس خلیلی، همچنین گفت: همراه با توسعه اقتصادی روزافزون کشور و برخوردار شدن طبقات مختلف مردم از مواهب انقلاب شاه و ملت، قدرت خرید مردم در سراسر کشور افزایش یافته و امروز، همه گروهها خواهان برخورداری از بهترین وسایل زندگی هستند. در نتیجه، تقاضا افزایش یافته است و کارخانجات صنعتی بوتان خود را ملزم میداند که به نسبت این تقاضا، حجم تولید انواع محصولات خود را بالا ببرد

درحال حاضر، این کارخانجات تنها حدود ۳۰ درصد سیلندر گاز مورد نیاز بازارهای کشور را تولید می‌کند، اما بزودی کارخانه جدید کارخانجات صنعتی بوتان در اندیمشک مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت و با بهره‌برداری از این کارخانه، کارخانجات صنعتی بوتان موفق خواهد شد حدود ۵۰ درصد سیلندر گاز مورد نیاز مردم ایران را تامین کند

# پیشرفتهای ایران در عصر شکوفان پهلوی

# رسیدن به تمدن بزرگ را نوید میدهد

باید خداوند را سپاس گفت که زندگی ما را مقارن با شاهنشاهی رهبری با فراست و عدالت گستر قرار داده است.

**کشور ایران نه تنها از نظر مظاهر مادی به پیشرفتهای چشمگیر و قابل توجهی نائل آمده بلکه از نظر انقلابهای علمی و عقلی نیز به پایه‌ای رسیده که سر مشق کشور های دیگر جهان شده است**

کارخانه «پرسیت» (آزبست سیمان) نمونه‌ای از انقلاب فکری است که با دست توانای شاهنشاه در فکر ملت ایران کاشته شده و موجب بوجود آمدن این کارخانه شده است

عکسی از برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

**مهندس فریدی یکی از اعضای هیات‌مدیره شرکت «پرسیت» (ازبست سیمان)، پیشرفتهای ایران را در دوران شاهنشاهی پهلوی ستود.**

**نماینده کارگران کارخانه شرکت «پرسیت» (ازبست سیمان)**

[illegible] که گذشت در هم جشنهای متعددی از طرف کارگران و صاحبان صنایع ایران بمناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در گوشه و کنار کشور بر پا شد که جملگی حکایت از میهن پرستی و شاهدوستی و حق شناسی ملتی بود که در لوای شاهنشاهی پهلوی به رفاه و اسایش رسیده‌اند، از جمله جشن کارخانه تولیدی ازبست سیمان ایران بود که در ۹۰ کیلومتری جاده قزوین- رشت واقع شده و [illegible] مورد بهره‌برداری قرار گرفته است

حدود ساعت ۳ بعد از ظهر کارگران و کارمندان شرکت «پرسیت» سهامی خاص تولیدی ازبست سیمان ایران در سالن اجتماعات این کارخانه گرد هم آمدند و سرود شاهنشاهی آغاز جشن را اعلام کرد. سپس آقای مهندس سیامک فریدی یکی از اعضاء هیات مدیره شرکت «پرسیت» به کلیه حاضران خوش آمد گفت طی سخنان مشروحی پیشرفتهای شگرف پنجاه سال اخیر کشور را که در پرتو سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی حاصل شده است ستود

بعد از سخنان آقای مهندس فریدی، نماینده کارگران و کارکنان شرکت «پرسیت» گفت: میهمانان گرامی و سروران ارجمند

اینجانب به نمایندگی کارگران کارخانه بر خود فرض و لازم میدانم که از حضور سروران گرامی که با شوق و علاقه برای شرکت در جشن بزرگداشت دوران سراسر افتخار و پر شکوه ۵۰ ساله دودمان پهلوی قبول زحمت نموده و هیئت مدیره شرکت، کارگران و کارمندان کارخانه را سر افراز نموده‌اند سپاسگزاری نمایم. مزید بسی افتخار را دارد که با بر پا داشتن چنین جشن [illegible] و مراسم اصلاح طلبانه و مترقیانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه اریامهر جزو خدمتگذاران میهن محسوب و بانجام وظایف محوله در پیشبرد هدفهای عالیه شاهنشاه اریامهر سهمی اداء نموده و به ان افتخار و مباهات نماید. این جشن تنها مخصوص کارخانه و افراد آن نیست بلکه نمونه‌ای از جشنهائی است که در سرتاسر مملکت بخاطر پیشرفتهای اقتصادی و صنعتی که بدست توانای اعلیحضرت رضاشاه کبیر پایه گذاری و به رهبری و ارشاد پدرانه شاهنشاه اریامهر بارور گشته و امروز و روزهای آینده شاهد درخشش حاصل آن که در امر پروژه‌های عمرانی و ساختمانی سهم بسزائی خواهد داشت خواهیم بود. محصولات کارخانه شامل لوله‌های ازبست سیمان بقطرهای مختلف و صفحات ازبستی است که عامل مهمی در تامین مصالح ساختمانی و بخصوص مصالح بهداشتی و تاسیساتی است و بطوریکه ملاحظه میفرمائید نمونه‌های ساخت این کارخانه از هر جهت بانمونه‌هائی که در کشورهای پیشرفته و مترقی ساخته شده کاملا قابل رقابت است و هیچ تاسیسات و ساختمانی که تامین سلامت و بهداشت محیط مورد نظر آنان است از استفاده محصولات کارخانه بی نیاز نبوده و علاقمند به استفاده از محصولات مزبور میباشد

جای نهایت افتخار است که موقعیت کارکنان کارخانه در پیش‌برد هدفهای عالیه و مقدس شاهنشاه اریامهر فقط در سایه مشارکت و تعاون که مورد توجه رهبر خردمند و عالی کشور است بدست امده و بدیهی است که پیشرفت صنایع و اقدامات اقتصادی و اصلاحات اساسی پیوسته از طریق تعاون و هم فکری افراد و مشارکت صحیح حاصل خواهد شد

در این مقام با تائید هیئت مدیره محترم شرکت و به نمایندگی ازطرف کارگران کارخانه برای تقدیر وقدردانی از زحمات پی‌گیر و مرحوم فقید سعید دکتر [illegible] که در تاسیس و پایه گذاری این کارخانه و همچنین [illegible] ماشین‌الات کارخانه و حمل [illegible] و نصب‌ماشین‌الاتی که وجود داشت و همچنین بهره‌برداری از ماشین‌الات که شاهد ملاحظه محصول آن میباشید سهم بسزائی داشته و متاسفانه بعلت فقدان در اینجا حضور ندارند تا شاهد موفقیتها و اقدامات خود باشند. ابراز تاسف نموده و نیز ناچار است که ذکری بنماید تا معلوم شود کار خیر و عام‌المنفعه همیشه باقی بوده و مورد ستایش همگان میباشد. برگزاری این چنین‌جشنها نیز بمنظور قدردانی از سردودمان سلسله پهلوی و اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت است

برای بزرگداشت کامل و بیان عظمت خدمات دودمان پهلوی در ۵۰ سال اخیر در این فرصت کم نمیتوان حق مطلب را ادا نمود و مقایسه پیشرفتهای همه جانبه سالهای پر عظمت و باشکوه زمامداری رهبر توانای ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه اریامهر دوران گذشته این امید را در دل فرد فرد کارگران ایرانی روشن می‌سازد که بدوران تمدن بزرگ که شاهنشاه آریامهر وعده آنرا فرموده‌اند نزدیک میشویم.

پاینده ایران- جاوید شاهنشاه آریامهر
زنده باد خاندان جلیل سلطنت

## جشن و پایکوبی

بعد از سخنان نماینده کارگران کیکی که به مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی تهیه شده بود توسط فرماندار رودبار بریده شد و با همان کیک از مدعوین پذیرائی بعمل امد. این جشن ساعتها ادامه داشت و پایکوبی و شادی کارگران در دل صحرای خوش آب و هوای شمال زیبائی انرا دوچندان کرده بود.

## فعالیت شرکت «پرسیت»

در پایان جشن با آقای مهندس روحانی مدیرعامل کارخانه ازبست سیمان ایران گفتگوئی ترتیب دادیم تا خوانندگان از چگونگی و نحوه فعالیت این کارخانه آگاهی بیشتری پیدا کنند. مهندس روحانی در آغاز گفت:

قبلا باید بگوییم که حدود پنج سال پیش فعالیت ساختمانی این کارخانه اغاز شد، در ان زمان این مکان بیابانی بیش نبود و خوشبختانه خیلی زود توانستیم یکی از بهترین و مجهزترین کارخانه‌های ازبست سیمان را در دل این زمین خوش اب و هوا بوجود بیاوریم، اینک خوشحال هستیم که این کارخانه مقارن با جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی فعالیت خود را آغاز میکند.

مهندس روحانی سپس اضافه کرد: در حال حاضر ما از ۵۰٪ قدرت تولید خود استفاده میکنیم و این کمبود تولید به دلیل کمبود سیمان است، و چنانچه در آینده با همکاری دولت بتوانیم سیمان به حد کافی دریافت کنیم از تمام قدرت تولیدی این کارخانه استفاده خواهد شد، بطوریکه میدانید محصولات این کارخانه بخاطر پیشرفت سریع کشور شدیدا مورد احتیاج است و هر چه تولید بیشتر شود در پیشرفت عمران و ابادانی کشور موثر خواهد بود.

در حال حاضر حدود ۲۳۰ کارگر، پنج مهندس ایرانی، یك کارشناس خارجی و پنج مهندس ایتالیائی به اضافه ۳۰ کارمند دفتری در شرکت «پرسیت» (ازبست سیمان) ایران مشغول کارند، که البته در اینده سعی خواهد شد بجای تمام مهندسین خارجی از وجود مهندسین ایران استفاده شود.

مهندس روحانی آنگاه به تولید و هزینه کارخانه اشاره کرد و گفت:

در حال حاضر این کارخانه دو مشکل بزرگ دارد که اولی نبودن سیمان کافی است و دومی که اهمیت بیشتری دارد موضوع قیمت‌گذاری اجناس این کارخانه است، باید بگوییم با اینکه مرکز بررسی قیمتها همکاری صمیمانه‌ای با ما داشته ولی متاسفانه قیمتهای تعیین شده برای محصولات شرکت در حدی است که از قیمتهای تمام شده پائین‌تر است و این امر برای کارخانه‌ای که تازه قدم به فعالیت گذاشته است ممکن است مشکلاتی ایجاد کند.

امید است با همکاری و پشتیبانی دولت بتوانیم بر مشکلات خود فائق شویم.

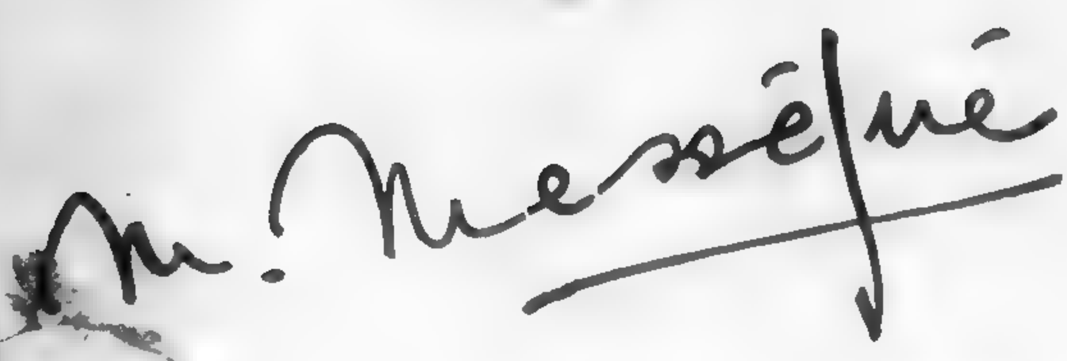

# افسنتین

**گیاهان‌داروئی از کجا می‌آیند؟ چگونه باید آنها راشناخت و چید و مورد استفاده قرار داد؟...**

**این پرسش‌هائی است که پس از انتشار «کتاب حق با طبیعت است»، خوانندگان بیشماری از «موریس مسگه» کرده‌اند و او کتاب جدیدی تحت عنوان «صد گیاه تندرستی من» نوشته است که اخیراً در اروپا این کتاب منتشر شد و آقای مهدی نراقی نویسنده و مترجم گرامی آنرا برای استفاده خوانندگان مجله رستاخیز کارگران ترجمه کرده و در اختیار ما گذاشته است. خوشوقتم که مطالب مربوط به گیاهان داروئی مورد توجه خوانندگان ما قرار گرفته است.**

**کتاب جدیدی که از این شماره مطلب آن شروع میشود، راهنمای عملی است که به خوانندگان می‌آموزد گیاهان داروئی را بشناسند، بوقت بچینند و خشک کنند و در مواردی ضروری آنرا برای شفای دردهای خود مصرف کنند.**

[illegible] (VERLAINE) [illegible]

[illegible]

[illegible]

## بچینید؟

[illegible]

۱ [illegible]

[illegible]

پنج تا بیست گرد «محتوی بین دو انگشت شست و سبابه» برگهای افستین را در یك آب جوش دم کنید و بعد شکر زیادی در آن بریزید تا شیرین شود و سه یا چهار روز هر روز دو فنجان از آنرا بنوشید.

باز هم یادآوری میکنم خانمهائی که بچه شیر میدهند و یا حامله هستند مطلقاً باید از مصرف افستین خودداری کنند همچنین کسانیکه طبیعتی صفرائی و یا دموی دارند و کسانیکه از معده و روده‌های خود رنجورند، باید افستین مصرف نکنند.

درباره افستین در ایران «[illegible]» رئیس صحیهٔ تهران و معلم مدرسهٔ طب دارالفنون که در صد سال پیش در تهران [illegible] چنین مینویسد

در شهرهای مختلف ایران به افستین نامهای محلی داده‌اند [illegible] و «[illegible]» و در گیلان [illegible] میگویند

این گیاه در کوههای مرتفع [illegible] طالش تا گرگرود و در تمام استان گیلان بین دهات رودبار و لاکه میروید در کوههای تهران در ناحیهٔ سولده «اسك کاربجان» زیاد است

در حال حاضر «[illegible]» آنرا بعنوان ضد باد ریت معده و داروی دفع کرم مصرف میکنند و مصرف آن خیلی معمولی است.

مصرف افستین بعنوان داروی دفع کرم بوسیلهٔ دکتر کورماك پزشك عباس‌میرزا [illegible] ناصرالدینشاه در ایران معمول گردید

# من از کی کمترم...

نوشته: نسترن فرنژاد

سرو صدای مهین خانم و غلامحسین خان باز بالا گرفته بود. مثل همیشه هر دو سعی میکردند هک صدایشان را بالا ببرند. غلامحسینخان و مهین خانم دو سه سالی بود که به محله ما آمده و خانه مجاور مارا بمبلغ دوهزارو پانصد تومان کرایه کرده بودند. اوائل فکر میکردم غلامحسین کار پر درآمدی دارد که دوهزارو پانصد تومان کرایه خانه میدهد، ولی بعد ها که مهین خانم رفت و آمد با همسایگان را شروع کرد، فهمیدم که، ای با تمام درآمد غلامحسین خان نزدیك مبلغ اجاره منزل است

یادم میاید روز اسباب کشی از توی کوچه که رد میشدم، بی آنکه بخواهم فضولی کنم، چشمم به کامیون کوچکی افتاد که جلوی در خانه‌شان ایستاده بود..

فکر کردم حتما بقیه اسبابهایشان را بعداً می‌اورند حتما خانواده بزرگی هستند که به چنین خانه‌ای احتیاج دارند.

بهر حال این مسئله‌ئی نبود که زیاد برایم جالب باشد. یکی دوروز که گذشت و فریادهای وقت و بی وقت آنها آرامش زندگی همسایگان رامختل کرد، فهمیدیم که شانس از ما روی برگردانده که چنین همسایه‌ئی نصیبمان شده است. مهین خانم یك ساعت توی خانه بند نمیشد. دائم دم در منزلشان می‌ایستاد و با هر که در رفت و آمد بود، سر حرف را باز میکرد ولی من از آن زنهائی نبودم که وقتم را با این گفتگوهای کوچه‌ئی هدر بدهم، این بود که شنیدم مهین خانم به کسی گفته «واه،پناه بر خدا، این قدسی خانم چقدر خودشو میگیره!انگار از دماغ فیل افتاده. فکر میکنه کیه که اینقده پز میگیره!

یاد کردنش واسه اون خونه قد چوب کبریتشه یا اون لباسهائی که به تنش زارزار میزنه!من اعتنائی به این حرف نکردم. چون سرم بلند بود که با دارو ندار شوهرم میسازم و با توجه به درآمد شوهرم خرج میکنم، و خوشحالیم از اینکه دیناری به کسی بدهکار نیستم شب که سرم را روی بالش میگذارم خیالم راحت راحت است. بگذریم، داشتم از مهین خانم و غلامحسین خان میگفتم....

ختنه سوران پسر ناهید خانم بود که بالاخره مجبور شدم با مهین خانم حرف بزنم آخر آمده بود روی صندلی کنار من نشسته بود ودائم از همه چیز ایراد میگرفت: «واه،واه،چه میوه هائی!خوب اصلاً میوه نمیخریدن که آبرومندتر بود سیگار ها رو ببین که رو میز گذاشتن دیگه کی سیگار هما میکشه؟...عرضه نداشتن چند پاکت سیگار خارجی بخرن ؟...آجیل و شیرینی شونم که از جنگ برگشته. بوی نا میده!

برگشتم و با لحنی شوخی آمیز به او گفتم«خوب خواهر وقتی این همه اشکال تو کار این میهمونی میبینی، واسه چی نشستی؟!...بلند شو برو به جائی که بهتر ازت پذیرائی کنن!»

تا این حرف از دهانم بیرون آمد پشت چشمی نازك کرد و با لحنی مسخره گفت:

«سرکار وکیل مدافع هستین؟!»

بیش از این نتوانستم تحمل کنم. سردرد را بهانه کردم و از میهمانی بیرون آمدم. بعداً فهمیدم که عین همان حرفها را به چند نفر دیگر هم گفته و تصادفاً نفر آخری دختر خاله صاحب خونه بوده. ناهید خانم عصبانی شده، ولی بخاطر میهمانان دیگر سکوت کرده است. نتیجه این شد که مهین خانم و غلام حسین خان از لیست میهمانی‌های گاه و بیگاه اهالی محله برای همیشه حذف شود، ولی صدای مهین خانم همچنان در گوش همسایه‌ها بود. صدائی که از صبح تا شب خطاب به شوهرش بلند میشد که «من از سلیمه خانم چیم کمه که ماشین رختشوئی نداشته باشم؟» شوهرش هم مرد ضعیفی بود. کمی داد و بیداد راه میانداخت که: «زن آخه مگه من چقدر درآمد دارم؟ دلت میخواد کمند بندازم و از دیوار خونه مردم بالا برم، آخه تو چرا اینقدر بی‌فکری. خونه پدرم نشسته بودیم، نه کرایه میدادیم، نه پول برق. مادر بیچاره منم که دست بسینه می‌ایستاد واسه چی پاتو تو یه کفش کردی که باید خونه جداگانه بگیریم. خونه گرفتیم، حالا دیگه این داد و فریاد هر روزت واسه چیه؟.. خب من تمام درآمدم سه‌هزارتومنه، دوهزاروپانصدتومان اجاره خونه میدم. چطوری میتونم واسه تو ماشین رختشوئی بخرم؟ اصلا رختشررو داریم که ماشینشو بخریم؟! خدایا، مسلمونا، یکی بیاد به این زن حالی بکنه که معنی تشکیل خونه و زندگی دادن این هوسبازی‌ها نیست. مگه تو گوش این زن میره که کف دستی که مو نداره نداره...» ولی همین غلام حسین خان فردا با یك وانت، سر کوچه می‌ایستاد و یك ماشین رختشوئی برای زنش میاورد و این به دفعات تکرار شده بود یك روز فرش اصفهان، یك روز آبازور قرمز از همانهائی که زری خانم خریده بود، ماشین ظرفشوئی، مبل و صندلی جدید و خلاصه دعوا همیشه بود و برنده همیشگی هم مهین خانم!

بیچاره صاحبخانه‌شان، واقعاً دلم برایش میسوخت مرد باخدائی است. از آن مردهائی که رویشان نمیشود طلب خودشان را از دیگران وصول کنند، دهم و یازدهم ماه می‌آمد خیلی با ادب سلام میکرد کنار در می‌ایستاد، و ناگهان آنچیزی صورت میگرفت، یعنی صدای مهین خانم چند خانه آنطرفتر میرفت و فریادهایش که:«واه واه واه چه ناتجیب! فقط سه ماه کرایه خونه عقب افتاده، اومدی دم در و قلدری میکنی اصلا پول نمیدیم، برو هر غلطی دلت میخواد بکن چه دوره زمونه بی حیائی شده.»

بیچاره صاحب خانه دم نمیزد و میرفت چند روز بعد ... را میفرستاد که بار هم همان صحنه تکرار ... همه مضحك‌تر این که تمام دوازده ماه سال را هم میهمان داشتند. فامیل‌های مهین خانم از شهرستان می‌آمدند. یکی برای معالجه چشمش، دیگری برای کنکور پسرش و خلاصه ... غلام حسین خان بیچاره نمیدانم سرکدام بیچاره‌تر از خودش را کلاه میگذاشت که این همه مخارج را تحمل کند ولی امان از اینکه یك بنده خدائی از فامیل‌های خودش برای حال و احوال پرسیدن قدم به خانه آنها میگذاشت. بعد از رفتنشان، واقعاً همه اهالی محله سرسام میگرفتند در این اوقات، صدای مهین خانم بیش از هر وقت دیگر بلند میشد که: «مگه من کلفتم که کلفتی پسر دائیتو بکنم. راست راست سرشون میندازن میان اینجا، انگار که اینجا طویله‌ست. بخدا یه دفعه دیگه پاشونو بذارن این‌جا، اون روی سگم بالا میاد و تو چشماشون میگم که دفعه آخرتون باشه.»

چند بار اهالی محله دور هم جمع آمدند که شکایتی بکنند و شر این خانواده را از این محله بکنند اما باز مجید آقا که مرد با خدائی است، منصرفشان کرد و گفت خدا را خوش نمیاد مردم‌رو آواره کنیم. خوب همه اهالی محله احترام مجید آقا را داشتند و باصطلاح مجید آقا ریش سفید محله است ولی

ازهمه بدتر،نوبهمزنی‌های مهین خانم بود که واقعاً آدم را کلافه میکرد. تافرصتی گیر میاورد، ازاین به آن وازآن به این میگفت. تهمت میزد. مثلاً چون با مادر ملیحه لج شده بود، جلوی پدرش را گرفته بود که: آی‌آقا، خوب نیست دخترتو اینقده آزاد بذاری بگرده. ناسلامتی تو این محله آبرو داری. دیروز خودم دیدم که از یك اتومبیل ... دم چه صدونه. شاید فامیلتون باشه، بهرحال وظیفه همسایگی بود که بهتون بگم.»

وشبش چنان معرکه‌ئی درخانه ملیحه برپا شد که کم مانده بود دختر بدبخت دست بخودکشی بزند. من و دوسه نفر دیگر بخانه‌شان رفتیم و شرح فراوانی درباره اخلاقیات مهین خانم دادیم. دخترك بیچاره مثل ابر بهار گریه می‌کرد و سرش را بدیوار میکوبید

مادرش غش کرد تا شوهرش باور کرد قصه اتومبیل دروغ بوده است

حالا بگذریم از اینکه از خواربارفروش محله

بقیه درصفحه ۸۴

# آه رز

## یک مسأله:

درد دل خصوصی خوانندگان عزیز
کارگر

# این دوستی و همکاری

پیش از انکه دستگاه محسن خان به صورت کارگاهی ابرومند و پس از آن به هیئت کارخانه‌یی معظم درآید، من همکاری خود را با او در یك مغازه، سیزده، چهارده‌متری اغاز کرده بودم. با اینکه ظاهراً تمامی سرمایه از او بود، اما در حقیقت عامل اصلی پیشرفت امور دکه من بودم. به عبارت دیگر تنها من بودم که با صداقت و پشتکار، دکه «محسن شله» را به کارخانه عظیم محسن‌خان مبدل کردم بهمین علت هرچند از اینهمه پیشرفت سهمی نصیب من نشد، معهذا از اینکه محسن خان نهایت اعتماد را نسبت بمن روا می‌داشت و کلیه امور کارخانه را بمن سپرده بود، جداً احساس رضا و خوشحالی میکردم. گذشته ازاین یگانگی و صمیمیتی که بین ما دونفر برقرار بود، مرا از هر لحاظ ارضاء و اقناع میکرد. جالب اینکه از لحاظ وابستگی خانوادگی نیز همین صمیمیت وجود داشت، تا بدانجا که پسر او مرا عمو و دختر من هم محسن خان را عموجان خطاب میکرد. نکته دیگر اینکه چون تفاوت سنی زن او و دختر من بیش از دهسال نبود، این دو اکثر روزهای هفته را با یکدیگر میگذراندند و عملا بیشتر اوقات باهم بودند. از این رو هنگامی که محسن و زن و فرزندش به قصد گردش تابستانی عازم اروپا بودند و از من خواستند که دخترم را نیز همراه خود ببرند، کوچکترین واکنش و امتناعی نشان ندادم. افزون براینکه چون من و همسرم دخترمان را از هر نظر شایسته میدانستیم، لازم میدیدیم با رفتن به چنین سفری زحمات شبانه‌روزی تحصیل دانشگاهی را از تن بدر کند. دقیقاً بخاطر دارم روزی که درسالن فرودگاه از همدیگر وداع میکردیم، دخترمان با احساس عجیبی از هدایایی که قصد داشت برایمان خریداری کند، حرف میزد. محسن خان نیز از اینکه من بسبب درگیری شدید با امور کارخانه نمیتوانستم همراهشان باشم، ابراز ناراحتی و تاسف میکرد.

بهرحال، با رفتن محسن‌خان مسئولیت من در برابر امور کارخانه شدیدتر شد و من با اینکه ظاهراً استاد کار ساده و کم‌سوادی بودم، باوجود این براثر برخورداری از نیزهوشی فطری و تجربه زیاد بر تمامی امور فنی کارخانه نظارت داشتم؛ اما چون از کارهای اداری و دفتری شیوه کار دست‌اندرکاران آن چیزی نمیدانستم، نفوذ درخور توجهی در قسمتهای ذکر شده نداشتم. بهمین علت روزی که مدیر کارخانه بوسیله تماس تلفنی مرا به دفتر خویش خواند، با شگفتی و تردید دعوتش را پذیرفتم. از این رو تصمیم گرفتم که هرگاه او بخواهد درباره امور کارخانه امرو نهی کند، قاطعانه دربرابرش بایستم و به اصطلاح سرش را به سنگ بکوبم. لیکن هنگامی که وارد اتاقش شدم و برخورد صمیمانه و مؤدبانه‌اش را دیدم، اشکارا جا خوردم و به انتظار شنیدن سخنانش ایستادم. او پس از تعارفات معمولی بازرستی که مینمود کوشش دارد خود را مسلط بر اعصاب خویش بنمایاند، گفت:

- اقا چند دقیقه قبل از لندن تلفن زدند گویا قبلا قصد صحبت کردن با شمارا داشتند که متاسفانه در داخل کارخانه نبوده‌اید.

از آنجایی که گرفتن این نوع تماس‌های تلفنی از سوی محسن‌خان عادی بود، من بی‌هیچ عکس‌العملی گفتم:

- شاید اینطور باشد، اما معمولا آقا در اینگونه موارد وقت تماس بعدی را تعیین میکرد تا من اماده صحبت باشم.

او که پنداشتی میکوشد نهایت امکان را برای طرح نکته اصلی پیدا کند، بلافاصله گفت:

- بله، اما این دفعه وضع فرق داشت، برای اینکه گویا برای خانوادهٔ آقا سانحه‌یی رخ داده است.

لغت سانحه آنچنان تکانم داد که بی‌اختیار قدمی بطرف او برداشتم و ناخودآگاه گفتم:

- دخترم؟ اعظم...

او بلادرنگ حرفم را برید و گفت:

- نه نه، اتفاقاً اقا و دختر شما سلامت هستند. واقعه مربوط به خانم و پسر اقاست. واقعیت اینست که در یکی از شاهراههای انگلیس خانم پشت فرمان بوده که با سرعت زیاد به اتومبیلی که در شانه خاکی جاده متوقف بوده است تصادف میکند. در این واقعه چون اقا کمربند داشته و دختر شما روی تشك عقب اتومبیل بوده است صدمه‌یی نمی‌بیند، اما خانم که پشت فرمان و پسرشان روی زانوی اقا بوده است، مجروح و بیهوش میشوند. با تمام این احوال گویا خطری متوجه کسی نشده است.

من با اینکه دلیلی علیه گفته‌های او نداشتم، معذلك احساس میکردم که حقیقت واقعه غیر از این است و بی‌شك خطر مهمی متوجه دخترم شده است. از این رو با لحنی استرحام‌امیز از مدیر پرسیدم:

- اقا شماره تلفن محل اقامتش را نداد؟

مدیر بدنبال چند تکانی که بسر خود داد، گفت:

- متاسفانه خیر، اما اضافه کردند باز هم تلفن میزنند.

با اینکه تاکید اخیر وی تا حدی ارامم کرد، با وجود این احساس گنگ و ناشناخته‌یی بر دلم چنگ میزد و وادارم میکرد که فکر کنم دخترم نیز دستخوش حادثه‌یی شده است. با چنین وضع و حال از اتاق او خارج شدم و بی‌آنکه علاقه به انجام کاری داشته باشم، راهی دفتر کوچکم که در انتهای سالن با قطعات الومینیوم و شیشه ساخته شده بود، شدم و بدون هدف پشت میزم قرار گرفتم. بقدری اسیر دلهره و تشویش بودم که برای خوردن ناهار نیز امادگی نداشتم. ان روز تا پایان وقت اداری در دفتر کارم به انتظار نشستم و سرانجام بدون اخذ نتیجه عازم خانه شدم. با آشنایی زیادی که به اخلاق همسرم داشتم، حتی یك کلمه در این مورد به او حرفی نزدم.

روز بعد نیز پریشان‌تر از پیش در گوشه‌یی از دفتر کارم نشستم و به تلفن چشم دوختم. نزدیك ظهر چند تن از همکاران نزدیکم به دیدنم آمدند و ضمن طرح مساله تصادم آقا و خانواده‌اش از سلامت کامل دخترم سخن راندند و اطمینانی نسبی به جانم ریختند.

اما روز سوم، وقتی که همکاران درجه دوم و همچنین مدیر کارخانه به دیدنم آمدند، احساس کردم که تشویق و دلشوره‌ام بی‌سبب نبوده و فاجعه‌یی به وقوع پیوسته است. روی همین اصل در حینی که میکوشیدم خویشتن را مسلط بر اعصابم بنمایانم، خطاب به مدیر کارخانه گفتم:

- امیرخان، تو حالا باید مرا شناخته باشی و بدانی که مرد خویشتن‌داری هستم. تو را بجان بچه‌هایت بگو ببینم ان سر دنیا چه خبر است؟

او که پنداشتی پیش از این توان و یارای خودداری را ندارد، تکانی خورد و گفت:

- واله، اتفاق دست خداست. ما بندگان پروردگار هستیم که باید صبر و تحمل داشته باشیم. با قسمت و تقدیر نمیشود جنگید.

بدنبال سخنان او، یکی از همکارانم لب به سخن گشود و گفت:

- خدا به شما ومادرش صبر بدهد، لابد عمر و سرنوشتش همین بوده است.

با شنیدن این سخنان به حال و وضعی افتادم که توصیف و تشریحش از قدرت من خارج است. همینقدر به خاطر دارم که برای مدتی از خود بی‌خود شدم و بعد بی‌اختیار گریه را سردادم.

به فاصله چند دقیقه واقعیت با تمامی هیبت و هیئتش نمایان شد و مرگ یگانه دخترم جنبه حقیقت بخود گرفت. از حال و روز مادرش چیزی نمیگویم و از انچه که در روزها و ماههای بعد به ما گذشت، سخنی به میان نمی‌اورم، همینقدر میگویم که بامراجعت محسن‌خان معلوم شد که دخترم در نخستین لحظات روز حادثه جان سپرده است، اما همسر و فرزند محسن‌خان بدنبال چند روز بیهوشی مستمر و یکی دو هفته استراحت و معالجه بهبودی یافته‌اند، با تمام این احوال، زمان گذران عادی خود را ادامه داد و من ناچار زندگی ملالت بار خود را از سر گرفتم. حدود یکسال از این واقعه گذشته بود که یك روز خبردار شدم چند مامور کلانتری محسن خان را به جرمی مجهول جلب کرده‌اند. برای کسب آگاهی از کم و کیف واقعه به کلانتری رفتم و در انجا با تلخ‌ترین و زهرالودترین شایعات روبرو شدم. زیرا معلوم شد که رئیس و دوست چندین ساله مرا براثر گزارش پلیس بین‌المللی به جرم قتل دختر من دستگیر کرده‌اند. من پس از پی بردن به این مساله بهر طریقی بود به ملاقات محسن خان دست یافتم و همچنان که انتظار داشتم با انکار شدید او روبرو شدم. اما چند روز بعد که حکم اخطاریه دادسرا به دستم رسید، به اصل قضیه پی بردم. بازپرس دادسرا حاصل اعترافات محسن خان را در برابرم قرار داد و از من خواست پس از مطالعه آن به عنوان مطلع برای پاسخگویی اماده شوم. محسن خان ضمن انکار قتل، اضافه کرده بود که پس از وقوع تصادف و رساندن همسر و دخترش به بیمارستان، حدود بیست و چهار ساعت به اتفاق دختر من که کوچکترین آسیبی ندیده بود، کنار اتاق آنان به انتظار بهوش آمدنشان مانده است. اما چون از نتیجه‌گیری سریع مایوس شده، ترجیح داده است که برای اقامت خود و همسفرش به هتل مراجعه کند. گرفتن اتاقی دو تخته و بسربردن با دختری زیبا و جوان در یك اتاق موجب غلیان وسوسه‌اش شده است که به مدعای خود برای رهایی از این وضع فاجعه آفرین لازم دیده است که لبی به مشروب بزند. لیکن بر خلاف انتظار او مشروب، وسوسه‌اش را مضاعف کرده، تا اینکه نیمه‌های شب اختیار را از کف داده و دخترك معصوم و بی‌گناه را رذیلانه قربانی امیال شهوانی خویش ساخته است. دختر عفیف و ناتوان هنگامی که میبیند تلاش و کوششهایش برای رهایی از میان بازوان پرتوان مرد متجاوز بی‌اثر مانده و او گوهر عفت و سرمایه زندگی خویش را برای همیشه از دست داده است، تصمیم به خودکشی گرفته و در یك چشم بهمزدن خود را از پنجره اتاق که در طبقه پنجم ساختمان بوده، به حیاط خلوت هتل افکنده است!

محسن خان در اینجا اضافه کرده بود که «وقتی من با این فاجعه روبرو شدم، هوش و حواس و ادراکم را از دست دادم و بلافاصله

بقیه درصفحه ۸۳

# زندگینامه ژان ژاک روسو

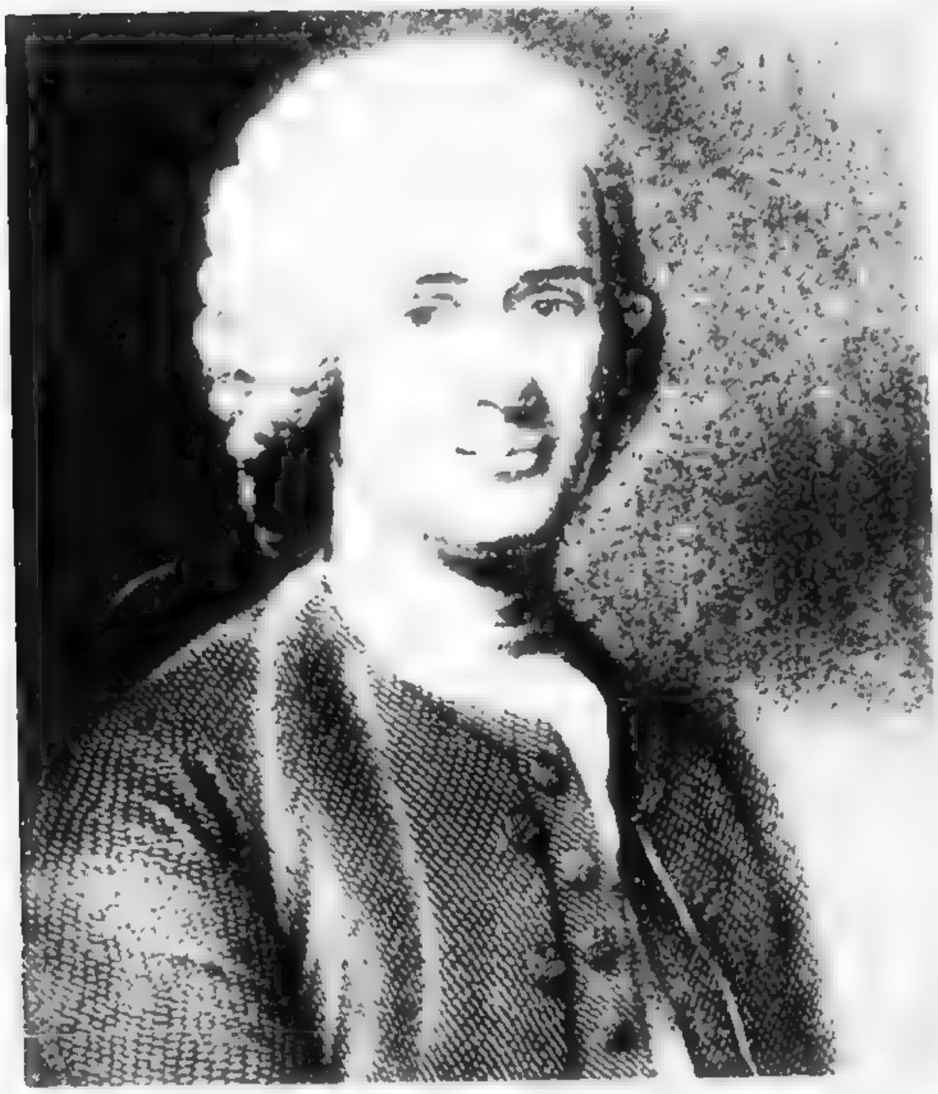

به‌سال ۱۷۱۲ در شهر ژنو، پسری به دنیا آمد که بعدها در طول تاریخ به صورت پدیده‌ای از شگرفی و جاودانگی درآمد. نامش «ژان‌ژاک» و نام فامیلی پدرش «روسو» بود و اسمش روسوی ساعت ساز که تابع کشور سویس بود، از مال دنیا به جز یك مغازه کوچك ساعت‌سازی، چیز دیگری نداشت، اگرچه به عشق همسری که محبوب و یاور او بود، دل خوش داشت و از جهان هیچ نمیخواست.

اما با تولد «ژاك كوچك، این سعادت را هم از دست داد، چرا که مادر به هنگام وضع حمل جان سپرد و تولد کودك که همیشه با شادمانی همراه است، به صورت فاجعه‌ای درآمد. با این همه پدر درد کشیده، وجود «ژان‌ژاك» را به علت شباهتی که به مادر داشت، گرامی می‌شمرد و هرگاه که یاد همسر از دست رفته در نهادش زنده میشد، پسرك را در آغوش می‌گرفت و زیر گوش او زمزمه می‌کرد: «بیا از مادرت با هم حرف بزنیم. نمی‌دانی چه قدر برایم عزیز بود.» به این ترتیب «ژان‌ژاك» از آغاز در محیط حساسی رشد پیدا کرد و به دنبال خیال بافی‌های کودکانه، به کتابهائی که از مادرش باقی مانده بود، دست یافت و چون پدر هم عاشق مطالعه بود، در سنی قبل از سن معمول به اندیشه‌ها و تفکرات دیگران دست یافت و به این ترتیب نیانجامید و هنوز تحصیلات ابتدائی را به پایان نرسانده بود که به خانه دایی خود بازگردانده شد و چون دایی هم وضع مالی مناسبی نداشت، او را به شاگردی یك تقریرنویس دادگستری فرستاد. البته استدلال دایی این بود که «ژان ژاك» می‌تواند از آن تقریرنویس‌راه و رسم پول دراوردن از دادگستری را بیاموزد، اما خوشبختانه منشی دادگستری به زودی به استعداد او پی‌برد و او را از دفتر خود بیرون راند و با داد و بیداد و عصبانیت پشت سرش فریاد کشید که او جز به کار سوهان‌کاری به درد هیچ کار دیگری نمی‌خورد و وقتی این حرفها به گوش دایی رسید، دست «ژاك» را که یك نان‌خور زیادی بود، گرفت و این‌بار او را به نزدیك گراورساز که تصادفاً در خشونت و کج‌خلقی نیز بی‌نظیر بود، سپرد. خود او در کتاب «اعترافات» در باره این مرحله از زندگی خود چنین می‌نویسد:

«....از حرفه گراورسازی ذاتاً بیزار نبودم. حتی امیدوار بودم در این حرفه و تهیه صفحه ساعت تکمیل شوم و شاید هم در این راه موفق میشدم. منتهی بداخلاقی‌های استاد و تنگدستی که گرفتارش بودم، مرا از ادامه این خیال باز می‌داشت. به همین دلیل هم در پنهان تا میتوانستم با ساختن مدال برای رفقا کار می‌کردم. تا اینکه استاد عمل مرا کشف و

## کارگر گراورساز

# نویسنده‌ای نامدار شد

حساسیت و خیال‌بافی او شدیدتر شد تا به‌جایی که در سنین کودکی خود را در قالب قهرمانان مختلف باز می‌دید و از شخصیت واقعی خود فاصله می‌گرفت.

اولین حادثه مهمی که در زندگی پرماجرای او اتفاق افتاد، دوئل پدرش با یکی از دوستان، و فرار او از ژنو بود. و جز این هیچ چاره‌ای نداشت، چون طبق قوانین سویس اگر در شهر می‌ماند، باید به زندان می‌رفت. به این ترتیب پسرك تنها ماند و چون زندگی کودکی به آن سن در تنهایی امکان نداشت، به‌ناچار به خانه دائی‌اش که در اداره‌ای مستخدم بود، نقل مکان کرد. دایی نیز بلافاصله او را برای درس خواندن به پانسیون ارزان قیمتی فرستاد. مدت تحصیل او در این پانسیون سه، چهار سالی بیشتر به طول با ضربه شلاق ادبم کرد و مرا متهم نمود که پول قلابی می‌سازم در صورتی‌که در آن زمان قدرت تشخیص پول بی‌غلوغش را هم نداشتم، چه برسد به پول قلب. بهرحال شدت عمل استاد سرانجام مرا از حرفه‌ام که به آن علاقمند بودم بیزار ساخت و به کارهایی که از آن تنفر داشتم، مثل دروغ و دزدی و تنبلی وادارم کرد واز من یك ترسو ساخت...»

ژان‌ژاك، با این همه سه سال تمام در کارگاه این گراورساز به کار اشتغال داشت. او در این مدت در هر فرصتی که به دست می‌اورد، به مطالعه دست می‌زد و میل به خواندن کتاب که چند زمانی در او کشته شده بود، باز شعله‌ور می‌شد و چون میلی سوزان سراپایش را در خود می‌گرفت. اگرچه مطالعه در هنگام کار جرم بزرگ محسوب می‌شد، اما هرقدر بر میزان سخت‌گیری استاد افزوده میشد، تمایلی که در پسرك شعله می‌کشید زبانه‌دارتر میشد تا به‌جایی که بیشتر درآمد خود را صرف کرایه کتاب می‌کرد. شاید بیش از پنجاه بار استاد کتاب را از دست او بیرون آورد، آن را پاره کرد و سوزاند، ولی باز از عشق به مطالعه در «ژان‌ژاك» فروکش نکرد و سرانجام بعد از یك مجادله شدید که منجر به کتك خوردن شاگرد از استاد شد، طاقت پسرك به پایان رسید و از محل کار خود برای همیشه فراری شد حال آن که نه یك شاهی در جیب داشت و نه پناهی در دنیا. در آن زمان ژان‌ژاك روسو فقط شانزده سال داشت و با طبع بخصوصی که پیدا کرده بود، وجود حفره عمیقی را بین خود و دیگران به شدت احساس می‌کرد. و با این احساس بود که از ژنو فراری شد و مدتی در «ساووآ» به ولگردی پرداخت. خاطرات این دوره از زندگی او بسیار مغشوش است، اما قرائن نشان میدهد مردی که بعدها تاج افتخار ادبی فرانسه را برسر گذاشت و در ردیف مشاهیر دنیا درآمد، در آن زمان برای امرار معاش به کارهایی مانند «پادویی»، «دلالی» و حتی جاروکشی تن در داده است. بهرحال بعد از پایان این دوران، دست تصادف او را با کشیش مهربانی آشنا ساخت و آن کشیش پسرك را به خانه زن خیرخواه و نیکوکاری که به زیبائی و تقوی در آن حوالی شهرت داشت، راهنمائی کرد و به این ترتیب بود که با رفتن به خانه خانم «وارنس»

پایه‌های سرنوشت آینده او بنا نهاده شد. چرا که این زن که مظهری از زیبائی و انسانیت بود، در اولین نگاه «ژان‌ژاک» جوان را با عشقی مقدس پای‌بند خود ساخت و این عشق تا آخر عمر با او باقی ماند. مادام «وارنس» بعد از شنیدن سرگذشت «ژان‌ژاک» به راهنمایی کشیش که مصاحب او بود تصمیم گرفت خرج سفر او را داده و او را راهی خانه دائیش کند.

البته پسرک به خاطر عشقی که در سینه‌اش جوانه زده بود، تمایلی به این سفر نداشت، اما هنگامی که به او وعده داده شد به همراه کشیش در راه بازگشت از قله آلپ نیز دیدن نماید، تسلیم میل خانم «وارنس» شد و راهی سفر گردید. اما از ان جایی که گویی در تقدیر کم‌تر کتابی به شلوغی کتاب زندگی «ژان‌ژاک روسو» نوشته شده است، خرج سفر ان‌ها در راه تمام شد و کشیش و همسرش «ژان‌ژاک» را در شهر «تورن» به یك اموزشگاه کاتولیك سپردند، و خود ان شهر را ترك کردند، ولی عمر این دوران نیز کوتاه بود و بعد از سه ماه، «ژان‌ژاک» که از جور معلمان خشك این مدرسه به تنگ امده بود از آنجا گریخت و باز در جستجوی کار در شهر با شکم گرسنه سرگردان شد.

او که اطلاعاتی از فن گراورسازی داشت، سعی زیادی کرد تا در این زمینه شغلی درجایی به دست بیاورد و چون در این راه موفقیتی به دست نیاورد، با عنوان خدمتکاری در خانه یکی از اعیان شهر مشغول شد. او در این زمان پی‌درپی به محبوب خود خانم «وارنس» نامه‌هایی می‌نوشت و سعی میکرد آن زن مهربان را از حال خود باخبر کند.

بهرحال دوران پیشخدمتی «ژان‌ژاک» شش ماهی طول کشید، اما با مرگ خانم خانه، عذر او از آن‌جا خواسته شد، ولی دوران بی‌کاری او زیاد به طول نیانجامید و به خدمت‌کاری اعیان‌زاده دیگری مشغول شد، اما به زودی او را به جرم گستاخی و غیبت‌های متعدد از آن خانه نیز بیرون راندند و باز ژان‌ژاك روسو در قالب یك ولگرد سرگردان فرو رفت. و در این مرحله بود که تصمیم گرفت برای بار دوم به خانه مادام «وارنس» پناه ببرد.

[illegible] مهربانی از او استقبال کرد و او را در خانه خود جای داد و [illegible] مادام «وارنس» [illegible] و فرصت و [illegible] مطالعه بود و همین [illegible] که «ژان‌ژاك» [illegible] فرصت. دو مرتبه به خوی طبعی خود برگردد و عشق به [illegible] که هنگامی که مادام «وارنس» تصمیم گرفت او را به مدرسه مذهبی [illegible] [illegible] به مدرسه میرفت [illegible] [illegible] مدرسه [illegible] مادام «وارنس» [illegible] موسیقی [illegible] موسیقی به نام «لومتر» سپرد [illegible] به خوشی [illegible] مسافرت [illegible] «لومتر» در بازگشت به خانه مادام وارنس [illegible] وجود مادام وارنس [illegible] نیافت. او به طور ناگهانی به سفر رفته و رجوع نشانی باقی نگذاشته بود، و به این ترتیب در قهرمان صحبت این شماره ما وارد دوره دیگری

## «ژان‌ژاک روسو»

# وقتی در کارگاه گراورسازی حقوق ناچیزی میگرفت بیشتر درآمد خود را صرف کرایه کتاب می‌کرد، و با آنکه بارها استادش کتاب‌های او را سوزاند، ولی عشق به مطالعه در قلبش فروکش نکرد

[illegible] عمر خود شد که باز از دوران‌های تجربی زندگی او محسوب گردید. او [illegible] فراری‌های خود از شهری به شهر دیگر می‌رفت و هر روز با حادثه تازه‌ای برخورد می‌کرد و بیشتر اوقات سیر گرسنه بود. اگرچه به [illegible] طبع ناراحتی‌های خود را پوشیده [illegible] [illegible] در بازگشت به این قسمت زندگی او در کتاب اعتراف چنین می‌خوانیم: [illegible] وضع رفتار من روز بروز بدتر می‌شد [illegible] مردم به تکبر و دلتنگی [illegible] و [illegible] وضع قهوه‌خانه به فرض می‌کردم

[illegible] می‌توانستم [illegible] [illegible]

[illegible] داشتم با کمی نان خالی می‌ساختم و [illegible] روی زمین بدون زیرانداز یا روی نیمکت [illegible] می‌خوابیدم که روی تشك پر قو می‌توان خوابید.»

و این وضع [illegible] نزدیك به ده سال درهم ادامه [illegible] و «ژان‌ژاك روسو» در این مدت مانند یك [illegible] زندگی کرد او گاهی در خانه نوکری می‌نمود گاه در [illegible] کارگری ساختمان و حتی [illegible] همراه [illegible] دیگری به نام [illegible] شهر به شهر می‌گشت و از راه معرکه‌گیری [illegible] می‌آورد. [illegible] زندگی [illegible] دیگر به عشق قدیمی خود مادام «وارنس» روی آورد و درکنار او یك [illegible] به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود [illegible] و مطالعه [illegible] سر گرفت و گذشته از [illegible] عشق و [illegible] خود را که عشق به [illegible] و طبیعت‌پرستی بود کشف کرد و به [illegible] کمك خانم «وارنس» که [illegible] به صورت معشوقه او درآمده بود هنوز هم [illegible] دوست قدیمی گذشته بود. [illegible] گرفت [illegible] این همه هرگز به [illegible] که [illegible] می‌کشید نرسید و زندگیش همچنان [illegible] [illegible] کرده بود و بعد از مدتی از خانه [illegible] وارنس برای آموختن موسیقی به پاریس

بقیه درصفحه ۸۳

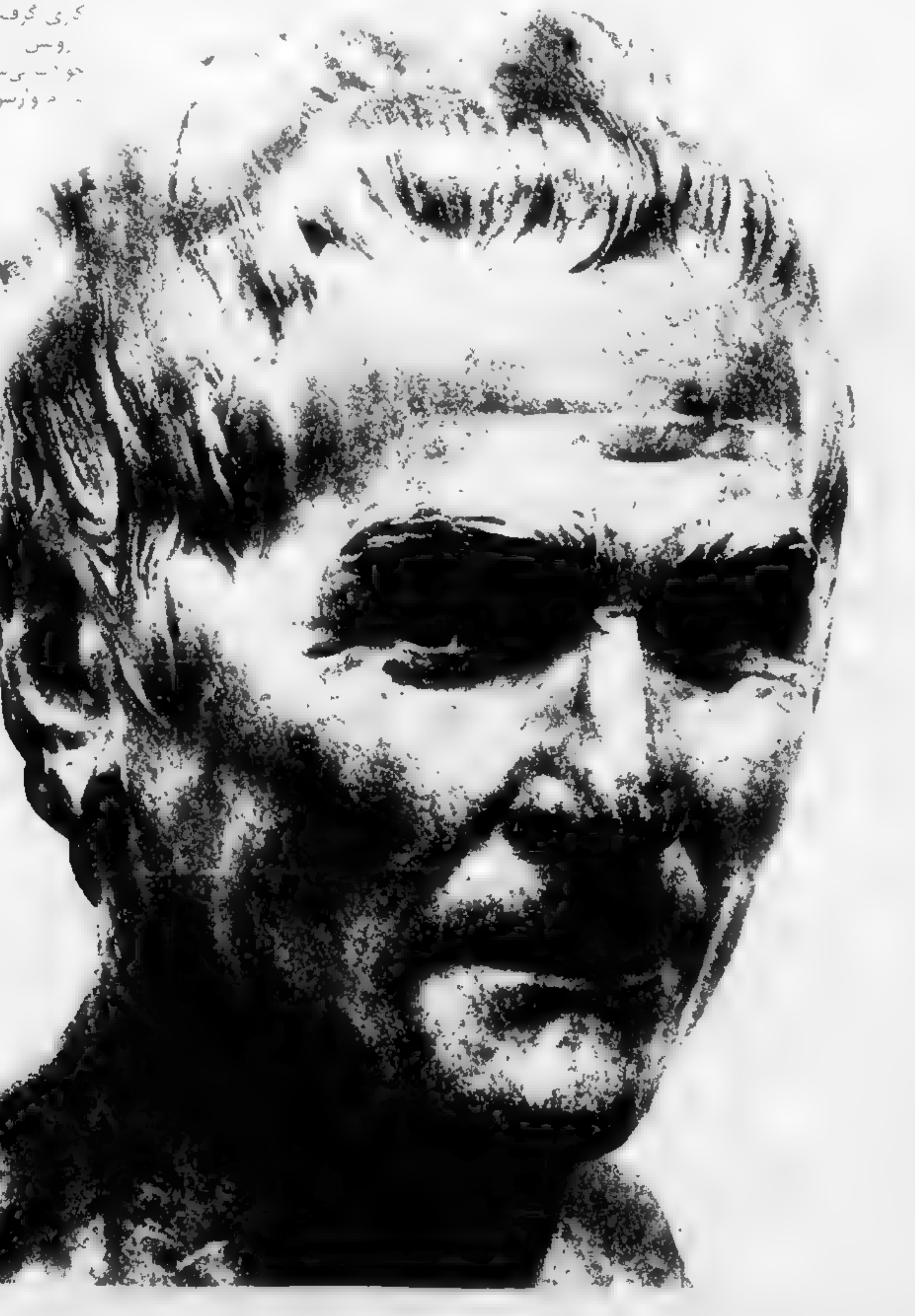

ویسه سپاهی بزرگ تدارك دید و برای گرفتن انتقام پسرش بارمان به سوی پارس راهی شد. در نیمه راه پارس به اردوی درهم ریخته‌ی سپاه بارمان رسید و جسد غرقه بخون فرزند را با اشك دیده شستشو داد و پس از انجام مراسم عزاداری پسر، اشک ریزان و با دلی سرشار از کینه سربدنبال قارن نهاد.

قارن وقتی از لشگرکشی «ویسه» آگاه شد، سپاهش را آرایشی تازه داد و به پیشباز دشمن شتافت. دو سپاه در دشتی بزرگ با هم روبرو شد و ویسه از قلب سپاهش ندابرداشت که:

– دوره‌ی فرمانروایی ایران و ایرانی بسر رسید و اینك گیتی سراسر در دست ماست. شاهتان نوذر را ببند کشیده‌ام و سپاهش را از هم پاشیده‌ام و اکنون منم «ویسه» پهلوان بزرگ توران که آمده‌ام انتقام خون پسرم را از تو بگیرم..... و بزودی تو و سپاهت ضرب شست مرا خواهید دید.

قارن به صف مقدم سپاه آمد و فریاد زد:

– ایران و ایرانی هرگز در برابر دشمن سرفرود نیاورده و نمی‌آورد. ایران بمردان خود زنده است و مردان ایران هنوز سرفراز و آزاده هر دشمنی را بخاك

استفاده از سرگرمی زال به مراسم سوگ پدرش سام، که در گورابه مشغول ساختن دخمه برای سام بود، این سرزمین را فتح کنند.

دراین موقع مهراب در شهر زابل بود و در غیاب دامادش زال مراقب اوضاع بود. به او خبر دادند که دو سردار تورانی با سپاهی بزرگ به سوی زابلستان می‌آیند تا آنجا را تسخیر کنند. مهراب کابلی که خود را هماورد تورانیان نمیدید، برای اینکه سرزمین زال را از پایمال شدن بوسیله تورانیان حفظ کند، حیله‌ای اندیشید و خود با گروه کمی از یارانش به پیشباز سرداران تورانی رفت و پیغام داد که آمده است با آنان مذاکره کنند.

«شماساس» و«خزروان» مهراب را در سراپرده‌ی خود پذیرفتند و مهراب پس از ابراز اطاعت نسبت به افراسیاب گفت:

– شما میدانید که من از نسل ضحاك هستم که فریدون، شاه ایرانزمین او را بند کشید.

من دل‌خوشی از ایرانیان و پهلوانان آنها ندارم و اگر دخترم را به زال داده‌ام از ناچاری بوده است و حالا هم ناچارم بااین پرورده‌ی سیمرغ بسازم. اما اینك فرصت مناسبی دست داده است و اگر

نگهداشته‌ام. اگر آب در دست داری ننوش و بیا که می‌ترسم تا تو بیاری برسی، کار از کار گذشته باشد.

* * *

زال چون پیام مهراب را دریافت کرد، بیدرنگ پای بر رکاب نهاد و با سپاهی جنگجوی به سوی زابلستان تاخت و شبانگاه بود که بدان سرزمین رسید. مهراب آنچه را که میان او و«شماساس» و«خزروان» گذشته بود برای زال تعریف کرد و زال با لبخند گفت:

– تو نه تنها پهلوان زورمند، بلکه مرد اندیشه و خرد نیز هستی... این، بهترین کاری بود که میشد کرد. من فردا آنها را بسوی توران باز خواهم گرداند. اردوی آنها در کدامین سوی است؟

مهراب جهتی را نشان داد. زال سه‌تیر پیاپی برکمان نهاد و بسوی اردوی تورانیان انداخت که در سه نقطه‌ی اردوگاه برزمین نشست.

چون سحرگاه شد و تورانیان بیدار شدند، از دیدن آن تیرها که کنار سراپرده‌های سرداران سپاه برزمین فرو رفته بود دچار حیرت شدند و«شماساس» به خزروان گفت:

– ما فریب خوردیم... این تیرها از آن زال زر است چون هیچکس جز او

«خزروان» کوفت که تمام هیکلش روی اسب تاشد و به زمین غلتید و جابجا مرد....

«کلباد» سردار دیگر تورانی، که از دور ناظر این صحنه بود به طرف زال تاخت آورد تا انتقام «خزروان» را بگیرد، اما زال که با چشمان باز همه طرف را می‌پائید، فوری گرز را رها کرد و تیری از ترکش کشید و برکمان نهاد و پیش از آنکه «کلباد» به وی نزدیك شود، چنان بسوی او انداخت که «کلباد» را به کوهه زین اسبش دوخت!

تورانیان که این صحنه‌ها را دیدند، با وحشت به حرکت در آمدند، اما نه به جانب زابلستان، بلکه در جهت مخالف، چرا که بجان خود هراسان شده بودند و میخواستند تن سالم از معرکه بدر بزند... اما زابلیان آنها را رها نکردند و به تعقیبشان پرداختند و بیدریغ دست به کشتار دشمن گشودند.

سرانجام «شماساس» با گروه کوچکی از سپاهیانش توانست از چنگال سپاهیان زال جان سالم بدر ببرد، اما هنوز راه زیادی نپیموده بودند که با سپاهیان قارن روبرو شدند که سپاه «ویسه» را تارو مار کرده بودند و با شنیدن خبر حمله‌ی تورانیان به سرزمین

و خون می‌کشند. منم قارن، پسر کاوه که انتقام خون برادرم قباد را از بارمان گرفتم و اینك ترا نیز به سرنوشتی چون پسرت دچار خواهم کرد.

دوسپاه بهم تاختند. ایرانیان خشمگین از به اسارت رفتن نوذر، و اینکه تورانیان بر خلاف رسم مردانگی به اردوی زنها و بچه‌ها حمله کرده و گروهی از آنها را به اسارت برده بودند، باتمام نیرو می‌جنگیدند و بی‌محابا به اردوی دشمن می‌زدند واز همه سو خون می‌ریختند....

تورانیان که به امید پیروزی و فتح آمده بودند و انتظار نداشتند سپاهیان ایران با وجود اسیر شدن شاه ایران چنین مردانه بجنگند، در برابر قدرت رزمندگان پارس تاب ایستادگی درخودندیدند و پشت به میدان نبرد کردند.... «ویسه» کوشید آنها را به ایستادگی و جنگ ترغیب کند، اما تمام تلاشش بی‌ثمر ماند و ناچار، برای اینکه به چنگ ایرانیان نیفتد هزیمت اختیار کرد و با گروه معدودی از سپاهیان که با او مانده بودند، شکست خورده و سرافکنده نزد افراسیاب بازگشت.

* * *

از سوی دیگر، گفتیم که افراسیاب دوتن دیگر از سردارانش بنامهای «شماساس» و «خزروان» را با سی هزار سپاهی به زابلستان فرستاده بود تا با

افراسیاب مراتب اطاعت و بندگی مرا بپذیرد و به من امان دهد سراسر کابلستان و زابلستان را تسلیم او خواهم کرد بدون اینکه جنگی پیش بیاید و خونی از بینی یك تورانی بریزد.

«شماساس» پرسید:

– برای این اتحاد و همبستگی چه شرایطی پیشنهاد می‌کنی؟

مهراب گفت:

– شرایط من خیلی ساده است. کافی است شما فرمانی از افراسیاب یا پشنگ برایم بیاورید که به من و مردم این سامان امان بدهند و مرا شاه این سرزمین بشناسند تا زیر سایه و فرمان او کابلستان و زابلستان را برای تورانیان پاسداری کنم.

«شماساس» این شرایط را عادلانه دانست و با موافقت گفت:

– بسیار خوب، من همین الان پیکی نزد افراسیاب می‌فرستم تا فرمانی برای تو بیاورد... تا رسیدن فرمان، ما در بیرون سرزمین تو اردو می‌زنیم و به انتظار میمانیم.

مهراب بااحترام و محبت گفت:

– متشکرم سردار... اگر به چیزی نیاز داشتید خبرم کنید. در خدمتتان خواهم بود.

و آنگاه به زابلستان برگشت و فوری پیکی بادپای نزد زال فرستاد که سی‌هزار سپاه تورانی را با نیرنگ بردر زابلستان

نمی‌تواند چنین کمانی برکشد که تیرش از کاخ زابلستان تا بدینجا برسد.

مهراب ما را گول زد و در اینجا معطلمان کرد تا زال‌دستان بیاریش برسد... و اکنون با بودن زال پیروزی بر زابلستان غیرممکن است...

«خزروان» سرزنش‌کنان گفت:

– چرا اینقدر از زال وحشت داری؟ مگر او کیست؟ او هم یکنفر مثل ماست. او را بمن بسپار، خواهی دید که چگونه به زانویش در میآورم...

«شماساس» گفت:

– بسیار خوب، در رزم‌گاه خواهیم دید... فعلا باید سپاه را آماده نبرد کنیم..

و هنوز آفتاب سرنزده بود که صدای کوس و کرنا از جانب شهر بلند شد و زال و مهراب با سپاهی جنگ‌آور به سوی اردوی دشمن تاختند.

زال زره آهنین بر تن پوشیده و گرز سنگین سام را که به گرزه‌ی گاوسر معروف بود بدست گرفته بود و پیشاپیش سپاه اسب می‌تاخت. «خزروان» که مبارزه با زال را برعهده گرفته بود چون چشمش به زال افتاد، اسبش را بتاخت آورد و بسوی زال رفت تا با شمشیرش بازوی راست او را از تن جدا کند. اما پیش از آنکه فرصت کند شمشیرش را به حرکت در آورد، زال گرزش را دور سرچرخاند و چنان بر سر

زابل به یاری مهراب و زال می‌شتافتند.

قارن تا چشمش به این گروه افتاد، به یارانش گفت:

من گمان می‌کنم این گروه بی‌سروسامان بازمانده‌ی سپاه تورانیان باشند که به زابلستان حمله کرده بود و از قرار معلوم بدست زال دستان تارو مار شده است.

این، سهم ما از آن سپاه است. همه نیزه بدست گیرید و حتی یکنفر از این‌ها را زنده نگذارید.

بازمانده‌ی سپاه «شماساس» که ناگهان با سپاه تازه‌ای از ایرانیان روبرو شده بودند، سعی کردند به نحوی از مقابل آنها بگریزند، اما نیزه‌های ایرانیان به آنها امان نداد و همه کشته شدند جز خود «شماساس» و چند مرد دیگر که موفق به فرار شدند وزارونزار راهی اردوی افراسیاب شدند.

* * *

افراسیاب که با شکست دادن و دستگیری نوذر، شاه ایران، آرزوی دیرینه پدرش پشنگ را برآورده می‌دید و فکر می‌کرد که بعداز آن سرزمین ایران را در اختیار خواهد داشت و فرمانروایی گیتی بدست تورانیان خواهد افتاد، با شعف و امیدفراوان در انتظار شنیدن خبر پیروزی «ویسه» برقارن و پیروزی «شماساس» و «خزروان» برزال بود...اما وقتی «ویسه» شکست خورده

به روایت: ن. و. مغانی

و سرافکنده نزد او برگشت امیدش را برباد رفته دید. چون «ویسه» از بزرگترین سرداران توران بود وافراسیاب پیروزی او را بر قارن قطعی می‌دانست، مخصوصاً که کشته شدن پسر «ویسه» بدست قارن، کینه و دشمنی اورا با قارن و ایرانیان صد چندان کرده بود. اکنون افراسیاب در انتظار خبری از زابلستان بود و با امید کمتری به خودش دلخوشی میداد که دو سردارش کارزال زر را یکسره کنند و ایران را از وجود بزرگترین پهلوانش محروم سازند. چون تنها نگرانی تورانیان از سوی پهلوانان نسل گرشاسب و نریمان بود که پاسدار مرزو بوم ایران زمین بودند.

این انتظار افراسیاب نیز بزودی سرآمد و «شماساس» شکست خورده و زخمی به اردوی او رسید و خبر کشته شدن «خزروان» و «کلباد» را بدست زال به ارمغان آورد!

افراسیاب از شنیدن خبر دو شکست پیاپی سپاهیانش در ایران زمین و کشته شدن سردارانش چنان دچار خشم شد که دیوانه‌وارشمشیرش را کشید و به سراغ «نوذر» دربند رفت و در حالیکه فریاد می‌زد:

- آنها سرداران مرا می‌کشند، در حالیکه من اینجا از شاهشان پذیرایی می‌کنم! بیرحمانه او را کشت و بعد هم خواست به سراغ زن و بچه‌های اسیر ایرانی برود و همه را از دم تیغ بگذراند که برادرش «اغریرث» جلو او را گرفت و گفت:

- برادر! برخشم خود غلبه کن! کشتن مشتی زن و مرد و کودك اسیر چه سودی بحال ما دارد؟ دنیا همیشه بریك منوال نمی‌چرخد.... توچه میدانی که فردا چه خواهد شد؟ کاری نکن که فردا پشیمانی بکشی.... این اسیران را به من بسپار تا در غاری محکم زندانیشان کنم تا ببینم پایان کار ما و ایرانیان بکجا می‌انجامد. کشتن این اسیران هر لحظه برایت میسر است، اما زنده‌شان بیشتر از کشته‌شان ممکن است بکار آید.

افراسیاب از این حرفهای برادرش «اغریرث» رام شد و اسیران را به او بخشید تا با خود در ساری ببرد و زندانیشان کند.

* * *

از ان سو، طوس و گستهم وقتی از کشته شدن پدر آگهی یافتند، اشك ریزان و مویه کنان به زابلستان رفتند و از زال خواستند که انتقام خون پدرشان را از افراسیاب بگیرد. در این موقع قارن نیز نزد زال رسید و آندو با دیگر پهلوانان به مشورت نشستند و پس از گفت وگوی زیاد تصمیم گرفتند با سپاهی گران به جنگ افراسیاب بشتابند.

«اغریرث»، اسیران ایران را با خود به ساری برد و زندانی کرد، بدون اینکه چندان برآنها سخت بگیرد، چرا که خود دل خوشی از برادرش افراسیاب نداشت و کارهای او را نمی‌پسندید و بویژه کشتن نوذر را کاری وحشیانه و ابلهانه میدانست.

اسیران ایرانی چون آگاه شدند که زال و قارن میخواهند سپاه بجنگ افراسیاب بکشند، به «اغریرث» پیام دادند که «ای مرد بزرگوار، تو حق زندگی برگردن ما داری و ما هرگز محبت‌های ترا فراموش نمی‌کنیم. لابد خبرداری که زال زر قصد دارد برای انتقام‌جویی به جنگ افراسیاب بیاید و میدانی که اگر کار بر افراسیاب سخت شود، او فرمان کشتن همه‌ی ما را خواهد داد و در آنصورت تو چاره‌ای جز اجرای امر برادر نخواهی داشت. بیا و لطف را در حق ما بکمال برسان و ما را یکی یکی رها کن تا در جهان پراکنده شویم و همه جا پیامبر نیکی و نیکمردی تو باشیم.»

«اغریرث» وقتی پیام را شنید گفت:

- نه، این اقدام درست نیست و افراسیاب را بدشمنی من برخواهد انگیخت. اما اگر زال سپاهی به این خطه بفرستد، من شما را در اینجا رها می‌کنم و خود با سپاهم به آمل می‌روم. آنگاه فرستاده‌ی زال میتواند بیاید و همه‌ی شما را آزاد کند.

و به زندانیان اجازه داد پیکی به زابلستان بفرستند و او را از این قرار و مدار بین اغریرث و اسیران آگاه کنند.

* * *

زال بمحض رسیدن پیك اسیران و شنیدن پیام آنها، پهلوانان را جمع کرد و گفت:

- من و قارن باید سپاه را به جنگ افراسیاب ببریم و نمی‌توانیم به مازندران برویم. چه کسی از شما حاضر است به یاری اسیران ساری برود و آنها را آزاد کند؟

«کشواد» که پهلوانی جوان بود گفت:

- این وظیفه را بعهده من بگذارید، قول میدهم که بخوبی به انجام برسانم.

بقیه درصفحه ۸۳

**نوشته: «شاخه نبات»**

# از نااُمیدی تا اُمیدواری

وقت آخر شهریور، داغ‌تر از آفتاب میانه مرداد بر سرم میتابد و سنگفرش خیابان زیر پایم کش می‌آید. نفسی که در سینه‌ام فرو میرود، از هرم تنش لبریز است و نفسی که بیرون می‌آید، داغی جهنم را دارد. از اینجا تا میدان سپه چهار راه است؟ حوصله ایستادن کنار خیابان و منت کشیدن از تاکسی‌ها را ندارم. چنان بی‌اعتنا از کنار دم میگذرند که انگار زباله‌ای از کنار علامتی میگذرد. زنده باد کسانی که فقط منت پاهایشان را میکشند. گفت: تن رها کن، تا نخواهی پیرهن.

محصوصاً که موقع راه رفتن فکر هم میشود کرد. پیاده راه میافتم. امروز، دو روز است سرکار نرفته‌ام. به محمود تلفن زدم که به آقای ایمانی خبر بدهد سرما خورده و تب کرده‌ام. حتماً به خودش گفته است: چه بهتر. کاش زودتر بمیره و شرش‌رو کم کنه. و از نظر خودش حق هم دارد، چون دیگر راست راستی دارم برایش شر درست میکنم. اما گناه من چیست؟ عشق نابی که در نظر عده‌ای گناه است، انسان را به یك نوع بی‌گناهی میکشاند. و شاید هم معصومیت این هم عشق ناامیدی مثل این عشق. چه سرو صدایی؟ چه بویی؟ لجن‌های جوی آب زیر آفتاب بو گرفته‌اند. چه کثافتی؟ انگار همه دنیا را کثافت بر داشته. و یا شاید این من هستم که این‌طور میبینم. چون شکل زندگی از برد...ه‌های سطحی ما درست میشود. یك روز زشت است، دیگر روز... اگرچه برای من مدت درازی است که همه جا در زیبایی غرق شده است. روزی که بردست بود... آقای ایمانی مرا نزدیك در دفتر کارش بیرون کشید: «چه غلط‌ها پسره جسور. اصلاً چطور به خودت اجازه دادی که از دختر من خواستگاری کنی؟... هیچ میدونی نینا چه خواستگارهایی داره، برو گمشو بیرون، و این پنبه‌رو هم از گوشت بیرون... من دخترم‌رو به هم طبقه خودم میدم... بالاتر...» درست مثل یك مار زخمی فریاد میکشید و شکم بزرگش را مدتی بالا و پائین میرفت بی‌انصاف

اصلا گوش نمیداد دارم به او چه میگویم. همه‌اش فریاد میکشید و فریاد میکشید. اما بالاخره جلوی در صدایش را پائین آورد و با لحن موذیانه‌ای گفت:

مواظب باش این موضوع جایی درز نکنه، وگرنه همچی بهت اردنگی میزنم که سال دیگه با برف بیای پائین.

اما با وجود این که با زبان بی‌زبانی نگه داشتن مرا در کارگاه تاکید کرده بود، در تا دو سه روزی خیالم راحت نبود و همه‌اش فکر میکردم هم‌الان است که به بهانه‌ای عذرم را بخواهد و از کارگاه بیرونم کند. البته بیرون رفتن از انجا زیاد مهم نبود، اما موضوع این بود که به خاطر نینا اصلاً دلم نمیخواست از آن محل دور بشوم. حالا اگر گاهگاهی او را میدیدم، بعد از آن شاید دیگر چنین سعادتی نصیبم نمیشد. شاید هم دیگر هیچوقت او را نمیدیدم. اگرچه، چندبار که این موضوع را با نینا در میان گذاشته بودم، بازویم را فشرده و گفته بود «این جوری حرف نزن منصور، دنیا مال ماست و هیچکی و هیچ قدرتی نمیتونه مارو از هم جدا کنه. خیالت راحت باشه». ولی زیاد نمی‌توانستم به این حرفها اعتقاد داشته باشم. علتش هم فاصله میان ما بود. فاصله میان زمین و آسمان، و هیچ بعید نبود در یك آن این فاصله مثل چاله‌ای دهان باز کند و عشق را ببلعد و از آینده رؤیایی من، آینده دیگری بسازد که بیشتر با واقعیت برابری داشته باشد. راستی چه‌طور شد بدون توجه به این فاصله عاشق نینا شدم؟... من عاشق او شدم، یا او عاشق من شد؟ یا هر دو در یك لحظه به هم دل باختیم؟ به هرحال عشق یك احساس دو طرفه است و اگر طرفی کششی نداشته باشد از طرف دیگر کوششی به عمل نمی‌آید. نینا از لحظه اول با شیطنت به من نگاه میکرد. و نگاهش از وسوسه و دعوت پر بود. او با نگاه‌هایش مرا صدا میکرد و به جاهای دورو ناشناخته دعوتم میکرد. برای دیدن آقای ایمانی پدرش به کارگاه آمده بود... آقای ایمانی برای کاری بیرون رفته بود. من به طور تصادف در دفتر بودم. به عکس پدرش،

مهربان، شوخ و ساده بود. مثل گنجشکهای جوان پرگویی میکرد. تند تند از این در و آن در حرف میزد و با بی‌خیالی میخندید. جوری که انگار در تمام زندگیش خندیده بود و میخندید و من اتاق خشك و عبوس دفتر را میدیدم که زیر خنده‌های های جوان او از گل و شکوفه پر میشد و از بوی بهار لبریز میگشت. چهار روز بعد بار او را دیدم. این بار با پدرش در دفتر نشسته بود، اما از پشت شیشه نگاهش به من بود و گاه لبخندی میزد که هم‌چنان دعوت‌امیز بود. خدایا فقط تو میدانی با دیدن او دنیای من به چه نحوی عوض شد و تو میدانی آن لحظه‌ای که در تلفن به من گفت«منصور، میتونی امشب برای بیرون هم دیگر رو ببینیم؟...» چه حالی پیدا کردم. آن شب در خیابانهای پر درخت پشت دانشگاه، با هم خیلی حرف زدیم و بالاخره نینا زیر یکی از درخت‌ها ایستاد و از من پرسید «منصور، فکر میکنم منو دوستداری. این طور نیست؟ »

نور ماه از میان ساخه‌های درخت روی چهره‌اش افتاده بود و چشم‌هایش از عشق برق میزد.

بله البته که دوستش داشتم. بدون توجه به پدرش که صد نفر مثل من را نان میداد، چشم بسته دوستش میداشتم و دیگر به به گذشته فکر میکردم و نه به آینده. این را همان لحظه به او گفتم و لحظه بعد، زیر نور ماه او را که مثل پری‌های قصه مادر بزرگ لطیف و زیبا بود در اغوش داشتم و شهد لبهایش را که به شیرینی یك انجیر رسیده بود، میچشیدم... پاشنه‌های کفش زنی که چند قدم جلوتر از من راه میرود، ساییده شده است. جوری که نمیتواند تعادلش را حفظ کند و مثل کسی که سکندری میخورد به این طرف و آن طرف متمایل میشود. برخلاف نینا که مثل درخت سرو کشیده و طناز بود و با چنان ملاحتی قدم‌هایش را بر میداشت که صدها چشم را به دنبال خود میکشید. راستی دختری مثل او چرا به طرف من جذب شده است؟ ایا در من چیز فوق‌العاده‌ای وجود دارد؟ ولی من که یك کارگر معمولی هستم، با یك زندگی ساده و سرمایه‌ام فقط در

بازوهایم خلاصه میشود.

اما نینا همیشه میگوید «منصور، تو خیلی مردی. از اون مردهایی که ادم میتونه روشون حساب کنه. چیزی که این روزا خیلی کم پیدا میشه. چون آدم‌های این دوره جنسیت خودشون رو از دست دادن. »

آه، خدای من، خدای من، با همین حرف‌ها روز به روز عاشق‌تر و عاشق‌تر شدم، تا به امروز که دارم مثل دیوانه‌ها در خیابان به این داغی راه میروم و با خودم حرف میزنم. اگر به خاطر نینا نبود، هرگز رفتار آن روز آقای ایمانی را نمیبخشیدم. شاید هم یقه‌اش را میگرفتم، دو تا سیلی به او میزدم و میگفتم: مرد احمق شکم گنده، تو باید خیلی هم افتخار کنی که دامادی مثل من داشته باشی. یك کارگر شریف و زحمتکش نه یك ژیگولوی دراز بی‌ابرو.

آه، خدای من، خدای من، با وجود این

چند بار تصمیم گرفتم دیگر به کارگاه نروم. بروم بگردم برای خودم کار دیگری پیدا کنم. برای آدمی مثل من که کار قحط نیست، مخصوصا این روزها که زندگی کارگری، شکل دیگری به خودش گرفته. میرفتم کار دیگری پیدا میکردم و بعد اگر نینا راضی میشد. بی‌خبر از پدرش با هم عروسی میکردیم. چه مانعی دارد؟ هیچ کدام از ما بچه نیستیم. او بیست و یك ساله است و من بیست و پنج ساله، و به سنی رسیدیم که میتوانیم برای آینده‌مان تصمیم بگیریم. ولی نه، باز هم نتوانستم این تصمیم را بگیرم هیچ دلم نمیخواهد خوشبختی‌ام را از ناراحتی دیگران به دست بیاورم، حتی اگر طرفم آدمی مثل آقای ایمانی باشد پس چه کار کنم خدا، انقدر ناراحتم که توی این دوروزه به نینا هم تلفن نزدم. هرچند دلم از دوریش مثل اسفنج به هم فشرده میشود.

وای اینجا چه‌قدر شلوغ است. هان، جلوی گاراژ مسافربری است این مردمی که در این گرما سفر میکنند، چه حوصله‌ای دارند و اصلاً به کجا میروند؟..وقتی ادم نتواند از خودش جدا شود، به کجا میتواند پناه ببرد؟

بخدا قسم اگر سفر دردی را دوا میکرد. هم‌الان یك بلیط میخریدم و جنگی میپریدم توی همین اتوبوس که منتظر مسافر ایستاده است. این کیه گریه میکند؟ . وایستا ببینم. پدرجان چی شده؟ هوم، پولت را زدند؟ کی وکجا؟... همین جا، وقتی میخواستی بروی بلیط بخری؟.... ترا به خدا بخودی گریه نکن. بگو ببینم کجا میخواستی بروی؟ گرگان؟ یعنی حالا هیچی پول نداری؟ ای بی‌انصاف‌ها. جیب‌بر بی‌رحم فکر نکرد حتی جیب‌بری هم معرفتی میخواهد. ... از دیوار تو کوتاه‌تر پیدا نمیشد؟ خوب.

چقدر پول داشتی؟ هوم، فقط صد تومن؟ یعنی حالا هیچی پول نداری نمیخوای چی کار کنی؟ خدای من چه گریه‌ای. چه گریه‌ای. صبر کن ببینم پدرجان من فقط یك صد تومنی دارم، به اضافه مقداری پول خرد اما مهم نیست، بیا بروم برات بلیط بخرم .. بقیه‌اش را هم خرج راهت کن . بابا همیشه میگوید منصور دل رحمی تو خیلی خوشم میاید. به این ترتیب هیچ وقت در زندگی در نمی‌مانی . ولی بیا جان، به‌جان خودت، من نمیتوانم ... صبوری . و کاری که اصلا معلوم نیست فردا ادامه داشته باشد. ... و ... اگر هم ... همین فردا عذرم را بخواهد. هنوز به ... روز مانده است مینی عزیزم. ... کسی شدی و میخواهی با چه ... عروسی کنی؟ بیا برویم پدرجان.

دفتر شرکت مسافربری کجاست؟ .همینجا. خیلی خوب، ... ... بروم. حتما من ... .

... موقع هم ... .وگرنه هیچ معلوم نبود چه بلایی به سرت می‌آمد بیا برویم ... کرم است است

* * *

امروز هم نرفتم سرکار. حتی ... هم بیرون نیامدم. همه‌اش به خودم میپیچم و فکر میکنم موضوع اینست که دیگر نمیتوانم زندگی کنم و چون او را هم نمیتوانم به‌هیچ نحوی داشته باشم. ... همه‌چیز سیر شدم و قدرت تحرك را هم از دست دادم همه‌اش به خودم میگویم که

بقیه در صفحه ۸۴

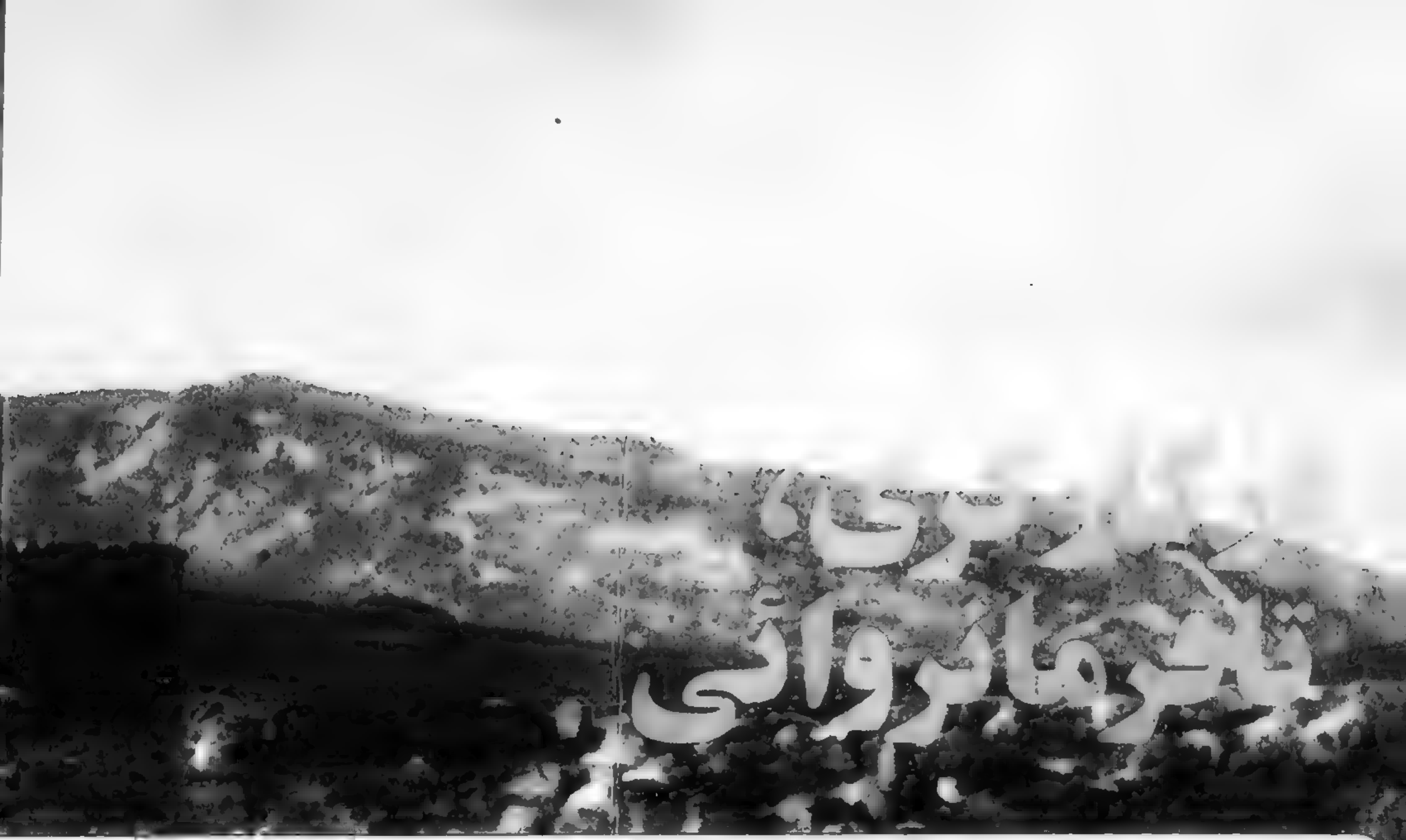

بویه از همه کسانیکه در آن زمان بکار و کسب مشغول بودند مشخص‌تر بود. و کارگری جوان، ولی جسور و متهور و هنگامه‌طلب بود. پیشه‌اش ماهیگیری بود، ولی این شغل و پیشه بچیز که فقط صید ماهی‌های دریای شمال بود [illegible] دیگر کارگران جوان بطور [illegible] داشت [illegible] هیچگاه عمر [illegible] و [illegible] سمی را از نظر دور نمی‌داشت و در واقع کار روزانه خود را با موافقت و مساعدت [illegible] شروع می‌کردند. هروقت طبیعت آرام و ساکت بود [illegible] مشتاقانه دام‌ها را گسترده و ماهی‌ها را پس از چند تکاپو و تلاش مختصر صید می‌کردند. ولی هرگاه که آسمان غرش و قهری داشت و باد و توفان دریا را مخوف و خروشان و [illegible] آنوقت همکاران بویه دست از کار کشیده و [illegible] دامان پناه می‌بردند [illegible] که [illegible] خود را [illegible] و [illegible] در [illegible] عطوفت [illegible]

ولی بویه [illegible] کارگر ماهی‌گیر ساده این چنین نبود [illegible] که جوانی دلیر و شجاع بود [illegible] غرش‌ها و خشم و غضب‌های آسمان نمی‌هراسید [illegible] طبیعت [illegible] پاسخ [illegible] که [illegible] بودن [illegible] فرو [illegible] بزرگ ماهیگیری [illegible] می‌افکند [illegible] و [illegible] بر [illegible] و وحشت‌آور [illegible] نگاه [illegible] بزرگ [illegible] همه [illegible] می‌شکست و [illegible]

[illegible]

[illegible] بویه [illegible] پس از چند روز [illegible] گفت بویه که [illegible] بیکرش وارد شده بود [illegible] می‌نشست و [illegible]

حالی رفتار و قسی پر سود به کشتن ماهی‌های سورناك می‌پرداخت. دیگر بویه آن کارگر جسور و شجاع ماجراجوئی بود که هیچگاه قرار و آرام نداشت و همواره به قلب مخاطرات و حوادث می‌شتافت. وی دیگر کمتر دل به دریا میزد و اگر هم گاه و بیگاه برای صید تورها را بدریا می‌افکند و تقلا می‌نمود فقط برای بدست آوردن چند درهم و دینار بود تا معاش خود و فرزندانش را تأمین کند و این کار او البته عاری از شور و التهاب بود [illegible] که [illegible] اندیشه‌های پریشان همیشگی و [illegible] آینده بخواب رفت و ناگهان در عالم رؤیا صحنه‌های وحشتناکی می‌دید که بویه را با همه سیردلی و قوت قلب دستخوش بیم و هراس می‌کند.

«بویه» درخواب دیده بود که یکی از عصای بدنش شراره‌های سوزان فوران می‌کند بحدیکه تمام شهر دیلمان و از آنجا مناطق شمالی گیلان را فرا می‌گیرد. آنگاه این شعله‌های سرکش سر به آسمان برداشته و پس از مدتی نور افشانی به سه قسمت تقسیم شدند و آنوقت همه مردم که از هیبت و وحشت این پدیده‌های غرور برخود می‌لرزیدند ناگزیر در مقابل این سر تعظیم و فرمانبرداری فرود آوردند. بویه پس از این رؤیا سراسیمه از خواب برخاست و بی‌درنگ از خانه خارج شد [illegible] به سراغ [illegible] دانشمندی که [illegible] نزدیکش رفت. ماجرا را برای او شرح داد و [illegible] که سخت تحت تأثیر گفته‌های بویه قرار گرفته بود او را برداشته و به اطاق مرد معمری که یکی از کوچه‌های دور افتاده دیلمان سکونت داشت رفت و هر دو نفر در حجره دود آلود معمر بر روی حصیر [illegible] قرار گرفتند. بویه پس از آنکه نفسی تازه کرد شروع به بازگو کردن همه صحنه‌هائی که در عالم خواب دیده بود نمود. سخنان عجیب بویه پیرمرد تعبیر گو را در خود فرو برد و مدتی را به اندیشیدن گذراند.

حجره مرد سالخورده را سکوت وحشتناکی فرا گرفته بود هرسه نفر ساکنان آن محدوده احساس مبهم و نامعلومی که به آنان دست داده بود شده بودند. پس از چند لحظه دیرگذر ناگهان چشمان کم فروغ معمر از نوری مخصوص روشن شد و بدنبال آن چهره درهم و گره‌خورده‌اش نیز از خوشحالی و شعف از هم گشوده شد. پیرمرد با لحنی قاطع که کمی هم از ضعف پیری حکایت داشت چنین گفت: «خواب عجیبی است. در این خواب حوادث کارهای بزرگ و نمایانی می‌بینم ولی برای گفتن تعبیر آن از تو پاداش فوق‌العاده میخواهم.» بویه که کمی مشوش ولی مشعوف و مشتاق بنظر میرسید شتاب گفت: «هرچه بخواهی از دادنش مضایقه نخواهم کرد.» پیرمرد بر کلامش افزود: «برای گفتن تعبیر خواب یك اسب و یك دست لباس نیاز است تا بتوانم در این آخر عمر از دیلمان به موطن خود باز گردم.»

بویه که از این پیشنهاد پیرمرد در حیرت شده بود [illegible] پیرمرد [illegible] پیرمرد [illegible] کارگر که من کارگر ساده و بینوائی هستم و جز این لباس مندرس که برتن دارم چیزی از مال دنیا ندارم که به تو تسلیم کنم؟ ولی اگر بهمین اکتفا میکنی آنرا بتو خواهم داد.» این بگفت و دست پیش برد تا لباس از تن خارج سازد، ولی پیرمرد دستهای مرتعش خود را بسوی او دراز کرد، مانع از این کار گردید و در همین حال افزود «میخواستم درجه سخاوت و جوانمردی ترا ببینم» و بدنبال آن کمیت تعبیر خواب کرد.

تو دارای سه پسر هستی که در آینده‌ها که [illegible] پوشش شده فرمانروائی خواهند کرد و همانطور که آتش سخت مشتعل و فروزان گردید، آنها نیز سه سرزمین هم مشهور و بزرگ میشوند. روزی که همه سرزمین گیلان به [illegible] خواهد شد.

بویه [illegible] این تعبیر خواب [illegible] دگرگون شد و حیرت زائدالوصفی به او دست داد، ولی بی‌درنگ [illegible] خود را [illegible] احساس تلخ و نگرانی [illegible] داد و خطاب به پیرمرد معمر گفت: «انصاف باشد که با مردی سواد و کارگری زحمتکش و تیره روز چون من شوخی کنی. از سرم دست بردار و نگذار [illegible] که دارم زندگی کنم.» ولی پیرمرد با همان لحن جدی و قاطع بار دیگر صحت تعبیر خوابی را که کرده بود تأئید کرد و گفت: «من هیچگونه تردیدی در اینده درخشان فرزندانت ندارم و خیلی میل دارم از نزدیك آنها را ببینم.» بویه باردیگر نگاههای مشکوکی به مرد معمر افکند و پس از آنکه مدتی را به تامل و اندیشه گذراند اشاره‌ای به مخاطب خود کرد و هرسه نفر بسوی خانه محقر بویه حرکت کردند. پیرمرد درخانه کوچك چوبی بویه که همه اثاثیه دو اتاق نیمه ویرانش را فقط چند قطعه بوریای پاره و ظروفی سفالین تشکیل میدادند، چشمانش به سه پسر مفلوك افتاد که ظاهری آشفته و رقت‌بار داشتند. بویه وقتی نگاههای عمیق مرد معمر را به فرزندانش دید با لحنی اضطراب‌آلود گفت:

فرزندان من اینها هستند که می‌بینی [illegible] فقر و گرسنگی دمساز و من نمیدانم بدلیل کدام استعداد فرمانروائی خواهند توانست فرمانروائی کنند؟!

پیرمرد روشن بین از شنیدن سخنان بویه بی‌اختیار تبسمی برلب اورد و پس از آنکه درباره سن آنها پرسش‌هائی کرد و چند لحظه را به فکر گذرانید با همان مسرت و درحالیکه با رقه‌ای مرموز درچشمانش میدرخشید، قدم پیش گذاشته [illegible] پسر بزرگتر بویه نزدیك شد [illegible] در چشمانش مدتی خیره گردید و سپس او را بطرف خود کشید، او را بوسید و بدنبال این حرکت گفت «تخت فرمانروائی به این پسر تو [illegible] و بعد از او برادرانش بر کشور ایران حکومت خواهند کرد.» و بلافاصله پس از این [illegible] حسن و احمد پسران دیگر بویه را [illegible] فرزندان بویه که از حرکت اسرار آمیز پیرمرد چیزی درك نمی‌کردند و فقط از نوازشها و محبت‌های گرم و به هیجان آمده بودند، از پدر خود تقاضا کردند که به پیرمرد چیزی بدهد، ولی بویه که خشمگین و ناراحت بنظر میرسید، فریاد برآورد «این مرد، من و شماها را دست انداخته، حالا به او پاداش هم باید داد؟!» ولی پیرمرد که درجه فقر و استیصال انها را بچشم میدید این بار نگاههای بی‌فروغ بویه و فرزندانش را نگریست و گفت: «من چیزی نمیخواهم، ولی موقعیکه به حکومت رسیدید مرا از یاد نبرید.» این بگفت و از درخانه بویه خارج شد...

سالی چند گذشت پسران بویه که شجاعت و

# سرداران استقلال ایران

حساب را از پدر به ارث برده بودند. درهم، دیمان شهرت زیادی یافتند. زیرا بهر سو است بودند عده‌ای از

دلیرترین جوانان سلحشور دیلمان را که شیفته ماجراها و حوادث بودند، در پیرامون خود جمع آورده و نیمه حکومتی در منطقه گیلان بوجود آوردند.در همین وقت در سراسر ایالات شمالی و مرکزی ایران، چندین سردار قدرت‌طلب با هواخواهانی از زبده‌ترین مردم این شهرها، قیام کرده از یك طرف بفکر برافکندن نفوذ عمال خلیفه افتاده و از جانب دیگر برای تشکیل یك حکومت ایرانی در شمال و مرکز ایران به کشمکش و ستیز سرگرم بودند از میان این سرداران دلاور و جنگجو، سه نفر از دیگران مشهورتر و مبرزتر بودند، انها: «مرداویز» از خاندان آل زیار، «ماکان»، و «اسفار» بودند. علی، باتفاق برادرانش ابتداء به خدمت ماکان پیوست، ولی موقعیکه مشاهده کرد «مرداویز» از دیگر حریفان نیرومندتر و بلند پروازتر است در دستگاه وی وارد شد و کمر خدمت بست. علی بواسطه لیاقت و رشادت فوق‌العاده و هنرنمائی که در جنگها از خود نشان داد، بالاخره از طرف «مرداویز» بحکومت کرج و ری و قسمتی از شهرهای مرکزی ایران منصوب شد و کار او تدریجاً چنان بالا گرفت که در پرتو مهارت و موقع‌شناسی، بار دیگر با سردارانی که در شهرهای مرکزی ایران از طرف مراویز حکومت داشتند، اتحاد محکمی برقرار کرد. اتفاقاً در ان هنگام «عمید» وزیر مرداویز هم در شهر ری اقامت داشت و علی که بفکر بلند پروازی و حکومت بر سایر نقاط ایران برآمده بود، ابتداء بفکر افتاد که توجه عمید را بسوی خود جلب کند. بهمین جهت قاطر سیاه و سفید خوش‌رنگی را که داشت و از ان غالباً در جنگهای کوهستان استفاده میکرد، به عمید پیشکش کرد. این سخاوت علی در روح عمید تاثیر عمیقی بجا گذاشت و محبت او را بدل گرفت.

از آنسو، «مرداویز» کم‌کم متوجه شد علی که از طرف او بحکومت رسیده، مردی آرام ناپذیر و بسیار قدرت‌طلب و در نظر او فوق‌العاده خطرناك و مهیب میباشد، از واگذاشتن منصب حکومت ولایات مرکزی به وی پشیمان گردید. این وحشت و بیم هر روز در دل مراویر بیشتر ریشه دوانید و نگرانیش را صد چندان کرد، بطوریکه تصمیم گرفت خیال خود را از شر این مردی که انهمه اسباب تزلزل خاطرش شده بود، نجات بخشد. بهمین ملاحظه شرحی به «وشمگیر» برادر خود و عمید وزیرش نوشت و از آنها خواست که دست علی را ار حکومت کوتاه کنند. ولی عمید که شیفته و مجذوب بلندنظریها و جوانمردیهای وی شده بود، بجای اجرای دستور مرداویز، کسی را نزد علی فرستاد و موضوع تغییر روش مرداویز را نسبت باو خاطرنشان ساخت و بدنبال آن، نامه دیگری برای «وشمگیر» فرستاد، او را از عاقبت کار نزاع با علی بهراس افکند. علی در آن وقت در حال حرکت و گردش در بعضی از شهرها و ولایات مرکزی ایران بود و همینکه نامه عمید را دریافت کرد، بی‌درنگ به کرج بازگشت و در انجا لشگریان وفادار خود را که غالباً از مردان و جوانان دلاور دیلمان بودند. به صف‌آرائی و محکم مواضع این شهر وادار ساخت.

«وشمگیر» هم که از شجاعت و زورمندی علی ملاحظه میکرد و تحت تاثیر نوشته عمید قرار گرفته و از رفتن بجایگاه علی و کشمکش با وی خودداری میکرد. علی که زمینه را از هر جهت برای فرمانروائی و استقلال طلبی اماده یافت، در شهر کرج که در آن هنگام بین همدان و اصفهان قرار داشت، اساس حکومت بزرگی را برقرار نمود.

علی که نقشه‌های بزرگی در سرداشت، در کرج به تامین رفاه و بهبود وضع مردم پرداخت و باندازه‌ای این کار را پیگیری کرد که همه مردم وجودش را عزیر و محترم دانسته، دسته دسته از دهات و قصبات به نزدش شتافتند و کمك و یاری خود را در راه ارمان‌های وی اعلام داشتند

کار علی طوری بالا گرفت و آوازه‌اش تا جائی بلند شد که مردم شهرها نیز بخدمتش وارد شدند علی وقتی پایه‌های حکومت خود را محکم ساخت، سپاهیان جدیدی از داوطلبان تازه آراسته، از کرج عازم اصفهان شد و بجنگ با مطفرالدین یاقوت که از طرف خلیفه به حکومت این شهر برقرار گردیده بود، پرداخت. وی قبل از اینکه بجدال با دست‌نشانده خلیفه مشغول شود، نامه‌های پرشوری برای سرداران یاقوت فرستاد و آنان را به مخالفت با این مرد بیگانه تشویق کرد. این نامه‌ها اثر مطلوبی در قلوب بعضی از امرای اصفهان بجای گذاشت، ولی برخی دیگر از جمله علی‌بن رستم را بدشمنی بیشتر وادار ساخت.بالاخره نبرد سختی میان سپاهیان جنگجوی علی و لشگریان یاقوت در جلگه اصفهان درگرفت. در لحظات نخستین پیکار، جمعی از سواران یاقوت که همه از دیلمان بودند و عده‌شان به ششصد نفر میرسید پشت به نیروی یاقوت کرده به علی پیوستند و علی پس از تلاش دلیرانه به درهم شکستن لشگریان دشمن که چند برابر سپاهیان او بود، توفیق یافتند و یاقوت که نمی‌توانست در شهر اصفهان بماند، راه شیراز را در پیش گرفته، باین شهر پناهنده شد و علی اصفهان را نیز جزء قلمرو حکومت خود گردانید

«مرداویز» که خبرهای ناگوار و وحشت‌آور پیشرفتهای سریع علی را شنید، روزبروز بیم و هراسش زیادتر شد و برای اینکه مبادا همه مردم شهرها بصفوف او بپیوندند بفکر خدعه‌ئی افتاد. نامه‌ای برای علی نوشته، او را در آن نامه مورد تهدید و هم تشویق قرار داد. در همان هنگام، برادر خود وشمگیر را فرمان داد تا با سپاهیان فوق‌العاده، به اصفهان رهسپار شده، علی را غافلگیر کرده کارش را بسازد.

ولی علی که از خواندن نامه مرداویر در سایه هوش سلیم، به نیرنگ وی پی برده بود سپاهیان خود را برداشته، عازم شیراز شد و در نزدیکی شیراز بار دیگر با لشگریان یاقوت بجنگ پرداخت و در این نبرد هم پیروز گردید

ولی یاقوت که بهیچ وجه از پایداری و لجاجت دست نمیکشید، باز هم بمقابله با او برخاست و این بار علی، حسن برادر خود را به کازرون فرستاد و حسن با دلاوری و رشادت فوق‌العاده سپاهیان یاقوت را که بزحمت از اطراف فراهم آورده بود، شکست داد و بدنبال او علی نیز برای اینکه رقیب سرسخت را بکلی منکوب گرداند، بطرف اصطخر در حرکت شد. اما یاقوت در معبر رودخانه، خود را بمقابله لشگریان علی رساند. در این رزمگاه نیز باز نسیم پیروزی و موفقیت پرچم علی را باهتزاز دراورد، زیرا از یك طرف لشگریان آگاه شدند که ان عده معدود که از صفوف علی روی برتاخته و داخل سپاهیان یاقوت شده بودند، جملگی را یاقوت با شقاوت و بیرحمی گردن زده است مصمم به پایداری تا آخرین نفس شدند و بعلاوه، علی در این جنگ ابتکاری بکار برده فرمان داد ظرف‌های بزرگ را پر از نفت کرده، انها مشتعل سازند و چون وزش باد شعله‌ها را بجانب صفوف یاقوت میبرد، جمع زیادی از لشگریان او دچار اتش‌سوزی شده، از معرکه جنگ گریختند.

یاقوت در خلال جنگ انتشار داده بود که ان عده از دیلمان که درمیان سپاهیان علی هستند بلافاصله پس از هر پیروزی مشغول غارت و تاراج میگردند، ولی چون علی همه لشگریان را از این کار منع کرده بود، هیچ یك از سپاهیانش جرئت این کار را نکرده و در کمال نظم و از روی جوانمردی، بی‌آنکه چشم طمع به اموال دشمن بدوزند، ضربات کاری و شکننده‌ای برآنها وارد میساختند. در این نبرد وحشتناك که آخرین جنگ علی با یاقوت بود، حسن و احمد برادران علی مردانگیهای بسیار از خود نمودند و در پایان، لشگریان یاقوت بکلی درهم شکسته و فراری شدند. در این وقت «مرداویز» و برادرش «وشمگیر» با سپاهیان انبوه خود وارد خوزستان شدند، تا نیروهای خود را در آنجا مجهز و اماده پیکار کرده، متفقاً با علی بجنگ بپردازند، علی نیز که اکنون بر همه فارس و ایالات مرکزی ایران مسلط شده و اساس استقلال و حکومت خود را مستحکم ساخته بود، خود را برای جنگ آماده ساخت، ولی مرداوریز که از علی وحشت فراوان داشت، ابتداء سعی کرد از روبرو شدن با وی خودداری کند و بهمین جهت واسطه‌ای نزد وی فرستاد و بالاخره پس از اینکه مدتی کار به مذاکره برای صلح و آشتی گذشت، طرفین بی‌آنکه با یکدیگر درآویزند، موفق به پیدا کردن راه‌حلی شده اشتی کردند و مرداویز حکومت علی، فرزند بویه را در مرکز و جنوب ایران برسمیت شناخت، و باین ترتیب، فرزند بویه ماهیگیر، کارگر ساده دیلمان، پس از آنکه با نیرومندترین رقیب خود صلح کرد، مطابق تعبیر آن پیرمرد، بر حکومت قسمتی از ایران تکیه زد. علی پس از آنکه به فرمانروائی رسید، بدنبال آن پیرمرد براه افتاده، به دیلمان رهسپار گردید تا مگر او را یافته، مورد حمایت خود قرار دهد، ولی پیرمرد معبّر مدتها بود که چشم از جهان فرو بسته بود.

# «اکبرآقا» به ایران بازمیگرد

محمدعلی عرفی‌نژاد

بنفشه دست اکبر آقا را گرفت و فشرد. آهسته در گوشش زمزمه کرد:

- ترسو. نداشته باش. این یه شانسه بزرگه، میدونی وقتی برگردی ایران چه استقبالی از تو میکنن؟

اکبرآقا درحالی که سعی در کنترل خود داشت آرام گفت:

- همه اینهارو میدونم، میدانم که یه شانسه گنده در انتظارمه، ولی چیکار کنم مثل اینکه یه عالمه مورچه دارن روبدنم راه میرن!

درهمین وقت کارگردان مجدداً نگاهی به اکبرآقا انداخت. خوب اورا برانداز کرد و گفت:

- اوکی!

اکبر آقا خنده‌ای کردو گفت:

- بله.... اوکی

و اصغرآقا که کنار دست آنها نشسته بود، کلاهش را برداشت و گفت:

- بنده هم اوکی؟

بنفشه که خنده‌اش گرفته بود، با کارگردان حرفهائی زد و بعد گفت:

- یس، اوکی!

اصغرآقا با عصبانیت پرید وسط حرف آنها و گفت:

- بنده نوکی، یعنی خیلی هم اوکی نیستم، آخه اکبرآقا باید بدونه شما چی‌میگین.

کارگردان به ساعتش نگاه کرد و علامتی به بنفشه داد و رفت. بنفشه با ناراحتی گفت:

- چی‌میگی اصغرآقا. هی میای وسط حرف. خیلی خوب اکبر جون یه ساعت دیگه کارت شروع میشه. الان باید بریم اتاق گریم که آماده شی، نقشت اینه که تو یه بیماری که تو بیمارستان خوابیدی ولی یه بیمار قلابی، چون در چند اتاق بالاتر از تو یه گانگستر خوابیده و نقشه‌ای رو داره و تو قراره شب که میشه آروم بیای‌بیرون و مواظب جریان باشی، یه هفت‌تیر بهت میدن و صحنه‌ها مو به مو برات تشریح میشه.......

اکبرآقا درحالیکه گل از گلش شکفته شدد بود، گفت:

- ما شنیده بودیم بازی در فیلم از اینجاها شروع میشه، ولی نه در انگلیس. بهرحال ما حاضریم، یکساعت بعد اکبرآقا دریك اتاق بیمارستان روی تخت با لباس بیمارستان خوابیده بود و کلیه تجهیزات آماده بود. نور پروژکتورها اتاق را گرم کرده بود و یك خانم منشی صحنه مرتباً اورا باد میزد. قلب اکبرآقا مثل قلب جوجه میزد. دوربین میزان شد و قرار شد اکبرآقا فقط چشمانش را به‌اطراف اتاق بگرداند و بعد کسی که به عیادتش می‌آید یك هفت‌تیر باو بدهد و اکبرآقا آنرا زیر بالش سرش پنهان کند. کلید دوربین زده شد. درسکوت اتاق صدای قلب اکبرآقا شنیده میشد، پلان چشم‌گرداندن اکبرآقا گرفته شد. کارگردان با خوشحالی گفت:

- اوکی .

و صحنه آماده شد، یك مرد که به عیادت آمده بود آرام هفت‌تیری را به اکبرآقا داد و اکبرآقا که از بدست آوردن یك هفت‌تیر دل توی دلش نبود شروع کرد به نگاه کردن به هفت‌تیر. دریك لحظه غفلتاً تیری از لوله هفت تیر خارج شد و لحظه‌ای بعد اکبرآقا تنها در اتاق بود. از بیرون سروصدا و فریاد کارگردان بگوش میرسید. همه گریخته بودند. کمك کارگردان با برافروختگی آمد تو و درحالیکه دستش را بالای سرش گرفته بود، آرام بطرف اکبرآقا آمد. اکبرآقا لوله هفت‌تیر را بطرف وی گرفته بود و کمك کارگردان درحالیکه می‌خندید آهسته گفت:

- سرهفت‌تیر رو بگیر پائین، آرام......

اکبرآقا که جاخورده بود گفت:

- شما فارسی بلد هست؟!..

کمك کارگردان با خنده گفت:

- آره بابا، من یه ایرونیم. حالا هفت‌تیرو پائین بگیر.....

اکبرآق گفت:

- مگه این مزی‌هردم قلابی نیست؟

- نه بابا، طبیعیه، فکر کردی فیلم فارسیه که همت تیر چوبی داشته باشند!

اکبرآقا که از کرده خود پشیمان بود، هفت‌تیر را بدست کمك کارگردان داد، و او گفت:

- میدونی چقدر ضرر به استودیو زدی؟ یه ساعت همه کارها عقب افتاد.... در ضمن یه خانم بیرون هست که سخت ناراحته که بلائی سرت نیومده باشه. من بهش گفتم اتفاقی نیفتاده....

***

نیمه‌های شب‌بود که اکبرآقا خسته و مرده درحالیکه صورتش را یك لایه خون پوشانیده بودند، کارش تمام شد، کارگردان جلو آمد و با او دست داد و کمك کارگردان گفت:

- تا حالا هیچ هنرپیشه‌ای به خوبی تو کار نکرده. ..

اکبر قا با خستگی ناشی از کار زیاد گفت:

- نوبت بعد کی هست؟

- کارت تموم شد، حدود بیست دقیقه بازی داری

بعد دستیار تهیه فیلم‌آمدجلو یك کاغذ به اکبرآقا داد، همراه با یك چك و کمك کارگردان گفت:

- اینم دستمردته، به پول خودمون میشه نودهزار تومن.

اکبرآقا ناگهان از جا جست و فریاد زد:

- نودهزار تومان؟!

همه بهم خیره شدند و کمك کارگردان گفت:

- خوب بیشتر از این نمیشه، اینجا روی هر دقیقه بازی پول میدن، اگه اعتراضی داری برو سندیکای فیلمسازان لندن.

بنفشه دست اکبرآقا را فشرد و گفت:

- چرا چونه میزنی؟

و اصغرآقا در حالیکه میخندید گفت:

- آخه بابا این پولو جلوی گربه بگذاری قهر میکنه، چقدر اینجا خسیس هستن. بابا قبول کن.

بهر حال اکبرآقا همراه با بنفشه و اصغرآقا خداحافظی کردند و بطرف هتل رفتند. یك اتومبیل آخرین مدل آنها را به هتل برد، جلوی هتل اکبرآقا به بنفشه گفت:

- میخوای بیا بالا یه درینکی بزنیم!

و بنفشه که شوکه شده بود گفت:

- بهبه!... حالا انگلیسی حرف میزنی!

و هر سه زدند زیر خنده، و آمدند توی هتل. وقتی کلید اتاق را میگرفتند متصدی اطلاعات هتل یك پاکت سفارشی به اکبرآقا داد، اکبرآقا نگاهی به پاکت انداخت و یکباره از جا پرید و گفت:

- این خط خان دائیمه، والا خط اونه، چه اتفاقی افتاده؟

سه تائی نشستند روی کاناپه و اکبرآقا نامه را باز کرد و شروع کرد به خواندن خواهرزاده عزیزیم، اکبر را قربان میروم،

اکبری، پس از سلام و عرض ارادت ملالی نیست بجز دوری شما که امیدواریم هر چه زودتر یکدیگر را ببینیم، اکبرجان ناراحت نشو، ولی اینجا خبرهائی هست که باید حتماً تو باشی، اگه دوغ دستت داری، بگذار زمین و راه بیفت بیا، همه به وجود تو احتیاج دارند، مادرت سلام میرسونه و میگه به اکبر بگو زودتر بیاد. خلاصه تفریح بسه، وقت برای سفر زیاده، سفارشات یادت نره، زیاده عرضی نیست جز دیدار مجدد.

«خان دائی»

اکبرآقا سکوت کرد و رفت توی فکر، بنفشه دستش را فشرد و گفت:

- چرا ناراحتی؟... خوب دلشون تنگ شده دیگه.

اکبرآقا در حالیکه موهای سرش را میخاراند گفت:

- توی این نامه حکمتی نهفته، خان دائی بیخود برنداشته نامه بنویسه، حتماً مادره حالش بده، به پنسیلین حساسیت داره. میترسم بلائی سرش اومده باشه. خدا به خیر بگذرونه، حالا چیکار کنم؟

اصغرآقا برای اینکه اکبرآقا را دلداری داده باشد، گفت:

- بهر حال کاریست که شده. این شتریه که در خونه همه میخوابه.

اکبرآقا هروهر باو نگاه کرد و با عصبانیت گفت:

- منظورت چیه اصغری؟... یه طوری حرف میزنی مثه اینکه ما بی‌مادر شدیم.

اصغر با ناراحتی گفت:

- بابا، زندگی همینه دیگه، ماشاءالله جوونی، سر و مرو گنده، فیلم بازی کردی. نودهزار تومن هم پول داری، چه غمی داری.....

با این حال حرف، اکبرآقا یکبار زد زیر گریه و بنفشه که از کار اصغر عصبانی شده بود، گفت:

- حالا چه وقت این حرفاست، اصلا معلومه هست تو چی میگی. و بعد رو کرد به اکبرآقا:

- تو هم واسه چی گریه می‌کنی؟

اکبرآقا بدون توجه به حرف بنفشه گفت:

- چقدر واسه ما زحمت کشید. خون دل خورد، مارو یتیم بزرگ کرد. حالا بدون اینکه ما پیشش باشیم...

بنفشه زد زیر گریه و گفت:

- ترو خدا نگو، تو دیگه نگو، تو دیگه نگو....

و اصغرآقا که اشگ توی چشمش جمع شده بود، یکباره بغضش ترکید و حالا گریه نکن کی گریه کن.

و در حالیکه گریه میکرد گفت:

- من که از این غم مردم، تو چطوری؟

مسافران همه جمع شده بودند و به چشم پر اشگ و آه اکبرآقا نگاه می‌کردند. اکبرآقا یکباره از گریه ایستاد. نگاهی به اصغرآقا و بعد به بنفشه انداخت و با عصبانیت به اصغرآقا گفت:

- بی‌معرفت، مارو گریه انداختی که چی؟!.

حالا کی گفته مادر من طوریش شده، همینطوری روضه میخونی و اشك مارو در میاری، نکنه میخوای من دق کنم و تو ارثیه منو بخوری؟

اصغرآقا اشکش را پاك کرد و غمزده گفت:

- تورو هم میگن رفیق، من واسه مادر خودم اینطور گریه نکردم که واسه مادر تو کردم.

- تو غلط کردی واسه مادر من گریه کردی، آخه واسه چی؟

- خوب چمیدونم، گفتم نکنه عمر شو داده باشه به ما.. ...

بنفشه یکباره زد زیر خنده و گفت:

- بابا شماها خیلی آرتیست شدین. حالا بلند شو با هم بریم بیرون، امشب من و اکبرآقا میخواهیم یه شب خوش داشته باشیم.

اصغرآقا با ناراحتی گفت:

- بیخود از من دعوت نکنین، حال و حوصله‌ش رو ندارم.

بنفشه خنده کنان گفت:

- آره بابا، تو برو استراحت کن، ما میریم بیرون.

اکبر آقا و بنفشه بلند شدند و قرار شد اکبر آقا حمام کند و لباسش را عوض کند و حرکت کنند، اکبرآقا کلید اتاق را به بنفشه داد و گفت: تو برو تو اتاق ، من الان میام.

و درمقابل چشمان تعجب‌زده اصغر آقا بطرف میز اطلاعات رفت و آهسته گفت:

- آی وانت تیکت رزرو فور ایران.

# دد

و مامور اطلاعات گفت:
منظورتون اینه که میخـواین بلیط برای ایران رزرو کنین؟
کبر آقا گفت
معلوم نیسـت چـه مرضی داشـتیم بلند شـدیم ومدیم انگلیس، همه ایرونی هستن که!
طلاعات‌چی با خنده گفت: مشتری‌های این هتل بیشتر ایرانی هستند. اینه که هتل مارو اسـتخدام کرده، و بهر حـال اسـم و آدرسـتون رو بنویسـین راتون برای پس فردا رزرو می‌کنم.
کبر آقا اطلاعات لازم را گفـت و بسرعت از پله‌ها الا رفت و خود را به در اتاق رسانید، قلبش بشدت میزد، برای اولین بار بود که با بنفشـه در یك اتاق تنها میشد، آهسته به در زد، در را باز کرد و داخل شد، ولی ناگهان بر جـای خـود میخکـوب شـد، اصغر آقا و بنفشه پشت میز نشسته بودند و حـرف میزدند. اکبر آقا با عصبانیت گفت:
- بابا، تو مگه جنی! الان پائین بودی!
اصغر آقا با ناراحتی گفت:
--اره ، تو که از پله‌ها اومدی من با آسانسور آمدم، حالا مگه چی شده؟
بنفشه خندید و گفت:
– خیلی خـوب، حمام کن، لباس‌هاتو بپوش بریم.
صغر آقا گفت:
– امیدوارم بدون من بهتون...
و اکبر آقا دنباله حرفش را گرفت:
– خوش میگذره، مطمئن باش...

* * *

ساعتی بعـد اکبر آقـا حمام کرده، با لباس تیره‌ای که پوشیده بود آماده رفتن شـد و همراه با بنفشه براه افتادند... هنگام خداحافظی از اصـغر قـا که روی تختش دراز کشـیده بود، اکبر آقـا گفت:
-امیدوارم خواب‌های خوشی ببینی!
و اصغر آقا گفت:
—مطمئن باش.....
با آسانسور آمدند پائین، سوار تاکسی شـدند و بنفشه او را به یك رستوران درجه اول لندن برد، و در نور قرمز رستوران «شف گارسن آنها را پشـت یك میـــــز هدایت کرد. دو تائـی نشســتند و لحظه‌ای بعد گارسـن برای آنهـا شراب ریخـت و اکبر آقـا در حـالیکه پول زیبای رسـتوران احسـاساتیش کرده بود دسـت بنفشـه را گرفـت و هسته گفت:
—تو بهترین شـــانس زندگیم بودی. با تو تا همه جا رفتم....
-پاك بودی، خوب بودی، همیشه هم هستی.
—حالا دلم میگیره از اینکه باید از پیشت برم.
بنفشه با ناراحتی با و خیره شد:
—منظورت چیه؟
—هیچی بلیط رزرو کردم که پس فردا برم.

**اگر قبلا نخوانده‌اید این مقدمه را بخوانید:**

**اکبر آقا یك کارگر است و دریك کارگاه کار می‌کند و از صبح تا غروب سرش توی موتور و گیربکس و دیفرانسیال است. یك مادر دارد که از جان عزیزترش میدارد و یك خـان‌دائی که برای خودش ناپلئـون زمانه اسـت. لطف زندگی اکبرآقـای ما، دراینسـت که هرگز از پای نمی‌افتد، هرچیز را به نوبهٔ خود تجربه میکند و هربار به قول خـودش «خیطی» بالا می‌آورد، اما بهرحال او میخواهد که همه چیز را یاد بگیرد و همه چیز داشته باشد. مشـکل دیگـر اکبر آقا انتخـاب همسر اسـت. دربدر دنبال دختری می‌گردد که زندگی اورا بشـناسد، بروحیه‌اش وارد باشد و بعبارت دیگر درکش کند.**

**چندبار تا پای سـفره عقـد رفته و ناکام برگشـته، یا دخترها اورا- میخـواسته‌اند و او نخواسته و یا او خواسته ولی مقدوراتی وجود داشته است که ازدواج نکـرده. دراین رفـتو برگشتهای زندگی، اکبرآقا درجریان تازه‌ای افتاد و یکدفعه زد به کله‌اش که برود یك سفری خـارج از ایران بکند. دیدن آثار باسـتانی، دخترهای لندن و پاریس، تعمیرگاههـا و کارخانمها... و... و...**

**این بود که راه افتاد بطرف لندن، آنهم قسـطی با یك تور مسـافرتی. با کلی ترس و لرز سوار هواپیما شد و رفـت روی هوا و بقـول خـودش با کبوتر آهنین بال بطرف کشـورهای خارجه براه افتاد، اما از بخـت‌خوش یا ناخـوش، از همان آغاز راه دخترکی چشـم سیاه بنام «بنفشه» کنار دستش نشست و حـال اکبرآقـا را گرفـت... در فـرانکفورت یك توقف کوتاه کردند و دوباره بطرف لندن پرواز کردند و عاقبت در فـرودگاه لندن از هواپیما پیاده شـدند. مشکل تازه دراینجا آغاز شـد که اکبرآقـا همراه خودش یك قلیان برده بود که در فـرودگاه توقیف شد و عاقبت بهنگـام خـروج تازه غم عشـق «بنفشـه» و دوری از او، روی دلش نشست. بهرحال در هتل اتاق گرفت و با اصغرآقا هم‌اتاق شد.**

**بعد از چندروز اکبرآقا برای شرکت دریك فیلم انتخاب شد و بعنوان یك هنرپیشـه مطرح شد.**

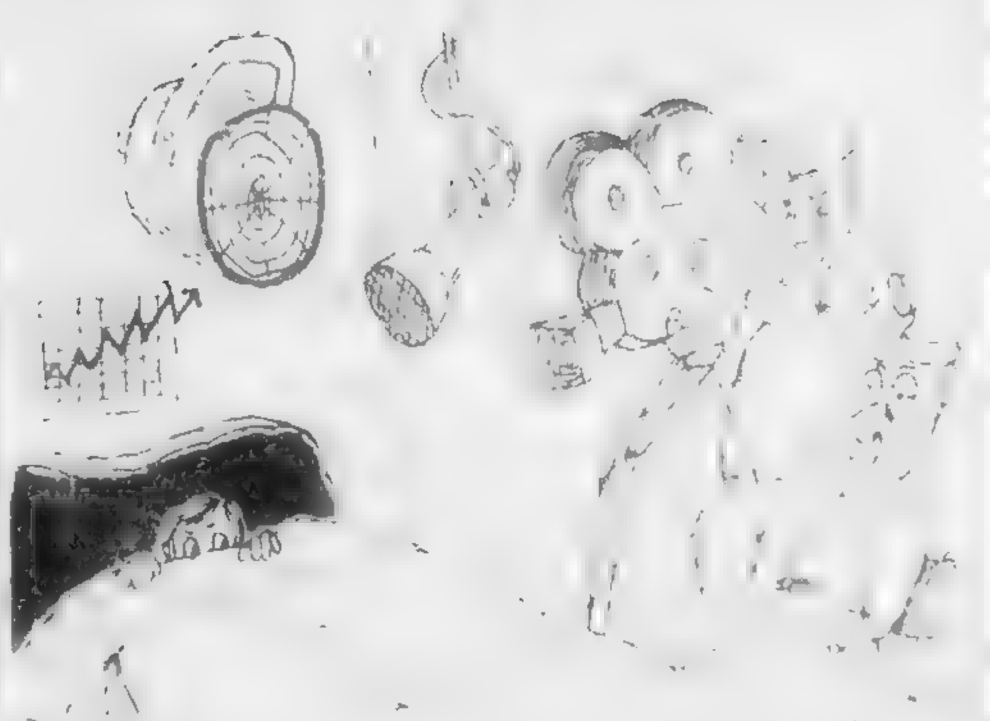

-پس فردا؟ برای چی؟...
-نمیدونم. ترسم گرفته. باید برم. تو چیکـار میکنی؟
بنفشه رفت توی فکر:
-همیشـه همینطور بوده. هر وقـت دلم رو به چیزی خوش کردم یکدفعه پریده.
اکبر آقا دست بنفشه را فشرد:
-بهـر حـال کارش نمیشــه کرد. تو کی بر میگردی ایران؟
بنفشه سیگاری روشن کرد و گفت:
-من اومدم درس بخونم. حـلا حـالا ها نمیتونم بر گردم. تأسـفم از اینه که همه چیز زود شروع شد و زود تموم شد. خیلی زود.
– مثه برق
– مثه خواب
– مثه زندگی.
بعد دو تائی زدند زیر خنده ......
روز بعد اکبر آقا بابنفشه چك دسـتمزد بازی در فیلم را نقد کردند و اکبر آقا از صبح تاشـب همراه با بنفشه چندین چمدان لباس و وسایل دیگر خرید . و شـب باز با هم بودند وسـاعت ده صـبح بطرف فرودگاه براه افتادند. درحالیکه اصغر آقا نیز با آنها بود. بنفشه مدام گریه می کرد و اکبر آقا دلداریش میداد، هنگام حرکت اکبر آقـا یك بسـته به بنفشـه دادو گفت:
این هدیه رو از من قبول کن، یه گردن بند که همیشه بیادمن باشی
– بیادت هستم.
– میدونم ، برام حتما نامه بنویس.
– توهم بنویس.
اصغرآقا آهسته آمد جلو و گفت:
– اکبری ، اگه پولات زیاده یخـورده بمن قرض الحسنه بده، میام تهرون بهت میدم.
اکبرآقاباخنده گفت:
– بازتیغ میزنی؟!
وصدپوند پول باو داد...
ازبلندگو اعلام حرکت کردند مسافران لندن – تهران آماده شوند اکبرآقا بنفشه رابغل کرد....
– امیدوارم زودتر به بینمت.
– حتما.....
وبراه افتاد اکبراقا که بغضش گرفته بود سوار هواپیماشـد تابطرف ایران بیاید بطرف کشـورش وشهرش، بازشلوغی و کار...
در حالیکه دلش می تپید درتهران چه اتفـاقی افتاده اسـت از شـیشه هواپیمابنفشـــه را دید که نگاهش میکندو دست تکان میدهد.
سرش را به شیشه گذاشت واهسته گفت:
– خدایا حفظش کن .....

# جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر بارساخو

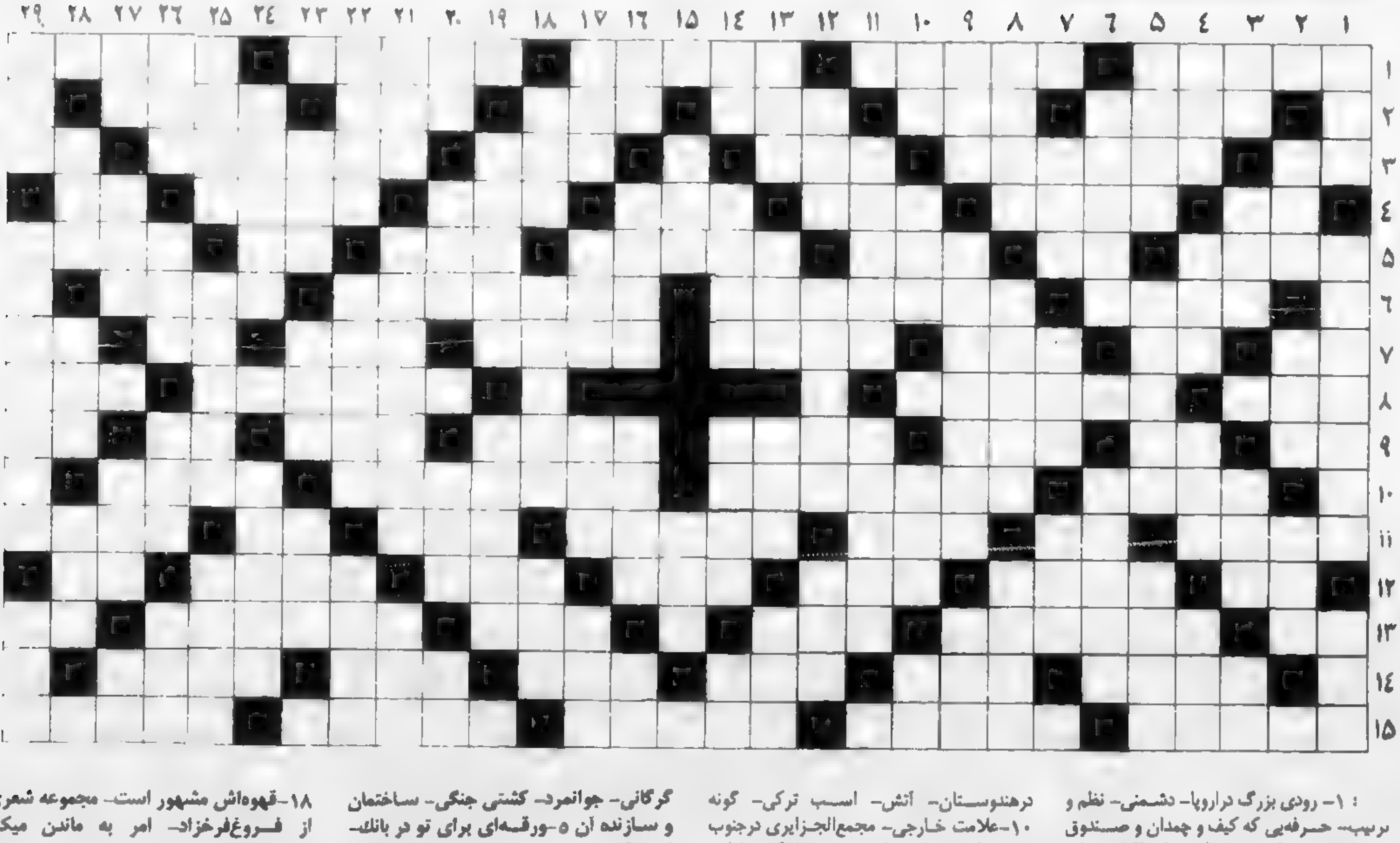

: ۱- رودی بزرگ دراروپا- دشمنی- نظم و ترتیب- حرفه‌یی که کیف و چمدان و صندوق میسازد- شرح‌دادن- ۲- نامی برای آقاپسرهای خودمان- خانمانسوز زمانه- شب عرب- عددهفته- خالی- اصطلاحی درجبر ۳- خط‌ها - ماهی کنسرو- پدر زال- هم‌سفید و هم سیاه آن خوردنی است- شهری در ترکستان روس- کلام صریح و آشکار که جز یك معنی ازآن استنباط نشود. ٤-خاك کوزه‌گری- تار- سراغش را ازبیمارستان بگیرید- سخن- جایزه ورزشی- شاهزاده خارجی- اقامت ٥-خط‌سیر- سرراست- نام دیگر دارو- اصلاح کردن- مکروحیله- درنوردیدن- رویگر ٦-شهری دراستان کردستان- ضیافت- پایتخت کشوری دراروپای مرکزی- اینهم پایتخت یکی از کشورهای همسایه ٧-تپه کوچك- ماه کم حرف- حاشیه کنارش نشسته است- تیم ایرانی- سمت راست- مو- میوه- حرف تکراری بریژیت باردو ٨-اصطلاحی دربازی فوتبال- شهرستانی دراستان مازندران- چوخودش را ببیند خوشش آید- گردن‌زن غلات ٩-شاعر زدست آن نیز فریاد داشت- یادداشت- عدد- سزاوارتر- ایالتی درهندوستان- آتش- اسب ترکی- گونه ١٠-علامت خارجی- مجمع‌الجزایری درجنوب شرقی آسیا- اثری از موریس‌مترلینگ- باطن ١١-خوراك خارجی- برای رسوایی میدهند- ماه‌کشنده- محصولی ممتاز از سینمای ایران- هزار- شهر مذهبی- کارد باآن دشمنی دیرینه دارد ١٢-چاشنی سفره‌نشین- واحد وزن- شیرین آنرا برای همه آرزو می‌کنیم- قهرمان تروآ- منسوب به ملت- مشکل ازدیده خوشبین- محل و مکان ١٣-حیوان وحشی- قدیم- بمالیم شاید ازان کلاهی نصیب ماشود- خوب و پسندیده- خجل- کچل ١٤-تفریق عددی از عدد دیگر- قرارگاه- گیتی- موجودی افسانه‌ای- مرغ سعادت- تیر کوچك- ١٥- پایتختی درآسیا- مطلوب- کشوری دراروپای مرکزی- بهره و سود- منت نهاده شده.

: ١-کوهی درشمال غربی استان فارس- گاوباز اسپانیولی- دختر کوچك ٢-رودی درمرز ایران- سرمست و بانشاط- شیر تازی ٣-بوی رطوبت- میوه سفره هفت‌سین- مزاحم تابستانی- مار بی میان ٤-قهرمانی از اثر معروف فخرالدین اسعد گرگانی- جوانمرد- کشتی جنگی- ساختمان و سازنده آن ٥-ورقه‌ای برای تو در بانك- ألت رگ‌زدن- مرد روحانی در نزد مصریان قدیم ٦-تاوان و مجازات- عبادتگاه ترسایان ٧-دریافتن- مخالف رسم- مقیاس برای اندازه گرفتن مقدار برقی که تولید میشود ٨-زنی که بچه کس دیگر را شیر بدهد- ایستاده- قهرمانی از منظومه معروف عنصری ٩-بزرگترین شهریونان قدیم- ماده قابل انفجار- عیب ١٠-مثل و مانند- بچه بچه- پیمانه- فعل امر از مصدر رفتن ١١-برتر و بالاتر- همه‌جای آن سرای من است ١٢- ابریشم پاك نکرده- توقف خارجی- یاری‌کننده ١٣-مفتول فلزی- چادر انگلیسی- واحد پول است- زیرکی ١٤-بچه‌مزد معروف- یکی از قراء- زنی که شب زفاف همراه عروس بخانه داماد میرود- نقش ١٥- مادر- شهرعربی ١٦-باید در بساط باشد تا با ناله سودا کرد- کشوری در افریقای شمالی- آرامش و آسایش- تصدیق روسی ١٧-طلای‌سیاه- تفاله عسل- اصطلاحی دریکنوع بازی باورق- حرف شب عید ١٨-قهوه‌اش مشهور است- مجموعه شعری از فروغ‌فرخزاد- امر به ماندن میکند ١٩-فرزند ابر- میان دست فشرده و بهم مالیده ٢٠-ناس برای پروردگار- چیق فرنگی- یك گل- همه را شامل میشود ٢١-هنر خارجی- درخواست تجدید رسیدگی بدعوائی که حکم ان از دادگاه بدوی صادر شده اما یکی از طرفین ناراضی بوده و نسبت بآن حکم اعتراض کرده باشد- ضمیر جنابعالی ٢٢-ژنرالی معروف درویتنام شمالی- غرامت- نام دیگر اقیانوس کبیر ٢٣-پیمان و قرار- عار نیست- ترانه‌ای از مهستی ٢٤-قاعده فنی- تعهد- ٢٥-کشوری درافریقا- پوشیده‌سخن گفتن- همدم و هم‌صحبت ٢٦-خوشحال- تلخ است ولی میوه شیرین دارد- واحدی در ارتش- درمصرجمع شده است ٢٧-رودی در اروپا- وسیله‌ای برای بستن در- نابرده گنج میسر نمیشود- بخیه ٢٨-حرفی دردستور زبان- عضو پرنده- گاو تبت ٢٩-طمع- رجل سیاسی دوره انقلاب کبیر فرانسه- آواز.

## برندگان

## مسابقات شماره ١٩

١- ضبط‌صوت، گرگان- آقای مسعود خسروی ٢- اطو، تهران، آقای پرویز نهائی ٣- بخاری، کاشان- دوشیزه مهناز محمدی ٤- دوربین، تهران- دوشیزه نرگس فرامرزی- ٥- تریموس، یزد، آقای اردشیر رازی ٦- ساعت، خرم‌آباد لرستان، بانو محترم صفائی ٧- جعبه ابزارفنی، نهاوند آقای ایرج کاظم‌زاده ٨- رادیو، مشهد، دوشیزه هایده توانگر- ٩- فلاسك، زنجان، آقای فریدون تراب ١٠- نوارکاست، رشت، آقای بهمن طاهری.

قابل توجه برندگان: برای دریافت جایزه خود با دردست داشتن شناسنامه عکس‌دار بین ساعت ٩ الی ١٢ صبح، باستثنای روزهای تعطیل به آقای موسوی مراجعه نمایند.

# فال

## فروردین

شما ذاتا شخص مهربانی هستید. سعی نکنید برخلاف میل باطنی خود دست به اعمالی زنید که شایسته‌تان نیست. بدبینی را بدور بیندازید و بدانید که دوستانتان شما را دوست دارند. با متولدین ماه آذر تفاهم خواهید داشت. اگر ازدواج نکرده‌اید، به شخص جالبی بر میخورید که احتمالا این اشنائی منجر به ازدواج خواهد شد. از ولخرجی پرهیز کنید. شما بحدی بی‌حساب پول خرج می‌کنید که گوئی دنیا به آخر رسیده است. شخصی که بسیار مورد علاقه شماست، دچار ناراحتی شده، سعی کنید مثل همیشه به او کمك کنید. از عصبانیت بپرهیزید و اگر می‌بینید نمی‌توانید در مقابل اتفاقات خودتان را کنترل کنید، از محیطی که متشنج است دوری جوئید.

## اردیبهشت

خودتان را دچار دردسر نکنید و به انچه که چندان بشما مربوط نیست، نپردازید. در مورد مساله پیش آمده، بنشینید کمی عاقلانه فکر کنید. همه جوانب امر را بسنجید، بعد تصمیم بگیرید.

از احساسات پیروی نکنید. میدانید که فامیلتان به شما بیش از همیشه احتیاج دارند و شما میتوانید مشکلی را که برایشان پیش بیاید، حل کنید. پس از انها کناره نگیرید و از انزوا طلبی بپرهیزید.

شما آدمی هستید که همیشه می‌توانید مورد توجه قرار بگیرید. سعی کنید با فامیل و دوستان دیدار داشته باشید. مطمئن باشید که بزودی همه چیز بر وفق مراد شما خواهد شد و بار دیگر، آسمان، آبی‌تر از پیش بر سرتان خواهد درخشید.

## خرداد

ماه بسیار خوبی در پیش دارید. با متولدین دی ماه تفاهم کامل خواهید داشت و جواب خود را از شخص مورد نظر دریافت خواهید کرد، جوابی که مسیر اینده شما را مشخص می‌کند. اگر در فکر خرید هستید، عیبی ندارد، نظرتان را عملی کنید. از این معامله سود خواهید برد. مدتی است که احساس خستگی می‌کنید. خوب، هر کسی که دائما بفکر کار باشد، خسته می‌شود. کمی بیشتر به فامیل برسید. مخصوصا بچه‌ها که احساساتی‌ترند و از شما توقعات بیشتری دارند. از فکر سلامتی خود غافل نباشید و سعی داشته باشید که روزانه یکی، دو ساعت پیاده روی کنید. میهمانی برای شما از راه دور میاید که ساعات خوشی را در کنار او میگذرانید. سعی کنید روزهای پایان هفته را با خانواده به سفری بروید، تا تجدید قوا و تمرکز اعصاب شود.

## تیر

شما شخص فعالی هستید و این فعالیت بسیار خوب است، بشرط آنکه تعادلی در برنامه‌یتان بوجود بیاورید. از این شاخه به آن شاخه پریدن هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. اگر همه نیروی خود را در یك جا متمرکز کنید، مسلما نتایج مطلوب‌تری بدست میاورید. با شخصی اختلاف دارید، بهتر است خیلی بی‌رو در بایستی بنشینید و اختلافتان را حل کنید. یکی از نزدیکان انتظار محبت بیشتری از شما دارد. سفری ممکن است برایتان پیش بیاید.

## مرداد

از نظر احساسی خودتان را درگیر مسئله‌یی کرده‌اید که هیچ عاقبتی ندارد. شخص مورد علاقه شما آدم مرددی است و همین تردید سبب میشود تا نتواند تصمیم بگیرد، ولی در ضمن شما را هم سخت دوست دارد. زیاد پای‌بند عواطف و احساسات نباشید. بیشتر به واقعیات بیندیشید. در این ماه بیش از همیشه مورد توجه همکاران خود قرار میگیرید و پیشنهاد بسیار جالبی برای شروع کاری دریافت میکنید. با ساده دلی و بیش از حد اعتماد داشتن به دیگران اینده خود را متزلزل نکنید و نسبت به خانواده بیشتر مهربان باشید. از مسئله‌ئی رنج میبرید ولی بدانید که دیری نخواهد پائید که این رنج جای خود به شادی فوق‌العاده‌ای میدهد.

## شهریور

مدتی است فامیل و دوستان انتظار خبری را از شما دارند. اگر در سفر هستید، بهتر است با نامه یادی از خانواده بکنید. به هیچکس اجازه ندهید که در زندگی خصوصی شما دخالت کند. وضع مالی شما کاملا رضایت بخش خواهد بود، اگر از ولخرجی پرهیز کنید. بزودی تغییرات مهمی در زندگی‌تان بوجود میاید. در عشق شانس پیروزی زیادی دارید، البته اگر از جر و بحث و زورگوئی خودداری کنید. از قبول مسئولیتهای دشوار بپرهیزید و باصطلاح با یك دست چند هندوانه بر ندارید. قبل از سرمایه‌گذاری در هر کاری، امکانات مالی خود را به دقت بررسی کنید، با دوستان خود تصمیم مشترك می‌گیرید.

## مهر

عقاید خود را در کمال خونسردی با دیگران در میان بگذارید مطمئن باشید این راه درستی است نه جار و جنجال کردن و سرو صدا راه انداختن. معاشرت زیاد باعث خستگی شما می‌شود. با متولدین دی ماه بر سر مسئله‌ئی بحثی خواهید کرد که بنفع شما تمام می‌شود. در زمینه شغلی احساس نارضایتی می‌کنید، ولی با تغییر و تحولاتی که انجام می‌گیرد. اوضاع به نفع شما روبراه می‌شود. با دوستان قدیمی ملاقات می‌کنید و از نظریات آنها در موردی که هم‌اکنون تمام فکر شما را بخود مشغول کرده، استفاده می‌کنید. سعی کنید در کار خود نظم و ترتیبی برقرار کنید، تا راه حل‌های سریع و رضایت بخش پیدا کنید.

## آبان

پیوند موجود میان شما و شخص مورد علاقه‌تان مستحکم‌تر می‌شود. آشنائی‌های جالبی در انتظار شماست. چند نفر به ملاقاتتان می‌آیند و در باره مسئله‌ئی از شما چاره‌جوئی می‌کنند. شما هم مثل همیشه بهترین راه حل را پیشنهاد می‌کنید و با این کار بر میزان محبوبیت خود می‌افزائید. در معامله‌ئی که بزودی، می‌کنید سود فراوانی نصیبتان می‌شود و از دوستی نیز خبرهای فوق‌العاده خوشحال کننده‌ئی می‌شنوید. مثل همیشه ثابت می‌کنید که موجود منطقی هستید و لرزش این همه موفقیت را دارید. به حسابهای خود رسیدگی کنید و بهر حال به مسائل مالی خود سر و صورتی بدهید.

## آذر

از کسانیکه اعصابتان را تحریك می‌کنند، فاصله بگیرید. موقعیت بی‌نظیری برای عملی کردن نقشه‌های خود پیدا می‌کنید. با افراد خانواده، بخصوص متولدین شهریور ماه تفاهم کامل خواهید داشت. همه اشکالات خود را برطرف می‌سازید. گاه بی‌جهت آشتی ناپذیر می‌شوید. بهتر است عکس‌العملهای خشونت‌امیز خود را کنترل کنید، و هیچ تصمیم عجولانه‌ای را به مرحله اجرا در نیاورید. در زمینه شغلی منتظر موقعیت مناسبی باشید. امیدهای تازه‌ای به دل شما راه پیدا می‌کند که عاقبت خوشی خواهد داشت. از راه دور پیغام جالبی دریافت می‌کنید. به سلامت دندانهای خود توجه بیشتری بکنید.

## دی

ضد و نقیض گوئی شما گاه باعث بروز اختلاف می‌گردد. عقاید خود را با احتیاط بیان کنید. در باره اطرافیان عادلانه قضاوت کنید. حس حسادت شخص مورد علاقه‌تان را تحریك نکنید و به او فرصت ابراز وجود کردن بدهید. در محیط خانواده بهمه اطرافیان‌تان آزادی عمل بدهید. در اجتماع مورد توجه و احترام واقع می‌شوید. با زیاده روی در کار انرژی خود را تحلیل نبرید. کاری که نیمه کاره گذاشته بودید، دو باره آغاز خواهید کرد. لجبازی در هر مورد به ضرر شما تمام می‌شود، بنابراین بهتر است در باره آن بیشتر فکر کنید و حرف حساب و منطقی را بپذیرید.

## بهمن

یك اختلاف عمیق و قدیمی با وساطت دوستی حل می‌شود. در محیط خانواده صمیمیت برقرار کنید نوعی جابجا شدن در زندگی‌تان دیده می‌شود که خوشبختانه برایتان مفید خواهد بود. در زمینه‌های شغلی نقشه‌های جالبی بشما الهام می‌شود. موقعیت مناسب و شانس خوب باعث می‌شود این نقشه را به بهترین وجه جامه عمل بپوشانید. با دیگران کمتر جر و بحث کنید. با دوستی در باره مسئله‌ئی که بر دوش شما سنگینی می‌کند، حرف میزنید و با کمکهای او نتایج رضایت بخشی بدست میآورید. اعتماد بنفس خود رااز دست ندهید، کمی پیاده روی کنید.

## اسفند

بزودی همه چیز موافق میل‌تان پیش می‌رود و موفقیتتان حتمی خواهد بود، ولی فعلا خونسرد باشید و بدانید که به مرور مسائل حل خواهد شد. در کمال صبر و دقت برنامه روشن و دقیقی را پیریزی کنید و انرا به آخر برسانید. بدبینی بزرگترین دشمن موفقیت شماست. در کارهائی که نیاز به خلاقیت دارد، موفق خواهید شد. یك نفر در راه دور منتظر نامه شماست حتما از سلامتی خود با خبرش کنید.

نسبت به وضع سلامت خود بی‌اعتنا نباشید. افراد خانواده خواسته‌های خود را با خواسته‌های شما وفق میدهند، دوستان خوب شما وفاداریشان را ثابت خواهند کرد.

درآمد جدیدی هم عایدتان می‌گردد. در زمینه عشق و احساسات با تغییر بسیار دلپذیری روبرو می‌شو . با افراد خانواده، بخصوص متولدین مهر ماه تفاهم و توافق کامل خواهید داشت . مراقب سلامتی خود باشید.

# کارگاه خنده

## خانواده

آقای وکیل نزد یکنفر از موکلین خود که در زندان بسر میبرد، رفت و از او پرسید:

– تاکنون هیچیک از افراد خانواده شما برای دیدار شما باینجا نیامده‌اند، زندانی جواب داد:

– نه!

– چرا؟ معلوم میشود آنها آدمهای خوش‌قلبی نیستند.

– نه آقای دکتر، آنها خیلی بمن علاقه دارند، ولی متاسفانه زندانبانهای اینجا بآنها اجازه نمیدهند برای دیدن من از سلولهای خود خارج شوند!

## شباهت

مادربزرگ که خیلی چاق و چله بود، وقتی از سفر افریقا بازگشت، با یك سری عکس و اشیاء یادگاری بدیدار فرزندان خود رفت. در میان عکسها، یك عکس را انتخاب کرد و به نوه‌اش نشان داد و گفت:

– نگاه کن، در این عکس من در کنار باغ «اورانگوتان» ایستاده‌ام.

پسرك کوچولو لحظه‌ای به عکس خیره شد، آنگاه با کمال سادگی پرسید:

– مادر بزرگ! ممکن است بگوئی تو کدام یکی هستی، آنکه طرف راست عکس است یا آنکه سمت چپ ایستاده؟!

## بله، نه!

مردی فقط بلد بود بگوید: «بله، نه، باکمال میل!»، واین کلمات را هم به همین ترتیب میگفت.

روزی این مرد در اتوبوس نشسته بود که کیف یکنفر را زدند. صاحب کیف که به این مرد شك برده بود، بطرف او آمد و با تندی پرسید: آقا شما کیف مرا دزدیدید؟

– بله

– اونو بمن پس میدین یا نه؟

– نه!

– پس بیابریم کلانتری

– باکمال میل! از: مسعود قدرت

## خوش خیال

صاحبخانه: چیکار کردی مرد! این گلدان رو که انداختی شکستی، مال دویست سال پیش بود!

مهمان: ای بابا، منو ترسوندی، خیال کردم تازه خریدی!

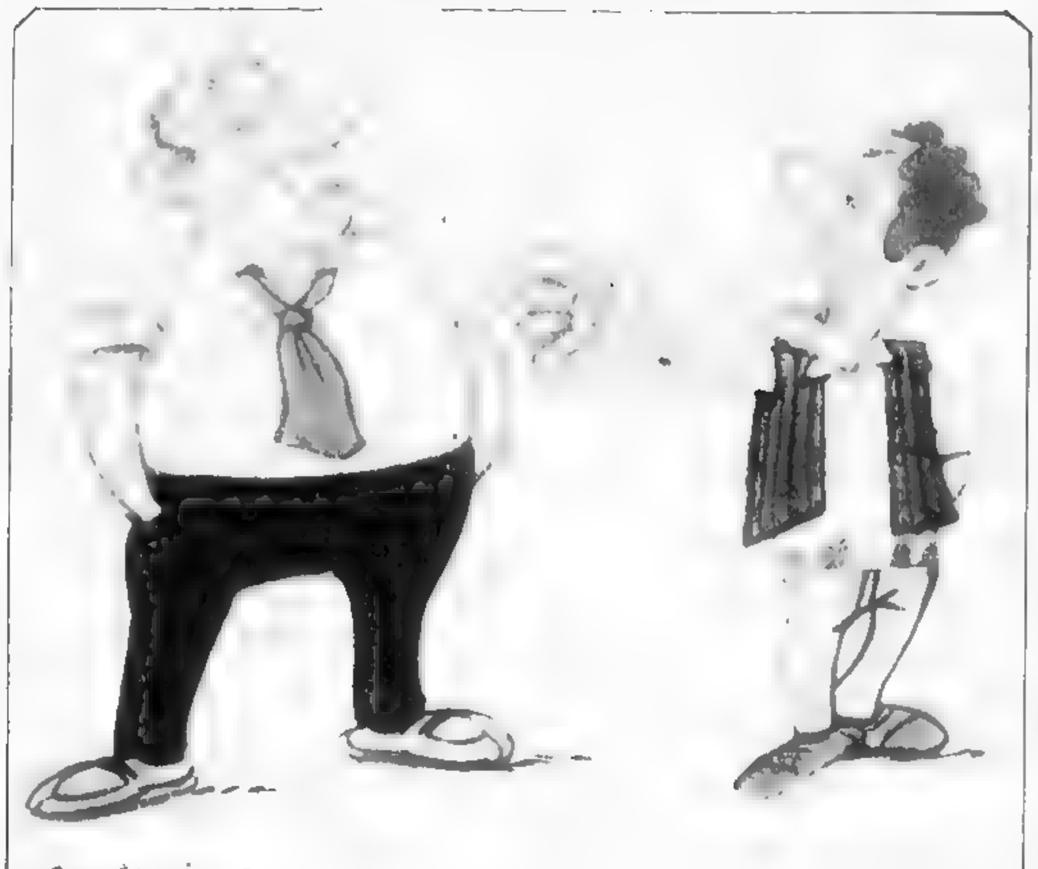

برو بابا، از اونوقت که با یك راننده تاکسی دوست شده، چقدر خودشو میگیره

حسینعلی‌خان رو به دوست قدیمیش عباسقلی‌خان کرد و گفت:

– بینم رفیق، امروز خیلی خوشحال هستی!

– آره، اونم خوشحالی دوطرفه، آخه از یکطرف با زنم قهر کردم و از طرف دیگه با سکرترم آشتی!

معلم: کی می‌تونه بگه، اولین بار چه کسی فهمید زمین گرده؟

شاگرد: یزدگرد، آقا!

## بچه امروزی

مادر: شیر پاستوریزه دوست داری؟

بچه: نه، پلنگ پاستوریزه دوست دارم!

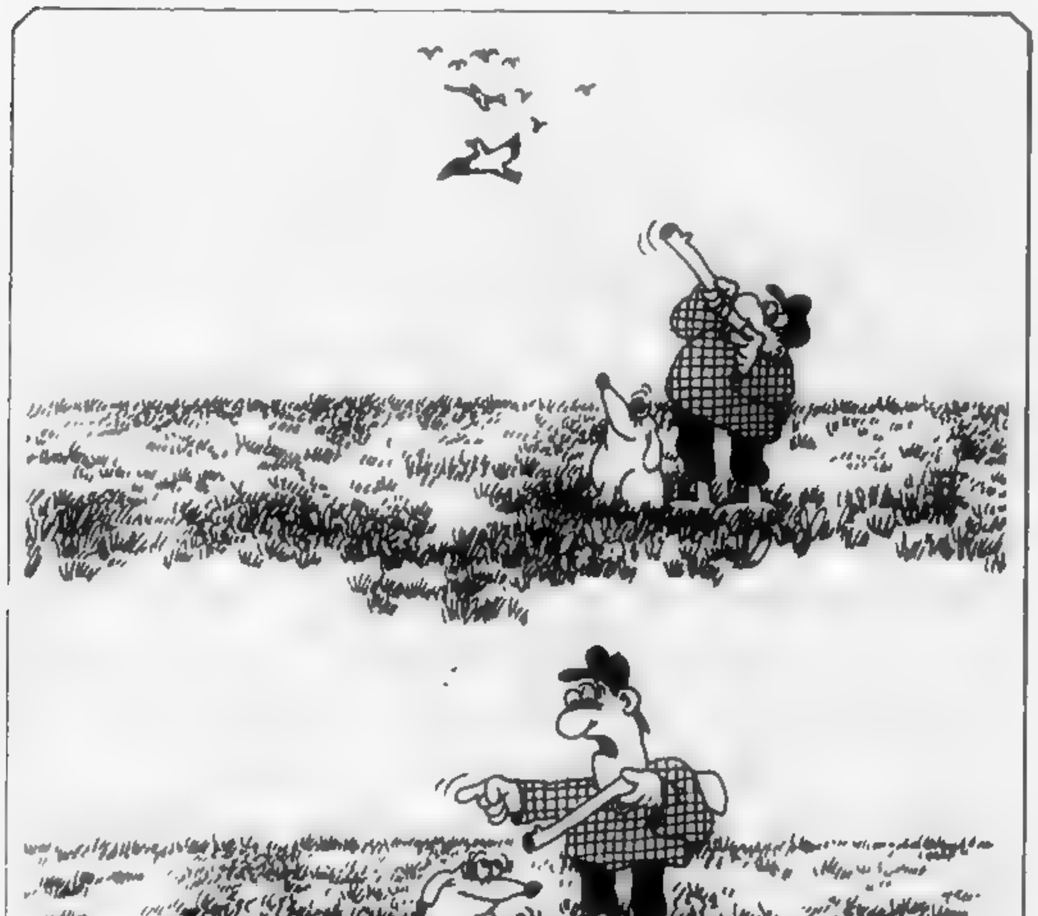

از بالا بپائین: بدون شرح

## دلیل قاطع

آقا و خانم در خیابان عبور میکردند که گفتگو بین آنها بالا گرفت و هر کدام درباره محاسن خود داد سخن دادند و در اینموقع آقا رو به زنش کرد و گفت:

– اصلاً از نظر من تو در دنیا وجود نداری!

زن جواب داد:– شاید از نظر تو وجود نداشته باشم، ولی از نظر دیگران کاملاً وجود دارم.

مرد جواب داد:

– حالا بتو ثابت می‌کنم که تو اصلا وجود نداری!

زن گفت:

– اگر چنین چیزی را ثابت کنی، همه حرفهای تو درست است، ولی اگر نتوانستی، هر چه که من گفتم درست است.

در اینجا شوهر یك تاکسی را نگهداشت و پرسید:

– اگر دربست مرا از اینجا به شمیران ببری چند میگیری؟

– بیست تومان.

– اگر زن منهم با من بیاید، چند میشود؟

راننده با حیرت جوابداد:

– همان بیست تومان.

در اینجا آقا رو به زنش کرد و گفت:

– حالا دیدی که تو اصلاً وجود نداری و بود و نبودت یکی است؟!

## جنگ شاهان

بقیه از صفحه ۷۳

زال با تشکر از «کشواد» سه هزار نفر از سپاهیان را همراه او کرد تا به ساری بروند و اسیران ایرانی را از بند افراسیاب برهانند.

«اغریرث»، همانگونه که وعده کرده بود، بمحض رسیدن سپاه «کشواد» به نزدیکی ساری، سپاهش را از آن شهر بیرون برد و بسوی آمل راند.

کشواد و سپاهیانش بدون جنگ وارد ساری شدند و به زندان اسیران ایرانی رفتند و انها را ازاد کردند و با خود به زابلستان برگرداندند.

★ ★ ★

افراسیاب چون از کار برادر اگاه شد، با خشم به سراغ او رفت و در حالیکه چون کوه آتشفشان میغرید و آتش می‌بارید، فریاد زد:

- این چه کاری بود کردی برادر؟ تو نگذاشتی این اسیران ایرانی را بکشم و قول دادی آنها را در بند نگهداری.... و اینك انها را به سپاه زال سپردی تا همراه خود ببرند..... معنی این کارها چیست؟

اغریرث گفت:

- شهوت فرمانروایی چشمان ترا بسته برادر و نمیتوانی نیك و بد را از هم بازشناسی.... کشتن نوذر بیدفاع انقدر ناجوانمردانه و اهریمنی بود که من برای جبران آن چاره‌ای نداشتم تا مردم گیتی خیال نکنند همه تورانیان و همه‌ی نسل سلم و تور و پشنگ چون تو وحشی و دیوانه‌اند.... تو فکر میکنی تاج و کمر فرمانروایی برای کسی پایدار و ابدی است؟ نه برادر، انچه پایدار میماند مردانگی و نام نیك است.... دیو جاه طلبی چشم تورا کور کرده است!

افراسیاب از این جواب برادر چنان اتش خشمش برافروخت که بی‌درنگ شمشیرش را کشید و تن اغریرث را با یك ضربت به دونیم کرد.

زال وقتی از این قتل بیرحمانه و ناجوانمردانه‌ی اغریرث بدست افراسیاب اگاه شد، فوری با تمام سپاهش به اردوی تورانیان حمله کرد، در حالیکه می‌گفت:

خون اغریرث بیگناه این دیوانه زنجیری را خواهد گرفت. ما انتقام آن جوان شریف و پاکدل را خواهیم گرفت.

★ ★ ★

سپاه ایران و توران دو هفته‌ی تمام در جنگ بودند، بدون اینکه هیچکدام تفوقی بر دیگری پیدا کند. در این فاصله زال، که تخت شاهی ایران را نمیتوانست بی‌صاحب ببیند و در ضمن طوس و گستهم- فرزندان نوذر- را برای مقام شاهنشاهی ایران شایسته نمی‌دید کسانی را به اطراف فرستاد تا مرد شایسته‌ای از نسل فریدون را برای احراز مقام شاهنشاهی ایران پیدا کنند و انها سرانجام «طهماسبزو» را که از فرزندان فریدون بود یافتند و نوید شاهی را به او دادند.

طهماسبزو پیرمردی نیکدل بود که بیش از هشتاد سال از عمرش می‌گذشت. او چون خواهش پهلوانان ایران را شنید، با کمال میل آنرا پذیرفت و بزودی با ایین ویژه‌ای به تخت نشست. او مردی صلحجو و خردمند بود و جنگ و خونریزی را درشأن انسان نمیدانست و دلش می‌خواست همه مردم دنیا در صلح و برادری زندگی کنند و تمام هم و کوشش خود را صرف ابادانی گیتی کنند.

★ ★ ★

خبر کشته شدن اغریرث بدست افراسیاب، پشنگ پادشاه توران را بسختی آزرده خاطر و غمگین کرد و چنان از افراسیاب رنجید که دیگر نه به پیام‌های او پاسخ داد و نه حاضر شد او را ببیند

در این موقع پیام طهماسبزو به او رسید که از وی خواسته بود با یك صلح پایدار موافقت کند و بگذارد دنیا روی آرامش ببیند و کوشش و تلاش مردم بجای جنگ و خونریزی صرف آبادانی و خوشبختی نوع بشر شود.

پشنگ که از عدم موفقیت افراسیاب نیز دلگیر بود، فوری با این درخواست موافقت کرد و فرمان داد که سپاه توران مرزهای ایران را ترك کند و به سرزمین خود برگردد....

زال نیز سپاهش را به زابلستان برگرداند و بعد از آن تا پایان پادشاهی طهماسبزو که پنج سال بود و نیز در تمام دوره‌ی پادشاهی پسر او گرشاسب که نه سال بود، ایرانیان و تورانیان در صلح و ارامش بسر بردند.

**پایان این داستان**

**داستان بعدی: جهان پهلوان به میدان می‌آید**

## آه از این دوستی و همکاری!.

بقیه از صفحه ۶۹

و بدون اراده به محو جسد پرداختم. در نخستین مرحله چیزی که کاملاً غیرممکن نظر میرسید، انتقال جسد از هتل به خارج بود. از این رو تنها راهی که انتخاب کردم دفن جنازه اعظم در گوشه حیاط بود. خوشبختانه خیلی زود توانستم وسایل لازم را در اتاقك متروك جنب حیاط خلوت پیدا کنم. روی همین اصل با وسایل موجود چند آجر کف حیاط را برداشتم و با تلاشی باور نکردنی به کندن زمین پرداختم. حدود ساعت چهار صبح چاله مطلوب اماده شد و من بلادرنگ جسد را به داخل آن انداختم و رویش را با خاك پر کردم، چیدن آجرها و فرش کردن انها، وقت زیادی نگرفت و من پس از فراغت از این کار، مجدداً جعبه‌هایی را که در آن مکان رویهم انباشته بود، بصورت اول دراوردم. هنگامی که کار پایان گرفت، همه چیز بصورت اول درامد، با این تفاوت که مقدار قابل توجهی خاك مرطوب زیاد آمده بود. محو خاکها نیز مشکل نبود، زیرا همه آنها را از سوراخ آبرو کوچك کف زمین به داخل چاه ریختم و حدود ساعت ۵ صبح به اتاقم برگشتم. وقتی بروی تخت افتادم، احساس کردم که براثر پیشرفت مطلوب کار، به ارامش شگرفی دست یافته‌ام. انچنانکه پنداشتی کوچکترین واقعه‌یی رخ نداده است. ساعت از هشت صبح گذشته بود که به قصد تخلیه اتاق به صندوقدار هتل رفته حساب کردم و راهی بیمارستان شدم. متجاوز از یك هفته گذشت تا اینکه زن و فرزندم بهوش امدند. اولین سئوال همسرم چگونگی حال اعظم بود. من در برابر این پرسش با ژست و لحنی تاسف بار اعلام کردم که او بمحرد وقوع تصادف کشته شد. پیش از انکه همسرم درباره سرنوشت جسد وی بپرسد، من اضافه کردم که ماموران جسد را در گورستان عمومی شهر دفن کردند. گزارش واقعه بقدری عادی و طبیعی بود که او هرگز دستخوش تردید نشد. با وجود این بیم داشتم که او پس از خروج از بیمارستان قصد دیدار مزار او را داشته باشد. برای رد این درخواست نیز فکری کردم و به عذر نامعلوم بودن قبر، موجبات انصراف او را از رفتن به گورستان فراهم ساختم. بدین ترتیب ظاهراً همه چیز تمام شد، تا اینکه برخلاف انتظارم سرانجام تصادف رازم را آشکار کرد. معهذا من هنوز هم معتقدم در قتل وی کوچکترین دخالتی نداشته‌ام.»

هر کلمه از اعتراف ان مرد مانند پتکی سنگین بر فرقم میخورد. چهره معصوم و بی‌گناه دخترم حتی برای یك لحظه از برابر چشمانم دور نمیشد. وقتی خواندن این مطالب پایان گرفت، متوجه شدم که تمامی اوراق بازجویی براثر ریزش اشکهایم خیس شده است. وقتی نگاهم را از اخرین برگ ان کشیدم، متوجه شدم که بازپرس نیز عمیقاً دستخوش تاثر شده است. بهمین علت خطاب بمن گفت: «مطمئن باشید که این مرد به شدیدترین وضع مجازات خواهد شد.» موقعی که از دفتر بازپرسی خارج شدم این جمله دائماً در گوشم صدا میکرد. معذلك من نمیتوانستم خود را قانع کنم. زیرا واقعیت انکار ناپذیر این بود که دست محسن خان به خون دختر من آلوده شده بود. بنابراین قانون میتوانست تنها او را به جرم تجاوز به عنف محاکمه و محکوم کند. بی‌شك این چیزی نبود که دخترك از دست رفته‌ام از من توقع داشت. این افکار باعث شد که من بدون انجام مشورت با حقوقدانان صاحب صلاح تصمیم خطرناکی بگیرم. قصدم این بود که شخصاً محسن خان را از میان بردارم. همین عزم و نیت بود که روز انتقال متهم از زندان به دادگاه، مرا بر سر راه او کشید. با کاردی که قبلاً تهیه کرده بودم، کنار در ورودی دادگستری ایستادم. بیش از یکساعت از توقفم نگذشته بود که اتوبوس زندان متوقف شد و محسن خان به دنبال چند زندانی همراه با یك مامور از پله اتوبوس به زیر آمد. از انچه که پس از این لحظه در خاطرم مانده، تنها برخورد ضربات پی در پی کارد بر پیکر محسن و تلاش‌های مذبوحانه او برای نجات جانش بود. از این رو من هنگامی بخود آمدم که خویشتن را دست بسته کنار دو پاسبان تنومند و قوی در اتاقی محصور دیدم. ساعتی بعد مراسم یکنواخت و خسته کننده بازجویی اغاز شد و پاسخ من فقط یك جمله بود و در برابر هر سئوالی جواب میدادم که در کمال عقل و نهایت هشیاری او را کشتم. با اینکه سالهاست که از برکت سه بار بخشودگی از زندان ابد رهایی یافته‌ام، با وجود این همچنان احساس میکنم که در اتاقی تنگ و تاریك محبوسم و در انتظار بازگشت دختر ناکام و آرزومندم دقیقه شماری میکنم.

## ژان‌ژاك روسو

بقیه از صفحه ۷۱

رفت ولی درعوض با نویسندگان و ادبای ان زمان مانند «دیدرو» و «گریم» اشنا شد و با کمك انان بود که شغل منشی را در سفارت فرانسه به دست ورد و از پاریس به ونیز رفت. اگرچه این شغل ب

را هم به زودی رها کرد و درمانده‌تر از همیشه به پاریس بازگشت و در یکی از مسافرخانه‌های گمنام رحل اقامت افکند و در همین مسافرخانه بود که باخدمتکاری‌به نام «ترزلوواسوریا» اشنا شد و با آن که «ترز» دختری عامی و بی‌سواد بود. از ان به بعد رفیق راه «ژان ژاك روسو» شد و تا پایان عمر در کنار او بسر برد. تا این زمان کوچك‌ترین اثری از ذوق و قریحه ادبی دراو دیده نشده و به جز اشعاری که گاه گاه سرود و به قول خودش بی و سروته و مزخرف بود، کلامی به روی کاغذ نیاورده بود. تا آنچنان که گفتیم با «دنیس دیرو»، نویسند و منتقد معروف فرانسوی آشنا شد و در خانه او به موضوع مسابقه اکادمی «دیژون» که موضوعی ادبی و اجتماعی بود برخورد کرد و به خیال شرکت در آن مسابقه افتاد و عجیب آن که در این مسابقه برنده شد و در مدتی کوتاه به عنوان نویسنده عنوان و شهرتی به دست آورد که حتی برای خودش هم غیر قابل قبول بود. و با شرکت در مسابقه دوم، با آن که موفق به ربودن جایزه دوم نشد، ولی بر شهرت و اعتبارش افزوده شد. دراین زمان او به اتفاق «ترز» مسافرتی به ژنو کرد و به علت زیبایی‌های طبیعی و علاقه به طبیعت در آنجا مستقر شد. اگر چه دوستانش برآن بودند تا او را برای بار دیگر به پاریس بازگردانند، اما او آنقدر در ژنو باقی ماند تا از آنجا به «مون مورانس» و بعد از آن به «ارمیتاژ» رفت واز این زمان بود که به طور جدی به کار نویسندگی مشغول شد. او نخست کتاب «نامه‌ای به دالامبر» و به دنبال ان رمان معروف خود «پلوتیز جدید» را نوشت و سرانجام کتاب «قرار داد اجتماعی» که شاهکار اوست منتشر شد و برای مدت کوتاهی آرامش نسبی برزندگی او حکمفرما گردید. اگر چه به زودی با نوشتن کتاب «امیل» که تحولی در تعلیم و تربیت به وجود برآورد، خشم پارلمان فرانسه نسبت به او برانگیخته شد و به دنبال ان حکم جلب او صادر شد. و به این ترتیب بود که نویسنده به سویس گریخت. او هیجده ماه تمام از گوشه‌ای به گوشه دیگر پناه برد، تا سرانجام در خانه یك فیلسوف انگلیسی به نام «ادوارد هیوم» پناهگاهی یافت، و در منزل او بود که نوشتن «اعترافات» را که گستاخ‌ترین کتاب اوست آغاز کرد. اگر چه اقامتش در خانه «هیوم» نیز زیاد به طول نیانجامید و به علت کج خلقی خاصی که پیدا کرده بود به زودی آن جا را ترك گفته و بعد از دربدری‌های دیگر یك بار دیگر به پاریس باز رسید تا در خانه محقری آخرین روزهای زندگیش را بگذراند و عجیب آن که هشت سال اخر زندگیش، سال‌های آرامی بود و مردی که در توفان به دنیا آمده بود، در آرامش بدرود زندگی گفت.

## از ناامیدی تا...

بقیه از صفحه ۷۵

چی؟ بازفردا صبح از خواب بیدار بشوی، باز لباس بپوشی، باز مثل آدم ماشینی راه بیفتی و به کارگاه بروی تاغروب مثل سگ جان بکنی که چه؟ اگر نینا را داشتی، او درخانه انتظارت را میکشید، قدرت تحمل هر سختی‌ای را داشتی، اما زندگی بدون امید، اصلاً قابل ادامه نیست... شقیقه‌هایم را با دستهایم فشار میدهم. نینا بی‌جهت نسبت به اینده امیدوار است. او که ذاتاً خوش‌بین است، چشم‌هایش را به روی واقعیات بسته است و نمیخواهد قبول کند که رسیدن من و او بهمهم،مثل تقارن ماه و خورشید است. نه، برای ماهیچ راهی وجود ندارد، هیچ راهی.... دارند زنگ در را میزنند. ولش کن، اصلاً حوصله ندارم‌میخواهم تمام امروز را در رختخواب بمانم و فکر کنم. آه، لعنتی، دست‌بردار نیست. درست مثل پیرمرد دیروزی که مرتب گریه میکرد زنگ هم پشت هم صدا میکند. خدایا چی‌کارکنم؟ نخیر، دست‌بردار نیست. خیلی خوب، خیلی خوب، بابا صبرکن. صبرکن الان میبام... تق، تق، تق، حتی از صدای پای خودم هم دلخورم. وقتی زندگی به این‌جا میرسد، دیگر واقعاً هیچ فایده‌ای ندارد و مثل یك در موریانه خورده حسابش پاك شده است... بله.. بفرمائید. آقاچه فرمایشی دارید؟ درسته همین‌جاست،ولی ولی‌شما؟.. سعادت‌جو... متاسفانه بجا نمی‌آورم. فرمایشی دارید؟ متاسفانه یك کمی دیر آمدید، چون پدرم تازه مرده. بله، شش‌هفت ماهی میشود. خیلی متشکرم. زنده باشید. نه، مادرم هم این‌جا نیست. یعنی بعد از مردن پدرم، دیگه این‌جا طاقت نمی‌آورد و خیلی بی‌تابی میکرد، فرستادمش مشهد پیش فامیل‌هاش. هرچند که باز اون‌جا هم‌واسه من بی‌تابی میکند. بله، فعلااین‌جاتنها هستم. یکی دو سالی میشود که مکانیکی میکنم. متشکرم. به هر حال زندگی چه خوب و چه بد میگذرد. چی؟ گفتید با پدرم خیلی دوست بودید؟... پس چرا نمیفرمائید تو. از چمدانی که به دستتونه معلومه از سفر می‌آئید. خواهش میکنم. منزل خودتان است.

یك لقمه نان و پنیری هست باهم میخوریم. پدرم نیست، من که هستم... پیرمرد را به اتاق میبرم. ما ایرانی‌ها در هر حالی که باشیم خوی میهمان نوازی‌مان را از دست نمیدهیم.

تا او دست و رویش را بشوید، خودم را به بقالی سرکوچه میرسانم. خوشبختانه با مشهدی سلیمان حساب دارم و با وجودی که یك شاهی توی جیبم نیست، میتوانم هر چه را لازم دارم بخرم.... میروم و با عجله برمیگردم. چیزی به ظهر نمانده. میتوانیم ناهار نیمرو بخوریم.

نیمرو با ماست خیلی خوش‌مزه است پیرمرد مرتب حرف میزند. گاهی هم به عکس پدرم که بالای طاقچه است نگاه میکند و چشم‌هایش از یك غم اشك پر میشود.

وقتی صدای زنگ در بلند شد، به کسی که داشت رشته افکارم را پاره میکرد، لعنت فرستادم، ولی انگار کم‌کم از پیرمرد خوشم میآید، چون با صحبت کردن با او، فکرم از نینا و از آینده‌ای که در انتظارمان است کنده میشود این احساس را پیدا میکنم. وقتی استکان چای را جلویش میگذارم، سیگاری آتش میزند و میگوید:

– نمیدانی چه‌قدر دلم میخواست پدرت را بینم. سالهای سال توی این انتظار سوختم. بالاخره هم نتوانستم ببینمش. خوب، این از بداقبالیه، اما خوشبختانه پسرش رو پیدا کردم و همیشه دین پدر رو میشه به پسر پرداخت کرد؟

دین پدر؟ با حیرت میپرسم: «پدرم به شما بدهکار بود؟» از پشت دود سیگار لبخندی میزند و میگوید: نه، برعکس، من به او بدهکار بودم و بیست‌وپنج سال تموم نتونستم قرضم رو به او بپردازم تا به مروز. آخه من و پدرت باهم خیلی دوست بودیم. خیلی بیشتر از اون که بتونی فکر کنی. آنقدر که وقتی مغازه آهنگری‌من اتش گرفت و هست و نیستم خاکستر شد، پدرت تنها خونه‌ای روکه داشت گرو گذاشت و پولش رو به من داد تا سرمایه کارم کنم. توی این سال و زمونه پسرم، دیگه کسی از این کارها نمیکنه. اما اون وقتها همه چیز مفهوم اصلی خودش‌رو داشت و رفیق اون کسی بود که مثل پدرت از مالش به خاطر رفیق میگذشت، هرچند که سالها طول کشید و من زیربار قرض او موندم و نتونستم دینم رو بپردازم. زندگی است دیگه. یك دفعه که پول جمع کرده بودم پسرم مریض شد، بردنش بیمارستان و عملش کردن. همه پولها رفت توی شیکم بیمارستان و یك دفعه هم مجبور شدم خرج عروسی پسر دیگرم رو بدم.... دفعه آخرم زنم مرد و پاك دیوونه شدم. گذاشتم از این شهر رفتم و ده سال ازگار هرچی میکردم پام به این شهر کشیده نمیشد. توی این ده سال از همه بریدم.... حتی از پدرت. رفتم تا خودم‌رو گم کنم. اما این کارا همه‌اش بی‌فایده است، و هیچکی هیچ جا نمیتونه خودش رو گم کنه. پس خودم رو توی کار غرق کردم. خدا هم خواست پول‌دار شدم... اصلا انگار آدم هر وقت که دیگه به چیزی فکر نمیکنه، اون چیز به طرف آدم میاد، درست مثل پولهایی که به جیب من سرازیر شد و اون وقت بود که خاطرهٔ فداکاری مردی که بیست و پنج سال پیش زندگی من رو نجات داده بود، درم بیدار شد. از طرف دیگه اصلا دلم میخواست برگردم تهرون و این جا کار کنم. به این ترتیب بار سفر رو بستم و راه افتادم، اما افسوس که دیر رسیدم و نتونستم دینی رو که داشتم به رفیقم ادا کنم. به چهره او نگاه میکنم، و ناگهان پیرمرد دیروزی را روبروی خودم ایستاده میبینم و صدای نینا را میشنوم که میگوید «منصور، تو به خاطر دل مهربونی که داری هیچ وقت توی زندگی نمیمونی...» و به دنبال این فکر یك دفعه تپش قلبم زیادتر میشود. زیرلبی میپرسم: «میخواهید تهران چی کار کنید؟» استکان چای را در نعلبکی میگذارد و جواب میدهد: تصمیم دارم یك کارگاه تعمیر ماشین باز کنم. شنیدم خیلی پول توشه. عقیده تو چیه پسرم؟

و باز تپش قلبم زیادتر میشود و با هیجان میگویم:

– میدونین که من هم مکانیکم..... به عقیده من دیگه بهتر از این نمیشه، یعنی اگر یك عده کارگر خوب پیدا کنین، تونتون توی روغنه..

با مهربانی دستش را به شانه من میزند و میگوید:

– خدایا هیچ وقت فکر نمیکردم قرضم رو بتونم این طوری پس بدم. من پولی رو که پدرت ازم طلب داره میدم به خودت. بعدش هم کارگاه رو باز میکنم و تو رو میذارم رئیس کارگاه.. من خودم خیلی پیر شدم و دیگه حوصله از صبح تا شب دویدن رو ندارم، اما تو جوونی و تازه اول زندگیته. با من دست میدی پسرم یا نه؟

اتاق دور سرم میچرخد و از همه جا صدای معجزه بلند میشود و از میان صداها، صدای آقای ایمانی را میشنوم که فریاد میکشد «من دخترم رو، یا به هم طبقه خودم میدم، یا به بالاتر از خودم....» و به دنبال آن از میان اشك به چهره پیرمرد میخندم. حتم دارم وقتی آقای ایمانی خواستگاری مرا بشنود و بفهمه که کارگر بی‌پول او یك دفعه از کجا به کجا جهیده است، نینا را دو دستی به من میدهد... دستم را به آرامی به دست آقای سعادت‌جو دراز میکنم و میگویم:

– از حالا تا اخر عمر..

و لحظه‌ای بعد، چهره فرسوده او را میبوسم.... زندگی درست مثل فیلم‌های کارتون است، و انسان با یك جهش از ناامیدی به امید و از تیره روزی به سعادت میرسد.

## من، از کی کمترم...

بقیه از صفحه ۶۷

...تی و نانی و لباسشوئی و میوه‌فروش، همه و ... ، آنقدر جنس نسیه به مهین‌خانم داده بودند که دیگر اگر یك بدهخدائی پول‌خرد همراهش نبود و یك بسته کره میخواست، به او نمیدادند. خوب، حق هم داشتند. مهین‌خانم همه اعتماد آنها را کشته بود. از همه خوشمزه‌تر، رانندگی یادگرفتن مهین‌خانم بود. ازچند وقت پیش مهم‌ترین دعوای او و شوهرش بر سر همین مسئله بود که مهین‌خانم میگفت: «اخه من از کی چیزی کم دارم که رانندگی بلد نباشم؟ واسه چی این آررو رو باید بگور ببرم؟ واسه چی دختر اعظم‌خانم، سوار اون ماشین قراضه‌ش بشه و مخصوصاً بیاد سرکوچه ما وایسه که دل منو بسوزونه!»

وصدای غلام‌حسین‌خان که: «زن، ترو بخدا اگه دین و ایمون داری دست از این حرفها بردار، منو تا خرخره تو قرض انداختی، چرا دیگه بس نمیکنی؟ از دست این هوسهای تو به کجا پناه ببرم. خدا دلیل کنه اون قمر خانمو که تو رو واسه ما تیکه گرفت، الهی اب حوش از گلوش پائین بره که میگفت این مهین از اون دخترهای فهمیده و بساز و قانعه. اگه معنی قناعت اینه که منو خونه خراب کردی. الهی سر پسرهای قمر خانم بیاد.» امروز غلامحسین خان خیلی جدی بود، بطوریکه من فکر کردم محال است این بار تسلیم خواسته همسرش بشود. از حق که نگذریم چند روز هم مقاومت کرد، ولی بالاخره یك روز صبح که از خانه بیرون میرفتم، ماشین تعلیمات رانندگی را دیدم که مهین خانم سوارش میشد. فهمیدیم که این بار هم مهین خانم پیروز شده است. روزها از پی هم می آمدند و میگذشتند و ادم بدون آنکه دلش بخواهد، از تمام اتفاقات خانواده غلام‌حسین خان و مهین خانم به سبب داد و بیداد و صدای بلندشان سر در می‌آورد. بماند که قضیه تمرین و گرفتن تصدیق رانندگی یکسالی بطول انجامید، ولی بهر حال مهین خانم تصدیقش را گرفت، سور مفصلی هم داد و تمام اهالی کوچه را هم دعوت کرد که اتفاقاً هیچکس به میهمانی اش نرفت....از چند روزبعد، نق نق خانم شروع شدکه تصدیق گرفتم واسه اینکه سر بخاری بذارم؟! یعنی تو اینقده عرضه نداری که یه ماشین واسم بخری؟ اخه من چیم از فلانی کمتره، قدم کوتاه تره، شکلم بده، عیب و علتی دارم که ماشین نداشته باشم؟....وغلام حسین خان دادش درآمدکه : «تو عقلت از همه کمتره، تو شعور نداری، تو منو بخاك سیاه نشوندی، تو منو وادار به قرض گرفتن از این و اون کردی، خودت میدونستی که محلی واسه پس دادنش ندارم. قرض سراپامو گرفته، همین روزهااست که بندازنم تو زندون، صبح ها بز ترس طلب کارها مثل دزدها از خونه بیرون میرم، واله دیگر کسی تو این شهر بمن قرض نمیده، واله دیگه مشتم واسه همه واشده، آخه ماشین میخوای چیکار؟...پدرت ماشین داشت، مادرت داشت، اخه زن، تو چرا اینقده زبون نفهمی؟...چرا حرف سرت نمیشه» وهوارهای مهین خانم:

– حالا پشت سر پدر و مادر من حرف میزنی؟ حالا زورت به اونا رسیده؟...و صدای شکستن ظرف، ظرفهائی که باپول این و آن خریداری شده بود... حقیقتاً دلم برای غلام حسین خان میسوخت. از طرفی هم ازاو لجم میگرفت که چرا تا این حد در مقابل خواسته‌های غیر منطقی زنش سستی نشان میدهد، ولی راستش این جارو جنجالها باعث شد که روزی چند بار همه مردهای کوچه دست زنشان را ببوسند و از خدامنون باشندکه زنی مثل مهین خانم نصیبشان نکرده است. از سرو صدای آن روز صبح مهین خانم میگفتم که متاسفانه خیلی بد عاقبت بود......

غلام حسین خان البته برای زنش ماشین نخرید و من فکر میکنم نتوانست پولش را از جائی فراهم کند، و گرنه مردی نبود که بالاخره تسلیم نشود...

بله از آن روز صبح میگفتم: بالاخره غلام‌حسین‌خان به التماس افتاده بود، ولی مهین خانم دست بردارنبود، غلام‌حسین‌خان التماس میکردکه «زن ، بیابریم ازهم جدابشیم، بیاورضایت بده که جون منو خلاص کنی ، بیاوبرای خاطر خدایه رحمی بمن بکن » وصداهای مهین خانم که: به، به! چشمم روشن حتما زیرسرت بلند شده. حتما خاطرخواه شدی که میخوای پشت پابه زندگیت بزنی » وبازغلامحسین خان که میگفت: «کدوم خاطرخواهی ؟!واله کارهائی که توکردی منوواسه همیشه ازرن جماعت فراری داده. اگه عمری باشه بایدتاآخرش جون بکنم وچاله چوله‌هائی که تو واسه من کندی پرکنم فقط نذاریبش ازاین الوده بشم»

گفتم که آنروزدعو ی بدعاقبتی داشتند، چون یکساعت بعد، دوتااز طلبکارها که باپاسبان درخم کوچه ایستاده بودند، غلامحسین‌خان رابردند، روزی که اسبابهای خانه ،بوسیله طلبکارها برده میشد ، مهین‌خانم گوشه حیاط ایستاده بود وگریه میکرد. امانمیدانم بحال شوهرش که درزندان بود گریه میکرد یا به حال خودش که باید بر میگشت پیش پدرومادرش . چون صاحب خانه هم همان روز باحکم تخلیه سررسید . مهین خانم چاره‌ئی نداشت. بایدخانه راتخلیه میکرد . یکی زهمسایه هاشب مهین خانم را خانه خودش نگاه داشت و فردای آن روزهم سواراتوبوسش کردکه به شهرش برود. نمیدانم به سرغلامحسین خان ومهین خانم چه آمد. فقط بجای آنها خانواده بسیارآرامی آمده‌اند که همه اهالی محله ازآمدنشان ذوق زده شده‌اند و ازبس ذوق زده شده‌اند، راه ونیمه راه گیرشان می آورند تابه آنها ازکوچك و بزرگشان سلام کنند.

## تجلی نیروی اندیشه

بقیه از صفحه ۲٤

غلامعلی هادی حیران کارگر قسمت ذوب فلز (کارگاه متالوژی) است و امسال با حقوق ٦٧٤ تومان استخدام شده است. غلام جوانی ۲۲ساله است و بعنوان کارگر نیمه ماهر کار می کند و سه سال پیش یعنی در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده، ولی هنوز بچه‌ای ندارد.

از علاقه‌اش به این کار میپرسم، میگوید: کاردر این کارخانه مرا راضی می کند چون همیشه دلم میخواست درجائی کار کنم که با ذوب سخت ترین فلزات مثل آهن- فولاد و چدن سروکار داشته باشد و بالاخره هم به ماشین سازی آمدم.

غلام در حالیکه نورقرمز رنگ آهن مذاب، روی چهره‌اش افتاده و تابلوی زنده بسیار جالب و جذابی از او بوجود آورده، میافزاید: اکثر کارگران از کار کردن در این قسمت طفره میروند و بخصوص دوست ندارند پای کوره‌ای، آنهم با چنین حرارت و اتش سوزانی کار کنند، ولی من با علاقه به فعالیتم ادامه میدهم، چون بطور کلی کار ریخته‌گری را خیلی مردانه میدانم و آنرا دوست دارم.....

## ارتباط با راه‌آهن

از سالن ریخته‌گری یا در واقع کارگاه متالوژی بیرون میائیم و متوجه یك رشته خط‌آهن میشویم که چند واگن خالی مخصوص حمل بار نیز روی آن قرار دارد و وقتی یکی از مسئولان نگاه پرسشگر ما را میبیند ، میگوید: این خط به خط‌آهن ایران- اروپا که از تبریز میگذرد متصل است و از آن برای وارد کردن ماشین آلات و مواد و کالاهای مختلف از نقاط گوناگون حتی خرمشهر و خارج از کشور به کارخانه و یا فرستادن تولیدات کارخانه به خارج استفاده میشود.

## کارگاه تراش

از این قسمت میگذریم و به سالن وسیع دیگری میرسیم که کارگاه تراش کارخانه بشمار میرود. در این سالن که بخاطر بزرگی و وسعت زیاد سر و ته آن معلوم نیست، صدها، و بلکه هزاران ماشین تراش با ابعاد مختلف دیده میشود که در پای بسیاری از آنها کارگران تراشکار مشغول فعالیت هستند.

این گروه قطعات ریخته شده در قسمت متالوژی را به ماشین‌های تراش می‌بندند و با کار خود، آنها را برای نصب در ماشین‌های تراش ساخت کارخانه آماده می‌کنند.

با «رحمان اکبری اسبق» یکی از کارگران این قسمت وارد گفتگو میشوم، میگوید: در این کارگاه هر کارگری تراش یك قسمت بخصوص از قطعات ریخته شده را بعهده دارد، مثلاً من به صفحه تراشی مشغول هستم. از رحمان در باره اهمیت کارش میپرسم میگوید: حساسیت کار، از این جهت زیاد میشود که پاره‌ای مواقع باید تا یك دهم و حتی یك‌صدم میلیمتر را در تراش قطعات مد نظر داشته باشیم و رعایت کنیم، وگرنه قطعه تراش شده را باید بکناری گذاشت و در واقع دوباره به قسمت ذوب فرستاد تا مثل مواد اولیه دیگر در کوره ذوب و مجدداً ساخته شود.

از زندگیش سئوال می‌کنم، میگوید: از نظر رفاهی کارگران کارخانه آنها که متاهل هستند و یا با اعضای خانواده خود زندگی می‌کنند، در جوار کارخانه از خانه‌های سازمانی استفاده می‌کنند و در برابر، در ماه اجاره کمی میپردازند.

من در ماه ۱۱۰۰ تومان حقوق میگیرم و سال گذشته سود ویژه‌ای برابر ٦۲ روز حقوقم که حدود ۱۸۰۰ تومان شد، گرفتم.

در باره میزان اجاره خانه‌های سازمانی کارگران ماشین‌سازی که به خانه‌های سازمانی قراء ملك معروف است میپرسم، میگوید: اجاره بهای این خانه‌ها متفاوت است و دسته بندی شده است. مثلاً من و خانواده‌ام در یك اپارتمان سه اتاقه زندگی می‌کنیم و در ماه ۲۲۰ تومان اجاره میدهیم و از این جهت راحت هستیم، چرا که اگر میخواستیم در شهر تبریز زندگی کنیم میباید تمام حقوق خود را برای اجاره بها میپرداختیم.

## تا یکهزارم میلیمتر

با کارگر دیگری بنام حبیب ناصح قرا ملکی بر خورد می‌کنم و از کار و بارش جویا میشوم، میگوید: من بعنوان کارگر ماهر در این قسمت کار می‌کنم و وظیفه‌ام تراش داخل قطعاتی است که در قسمت ریخته‌گری ساخته شده و به کارگاه تراش فرستاده میشود.

از نظر دقت در کار و حساسیت وظایفی که کارگران این قسمت بعهده دارند همین بس که بگوییم پاره‌ای مواقع کار ما باندازه‌ای دقیق است که تا یك هزارم میلیمتر را در نظر داشته باشیم و قطعه‌ای را باین اندازه تراش بدهیم. حبیب نیز چون دیگر همکارانش نخست در آموزشگاه کارخانه دوره‌ای را گذرانده و بعد مشغول کار شده است .

با کارگر دیگری بنام اژدر پایدار آشنا میشوم که باصطلاح فنی در قسمت فرزکاری مشغول کار است. او در حالیکه سر گرم تراش یك قطعه بنام قلمگیر ماشین تراش است با من به گفتگو میپردازد و میگوید: دو سال و نیم است که در ماشین سازی کار می‌کنم و ۱۲۳۰ تومان حقوق میگیرم. سال گذشته حدود دو ماه و نیم حقوق بعنوان سود ویژه دریافت داشتم و از بیمه درمانی نیز استفاده می‌کنم، ولی چون مجرد هستم از خانه سازمانی استفاده نمیکنم و در شهر زندگی می‌کنم از او میپرسم چرا از وسایل حفاظتی هنگام کار استفاده نمیکنی؟ میگوید وسایل حفاظتی از جمله عینك‌های مخصوص را به همه کارگران قسمت تراش داده‌اند ولی در حال حاضر من باین علت از عینك استفاده نمیکنم چون از قطعه‌ای که مشغول تراش آن هستم براده فلز پر تاب نمیشود، و گر نه در مواقع دیگر که احتمال پریدن براده آهن میرود، از عینك مخصوص حتماً استفاده می‌کنم.

## ساخت ماشین سازی

سئوال دیگری را با اژدر در میان میگذارم و از او میپرسم کدام یك از اینهمه ماشین تراش را خود شما و همکارانتان در این کارخانه ساخته و پرداخته‌اید

اژدر در پاسخ به یکی از سر پرستان کارگاه اشاره می‌کند و میگوید: آقای معماری فورمن (سر پرست) قسمت دیسك تراشی کارگاه است بهتر میتواند به این سئوال جواب دهد..... و او نیز چنین میگوید: تا کنون ماشین‌ها و مته‌ها و وسایل مختلفی را در ماشین سازی ساخته‌ایم که تعداد انواع آنرا الان نمیتوانم ذکر کنم، ولی یکی از ماشین‌های تراش ساخته ماشین سازی تبریز را برای شما شرح میدهم و خوشبختانه نمونه آنرا هم در اینجا داریم. و بعد مرا به کنار ماشینی میبرد که روی آن پلاکی دیده میشود و حکایت از ساخت آن در ماشین سازی تبریز دارد.

حسن معماری در توضیحات خود، میگوید: این ماشین بنام انیورسالالا نامیده میشود و تمام قطعات اصلی و غیراصلی آن بجز چند قطعه در ماشین سازی تبریز ساخته شده است و آن چند قطعه هم مانند بلبرینگها یا کائوچوی سردست دنده‌ها چیزهائی هستند که کارخانه‌اش را در ایران داریم و کارشان اختصاصاً ساخت اینگونه وسایل است. مثل کارخانه بلبرینگ سازی که در همین نزدیکیها قرار دارد و بسیاری از کارخانه‌های دیگر نیز بلبرینگهائی که احتیاج دارند به آن سفارش میدهند.

حسن پس از توضیحات کافی در باره این ماشین ما را به قسمتهای دیگری میبرد که در آنجاها ماشینها و متهها و وسایل مختلفی گذاشته شده و همه آنها ساخت ماشین سازی تبریز است. موقعیکه او در باره هر یك از ماشینها توضیح میدهد و مشخصات و طرز کار آنها را تعریف میکند، بی اختیار بیاد می‌آورم که تا چند سال پیش عده‌ای به پیشرفت اندیشه و مهارت هموطنان خود را در زمینه صنعت اعتقادی نداشتند در حالیکه از غرب صنعتی و خلاصه از خارجی، همه چیز را امکان پذیر میدانستند. آنها کجا هستند تا با چشمهای خود ببینند که امروز کارگر ایرانی با هوش سرشار خود ظریف‌ترین و حساس‌ترین وسایل و ماشینها را میسازد، بطوریکه با بهترین نوع خارجی آن میتواند رقابت کند.

**قسمت خشن‌کاری**

بهر جهت دیدار خود را از این قسمت نیز به پایان میبریم و در همان سالن به بخشهای دیگری میرسیم که هر یك کاری جداگانه و خاص خود دارند. یکی از این بخشها، قسمت خشن‌کاری است که با چندین تن از کارگران آن بنامهای توکل ختنان، حسین هومانی و بهمن کیخانی گفتگو میکنیم. توکل دو سال است که در ماشین سازی مشغول کار است و هنگامیکه از او میخواهم در باره کارش توضیح دهد، میگوید:

- یکی از وظایف کارگران این قسمت سوراخ کاری است، باین ترتیب که قطعات ساخته شده در ریخته‌گری و سپس تراش یافته را به بخش می‌آورند تا ما سوراخ‌های لازم را در آنها تهیه کنیم. از هومانی درباره دقت ماشین کارش میپرسم، میگوید دقت این ماشین تا دوصدم میلیمتر است که در سوراخ کردن قطعات اعمال میکند. حسین ۲٤ سال دارد و کارآموز است و و دو ماه دیگر دوره دو ساله کارآموزیش به پایان میرسد.

در باره سود ویژه از او میپرسم، میگوید: کارخانه خوشبختانه کارآموزان خود را هم از سود ویژه بی نصیب نمیگذارد ازجمله سال گذشته من ٦۰۰ تومان بعنوان سود ویژه گرفتم.

ازبهمن کیخانی در باره حقوق و کار و بارش میپرسم، میگوید: سه سال است که درکارخانه مشغول کار است و/۱۲۰۰ تومان حقوق میگیرد، ولی چون مجرد است نمیتواند از خانه‌های سازمانی استفاده کند.

بهمن گواهی‌نامه ششم ابتدائی را دارد و درحال حاضر در اول راهنمائی مشغول تحصیل است و انطور که خودش میگوید تصمیم دارد همچنان به تحصیل ادامه دهد.

ازاین کارگران نیز خداحافظی میکنیم و برایشان آرزوی موفقیت مینمائیم و سپس از آنجا به قسمتها و سالنهای دیگری درکارخانه میرویم که درآنجاها نیز کارگران زیادی با علاقه و پشتکاری شگرف به کارخود مشغول هستند و وقتی میفهمند که از طرف مجله متعلق به آنان- «رستاخیز کارگران» آمده‌ایم، با خوشحالی بسیار به پرسش‌هایمان جواب میدهند و خبرنگار عکاس مجله هم مرتب از آنها عکس می‌گیرد.

**درقسمت پمپ**

دریکی از این بخشها که بنام «کارگاه تولید قسمت مونتاژ پمپ» نامیده میشود با چند تن از کارگران این نکته را مطرح میکنم که علاقه شدید شما به کار، تعجب مرا برانگیخته و دلم میخواهد علت آنرا بدانم. آنها همه بدون استثناء اظهار میدارند ٠ وقتی کارخانه به همه ما بدون کوچکترین تبعیض از سود ویژه مبلغی میدهد و حتی در تقسیم سود ویژه رعایت عدالت را میکند، بی‌تردید هرکارگری بکارش علاقمند میشود. •

**سفره ما رنگین است**

آقای فیروز جوقا سرپرست قسمتی در کارگاه تولید پمپ است که درتوضیح این مطلب خیلی خودمانی و به دور از هرنوع تکلفی میگوید: هرسال از تصدق سررهبر بزرگمان شاهنشاه آریامهر سفره ما کارگران رنگین تر از گرسنه شده است، بخصوص در ایام عید نوروز، و علاوه بر این کارگران کارخانه و خانواده‌هایشان بدون استثناء از لحاظ مسکن و درمان و دارو و خلاصه همه مواهب زندگی راحت هستند. بنابراین بی دلیل نیست که از آغاز تا پایان سال بدون وقفه و با علاقمندی بسیار کار میکنند و وظایف خود را بنحو احسن انجام میدهند.

از جوقا درباره کارش سئوال میکنم، میگوید:

-در این قسمت ۳۷ نوع پمپ مونتاژ میشود و علاوه بر این شیرو فلکه‌های مختلف نیز در این قسمت آماده میشود و همچنین پمپهای قدیمی را نیز کارگران این بخش تعمیر میکنند.

وی می افزاید: در مورد مونتاژ پمپها باید بگوییم، قطعات مختلف هر پمپ که در کارگاه ریخته‌گری بطور سری ساخته میشود پس از تراش در کارگاه تراش به قسمت ما ارسال میگردد و کارگران این بخش قطعات را رویهم سوار کرده و باصطلاح پمپ را مونتاژ میکنند و پس از آن هر پمپ مورد ازمایش قرار میگیرد و بعد از آزمایش نهائی و رنگرزی آن، پلاك مربوط به مشخصات فنی و کارخانه سازنده که ماشین سازی تبریز است، روی آن نصب میشود و آماده عرضه به بازار میگردد.

صمد شرکتی همکار جوقا نیز بدنبال حرفهای دوستش میگوید: در اینجا ما پمپهای سفارشی نیز از مشتریان خود قبول میکنیم باین ترتیب که پاره‌ای از مشتریان کارخانه پمپهائی با مشخصات دلخواه خود باماسفارش میدهند.

از صمد در باره وظایف خودش و عده کارگران این بخش سئوال میکنم، میگوید: کارگران این قسمت رویهم ده نفر هستند که از کارگر ماهر- نیمه ماهر- و ساده تشکیل شده‌اند. من و همکارم «جوقا» هر یك مدت سه سال دوره کارآموزی دیده‌ایم و همچنین مدتی هم در المان غربی در این زمینه اموزش تکمیلی داشته‌ایم.

جوقا ۲۱۸۰ تومان و شرکتی ۲۰۸۰ تومان در ماه حقوق میگیرند وسال گذشته بترتیب ۲۵۰۰ و ۲٤۰۰ تومان بعنوان سود ویژه دریافت داشته‌اند و بقول خودشان این پول غیر از یك ماه حقوق بعنوان پاداش اخر سال است که بهمه کارگران کارخانه از جمله آنها پرداخت شده است.

## انواع تولیدات

در اینجا ما تعدادی از تولیدات ماشین سازی تبریز را که در کارخانه تماماً ساخته میشود بعنوان نمونه ذکر میکنیم، گو اینکه انواع محصولات این کارخانه چه آنها که تماماً در ایران ساخته میشود و چه آنها که مونتاژ میشود آنقدر زیاد است که از حوصله این گزارش خارج است. در ماشین سازی هم‌اکنون انواع ماشینهای تراش- فرزکاری- سنگزنی- متههای گوناگون و انواع گیره، ماشین رنده نجاری و چرخ نقاله (لیفتراك) و جرثقیل‌های هیدرولیکی و کمپرسورها و ابزارهای بادی (دژبرها) و بالابرهای الکتریکی و دیزلی و ۳۷ نوع پمپ از جمله پمپ معروف سانتریفوژاتا ساخته و یا مونتاژ میشود که از این تعداد کثیر، پاره‌ای از آنها مانند ماشین تراش انیورسال بطور کامل از چند سال پیش باینطرف در کارخانه ساخته و پرداخته میشود و پاره‌ای نیز بصورت مونتاژ تولید میگردد که در این گروه هم در صد قابل توجهی از قطعات آنها در ماشین سازی ساخته و بقیه وارد میشود و قرار است تا یکی دو سال دیگر همه قطعات آنها بطور کامل در ایران ساخته شود.

## برنامه‌های دیگر

در اینجا لازم است که نکات دیگری در باره کارهای در دست اجرا و برنامه‌های آینده- ماشین سازی تبریز به اطلاع خوانندگان «رستاخیز کارگران» برسانیم. در گفتگوئی که با معاون مدیر عامل کارخانه داشتیم ضمن آنکه ایشان از برنامه‌های زیادی صحبت میکرد، در باره ساختن پمپ اظهار داشت که کارخانه اصلی سازنده پمپهای K · S · B هم اکنون در دست ساختمان است و شرکت مربوط به آن نیز بعنوان شرکت پمپیران به ثبت رسیده و ماشین‌آلات کارخانه هم تا سال اینده نصب خواهد شد و بهره برداری از آن تدریج اغاز میشود.

علاوه بر اینها قرار داد لیسانس دیگری خریداری کرده‌ایم که بر اساس آن ماشین سازی تبریز در آینده به ساختن ماشین‌آلات نخ ریسی نیز اقدام خواهد کرد. مهندس قاسملو معاون مدیر عامل کارخانه در باره این لیسانس می‌افزاید:

این قرار داد از چندی پیش به اجرا در امده و هم اکنون ماشین‌آلات آن در حال نصب است و تا یکی دو ماه آینده کار مونتاژ ماشینهای نخ ریسی در کارخانه ماشین سازی تبریز آغاز میشود وسپس بتدریج کار ساخت این نوع ماشین‌ها شروع خواهد شد.

## مرکز جدید تحقیقاتی

یکی از برنامه‌های فوق‌العاده جالب ماشین سازی تبریز، ایجاد یك مرکز تحقیقاتی است بنام «مرکز تحقیقات صنایع سنگین» که کار آن تحقیق و سپس دادن طرح‌های مختلف به کارخانه‌های مملکت میباشد. بر اساس این پروژه که مبتکر آن ماشین سازی تبریز است ابتدا در مرکز مذکور بیشتر کادر فنی سطح بالای صنایع تربیت میشوند و به کارخانه‌ها اعزام میگردند. ضمناً در مرکز تحقیقات صنایع سنگین طرحهائی در زمینه‌های مختلف بوسیله کارشناسان آن تهیه میشود و در کارگاههای مرکز بمرحله ساخت میرسد و پس از آزمایش‌های لازم و تائید کامل آن، طرح ماشین ساخته شده به کارخانه‌های مختلف با توجه به امکانات آنها ارجاع میشود.

## مشخصات دیگر کارخانه

در پایان این گفتگو از اقای مهندس قاسملو میخواهیم که در باره دیگر مشخصات کارخانه از جمله عده کارکنان، میزان و سطح فروش تولیدات آن توضیحاتی در اختیار ما بگذارد و او در حالیکه نمودارهائی را نشان میدهد، چنین میگوید: در ابتدائی‌ترین مرحله برای تاسیس کارخانه در سال (۲۵۲۵- ۱۳٤۵) یکسال قبل از براه افتادن آن، رویهم ٤۲ نفر(۳۲ کارمند و۱۰ کارگر) بودند که هسته اولیه را تشکیل دادند این ارقام هر سال افزایش یافت تا اینکه در سال جاری تا بیستم خرداد ماه ، جمع نفرات ما به ۲۷۰۳ نفر رسید که از این عده به تفکیك۱۵۹۳ نفر کارگر و۶۵۰ نفر کارمند و ٤٦۰ نفر کارآموز بودند و از آن تاریخ یعنی بیستم خرداد ماه گذشته تاکنون نیز بی‌تردید این ارقام بخصوص تعداد کارآموزان و کارگران شاغل ما افزایش یافته است.

درباره میزان فروش تولیدات کارخانه سئوال میکنم، وی درباره چندنوع از کالاها به تفکیك چنین میگوید: در سال گذشته ماشین‌سازی تبریز رویهم ۱٤۷ عدد ماشین فرزتولید کرد که ۱۰۲ دستگاه آن بفروش رفت و همچنین ۱٤۲ دستگاه ماشین صفحه‌تراش تولید کرد که ۱۳۸ عدد آن فروخته شد. ناگفته نماند که تولید ماشین صفحه‌تراش از سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱) ٤۰/ دستگاه در یکسال و تولید ماشین فرز از سال ۲۵۳۲ (۱۳۵۲) ۱٤/ دستگاه در یکسال اغاز شد.

درمورد ماشین‌های مته (رومیزی- ستونی و رادیال) نیز در سال گذشته کارخانه رویهم ۱۳۰۹ دستگاه تولید کرد و ۱٦۳۳ دستگاه فروخت که البته باید اضافه کنم از سالهای قبل تعدادی از این ماشینها در انبار باقی مانده بود. تولید این ماشینها نیز از سال ۲۵۲۹ (۱۳٤۹) با ۱۰۳ دستگاه آغاز شد.

درمورد تولید و فروش انواع ماشینهای تراش در سال گذشته رویهم ۳۰۳ دستگاه در کارخانه تولید شد که در برابر ٤۳۸ دستگاه بفروش رفت و بازهم خاطرنشان کنم که از سالهای قبل تعدادی از این ماشینها در انبار باقی مانده بود، و اما تولید ماشینهای تراش در کارخانه از سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰) اغاز گردید که ۲۳۹ دستگاه بود.

درمورد فروش و تولید انواع لیفتراك، کمپرسور و ابزارهای بادی، پمپ و الکتروپمپ باید بگوییم که در سال گذشته، تولید لیفتراك در کارخانه ۳۰ دستگاه و فروش آن ۲٤ دستگاه و تولید کمپرسور و ابزارهای بادی ۲۱۰۰ دستگاه و فروش انها ۱۰۰۹ دستگاه و تولید پمپ و الکتروپمپ ٤۰٤٤ دستگاه و فروش آن ۳۷۵۰ دستگاه بوده است.

• • •

در اینجا گزارش ما از کارخانه ماشین‌سازی تبریز به پایان میرسد درحالیکه بواقع از وسعت و تنوع و پیشرفت این واحد عظیم صنعتی بسیار خوشحال هستیم، زیرا باتوجه به آینده‌ای که رهبر بزرگ کشورمان برای ملت خود طرح فرموده‌اند و باوجود این صنایع و پیشرفتهای سریع آنها، میتوان از هم اکنون فرارسیدن دوران تمدن بزرگ را احساس کرد و بدان بالید. باامید آنروز که دیر نیست...

در شماره بعد شما را به دیدار کارخانه تراکتورسازی تبریز میبریم.

# هنر

تاتر . سینما . تلویزیون . رادیو . نمایشگاه . موزیك

## مازیار بجای ستار

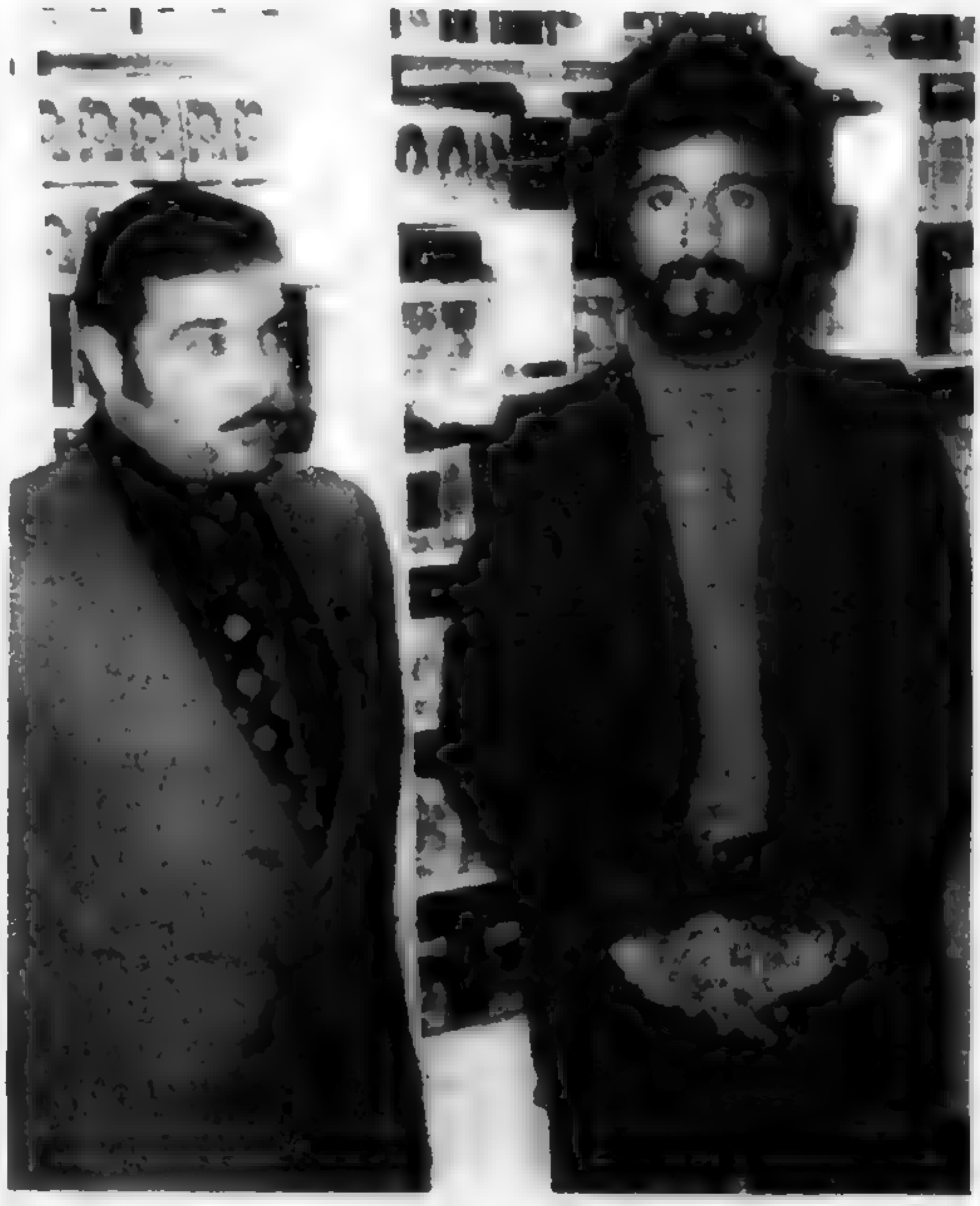

مازیار خواننده‌ای که در شماره ویژه نوروز همین امسال برای اولین بار در رستاخیز کارگران معرفی‌اش کردیم، اینروزها بعنوان یکی از خوانندگان سرشناس شهرت پیدا کرده است، ولی جالب است بدانیم که جهانبخش پازوکی نقش مهمی را در بوجود آوردن این خواننده داشت. چرا که در یکی از سفرهایش به بابل با او برخورد و از صدایش خوشش مد. فردای نروز مازیار را همراه خود به تهران آورد و بسرعت چندین ترانه و آهنگ برای وی ساخت و همین ترانه‌ها موجب شهرت مازیار شد. پازوکی قبل از وی به خوانندگانی مثل مهستی، هایده، گوگوش، داریوش و عقیلی آهنگ میداد، ولی از زمانیکه مازیار را آورد دیگر کمتر آهنگی بدیگران داده است و حالا مازیار غیر از برنامه‌هائی که در کاباره دارد که البته میگفت با کاباره مخالف است، ترانه‌ها و آهنگ‌های زیادی از وی از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود بهر حال باید دید این همکاری تا کی ادامه میابد.

## درگیری فیروزه

فیروزه خواننده باصطلاح خاکی یا خوانندد کوچه و بازار ، اینروزها درگیری تازه‌ای پیدا کرده است . از یك سو قراردادی برای بازی در فیلم سینمائی بسته و از طرف دیگر در بدر بدنبال آهنگ‌ساز تازه‌ای می گردد تا ترانه های جدیدی را به بازار یا کوچه و بازار عرضه کند. بد نیست بدانیم که فیروزه برای نخستین بار کارش را با فیلم تختخواب سه نفره آغاز کرد و در این فیلم برای نصرت کریمی یك ترانه خواند و اولین دستمزدش پانصد تومان بود که البته نسبت به این دستمزد اعتراض داشت ، ولی کریمی بیشتر از پانصد تومان باو نداد ، ولی حالا برای خواندن هر ترانه در فیلم حدود ده‌هزار تومان دستمزد دریافت میدارد. بهر حال با شلوغ بازار ترانه‌سرائی و فیلم سازی فیروزه بین سینما و ترانه‌خوانی در مانده است و نمیداند کدام را بیشتر مورد توجه قرار دهد؟

## این فیلم‌ها را به کارگران نچسبانید

تازگی‌ها مد شده تا به کارگردان یا بازیگری اعتراض می‌کنند که چرا فیلم‌های اینگونه سطح پائین می‌سازید و نسبت به حوایج اجتماعی و مسایل بومی بی‌توجهی از خود نشان میدهند. بسرعت جواب میدهند برای اکثریت فیلم میسازیم و این اکثریت کارگران و خانواده آنها هستند که میخواهند فقط تفریح کرده باشند و همین‌ها خط‌مشی کارها را مشخص می‌کنند بنابراین، این گونه فیلم‌ها را میسازیم.

به حضور آقایان محترم عرض میشود؛ اولا این وصله‌ها را که بدامن فیلم‌هایتان دارید، دوخت و دوزش را به گردن کارگر نیندازید. کارگر امروز خیلی خوب می‌فهمد و مسایل را درك می‌کند، تفریحاتش هم از شما کمتر نیست و نمی‌خواهد ملعبه دست شما باشد که بیاید فیلمتان را ببینید، تخمه بشکند.

تشریف ببرید مقابل یکی از سینماهائی که فیلمهای خوب نشان میدهند یا فیلم‌های خارجی خوب، یك آمار بگیرید ببینید چقدر از همین طبقه دارند بلیط میخرند. خودتان هم اینرا میدانید، ولی ضعف فیلمسازیتان و کم تجربگی‌هائی که دارید، کار دستتان داده است. بنابراین، با یك نظر کلی میتوانید دریابید که کارگران این فیلم‌های مبتذل را نمی‌پسندید و ضعف شما را بگردن نخواهد گرفت. کارگران آنها انتخاب می‌کنند،می‌شناسند و جلو میروند. لطفاً مارك فیلم‌های آنچنانی را با نام کارگر ویژه‌گی ندهید، وگرنه روزی میرسد که کاسه‌تان تهی از پول‌های باد آورده میشود. لااقل بخود بقبولانید یك سینماگر، راه گشا نیز هست. شما سوژه خوب با مسایل ایرانی و بومی بسازید، ببنید آیا همین کارگرها بدیدن آنها نمآیند؟... کمی سخترو محکمتر کار کنید و مطمئن باشید ضرر نمی‌کنید

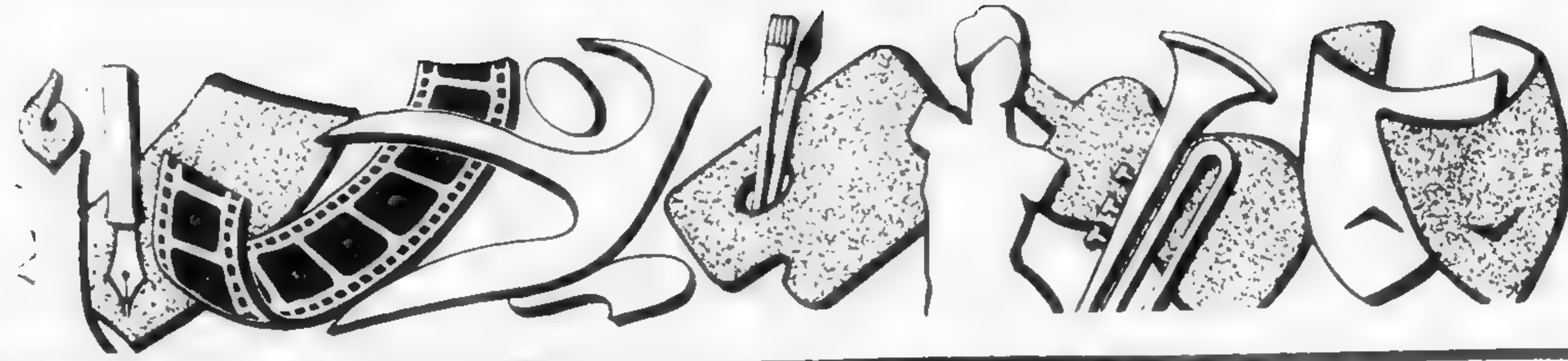

# رقصنده‌های ایرانی درآمریکا

گروه رقص‌های فولکور ایران از سوی وزارت فرهنگ و هنر برای معرفی رقص‌های ملی ایران در جشن‌های دویستمین سال ستقلال امریکا شرکت کرددند . سرکردگی گروه به عهده پروین سر لك بود و در دو تالار بزرگ واشنگتن این گروه موفق شدند تحسین هرشناسان امریکائی را برانگیزند گروه دیگری از رقصنده‌های فولکور یك وزارت فرهنگ و هنر در جشن فرهنگ که در همین ماه برگزار گردید شرکت کردند. توجه داشته باشیم که در وزارت فرهنگ و هنر فعالیت فراوانی برای حفظ و اشاعه موسیقی و رقصهای اصیل ایرانی صورت می گیرد و بهمین جهت جوانانی که تا بحال کمتر بفکر استفاده از این موقعیت بودند با توجهی که مقامات هنری و هنر دوستان خارجی به رقص‌ها و آوازهای اصیل ایرانی از خود نشان داده‌اند سوی این هنر ایرانی روی آورده‌اند.

## گروه تلخ و شیرین بازی می کنند

هم اکنون مقدمات تهیه مجموعه جدید تلویزیونی منصور پورمند آماده شده است و بهمین جهت در دفتر کار او هنرمندان همان مجموعه قبلی تلخ و شیرین جمع شده و مشغول تمرین و آماده سازی برنامه‌شان هستند . پورمند این مجموعه را ابتدا در سیزده بخش می سپرد و به تلویزیون تحویل میدهد و در صورتیکه سیزده بخش اول با موفقیت روبرو شد با نظر مسئولین واحد نمایش تلویزیون بخش‌های بعدی جلوی دوربین میرود مجموعه جدید گروه تلخ و شیرین که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده در محور زندگی خانوادگی دور میزند و اصولاً آنچه بیشتر در آن مطرح است روابطی است که بین آدمهای اجتماع ما وجود دارد. این مجموعه احتمالاً از یکماه دیگر پخش خواهد شد

# کار و باز هم کار...

بقیه از صفحه ۱۵

انتخاب شدم و کماکان السابق فعالیت خود را در سازمان کارگران ادامه میدهم و در حال حاضر نزدیك به ۹ ماه است که معاون اداری و مالی سازمان کارگران ایران هستم و بطور تمام وقت (هر روز نزدیك به دوازده ساعت) بجز روزهائیکه در مجلس جلسه داریم ، بقیه ایام هفته را در سازمان کارگران ایران مشغول انجام وظیفه و رفع مشکلات کارگران در حدود امکانات هستم. لازم به تذکر است که در خلال کار در فرودگاه مهرآباد و فعالیت اجتماعی در سازمان کارگران از تحصیلات خود غافل نبودم و توانستم در سال ۲۵۲۸ به دانشکده روانشناسی راه یابم و در سال ۲۵۳۲ لیسانس خود را در این رشته دریافت کنم. البته با مشکلات زیادی که در تنظیم ساعات کار و فعالیت اجتماعی درس خواندن و دانشکده رفتن داشتم بهر تقدیر موفق شدم و ترجیح دادم با داشتن تحصیلات عالی در صنف و طبقه خودم، یعنی کارگران باقی بمانم و خدمت بیشتری ارائه دهم و از این تصمیم راضی هستم و افتخار میکنم که هنوز کارگر نامیده میشوم.»

●:- میخواهم یك مرور کلی درمورد وضع کارگران ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا آغاز انقلاب شاه و ملت بعمل آورید. در این فاصله وضع کارگران از زاویه دید شما چگونه بررسی می‌شود؟»

## ● گذشته و امروز

الداغی: - «چنانچه وضع کارگران ایران را در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا آغاز انقلاب مورد بحث و بررسی قرار دهیم، ناگزیر از اشاره به این امر هستیم که اصولا کارگر بمعنای واقعی خود پس از آغاز سلطنت رضاشاه‌کبیر پا بعرصه وجود نهاد، زیرا قبل از سلطنت این راد مرد بزرگ، ایران آنچنان گرفتار آشوب و خمودگی بود که صنعتی درکشور وجود نداشت تا کارگری بکار اشتغال داشته باشد، ولی در دوران سلطنت رضاشاه‌کبیر کارخانجات صنعتی متعددی در کشور بوجود آمد و کارگران بکار گرفته‌شدند. با توجه به مقتضیات زمان و با اینکه رفاه این طبقه زحمتکش همواره مورد علاقه شخص شاهنشاه وقت بود ولی اوضاع و احوال آن روز بیشتر در جهت جلب سود برای صاحبان صنایع دور میزد و قوانین و مقرراتیکه در مورد رابطه کارگر و کارفرما تصویب و بمرحله اجرا در می‌آمد آنطوریکه باید و شاید منافع این طبقه را تامین نمیکرد، ولی با توجه به دوران قبل از سلطنت خاندان پهلوی، این خود جهش بزرگی به جلو به شمار می‌آمد. قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی که برای حیات کارگران ایران بمنزله خون در شریان است در زمان سلطنت شاهنشاه آریامهر و بنا بفرمان معظم له تدوین و بموقع اجرا گذاشته شد .شاهنشاه آریامهر یك لحظه از فکر تامین رفاه و آسایش کارگران غافل نبودند و اوامرموکد ومتعددی دراین مورد صادر فرموده‌اند و کارگران دراین دوران نه‌تنها از نظر مالی ارتقاء یافتند، بلکه از نظر شرافت انسانی و موقعیت اجتماعی نیز بهره فراوان گرفتند تا اینکه با اعلام اصل چهارم منشور انقلاب شاه و ملت و با برخورداری کارگران از سود ویژه کارخانجات عملاً به دوران استثمار فرد از فرد خاتمه داده شد

اجرای اصل سیزدهم انقلاب، گسترش مالکیت صنعتی چهره کارگری ایران را بکلی دگرگون کرد تا جائیکه امروز کلیه طبقات حتی طبقه روشنفکر جامعه مانیز از اینکه خود را کارگر بنامند، احساس فخر و مباهات میکنند».

●:-«پس از انقلاب، کارگران چه موقعیتی بدست آوردند و اصولاً مقایسه وضع دیروز و امروز کارگران چه وجوه تمایزی را برملا میسازد؟.»

## ● ثمرات آینده‌ساز

الداغی: -«بجرات میتوان ادعا کرد که این مقایسه و تشریح و توضیح تفاوت زندگی خصوصی و اجتماعی کارگر امروز با کارگر گذشته بس مشکل است و احتیاج به صرف ساعتها وقت و نوشتن کتابهای قطور دارد. کارگر استثمار شده دیروز، کارگر فاقد شئون سیاسی واجتماعی گذشته اکنون به یك انسان قدرتمند و دارای ارزش با معیارهای معنوی و اجتماعی تبدیل شده و نه‌تنها از نظر مادی احساس فقر و درماندگی نمیکند، بلکه مقام شایسته و ارزنده‌ای در اجتماع بدست آورده و نمایندگان خود را به مجلس شورای ملی و انجمن‌های ملی فرستاده تا با سایر طبقات این ملت در یك ردیف نشسته و در تعیین سرنوشت خود و سایر مردم سهیم باشند.

کارگر امروز ایران از شرف و حیثیت والائی برخوردار است و از جانب شاهنشاه آریامهر به لقب «شریف» ملقب شده است و عملاً در اجتماع ایران در رده‌های بالا قرار گرفته و هر روز بیش از روز دیگر بسوی ترقی و تعالی گام بر میدارد. امروز بیکاری برای هر فرد آماده بکار وجود خارجی ندارد و کلیه دستگاههای مسئول مملکتی در اجرای منویات شاهنشاه میکوشند که هر چه بیشتر به این طبقه شریف خدمت کنند. »

●:-«در حال حاضر ما با کمبود نیروی انسانی ، بویژه کارگر ماهر مواجهیم. بنظر شما این امر مولود کدام عوامل است و طریق رفع این مشکل چیست؟»

## ● کمبود نیروی انسانی

الداغی:- «با گسترش معلوم و روزافزون صنایع کشور، کمبود نیروی انسانی کاملاً بچشم میخورد. باید صریحاً اقرار کرد که در زمینه تعلیم و تربیت کارگر فنی آنطوریکه باید و شاید اقدامات قاطع انجام نگرفته است . البته با ایجاد مؤسساتی مانند صندوق کارآموزی تعلیمات حرفه‌ای و فنی اقداماتی در این مورد بعمل آمده ولی این اقدامات کافی نبوده و هر روز بایستی توسعه بیشتر پیدا کند . البته بخش خصوصی نیز از دنبال کردن این هدف مهم غافل بوده و دولت نمیتوانسته به تنهائی این امر بنیادی ، یعنی تعلیم کارگران فنی را انجام دهد. بنابراین بایه در جوار هر کارخانه صنعتی اعم از دولتی یا بخش خصوصی به مسئله تعلیم و تربیت و آموزش حرفه‌ای اهمیت و اولویت خاصی قائل شد و با از بین بردن مقررات دست و پاگیر محیط شایسته و مناسبی جهت تعلیم و تربیت کارگران ماهر فنی بوجود آورد تا جوانان کشور ما از عشق و علاقه پشت میز نشینی بدر آمده ، به آموزش حرفه و فن رغبت پیدا کنند.

یکی از کارهای خوب صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد مراکز سیار‌درأقصی نقاط مملکت ما است، چون برنامه‌های بنیادی احتیاج به مدت زمان زیادی دارد، آنها با بر پا کردن چند چادر به آموزش کارگران میپردازند و با همان کارآموزان به احداث بنا و ساختمان جهت مرکز صندوق ادامه میدهند.»

●: - «حال این مساله مطرح میشود که کارگران در قبال این همه مزایا ومواهب که نصیبشان شده چه وظایفی در مقابل وطن و مردم جامعه خود دارند و در واقع تا این حد که مواهب را بدست آورده‌اند تا چه حد دین خود را نسبت به جامعه و اصولا در مورد افزایش بهره‌وری کار ادا کرده‌اند؟»

## وظیفه مهم

الداغی:- «بدیهی است که کارگران وظیفه بس مهم و خطیری بعهده دارند، زیرا اینك که بمدد انقلاب شاه و ملت و در سایه مراحم و الطاف بی‌پایان شاهنشاه آریامهر کارگر ضعیف و بی مقدار دیروز به انسانی آزاد و ارزشمند مبدل شده است، بایستی از هر گونه تنبلی و سستی دست برداشته، دائما بفکر ازدیاد تولید و بهره‌وری کار بیشتر و تکمیل حرفه و صنعت خود باشد. باید کار بیشتر، محصول بهتر ، ضایعات کمتر را هدف و سرلوحه برنامه خود قرار دهد و بداند که در قبال رهبر عالیقدر انقلاب و میهن عزیز دارای مسئولیت مهمی است. کار و باز هم کار و ازدیاد بهره‌وری پاسخ مثبت به ندای وجدانی هر کارگر شرافتمندی است که خود را ایرانی و خدمتگزار شاهنشاه آریامهر میداند و بهمین سبب انتظاری که بعنوان یك کارگر ایرانی از کارگران هم وطن خود دارم این است که مسئولیتی که بعهده میگیرند نسبت به اجرای آن در هر حرفه‌ای که باشد خود را مسئول بدانند و نسبت به کار و حرفه خود بی‌تفاوت نباشند و سعی کنند ضمن اینکه هر روز از روز قبل تولید بیشتری‌بوجود آورند، از ضایعات نیز جلوگیری بیشتر بعمل آورند.

زمانی لازم بود که کارگر در مقابل کارفرما ایستادگی کند و با او مبارزه کند ولی امروز باید بوسیله نمایندگان سندیکای خود با کارفرما سر میز مذاکره بنشیند ومسائل خود را حل و فصل کند. چنانچه حل نشد سازمان کارگران ایران که مدافع حقوق کارگران ایران است مطمئناً تقاضای قانونی کارگران را دنبال خواهد کرد. کارگران باید در انجام کار خود صادق باشند و هیچگاه از سعی و کوشش باز نایستند همیشه در جستجوی زندگی بهتر و تخصص بیشتر باشند و ضمناً از تحصیل خود غافل نباشند. شاید برای یك کارگر کم سواد گرفتن دیپلم و لیسانس کاری بس دشوار و غیر ممکن جلوه کند در حالیکه اینطور نیست. با کمی پشتکار و سعی و کوشش و مقاومت و کار بیشتر، کارگر میتواند به کلیه آروزهای خود جامه عمل بپوشاند»


**آگهی تجدید انتخابات مسئولان سندیکای تار پود ایران کاشان**

بموجب مدارك تسلیمی باز سوی سندیکای شرکت سهامی تارپود ایران کاشان اسامی و سمت هر یك از آقایان اعضاء اصلی و علی البدل هیئت مدیره و بازرسان سندیکای مذکور برای دو سال لغایت ۲۵ خرداد ماه ۲۵۳۶ انتخاب شده‌اندبشرح زیر میباشد.

۱- دبیر آقای علی ملائی‌رضائی

۲- رئیس هیئت مدیره محمد غلامعلی‌زاده‌کاشانی

۳- نایب رئیس رجبعلی‌کندی

٤- خزانه‌دار جوادآقااشرفی‌فینی

٥- عضو هیئت مدیره قاسم‌پیرمردزاده فینی

٦- بازرسان اصغر حسن‌زاره‌شادیانی- سید اکبر مرصعی کاشانی سیف‌الله حیدری‌فینی.

ضمنا مطابق بند۳ ماده ۲۰ اساسنامه اسناد مالی به امضاء رئیس هیئت مدیره و خزانه‌دار سندیکا معتبر خواهد بود.

**اسماعیل عابدینی رئیس اداره کار و امور اجتماعی کاشان**


## چگونه از خطرات و

بقیه از صفحه ٥۷

۸- اتاق تلویزیون چون مرکز جمع شدن تمام افراد خانواده است لذا رعایت بهداشت دستگاه تنفس بسیار ضروری است مخصوصاً در زمستان در خانواده‌هائیکه از منقل - کرسی و چراغهای نفت سوز برای گرم کردن اتاق استفاده میکنند توجه باین موضوع بسیار لازم است.

۹- درضمن تماشای برنامه‌های تلویزیون، خانم خانه باید بفکر اجاق گاز- سوختن غذا- سررفتن شیر و حتی اطمینان از قفل بودن درب جلو ساختمان باشد.

۱۰- مواظب باشید که اطفال شمابا تماشای تلویزیون از ساعات لازم برای حاضر کردن درس ومشق خود نکاهند و از خواب و استراحت باز نمانند. یا از غفلت شما استفاده نکند خود رابه کوچه - جاده ماشین وحوض آب وبه بازی های خطرناك برساند.


**آگهی تجدید انتخابات مسئولان سندیکا**

به موجب مدارك تسلیمی او سوی سندیکای کارگران شرکت ملی نفت (اکتشاف و استخراج) اسامی و سمت هریك از آقایان اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره و بازرسان سندیکای مذکور که برای مدت دو سال لغایت یکم اردیبهشت ماه دو هزار و پانصد و سی و هفت انتخاب شده‌اند به شرح زیر میباشد.

۱- دبیر محمد جواد قاضی طباطبائی

۲- رئیس هیئت مدیره حسن روشندل

۳- نایب رئیس مسلم مراد گنجه

٤- خزانه دار قاسم خوش قلب

٥- عضو هیات مدیره حسین مراد حاصلی

٦- اعضای علی‌البدل هیئت مدیره علی محمد طاهری سهی- حسین بلالی

۷- بازرسان محمد رشیدیان- حسین صفوی- علی ارمی مهرآباد

ضمنا مطابق بند سه ماده ۲۰ اساسنامه اسناد مالی با امضای رئیس هیئت مدیره و خزانه‌دار سندیکا معتبر خواهد بود.

مدیر کل کار و امور اجتماعی منطقه جنوب استان مرکزی محمود طواف

# دوری مسکن کارگر از محل کار...

ما حداقل حقوق کارگران پائین است و برای این منظور لازم است جلساتی با کارفرما و مدیر کارخانه داشته باشیم و ترتیبی بدهیم که حقوق کارگران بهبود یابد. من خود ۱٤ سال است کار میکنم، کارخانه‌ای که دیرتر از کارخانه ما تاسیس شده و کارگرانی که بعداز من باستخدام در امده‌اند، حقوقشان بمراتب بیشتر از من است. دلیل آنرا نمیدانم چیست، خیلی تقاضا کرده‌ایم. جلسه کارگر و کارفرما تشکیل شود، متاسفانه تا کنون نشده است، حداقل در این جلسه توضیحات کارفرما شاید ما را قانع میساخت.

**طباطبائی** آقای کرابی درخواست کردند جلساتی با کارفرما داشته باشند. در شرایط امروزی هر کسی سعی میکند کار مفیدتری انجام دهد، اگر قرار باشد آقای مدیرعامل در ماه چند روز به برگزاری جلسه و مذاکره با کارگران برگزار کند، دیگر فرصتی برای انجام کارهای دیگر باقی نمیماند. اگر این جلسه برگزار نشد، من شخصا سعی میکنم خواست آقایان را بررسی کرده و با مدیر عامل در میان بگذارم. من هم قبول دارم مشکل مسکن نیز مشکلی است ملموس، ولی کارفرما تقصیرش چیست؟

در خصوص اینکه فرمودید کارگران همواره سعی دارند تولید بیشتری ارائه کنند که سود بیشتری ببرند، پر واضح است، وقتی قرار است سود بیشتری عاید کارگران شود، باید کار بیشتری هم انجام دهند، البته نباید گذاشت بجای پیشروی هر روز به عقب برگردیم، کارگر بایستی با جدیت و دلسوزی برای بهبود وضع کارخانه و افزایش تولید و سرانجام وضع خود کوشش کند.

**عباس عابدینی** (رئیس هیات مدیره سندیکا): یکی از مشکلات کارخانه ما این است که تولیدات کارخانه شماره ۲ را می‌آورند به این کارخانه و به شهرها و تهران توزیع می‌کنند کارگران آن کارخانه همیشه به ما زخم‌زبان میزنند و می‌گویند، چرا باید در کارخانهٔ شماره ۲ تولید شود و توزیع در کارخانه شما انجام گردد؟ مطلب دیگر، راجع به بیمارستانها است که آنطور که باید به بیماران نمیرسند.

**طباطبائی:** در مورد تولید در کارخانه شماره ۲ و توزیع در کارخانه شما باید عرض کنم چون بعضی از دستگاهها در شماره ۲ نصب شده که دخالت مستقیم با دستگاههای شماره ۱ دارد، از قبیل تراشکاری و غیره، ناگزیر از این عمل هستیم. درغیر اینصورت کارخانه بایستی تعطیل شود. بعلاوه هردو کارخانه بیك مدیرعامل تعلق دارد و لطمه‌ای هم بجائی نمی‌زند. بنابراین این موضوع مساله مهمی نیست که موجب کدورت شود. گذشته از این سعی خواهیم کرد از این پس تداخلی پیش نیاید و شرایط هریك از این دو کارخانه برجای خود قرار گیرد.

**حبیب‌اله حسامی** (مدیرکل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی): درمورد عدم پرداخت وام به کارمندان بخش خصوصی، اولا از همبستگی شما کارگران عزیز با کارمندان لازم می‌دانم ابراز خوشحالی کنم و در ثانی، خود شما اطلاع دارید که اگر منع قانونی دراین خصوص وجود نداشت، حتماً بانك رفاه امتناعی از پرداخت وام به کارمندان نداشته و فرقی بین کارگر و کارمند نمی‌گذاشت، بخصوص که آقای مروتجو گفتند، آقای مجیدی مدیرعامل بانك رفاه هم دراین باره وعده مساعد داده‌اند.

آقای شریعی لزوم تعویض سقف کارخانه را تاکید کردند، امیدواریم با توصیحی که آقای طباطبائی دراین مورد دادند، بزودی رفع نگرانی آقایان بشود، همچنین در مورد نصب حمام نیز به وعده ایشان متکی هستیم و انشاءالله دراین زمینه نیز اقدام لازم بعمل خواهند اورد

نگرانی شما از بابت سرویس امد و رفت هم تشکر می‌کنم کمبود کارگر، دلیل موجهی برای بیمانکار باشد. بخصوص که شما ضمن گفتارتان از حسن توجه اولیاء کارخانه نسبت به کارگران یاد کردید و نیز خودتان متذکر شدید که با اعزام چندتن از کارگران به صندوق کارآموزی وزارت کار و تعلیم رانندگی به آنها، از این جهت نیز گرفتاریتان رفع خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۹

در مورد مسکن هم، مسأله‌ای است که بسیاری از مردم با آن روبرو هستند، دراین مورد دست‌اندرکاران سیاست مسکن برنامه‌های گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند که بزودی اجرا خواهد شد. راجع به اجرای طبقه‌بندی مشاغل هم در بسیاری از میزگردهای گذشته بطور مشروح سخن گفته‌ایم، دراینجا فقط اشاره‌ای میکنم که تا اجرای کامل طرح در تمامی کارخانجات و شرکتها، هیچ تغییری دران داده نمیشود و بعد از آنکه اجرا شد تجدید نظر در برخی از موارد آن امکان دارد

**دکتر مرتضی روحانی** (مدیرکل وزارت بهداری و بهزیستی و نماینده سازمان خدمات درمانی): فکر میکنم برای صدور دفترچه‌ها، دیگر موردی برای گلایه باقی نمانده باشد، چون تقریباً کار صدور دفترچه‌ها پایان یافته و بهمین زودی به دنبال دوره دفترچه‌های مورد نظر را در جریان قرار خواهیم داد.

راجع به بیمه بیماران و مداوا و ... سیستم این دو مورد تصمیماتی اتخاذ شده و بطور قطع با توجه به برنامه‌های سازنده‌ای که در جهت بیمه عمومی داریم این مسئله نیز مورد توجه خواهد بود

راجع به نوبت بیماران و تاخیر درمانگاهها و بیمارستانها نسبت به بستری کردن انها، تصور می‌کنم توصیحات من در میزگردهای گذشته، اگر مطالعه کرده باشید، قانع کننده است.

# نانی که میخوریم و کارگران نانوا....

بین همه مردم رایج است، اما نانواها بعلت اینکه بیش از دیگران در معرض تغییر شدید هوا قرار میگیرند، بیشتر در معرض سرما خوردگی هستند، که البته در زمستان وقتی از کنار تنور دور می‌شوند و قصد خروج از مغازه را دارند، با لباس گرم خود را می‌پوشانند تا دچار سرماخوردگی نشوند.

## نان ماشینی

نان ماشینی از دیگر انواع نان است. اکنون هم این نوع نان به مقدار کم عرضه میشود. حدود هیجده سال پیش بود که برای اولین بار با ایجاد سیلو، عرضه گسترده نان ماشینی مورد توجه قرار گرفت، و حتی مقدار زیادی هم در تهران توزیع گردید، اما بعلت عدم استقبال مردم بعد از مدت کوتاهی، این کار متوقف شد.

وسائل کار نانواها، بویژه تنورهای نانوائی، هم در سالهای اخیر دگرگونی زیادی حاصل است.

تاچندین سال پیش، خار و بته‌های خشك بیابانها و خاك اره و پوشال‌های حاصل از رنده کردن چوب در نجاری‌ها، گرم کننده اصلی تنورهای نانوائی بود، اما استفاده از این سوخت‌ها همواره با دشواری همراه بود.

درو دیوار محیط دکانهای نانوائی در آن زمان همیشه پوشیده از دود بود، چون سوختن خار و پوشال و خاك‌اره خواهی نخواهی دود زیادی تولید میکند.

بعد از گذشت چند سال بتدریج تنورهای نفتی رواج یافت. استفاده از نفت ، گذشته از اینکه حرارت بیشتری تولید می‌کند و باعث زودتر پخته شدن نان می‌شود، دود زیادی هم تولید نمی‌کند.

هر چند اکنون هم تنورهای نفتی در بسیای از مغازه‌های نانوائی وجود دارد، اما بتدریج تنورهای برقی جای آنها را میگیرد.

از این گذشته ، هم اکنون در بسیاری از مغازه‌ها، خمیرگیرهای برقی مورد استفاده است. این نوع خمیرگیرها در کوتاه‌ترین مدت، آرد را خمیر میکند و برای پختن نان آماده می‌سازد

دستمزدهای کارگران نانوائی متنوع است. کمترین دستمزد مربوط به کارگر ساده یا «پادو» است که به حدود ۳۰۰ ریال بالغ میشود. چانه‌گیر و شاطر با داشتن دستمزدی برابر ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ ریال بیشترین دستمزد را دریافت میکنند. در واقع کارگران نانوائی‌ها هم چون کارگران دیگر اصناف بسته به میزان سابقه خود و همچنین توانائی و مهارت آنها در کار

بقیه از صفحه ۳۲

دستمزدهای متفاوتی میگیرند. در حال حاضر این کارگران از مزایای بیمه‌های درمانی هم استفاده میکنند.

جلال احمد خانلو، یکی از نانوایان تهران در مورد وضع کار خود میگوید: «از بیست و پنج سال پیش تا کنون قیمت بسیاری از ارزاق عمومی مثل تخم‌مرغ، مثل سیب زمینی و امثال آن تا چند برابر قیمت افزایش یافته است، در حالیکه بهای نان چنین افزایشی نداشته است...»

(در اینمورد لازم است توجه داشت که علت عدم افزایش بهای نان با توجه به دیگر ارزاق، انست که دولت هر ساله رقم قابل توجهی را برای خرید گندم و تامین نان مردم منظور می‌کند، و این زیان را بنفع عموم مردم مملکت متقبل می‌شود-

# صاحبخانه‌های ما از اینکه....

بقیه از صفحه ۳۵

که مقامات مربوط از آن اطلاع حاصل کنند، وگرنه این امکان ندارد که بدون اعلام شکایت، کار این دوستان عزیز فیصله یابد. من یك سئوال از این کارگران عزیز دارم وآن اینست که آیا تا کنون در خصوص مورد ادعای خودشان درخواستی تسلیم مقامات ذیصلاح کرده‌اند یا نه؟ اگر در خواستی بعمل آورده‌اند وبوضع آنها رسیگی نشده

است، مورد را اطلاع دهند تا پیگیری کنیم وگرنه، سازمان تامین خدمات درمانی چگونه راسا و ابتدا بساکن اقدام به احقاق حق آنها بکند؟...

در مورد کمبود بیمارستان و پزشك هم متاسفانه تا اجرای طرح خدمات درمانی کمبودهائی وجود دارد که بخواست خداوند، بزودی این کمبودها رفع خواهد شد.

آقای حبیب‌اله حسامی نیز در مورد ساعات کار و نبودن شرکت تعاونی مصرف کارگران خباز در اهواز گفت:

در هر موردی که تصور بکنید، قوانین و مقرراتی حاکم بر شئون کارگر و کارفرما است، که رابطه این دو را مشخص میسازد. در آنچه کارگران عزیز نانوائی اهواز نوشته‌اند ابهام‌هائی دیده میشود که فقط حضوری میتوان شنید و راه حلی برای آن ارائه کرد. بنابر این با توجه بضوابط قانونی موجود، میتوانند به اداره کل کاراستان خوزستان مراجعه کنند و مشکلات خود را بازگو نمایند.

در مورد شرکت تعاونی هم، ابتدا خود دوستان باید برای ایجاد آن پیشگام شوند و سپس از وزارت کار، راهنمائی و مساعدت بخواهند. قاعده بر این است که ابتدا از سوی خود کارگران سرمایه نخستین شرکت تعاونی تامین میگردد. سپس کارفرما، کمکهائی میکند و وزارت کار و امور اجتماعی هم راهنمائی لازم را بعمل میاورد. آنچه از گفتههای دوستان کارگر اهوازی بر میاید ، اینست که خود آقایان نمیخواهند. بدست خودشان و با همت و کوشش خودشان در این زمینه اقدامی بعمل آورند.

# شما هزینه زندگیتان را....

سال دارم و تا کنون ازدواج نکرده‌ام. پدرم را در سنین نوجوانی از دست دادم و سرپرستی خانواده‌ام برعهده من قرار گرفت. دراین مدت خواهر را به خانه شوهر فرستادم، برادرهایم را به ثمر رساندم. متأسفانه مادرم براثر بیماری فوت کرد. برادر کوچکم ناراحتی معده پیدا کرد، دوستان ناباب، دکترهای خانگی دوروبرش را گرفتند که اگر تریاك بخوری حالت خوب میشود. تریاك بعد از مدتی به هروئین مبدل شد. بکمکش شتافتم که در بیمارستان بستری بشود. بعد از چندی ترك اعتیاد کرد، و بعد از زمانی چند دوباره به مواد مخدر روی آورد و از همین دیروز مجدداً تحت درمان قرار گرفت.

## ● تأمین زندگی شوهر

خانم صغری محیی کرمانشاهی، کارگر حمام زنانه است، پنجاه و پنج سال دارد، شوهرش راننده است که متاسفانه به بیماری قلبی دچار شده و در نتیجه مدتیست نمی‌تواند کار کند. صغری خانم، آستین‌هایش را بالازده و با تلاشی پی‌گیر کار می‌کند و از پولی که درمیآورد مخارج زندگی

بقیه‌ازصفحه ٤٩

شوهر را تامین کرده و با این کار صمیمیت، یکرنگی و یکدلی دنیای زناشوئی را پیش نظر ما مجسم می‌سازد. صغری خانم اولاد ندارد. درآمد او متغیر است و بهمین جهت با دقت خاصی تعادلی بین درآمد و مخارج خانه بوجود می‌آورد تا نیازمند کسی نشود. از او خدا حافظی می‌کنیم. دست زحمتکش او را می‌فشاریم و باز در حاشیه خیابان قدم می‌زنیم ... میوه‌فروشی کوچك و پاکیزه‌ئی نظرمان را جلب می‌کند... با آقای علی‌عبدی صاحب این مغازه خیلی کوچك وارد گفتگو می‌شوم. علی عبدی هیجده سال است که کار می‌کند. وضع درآمد او نیز متغیر است. می‌گوید:

هفت اولاد دارم، زنم با صرفه‌جوئی و رعایت تعادل میزان مخارج توانسته است ما را اداره کند. همانطور که می‌بینید درآمد زیادی نداریم ولی با همین درآمد همیشه طوری زندگی کرده‌ایم که گردنمان پیش دوست و آشنا و فامیل بلند بوده است و محتاج کسی نشده‌ایم. شخصاً پس‌اندازی ندارم، ولی با کاردانی که در همسرم سراغ دارم، میدانم که از همین درآمد کم مقداری اندوخته است، باشد که روزی به کارمان بیاید.

## بمناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی گفته شد:

# در پنجاه سال پر تلاطم اخیر، ایران همچنان به پیشرفت ادامه داده

مهندس کهکشان رئیس هیات مدیره شرکت گفت:

**اعلیحضرت رضا شاه کبیر در یک دوران تاریک بپا خاست وسیمای ایران را بکلی دگرگون ساخت و امنیت را بکشور باز گرداند.**

**طی ۳۵ سال شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر جهان فراز و نشیبهای زیادی بخود دیده، اما وطن ما با آهنگ بسیار سریع همچنان به پیشرفت خود ادامه داده است.**

آقای مهندس کهکشان

**دریک گردهم آئی بزرگ و با شکوه که بمنظور بزرگداشت آئین پنجاهمین سال شاهنشاهی پر افتخار پهلوی، ترتیب یافت، کارکنان شرکت سهامی کارخانجات سیمان سفید دماوند ضمن گرامی داشت این جشن ملی صمیمانه ترین و پاک ترین احساسات ملی و میهنی را نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی ابزارداشتند.**

این مراسم ... روز چهارشنبه ۱٤ مهر ... محل کارخانه واقع در کیلومتر ۳۶ جاده ... برگزار ... و ... اعضای هیئت مدیره و ... صنایع و معادن و ... کارگران و کارکنان ... تولیدی و جمعی ... شرکت ... [illegible]

... آقای مهندس ... کهکشان رئیس هیئت مدیره شرکت سیمان شمال طی سخنان ... [illegible]

... روشن است که کشور عزیز ما طی پنجاه سال ... کودتای سال ۱۲۹۹ ... ۲٤۷۹ شاهنشاهی ... اعلیحضرت رضا شاه بزرگ ... شاهد چه دگرگونیهای شگرف ... بوده است ... و هرج و مرج که ... استقلال ایران در شرف اضمحلال بود. رادمردی ... که سیمای ایران در شرف را بکلی دگرگون ساخت و ... بازگشت و ... و فعالیتهای سازنده در تمام ... از رخوت دویست ساله بخود آمد وبسرعت در جاده پیشرفت و تکامل بجلو رفت.

طی هفده سال شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه کبیر چهره ایران آنچنان دگرگونی بخود گرفت که طی چندین قرن هرگز ... متحول نبوده ... شاهنشاه آریامهر ... ایران عزیز ما در ... کارها در حال گسترش بود و ... [illegible]

... ولی شاهنشاه ... و ... کار آنچنان پختگی و کفایت ... که تمام وطن‌پرستان و عاشقان ... شاهنشاه ... طی ۳۵ سال شاهنشاهی ... جهان بخود ... اما وطن ما ... سریع همچنان به پیشرفت ... گرفته است. [illegible]

... سال ۲٤۲۱ شاهنشاهی ... [illegible]

... حکومت میکرد ... [illegible]

عکسی از گردهم‌آئی کارکنان شرکت سیمان شمال بمناسبت بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خاندان پهلوی.

می‌بردند پس از انقلاب از تمام مزایای کارگری برخوردار شدند احترام به هویت انسانی، ساعات کار مشخص، بیمه و بهداشت واز همه مهمتر در حاصل دسترنج خود سهیم شدند و کارخانه و کارگاه را ... خود دانسته و بدین ترتیب تولید صنعتی ... [illegible]

... که در تمام شئون ... فرهنگی ... چهره روستاها و مملکت را بکلی دگرگون ساخت ... [illegible]

... [illegible]

جاویدشاه پاینده ایران

### اغاز دوران شکوهمند

پس ... رئیس هیات مدیره ... سید اعظم حسینی ... کارگران کارخانه سیمان سفید دماوند ... گفت

سروران گرامی، مدعوین محترم، ... [illegible]

سید اعظم حسینی

[illegible]

# جشن پنجاه سال سلطنت پهلوی در کارخانجات سیمان تهران

## خلاصه‌ای از فعالیتهای کارخانه سیمان تهران

شرکت سیمان تهران در سال۲۵۱۳ شاهنشاهی بفرمان ملوکانه، با ظرفیت تولید سالیانه حدود۱۰ هزار تن تاسیس گردید. ظرفیت تولید آن در عرض ۳۰ سال به بیشتر از حدود یك میلیون تن در سال بالغ گردیده که معادل۱۵٪ کل تولید سیمان کشور است. در حال حاضر واحد جدیدی با ظرفیت سالانه یك میلیون و دویست هزار تن در دست احداث است که شروع بهره‌برداری آن در پایان سال ۲۵۳۶ خواهد بود. بدین ترتیب ظرفیت کارخانه بزودی بالغ بر ۲٫۲۰۰٫۰۰۰ تن در سال یعنی معادل ۲۴ برابر تولید در تاریخ تاسیس خواهد بود

کارخانه سیمان تهران دارای تعاونی مصرف و اعتبار- صندوق ذخیره- کوی کارگران کلاسهای مبارزه با بیسوادی- کلاس آموزش حرفه‌ای بوده و کلیه کارگران در سهام کارخانه سهیم بوده و از سود کارخانجات بهرمند میگردند.

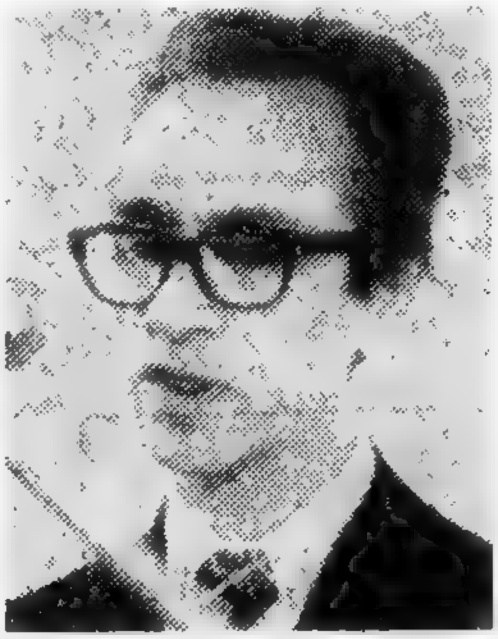

آقای مهندس عزیزالله کهکشان مدیر عامل

آقای مهندس غلامرضا کوچصفهانی رئیس کارخانجات سیمان تهران در حال سخنرانی

آقای خدا رحم سلیمیان نماینده کارگران

گوشه‌ای از مراسم جشن پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی در کارخانه سیمان تهران

بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی جشن . شکوهی در حضور شخصیتها و مقامات مملکتی و محلی و جمع کثیری از کارکنان برگزار گردید در آغاز آقای مهندس غلامرضا کوچصفهانی، رئیس کارخانه سیمان تهران پشت تریبون قرار گرفتند و جشن را با نام نامی شاهنشاه آریامهر افتتاح نمودند

خلاصه‌ای از متن سخنرانی آقای مهندس کوچصفهانی. «مهمانان عالیقدر و همکاران عزیز،

بحسب اجازه میخواهم از طرف کلیه کارکنان کارخانجات سیمان تهران، از تشریف‌فرمائی شما به این جشن تشکر نموده و خیر مقدم عرض نمایم. بطوریکه استحضار دارید جشن امروز ما بخاطر بزرگداشت ۵۰ سال شاهنشاهی دودمان پهلوی بر پا شده و خوشبختانه با روز شروع بهره‌برداری از اولین واحد کارخانه سیمان تهران در ۲۰ سال پیش مقارن گشته است. که این تقارن خجسته را مایه سرافرازی و مباهات خود شمار می‌آوریم» سپس آقای مهندس کوچصفهانی پس از بازگوئی مختصری از افتخارات و پیشرفتهائی که در عرض ۵۰ سال سلطنت خاندان جلیل پهلوی نصیب کشور ایران گردیده سخنرانی خودرا بشرح زیر بپایان رسانید

«اینك به پاس مواهب و نعمتهائی که در عصر سلطنت شاهنشاه آریامهر نصیب همه مردم ایران و بخصوص طبقه کارگر شده است و بنا بر وظیفه ملی خود پیمان می‌بندیم که در عصر انقلاب شاه و مردم [illegible] ملی [illegible] و [illegible] هیچ [illegible] کوشش [illegible] و [illegible] [illegible]

«حضار محترم [illegible]

این اجتماع [illegible] سایر اجتماعات دیگر که در سراسر مملکت برای برگذاری آئین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی تشکیل میگردد گردهم آمده [illegible] با ابراز شادی و سپاس وظیفه ملی خویش را به رهبر بزرگ انقلاب ایران که در سخت‌ترین زمامداری پر برکت، خود لحظه‌ای از فکر ملك و ملت غافل نبوده‌اند [illegible] نماید» سپس آقای مهندس کهکشان خلاصه‌ای از وضع مملکت قبل از سلطنت پهلوی را تشریح و متعاقب آن به تفصیل از ره‌آورد سلطنت پر افتخار و شوکت دودمان پهلوی از جمله اصول انقلاب شاه و ملت، اثرات اجتماعی الغاء رژیم ارباب و رعیتی، سهیم نمودن کارگران در سود کارخانجات، ایجاد ارتش نوین، تثبیت و تقویت بنیه حمیت ملی را بمعنی واقعی در وجود داشت برای نجات ایران قد مردانگی برافراشت و آن زمان تاریك که میرفت کشور ما در اثر ضعف و ناتوانی حکومت مرکزی، تمامیت خودرا از دست بدهد، خداوند بزرگ مرد تاریخ و تاریخ‌ساز ما را چنان قدرتی بخشید که توانست در ایام رهبری خود کشور متلاشی و روبزوال را به شاهراه ترقی و تعالی رهنمون گرداند.

آقای سلیمیان مجددا با یادآوری تحولات نیم قرن اقتصادی و بالابردن شئون سیاسی مملکت سخنانی ایراد نمودند.

پس از سخنان مدیر عامل شرکت، آقای خدارحم سلیمیان نماینده کارگران کارخانه پشت بلندگو قرار گرفته و طی سخنرانی جامعی گفتند: ملت ایران قبل از سوم اسفند۱۲۹۹ شمسی برابر با۲۴۷۹ شاهنشاهی را بیاد می‌آورد، روزی که مرد بزرگ و وطن‌پرست چون رضاشاه کبیر و فرزند لایق که خون ایرانی و غیرت و سلطنت پهلوی سخنرانی خود را با جملات درود کارگران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر، پاینده ایران، جاوید همبستگی ملی، خاتمه دادند

بعد از خاتمه سخنرانی نماینده کارگران به تعداد۲۴ نفر از کارگران کارخانه که بیست و یکمین سال خدمت خود را در کارخانه آغاز میکردند بهر کدام یك سکه ۵ پهلوی توسط مدیر عامل جایزه داده شد، ضمنا از سرپرست ورزشی کارخانه ، آقای مهندس طالبزاده بخاطر اینکه تیم کارگری سیمان تهران در سال جاری مقام سوم را در مسابقات فوتبال کارگران کشور احراز نموده بود قدردانی بعمل آمده و به ورزشکاران نیز جوائزی اهداء گردید. جشن با شکوه سیمان تهران با هنرنمائی خوانندگانی چون نسرین- عارف و مسعودی تا پاسی از شب همراه با ابراز احساسات پر شور کارگران نسبت به خاندان جلیل پهلوی ادامه داشت.

**کارنامهٔ پنجاه سال افتخار**

# از اداره کل فلاحت

# تاوزارت کشاورزی و منا

اگر به گدشته‌های نه چندان دور برگردیم، کشاورزی در ایران چون سایر زمینه‌ها و مسائل صنعتی و اقتصادی و آموزشی تا پیش از طلوع درخشان شاهنشاهی پهلوی رونق چشمگیری نداشت. مخصوصاً مطالعه و همچنین مساله آموزش کشاورزی بعنوان یك علم وجود نداشت.

«نامه کشاورزی» که اولین شماره آن در دهم مهرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی انتشار یافت مینویسد «...در سال ۱۹۱۰ میلادی مرحوم، «شریکر» از طرف آقای علاء وزیر فوائد عامه ماموریت یافت دبستان «برزگران» کرج را که پایه دانشکده کشاورزی امروز است تأسیس نماید

**از: شهرزاد**

### اولین قدم

در سال ۱۲۹٦ بود که اداره کل فلاحت و تجارت تاسیس شد. مجله فلاحت و تجارت در آن تاریخ نوشت:

«... نظر به اهمیت بسط امور فلاحتی و تجارتی در مملکت، هیئت وزیران برحسب پیشنهاد وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه«تاسیس یك اداره کل فلاحت و تجارت» را در این وزارتخانه مخصوصاً تاکید فرمودند، که در ترقی و پیشرفت این دو رشته مهم زندگانی ملی مراقبت کامل بعمل آید...»

در سال ۲٤٨٩ شاهنشاهی وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه بدو وزارتخانه تقسیم شد. یکی وزارت اقتصاد ملی و دیگری وزارت راه.

در شهریور ماه ۲٤٩٠ شاهنشاهی وزارت اقتصاد ملی به ادار کل فلاحت، اداره کل صناعت و اداره کل تجارت تعسیم شد و در سال ۲٤٩١ از دو اداره کل فلاحت و صناعت یك اداره کل بنام اداره کل صناعت و فلاحت بوجود آمد، که باز بعد از سه سال از هم جدا شد و مجدداً اداره کل فلاحت و «اداره کل صناعت» هر یك جداگانه تاسیس گردید و پس از چندی نام اداره کل فلاحت به اداره کل کشاورزی تغییر نمود تا این که در ۳۰ شهریور ماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی با نام وزارت کشاورزی شروع بکار کرد.

### اولین نمایشگاه کشاورزی

تا قبل از استدعای میرزامهدیقلی خان هدایت وزیر فوائد عامه و تجارت و صدور فرمان رضاشاه‌کبیر از «کشاورزان»، نمایشگاهی که بمنظور نشان دادن مراتب ترقی و توسعه امور اقتصادی و یا صنعتی و یا هنری در ایران باشد وجود نداشت ، و اصولا هیچ کس نیز در فکر برگزاری چنین اجتماعات و نمایشگاههائی نبود

در کابینه‌ی مرحوم‌میرزاحسن‌خان مستوفی (مستوفی‌الممالك) وزارت فوائد عامه و تجارت شامل ادارات مستقل چندی بود که یکی از آنها وزارت کشاورزی و منابع طبیعی فعلی بود که در آن کابینه«اداره فلاحت» نام داشت وزیر نظر وزیر فوائد عامه اداره میشد که در آن کابینه مخبرالسلطنه هدایت وزیر آن بود و چون این اداره براستی پیشرفتهائی در کار خود نشان داده بود، با موافقت رئیس‌الوزراء در جریان شرفیابی هیات وزرا به پیشگاه همایونی در مرداد ماه ۱۳۰۵ شمسی مرحوم مخبرالسلطنه از حضور شاهنشاه استدعا نمود که اجازه دهند یك نمایشگاه برای نشان دادن پیشرفتهائی که در امر فلاحت شده است، ترتیب یابد و شاهنشاه نیز مقرر فرمودند «مانعی ندارد، مشغول کار شوید»

بعد از سه ماه فعالیت روز چهارم آبان ماه ۲٤٨٥ شاهنشاهی طی مراسمی رضاشاه‌کبیر اولین نمایشگاه کشاورزی ایران را در تکیه دولت افتتاح نمودند. هیات مدیره این نمایشگاه از جمعی تجار و شخصیتهای بنام اقتصادی آنزمان تشکیل شده بود که ریاست آنرا ...ح میرزایحیی‌دولت‌آبادی داشت. جالب آن که روسها نیز در قسمتی از این نمایشگاه غرفه دایر کرده بودند که مورد بازدید اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر قرار گرفت. این نمایشگاه مدت ۲٤ روز برقرار بود.

### رؤسای اداره کل فلاحت:

علی‌اکبر حکیمی- سیدمهدی فرخ- مرتضی قلی‌بیات- احمد حسین‌عدل- سلطان حسین‌میرزا رخشانی- سرتیپ‌مهدی‌قلی تاجبخش- مصطفی قلی‌رام.

### وزرای کشاورزی از دیروز تا امروز:

علی‌اکبر حکیمی- احمدحسین عدل- احمد اعتبار- نوری اسفندیاری- محمود فاتح- دکترآزموده- مرتضی قلی‌بیات- نصراله خلعتبری- دکترمحمد نخعی- احمدحسین عدل- شمس‌الدین امیرعلائی- باقر شاهرودی- جواد بوشهری- دکترفخرالدین شادمان- احمد مقبلی- اسداله علم- مهندس‌ابراهیم مهدوی- ضیاء فرهمند- مهندس‌طالقانی- احمدحسین عدل- ناصری- سرتیپ اخوی- دکترحسن ارسنجانی- سپهبدریاحی- دکترحسن زاهدی- دکترایرج وحیدی- مهندس منصور روحانی

باابن وسایل ابتدائی کشاورزان ما دانه میکاشتند و دانه برمیداشتند.

خوشه‌های زرینت هرسال پربارتر باد

### آموزش کشاورزی در گذشته و حال

آموزش در رشته‌های گوناگون کشاورزی که امروز در سراسر ایران وجود دارد، در گذشته وجود نداشت. اولین مدرسه آموزش کشاورزی در زمان مظفرالدین‌شاه بنام«مدرسه فلاحت مظفری» شروع بکار کرد. در این مدرسه کسانی که شوق و ذوق کشاورزی داشتند، درس باغبانی و کشاورزی میخواندند و بعد از اتمام درس دولت هیچ تعهدی در برابر آنان نداشت.

این مدرسه با وجود بودنش چندان دوامی نکرد، زیرا بعد از مرگ مظفرالدین‌شاه یکی از واحدهائی که بدست «محمدعلی‌شاه» منحل شد، همین مدرسه فلاحت بود. در این باره محمدعلی‌شاه گفته بود.

«... بیل زدن و کود دادن و بدنبال خر و گاو رفتن که مدرسه نمیخواهد، درش را تخته کنید.»

و بدینسان اولین مدرسه کشاورزی ایران تعطیل شد... تا این که «مدرسه برزگران» بوجود آمد. این مدرسه را همانطور که اشاره رفت یك متخصص آلمانی بنام «هانس‌شریکر» که تبعه‌ی ایران شده بود، اداره میکرد و اولین بودجه آن «شش‌هزار و چهل و شش تومان» بود. تا این که بفرمان سردارسپه، بزرگ سردار تاریخ ایران زمین، در پارك امین‌الدوله یك مدرسه‌ی متوسطه کشاورزی ایجاد شد که دانش‌آموزان آن دیپلم کشاورزی میگرفتند،پس از چند سال در کرج «مدرسه عالی فلاحت» تشکیل گردید.

در آذرماه سال ۲٤٨٩ شاهنشاهی «مدرسه عالی فلاحت» در پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر افتتاح شد... این مدرسه بینهایت مورد توجه شاهنشاه بود و از هر فرصت که استفاده مینمودند

## کشاورزانی که در گذشته باخیش اجدادی شخم میزدند
## و به روش پدرانشان دانه میکاشتند امروز با آشنائی به فنون
## جدید کشاورزی بطریق مکانیزاسیون میکارند

# بع طبیعی

مهندس منصور روحانی وزیر کشاورزی و منابع طبیعی

به بازدید از آن میپرداختند. در یکی از بازدیدها به تنی چند از محصلین فرمودند.

«.... مملکت وسیع و خاك حاصلخیزی داریم، اما آدم نداریم..... شماها که اینجا درس میخوانید باید بروید و برای کاشتن اینهمه زمین که میتواند نصف آسیا را خوراك بدهد آدم درست کنید.»

«مدرسه عالی فلاحت» در سال ۲۴۹۹ بنام «دانشکده کشاورزی» خوانده شد و به دانشگاه

علی اکبر حکیمی اولین رئیس اداره کل فلاحت

تهران پیوست.

### نیروی انسانی مورد نیاز دربرنامه‌های توسعه کشاورزی

شواهد امر گویای روشن این حقیقت است که

تلاش پیگیر در راه حفظ نباتات

پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، یکی از اصول انقلاب شاه و ملت، تحول عظیمی در امر کشاورزی مملکت از نظر کمی و کیفی صورت گرفته و اجرای طرحهای وسیع افزایش تولید در واحد سطح و ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت کشاورزی ایران را دگرگون نمود و حدود ٦٠ در صد از مردم کشور ما که در گذشته به کشاورزی سنتی اشتغال داشتند و با خیش اجدادی شخم میزدند و بروش نیاکان خود دانه میکاشتند، امروز با آشنائی با فنون جدید کشاورزی، روش‌های سنتی را کنار گذاشته و بروش نوین کشاورزی بطریق مکانیزاسیون روی آورده‌اند.

قبل از تاسیس مدارس کشاورزی، راهنمائی و ارشاد کشاورزان را تعداد محدودی مهندس و کارشناس کشاورزی شاغل در وزارت کشاورزی آنروز عهده‌دار بودند و کارشان از نظر کمبود کارشناس و کثرت روستاهای مملکت و عدم امکانات سرکشی مداوم به روستاها، آنطور که باید و شاید نتیجه بخش نبود و از طرفی مهندسین و کارشناسان کشاورزی که بیشتر در مسائل علمی و نظری صاحب اندیشه بودند، تجربه و مهارت عملی کافی نداشتند تا بتوانند تکنیك و روشهای نوین کشاورزی را عملاً در سطح روستاها پیاده نموده و کشاورزان سنتی را کمك و راهنمائی نمایند.

### توسعه مراکز آموزش کشاورزی

در بررسی نیروی انسانی مورد نیاز برنامه‌های کشاورزی مملکت در سطح تکنیسین کشاورزی تعداد تکنیسین مورد نیاز در برنامه پنجم به سی هزار نفر بالغ گردید. هم اکنون مراکز آموزش دهگانه وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، با تلاش پی‌گیری آموزش کشاورزی میدهند. این مراکز عبارتند از:

«... مرکز آموزش کشاورزی کرمان- مرکز آموزش کشاورزی علی‌اباد کمین (فارس)- مرکز آموزش کشاورزی سعیداباد «تبریز»- مرکز آموزش کشاورزی بروجرد- مرکز آموزش کشاورزی کرمانشاه- مرکز آموزش کشاورزی بهبور- مرکز آموزش کشاورزی مشهد- مرکز آموزش کشاورزی اصفهان- مرکز آموزش کشاورزی مهاباد- مرکز آموزش کشاورزی شهسوار

### مقایسه ارقام

انقلاب ارضی ایران و لغو فئودالیسم نه تنها

لطفاً ورق بزنید

کارنامه پنجاه سال افتخار

# در گذشته تمام بودجه دفع آفات دوهزار تومان بود و هم اکنون در حدود

فعالیت گسترده جهت حفظ بهداشت دام

بنیان کشاورزی نوین ایران شد، بلکه بعنوان تکیه‌گاه و ضمانت اجرائی تحولات اقتصادی و جتماعی ایران نوین تجلی کرد و تاریخ ایران شاهد رسالت انجام بزرگترین تحول اجتماعی و اقتصادی کشور شد که مسیر حرکت جامعه ایران را تعبیر داد.

روزگاری بود که کلیه بودجه دفع آفات نباتی ایران در حدود سالی دو هزار تومان بود که بوسیله داره مالیه تهران و مالیه دماوند در دهات «اب سرد» صرف میشد. این رقم در سال ۲۵۲۰ به ۸۰۰۰۰۰۰ ریال رسید و در سال جاری به ۲۰۵/۳۹۲/۰۰۰ ریال افزایش یافته. و بناهای مربوط به قسمت بررسی آفات نباتی نیز که در مرکز و شهرستانها از یکهزار متر تجاوز نمیکرد، در حال حاضر به ۶۰/۰۰۰ متر رسیده است.

کادر تحقیقاتی کشاورزی که از ده نفر تجاوز نمی‌نمود، امروزه بالغ ۱۸۰ نفر است و حاصل تحقیقات و اقداماتی که در جهت توسعه کشاورزی انجام گرفته، کاملاً روشن و چشمگیر است.

صنایع روستائی و فعالیتهای غیر کشاورزی بدنبال اصلاحات ارضی که اولین گام در راه دگرگون کردن چهره اقتصادی و اجتماعی روستاهای کشور بود، مورد توجه قرار گرفت و عمران و نوسازی روستاها و استقرار صنایع در روستاها بطور گسترده‌یی انجام شد.

در پی این اقدامات برای همگام ساختن روستاها با تحولات صنعتی کشور واحد صنایع روستائی و فعالیتهای غیر کشاورزی نیز ایجاد شد و با ایجاد این واحدها، صنعتی کردن روستاها در دو جهت، صنایع روستائی و صنایع سنتی انجام پدیرفت و از جمله طرح‌ها، طرح صنعتی کردن خرمای کشور بود که در حال حاضر ۱۳۶۷ کیلو مترمربع را در سراسر جنوب کشور زیر کشت دارد و سالانه حدود ۳۲۰ تن خرما محصول می‌دهد. در حال حاضر مجتمع صنایع خرما در «بمپور»، در میناب و در برازجان فعالیت دارند.

کارخانجات پنبه پاک‌کنی، در استان‌های مازندران- استان مرکزی- لرستان- کارخانه تولید پوشاك با ظرفیت یك میلیون دست لباس در سال و ایجاد ۲۸ واحد تولید آجر ساختمان یك میلیون قالب در سال- احداث چهار واحد کارخانجات یخ‌سازی در کرمان- بمپور- سیستان و بلوچستان- قیرفارس با ظرفیت ۱۵ هزار تن یخ در روز- ایجاد کارخانجات مواد غذائی احداث کارخانجات پشم‌شوئی، از جمله اقداماتی است که در جهت اجرای برنامه استقرار صنایع در روستاهای کشور انجام گرفته است.

## صنایع دستی در روستاها

در زمینه توسعه صنایع دستی و حرفه‌های گوناگون از طریق آموزش روستائیان نیز اقدامات وسیعی صورت گرفته و تاکنون در رشته قالیبافی ۲۰۱۵۰ نفر، در رشته خیاطی ٤٦٣٥ نفر در نساجی و ابریشم بافی ٥٤٦ نفر در صنعت شیشه و سرامیك ۲٦۰ نفر، در رشته قلمکاری ۲۰۵ و در حصیر بافی ۳۵ نفر و در رشته‌های دیگر جمعاً قریب سه هزار نفر آموزش دیده‌اند.

## جهش درخشان

براساس اطلاعات و ارقام موجود، میزان تولید گندم در آغاز سلطنت رضا شاه کبیر حدود ۱/۱ میلیون تن بوده است و در آخر سلطنت رضا شاه کبیر به ۱/٤ میلیون تن رسیده است.

افزایش تولید گندم همچنان بواسطه نیروئی که در زمان رضا شاه کبیر در آن دمیده شده بود و نیز توجهات مداوم شاهنشاه آریامهر تا سال ۲۵۲۱ که سال انقلاب شاه و ملت است ادامه داشت، بطوری که در این سال میزان تولید گندم به ۲/۷۵ میلیون تن رسید و از آن زمان سیر صعودی تولید گندم با سرعت بیشتری ادامه داشت. و به دو برابر یعنی ٥/٥ میلیون تن در سال گذشته رسید و پیش‌بینی میشود، در سال جاری به بیش از ٦ میلیون تن برسد. کاربرد کودهای شیمیائی، وسایل کشت مکانیکی و سایر نهاده‌های کشاورزی نوین باعث بالا رفتن بازده محصول در واحد سطح گردیده است. بطوری که در سال ۲۵۱۹ متوسط عملکرد گندم آبی و دیمی در کشور حدود ۷۲۹ کیلوگرم در هکتار بوده است که در سال گذشته به ۹۲۱ کیلو گرم در هکتار رسیده است و پیش‌بینی میشود در سال جاری به حدود ۱۰۰۰ کیلوگرم در هکتار برسد.

همزمان با بالا رفتن بازده سطح زیر کشت

# سیصد میلیون ریال است

نمونه‌ای از وسایل مجهز کشاورزی امروز

گندم نیز که در سال ۲۵۱۹ حدود ٤ میلیون هکتار بوده به حدود ٦ میلیون هکتار در سال گذشته افزایش نشان داده، و بعبارت دیگرطی پانزده سال حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است.

اماری که از تولید برنج از ابتدای سلطنت رضاشاه‌کبیر در دست است نشان میدهد که ۲۷۰ هزارتن برنج تولید کل انزمان بود که این رقم در پایان سلطنت ان اعلیحضرت به ۳۵۰ هزار تن افزایش یافت. از دوران سلطنت رضاشاه‌کبیر تا شروع انقلاب شاه و ملت نیز افزایش تولید برنج در اثر آگاهی و علاقمندی کشاورزان به تولید این محصول متوقف نگردید و در سال ۲۵۲۱ سال شروع انقلاب شاه و ملت به ٥٦٦ هزارتن رسید ولی بعد از انقلاب شاه و ملت آنچنان سرعت تولید بالا رفت که در سال گذشته به ١٤٣٠ هزارتن رسید، یعنی یك برابرونیم بیش از سال انقلاب. سطح زیرکشت برنج در سال ۲۵۱۹ حدود ۳۲۹ هزار هکتار بود که در سال گذشته به ۳۳۸ هزار هکتار بالغ گردیده و طی همین مدت تولید برنج از ۷۰۹ هزارتن به ۹۳۷ هزار تن افزایش یافته است

بارده محصول در واحد سطح در سال گذشته از مرز ۳۰۰۰ کیلو در هکتار نیز فراتر رفته و به ۳٫۱۰۲ کیلوگرم در هکتار رسیده است. بطور کلی طی پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی میزان تولید برنج در حدود ۵ و نیم برابر شده است.

## جو

میزان تولید جو که در سال ۱۳۰٤ حدود ٥٨٠ هزارتن بوده است در سال ۱۳۵۳ به ٨٦٣ هزارتن افزایش می‌یابد. تولید جو بتدریج تا حدود سالهای ۱۳۳۷ روبه افزایش بوده است ولی دراین سالها بعلت جانشینی ماشین با درشکه موجب گردیده که یکباره تعداد زیادی شاید حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار اسب از حالت فعال و مصرف‌کننده جو خارج شوند و تولید جو به تدریج روبه کاهش رفته است ولی در حدود سالهای ١٣٤٥ به بعد بعلت افزایش تعداد دامداریها و مرغداریهای صنعتی اطراف شهرها تا حدودی به میزان تولید افزوده شده است

## کارخانه پنبه پاك‌کنی

راجع به اولین کارخانه پنبه پاك‌کنی اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی در سال ۱۲۷۹ کارخانه‌ای در شهر بابل تاسیس گردید و بعد از ان جین‌هائی از روسیه وارد گردید تا این که در سال ۱۳۲۱ ماشین الات پنبه پاك‌کنی به فرم امروزی خریداری گردید

میزان تولید پنبه وش که در سال ۱۳۰۰ حدود ۱۵ هزارتن بوده است به تدریج تا ۱۳۲۰ روبه افزایش نهاده و به رقم ۲۳ هزارتن بالغ شده ولی بعد از سال ۱۳۲۱ به علت پیشامد جنگ جهانی و صدماتی که به کلیه شئون اقتصاد کشور وارد امد به تدریج سیر نزولی را طی نموده، تا در سال ۱۳۲۵ که مجدداً شروع به افزایش نموده است و در سال ۱۳۵۳ به رقم ۷۱۹ هزارتن وش و یا بیش از ۲۳۰ هزارتن محلوج بالغ شده است یعنی دراین فاصله میزان تولید وش ٤٨٠٠ درصد افزایش یافته است.

## کارخانه قند

با آغاز بهره‌برداری از اولین کارخانه قند بنابه همت اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سال ۱۳۱۰ صنایع غذایی کشور پایه‌ریزی شد. سطح کشت چغندر قند که در سال ۱۳۱۱ معادل ۲٤٥۰ هکتار بوده است در سال ۱۳۵۳ به رقم ۱۷۵ هزار هکتار بالغ شده است میزان تولید چغندر قند که درسال ۱۳۱۱ بالغ بر ۱۹۰۰۰ تن بوده است در سال ۱۳۵۳ به ٤٣۰۰ هزارتن رسیده است. قبل از شهریور ۱۳۲۰ تعداد ۸ کارخانه قند با محصولی حدود ۳۵ هزارتن شکر درسال وجود داشت که مصرف سرانه‌ای حدود ۲/۵ کیلوگرم را نشان میدهد. توسعه این صنعت بیشتر در بیست سال گذشته و تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر انجام گرفت بطوری که طی چهار برنامه عمرانی ٢٤ کارخانه قند از چغندر قند تاسیس گردید همچنین یك کارخانه تولید شکر از نیشکر در خوزستان تاسیس و از سال ١٣٤٠ بهره‌برداری از ان اغاز گردید. درحال حاضر ۳۲ کارخانه قند از چغندر قند یك واحد نیشکر و سه واحد تصفیه خانه وجود دارد مجموع تولید شکر داخلی در سال ۱۳۵۳ حدود ٦٣٥ هزارتن بوده است که نسبت به سال ۱۳۲۰ بیش از ١٤٠٠ درصد افزایش یافته است. میزان مصرف سرانه قند و شکر که در سال ١٣١٦ حدود ۷ کیلو بوده است در سال ۱۳۲۰ به ۲/۵ کیلو کاهش یافته ولی مجدداً روبه افزایش رفته تا در سال ۱۳۵۳ به رقم ٢٦ کیلو رسیده است.

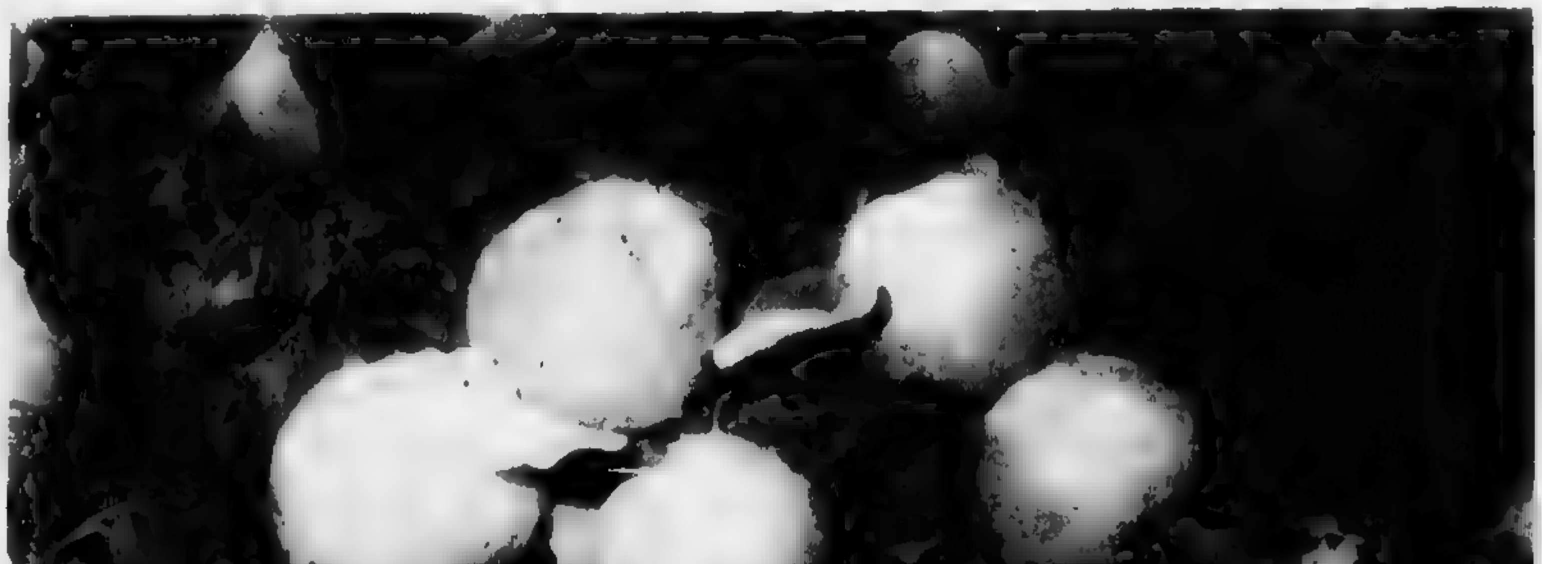

## دام

تخمین تعداد کشتار گوسفند و گاو و بز در سال ۱۳۰۹ مصرف گوشت را در سال ۱۳۰۹ معادل ۱۲/۵ هزارتن و مصرف یك کیلو گرم را نشان میدهد در حالی که میزان تولید گوشت قرمز در سال ۱۳۵۳ حدود ٤٣٢ هزارتن و مصرف به رقم ٤٥٦ هزارتن و مصرف سرانه به حدود ١٤ کیلو رسیده است.

از بدو تاسیس بنگاه توسعه و ترویج ماشین‌های کشاورزی تا اخر سال ۱۳۵۲ تعداد ٤٧٦٠ نفر راننده تراکتور و مکانیسین تربیت و به تعمیرگاهها معرفی شدند و تا نیمه اول سال ١٣٤٥ تعداد ۸۰۰۰ تراکتور و حدود ۱ هزار کمباین در اختیار کشاورزان قرار گرفت و از نیمه دوم سال ١٣٤٥ تعداد ۲۵ هزار تراکتور و ادوات مربوطه به کشاورزان فروخته شده است

عملیات سلکسیون و اصلاح بذر غله از سال ۱۳۰۹ به امر اعلیحضرت رضاشاه کبیر در مدرسه عالی فلاحت شروع شد. همچنین در مورد سایر محصولات نیز اصلاح بذر و نهال دراین دوره عمل شده است که بذکر جداگانه آنها اقدام نمیشود فقط بطور کلی به استحضار میرساند که در فاصله سالهای ١٣٤٠ تا ۱۳۵۲ حدود ٢٤٠ میلیون کیلو بذر گندم، حدود ٥٦ میلیون کیلو بذر پنبه حدود ۵ میلیون کیلو بذر برنج و حدود ۵ میلیون کیلو بذر چغندر قند تهیه و توزیع شده است

لطفاً ورق بزنید

# ...مملکت وسیع و خاک حاصلخیزی داریم، اما آدم نداریم... شما‌ها که اینجا درس میخوانید باید بروید و برای کاشتن اینهمه زمین که میتواند نصف آسیا را خوراک بدهد آدم درست کنید

آبرسانی بطریقه امروز

ارقام فوق نمایانگر اقدامات وسیعی است که دراین زمینه انجام شده است.

**کارخانه سم‌سازی**

در سال ۱۳۰۹ به فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر کارخانه سم‌سازی کرج تاسیس و با وسایل ابتدائی سموم دفع افات نباتی را تولید نمود که درحال حاضر یك سوم سموم مصرفی کشور را عرضه میکند

تولید و مصرف کود شیمیائی در ایران از سال ۱۳۲۵ شروع شد و قبل از ان کمتر کسی به تولید و مصرف ان اشنا بود تولید کود که در سال ۱۳۲۵ فقط ۱۲ تن بوده است، در سال ۱۳۵۳ مصرفی معادل ٦١٥ هزارتن داشته است و بزرگترین مصرف کود شیمیائی به ترتیب در طرحهای افزایش تولید ۵۲ درصد- کارخانجات قند ١٤ درصد- شرکتهای تعاونی و سهامی زراعی ۱۲/۷ درصد- زارعین ۱۹ درصد بوده است

همچنین در دوران ۵۰ ساله شاهنشاهی پهلوی تحولات عظیمی در امر ایجاد دستگاههای اصلاح نژاد دام و تحقیقات دامپروری، مرغ‌گیری و ورود گاوهای اصیل و پرورش گوسفند، وارد نمودن و توزیع خروس اصیل وارد نمودن ماشین جوجه‌کشی و تخم‌مرغ جوجه‌کشی بوجود مد بطوری که مصرف مرغ که در سال ۱۳۱۸ حدود ۵ تن بود در سال ۱۳۵۳ به ۱۰۰ هزارتن و ۳ کیلوگرم رسیده است.

## سایر تاسیسات وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی

### مؤسسه خاکشناسی وحاصلخیزی

شناسائی منابع اراضی وخاکهای کشور وتعیین روشهای صحیح استفاده از این منابع برای تولید حداکثر محصول در واحد سطح به عهده این موسسه می‌باشد.

### موسسه اصلاح وتهیه نهال وبذر

عملیات اصلاح بذر در کشور ما بموازات تاسیس اولین سازمان کشاورزی، یعنی اداره فلاحت شروع شد وهر قدر بر فعالیت سایر دستگاههای وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی افزوده شد، فعالیت بررسی درباره‌ی به نژادی وبه زراعی برمبنای نیازمندی کشاورزان توسعه یافته.

### مؤسسه بررسی آفات وبیماریهای گیاهی

بررسی آفات وبیماری‌های گیاهی وپیدا کردن بهترین وبا صرفه‌ترین روشهای مبارزه با آنها وهمچنین تقلیل خسارت ناشی از آفات وبیماریها از وظایف مهم این مؤسسه می‌باشد.

### بنگاه اصلاح وتهیه بذر چغندر

تامین نیازمندیهای تمام کارخانه‌های قند کشور از نظر تهیه بذر ومرغوبیت واصلاح آن از هدفهای مهم این بنگاه است

### مؤسسه واکسن وسرمسازی رازی

وظیفه اصلی این مؤسسه تولید واکسنها- سرمها وداروهای ضد انگلی برای مصرف انسان ودام وهمچنین تشخیص بیماریهای دام وطیور وانجام کارهای مطالعاتی وتحقیقاتی وعمرانی است.

### سازمان ترویج کشاورزی

این سازمان عهده‌دار راهنمائی زارعان در سطح روستاها وآشنا کردن آنان به فنون کشاورزی نوین است. درحال حاضر کادر فنی این سازمان که با تشکیل سپاه ترویج وآبادانی از امکانات بیشتری برخوردار است. در سطوح مختلف کشاورزی ایران اقدامات چشمگیری دارد.

### سازمان حفظ نباتات

سازمان حفظ نباتات وظیفه دارد با اقدامات وکوششهای همه جانبه‌ای با آفات وبیماری‌های گیاهی مبارزه کند ومحصول را از خسارات دائمی افات حفظ کند هدف از این کوشش‌ها افزایش تولیدات کشاورزی وبهبود بنیه اقتصادی کشور است.

### سازمان دامپزشکی کشور

این سازمان با فعالیتهای گسترده‌اش برای حفظ بهداشت دامهای اهلی وطیور، از طریق پیشگیری ومبارزه با بیماریهای میکربی و ویروسی وانگلی قدمهای بسیار مثبتی برداشته وبا فعالیتهای پی گیر از تلفات وخسارات ناشی از بیماریهای دامی جلوگیری بعمل اورده ودر نتیجه کمك مؤثری به افزایش سطح تولید فراورده‌های دامی مخصوصا گوشت وشیر کشور شده است

### سازمان دامپروری کل کشور

اطلاع نژاد دام، طیور وتوسعه فعالیتهای زنبور داری وتشویق سرمایه گذاران بخش خصوصی شرکت در اجرای طرحهای دامپروری وهمچنین تحقیق وبررسی در زمینه‌های مختلف ودر نتیجه توصیه نتایج مثبت بررسیها بدستگاههای اجرائی وبخش خصوصی بمنظور بهره‌برداری صحیح از دام وافزایش محصول شیر، گوشت وسایر فرآورده‌های دامی کشور از هدفهای اساسی سازمان دامپروری کل کشور است.

### بنگاه شیمیائی

تدارك وتوزیع کودهای شیمیائی مورد مصرف در طرحهای مختلف افزایش تولید محصولات کشاورزی وهمچنین تهیه و وارد کردن وخرید وفروش انواع سموم مختلف مواد غذائی وگیاهی ودامی وکنترل قسمت سموم در سراسر کشور از وظایف بنگاه شیمیائی است.

### سازمان پنبه ودانه‌های روغنی

سازمان پنبه ودانه‌های روغنی یکی دیگر از واحدهای وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی است.

### بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی

این بنگاه بمنظور مکانیزه کردن کشاورزی در ایران تاسیس یافته است.

### سازمان جنگلها ومراتع کشور

سازمان جنگلها ومراتع کشور بموجب قانون ملی شدن وقانون حفاظت وبهره‌برداری از جنگلها ومراتع وظایف حفظ وحراست منابع گرانبهای جنگلها ومراتع کشور را بعهده دارد.

دیگر از واحدهای وابسته به وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی عبارتند از: سازمان عمران قزوین- سازمان عمران ورامین وگرمسار- سازمان عمران کهکیلویه وپل ذهاب- شرکت سهامی شیلات ایران- سازمان گوشت کشور- صنایع شیر ایران- صندوق توسعه کشاورزی ایران که امید است در آینده گزارشهای کامل وجامعی از یکایك واحدهای نامبرده منتشر نمائیم.

# ۲۸ نفر کارگر، اولین شرکت تعاونی را بوجود آوردند

از: حسین سالکی

تعاون بکوششها و تلاشهای روزانه انسان معنی و مفهوم میبخشد.

مکتب تعاونی معارف ویژه‌ای بجامعه کارگری عرضه کرده که در فرهنگ نامه رنابسیاری لغات و عبارات معنائی انسانی یافتند. در مکتب تعاونی کارگر تنها عامل تولید بشمار نمیرود. تعاون بکارگران می‌آموزد که خود را بهتر بشناسند. کارگران در مکتب تعاون دریافتند که در پهنه اقتصاد مملکت نه تنها تولید کالاهای مصرفی را بعهده دارند، بلکه خود مصرف کننده عمده همان فرآوردهها هستند که بدست خود تولید کرده‌اند. بر اثر درك همین دو مطلب بود که کارگران عصر انقلاب صنعتی، نهضت تعاونی را بعنوان حلال کلیه مشکلات معیشتی خویش برگزیدند. در آن زمان صاحبان منافع، طبقه کارگر را بدو صورت مورد بهره‌کشی قرار میدادند. باین معنی که مزد کم و شرایط غیر انسانی کار را بر آنها تحمیل کرده و بعنوان مصرف کننده، کالای خود را با بهائی گزاف با آنها میفروختند.

کارگران پس از سالها مطالعه و بررسی دریافتند که تدوین و تصویب قوانین پیشرفته کار به تنهائی نتوانسته آنگونه که ایدهآل است آنان را از قید سودجوئی‌های عرضه کندگان کالاها، آزاد سازد. از این رو تصمیم گرفتند بنحوی بر تولید و عرضه کالاهای مصرفی کنترل و نظارت داشته باشند. نباید فراموش کرد که شرایط هنوز مانع از این میشد که کارگران بتوانند در کیفیت و قیمت گذاری کالاهای مصرفی که بدست خودشان تولید میگردید، دخالتی داشته باشند. اما این باعث نگردید که موانع را از پیش پای بردارند. کارگران هر واحد اقتصادی بخوبی میدانستند که کالاهای مصرفی تنوع زیادی دارد و همه آنها بدست آنها تولید نمیگردد. از سوی دیگر، انواع و اقسام محصولات کشاورزی نیز ببازار عرضه می‌شود که در کاشت و برداشت و فروش آن، آنها هم دخالتی ندارند.

آنچه از دست آنان بر می‌آمد و با درایت و واقع بینی به انجامش توفیق یافتند، این بود که امر توزیع آن قسمت از مواد مصرفی را که مورد احتیاج خودشان بود، بدست خویش گرفته، نگذارند دست واسطه‌ها در این کار دخالت کند، زیرا اگر جز این عمل میشد، آنها از سه طرف زیان میدیدند. در آن زمان مزد واقعی بکارگران پرداخت نمیشد، کارفرمایان برای این کار دلائلی می‌آوردند، مانند عرضه و تقاضای کار، هزینه‌های تولید، رکود یا کسادی بازار از دادن دستمزد کافی بکارگران سرباز میزدند ثانیاً از راه کم کردن کمیت و کیفیت جنس و اضافه کردن بر قیمت آن، مقداری از همان مزد ناچیز را هم که میدادند، من غیر مستقیم پس میگرفتند. و ثالثاً توزیع همان اجناس توسط بخش توزیع انتفاعی خود بخود بر قیمت آن اجناس می‌افزود که اگر همه آنها را باهم جمع و از دستمزد دریافتی کم میکردند، طبیعی است که کارگر مصرف کننده، در آخر کار یك چیزی هم بدهکار و مقروض میشد.

## کار توزیع

کارگران سرانجام باین نتیجه رسیدند که بعنوان یك نیروی عظیم مصرف کننده، باید کار توزیع را در اختیار خود بگیرند تا اقتصاد مصرفی در مسیری که حقوق و منافع آنها را حفظ کند، هدایت شود و باین ترتیب آنها دو راه در پیش داشتند که ناگزیر میبایست هر دوی آنرا طی کنند. منتهی هر کدام از آن دو راه باید در زمان و شرایط مناسبی میشد و خود آنها نیز میبایست * امط مذکور را بوجود می‌آوردند. باین ترتیب آنها میبایست در یك جبهه جلوی گرانی محصولات کشاورزی را که توسط واسطه‌ها بطور یکجا خریداری میشد و با احتکار و ایجاد بازار سیاه و نظایر اینگونه اعمال نادرست و خلاف اخلاق تجارتی بدست مصرف کننده‌های شهری میرسید - بگیرند و از سوی دیگر مراقب باشند مواد مصرفی که در کارخانجات بوسیله خودشان تولید میشد مانند پارچه، البسه، کفش و سایر اجناس ضروری به قیمتهای غیر عادلانه فروخته نشود.

## نیاز به سرمایه

تسلط بر چنان جریان اقتصادی، محتاج بسرمایه‌های کلانی بود که آنها بتوانند مزرعه‌های وسیع و پهناور را خریداری کرده، مواد غذائی خود را در آن مزارع کشت و برداشت کنند. همچنین سرمایه هنگفتی لازم بود که صرف خرید کارخانجات متعدد سازند تا تولیدات در بست در اختیار کارگران مصرف کننده قرار گیرد و سرانجام بدینوسیله امکان یابند میان تولید و مصرف پلی برقرار سازند و در نهایت، زمام زندگی معیشتی خود را بدست خویش گرفته و اداره کنند.

اگر این موضوع را طی امروز با عده‌ای از کارگران در میان نهیم، چه بسا غالباً جنبه‌های منفی قضیه را گرفته و پیش از بررسی کافی در باره جوانب و اطراف امر، از مشکلات کار بهراسند و دنبال آن نروند.

حال به بینیم در یکصد و سی و دو سال قبل عده‌ای از کارگران در مقابل مشکلات و دشواریهای آنزمان که در مقایسه با مسایل امروزی بمراتب سخت‌تر بود چه واکنشی از خود بروز دادند. آن مردان با شهامت و با تصمیم و اراده میدانستند که برای بهبود زندگی جز تعاون و همکاری خودشان راه دیگری وجود ندارد و از همین رو پشت بهمه دشواریها راه همکاری را در پیش گرفتند. آنان بجای آنکه از موانع و مشکلات ترس بدل راه دهند، برعکس برای از میان برداشتن هر مانعی، وسیله آنرا فراهم آوردند. بی‌پولی و نداشتن سرمایه یکی از اساسی‌ترین موانع دست زدن بکارهای اقتصادی مثل تولید، خرید و فروش و دادوستد است. اما پیش از آنکه پول بوجود آید و خرید و فروش صورت گیرد، اول خدا بود و بعد آدم خلق شد. پس همه این چیزها چه بد یا خوب، سهل یا دشوار بعد از آدمیزاد بوجود آمد.

پس پول و سرمایه اختراع آدم است و بود و نبود آنهم بدست آدمی است و بس. منتها برای فراهم آوردن سرمایه باید دید چه میشود کرد. باید قبول کنیم وجود آدم و انسان مساوی است با همه سرمایه‌ها، چون همانطور که گفتیم، سرمایه مخلوق آدم است. پس اگر این اصل را قبول کردیم، بقیه کارها به تدریج درست میشود و نواقص بر طرف خواهد شد.

## کلید حل مشکلات

پیشروان تعاونی مورد بحث ما چنانکه گفتیم کارگر بودند. کارگرانی که بر فکر زمان خود و زمانهای آینده اثر گذاشته‌اند.

**کارگرانی که در ۱۳۲ سال پیش توانستند بانهضت فکری خود پایه یك شرکت تعاونی کوچك و کم‌سرمایه را بریزند درواقع کلید حل مشکلات بزرگی را که پایه‌های اقتصادی و اجتماعی داشته است بجامعه آنروزی و امروزی عرضه نمودند. قرنها است که دانشمندان بزرگی کوشیدند اساس و اصول صحیحی را برای معاش و اقتصاد کشورها معرفی کنند، تابلکه برای همیشه هرج‌ومرج اقتصادی که عبارت از تقلب- گرانفروشی- کم‌فروشی - بدفروشی- احتکار- سوداگری- تولید ناکافی- مصرف ناقص و توزیع ناصحیح باشد بیکباره ازمیان برود، ولی متأسفانه نتوانستند بطور قطع و یقین توفیق پیدا کنند.**

## ۲۸ نفر پیشقراول

پیشروان تعاونی مورد بحث این نوشته را همان انسانهای کارآمد، متفکر و بادانش تشکیل میدادند که علیرغم مشکلات بی‌شمار روز و نداشتن سرمایه بچنان کاربزرگی دست زدند. عده اولیه آنها همانطور که گفته شد ۲۸ نفر بود که با پس‌انداز ناچیزی از دستمزد ناچیز خود پس از مدتی توانستند هرکدام یك لیره نزد شرکت سرمایه‌گذاری کرده و سهم بخرند.

## اعتماد متقابل

آنها از همان ابتدای کار اتکای بخود و اعتماد به همدیگر یا اعتماد متقابل را سرمایه خویش قرار دادند.

درتشکیل شرکت تعاونی که باید هرچه بیشتر درآن سرمایه‌گذاری کرد و هرچه زیادتر سهام آنرا خرید و بدینوسیله به بنیه مالی آن کمك کرد تا شرکت بتواند تعداد بیشتری از کالاهای مورد نیاز اعضاء خود را خریده و در دسترسشان بگذارد، اگر بعلت عدم اطمینان، شك و تردید بخود راه دهیم طبعاً کار آن شرکت نمی‌گیرد و لذا از هدف خود بدور میماند و زندگی اعضاء آن بهمان نحو که هست ادامه پیدا کرده و چه بسا روزبروز بدتر هم میشود.

تردید و عدم اعتماد دراین مورد قبل از هرچیز از این ناشی میشود که اعتقاد ما بعضویت و ثمره کار شرکت تعاونی سست است. از طرز کار آن آگاهی نداریم و از امور مالی و حسابداری و طرز حفظ و نگهداری و ثبت و صدور و ورود کالاها و نحوه خرید و محاسبات آن بی‌خبریم، به آنهائی که بعنوان مصدر امور شرکت انتخاب کرده‌ایم یا منصوب شده‌اند اعتقاد و اعتماد نداریم.

پیشروان تعاونی مورد بحث ما با توجه بهمین امر با اعتماد به خود و رفقای خود شرکت تعاونی را شروع کردند. آنها از راه خودآموزی و آموزش بدوستان خود سطح آگاهی اجتماعی اعضاء را بالا بردند و حس اعتماد به نفس و اعتماد متقابل را تقویت کردند.

## دکه کوچك

شرکت تعاونی مصرف آنها در ابتدا دکه کوچکی با چند قلم کالا از قبیل آرد، شمع و شکر بود و دراین شرایط کار خود را شروع کرد.

سرمایه داران که در بدو امر موضوع را کوچك و ناچیز شمرده بودند اقدام کارگران را بی‌اهمیت دانسته و بدان وقعی نمی‌نهادند. اما همفکری و کاردانی و ایمان اعضاء بشرکت تعاونی‌شان بصورت حقیقتی غیر قابل انکار چشمگیر جلوه کرد. بخش انتفاعی یعنی فروشندگان سودجو، بتدریج احساس کردند که این دکه بظاهر کوچك و محقر روزی آنقدر بزرگ می‌شود که منافع و طمع سیری ناپذیر آنها را به مخاطره خواهد افکند. از این رو مخالفت خود را آغاز کردند و دست به اقداماتی زدند تا شاید چیزی از عزم و اراده کارگران مؤسس شرکت تعاونی کم کنند و یا نظر دیگران را از اقدام منصفانه و عادلانه کارگران عضو شرکت تعاونی برگردانند، لیکن در عمل، مدیران و اعضاء شرکت تعاونی را بیش از پیش مصمم یافتند.

## افزایش طرفداران

بتدریج کارگران و گروههای ستمدیدی از طبقه کم درآمد هر روز بیش از روز پیش پی‌میبردند که برای تقویت قدرت خرید دسترنج خود، راهی جز عضویت در شرکت تعاونی وجود ندارد و از همین رو بصف اعضاء این شرکت پیوسته و خرید خود را توسط آن انجام میدادند.

طبعاً افزوده شدن بر عده طرفداران شرکت تعاونی که در نهایت بعضویت آنها در شرکت منجر میشد، سیلی از سرمایه‌های کوچك را بعنوان خرید سهم یا سهام شرکت بصندوق آن سرازیر میکرد و در نتیجه حجم مبادلات و معاملات شرکت نیز روزبروز فزونی میگرفت و دامنه عملیات آن گسترش می‌یافت و برای طبقه مصرف‌کننده، مخصوصاً کارگران، بصورت کانون امید و خوشبختی در می‌آمد.

## اثرات نهضت

نهضتی تعاونی را که عده معدودی از کارگران شروع کرده و با کیفیتی که شرح داده شد دنبال کرده بودند، دامنه آنچنان وسیعی بخود گرفت که توجه عده زیادی از مردان اجتماعی، حقوقدانان و بشردوستان نامدار عصر را بخود معطوف ساخت و بدینوسیله فصل تازه‌ای در اقتصاد گشوده شد و در حالیکه حقوقدانان و دانشمندان همگی بیاری نهضت بسیج میشدند، محافل علمی چنان تحت تاثیر این کار بزرگ قرار گرفتند که به برخورد عقاید میان آنها منجر گردید. عده‌ای از آنها به جانبداری از مصرف‌کننده و جمعی دیگر به طرفداری از کارگران و تولید کنندگان برخاستند و خلاصه در هر کوی کارگری و در هر کارگاه و کارخانه‌ایکه عده‌ای کارگر بکار تولید مشغول بودند، یك شرکت تعاونی مصرف تاسیس میگردید.

آنها یعنی کارگران، هر چقدر در امر کسب و کار و خرید و فروش و خدمت به کارگران عضو شرکتهای تعاونی کارگری تجارب بیشتری کسب میکردند، لحظه‌ای هم از آموزش تعاونی باعضاء خود غفلت و دریغ نکرده و میدانستند که کار شرکتهای تعاونی کارگری رونق و توسعه پیدا نمیکند، مگر آنکه یکایك کارگران عضو دارای سواد و معلومات تعاونی بیشتری شوند. بهمین جهت، قسمتی از درآمد ناخالص هر سال شرکتهای تعاونی را صرف تاسیس مدرسه و گردآوردن کارگران در سرکلاسهای درس و بحث و گفتگو میکردند و هر یك از کارگران بطور هفتگی در یك گروه آموزشی شرکت میجست و برای رونق هر چه زیادتر شرکت تعاونی مصرف خود با سایر اعضاء به بحث و مذاکره میپرداخت. باین وسیله هر کدام عقیده خود را برای دیگران تعریف میکرد و متقابلاً از فکر و عقیده سایر دوستان خود با خبر میشد. این کار دارای دو نفع فردی و اجتماعی بود، زیرا در عین اینکه سطح دانش و آگاهی فردی کارگران را بالا میبرد، به توسعه جمعی فکر تعاونی در میان سایر مردم نیز کمك میکرد و آرام‌آرام جامعه را متوجه پیشرفت نهضتی میکرد که بنحو مؤثری رو به توسعه بود. اثر اجتماعی اجرای چنان برنامه‌ای این بود که حوزه نفوذ نهضت تعاونی وسعت می‌یافت و بر عده طرفداران آن افزوده میگردید. مردم وساکین دور و نزدیك پس از آگاهی از جریان امر به تشکیل و عضویت در شرکتهای تعاونی راغب شده و نحوه کار آن ۲۸ کارگر خوش فکر را که بانی اولین شرکت تعاونی موفق در جهان بودند الگو قرار داده و سعی میکردند بطریقی با آنها تماس و مراوده برقرار سازند، تا شرکتهای تعاونی خود را نیز با پیروزی و موفقیت اداره کنند.

## آوازه شهرت

دیری نگذشت که آوازه شهرت آن شرکت تعاونی مصرف کارگری بسیاری از کشورهای دور و نزدیك را متوجه خود کرد و کارگران آن ممالك نیز به پیروی از این روش زندگی، گرد شمع وجود شرکتهای تعاونی جمع شدند.

برگزاری آئین بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی،
مقارن با زاد روز علیاحضرت شهبانو، در

# شرکت پخش سیمان کشور

### «آقای رستمیان» مدیر عامل:

★ **شرکت پخش سیمان کشور که امروز افتخار برگزاری این جشن بزرگ و میزبانی از مدعوین گرامی را دارد یکی از پدیده‌های انقلاب شاه و ملت میباشد و در اثر پیشرفتهای اقتصادی مملکت و علاقه عده‌ای بایجاد نظم در امر حمل نقل تشکیل گردیده است.**

### ★ نطق نماینده کارگران

... گردید و در مدت بسیار کوتاهی کشور ... عزت رسانید، بطوریکه کشور ایران در صحنه جهانی یکی از کشورهای مترقی و پیشرفته جهان میباشد

### سخنان مدیرعامل

آقای کاظم جزایری نماینده مردم کرج

گوشه‌ای از مراسم پرشکوه جشن پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار پهلوی

آقای رستمیان مدیرعامل شرکت

آقای میرلوحی

طی یك مراسم ابتکاری و بی نظیر در روز چهارم آبان:

# شرکت «امرسون الکتریک» نمایندگی محصولات سانیو پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را در نمایشگاه بین المللی تهران جشن گرفت

در روز ۲۷ مهرماه چهارمین نمایشگاه بین‌المللی بار دیگر تجلی بخش صنایع و پیشرفتهای صنعتی ایران و ٤٥ کشور دیگر جهان [illegible] این نمایشگاه هم‌اکنون [illegible] چندین هزار بازدیدکننده [illegible] که آخرین [illegible] سپرد.

[illegible] چهارمین نمایشگاه بین‌المللی [illegible] که [illegible] که محصولات [illegible] نمایشگاه [illegible] علاقه و [illegible] محصولات [illegible] که [illegible] «امرسون الکتریک» [illegible] «سانیو» [illegible] فروش محصولات [illegible] و شخصیتهای [illegible] شرکت [illegible] ساعت ٦ بعد از ظهر [illegible] شرکت‌کنندگان [illegible] شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی در غرفه «سانیو» [illegible] تا پاسی از شب ادامه داشت. در آغاز جشن آقای سعید حکیم مدیرعامل شرکت «امرسون الکتریک» به مدعوین خوش‌آمد گفت و اظهار داشت:

## خانمها و آقایان

در زندگی هر ملتی افتخاراتی وجود دارد که فراموش‌شدنی نیست. افتخار ما ایرانیها نیز در این است که در عصر پهلوی در عصری که شکوه و عظمت و افتخار ابدی نصیب ما شده است زندگی میکنیم و این خود تاریخ افتخار آفرینی برای مردم میسازد، تاریخی که نسل آینده نیز به آن مباهات خواهد کرد. در سراسر این عصر [illegible] رهبریهای خردمندانه رهبر بزرگمان هر لحظه آن [illegible] موفقیت و نوآوری است، شما که هم اکنون در چهارمین نمایشگاه بین‌المللی تهران [illegible] که هر روز پیشرفتهای شگرف و جهش همه جانبه ایران را بچشم میبینید و انرا لمس میکنید، بخوبی میدانید که زندگی کردن در این عصر چه نعمت بزرگی است و بهمین جهت به آن ارج می‌نهیم، و در مقابل و پیش چنین نعمت بزرگ [illegible] سر تعظیم فرود می‌آوریم و درود بیکران خودرا به روان اعلیحضرت [illegible] بزرگ بنیانگذار ایران نو و سپاس خویش را به پیشگاه پر تجلیل شاهنشاه آریامهر و دودمان پهلوی تقدیم میداریم.

شرکت [illegible] و پر احساس و عاطفه مردم حقشناس در آیین بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پر برکت دودمان پهلوی بی تردید [illegible] و برکتهائی است که شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و پیش [illegible] معظم له شاهنشاهی [illegible] اعلیحضرت [illegible] کبیر به این مملکت و ملت ارزانی داشته‌اند.

بدیهی است در عصری که ما بخاطر پیروزیهای شگفت‌انگیزی که تحت توجهات پدر تاجدار خود شاهنشاه آریامهر بدست یافته‌ایم به پایکوبی و شادی و دست‌افشانی برخاسته‌ایم شایسته تحسین و تقدیس نسل امروز و نسلهای آینده است، و ما سعادتمند هستیم که بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی و سالروز تولد رهبر عالیقدر خودرا جشن میگیریم که مقارن با دورانی است که ایران [illegible] برای ایرانی و تحت رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر مسیر تکامل و پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودرا بسرعت طی میکند و ما معتقدیم که در این دوران شکوفائی اقتصادی و اجتماعی که زائیده تحولات عمیق در تمام شئون زندگی ایرانی است تمام [illegible] مادی و معنوی خویش سود برده هرچه بیشتر در جهت تسریع پیشرفت این مملکت بکوشیم.

[illegible] سپس بیکی از کارکنان شرکت «امرسون الکتریک» را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی تقدیم [illegible]

مدیرعامل شرکت امرسون الکتریک پس از این سخنان در حالیکه حاضران در غرفه این شرکت احساسات پرشوری نسبت به شاهنشاه آریامهر ابراز میکردند کیک مخصوص را که بمناسبت میلاد خجسته شاهنشاه آریامهر و پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی تهیه شده بود برید و از میهمانان پذیرائی بعمل آمد

### بازدید از غرفه «سانیو»

بعد از اتمام جشن حاضران از قسمتهای مختلف غرفه شرکت «امرسون الکتریک» که کلیه محصولات «سانیو» در آن بنمایش درآمده است بازدید کردند، دراین غرفه که بطرز بسیار زیبائی تزئین یافته است حدود ۲۰۰ نوع لوازم لکتریکی و الکترونیکی از کارخانجات «سانیو» به چشم میخورد که هرکدام از زیبائی خاص برخوردار است، بخصوص تلویزیونهای رنگی «سانیو» باین غرفه اهمیت و ارزش فراوانی داده است.

### هدیه برای شرکت کنندگان

بطوریکه گفته شد جشن شرکت «امرسون لکتریك» که از ساعت ٦ بعد از ظهر چهارم آبان در غرفه این شرکت در نمایشگاه بین‌المللی برپا شده بود تا پاسی از شب ادامه داشت و در پایان جشن در حالیکه کلیه مدعوین این جشن باشادی و سرور این غرفه را ترك میکردند هدایای نفیسی از طرف مدیرعامل شرکت «امرسون الکتریك» به انان اهدا شد.

### گفتگو با آقای سعید حکیم مدیرعامل شرکت امرسون الکتریك

در پایان جشن شرکت «امرسون الکتریك» نمایندگی رسمی محصولات «سانیو» در ایران موقعیتی دست داد تا با آقای سعید حکیم مدیرعامل این شرکت به گفتگو بنشینیم و در باره فعالیت شرکت و چگونگی برگزاری جشن در نمایشگاه مطالبی از زبان ایشان بشنویم.

آقای سعید حکیم در آغاز گفتگو اظهار داشت قبلا باید بگویم که امسال یك سال استثنائی پر شکوه و برکت برای ملت ایران است و همه ما از کوچك و بزرگ کارگر و کارمند، زن و مرد از صمیم قلب خوشحال و شادمان هستیم، چرا که امسال مصادف با پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی است پنجاه سالی که برای کلیه طبقات ملت ایران خیر و برکت همراه داشته و طبیعی است که کارکنان شرکت امرسون الکتریك نیز از این موهبت بی‌بهره نبوده و همراه دیگر خواهران و برادران هموطن در این جشن و سرور شرکت جسته‌اند

آقای حکیم سپس به جشن شرکت اشاره کرد و گفت.

علت اینکه این جشن را در نمایشگاه برگزار کرده‌ام اینست که بعقیده من نمایشگاهی که امسال برپا شده نمایشگر حقیقی پیشرفت تکنیك و صنعت و در عین حال رشد اقتصادی و اجتماعی ایران است و بازهم میدانیم که ملت ایران همه این پیشرفتها و ترقیات را مدیون رهبریهای خردمندانه پدر تاجدار خود شاهنشاه آریامهر می‌باشد.

مرور در حالیکه سعی کردیم بخاطر روز میلاد شاهنشاه آریامهر و جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی به پایکوبی و شادی بپردازیم در ضمن حاضران نیز عملا و آشکارا پیشرفتهای صنعتی ایران را که امروزه بخاطرش شادمان هستیم به چشم ببینند و انرا لمس کنند، چون من همیشه باین شعار معتقد بوده و هستم که.

«دیدن بهتر از شنیدن است »

آقای حکیم سپس به نحوه فعالیت شرکت امرسون الکتریك اشاره کرد و گفت:

بطوریکه میدانید شرکت «امرسون الکتریك» سالها است که فعالیت خود را شروع کرده و خوشبختانه این فعالیت همزمان با دوران پر تحول و شکوه و عظمت کشور ایران است.

شرکت امرسون الکتریك از بدو فعالیت دارای نمایندگی رسمی محصولات الکتریکی و الکترونیکی «سانیو» بوده است که نام آن نه تنها در ایران بلکه در تمام نقاط جهان برای همه اشنا است و یکی از کارخانجاتی است که در تولید انواع محصولات لوازم خانگی شهرت عالمگیر دارد.

اصولا باید بگویم دلیل اینکه شرکت «امرسون الکتریك» نمایندگی «سانیو» را قبول کرد، بخاطر اطمینان به مرغوبیت و متنوع بودن محصولات کارخانه «سانیو» بود و این کار با مطالعات بسیار دقیق شرکت «امرسون الکتریك» انجام گردیده است که خوشبختانه تا کنون نیز ثابت شده است که انتخاب ما کاملا صحیح بوده است.

آقای حکیم در دنباله سخنان خود افزود:

در اینجا لازم میدانم که مختصری از اسامی محصولات «سانیو» را که متنوع بودن انرا روشن میسازد بیان کنم.

پلوپز، اب میوه‌گیری، چرخ گوشت، رادیوضبط صوت و استریو،ماشین لباسشوئی-تلویزیون رنگی و سیاه و سفید، کولر گازی- جاروبرقی- اطو- ماشین حساب- اجاق گاز- یخچال فریزر و

آقای حکیم اضافه کرد: در خاتمه لازم میدانم باین موضوع نیز اشاره کنم که از زمانی که چهارمین نمایشگاه بین‌المللی تهران برپا شده غرفه این شرکت یکی از غرفه‌هائی بوده است که بازدیدکنندگان بسیارزیادی داشته و این خود نمایانگر علاقه و شناخت مردم از محصولات این شرکت است، و مانیز امیدوارهستیم در مقابل این همه محبت و استقبال مردم بتوانیم همیشه خدمتگزار واقعی کشور عزیزمان و ملت ایران باشیم

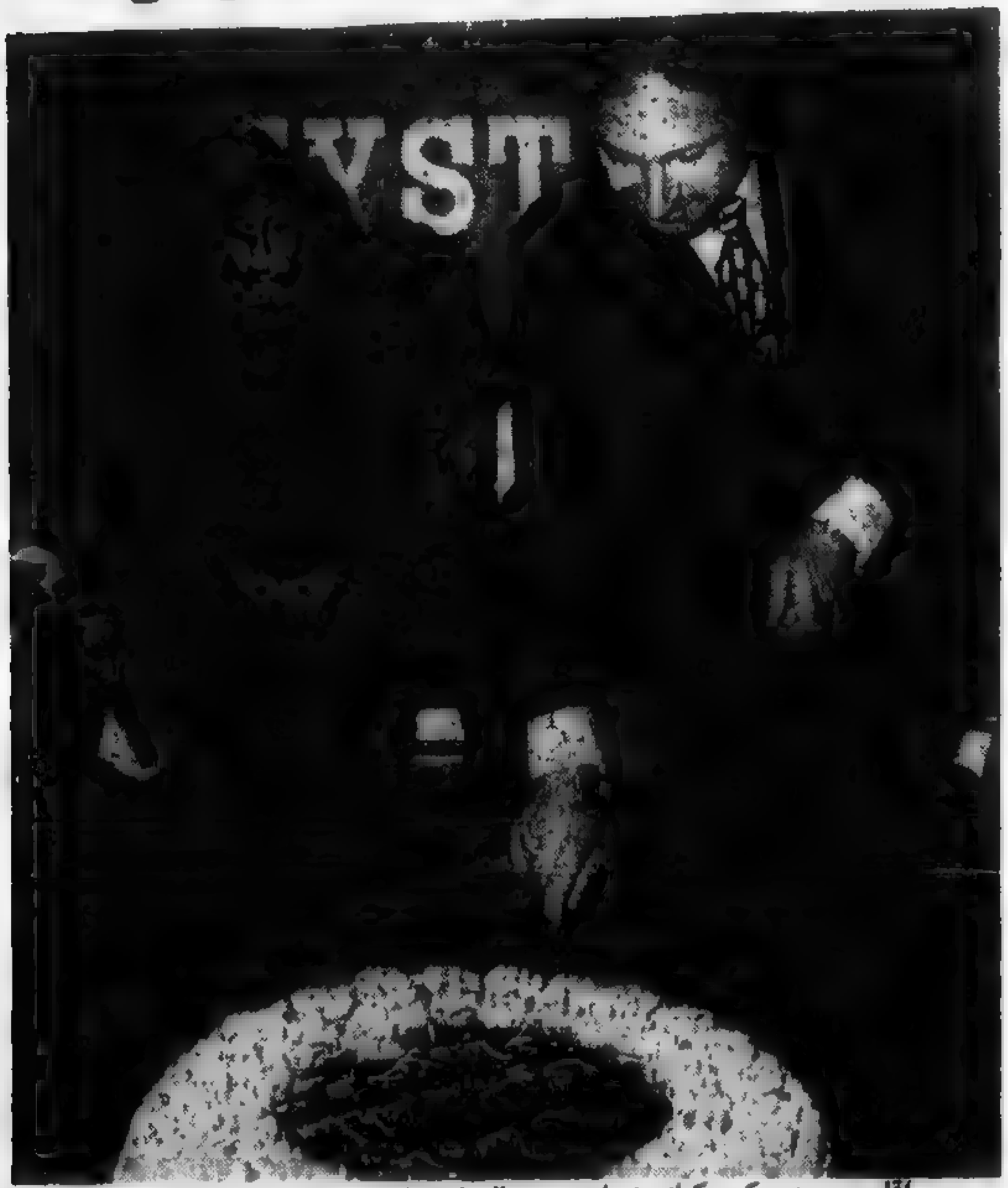

آقای سعید حکیم کیك پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را که طی جشنی در غرفه شرکت «امرسون الکتریك» در نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد میبرد.

# نامه به سردبیر

و علیکم الدرود! جناب
میزمحسن‌خان‌عزیز که فی‌الواقع من یك نفر را کشتی از خجالت. باور کن اینهمه لطف و عنایت را اگر بار کوه سنگی شما و قلهٔ دماوند ما کنند، جفت کوهها اب می‌شوند و میروند به دریا. آنوقت با این تفاصیل حقیر مانده‌ام هاج و واج که آدم پرمعرفتداری مثل تو چرا باید بخاطر یك کم‌ارادتی کوچك تا این حد نسبت به شاهرخ‌خان تویسرکانی بدبین شود و آشکارا او را مورد کم‌محبتی قرار دهد. بهرحال، من نمی‌دانم مطلب ارسالی شما چه [illegible] داشته که این دوست و همکار [illegible] ...نده از چاپ‌نشدنش در صفحه «خودمون» خودداری کرده است؟ معهذا هرچه باشد [illegible] ...ی‌کم و اکنش به قهر [illegible] [illegible] ...بنابراین بنده سوی گیج اصلاح ایشان [illegible] اجازه خودم از تو خواهش می‌کنم در این قهر یکجانبه تجدیدنظر کنی و مطلب دیگر برایش «بفرستی!»
اصلاً [illegible] معلوم که نوشته تو [illegible] به ایشان رسیده باشد؟ خلاصه کلام درخواست مرا فراموش نکن و در ضمن مطمئن باش که [illegible] تویسرکانی دلیل بی‌کم‌ارادتی [illegible] می‌پرسم و اگر موجه بنظرم رسید، در شماره بعد نتیجه [illegible] در همین صفحه می‌چاپیم [illegible] می‌فرستم که [illegible] هم [illegible] پدای [illegible] کم‌کمك کم شود.

سلام [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] بوجود [illegible] که مرقوم فرموده‌اید ده سال از آشنایی شما دو نفر می‌گذرد و درضمن هر دوتان به شغل شریف [illegible] و مشارالیها به حرفه مبارك خیاطی اشتغال دارید و دارند. بنظر می‌رسد که شما در سنین بالای بیست و پنج هستید. بهرتقدیر، من تصور نمی‌کنم که دو آدم بالغ و صاحب درآمد مطلوب نتوانند موافقت پدر و مادرشان را برای انجام امر خیر جلب کنند، مگر اینکه فکر کنیم انها به چیزهایی واقف هستند که شما نیستید. بنابراین بنظر من لازمست که شما دو نفر جداً از یکدیگر با پدر و مادرتان زانو به زانو بنشینید و علت مخالفت [آ]نها را در باره این امر خیر جویا شوید. بدیهی [ا]ست اگر دلایل کافی و پسندیده‌یی داشته باشند شما قانع خواهید شد، و گرنه از من به شما نصیحت که با تواضع یك فرزند در مقابل پدر و مادر در مقابلشان بایستید و در نهایت ادب خطاب به آنها بگوئید «احترامتان بجا، اما امر بی‌منطق‌تان به هیچ جوری توی کتف ما دونفر نمی‌رود!» پس از این اتمام حجت مقدمات ازدواج را فراهم کنید و بعد بمبارکی و میمنت، لی‌لی‌کنان تشریف ببرید به خانه‌یی که متضمن سعادت ابدی شماست. باوجود [ا]ین اگر عرایض حقیر قانع کننده نیست، لطفاً در نامه دیگری نوع روابط خود، دلیل مخالفت والدین‌تان و دیگر محظورات را دقیقاً بنویسید تا من با بهره‌گیری از عقل [illegible] رهی نشانتان دهم. خدا حافظ شما کم شود!

[illegible] برادر جان، [illegible] اگر من ادرس [illegible] پزشك را که در معالجه قلبی تو [illegible] و برای راحت کردن خودش، [illegible] به مرفین معتاد کرده است پیدا کنم، [illegible] هرگس [illegible] می‌خوام و می‌نشینم [illegible] که [illegible] آدم تحصیل‌کرده برای [illegible] کردن بیمار، [illegible] معتاد کند و عمری صرف و خانواده‌اش را [illegible] مسکین [illegible]؟!
[illegible] که تو هم در این رهگذر [illegible] تقصیر نیستی و روزی که فهمیدی [illegible] [illegible] و کذا مرفین است، نمی‌بایستی سراغ تریاك بروی و روزانه دوسه نخود فرستی بالا!

بهرتقدیر، کاریست گذشته است و پارچی [ا]ست شکسته است!

اما بمصداق ماهی دودی را هروقت از [آ]ب بگیری عینهو کبریت خشك است، حالا هم دیر نشده و تواگر آماده ترك باشی، وسیله‌اش پیدا می‌شود. لیکن یك اشکال کوچك در کار هست و آن واقف نبودن خانواده‌ات از اعتیاد تست. بنابراین اگر کسی پیدا شود و برای ترك دادنت همت کند و وسایل بستری شدنت را در بیمارستان معتادان فراهم سازد، آنوقت زن و بچه‌ات از تو نمی‌پرسند که این یکی دو هفته تو کجابودی؟ بهر تقدیر همانطور که عرض کردم هروقت اشکالات موجود را حل کردی و با تمام وجود تصمیم گرفتی، نتیجه را برای من بنویس تا انشاءالله بنحوی ترتیب کار را بدهیم و وضعی ایجاد کنیم که شاید بیمارستان یاد شده آن رقم ۲۵۰ تومانی را ازت نگیرد. ضمناً بعید نیست با چاپ این مطلب آدمهای خیری پیدا شوند و فکری بحالت بکنند. بهرصورت مأیوس نباش رفیق‌جان که شاعر فرماید:
پایان شب سیه سپید است، هرچند که پایان روز سپید هم سیاه است، اما هیچ شاعری در این مورد چیزی نگفته!
روز و شبت خوش.

خواهرجان، مساله کم‌لطفی بعضی از پزشکان، نارسایی امور درمانی و کمبود وسایل بیمارستانها و آزمایشگاهها چیزی نیست که منحصر به شهر شما باشد.

تهران که بزرگترین شهر کشور و بهشت پزشکان و بیمارستان‌داران است نیز چنین وضعی دارد. باوجود این نبودن آزمایشگاه مجهز در تنها بهداری دولتی مسجدسلیمان نقیصه‌یی است که حتماً بایستی برطرف شود.

بهرحال، خواهر عزیز، کاری که از دست حقیر برمی‌آید همین نوشتن ماجری و چاپ آن بود. حالا کی و چگونه بداد شما خواهند رسید، خدا می‌داند.

## پیشنهاد می‌کنم که.....

● **آقای سردبیر محترم،**

**باعرض سلام و تمنای توفیق روزافزون برای شما آرزومندم به چند پیشنهاد من که بی‌شك اجرایش در پیشبرد و تکمیل وضع مجله مؤثر خواهد بود، توجه فرمائید:**

**۱- خواهشمنداست ترتیبی دهید که خبرنگاران و گزارشگران آن مجله، ماهانه یکبار بیکی از شهرستانهای کارگری کشور سفر کنند و در آنجا ضمن تشکیل میزگرد با نمایندگان کارگران و مسئولان سندیکاها به خواستها و نارسائی‌های آنها پی ببرند. به عنوان مثال بااینکه در بروجرد کارخانه‌هایی مانند قند و مجتمع سیمان وجود دارد، معهذا در این زمینه برای کارگران این کارخانه‌ها و دیگر کارگاههای بروجرد قدمی برداشته نشده است.**

۲- چنانچه امکان دارد دستور فرمائید به تعداد داستانهای کوتاه مجله بیفزایند.

البته اگر کماکان از وجود نویسندگان مشهور استفاده کنید، بهتر است.

۳- به خانم یا آقای «شاخنبات» تذکر دهید که خود را در تنظیم سوژه‌های داستان، اسیر موضوعات کارگری نکند، زیرا این شیوه باعث شده است که بعضی از نوشته‌های این نویسنده مانند «چوب خدا» و امثال آن سست از کار درآید!

۴- اگر ممکن است مقرر فرمائید هنگام چاپ جواب معماها و پرسش‌های صفحه، عین پاسخ سرگرمی‌ها را نیز چاپ کنند تا افرادی مانند من که جواب بعضی از آنها را نمی‌دانیم، دریابیم.

**با احترام، بروجرد. هادی محمودی**

● دوست عزیز، با ابراز تشکر فراوان از راهنمایی‌های ارزنده شما، سعی می‌کنیم هریك از پیشنهادهایی را که انجامش امکان‌پذیر باشد، اجرا کنیم. در این شماره میزگردی با شرکت نمایندگان کارگران خباز اهواز مطالعه می‌کنید. ضمناً مجله‌های شماره یك و پانزده را برای شما فرستادیم.

● **جناب آقای سردبیر،**

باستایش از زحمات شبانه‌روزی شما و همکارانتان اجازه می‌خواهم پیشنهادی را که **بنظر خودم در بهبود وضع ترافیك شهر اثر چشمگیر خواهد داشت، مطرح کنم تا شاید مجله خوب رستاخیز کارگران در حل این مشکل مهم گامی اساسی بردارد. بنظر من در تقسیم‌بندی طبقه کارگر، رانندگان تاکسی سهم بسزایی دارند. زیرا این افراد زحمتکش بدون بهره‌گیری از قوانینی که در مسیر تامین رفاه کارگران کشور تدوین شده است، روزانه چندین ساعت کار می‌کنند. باوجود این جداً مایهٔ تاسف است که این زحمت بعلت بی توجهی دسته‌یی از آنان بهدر میرود. بنابراین خواهش میکنم ترتیبی دهید که در این مجله هرشماره یك صفحه به تاکسیرانان اختصاص داده شود و طی آن نحوه بر خورد آنها با مردم، شیوه صحیح رانندگی در شهر و رعایت حق تقدم رهگذران و دیگر اتومبیلها را به آنان گوشزد کنند. بدیهی است وقتی رانندگان دیگر وسایل و خود روها در کار این گروه نظم و ثباتی ببینند، آنها نیز در رعایت مقررات کوشا تر خواهند شد.**

باتشکر قبلی، تهران- حسن چاوشی نسب

کارگر ارجمند،

با تشکر از عنایت صمیمانه شما، پیشنهاد سرکار را مورد بررسی قرار میدهیم تا در نحوه انجام آن به اخذ تصمیم مقتضی نایل آییم.

**آقای سردبیر گرامی،**

**با سلام فراوان و ابراز تاسف از**

**یکماهه شدن مجله باید عرض کنم که نه تنها من بلکه تمامی کارگران کشور انتظار و توقع داشتند که این مجله دوستداشتنی و پر باراز ماهانه دوشماره به هفته‌یی یك شماره برسد. اما برعکس شما بدون دلیل از ابراز این لطف دریغ کردید. بهرحال منظورم از تقدیم این نامه اینستکه میخواهم بگویم حالا که مجله رستاخیز کارگران ماهانه شده است، بهتر است با دقت و فرصتی که دارید بر تعداد صفحات و میزان مطالب، بویژه داستانهای آن بیفزائید، زیرا نکته تردید نا پذیر اینست که در وضع فعلی نسبت داستانها در مقایسه با مطالب سیاسی و اجتماعی مجله بسیار کم است.**

قزوین- مهندس محمود- الف

دوست ارجمند،

در باره ماهانه شدن مجله نا گزیر از ادای توضیح هستم که متاسفانه کمبود ناگهانی کاغذ، مسایل مربوط به چاپ و مهمتر از همه نارسایی های موجود در امر توزیع- که برای هر نشریه نوپائی وجود دارد- باعث‌این دگرگونی در کار انتشار مجله شد. بی تردید بمجرد رفع محظورات یاد شده در وضع فعلی تجدید نظر خواهیم کرد.

## پاسخ های متفرقه

### شیراز- آقای حسنخان کاهکش

باعرض سلام و درود توفیق تمامی افراد خوشدل و حقشناس وطن را آرزومندم وبه سعادت آنجناب که شاهد معجزه‌یی در شهر شعر بوده‌اید، سخت حسادت ورزیدم. زیرا برای نخستین بار میبینم و میخوانم و میشنوم که هموطن بزرگواری از خدمات کارکنان بیمارستانی ابراز رضایت و ستایش میکند. اما جناب حسن خان عزیز باید عرض کنم، تشکر از حضرات بجا، اماچاپ نامشان بقصد تشویق ضروری نمی‌نماید، چرا که مامعتقدیم همه مردم باید بمسئولیت خویش واقف باشند و وظایف خود را انجام دهند، بنابراین نام کسانی باید چاپ و فاش شود که کجرو تشریف دارند و وظایف محوله را به انجام نمیرسانند. بهر تقدیر امید است خداوند این قبیل افراد را زیاد و زیادتر فرماید تا جایی برای انتقاد و رسوا کردن وظیفه ناشناسان باقی نماند.

وعلیکم الدرود. ماهم با نهایت خوشحالی و مسرت آرزو داریم که شما خوش و خرم باشید و پس از این دعا تقاضا مندیم نمونه‌یی از گرایش‌های خود را پیرامون فعالیتهای شهر صنعتی البرز بفرستید تاببینم چگونه چیزکی است. البته هرگاه این مطالب جالب و مطابق با شرایط لازم باشد، آنگاه در مورد خبرنگاری سرکار و انجام تشریفات مربوط به آن مذاکره خواهیم کرد. بنابراین تمثال مبارك، فعلا بایگانی میگردد.

پدر جان چراجوش میزنی؟ تااخلاق بعضی از هموطنان ما اخلاق شود، ریش حقیر و سرکار به پرشالمان میرسد. حضرتعالی تصور میکنی این اولین باراست که بیماری از مهربانی و محبت ترحم بار پرستاران بیمارستان سوء استفاده میکند و در خیابان به تعقیب حضرات میپردازد؟ نه عزیزمن. نه اولی است و نه آخری. از این رو مطمئن باش تا اخلاق اجتماعی این نوع افراد سرویس نشود، دست از کارخود بر نمیدارند بهرحال سایه عالی مستدام.

الهی من دورتان قدم بزنم علی جان، آیا بهتر نبود اول سن و سال و میزان تحصیلات خود را مرقوم میفرمودید و بعد عزت افزا میشدید که دوست دارید سرمهندس برق شوید، اما راه رسیدن به آن را نمیدانید. بهرجهت، حالا که این لطف را نفرموده و حقیر راهاج الواج نهاده‌اید، استدعا دارم با مقامات آموزشی شرکت نفت تماس بگیرید و از آنان راهنمایی بخواهید. اگر نتیجه مطلوب حاصل نشد، آنگاه وضع خود را بطور کامل مرقوم فرمائید تا فدوی پودری بسر خودم بریزیم.

آقاجان، شمارا بخدا اگر اب تصعیه شده در دست دارید، زمین بگذارید و بدون درنگ از مالکی که زمینی به شما فروخته و از دادن سندآن خود داری میکند، به دادگستری محل شکایت کنید. زیرا این مشکل، مشکلی نیست که بصورت شکوائیه مجله‌یی حل شود. موفق و موید باشید.

الهی قربانتان گردم جناب نویدی، باور بفرمائید که حقیر متجاوز از ده بار مرقومه حضرتعالی را مطالعه کردم، به سبك سنگین کردن مطالبش پرداختم و بدین ترتیب هرچه بسرو کله‌ام فشار آوردم به مقصد شمایی نبردم. منظورم اینست که عاقبت نفهمیدم دریافتی ٥٤ چیست که کارگران شیلات بندر فرحناز نگرفته‌اند، امادیگر کارگران شیلات شمال گرفته‌اند. بهرحال، خواهش جان نثار از شما اینست که منظور خود را دقیق ترو بازتر مرقوم فرمائید تا به آقای دکتر همدانی تسلیم کنم و ایشان پاسخ شما را در ستون مخصوص پاسخ به پرسش های مربوط به قانون کار بدهند.

با سلام فراوان تقاضا دارم پس از این، اخبار حزبی را با عنوان «قسمت اخبار حزبی» بفرستید تا بموقع و در جای مقتضی بچاپ آن اقدام گردد، و گرنه برنامه و مطلبی که بنام جناب مدیر وارد دفتر مجله شود، صاف بحضور مخلص شرفیاب خواهد شد، سایه عالی که نماینده شریف ما باشید بلند و مستدام و طولانی.

سلامن علینا! در ضمن پاك گله مند نیا زیرا تو دوست عزیز پاك این آگهی‌های مجله را یکدستی گرفته‌ای و اگر نگرفته بودی این جور خشمگنانه بما نمیگفتی بجای اینکه هی مفت و مسلم آگهی بنویسید، بنویسید ببینم دوره راهنمایی ٦ سال است یا ٥ سال؟ عرضم بحضور منور ظهور آقای کرد خلیل خان عزیز که اولا ما آگهی را مفت نمینویسیم، بلکه در قبال آن کلی پول میگیریم وبدوین ترتیب قسمتی از مخارج تهیه مجله را در می آوریم بیرون! ثانیا دوره راهنمائی شش سال است و آنچه که ٥ سال است دوره ابتدائی است. خدا حافظت بادای دوست عزیز، راستی یادم افتاد که آگهی را نمی نویسند، بلکه میچاپانند!!

**خواهرجان، اگر از من می‌شنوید بدون لحظه‌ای درنگ پیشنهاد کارفرمای پدرتان را رد کنید و در ضمن ابوی محترم را قانع سازید که وصلت دختر پانزده ساله با کارخانه‌داری پنجاه و پنج ساله، بدفرجام ترین پیوندهاست. زیرا گذشته از اینکه اختلاف سنی موجود بین شما دونفر با اختلاف سلیقه فاحش همراه است، سرکار تا بخواهید به سنین لازم برای خانه‌داری برسید، حریف راهی کرباس محله شده است. ضمنا اگر آقاجان تصور می‌فرمایند که ارثیه طرف می‌تواند ضامن خوشبختی آتی شما شود، از کجا معلوم که اولاد ریز و درشت و ورثه قهار او اجازه دهند که از مایملك ایشان چیزی به سرکار برسد؟!**

**بهر تقدیر فدوی بی‌هیچ تفکر و تعقل و تامل با این وصلت مخالفم. والسلام، نامه تمام!**

**برای شرکت در مسابقات تلویزیونی بایستی با روابط عمومی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران تماس بگیرید. با اینکه بنده تردید دارم که در حال حاضر تلویزیون چنین برنامه‌هایی داشته باشد، معذلك به اطلاع شما میرسانیم که روابط عمومی این سازمان در خیابان تخت طاووس ـ جنب چهارراه روزولت قرار دارد.**

**با تقدیم طوماری سلام و ارادت و درود، از ابراز لطف جنابعالی، بکلی! ممنونم. پس از آن باید اعتراف کنم که متاسفانه حقیر فقیر بی‌بخارتر از پنیر هم خبر جمع‌آوری و تعطیل پلازهای شهر شما را شنیدم. البته تا آنجایی که من خبر دارم مقامات اداری آن شهر خیال دارند بجای این پلاژها، ویلاهای کامل و مجهز بسازند. ضمناً شك نیست که برای شما پلاژ داران سابق فکری می‌کنند.**

**من تعجب میکنم که چطور از هفت نامهٔ شما حتی یك نسخه نیز بدست من نرسیده‌است. البته بعید نیست که چاپارخانه مبارکه بعضی اوقات در رساندن نامه‌ها بی‌لطفی می‌فرماید، لیکن غیر ممکن است که از هفت نامه حتی یکصدد نیز به مقصد نرسد. ضمناً بعید نیست که مکتوبهای مرحمتی به سبب نداشتن عنوان مشخص در داخل دفتر مجله از میزی به میز دیگر رود. اما این موردی است استثنائی که امکان دارد تنها یك بار اتفاق بیفتد. بنابراین از شما و دیگر دوستان تقاضا دارم به هر بخش از مجله نامه می‌فرستید روی پاکت عنوان آنرا ذکر فرمائید. حتی اگر ممکن است موضوع مرقومه را نیز اعلام کنید. به عنوان مثال اگر نامه را به نام آقای تویسرکانی نوشته‌اید، روی پاکت قید کنید «مربوط به صفحه خودمون» نکتهٔ دیگر اینکه هرگز چند نکته را در یك نامه ننویسید. منظورم اینست که اگر مفاد مکتوب دربارهٔ جدول مسابقات است، هرگز در آن نامه سؤالهای مربوط به صفحه سردبیر را مطرح نکنید. زیرا در این صورت ممکن است نامه به قسمت مسابقات برود و به عللی هرگز به دست سردبیر نرسد تا به دریافت پاسخ انجامد. پس، طرح سه چهار مساله مختلف در یك نامه هرگز! والسلام، نامه تمام.**

امیرکلا – آقای محمدیوسف اثنی‌عشری امیری

**قربانت گردم اگر باز هم احتیاج به شهرت داری خبر کن تا سی چهل اسم چاق و چله برای ثبت در دنبال اثنی‌عشری امیری تقدیم کنم.**

**چه، اینجور که معلوم است حضرتت علاقهٔ شگرفی به احتکار شهرت یا نام فامیل دارد! بگذریم، با تشکر از عنایت و توجه سرکار به محتویات این مجله باید به عرض برسانم که چنانچه شما حق اشتراك مجله را، به حساب جاری شماره ١٤٤٤ بانك ملی ایران، شعبه سپند منظور نمائید و فیش بانکی آن را همراه با نشانی خود به دفتر مجله ارسال دارید، هر شماره برای شما فرستاده خواهد شد. موفقیت و خوشبختی شما را آرزو می‌کنم.**

**با تشکر بیکران از تشکر سرکار دربارهٔ ادای پاسخ به نخستین مرقومهٔ جنابعالی، لازم می‌دانم از کوشش و تلاش شما سروران در معرفی و نمایاندن محتویات مجله تقدیس کنم و از خدای بزرگ بخواهم که همواره دوستانی مانند حضرتعالی را برای ما محفوظ و سلامت بدارد. راجع به مفاد و مضامین این نامه سرکار مستطابعالی که حاوی پرسش‌هایی در زمینه مرخصی سالانه و دیگر سؤالات مربوط به قانون کار است باید عرض کنم همانطور که بارها متذکر شده‌ایم این نوع مسایل بایستی حتما با آقای دکتر علی‌الله همدانی مسئول ستون پرسشهای مربوط به قانون کار در میان نهاده شود. زیرا به طوری که ملاحظه می‌فرمائید صفحه نامه سردبیر دربرگیرنده سئوالات کلی خوانندگان است که بی‌شك ضرورت دارد پرسش اختصاصی از قبیل سئوالات پزشکی، قضایی و قانون کار به قسمتهای مربوطه فرستاده شود. با توجه به آنچه که گذشت ما نامهٔ شما را عیناً به مسئول بزرگوار ستون یاد شده تقدیم می‌کنیم تا شما موفق و مؤید باشید!**

# فلسفه انقلاب ایران

**شاهنشاه آریامهر طی فرمانی به دبیر کل سابق حزب رستاخیز ملت ایران ماموریت داد بودند که با استفاده از نظریات افراد بصیره، فلسفه انقلاب ایران را بر اساس دیالکتیك تنظیم و تدوین کنند. در اجرای این فرمان آقای امیر عباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل سابق حزب رستاخیز ملت ایران از سی‌نفر افراد مطلع و بصیر در این زمینه، دعوت کرد که پیش‌نویس فلسفه انقلاب ایران را تهیه نمایند.**

**پس از بررسی‌های عمیق و طولانی که از طرف این گروه در کمیته‌های مختلف بعمل آمد و با استفاده از نظریات گروه دیگری از اندیشمندان، فلسفه انقلاب ایران تنظیم گردید که متن آن به شرفعرض همایونی رسید و مورد تصویب قرار گرفت و در روز چهارشنبه پنجم آبانماه-نخستین روز دومین کنگره بزرگ حزب رستاخیز ملت ایران در اختیار عموم ملت ایران قرار گرفت.**

**از آنجا که آشنائی با فلسفه انقلاب ایران، برای عموم ملت ایران، منجمله کارگران عزیز که قشر عظیمی از اجتماع ایران را تشکیل میدهند، لازم و ضروریست، «رستاخیز کارگران»، فلسفه انقلاب را منتشر میسازد، تا چنانچه در بین خواهران و برادران شریف کارگر عده‌یی موفق به مطالعه آن نشده باشند، آنرا مطالعه کنند و با فلسفه انقلاب ایران آشنائی یابند. «رستاخیز کارگران» از شماره آینده به تجزیه و تحلیل و تفسیر فلسفه انقلاب ایران خواهد پرداخت.**

## انقلاب ایران

درهرجامعه، هدف اصلی حفظ و اعتلای گوهروجودی آن جامعه است. گوهر و جودی جامعه ما بقای موجودیت شکوفائی ملی است. گوهر وجودی هر ملت تعیین کننده شخصیت و مبین حیثیت آن ملت است در برخی از مراحل تاریخی حیات هر ملت و جامعه بعضی از نهادهائیکه در شرایط و اوضاع دیگر سبب بقاء گوهر و جودی جامعه بوده‌اند بصورت نیروهای متضادی در میآیند که مانع پیشرفت آن جامعه میشوند در چنین شرایطی است که حل تضادها بمنظور حفظ گوهر و جودی جامعه ضرور میشود

شکل منطقی حل تضادها، انقلابی است که ضامن بقای گوهر وجودی جامعه باشد. شرایط عینی و ذهنی و نیز شرایط درونی و برونی جامعه در تعیین ضرورت چنین انقلابی که نیازمند رهبری آگاهانه است مدخلیت تام دارد

رهبر آگاه با کشف و شناسائی قوانین اجتماعی و شرایط عینی، اندیشه انقلاب را در ذهن خود میپروراند و زمینه را برای انتقال این اندیشه به جامعه فراهم میاورد و انقلاب را بر پایه‌ی آمادگیهای عینی و ذهنی و با در نظر گرفتن عوامل درونی و برونی تحقق میبخشد.

برای توصیف هر انقلاب اجتماعی و ویژگیهای آن، باید [illegible] انقلاب را از مقطع تاریخی مورد بررسی قرار داد. این امر نیز امکان میدهد که انقلاب به صورت واقعه‌ای مجرد و انتزاعی جلوه نکند و در مجموع رابطه‌ی دیالکتیکی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد [illegible] حکم در [illegible] انقلاب ایران نیز جاری است و از این رو برای [illegible] علمی احکام [illegible] ناگزیر از تحلیل شرایط عینی و ذهنی جامعه قبل از انقلاب خواهیم بود

## فصل اول

### جامعه قبل از انقلاب

[illegible] و رعیت بود [illegible] و [illegible] جمعیت کشور بنام رعیت از مشارکت در کار جامعه و [illegible] بهره [illegible] امکانهای اجتماعی محروم بودند [illegible] زمین داران بزرگ [illegible] که [illegible] امر خود مخالف روح عدالت اجتماعی و حقوق طبیعی انسانی بود

تضاد دیگر جامعه‌ی ما محرومیت زنان از شرکت [illegible] سیاسی و اجتماعی بود زنان که [illegible] جمعیت کشور [illegible] حقوق اجتماعی محروم بودند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

همه‌ی [illegible] گوهر وجودی جامعه را [illegible] چنین شرایطی [illegible] رهبری آگاه که همان فرماندهی شاهنشاهی [illegible] موجودیت شکوفائی ملی را [illegible]

[illegible]

موجود، در ترکیب و روابط همه نیروها تصرف کردند و شرایط شکوفائی موجودیت ملی را فراهم آوردند

پس از این مرحله بود که شاهنشاه لغو مناسبات ارباب و رعیتی را بعنوان راه حل عمده ترین تضاد جامعه ایرانی اعلام داشتند.

در شرایط جدید « تولید هر چه بیشتر» و «توزیع هر چه عادلانه‌تر» ثروت میان افراد ملت کسب اهمیت ویژه مینمود. این کار نیز جز از راه پی ریزی اجتماعی که با مقتضیات و احتیاجات دنیای کنونی هم آهنگ باشد میسر نمیشد. فرمانده انقلاب با مطالعات کافی در وضع جامعه‌ی ایران و تشخیص و تعیین نقاط ضعف آن و در نظر گرفتن احتیاجات و امکانات با مطالعه در مقررات، سازمانها و برنامه‌های اجتماعی، طرح انقلاب ایران را پایه ریزی کرد. انقلابی که بار و حیات و اخلاق ایرانی، با مقتضیات اقلیمی و جغرافیائی این سر زمین و با مختصات و سنن معنوی و تاریخی این ملت سازگار و هم آهنگ بود.

## فصل دوم

### منطق انقلاب و الزامات ملی

**انقلاب ایران باتکاء قوانین مکشوفه تمدن و جامعه کهنسال ایران زمین و شاهنشاهی دیر پای آن با هدف دسترسی به سعادت و شکوفائی ملی بمثابه تلاشی بزرگ و انسانی ظاهر شد، هر انقلاب تحت تاثیر قلمرو جغرافیائی و ویژگی های منطقه‌ای، ملی و فرهنگی، قوانین والزامات خاص خود را دارا است.**

انقلاب ایران نیز بیرون از این حکم کلی نیست و طبیعتاً منطق خاص خود را دارد. این منطق بر دوپایه علمی و الزامات ملی استوار است، بنحویکه هر حکم انقلابی نتیجه وحدت و آمیختگی منطق علمی و خصیصه ملی خواهد بود و تحت این قاعده کلی انقلاب ایران در عمل و نظر مورد بررسی قرار میگیرد. این شیوه که یك سلسله تجزیه و تحلیل‌های علمی را موجب میشود در حقیقت روش خاصی است برای کشف قوانین حرکت و رابطه اصول انقلاب ایران که همان دیالکتیك انقلاب ایران است

[illegible] حرکت جامعه [illegible] عوامل متضاد [illegible] بلکه میتوان بر شالوده [illegible] عوامل گوناگون متقابل و متجانس که تواماً در یك مجموعه قرار دارند، حرکت جامعه را در انچنان مسیری که متضمن تحول و پیشرفت و شکوفائی موجودیت ملی باشد بررسی کرد

منطق علمی و الزامات ملی انقلاب [illegible] متکی به سه عامل بنیادی [illegible]

۱- ویژگیهای جغرافیائی ایران
۲- تمدن و فرهنگ ایرانی
۳- شاهنشاهی ایران

### ویژگیهای جغرافیائی ایران

مراد از ویژگیهای جغرافیائی ایران موقع عمومی، موضع خاص این سرزمین و سیه طبیعی، تنوع اقلیمی و در عین حال وحدت جغرافیائی آن [illegible]

موضع و موقع خاص جغرافیائی ایران. غنای منابع و ثروتهای طبیعی و خداداد آن یکی از دلایل بارز، توجه جهانیان باین سرزمین است. [illegible] نقش کشورمان در مبادلات و مناسبات شرق و غرب و تشدید روزافزون علاقه به گسترش این مناسبات و مبادلات، موجبی برای آسیب‌پذیر ساختن تمامیت ایران بوده است از این روی حراست و پاسداری استقلال ایران و تحکیم و تقویت قدرت دفاعی برای حفظ مرزهای ایران‌زمین در هرزمان در مجموعه مسائل ملی از اولویت بر خوردار بوده و اهمیت آن در مقیاس درك و حیثیت و شرافت ملی مطرح بوده است.

شاهنشاه در این باره میفرمایند.

«در عین حال که برنامه‌های صنعتی و عمرانی ما باید با قدرت هر چه تمامتر پیش رود، نمیتوانیم از تقویت نیروهای دفاعی کشور غافل بمانیم اگر در خلیج فارس حتی یك دانه ماهی هم پیدا نمیشد و یا یك چاه نفت نیز وجود نداشت و یا یك کشتی تجارتی رفت و آمد نمیکرد و اگر هم جنوب ایران و خوزستان و منابع نفت ایران فقط تیغزاری بود، باز هم وظیفه ملی ما ایجاب میکرد که از هر وجب خاك خود دفاع کنیم.»

### تمدن و فرهنگ ایرانی

تمدن و فرهنگ ایرانی با طبیعت جامع خود از ویژگی قدرت پذیرش و انعطاف در عین حفظ اصول فرهنگی و هویت ملی بر خوردار است. انسان دوستی و وسعت نظر فکری و فلسفی و عدم تحجرودوری از هر نوع جزمیت فلسفی و جبر مطلق این فرهنگ و تمدن راغنی و بارور ساخته است بنحوی که ایران و جامعه ایرانی مهبط افکار و اندیشه‌های متعالی و بستر نیرومندترین مکاتب فلسفی و میدان ظهور، رشد و تقویت یکتا پرستی بوده است. پیدایش ادیان ایرانی در دوران باستانی و گسترش و رشد سریع اسلام در ایران‌زمین، نمونه درخشان این حقیقت بارز است ویژگی فرهنگ و تمدن ایرانی در آن است که هرگز در بروی افکار و اندیشه‌ها نبسته است. طبیعت و اصالت خاص این فرهنگ مبتنی است بر خلاقیت پیوسته، تاکید بر خصائص اصیل خود، و گاه گرفتن، بر خود افزودن بارور کردن و ایرانی ساختن و پراکندن. در عین حال رگه‌های اصلی این فرهنگ و تمدن ایرانی، حرمت به معنویت و دوری از مادی‌گری و پرهیز از غرق شدن در نفسانیات و فروافتادن در دام مصرف کور، بدون نادیده گرفتن اهمیت ضروریات و حداقل‌های تضمین شده زندگی و گذران هر فرد جامعه است.

تمدن و فرهنگ ایرانی تلاش انسانی را در راه تدارك سعادت دنیوی و اخروی حرمت نهاده، کانون خانواده را اصیل‌ترین نهاد اجتماعی میداند و بر این اساس فرد را بجامعه متصل و مرتبط ساخته، هر گونه تبعیض نژادی و طبقاتی را نهی و نفی کرده، آزادی عقیده و بر خورد آراء و اندیشه‌ها را لازمه ترقی و تعالی میداند

اشارات شاهنشاه باینکه در انقلاب ایران دو عامل برای ما اساسی و مقدس است، یکی اتکاء باصول معنویت و دیگری حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی، مبین این امر است، همچنین فرموده‌اند. «اجتماعی که در آن ایمان و اصول معنوی و آزادیهای فردی و اجتماعی وجود نداشته باشد قابل دوام نیست و تازه در آن لطف و جاذبه‌ای نمیتوان یافت».

### شاهنشاهی ایران

شاهنشاهی اصیل‌ترین آئین و شیوه کشور داری ایرانیان است. آئین شاهنشاهی از دیدگاه ایرانیان بهترین شیوه ارتباط متقابل و نزدیك میان مردم و مرکز سنتی و تاریخی، تفکر و تصمیم ملی است. این آئین و نظام که ۲۵ قرن گذشته، کشور و ملت ایران را موفق به گذر از انواع مخاطرات کرده، بازتاب عوامل بنیانی و سازنده قومیت و ملیت و فرهنگ ایرانی بوده و با خلق و خوی ایرانیان آمیختگی کامل یافته و حداعلای رسوخ را در ادب و فرهنگ ملی دارد. ملت ایران بسابقه تجارب طولانی خود، شاهنشاهی ایران را ودیعه‌ای با رسالت دانسته، نقش ابر نیروی آن را مانند همه پیوندهای جغرافیائی و ملی و همه ارزشهای فرهنگی و فکری و انسانی مردم ایران زمین گرامی میدارد.

پیوند شاه و ملت در ایران وقتی قابل درك است که نظام شاهنشاهی که بازتاب طبیعت سلسله‌ای پادشاهان است و آئین شاهنشاهی که مظهر عالیترین نوع انسان دوستی و تفکر غیر طبقاتی و روابط متقابل پدر و فرزندی است بازشناخته شود. نظام شاهنشاهی بجهت اوضاع و احوال تاریخی و شرایط زمانی و منش و شخصیت شاهنشاهان، ممکن است فراز و نشیبی درطول تاریخ از خود نشان دهد، ولی تجسم ایرانیان و باور آنها از آئین شاهنشاهی چیزی فراتر از توجه بیك منش شخصی و یك نظم اجرائی در هر زمان است. این تصادفی نیست که اوج افتخارات ایران با ظهور شاهنشاهان پر اقتدار و روشن بین مقارن است. تاریخ نشان میدهد که چنین شاهنشاهانی همیشه منشاء مردمی داشته، از میان مردم برخاسته‌اند و خصیصه اصلی آنان نقش فرماندهی و فعال در حیات و گذران جامعه بوده است، بنحویکه هر زمان این نقش فرماندهی به دلیلی کاستی گرفته، رشد جامعه و شکوفائی ملی دچار رکود شده است. درعین حال این فرماندهی منبعث و برآمده از توده مردم، بدلیل پشت سرداشتن ملت و فضای پراعتمادیکه این رابطه متقابل میآفریند، گاه پیوند خود را از طریق مراجعه مستقیم بمردم ظاهر میسازد که مراجعه تاریخی شاهنشاه آریامهر در همه‌پرسی و تصویب ملی ششم بهمن ۲۵۲۱ از آن جمله است. بر این اساس شاه و ملت در پیوند و رابطه متقابل خود در ایران، هیچ عایق و حایل و مباشری را تحمل نکرده و همبستگی دو ابر نیروی شاه و ملت و رابطه متقابل آنها، همواره تضمین کننده بقای گوهر وجودی جامعه

ایرانی بوده است.

در آئین شاهنشاهی ایران، اصل موروثی بودن سلطنت در ارتباط با اهمیت پرورش و آماده ساختن ولیعهد برای تقبل مسئولیت سنگین و خطیر سلطنت و کشورداری، ضامن تحکیم مبانی اعتماد ملت و حفظ تمامیت مملکت و امنیت ملی است و در عین حال، قرار گرفتن نظام شاهنشاهی وراء منافع و تصادم گروههای خاص در جامعه، موید منطق اصل وراثت در نظام شاهنشاهی است. اینستکه آرمان شاهنشاهی باتکاء صفت ذاتی و عاطفی ایرانیان و حرمت خانواده و ضرورتهای طبیعی ایران زمین، فتورپذیر نبوده است.

براستی که پادشاه در ایران فقط یك رئیس سیاسی مملکت نیست بلکه در درجه اول یك معلم و یك مرشد است، کسی است که نه تنها برای ملت خود راه و پل و سد و قنات میسازد بلکه روح و اندیشه و قلب مردم را رهبری میکند.

# فصل سوم

## تدارك انقلاب

در انقلاب ایران نقش تعیین کننده از آن رهبر انقلاب بود، اما از آنجا که پادشاه از پیوند لایزال خود با ملت برخوردار است ملت را بعنوان متحد اصلی خود، پشت سرداشت. بهتر است چگونگی تدارك انقلاب را از بیان فرماندهی آن دریافت کنیم.

«در سالهای اخیر احساس کردم که شرایط ملی و بین‌المللی لازم برای انجام انقلاب اساسی و ریشه‌داری که میبایدا‌ساس جامعه ایرانی را بکلی تغییر دهد و آنرا بصورت اجتماعی هم آهنگ با پیشرفته‌ترین جوامع امروزی جهان و متکی بر مترقیانه‌ترین اصول عدالت اجتماعی و حقوق فردی در آورد فراهم شده است. در نتیجه من میتوانستم با قاطعیت دست بکار آن تحول اجتماعی وسیعی بشوم که بعدها انقلاب شاه و ملت نام گرفت و براساس آن جامعه ایرانی زیرورو شد.»

شاهنشاه انگاه به تشریح شرایط عینی انقلاب میپردازند و خاطرنشان میسازند. «بدیهی است انچه در این راه بزرگترین پشتیبان من بود عنایت و تفضل الهی بود زیرا این انقلابی بود که براساس عالیترین موازین عدالت و نوعپروری و طبق تعالیم عالیه اسلامی صورت میگرفت و طبعاً در ین راه از تائید الهی برخوردار بود. درعین حال مسلماً این انقلاب منطبق با ریشه‌دارترین و عمیق‌ترین موازین و آرزوهای تمدن چندین هزار ساله ایرانی بود، و گرنه ممکن نبود با این موفقیت و کمال پیشرفت کند».

دریافت اصول و اهداف انقلاب منطقاً وقتی میسر است که محیط و شرایط عینی و ذهنی که این انقلاب در آن انجام گرفت و عواملی که یجاب کرد تا این تحول نه بطور تدریجی بلکه بصورتی یکجا و سریع صورت گیرد بررسی شود. تنها براساس چنین تجزیه و تحلیلی است که میتوان ماهیت و مفهوم واقعی انقلاب ایران را دریافت.

بررسی افکار و اندیشه‌های فرماندهی انقلاب بما میاموزد که هم بسیار پیش از آن روز که اصول انقلاب در معرض قضاوت و حکم تاریخی ملت ایران قرار گیرد بارها این سئوال برای رهبری انقلاب مطرح شد که ما چه بوده و چه هستیم و چه باید بشویم؟ قرار گرفتن آگاهانه در برابر پرسشهائی چنین بنیانی آغاز رستخیز فکری ایرانیان و نماینده یك ارزشیابی مداوم از جریان امور است که اثرات آن به توسعه فعالیت اقتصادی و افزایش رفاه در زندگانی افراد جامعه و تعالی فرهنگی ایرانیان انجامید.

صد سال پیش، زمانیکه بسیاری از کشورهای جهان با سرعت راه پیشرفت صنعتی میپیمودند، بنیه اقتصادی و اجتماعی ایران رو به ضعف داشت. این دوران رکود، بهنگام سلطنت رضا شاه کبیر بپایان رسید و ایران فرصت یافت تا براه بازسازی و ایجاد امنیت و ترقی پیش رود. اما کار بزرگی که آغاز شده بود با قربانی شدن ایران در جنگ دوم جهانی متوقف ماند. در این جنگ موقع حساس جغرافیائی ایران وضعف نظامی ان در مقابل نیروهای بزرگ جهانی دلایل عمده برای تجاوز بیگانه بود، کشور ما در معرض تامین احتیاجات سوق‌الجیشی متفقین قرار گرفت که لازمه براوردن آن درهم شکستن تمامیت ارضی، نادیده انگاشتن حق حاکمیت ایرانی و در هم ریختن اساس فرماندهی شاهنشاهی مملکت بود. با اجرای این توطئه جهش کشور ما متوقف شد، عوامل خارجی و دشمنان منافع ملی با ایجاد فساد و نادرستی و تضعیف حکومت مرکزی بمنظور تامین مقاصد خود، زمینه را برای تاخت و تاز فراهم ساختند، تلاش برای سازندگی، مقهور حرکت مخرب برای براندازی قدرت و حاکمیت ملی گردید تا آنجا که بنظر میرسید همه فرصتها برای بازسازی از میان رفته است.

بازیگرانیکه بدستور خارجی به فریب ملت میپرداختند، در پس انچه میگفتند شرائط ذهنی درهم ریزی همه پیوندهای ملت ایران را فراهم میساختند. شاهنشاه دراین باره اشاره میکنند. «چقدر باین حقیقت برخورد کردم که کسیکه ظاهرا با خارجی مخالفت میکرد باطنا از خود او دستور میگرفت، چقدر دلخراش بود که کسانی در ظاهر بملت خوش باور ایران که تشنه اصلاحات و مخالف با اعمال نفوذ خارجی بود، خودرا علمدار مخالفت بااجنبی و از این راه ملی و وطنپرست جلوه میدادند، ولی من میدانستم که سروکار هر یك از آنها با کدام سیاست خارجی است و ماموریت واقعی او چیست.»

نباید از نظر دور داشت که بیگانگان در شرایط نابسامان ان دوران، بیش از هر مسئله دیگر، به تقویت حس بدبینی و سوءظن و بی‌اعتمادی در اعماق جامعه میپرداختند تا مردم بهمه چیز باشك و تردید و بدگمانی بنگرند و بهیچ چیز و بهیچ کس اعتماد نکنند. شاهنشاه دراین باره میفرمایند.

«بدیهی است آنکس که از این وضع بیشتر از همه رنج میبرد، کسی بود که سکان کشتی سرنوشت ایران را در اقیانوس متلاطم سیاست جهان دردست خود داشت، زیرا آنچه برای من اهمیت داشت، تاریخ ایران بود. من میبایست این میراث گرانبها و کهنسال را که استقلال و حاکمیت و شرافت ملی ایرانی نام داشت و تاریخ آنرا بصورت ودیعه مقدسی بدست من سپرده بود، کاملتر و غنی‌تر از آنچه تحویل گرفته بودم، بدست نسلهای آینده بسپارم. من فقط پادشاه یك دسته یا گروه خاص نبودم، من پادشاه بیش از بیست میلیون تن مردم شریف و زحمتکش و اصیل ایرانی بودم که چشم امید خود را بمن دوخته بودند. بیاد تاریخ میافتادم که چطور روزی ثروت و اقتدار و عظمت این مملکت دنیائی را خیره میکرد و روز دیگر مردم ان رنجور و گرسنه و بی‌پناه و بی‌ماوا و اسیر فقرو بی‌سامانی بودند. چطور روزی شاهسلطان حسین صفوی در پایتخت خودش بدست یك مشت دزد قافله‌زن محاصره میشد و بفاصله بسیار کوتاهی بعداز آن از همین مملکت مردی مثل نادر برمیخاست و دنیائی را از فتوحات خویش اسیر شگفتی میکرد». شاهنشاه انگاه با اشارات مهم دیگر ادامه میدهند.

«حتی لازم نبود دور بروم و دوران گذشته را از نظر بگذرانم زیرا در همین زمان خودمان شاهد آن بودم که چگونه مثلا در موقع پس گرفتن اذربایجان برخی از فرزندان این آب و خاك هنگامیکه در میدان رزم از پای در میافتادند، در وقت فدا کردن جان شیرین خود نام ایران را با خون خویش برروی زمین مینوشتند و در همان وقت بعضی دیگر از افراد همین مملکت سبب این تجزیه ننگین میشدند و یا از راههای دیگر درصدد جاسوسی و تسلیم کشور با جانب مختلف برمیامدند».

تردید نیست همه عوامل بیگانه با هر ماموریت و در هر سطح مانع و سد راه پیشرفت مملکت بودند زیرا منافع خارجی با هر مشخصاتی، ایجاب میکرد نابسامانیها و تنگناها و تضادها هر روز در اجتماع ایران زمینه‌های تازه‌ای را در بر گیرد و ابعاد ان گسترش یابد. تشکیل احزاب متعدد، تقویت خلاء فکری، ایجاد چندگانگی، ناپایداری در سیاست، تضعیف قدرت مرکزی و از همه مهمتر تلاش برای متزلزل کردن فرماندهی شاهنشاهی و تقویت بدباوریهای فکری و درهم ریزی منطق ملی، همه وهمه در کنار فقر روزافزون اکثریت زحمتکش و سودجوئی و فرصت طلبی اقلیت متجاوز، بصورت خطر جدی برای تمامیت و حفظ جامعه ایرانی ظاهر شده بود. شاهنشاه در این باره میفرمایند«تحلیل و تجزیه این مسائل مرا متوجه آن مساله اساسی و حیاتی کرد که کلید واقعی حل این معما است. باین نتیجه رسیدم که با استفاده از امکانات خداداد این مملکت و با بهره‌برداری از ثروتهای طبیعی و فراوان آن، البته میشود باصطلاح پول هنگفتی بدست آورد و بااین پول احیانا راههای درجه یك ساخت و سدهای عظیم بنا کرد و ساختمانهای رفیع و بسیار زیبا ایجاد نمود ولی از این ساختمانها و سدها و راهها و امثال آن، چه کسانی میبایست استفاده بکنند؟ و چه نفر میبایست استفاده بکند؟ آیا میبایست از این راه فقط متمکنین، که ثروتمند بودند، ثروتمندتر بشوند؟ آیا میبایست تنها عده معدودی که بنام هئیت حاکمه مملکت، همه منابع و ثروتها را دردست خود تمرکز داده بودند، متمتع‌تر و قویتر شود؟» شاهنشاه بدنبال این بحث و پس از اشاره باینکه تا زمانیکه ثروت بطور عادلانه بین افراد جامعه توزیع نگردد فراوانی آن چیز مهمی بنظر نمیرسد، خاطرنشان میسازند «بدیهی است اگر میبایست تمام فعالیت‌ها و همه بهره‌برداریها از منابع طبیعی و انسانی مملکت فقط باین نتیجه برسد، این کار هیچ نفعی برای ملت واقعی ایران در برنداشت و در واقع کوشش بیهوده و حتی ظالمانه‌ای بود.

با تاکید به تعالیم رهبر ایران باین نتیجه میرسیم که وجود آن تضادها و بی‌عدالتیهای اجتماعی و لزوم توجه جدی به توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت ملی ناگزیر زمینه بروز دگرگونیهای کیفی را در جامعه فراهم میساخت. شاهنشاه در تحلیل واقع بینانه و منطقی اوضاع و احوال قبل از انقلاب، چگونگی شرایط مساعد برای تغییرات اجتناب ناپذیر را چنین توصیف میفرمایند.« بنابراین برای کشور و ملت ما چاره‌ای جز این نبود که اگر بخواهد در زمره ممالك زنده و مترقی و مستقل جهان باقی بماند باید شالوده اجتماعی کهن را زیرورو سازد و آینده خویش را بر اساس اجتماعی تازه که با مقتضیات و احتیاجات دنیای امروز هم‌آهنگی داشته باشد پی‌ریزی کند. »بر این مبنای اصولی، شاهنشاه ادامه میدهند «در سال ۱۳٤۱ بعد از طی نشیب و فرازهای گوناگون در موقعیتی قرار داشتم که اجازه این کار را به من میداد. ملت ایران به من اعتماد کامل داشت و آن پیوند قلبی و روحی که قبلا به آن اشاره کردم از هر وقت دیگری میان من و ملتم استوارتر بود. ملت ایران شاهد آن بود که من در تمام مدت سلطنتم برای حفظ استقلال مملکت مبارزات گوناگونی کرده بودم که یکی از آنها بازگرداندن آذربایجان باغوش مام وطن بود، شاهد آن بود که تا آنجا که برای شخص من امکان داشت در خدمت مملکت و ملت خودم کوشیده بودم». اشاره شاهنشاه در حقیقت تاکیدی است بر همبستگی و پیوند عمیق شاه و ملت که نمونه درخشانی از آن در قیام ملی ۲۸ مردادماه سال ۲۵۱۲ در کاملترین شکل ممکن بمنصه ظهور رسید و این نبود مگر اعتماد عمیق و همه جانبه ملت به فرمانده بزرگی که همه جا در کنار ملت و به هنگام رزم سرنوشت ساز، پیشاپیش آن بوده است. شاهنشاه در توجیه اهمیت این یگانگی خاطرنشان میسازند «بااتکاء به همین اعتماد کامل ملت و با توجه با آنکه هدف من در ایجاد تحول چیزی جز سعادت جامعه ایران نبود و یقین داشتم که ملت هوشمند ایران این موضوع را به خوبی احساس می‌کند، حاصل مطالعات خودم را در یك برنامه انقلابی به معرض افکار عمومی گذاشتم و برای تصویب، به رای ملت ایران واگذار کردم و بدین ترتیب انقلاب اجتماعی عظیم ایران با دموکراتیکترین صورت ممکن وارد مرحله عمل گردید».

انقلاب ایران، از همان آغاز، راه بازسازی و نوسازی جامعه ایرانی را با تکیه بر سنتها و ارزشهای پسندیده و کهن در پیش گرفت. بازسازی جامعه، مسلما فقط به معنی ایجاد دگرگونی در زمینه‌های صنعت کشاورزی، سیاست و یا روابط و مناسبات تولیدی نیست، بلکه جامعه انقلابی پیش از هر چیز باید از معنویت برخوردار باشد، به عبارت دیگر، هیچ انقلاب و هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند در جامعه‌ای بروید و بپاید، مگر آنکه با خصوصیات و مقتضیات تاریخی و فرهنگی و در حقیقت با ویژگیهای ملی آن جامعه در ارتباط و هم‌آهنگ باشد.

شاهنشاه در زمینه این سئوال که فلسفه و روح انقلاب ما چه بود، چنین پاسخ میدهند.«این انقلاب در درجه اول یك انقلاب ایرانی و منطبق با روح و سنن ایرانی بود. ما این انقلاب را به صورت یك کالای وارداتی تحویل ملت ندادیم، زیرا اصولا شان ملت ما که خود در طول هزاران سال خلاق فکر و فلسفه و منطق بوده است، این نیست که در این مورد (جامه عاریت) دیگران را برتن کند. ما راههائی براساس نبوغ ایرانی و با در نظر گرفتن تمام اصول ذکر شده اتخاذ کرده بودیم که قطعا در آنها از تجارب مفید دیگران استفاده شده بود ولی بخصوص هر قسمت از آن که لازم بود ابداع خود ما بود»

بر اساس تعالیم شاهنشاه در انقلاب ایران دو بنیاد مقدس وجود دارد که انقلاب چه در مراحل تکوینی و چه در مراحل بعدی، از ان غافل نمانده است

بنیاد حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی و بنیاد توجه به معنویت و ایمان به خداوند. بر این مبنا باید دانست که انقلاب در محو آثار و برانداختن هر نوع استثمار، چه فردی و چه جمعی و هر وضعی که مالاً به نفع یك اقلیت محدود و به زیان اکثریت ملت باشد، آشتی‌ناپذیر بوده است. در همین طریق و بخاطر تحقق همین هدف بزرگ بود که انقلاب در مرحله عمل، به براندازی اصول و روابط ارباب و رعیتی و سرکوبی مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ان پرداخت، تغییر روابط تولیدی، تغییر مناسبات تولید را طلب کرد و زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای آرایش جدید نیروها به نحوی فراهم آمد تا قادر به انجام خدمات خود دربازسازی ملی و تامین شکوفائی آن باشد. انقلاب ایران از یك سو به برقراری رابطه منطقی میان نیروی انسانی و منابع ملی و از سوی دیگر بین سرانه درآمدها و توزیع عادلانه درآمد ملی، تعادلی در حد معقول و قابل تجدید نظر و مستعد تکمیل برقرار کرد.

# فصل چهارم

## بازسازی وحدت و استقلال ملی

بدون بازسازی وحدت و استقلال ملی، رسیدن به تمامی هدفهای انقلاب امکان پذیر نبود، وحدت و استقلال ملی، مبنای شکوفائی اقتصادی و سیاسی و تضمین کننده حیثیت و غرور ملی است. از این رو انقلاب ایران از بدو تولد، یك دم از تحکیم وحدت ملی باز نایستاده و اصل سیاست مستقل ملی را از ارکان جهان بینی خود قرار داده است

بعبارت دیگر، بازسازی وحدت ملی و سیاست مستقل ملی که شرایط ناشی از آثار و نتایج جنگ جهانی دوم آنرا آسیب رسانیده بود، در صدر هدفها و جهت‌گیریهای انقلاب قرار گرفت.

در پرتو و پناه این سیاست ملی، ایران نه تنها حاکمیت مطلق خود را بر تمامیت ارضی کشور اعمال کرد، بلکه گرانبهاترین ذخائر و منابع مادی و ملی خویش را از دستبرد استعمار رهانید و رسوائی سازش و ائتلاف نامقدس دشمنان منافع ملی را موجب گردید

اعمال سیاست مستقل ملی از راه بازسازی وحدت ملی، باعث شد ایران در عرصه جهان بموضع قدرت واقعی دست یابد و مرتبت مناسب شأن تاریخی خود را در جمع خانواده ملل بدست آورد

### ۱ – صنعتی شدن ایران

جامعه ایران از نیم قرن پیش، صنعتی شدن را در مسیر آرمانی خود قرار داد، ایجاد صنایع سبك و فراهم آمدن مقدمات بهره‌گیری از صنایع سنگین به روزگار شاهنشاهی رضاشاه‌کبیر، عامل بسیار مهمی در خودکفائی صنعتی ایران بشمار میرفت و براین پایه بود که انقلاب ایران صنعتی شدن را در جهت رشد متناسب با شرایط جدید که هدف آن دسترسی به مزایای جامعه صنعتی بدون درگیر شدن با نارسائی‌ها و تنگناهای آن است قرار داد.

ایران دیگر کشوری نبود که بعادتی معهود و به روالی معمولی در راهی کوفته برود. ضرورتهای جامعه انقلابی ایران حکم براین میکرد تا ایران مصرف کننده، در مسیر ایران تولیدکننده قرار گیرد.

ایران که صنعتی کردن خود را آرام و از صنایع سبك شروع کرده بود، در فضای جدیدی که از پرتو انقلاب روشنی میگرفت، شجاعانه و عالمانه و نه صرفا جاه‌طلبانه، دست بکار توسعه و گسترش آن شد وبویژه در جهت تکمیل صنایع سنگین راههای تازه‌ای را مبتنی بر امکانات و استعدادهای مکشوفه جستجو کرد. شاهنشاه که صنعتی شدن را راه تعالی ملی میدانند در این باره خاطرنشان میسازند:

«برنامه اصلی ما برای پیشرفت مملکت و بالا بردن سطح زندگانی مردم آن، یعنی تامین اینده استوارو کاملاً اطمینان بخشی برای ملت ایران، صنعتی کردن مملکت است، زیرا هیچ مملکت مترقی را در دنیای امروز نمیتوان یافت که درامد سرانه مردم آن بیك حد عالی رسیده باشد مگر آنکه آن مملکت هر چه بیشتر صنعتی شده باشد. بنابراین در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران طبعاً نقش درجه اول بر عهده صنعت گذاشته شده است.»

با توجه باین تعالیم، تسریع در توسعه صنعتی از راه تجهیز حداکثر منابع کشور و همچنین تامین مشارکت عمومی در فعالیتهای وسیع صنعتی کشور، اساس و خصلت سیاست صنعتی کردن را در رفت.و تشکیلات صنعتی مملکت براین مبنا بنیان یافت.

شاهنشاه در تشریح و تعیین ابعاد این سیاست متذکر میشوند. «ما در تعیین حدود و جهات پیشرفت صنعتی، از یك طرف امکانات طبیعی و اجتماعی و مالی و فنی خود را در مد نظر داریم و از طرف دیگر متوجه اتخاذ جدیدترین روشهای علمی و صنعتی با توجه بمقتضیات بازارهای جهان هستیم، و در این راه خود را در زنجیر هیچ مکتب اقتصادی که با روحیات و سنن ملی ما و با توسعه اقتصادی ما ناسازگار باشد پای‌بند نمیکنیم»

این واقع‌گرائی در تعیین سیاست صنعتی کشور که شاهنشاه بوضوح از آن سخن میگویند موجب شد که قدرت صنعتی فزاینده مملکت بمثابه اهرم مطمئن توسعه و پیشرفت، در دست فرمانده انقلاب، راه را برای ایجاد جامعه متعالی، به مقیاسی فراتر از برآورد دیده نگران باز کند، انقلاب ایران در رهگذر صنعتی شدن جامعه درجه شتاب را، در رابطه باامکانات محیطی و خصائص اجتماعی و الزامات ملی، متوازن ساخت و با تکیه بر این شیوه منطقی تاثیر بازدارنده عوارض منفی ناشی از توسعه صنعتی را بحداقل رساند، انقلاب ایران آنگونه صنعتی شدن راکه به تخریب و ویرانی محیط‌زیست و کشتن تعادل‌های زندگی‌آفرین هر قلمرو جغرافیائی منتهی شود دنبال نکرده است و همرمان با جهت‌گیری در کار صنعتی شدن، بایجاد نوعی وجدان نسبت به محیط زیست، توجه داشته و همه کوشش‌ها رامتوجه بهره‌برداری منطقی و عاقلانه از منابع و ثروتهای کشورساخته است.

لطفاً ورق بزنید

# فلسفه انقلاب ایران

انقلاب ایران در این مرحله از تحول، حراست و نگاهبانی از منابع طبیعی و احترام به طبیعت را که از ارکان فرهنگ ملی ایرانیان است وظیفه مقدس همگان و فردفرد مردم این سرزمین میداند و ملت را عملاً و اخلاقاً مسئول حفاظت محیط زیست ایران‌زمین میشناسد. انقلاب ایران صنعتی شدن را در مفهوم وسیع آن که ممد کشاورزی و هر گونه تولید ملی است، در نظر گرفته و در عین حفظ جنبه‌های مثبت این بخش از تولید سنتی، صنعتی کردن کشاورزی را هدف قرار داده است.

شاهنشاه در این باره میفرمایند«با صنعتی شدن مملکت که لازمه آن نیز مکانیزه شدن کشاورزی است امکانات توسعه کشاورزی افزایش خواهد یافت.»

شاهنشاه آنگاه در تشریح کلی سیاست صنعتی کشور و بمنظور روشن ساختن خطوط اصلی حرکت صنعتی و چگونگی آن تاکید میکنند:

«سرزمین پهناور ایران دارای منابع زیرزمینی عظیم و فراوانی بصورت مواد اولیه کشاورزی و معدنی و نیرو است که ما باید همه آنها را در توسعه صنعتی کشور بکار بریم و براین اساس صنایع بزرگتری را که در مواردی دارای اهمیت جهانی هستند ایجاد کنیم. نیروی انسانی کشور ما از لحاظ مقدار پیوسته رو بافزایش است و نه فقط کمیت آن بلکه بخصوص کیفیت آن بر اثر تحول اجتماعی ناشی از انقلاب فرصت تکامل بیشتری یافته است، بدیهی است استفاده از این منابع طبیعی و مالی و انسانی وقتی میتواند نتیجه مطلوب بدهد که با تکنولوژی نو و مدیریت صحیح توأم گردد.»

بدین ترتیب انقلاب ایران و محتوی ترقیخواهانه آن با حفظ کلیه مظاهر انسانی و احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی نه فقط قادر به تحقق کامل آرمان صنعتی شدن کشور است، بلکه تضمین کننده تکامل پالایش جامعه فردای ایران نیز خواهد بود. بدیهی است صنعتی شدن ایران برکنار از توجه به مهارتها و تاکید بر انضباط کار و اشاعه و ترویج صنعت ملی نمیتواند باشد، شاهنشاه در این باب میفرمایند. «کشور ما برای ترقی و پیشرفت کامل خویش باید بصورت یك کشور صنعتی درآید و لازمه این کار این است که افراد هر کدام در کار خودتبحر داشته باشند، چه زارع و چه کارگر و چه افرادی که در مشاغل اداری و در سایر رشته‌ها کار میکنند» رهبر ایران بر این زمینه به مسئله آموزش میپردازند و خاطرنشان میسازند «تحقق هدف رسیدن به اجتماع متخصص مستلزم دگرگونی کامل اساس آموزش در مملکت و تطبیق آن با احتیاجات و مقتضیات جامعه جدید ایرانی است و باین منظور باید کاری کنیم که به هر فرد مستعد، امکان تحصیل در مدارس حرفه‌ای و تخصصی که باید در تمام رشته‌هاایجاد گردد داده شود تا در این مدارس افراد متخصص یا نیمه متخصص تربیت شوند.»

در اینجا این نکته نیز در خور توجه است که انقلاب ایران صنعتی شدن کشور را نه ببهای قبول هرج و مرج اجتماعی و اقتصادی دنبال کرد و نه ببهای گردن نهادن به حاکمیت مطلقه صنعت.

شاهنشاه تاکید میکنند «اجتماع ایران فردا، صرفاً بر اساس عدالت اجتماعی ، تقسیم و توزیع عادلانه ثروتها، کارو کوشش شرافتمندانه ، بهره برداری هرکس از زندگی بتناسب کار و سرمایه، بر اساس موازین قانونی و با تامین حداقل زندگانی برای عموم متکی خواهد بود...»

## ۲- رفاه انقلابی

با اتکاء بقدرت تولیدی، جمعیت فعال ایران و منابع طبیعی سرشار و گرانبهائی مواد اولیه و تولیدات صنعتی سرزمینمان، تمام برنامه‌های اجتماعی و رفاه فردی در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد ملی است. انقلاب ایران در این راه آسودگی و ایمنی و فراغت مادی و معنوی هر فرد و تمامی جامعه ایرانی را جستجو میکند. باید کاملاً دریافت، که سیاست رفاه انقلابی، کلید امنیت ملی و ضامن بهروزی مردم ایران و همچنین سلاح موثری است در تحکیم سیاست مستقل ملی و همزیستی مسالمت آمیز و جانبداری از صلح جهانی. شاهنشاه میفرمایند. «هیچ منفعتی غیر از منفعت اکثریت این مملکت مورد نظر نیست. هر قانونی که وضع شده است برای تامین منافع اکثریت است. در قبال تامین منافع اکثریت، اقلیتها نیز میتوانند از قوانین عادلانه ما برخوردار باشند. امروز دیگر امتیاز طبقاتی در این مملکت وجود ندارد و از لحاظ قانون همه مساوی‌اند، از لحاظ حیثیت و شرافت ذاتی نیز همه مساوی‌اند».

رفاه انقلابی، هم تضمین کننده حداقل زندگی از تولد تا مرگ است و هم مبین تحول دائمی در سطح زندگی آحاد و افراد ملت. در چنین نظامی بدیهی است افزایش ثروت ملی مفهوم افزایش ثروت اشخاص و طبقه معینی را ندارد.

انقلاب ایران نیروی جامعه را متوجه مسئله کاهش هر چه بیشتر اختلاف سطح زندگانی شهر و ده میکند. این رفاه مراکز تجمع انسانی کشور را اعم از شهر و ده از لحاظ خدمت رسانی با توجه به خصائص هر منطقه برابر میدارد. به سخن شاهنشاه:

«تمام فاصله‌ها را از میان بر میدارد و همه افراد مملکت را از شهری و روستائی از مواهب و ثمرات انقلاب برخوردار میسازد.»

شاهنشاه فراتر از اینها رفته هدف رفاه انقلاب را در زمینه بیمه‌های اجتماعی، چنین توضیح میدهند. «اعتقاد ما اینست که سرنوشت هر کس از هنگامیکه چشم بدنیا باز میکند تا وقتیکه دیده از جهان فرو میبندد باید از راه بیمه‌ها از قبیل بیمه‌های تحصیل و بیمه‌های بیماری و بیمه‌های حوادث و اتفاقات و بیمه‌های بازنشستگی و کهولت و غیره تامین شود حتی استعدادهای ذاتی باید بیمه شوند».

کوتاه سخن آنکه رفاه انقلابی از خفته‌ماندن استعدادها و نشگفتن قرایح فردی و جمعی ممانعت میکند و از این رو ضرورت نظم خدمت رسانی موزون و متعادل را مورد تاکید قرار میدهد، و اینست آنچیزی که انقلاب ایران از رفاه انقلابی اراده میکند.

در انقلاب ایران تعاون و همیاری جایگاه سنتی و تاریخی دارد. هر زمان که هدف مشترك و عامی وجود پیدا کرده و یا خطری موجودیت ما را مورد تهدید قرار داده است، تمامی مردم بپاخاسته، در راه نیل بان هدف و رفع آن خطر از دل و جان کوشیده‌اند. تاریخ کهن ما مشحون از تجربه‌هائی است که بدرستی نمایشگر آنست که نهال تعاون و همبستگی در دل جامعه ما ریشه‌های عمیق و همه جانبه دارد، و این نکته نیز قابل توجه است که هر زمان منافع خاص بر منافع عام پیش گرفته، لاجرم مبانی تعاون و همدلی رو به سستی نهاده و به یکپارچگی جامعه، لطمه زده است و آنچه باز به نجات و سلامت ما کمك کرده همانا بازیابی همبستگی و تقویت ریشه‌های مودت ملی بوده است.

انقلاب ایران با توجه باین خصیصه بارزو با انشعاب از تمایلات ملی، به پیروی از اصول تفاهم و دوستی، راه همزیستی و همکاری را بمنظور استقرار دوستی بیشتر و صحیح ترمیان همه افراد و جوامع ارائه میدهد و اعتقاد دارد، در بستر چنین همکاری و همبستگی است که خانواده بزرگ بشری فرصت خواهد یافت، بر کنار از بر خوردها و تضادها بسوی تعالی همه جانبه پیش رود.

شاهنشاه در اینمورد میفرمایند. «انقلاب ما درست در همین جهت و بر اساس همین اصول مقدس— یعنی بر پایه معنویت و محبت و دوستی و عشق و تفاهم تکوین یافته است. ملدر این راه عملاً پیرو آن اصول عالیه مذهبی و اخلاقی و فکری هستیم که در طول هزاران سال وجه مشخص فرهنگ اصیل ایران بوده است. تعالیم معنوی و فرهنگی ما بما آموخته‌اند که لازمه زندگی هر اجتماع مترقی محبت، دوستی و تفاهم است.»

انقلاب ایران در پرتو این اندیشه رسا، جای سخن باقی نمیگذارد که آنچه امروز جامعه بشری بدان نیازمند است پیروی از اصولی است که نه متکی بر کینه توزی و حقد و آز و دشمنی باشد و نه استثمار و حفظ منافع یك عده را، بزیان عده دیگر، موجب شود. بشریت امروز بیش از هر وقت دیگر احتیاج به تفاهم، بدوستی و محبت و عشق به همنوع دارد و بر این اساس است که رفاه جامعه از طریق اهمیت بخشیدن به تعاون شکل میگیرد. آموزش- شاهنشاه در این باره دلالت بر توانائی انقلاب ایران در ارائه چنین شیوه انسانی دارد. شاهنشاه آنجاکه سخن از سازمانها و تشکیلات تعاونی بمیان میاید خاطر نشان میسازند«ما سعی داریم هر چه بیشتر در توسعه تعاونیها و بیمه‌های اجتماعی بکوشیم زیرا چنین مؤسساتی جوابگوی احتیاجات آینده ما خواهد بود.»

شاهنشاه آنگاه میفرمایند. «مؤسسات تعاونی اساس تحقق اقتصاد دموکراتیك هستند» بدین ترتیب انقلاب ایران در ساختن تمدن بزرگ و جامعه متعلق بآن به پرورش استعدادها و دادن امکان تجلی بدانها، از راه تقویت و توسعه سازمانهای تعاونی اعتماد میکند و آنرا بعنوان راه حل شایسته زمان، بمنظور ایجاد جامعه متعالی ارائه میدهد.

## ۳- جامعه متعالی

هدفهای انقلاب ایران، اعم از توسعه صنعتی و انقلاب کشاورزی و کاهش اختلاف سطح زندگی و درآمد بین ده و شهر و رفاه انقلابی و عدالت اجتماعی همه و همه در جهت ایجاد یك جامعه و یك تمدن برتر از آنچه داشته و داریم است. بعبارت دیگر، مقصود از اصطلاح جامعه متعالی جامعه‌ایست که اجرای برنامه‌های انقلاب ما مشخص کننده سیمای آنست و البته در این تعریف بهیچوجه مسئله برتری جامعه ایرانی در خانواده اجتماعات بشری مطرح نیست و همانطور که شاهنشاه تصریح فرموده‌اند خداوند هیچ ملتی را برتر از ملتهای دیگر نیافریده است، رهبر ایران در ترسیم چنین اجتماعی که از هر جهت شاخص است تعلیم میدهند. «امکاناتیکه یك چنین جامعه‌ای ایجاد میکند بقدری وسیع است که زمینه برای بروز و تجلی انواع استعدادها در آن به نحو بی سابقه‌ای فراهم خواهد شد و تمدن و فرهنگ چنین مملکت و ملتی بحدا اعلای درخشندگی خود خواهد رسید، چنین اجتماعی است که میتواند محکم و استوار و مطمئن سرنوشت خود را همیشه در دست خویش داشته باشد».

## فصل پنجم

### ارزشهای فکری انقلاب

هدفهای انقلاب ایران به مدد اصول این انقلاب در عمل، موجد ارزشهای فکری جدیدی برای جامعه ایران شدند. اجرای این اصول باورهای تازه‌ای در ذهن و روح مردم بپا خاسته ایران کنونی رویاند و این ارزشهای فکری بی‌تردید از مهمترین و اساسی‌ترین عوامل فرهنگ ساز ایران امروزند.

#### ۱- محو اندیشه طبقاتی

نخستین ارزش فکری منبعث از اصول انقلاب محو اندیشه طبقاتی و طبقاتی زیستن است. الغای رژیم ارباب و رعیتی و اجرای اصلاحات ارضی با حرکت شدید و بندگشای خود اساس هر گونه تفکر طبقاتی را در باره جامعه ایران در هم ریخت، پیش از آن روستاها گنجینه‌های مقفلی بودند که کلید آنها جز در دست بزرگ مالکان نبود و قلمرو روستا و روستائی در حریم حقوق خصوصی بود و دولت و حکومت مرکزی نفوذش در پشت دروازه ده متوقف می‌ماند.

قرار گرفتن عوامل تولید آنهم در جامعه‌ای که زراعت مهمترین منبع معیشت و درآمد را تشکیل میداد در دست گروهی کم شمار که خود را «مالك» و «ارباب» و «مالك الرقاب» طبقه‌ای پر شمار بنام رعیت میدانست، منتهی به تسلط جابرانه و سلطه و نفوذ بی انتهای آن بر نهادهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شده بود. اربابان نه تنها توان دهقانان را در راه مقاصد خصوصی تحلیل میبردند بلکه از لحاظ سیاسی از طریق بهره‌کشی فرد از فرد و القای افکار کهنه و منسوخ، نبض این جامعه را در دست میگرفتند.

نظام ارباب و رعیتی بهره‌کشی فرد را از فرد، امری عادی جلوه میداد و تملك منابع طبیعی، مانند مراتع و جنگلها و آبها را حق مسلم اربابان میشناخت. حقارت را در توده دهقانان کم توش و توان تزریق میکرد. نظام ارباب رعیتی، نو آوری در تولید و خلاقیت در جامعه را بسیار کند و نامنظم نگاه میداشت و بدتر از آن دشمنی گروههای اجتماعی را با یکدیگر برمی‌انگیخت و نفوذ خود را در بخش صنعت و دستگاههای اداری و سازمانهای دولتی توسعه میداد. از لحاظ سیاسی هیچ پدیده‌ای عجیبتر از این نبود که رعایا رای میدادند و اربابان به پارلمان میرفتند. انقلاب ایران با در هم شکستن این نظام، نه تنها به تغییر مبانی اقتصاد روستائی و فراهم ساختن زمینه‌های انقلاب کشاورزی دست یافت، بلکه با مناسبات ارباب و رعیتی به ستیزه برخاست بطوریکه اثرات آن را بهمه شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران سرایت داد و نشانه‌های بلوغ فکری در جامعه روستائی پدید آورد. انقلاب ایران ارزشهای فکری ناشی از این واقعه بزرگ تاریخی را ارج نهاده و امحاء کامل مظاهر ناشی از مناسبات ارباب و رعیتی را در اعماق اجتماع ایرانی پی‌گیری کرده است.

#### ۲- ملی کردن‌ها

ارزش فکری دیگر انقلاب ایران تعلق همه منابع ملی بملت است. این ارزش فکری در مورد آبها و جنگلها و مراتع مبتنی بر منطق ملی و اصیل بوده و در مورد معادن و مواد اولیه که در تولید ملی نقش کلید را دارند، ناشی از اهمیت بنیادی آنهاست. شاهنشاه در باره اصل ملی شدن میفرمایند«این تغییر انقلابی نه فقط منطبق با مصالح ملی ایران بود بلکه اقدامی بود که در جهت موازین و تعالیم اسلامی صورت میگرفت» از دیدگاه انقلاب، در شرایط جغرافیائی ایران، در مقیاس یك ده، نه تعلق جنگل و مرتع و آب بیك فرد قابل قبول است و نه در مقیاس ملی، تعلق منابع مهمی چون نفت و آهن و مس و مانند آن که اهرمهای صنعتی شدن ایرانند.

شاهنشاه بارها خاطر نشان ساخته‌اند«منابع خدادادملی نمیتوانند متعلق به فرد باشند، چگونه ممکن است مالکیت فردی را بر منابعی که دست کسی در ایجاد آن دخالت نداشته است قبول کنیم و یا چنین ادعائی را بپذیریم» شاهنشاه بر همین مقوله متذکر میشوند«بهره برداری از منابع خداداد ملی تنها برای استفاده عموم اجازه داده میشود» بدین ترتیب ارزشهای فکری ناشی از ملی کردن‌ها که اصل حرمت محیط زیست را نیز در بردارد تبلور تازه‌ای از واژه میهن در اذهان مردم پدید آورده است که در تمامی فرهنگ ملی حائزتاثیر و اهمیت فراوان است.

#### ۳- تحرك و پویائی انقلاب

انقلاب ایران با اصول اجرائی مکمل و زاینده خود نشان داد که پدیده‌ای متحرك و پویا است .

پویائی انقلاب بعنوان یك ارزش فکری جدی؛ به عنصر ایرانی این فرصت را میدهد که تسلیم جبر نشده و روحیه کمال طلبی را در خود ودر سازمانهای جامعه خود ساری و جاری سازد. تحرك و پویائی انقلاب بمعنی تازه داشتن نیروی فکری و مبارزه با هر گونه تعصب خام و تحجر است . انقلاب ایران در پرتو این ارزش فکری به هدفهای دست یافته قناعت نمیکند و رکود واسارت فکری را از خود دور میسازد. ارزشهای فکری ناشی از پویائی انقلاب، اهرمهای پیش برنده تفکر انقلابی و عامل نوسازی و نو اندیشی مستمر انسان ایرانی است.

در پرتو این ارزش فکری هر گونه تحمیل عقیدتی روبه زوال خواهد رفت بی آنکه حق برخورد آرا و عقاید از افراد سلب شود. تحرك، انقلاب را در خدمت همه و همه را در خدمت انقلاب قرار داده و جامعه رامعناً زنده میدارد. پویائی انقلاب به ارزشیابی مستمر تجارب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میدان داده و خواهد داد.

#### ٤- آموزش سیاسی

در متن انقلاب ایران آموزش سیاسی جائی خاص دارد. برای نخستین بار در تاریخ سیاسی کشور، آموزش مضامین ملی، مورد تاکید قرار گرفته است، مراد از آموزش سیاسی که حق طبیعی هر عضور جامعه ایران امروز است آموختن اسلوب درست اندیشیدن و زنده نگاه داشتن مبانی معتقدات ملی و شناساندن مبانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ایست که در آن زندگی میکنیم. هدف دیگر، آموزش کافی شخص برای مشارکت و مخصوصاً آمادگی بمنظور قبول آگاهانه مسئولیتها است.

بدون آموزش سیاسی آگاهی سیاسی و باور سیاسی در افراد پایه نمیگیرد. تاکید انقلاب ایران بر ضرورت همگانی شدن آموزش سیاسی از آنجهت است که این آموزش هر گونه انحصار فعالیت ودرك سیاسی را به یك گروه خاص محکوم میکند . آموزش سیاسی حربه مؤثری است علیه توطئه‌ها و زهر پاشی‌های ضد انقلاب که از سر حسد و غرض ، باروری انقلاب را نمیپسندد. آموزش سیاسی، مانع انحراف، و چراغ راه نسل حاضر و نسلهای بعدی است. انقلاب ایران این آموزش را امری واجب و مقدس و همگانی میشناسد. بدون آموزش سیاسی مستمر، پویائی انقلاب تهدید میشود. انقلاب ایران ارزش‌های فکری ناشی از آموزش سیاسی را ضامن تداوم تفکر و عمل انقلابی میداند.

تفکر و عمل انقلابی، پدید آورنده شیوه منطقی ، برای حل و فصل مشکلات جامعه است. شیوه منطقی در برنامه ریزیها و تضمین اجرای موفقیت آمیز آنها نقش قاطع خواهد داشت. میتوان گفت که به کمك شیوه منطقی، شکوفائی در زمینه‌های مختلف، از تعادل تولید و مصرف گرفته، تا توازن درآمد و هزینه و سایر اموریکه در محور اقتصاد ملی مطرح است تامین میگردد.

#### ٥- دموکراسی و مشارکت

انقلاب ایران وظیفه حفظ و تعمیم دموکراسی را برعهده دارد. در فضای شاهنشاهی ایران هرگز آزادگی بیگانه نبوده است. ایرانیان

بقیه در صفحه ۱۰۵

با ابراز عمیق‌ترین احساسات میهن‌پرستی و صمیمانه‌ترین علائق قلبی نسبت به نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم،

# کارکنان شرکت «پرس موتور» نیم‌قرن شاهنشاهی پهلوی را باشکوه هرچه تمامتر جشن گرفتند.

**... در فضائی گرم و پرشور و در محیطی صمیمانه که لبریز از احساسات میهن‌پرستی و شاهدوستی بود هیات مدیره و کارکنان و کارگران شرکت سهامی خاص «پرس موتور» نماینده فروش ماشینهای ساخت کارخانجات ماشین سازی تبریز آئین ملی بزرگداشت نیم‌قرن شاهنشاهی پهلوی را در محل شرکت واقع در خیابان سعدی، کوچه بانك تجارت خارجی جشن گرفتند.**

محل برگزاری جشن شرکت پرس‌موتور با آذین‌بندی و چراغانی و با پرچمهای سه‌رنگ ایران تزئین شده بود.

در فضا فریاد شادمانی می‌پیچید و احساسات میهن‌پرستانه طنین دلنشین داشت. شخصیتهای صنعتی و اقتصادی و بازرگانی، کارکنان و کارمندان شرکت پرس‌موتور و گروه کثیری از کارگران این شرکت با خانواده‌هایشان همه یکجا گرد هم آمده بودند تا ضمن ابراز عمیق‌ترین احساسات میهن‌پرستی و صمیمانه‌ترین علاقه قلبی به نظام شاهنشاهی قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم نیم‌قرن شاهنشاهی افتخارافرین و غرورانگیز سلسله پهلوی را جشن بگیرند. جمعی از نمایندگان و گزارشگران وسائل ارتباط جمعی نیز حضور داشتند. در سراسر اطراف محوطه جشن شعارهای گوناگون میهنی و یکایك اصول هفده‌گانه انقلاب شاه و مردم بطرز بسیار جالبی نصب شده بود و با شیرینی و شربت و میوه و چای از مدعوین و مهمانان و حاضران و شرکت کنندگان جشن پذیرائی میشد.

برنامه جشن شرکت پرس‌موتور با سلام شاهنشاهی آغاز شد و در محیطی گرم و صمیمانه و پرشور و شوق با شعارهای میهن‌پرستانه و پیاپی حاضرین ادامه یافت...

**ابتدا آقای حاجی حدادی مدیرعامل شرکت «پرس موتور» به نمایندگی از طرف اعضای هیات مدیره شرکت پشت میکروفون قرار گرفت و ضمن خیر مقدم و خوش آمدگوئی به حاضران طی سخنان مبسوطی اظهار داشت:**

**خانمها، آقایان، میهمانان گرامی، اعضای محترم هیات مدیره، با عرض تشکر از تشریف‌فرمائی و حضور شما دراین جشن، افتخار دارد**

پنجاهمین سال شاهنشاهی پر خیر و برکت دودمان جلیل پهلوی را که در حقیقت سازنده تاریخ سرفراز ملت نجیب و شریف ایران است بحضورتان تبریك عرض کرده از خداوند متعال مسئلت دارم بما توفیق روز افزون عطا فرماید تا پاسدارانی لایق برای بثمررساندن هدف مقدس انقلاب اصیل و سازنده میهن گرانقدر و عزیز خویش باشیم.

گرد هم‌آئی امروز ما در واقع قطره‌ای از دریای بیکران سپاس ملت ایران به پیشگاه شهریار عظیم‌الشان، شاهنشاه آریامهر است که کشور و ملت ایران را به چنین مرحله از پیشرفت و ترقی و تعالی رسانیده‌اند و با رهبری‌های داهیانه خود ملت ایران را از کلیه جهات در میان ملل جهان سربلند و سرافراز ساخته‌اند. شایسته ملت ایران است که امروز در قبال اینهمه پیشرفت عظمت و اعتلا و سرافرازی، سر تعظیم فرود آورد و نیم قرن پیروزی ملی خود را جشن بگیرد. مدیر عامل شرکت پرس موتور در ادامه سخنان خود به روزگاران پیشین اشاره کرد و گفت: پنجاه سال پیش زمانی که نا امنی، جهل، فقر و تنگدستی سراسر کشور را فرا گرفته بود سردار بزرگ تاریخ ایران رضا شاه کبیر با قیام دلیرانه خود در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی مطابق با ۲۴۸۴ شاهنشاهی به کمك ملت ایران شتافتند.

سردار نامی ایران با خدمات و فداکاریها و جانبازی‌های خویش مانند: احداث راه‌آهن سراسری، تاسیس دانشگاه، ایجاد بانك ملی و احداث کارخانجات بزرگ صنعتی و صدها و بلکه هزارها اقدام رفاهی و عمرانی، ملت ایران را از نفوذ بیگانگان رهائی بخشیدند و آزادی و افتخار را بملت ایران ارزانی داشتند.

لیکن ایران نوپا و نوخاسته در تنگناهای جنگ دوم جهانی دوباره درگیر مصائب و مشکلات گوناگون شد.

در چنین فضای نامطلوب و در چنین وضع نامساعدی بود که شاهنشاه آریامهر امر خطیر سلطنت را بعهده گرفتند و عشق و علاقه به میهن و ملت که ارزنده‌ترین میراث شاهنشاهی پهلوی است، شاهنشاه آریامهر را بر آن داشت تا آرزوی پدر تاجدارشان را در حفظ اعتبار و عظمت ملت ایران براورند.

امروز ملت ایران در پرتو اندیشه‌های خلاق شهریار اندیشمند و خلاق و مبتکر خود و در فروغ انقلاب شاه و مردم در راه پیشرفتهای همه جانبه اجتماعی، اقتصادی، فنی، صنعتی و علمی گام‌های سریع و مطمئن برداشته و ایران عصر رستاخیز چهره‌ای نوین یافته و صنعت در کشور ما با نظم و سرعتی بیمانند و تحسین‌آمیز در راه تحقق آرمان‌های ملی گسترش میابد.

در عصر پر افتخار پهلوی و در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر در اقصی نقاط کشور اجرای صدها پروژه عمرانی و آبادانی، سیمای کشور را تغییر کلی داده است توسعه و ایجاد دانشگاه‌ها و مدارس عالی، ایجاد بنادر و فرودگاه‌های بین‌المللی، توسعه و گسترش خطوط آهن، بستن سدهای عظیم بر رودخانه‌ها، صدور او امری در جهت حفظ محیط زیست، مبارزه با فساد، تعمیم بهداشت، تحصیل و تغذیه رایگان همه از مسائلی هستند که هنوز میلیونها انسان در گوشه و کنار جهان در آرزوی حصول به آن هستند.

آقای حاجی حدادی افزود:

به میمنت فرخنده جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی و بپاس نیم قرن برخورداری از آسایش اجتماعی و استقلال ملی از خداوند بزرگ مسئلت دارم مارا یاری دهد تا سهم خویش را در سازندگی ایران صنعتی افزایش دهیم تا همانطور که منظور نظر رهبر اندیشمند ملت ایران است در مدتی کوتاه سرزمین گرانقدر میهن عزیز خود را در زمره چند کشور بزرگ صنعتی جهان قرار دهیم و به هدف مقدس و متعالی که رسیدن به تمدن بزرگ است دست یابیم...

با عرض تشکر مجدد از حضار گرامی و بامید موفقیت‌های روز افزون و پایداری شاهنشاهی شهریار عالیقدر ایران شاهنشاه آریامهر...

پس از سخنان آقای حاجی حدادی مدیر عامل شرکت «پرس موتور» آقای اشکیه یکی از کارکنان شرکت «پرس موتور» بنمایندگی از طرف کارمندان و کارگران و همه کارکنان شرکت پشت میکروفون قرار گرفت و طی سخنانی اظهار داشت:

ضمن عرض خیر مقدم به خانمها، آقایان و مهمانان گرامی و شرکت کنندگان در این مراسم و با کسب اجازه از اعضای محترم هیئت‌مدیره بنمایندگی از طرف کارکنان شرکت «پرس موتور» پنجاهمین سال شاهنشاهی پرخیر و برکت دودمان جلیل پهلوی را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و ملت ایران تبریك عرض میکنم.

آقای حاجی حدادی مدیر عامل

گوشه‌ای از مراسم جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

بزرگداشت هرچه شکوهمندتر پنجاهمین سالگرد شاهنشاهی خاندان جلیل‌القدر پهلوی از طرف طبقات مختلف مردم، قدرشناسی ملتی است که ۲۵ قرن به نظام شاهنشاهی کشور خود عشق ورزیده و در دفاع از این شرف و مظهر استقلال و تمامیت ارضی خود انواع خطرات را بجان پذیرا گشته است.

مروری در پنجاه سال شاهنشاهی سلسله افتخار آفرین و غرورانگیز پهلوی بخوبی نشان میدهد که چگونه کشوری که جولانگاه چپاولگران و مزدوران بوده و از امنیت اجتماعی و قدرت حکومت مرکزی آن، حتی نامی بجا نمانده بود سردار بزرگ تاریخ ایران رضا شاه کبیر در کوتاه زمانی آن را بصورت کشوری مستقل و آباد و برخوردار از اعتبار و حیثیت جهانی درآورد. شاهنشاه آریامهر نیز در دورانی که بحرانهای بزرگ سیاسی و اقتصادی ارکان قدرت و نظام فرمانروائی مقتدرترین دولتهای جهان را نیز بلرزه درآورده بود و دنیائی را با افزایش میزان بیکاری و گرسنگی و جنگهای خانمانسوز داخلی روبرو نموده بود، با اراده و ایمانی راسخ و قابل ستایش، ملت ایران را در رسیدن به موهبتهای بزرگ زندگی و برخورداری از اعتبارات و افتخارات جهانی رهنمون گشتند و قدرت و اعتبار و عظمت و نفوذ سیاسی و اقتصادی و رفاه اجتماعی مردم و پیشرفت صنعتی کشور را سبب شدند.

اینك که با الهام از عقاید قابل تقدیس و منویات پاك رهبر عالیقدر ملت ایران دریافته‌ایم که استقلال سیاسی و اقتصادی و صنعتی ملتها گرفتنی است نه دادنی، مدیران و کارکنان شرکت سهامی خاص «پرس موتور» اینهمه پیشرفت و ترقی و تعالی و عظمت و اعتبار و حیثیت جهانی را که در سایه رهبریهای داهیانه و رهنمودهای اندیشمندانه و ابتکارات خلاقه شهریار عظیم‌الشان ایران حاصل شده است به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت و ملت نجیب و شریف ایران تبریك و تهنیت عرض مینماید

پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی که نگینی است بر تارك ۲۵ قرن شاهنشاهی ایران و خورشیدی است تابناك بر هزاران سال فرهنگ پرفروغ این مرزوبوم، بر ملت ایران مبارك باد

درود بروان پاك سردار بزرگ تاریخ ایران رضاشاه کبیر سر سلسله دودمان پهلوی زنده باد

آقای اشکیه نماینده کارکنان

شاهنشاه آریامهر طراح و مبتکر انقلاب اصیل و سازنده ایران برقرار و پایدار باد پرچم پر اهتزاز ایران.

بیانات پرشور آقای اشکیه نماینده کارکنان شرکت پرس موتور نیز در میان شوق و شور و ابراز احساسات میهن پرستانه حاضران و کف‌زدنهای ممتد شرکت کنندگان در جشن پایان پذیرفت.

جشن شکوهمند و آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در شرکت سهامی خاص «پرس موتور» پس از پذیرائی مفصل از حاضران و شرکت کنندگان خاتمه یافت.

# مرکز تعلیمات حرفه‌ای خرم‌آباد گشایش یافت

*** در هر دوره ۱۵۰ کار آموز تحت تعلیم قرار میگیرند.**

*** جوشکاری- لوله کشی- بنایی سیم کشی واتومکانیك از رشته‌های تعلیماتی این مرکز است.**

پنجمین مرکز تعلیمات حرفه‌ای صندوق کارآموزی طی مراسمی با حضور وزیر کار و امور اجتماعی در خرم‌آباد گشایش یافت.

در این مراسم که ابراهیم فرح بخشیان، استاندار لرستان، فریدون ناصری معاون نیروی وزارت‌کار و امور اجتماعی، و جمعی از مقامات محلی استان لرستان و نمایندگان سازمانهای کارگری استان شرکت داشتند. مدیر عامل صندوق کارآموزی وزارت‌کار و امور اجتماعی طی سخنانی اظهار داشت: از آنجا که اوامر شاهنشاه آریامهر در جهت تجهیز و تربیت نیروهای انسانی متخصص به کرات شرف صدور می‌یابد وزارت کار و امور اجتماعی با تمام امکانات خویش همواره سعی بر این دارد تا با توسل به کلیه شیوه‌های نظری و عملی از طریق مراکز ثابت و سیار تعلیمات حرفه‌ای نسبت به امر تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز صنایع وظایف خویش را باجرا در آورد. خوشبختانه با تلاش مربیان و سرپرستان و کارشناسان تعلیمات حرفه‌ای، طی ۵سال گذشته قریب شصت هزار کارگر برای جذب بازار کار و صنایع آماده شده است و از طریق مراکز ثابت تعلیمات حرفه‌ای و واحدهای سیار و دوره‌های آموزش ضمن کار و مراکز تکامل صنعتی گروه کثیری از کارگران کشور با مهارتهای فنی و شغلی آشنا شده‌اند.

وی افزود: مرکز تعلیمات حرفه‌ای خرم‌آباد در زمینی به مساحت ۲٤۰۰ متر و زیر بنای ٦۰۰ متر با خود یاری کارآموزان و کمك استانداری لرستان احداث شد که فعلاً در ۵ رشته جوشکاری- لوله کشی- بنایی- سیم‌کشی و اتومکانیك برای هر دوره ۱۵۰ نفر را آموزش میدهد که این ظرفیت بر اساس نیاز تا ۲۵۰ نفر قابل گسترش است. سپس آقای معینی وزیر کار و امور اجتماعی ضمن تشریح هدفهای وزارت کار و امور اجتماعی در جهت تعمیم سطح آموزش حرفه‌ای در کشور گفت: امر آموزش کارگران و افزایش دانش فنی و آگاهیهای تخصصی و شغلی آنان همواره مورد نظر شاهنشاه آریامهر بوده و در هر فرصت اوامری از سوی معظم‌له دایر بر توسعه و گسترش مراکز تعلیمات حرفه‌ای و افزایش تعداد کارآموزان شرفصدور می‌یابد. بهمین جهت مسئولان و دست‌اندر کاران و برنامه‌ریزان مسائل آموزشی وظیفه دارند در قبال مسئولیتهائی که بعهده گرفته‌اند در امر تربیت کارگران ماهر بکوشند، زیرا کشورمان با الهام از رهبریهای شاهنشاه بسرعت و با شتابی استثنائی هر لحظه بسوی صنعتی شدن کامل گام بر میدارد. بنابر این باید به جوانان این کشور همراه با آموزشهای کلاسیك در امر کسب مهارتهای فنی فرصتهای لازم و امکانات کافی داده شود

وزیر کار و امور اجتماعی از جوانان دیپلمه این استان که موفق نشدند به دانشگاهها راه یابند خواست تا در مراکز تعلیمات حرفه‌ای آموزشی که در آینده دراین شهرستان تاسیس خواهد شد با حرف و صنایع مورد نیاز مملکت آشنا شوند و سپس وزارت کار و امور اجتماعی نیز بدون تحمیل هیچگونه هزینه‌ای برای این جوانان امکانات کسب مهارت را فراهم خواهد اورد.

وزیر کار و امور اجتماعی سپس از زحمات و مساعی استاندار لرستان در جهت توسعه و عمران شهری و ایجاد واحدهای مختلف تولیدی که موجب اشتغال گروه کثیری از کارگران استان لرستان را فراهم کرده است تشکر کرد و گفت بی‌شك باید برای کارگران قبل از اشتغال بکار دوره‌های آموزشی ترتیب یابدتا این کارگران جدید با کسب مهارت لازم مشغول کار شوند. و مسلماً با توسعه مراکز تعلیمات حرفه‌ای در این استان سطح مهارتها بالا خواهد رفت و کمبود نیروی انسانی ماهر مرتفع خواهد شد.

وزیر کار در پایان سخنان خود گفت: هم زمان با احداث کارخانه جدید باید در صدد تاسیس مراکز جوار کارخانه نیز بود و وزارت کار و امور اجتماعی نیز در زمینه خدمات فنی و مربی همکاری لازم را بعمل خواهد آورد.

وزیر کار اضافه کرد: هم چنین طبق یك برنامه زمان بندی شده ایجاد یك مرکز تعلیمات حرفه‌ای با هزینه‌ای معادل ۳۰۰ میلیون ریال برای تربیت نیروهای انسانی مورد نیاز منطقه در دست ساختمان است و امید میرود با تشریك مساعی استانداری لرستان این مرکز در زمان پیش‌بینی شده بتواند کار خود را آغاز کند.

سپس استاندار لرستان طی سخنانی به گسترش میزان سرمایه‌گزاری در بخش صنایع طی دو سال و نیم اخیر اشاره کرد و گفت هم اکنون با همکاری صاحبان سرمایه و صنعت کار کارخانجات متعددی در خرم‌آباد در دست احداث است و جمع سرمایه‌گزاری‌های صنعتی در این استان قریب ۹۸ میلیارد ریال بوده است که با توسعه مراکز صنعتی امید میرود تا پایان برنامه عمرانی ششم مجموع کارگران شاغل در بخش صنعت‌دراین استان به حدود چهل هزار نفر افرایش یابد.

همچنین طرح ایجاد دو شهرك بزرگ صنعتی نیز در خرم‌آباد و بروجرد هم‌اکنون آخرین مراحل مطالعاتی خویش را میگذرکه با توجه به گسترش روز افزون قطبهای صنعتی در استان لرستان این دو شهرك مسئله مسکن را برای کارگران و کارکنان واحدهای تولید این منطقه مرتفع خواهد کرد.

## مراکز جوار کارخانه برای تربیت نیروی انسانی ماهر کوشش میکنند

توسعه مراکز آموزشی بویژه مراکز جوار کارخانه از برنامههای گستردهای است که بمنظور تربیت نیروی انسانی متخصص با کوشش و فعالیت هر چه بیشتر دنبال میشود.

دراجرای این برنامه یك مرکز آموزشی جوار کارخانه نساجی در کرج گشایش یافت و فعالیت خود رادر زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص آغاز کرد.

در کوشش برای تاسیس مراکز آموزشی جوار کارخانه تا کنون۱۷ مرکز جوار کارخانه در صنعت نساجی و۳۷ مرکز برای سایر صنایع به امر تربیت نیروی انسانی متخصص کوشش میکنند و این مراکز همراه با سایر مراکزآموزشی سیار و ثابت در جهت تامین نیروی انسانی بازار کار فعالیت دارند.

در مراسم گشایش این مرکز وزیر کار ضمن تاکید بر بیانات شاهنشاه جهت لزوم ارتقاء دانش فنی و حرفهای کارگران از صاحبان صنایع و کارگران خواست که در تجهیز و تربیت نیروی کار برای بازده بیشتر و افزایش بهرهوری خود را آماده سازند و در جوار آن به مسئله بهرهوری مدیریت نیز توجه داشته باشند. زیرا در دورانی که رشد تولیدات و صنایع بایستی علاوه بر تامین احتیاجات داخلی به بازارهای خارجی نیز راه یابد فعالیت و کوشش بیشتر چه در سطح کارگر و چه در سطح مدیریت لازم است.

در پایان مراسم فریدون ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی گواهینامه یکصد و چهل تن از مربیان را که دوره آموزش فنی را بپایان رسانده‌اند بین‌آنان توزیع کرد.

## فلسفه انقلاب

هیچگاه اساس آزاد منشی و احترام به معتقدات و حقوق افراد را نادیده نگرفته‌اند تعالیم شاهنشاه در این مورد تاکید دارد بر اینکه برای ما بشر دوستی و همکاری با دیگران در راه ترقی اجتماعی یك سنت ملی چند هزار ساله است و اکنون نیز مایه افتخار ماست که به پیروی از سنن دیرینه ملی و بر اساس علاقه بحقوق خود و احترام بحقوق دیگران، در راهی مثبت یعنی راه ترقی مادی و معنوی با حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی پیش میرویم پیشرفتی که شاهنشاه از آن سخن میگویند یك بر داشت کاملاً عینی از آن روابط دموکراتیك اجتماعی و مشارکت سیاسی است که در جامعه انقلابی ایران ابزار سازندگی و پیشرفت است. پایه گذاری و نقش دادن بانجمنهای ملی مفهوم دموکراسی ایران را در شکل حکومت مردم بر مردم محقق کرده است زیرا بمردم این فرصت داده شده است تا آنچه را که بمصلحت خود بدانند با دست خود وتحت نظارت خویش انجام دهند و این فقط برای مردم شهرنشین و یا در محدوده شهرها برسمیت گرفته نشده است بلکه در دور افتاده‌ترین روستای مملکت این فرصت فراهم آمده است تا مردم برتری‌ها و اصالتهای روش دموکراتیك را در زندگی روزمره خود آزمایش کنند که نه بخاطر عادت بلکه بمثابه گرامی‌ترین ابزار ادامه حیات و شکوفائی ملی آنرا عزیز بدارند و از روی کمال هوشیاری و شعور سیاسی بآن رج‌نهند.

انقلاب ایران نظم انقلابی را گرامی میشمارد و آنرا هیچگاه منافی آزادی و آزادگی نمیشناسد و با قانون شکنی و هرج و مرج مبارزه میکند. رهبر ایران میفرمایند:

«آزادی واقعی با تظاهر به آزادی‌طلبی فرق دارد، در تظاهر به آزادی‌خواهی میتوان مواعید و اصول فریبنده درخشانی را مطرح کرد و سرابها را بجای آب در نظرها حلوه‌گر ساخت، ولی دمکراسی حقیقی بیش از هر چیز متکی بانضباط و قیودی است که از هر انضباط دیگر سختتر است زیرا حفظ هر قانون و هر آزادی جز با رعایت و اجرای کامل اصول آن میسر نیست و دفاع از حقوق مشروع فردی و اجتماعی مستلزم آن است که بهمین حقوق در نزد دیگران نیز احترام گذاشته شود.

هر ملتی که بخواهد واقعا از نعمت دموکراسی برخوردار گردد میباید عملاً خود را شایسته حفظ اصول این دموکراسی نشان دهد.....باید همه افراد ملت ایران بدانند که آزادی عبارت از لگام گسیختگی و هرج و مرج نیست، آزادی فقط توام با مسئولیت و احترام بآزادی همه امکان دارد.»

باین ترتیب ملاحظه میشود که در جامعه رشد یافته، دوام و بقای دموکراسی مستلزم آن است که مردم بنحو واقع بینانه‌ای مدافع و نگاهبان آن باشند و این ممکن نیست مگر در هر حال و موقعیتی، منافع ملی و عمومی را برتر از مصالح و تمایلات شخصی قرار دهند. زیرا منافع واقعی یك ملت تنها هنگامی تامین میشود که باغراض خصوصی امکان اخلال در تامین منافع اجتماع داده نشود، بویژه آنکه در دنیای ما دیگر، حقوق سیاسی، بدون حقوق اجتماعی، عدالت قضائی. بدون عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی، بدون دموکراسی اقتصادی، مفهوم واقعی ندارد. شاهنشاه در آموزش سیاسی خود خاطر نشان میسازند:

«اجرای اصول عدالت واقعی یعنی عدالت قضائی، توام با عدالت اجتماعی و حقوق سیاسی، همراه با حقوق اجتماعی و دموکراسی سیاسی توام با دموکراسی اقتصادی و اقتصاد دموکراتیك، امروزه نه تنها وظیفه ملی دولتها و حکومتها ، بلکه هدیه‌ایست که هر حکومتی میباید بجامعه بشری و بصلح جهانی بدهد» و در همین مقوله میفرمایند: «یك دموکراسی سیاسی نمیتواند مفهومی داشته باشد مگر آنکه با دموکراسی اقتصادی و اقتصاد دموکراتیك(۱) تکمیل شود. در این اقتصاد دموکراتیك هیچگونه عامل استثماری نباید دخالت داشته باشد، خواه این استثمار بوسیله شخص یا بوسیله دولت و خواه توسط دسته‌ای که مدافع یك اقلیت یا یکی از طبقات اجتماع باشد انجام پذیرد».

چنین است احکام و ارزش فکری انقلاب ایران در باره آزادی و مشارکت ملی که جز آزادی در حیات بکشور همه آزادیها و حقوق دموکراتیك را برای مردم برسمیت میشناسد و آنرا محترم میدارد.

۱– تاکید شاهنشاه درباره اقتصاد دموکراتیك مربوط به آخرین فرمایشات معظم‌له بر زمینه مسائل اقتصادی ایران امروز میشود.

# ۳۷ مربی

# تعلیماتی حرفه‌ای به مرکز آموزشی بین‌المللی تورن اعزام شدند

بمنظور آشنائی هر چه بیشتر با صنایع و تکنیك جدید۳۷ نفر از مربیان اداره کل آموزش حرفه‌ای و صندوق کار آموزی برای شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به مرکز آموزش حرفه‌ای بین‌المللی تورن ایتالیا اعزام شدند.

مرکز تورن که از طریق همکاریهای فنی دفتر بین‌المللی کار تاسیس شده است همه ساله تعدادی از کارگران و کار آموزان و همچنین مربیان کشورمان را که از طریق وزارت کار و امور اجتماعی معرفی میشوند، در دوره‌های مختلف آموزش میدهد و با پدیده‌های جدید علم و صنعت آشنا میسازد.

گروه مذکور در مدت ۹ ماه در رشته‌های اتومکانیك- صنایع فلزی- ماشینهای افزار- تاسیسات برق و ساختمان- ماشین‌آلات ساختمانی- نساجی و لوازم خانگی زیر نظر مربیان مرکز آموزش حرفه‌ای بین‌المللی تورن مهارتهای لازم را کسب خواهند کرد وبرای خدمت در صنایع وابسته به این رشته‌ها بکار گمارده میشوند.

این گروه قبل از عزیمت با آقای امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی ملاقات و گفتگو کردند.

در این دیدار وزیر کار و امور اجتماعی اظهار داشت: این برنامه یك مسئله آموزشی است و باید سعی شود تا از هر فرصتی برای آموختن استفاده شود. آقای معینی افزود شما نمایندگان و سفیران کشور ما هستید که باید ترقیات و پیشرفتهای مملکت را برای ایرانیان مقیم ایتالیا و خارجیانی که در مرکز آموزش حرفه‌ای بین‌المللی تورن تعلیم میبینند،باز گو کنید.

وزیر کار و امور اجتماعی در پایان، ضمن آرزوی موفقیت برای گروه اعزامی به تورن از آنها خواست که با کوشش و جدیت اصول جدید را فرا گیرند تا در آینده بتوانند برای دیگر دوستان خود منشاء خدماتی باشند گروه مذکور پس از پایان دوره و مراجعت به کشور به امر تعلیم و آموزش مربی خواهند پرداخت.

بقیه از صفحه ۵

مردم کشور انجام ندهد، به چه حق از انقلاب و حکومت ملی انتظار حمایت و دفاع از منابع خود را خواهد داشت ؟ همچنین کارگر یا کشاورزی که دستمزد بگیرد و به تولید کالای خوب و کافی نپردازد و یا در کارهای ساختمانی و زیر بنائی سستی روا دارد و وقت مملکت را و پول و سرمایه ملت را تلف کند، چگونه ادعای وطن پرستی نموده و انقلاب را متعلق بخود خواهد دانست؟

وعبرت انگیز و آموزنده و قابل تعظیم و تجلیل اینست که شاهنشاه در ضمن اینکه به شدت کم کاری و بیکارگی و زیاده طلبی و تنبلی و لوس بازی و بی اعتنائی به وجدان کار و وجدان ملی را مورد انتقاد قرار میدهند، در کمال مهربانی و بزرگواری یك بار دیگر در لابلای بیانات خود ولی با صراحت و بدون شائبه و تردید، علاقمندی خود را به استعداد و لیاقت زحمتکش‌های ایرانی ابراز داشته و میفرمایند که :«من مخالف افزوده شدن دستمزد کارگر و زحمتکش ایرانی نیستم، زیرا هنوز حدی بالاتر و زندگی بهتر برای زحمتکش ایرانی ارزو دارم».....اما حدی بالاتر برای زحمتکش و کارگر نه بیکاره و تنبل، زندگی بهتر و مرفه‌تر برای هر هموطن که دین خود را در مقابل ملت و مملکت ادا میکند و نه هر مدعی ظاهری انقلابی بودن و وطنپرستی ولی فراری از کار و تبدیل کنندهٔ محیط کار به تنبل خانه....

ویا در قسمت دیگر از فرمایشات ملوکانه که صحبت از مسکن بمیان می‌آید، شاهنشاه که پیوسته در اندیشه گروههای زحمتکش کارگری و دهقانی و کارمندی می‌باشند، میفرمایند:

«ساختمان باید مناسب درامدهای ایرانی باشد، یعنی باید خانه‌ها و اپارتمانهائی ساخت که اکثریت خانواده‌های ایرانی قدرت خرید یا اجاره انرا داشته باشند نه فقط یك اقلیت..... درهر کاری که میکنیم باید بفکر اکثریت باشیم.... بازهم تاکید میکنم که

باید تعداد هرچه بیشتری خانه و آپارتمان بسازیم، استاندارد کمی پائین‌تر که بقیمت ارزانتر در دسترس همه خانواده‌ها قرار گیرد...» و این نیز مطلبی است که همیشه ذهن شاهنشاه را بخود مشغول داشته و اصول انقلابی را که ایشان ابداع و رهبری درموده و هر روز نیز برای هرچه زودتر و بیشتر بهدف رسانیدن آن کوشش و مراقبت همه جانبه مبذول میفرمایند، همین مساله تامین زندگی اکثریت ملت ایران است و بس ..... تمام رهنمود های شاهنشاه برای افزایش بازده کار زحمتکشان و گروههای مولد نیز دقیقاً در همین جهت است که بهرحال اکثریت ملت ایران با کار فعال خود بحد خود کفائی برسند....

بدنبال تاکید شاهنشاه آریامهر در مصاحبه با مدیر مجله «رستاخیز کارگران» که در نخستین شماره مجله انتشار یافت و این همان مطالبی است که از اولین شماره انتشار این مجله که متعلق به کارگران و زبان خودشان است- مرتب در سر مقالهها و یا در ضمن دیگر مطالب گفته و نوشته شده است، که هم امروز هم، کارگران با نقل و یادآوری قسمتهائی از بیانات تاریخی و اندرزها و هشدارهای بسیار ارزشمند رهبر بزرگشان، ضمن عرض سپاس از این رهنمود های گرانبها، یکبار دیگر در مقابل رهبر بزرگ و فرمانده توانای خود متعهد و ملتزم هستند که از هم اکنون هرکسی در جای خود وظایف خودرا نه فقط در قبال دستمزد بلکه بخاطر انجام وظیفه مقدس ملی به بهترین وجهی انجام داده و با فراهم ساختن زمینه تولید فراوان در هر رشته از تولیدات آینده مملکت را از نظر مالی و اقتصادی تامین کنند ... بازوی ایرانی ضامن بقای ایران.

# بازار کار

**مرکزکاریابی شماره۲ اینعده را به همکاری دعوت میکند**

۱ - **تخصص مورد نیاز**تلفنچی
۲ - **تعداد**٤ نفر
۳ - **جنسیت** زن
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر**-
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/٦

۱ - **تخصص مورد نیاز** ماشین نویس فارسی و لاتین
۲ - **تعداد** ۲۰ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** دیپلم
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۱۰

۱ - **تخصص مورد نیاز** نقاشی پیستوله
۲ - **تعداد** ۲ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه**۲۵۳۵/۹/۸

۱ - **تخصص مورد نیاز** درب و پنجره سازی
۲ - **تعداد** ۱۰ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت

۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۸

۱- **تخصص مورد نیاز:** لوله‌کشی ساختمان
۲- **تعداد:**۳ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن حداکثر:** ۳۵ سال
٥- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۹/٦

۱- **تخصص مورد نیاز:** آبکاری
۲- **تعداد:** ۳ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
٥- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن.
٦- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه.
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۹/۷

۱- **تخصص مورد نیاز:** نراشکاری
۲- **تعداد:** ٥ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
٥- **تجربه:** یکسال
٦- **تحصیلات:** سوم‌متوسطه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۹/٤

**مرکزکاریابی شماره۳ اینعده را به همکاری دعوت میکند**

۱ - **تخصص مورد نیاز** فلزکاری
۲ - **تعداد** ٥ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/٥

۱ - **تخصص مورد نیاز** قالبسازی
۲ - **تعداد** ٦ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۱۰

۱ - **تخصص مورد نیاز** خیاطی زنانه
۲ - **تعداد** ۲ نفر
۳ - **جنسیت** زن
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** دیپلم مخصوص خیاطی
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق

۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۹

۱ - **تخصص مورد نیاز**ریخته‌گری
۲ - **تعداد**٦ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۷

۱ - **تخصص مورد نیاز** پرداخت کاری
۲ - **تعداد** ٦ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه**۲۵۳۵/۹/۱۰

۱ - **تخصص مورد نیاز** آهنگری
۲ - **تعداد** ٥ نفر
۳ - **جنسیت** مرد
٤ - **سن** حداکثر ۳۵ سال
٥ - **تحصیلات** خواندن و نوشتن
٦ - **شرایط دیگر** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ - **محل خدمت** تهران
۸ - **حداقل حقوق** با توافق
۹ - **مزایای شغلی** بیمه
۱۰ - **آخرین مهلت مراجعه** ۲۵۳۵/۹/۸

**مرکزکاریابی شماره٤ اینعده را به همکاری دعوت می‌کند**

۱- **تخصص مورد نیاز** ماشین‌نویس فارسی

لاتین
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات دیپلم
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۷

۱- تخصص مورد نیاز حسابداری
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات خواندن و نوشتن
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸-حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۱۰

۱- تخصص مورد نیاز تراشکاری
۲- تعداد ۱۵ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات باسواد
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۸

۱- تخصص مورد نیاز آهنگری
۲- تعداد ٥ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات باسواد
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸-حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۷

۱- تخصص مورد نیاز فرزکاری
۲- تعداد ٦ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات باسواد
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق باتوافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۸

۱- تخصص مورد نیاز ورقکاری

۲- تعداد ٥ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات خواندن و نوشتن
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/٦

مکانیک ماشین‌آلات ...

۱- تخصص مورد نیاز مکانیک
۲- تعداد ۸ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات دیپلم
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق باتوافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۸

مرکز کاریابی
شماره ۵ این مدیر ابه همکاری
دعوت میکند

سیمکش برق

۱- تخصص موردنیاز تکنسین برق و الکترونیک
۲- تعداد ۳ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات دیپلم برق
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۸

۱- تخصص موردنیاز مکانیک درجه یک ماشین‌آلات
۲- تعداد ٤ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات خواندن و نوشتن
٦- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق باتوافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۲۵۳۵/۹/۷

## کرمانشاه
۱- تلفنچی: ٤ نفر
۲- کارمند دفتری: ۲نفر
۳- نگهبان: ٤نفر
٤- راننده کامیون: ۱نفر
٥- راننده پایه دو ۳نفر

## سنندج
۱- لیسانس کشاورزی: ۲نفر
۲- کارمند: ۳نفر
۳- نقشه کش: ٤نفر
٤- بایگان: ٥نفر
٥- راننده لودر: ۳نفر
٦- سیمکش: ٥نفر
۷- راننده پایه یك ٥نفر
۸- موتورچی ٤نفر
۹- کمك انباردار ۲نفر
۱۰- کارگر ساده ۱۰نفر

## زاهدان
۱- کارمند ۲ نفر
۲- بایگان ٤ نفر
۳- باغبان ۲ نفر
٤- مستخدم ٦ نفر
٥- جوشکار ۲ نفر
٦- بنا ٥ نفر
۷- آرایشگر ۲ نفر
۸- راننده پایه ۲ شخصی ۳ نفر
۹- نجارکار ٥ نفر
۱۰- ماشین نویس ٤ نفر

## ساری
۱- کارگر ساده ۱۲ نفر
۲- کارآموز ۲ نفر
۳- ماشین‌نویس ٤ نفر
٤- آشپز ٥ نفر
٥- نقشه‌کش ٥ نفر
٦- کارمند ۲ نفر

## خرمشهر
۱- مهماندار هواپیما: ٤ نفر
۲- کارگر ساده: ۳۰۰ نفر
۳- بنا: ۲ نفر
٤- ناخدا: ٤ نفر
٥- موتوریست: ۱٤ نفر

## قزوین
۱- کارگر ساده ۱٤ نفر
۲- منشی ٥ نفر
۳- مهندس مکانیك ٤ نفر
٤- تلفن‌چی ٥ نفر
٥- سرپرست انبار ۲ نفر
٦- کارمند ٤ نفر

## کرج
۱- کارمند ٦ نفر
۲- برقکار ٥ نفر
۳- جوشکار ۲ نفر
٤- مونتاژکار ۱۰ نفر
٥- راننده پایه ۲ شخصی ٤ نفر
٦- سیم‌کش ۱ نفر
۷- کارگر ساده ۱۰ نفر

## خرم‌آباد
۱- تکنیسین: ۳ نفر
۲- ماشین‌نویس: ۲ نفر
۳- کارمند: ۱۰ نفر
٤- راننده پایه یك: ۲ نفر
٥- مستخدم: ۲نفر
٦- مونتاژکار: ۳نفر
۷- نیروهوائی: ٤ نفر

## اصفهان
۱- تکنیسین: ۳ نفر
۲- کارمند: ۸ نفر
۳- کارگر ساده: ٤ نفر
٤- مکانیك: ۱ نفر
٥- لوله‌کش: ۳ نفر
٦- گارسون: ۲ نفر
۷- تعمیرکارماشین آلات: ۲ نفر
۸- جوشکار: ۱۰ نفر
۹- انباردار: ۲ نفر

## بوشهر
۱- کارگر ساده: ۳نفر
۲- بنا: ٤نفر
۳- انباردار: ٤ نفر
٤- بتون‌ساز: ۲نفر
٥- ماشین‌نویس: ۳ نفر
٦- راننده پایه ۲ همگانی: ٤ نفر
۷- برقکار ساختمان: ٤نفر
۸- کمك برقکار: ٤ نفر

## قابل توجه جویندگان کار و کارفرمایان
از کلیه جویندگان کار و کارفرمایان تهران و شهرستانها دعوت می‌شود برای راهنمائی شغلی و تامین نیازهای انسانی خود، به مراکز کاریابی و اشتغال زیر،

مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۱ خیابان امیرآباد جنوبی - خیابان رهنما پلاک ۲۳
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۲ میدان شهناز - خیابان مهران پلاک ۱۸۶
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۳ خیابان شوش غربی - پاساژ گوهی پلاک ۲۱۷
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٤ خیابان سپهری باغشاه پلاک ٥۹۰
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٥ چهارراه امیراکرم - ساختمان نخست وزیری

و در شهرستانها بمراکز کاریابی یا ادارات نیروی انسانی مراجعه کنند

# از باشگاههای ورزشی کارگران دیدن کنیم

## باشگاه راه آهن با خریدن ورزشگاه پرسپولیس از نو [illegible]

یاد ان روزها بخیر، یاد ان روزهای دور، یاد ان وقتهائیکه جمعه‌ها، هوای سوارشدن ماشین دودی و سیر و سیاحت در «شاهزاده‌عبدالعظیم» همه‌ی گردش و تعریح خانواده‌های ساکن تهران بود. بزرگترها، [illegible] دورور مانده به جمعه، تهیه و تدارك سفر میدیدند، بچه‌ها از خوشحالی دقیقه‌شماری میکردند، و برای ورجه‌ورجه کردن توی ماشین دودی سر [illegible] نمی‌شناختند. جمعه که [illegible] که سحر، مادرها و مادربزرگ‌ها چادر و چاقچور می‌کردند، مردهای خانواده گوئی که سفر دور و درازی در پیش دارند، اماده می‌شدند، بچه‌ها، حاضر و قبراق در بردن بار و بنه سفر به بزرگترها کمك می‌کردند. هوا گرگ و میش بود که سفر زیارتی و سیاحتی روز جمعه اغاز می‌شد، و اهل‌بیت، هریك دیگ و دیگچه‌ای در دست و بقچه و سماوری زیر بغل راهی «گاردماشین» می‌شدند و از انجا، با «ماشین دودی» رو به شهرری مرقد مطهر حضرت شاهزاده عبدالعظیم می‌نهادند.

راستی چه صفائی داشت این سفر خاطره‌انگیز [illegible] یك روز در ان فضای باز و دلباز «باغ‌طوطی» و در کنار جوی‌های اب روان صفائیه.

حالا دیگر [illegible] ان روزهای خوب جز خاطره چیزی باقی نمانده است. «گاردماشین» در خیابان ری، به پارك تبدیل شد و قسمتی از موتورخانه«ماشین دودی» نیز در ویترین خاطرات گذشته جای گرفت، ولی هربار که سخن از «راه‌آهن» می‌شود، خاطره ماشین دودی تهران-ری در یادها زنده می‌شود. و چنین بود که وقتی برای تهیه گزارش از باشگاه ورزشی راه‌آهن رفته بودیم، یاد گذشته‌های راه‌آهن در ذهن ما جای گرفت

### صاحب ورزشگاه پرسپولیس

این را از دوست ورزشکار مان در [illegible] راه‌آهن می‌پذیریم که «ورزش» در راه‌آهن باندازه «ریل‌ها»

پیشرفت نداشته است! چهل و یك سال پیش با خودیاری مردم، راه‌آهن سراسری ایران، بدست توانای بنیانگذار ایران نو، در تهران گره‌خورد، و بدین سان کرانه لاجوردین دریای خزر به سواحل ارام کارون متصل شد.

دراین مدت، راه آهن سیر تکاملی داشته و در سالهای اخیر قسمت اعظم راه آهن مادر تسخیر توربوترن درامد و در آینده‌ای نه چندان دور نیز شاهد حرکت ترن‌های برقی خواهیم بود.

ولی «ورزش راه‌آهن» پابه پای ریل‌ها و سرعت لکوموتیوها آهنگ پیشرفت نداشت. این را یکی از ورزشکاران قدیمی راه‌آهن می‌گوید.

باشگاه ورزشی راه آهن، از قدیمی‌ترین و مجهزترین باشگاههای ورزشی تهران است. سوای زمین فوتبال، که در کنار ایستگاه مرکزی تهران قرار دارد، و دیگر تاسیسات آن، یکی دو سال پیش، باشگاه راه اهن ورزشگاه اختصاصی پرسپولیس را به مبلغ هنگفتی خریداری کرد، و در حال حاضر، صاحب یکی از بهترین و مجهزترین ورزشگاههای اختصاصی کشور است.

راه اهن، به ورزش ایران خیلی خدمت کرده است. در سالهای تیره و تار جنگ جهانی دوم که میهن ما توسط نیروهای بیگانه اشغال شده بود، از راه آهن، که آن روزهادر اختیار سربازان بیگانه بود، بکس و وزنه برداری، در ورزش ما رشد کرد. و قهرمانان نام آوری نظیر حسین طوسی و علی مدد... از آنجا با الفبای بکس آشنا شدند. مرحوم عبداله نادری یکی از پایه‌گذاران ورزش‌های بکس و وزنه برداری ایران نیز در همین راه آهن، شاگردانش را تعلیم می‌داد.

### قید صعود به دسته اول

پای صحبت آقای رحیمی مسئول باشگاه می‌نشینیم. مدتی است که به ورزش راه آهن خدمت می‌کند در کارش وارد و مجرب بنظر می‌رسد. با ناراحتی می‌گوید: به نسبت تعداد کارگران و فرزندان‌شان و نیز امکاناتی که داریم، تعداد ورزشکاران ماکم است. این درست که ما ورزشکاران و قهرمانانی نظیر نصیری و تاجیك تحویل جامعه ورزش دادیم و تیم فوتبال راه‌آهن که تا سال گذشته در دسته اول باشگاههای تهران توپ می‌زد از جمله افتخارات ورزشی ما هستند، ولی با وجود این، باید اعتراف کنیم که ورزش راه آهن پاپای سایر تاسیسات آن پیشرفت نداشته است. در حال حاضر، مادر حدود چهار صد ورزشکار داریم که بمعنی واقعی کلمه در خدمت ورزش هستند. کارگران ورزشکار و ورزشدوست ما از جمله بهترین ورزشکاران هستند. مادر مسابقه‌های کارگری کشور و در مسابقه‌های جهانی راه آهن‌ها امتیازات زیادی کسب کردیم، ولی این، مارا قانع نمی‌کند.» آقای رحیمی سپس، به وضع تمرین ورزشگاهها اشاره می‌کند....

میپرسم: آیا تسهیلاتی برای کارگران ورزشکار فراهم میکنید؟

می‌گوید: بله، تسهیلات زیادی برای کارگران ورزشکار قائل هستیم. آنان از مرخصی‌های ورزشی، مزایای بخصوص و جوائز پس از پایان مسابقات برخوردار هستند.

-آیا بودجه شما تکافوی این احتیاجات را می‌کند؟

- بودجه ما تکافوی احتیاجات فعلی را میکند. مثلا ما در آینده نزدیکی یك زورخانه زیبا در کنار زمین فوتبال اینجا بنا خواهیم کرد، که اکنون مشغول تامین اعتبار هستیم.

- آیا شبیه باشگاه راه‌آهن در شهرستانهائی که ایستگاه راه‌آهن از کنار آن میگذرد، وجود دارد یا خیر؟

- سئوال جالبی است. ما در اکثر شهرستانهای ایران که ایستگاه راه‌آهن داریم باشگاه مخصوصی برای کارگران آن شهرستان داریم. از جمله میتوان باشگاه خراسان، ناحیه شمال، اراك، لرستان، اهواز، اصفهان، یزد و باشگاه زاهدان را نام برد. استقبال فرزندان کارگران از «فوتبال» در نوع خود جالب است.

از مسئول باشگاه میپرسم آیا شما فکری برای اینگونه افراد که واقعا عاشق ورزش هستند کرده‌اید؟

### چهار دسته فوتبال

- ما ورزش فوتبال خود را به چهار دسته-، دسته یکم، دسته جوانان، دسته نوجوانان و دسته «لکوموتیو کارگران»- تقسیم کرده‌ایم. باین ترتیب فرزندان کارگران میتواند در دسته نوجوانان ثبت نام کنند، و از تسهیلات این باشگاه استفاده نمایند.

- شما گفتید با باشگاههای راه‌آهن کشورهای دیگر مسابقه میدهیم. ممکن است توضیح بیشتری بدهید؟

-«باشگاه راه‌آهن همه ساله با باشگاههای کارگری راه‌آهن دنیا مسابقه میدهد. ارتباط ما همیشه با دیگر همکاران خود برقرار است. مثلا چندی پیش ما در یك مسابقه وزنه برداری راه‌آهن‌های جهان در شوروی شرکت کردیم و مقام سوم را بین باشگاههای کارگری راه‌آهن دنیا کسب کردیم (محمد نصیری مدال طلا گرفته بود) چندی قبل نیز در پاکستان در مسابقات کشتی آن شرکت کردیم و امتیازاتی برای ایران کسب کردیم.»

زمین‌های ورزشی باشگاه راه‌آهن عبارتست از:

زمین فوتبال چمن، که اطراف آن سکوهای مخصوص تماشاچیان نصب شده

کوهنوردان راه‌آهن در قله شیرکوه

**در مسابقات کشتی ازاد (جام بین‌المللی راه‌اهن‌ها) مصطفی تاجیك کارمند تربیت بدنی راه‌آهن ایران و عضو تیم ملی کشتی سابق و مدیر فعلی باشگاه تاجیك و اقبال مدال خودش را از وزیر راه پاکستان دریافت میدارد.**

# ... مجهزترین باشگاههای ورزشی کشور ...

است. استخر شنا، سالن سرپوشیده کشتی، وزنه‌برداری، زمین والیبال، زمین بسکتبال که مجموعه ورزشی باشگاه راه‌آهن را تشکیل میدهد.

از برنامه کار باشگاه ورزشی راه‌آهن میپرسم، مسئول باشگاه میگوید:

– باشگاه روزهای زوج به پرورش اندام و وزنه‌برداری اختصاص دارد و روزهای دیگر کارگران میتوانند به ورزش‌های کشتی بپردازند. در اینجا از بهترین مربیان برای آموزش کارگران استفاده میشود.

ما بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی مسابقاتی بین نواحی ده‌گانه خود برگزار کرده‌ایم که تا کنون مسابقات وزنه‌برداری در اهواز، پینگ‌پنگ در مازندران، والیبال در خراسان و بسکتبال نیز چند روز آینده در خراسان انجام میشود.

همچنین مسابقات کشتی دو ماه دیگر در اهواز برگزار خواهد شد و آخرین مسابقه امسال، مسابقات فوتبال است که در تهران برگزار خواهد شد.

و فینال این مسابقات روز ۲۴ اسفند سال جاری انجام خواهد گرفت.

ورزشکاران این باشگاه شرح زیر میباشند:

**در رشته کشتی ازاد:**

واعظی

فتاحی

باقری

شمیم

گودرزی

بحری

سپهری

**کشتی فرنگی:**

علی‌حدی

حسین نور...

نصیر د...

حسین نور...

کبر فر...

علی‌حسن ... مصطفوی

محمد شعبه...

**وزنه‌برداری:**

تقی روحی

میر در ملکی

پورحم

مسعود قاسمی

تیم فوتبال راه‌آهن ناحیه جنوب (اهواز)

تیم والیبال راه‌آهن مشهد که در مسابقات والیبال پنجاهمین سال سلطنت بین ۱۰ ناحیه راه‌آهن مقام اول را بدست آورد. در عکس خانم پالیزبان فرماندار مشهد و چند تن از رؤسای ادارات این شهر دیده میشوند.

اعضای تیم وزنه‌برداری باشگاه راه‌آهن

ورزش کارگر

# فرار داور، از مرگ نجاتش داد!

این بزن‌بزن‌ها، این محرومیت‌ها، این

سهل‌انگاریها سرانجام جام تخت جمشید

را به نابودی می‌کشاند!

فی‌الواقع چیزی نمانده بود داور زیر ضربات مشت و لگد بازیکنان خشمگین کشته شود!

این را خود ریاحی، داور مسابقه آرارات و ذوب‌آهن پس از نجات یافتن از مهلکه، اعلام کرد. بیان شهود عینی حادثه نیز چیزی در همین حد بود. واقعه در ورزشگاه اختصاصی آرارات و در لحظات آخر مسابقه آرارات و ذوب‌آهن اصفهان روی داد.

درست در لحظه‌ایکه همه انتظار سوت پایان مسابقه را می‌کشیدند، داور، یك ضربه پنالتی علیه ذوب‌آهن اعلام کرد. اصفهانیها، اول زیر بار پنالتی نرفتند و معتقد بودند که توپ به دست مدافع ذوب‌آهن نخورده.... ولی محمد ریاحی، داور این بازی جنجالی که در دقیقه شصت، یك پنالتی بسود آرارات را نادیده گرفته بود، سماجت بخرج داد و سرانجام ضربه پنالتی یك گل بنفع آراراتی‌ها بدنبال آورد و این آغاز ماجرا بود. دراین لحظه، چنانکه تحقیق کرده‌ایم دوتن از خبرنگاران ورزش در میدان بودند و از مسئولان فدراسیون نیز جز بیژن‌معتمدی کسی حضور نداشت. یکی از همکاران ما که شاهد صحنه بود، می‌گفت: همه‌ی ماجرا در یك لحظه، در یك چشم برهم زدن روی داد، از لحظه‌ای که کمك مربی تیم ذوب‌آهن بهمراهی دوتن از بازیکنان ذوب‌آهن، داور را در میان گرفتند واز هر سوضربات مشت ولگد برا و باریدن گرفت، تا وقتی که داور، که جداً جان خود را در خطر دیده بود، با نیروئی فوق‌العاده و با سرعت برق از مهلکه گریخت و به رختکن خود پناه برد: به اعتبار روایت همکار ما، در آن لحظه، جنگ‌چنان مغلوبه شده بود و بازیکنان ذوب‌آهن چنان عنان متانت و خونسردی از کف داده بودند که نه تنها میانجی‌ها از ضربات مشت و لگدشان در امان نبودند، بلکه اگر داور بموقع تصمیم به فرار نمی‌گرفت و بامید میانجی‌ها می‌نشست خطر جدی زندگیش را تهدید می‌کرد. اگر چه پس از این ماجرای زشت و تاسف آور، کمیته قضائی فوتبال در یك تصمیم‌گیری سریع، خاطیان را به کیفر رساند و کمك مربی ذوب‌آهن و سه بازیکن این تیم را به مجازاتهای مختلفی محکوم کرد، ولی آیا این محکومیت، به تنهائی می‌تواند درمان همه ناراحتی‌ها و دردهای فوتبال ما باشد؟ این درست، که گزارش داور و ناظر فدراسیون برای کمیته قضائی حجت است، ولی آیا در مواردی که کار داور خالی از اشتباه نبود و یا مساله‌ای از نظر «ناظر» پنهان مانده آیا تحقیق بیشتر- منجمله پرس وجو از بازیکنان مورد اتهام برای کمیته قضائی ضروری نیست؟

آیا تاکنون این محروم کردن‌ها به تنهائی دردی را درمان کرده است؟

باید شهامت قبول ضعف داوری‌های جام را داشته باشیم و بپذیریم که این ضعف داوری به اصالت جام لطمه میزند و در گیریهای فراوانی را بدنبال می‌آورد که نمونه آن را در هفته‌های اخیر در تهران و شهرستانها دیدیم. نگرانی مشتاقان یك فوتبال خوب و زیبا و تائید کنندگان و حامیان جام تخت‌جمشید در این است که سرانجام این بزن‌بزن‌ها، سهل‌انگاریها و محرومیتها جام زیبای تخت‌جمشید را به نابودی بکشاند.

## بوتانی‌ها، بر قله «دلفک» سیاهکل

کوهنوردان «بوتان» بر قله «دلفك» منطقه سیاهکل صعود کردند و پس از نصب نشان مخصوص پنجاهمین سال شاهنشاهی ایران باز گشتند.

کارگران «بوتان» که بسرپرستی ایرج افخمی جاوید این صعود دشوار را انجام داده بودند، عبارتند از رضا زعیم- حسین جلوه- شاهپور فعال- بهروز بستاکی- مسیح الله‌نوری- حسین میرزائی- فریدون خدائی- تقی تقوی- داود قاسمی.

قله دلفك در منطقه دیلمان سیاهکل قرار گرفته و مسیر صعود آن کاملا جنگلی است و چون جنگلهای این منطقه بکر و خطرناك است، بدون اجازه تربیت بدنی استان گیلان و ژاندارمری لاهیجان و بدون راهنمای محلی نمی‌توان بدان دست یافت.

مدت برنامه صعود به قله یکهفته بود. کوهنوردان فاصله سیاهکل تا دیلمان را ۱۵ ساعته طی کردند، و پس از یك روز استراحت در دیلمان، بطرف «آسیابك» حرکت کردند و پس از شش روز به آنجا رسیدند. یکی از کوهنوردان می‌گفت: صعود به قله، دو ساعت طول کشید و پس از صعود و نصب آرم جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، مراجعت کردیم.

لازم به یادآوری است که در دلفك آب مصرفی‌مان را از یخهای طبیعی تامین می‌کردیم. سراسر قله پوشیده از مه غلیظ است و پرتگاههای خطرناکی که براثر کوچکترین بی‌احتیاطی حوادث ناگواری ببار می‌آورد.

# ماجرای فوتبال، در کشتی تکرار نشد!

در جریان برگزاری مسابقه‌های انتخابی جام آریامهر، چیزی نمانده بود که ماجرای ورزشگاه آرارات که منجر به کتك خوردن داور و محرومیت نسبتا سنگین کمك مربی و سه تن از بازیکنان ذوب آهن شد، در ورزشگاه محمد رضا شاه پهلوی نیز تکرار گردد که خوشبختانه این بار دخالت بموقع ماموران کنار تشك، غائله را خواباند و برآتش اعصاب درهم کوفته آب آرامش ریخت!

ماجرا از این قرار بود که در جریان مسابقه بین جهانشاه کریمی و محمود قشنگ، جهانشاه سه اخطاره شد و طبعا بازنده. ولی تماشاگران که اغلب از بچه محلهای او بودند شروع به اعتراض کردند و مشاجره لفظی جهانشاه کریمی با حریف پیروز خود محمود قشنگ، براین آتش دامن زد و چیزی نمانده بود که کاردست خیلی‌ها بدهد که خوشبختانه همه چیز بخیر گذشت. دراین ماجرا نیز باید در برابر مساله «داوری» یك علامت سئوال گذاشت، بدین معنی که در ظرف سی‌ثانیه دواخطار به جهانشاه دادند و یك کشتی که میرفت بسود او تمام شود، با اخطار سوم، بضررش به پایان رسید.

غیبت چهره‌های سرشناس از کشتی‌گیران از نکته‌های گفتنی این مسابقه‌ها بود. کشتی‌گیرانی نظیر سیدعباسی، محمد رضا طاهری، قدیر نخودچی، محمد خرمی، برادران زرافشانی، حمید علیدوستی، محمد طالقانی، داود ایوب، غلامرضا خلج از غائبان بزرگ بودند. برخی‌ها با عذر موجّه و بعضی‌ها هم شاید برای فرار از میدان حریفان.....

## مسابقات دوچرخه‌سواری کارگران مشهد

کارگران دوچرخه سوار مشهد، در یك مسابقه ۳٦ کیلومتری در مسیر جاده مشهد- شاندیز شرکت کردند. رکاب زنان کارگر که همگی عضو باشگاههای کارگری مشهد بودند، رقابت گرمی داشتند و سرانجام ابوالفضل سلحشور پس از ٤۷ دقیقه و ۱۲ ثانیه به خط پایان مسابقه رسید و اصغر سلمان و پورمحمد خسروی دوم و سوم شدند. برندگان از طرف اداره کل کار خراسان جوایزی دریافت داشتند.

این مسابقه به همت باشگاه ورزشی کارگران مشهد برگزار شده بود.

## کارگران خوزستان،

## قهرمان وزنه‌برداری کارگران کشور شدند

هشتمین دوره مسابقه‌های قهرمانی وزنه‌برداری کارگران کشور، در مشهد برگزار شد. دراین مسابقه وزنه‌برداران کارگر از سراسر کشور شرکت کردند و پس از چند شب مبارزه، سرانجام تیم وزنه‌برداری کارگران خوزستان با ۸۷ امتیاز اول شد. دراین مسابقه‌ها تیم منطقه ٦ تهران با ۸۰ امتیاز دوم و تیم منطقه ٥ استان مرکز با ۷۱ امتیاز سوم شدند. تیم‌های خراسان، تبریز و کرمان مقام‌های بعدی را بدست آوردند.

### قهرمانان منتخب عبارتند از:

مگس وزن: ۱- اکبر معزی (تهران) با ۱۷٥ کیلو ۲- علی‌خانی فراهانی (اراك) با ۱٥۲/٥ کیلو ۳- قاسم صدری (خراسان) ۱٤٥ کیلو.

خروس وزن: علیرضا هاشم‌پور (قزوین) ۱٥۲/٥ کیلو ۲- حمیدصمدپور (اهواز) ۱٤۷/٥ کیلو ۳- علی شاهینی (شاهرود) ۱٤۲/٥ کیلو

پروزن: ۱- یدالله باقری (آبادان) با ۲٤۰ کیلو ۲- محسن خواجگان (اراك) با ۱۷٥ کیلو - کهزاد اسفندیارپور (ترمان) با ۱٤٥ کیلو

سبك وزن: ۱- داودملکی (تهران) با ۲٦۲/٥ کیلو - ۲- مهدی جدبین (رشت) با ۲٤٥ کیلو ۳- حسین تیرانی‌نژاد (آبادان) با ۲۲۰ کیلو

میان وزن: ۱- اردشیر شمسی (اهواز) با ۲٥٥ کیلو ۲- محمد ضینی (تهران) با ۲۲۰ کیلو ۳- جبار عابدی (تهران) با ۲۱۷ کیلو

نیمه سنگین: ۱- محمدعلی عصری (اهواز) با ۲٤٥ کیلوگرم ۲- علی آب پیکر (تبریز) با ۲۲۷/٥ کیلو ۳- علیرضا شکوهی‌فر (مشهد) با ۲۲٥ کیلو

میان سنگین: ۱- غلامرضا بختیاری (فیروزکوه) با ۲۳۷/٥ کیلوگرم ۲- حسین محمدزاده (اهواز) با ۲۲۲/٥ کیلوگرم ۳- جابرقلندری (تبریز) با ۲۲۰ کیلوگرم

سنگین وزن: ۱- علی تبار (تهران) با ۲۰۷/٥ کیلوگرم ۲- سیدعباس منصوری (اهواز) با ۲۰۰ کیلوگرم ۳- دهقان رنجبر (قزوین) با ۱۸۲/٥ کیلوگرم

فوق سنگین: ۱- اکبر شکرالهی (مشهد) با ۲٤۰ کیلوگرم ۲- عامر ضمرجی (اهواز) با ۲۱۰ کیلوگرم ۳- محمدرضا زارع (تهران) با ۲۰٥ کیلوگرم

# ورزش کارگر

## کارگران فاتح جام پهلوی

در مسابقه‌ی جودو کارگران که به مناسبت بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی در محل باشگاه ناشنوایان تهران انجام گرفت، تیم جودو کارگران فاتح مسابقه‌های چهار جانبه جام پهلوی گردید. تیم کارگران با ۱٤ امتیاز به مقام اول رسید و فاتح جام شد. تیم‌های ناشنوایان با ۱۲ امتیاز، استان چهار محال بختیاری با ۸ امتیاز و دانشگاه تهران با ٦ امتیاز مقامهای بعدی را کسب کردند.

## تبریز، قهرمان منطقه چهار فوتبال کارگران

در ماه گذشته مسابقات فوتبال کارگران، در چهار چوب مسابقات کارگری سراسر کشور در تبریز برگزار گردید و تبریز، قهرمان منطقه چهار فوتبال کارگران شد.

مسابقات فوتبال منطقه چهار کارگران ایران با شرکت سه تیم از گیلان، رضائیه و تبریز زیر نظر هیات فوتبال استان آذربایجان شرقی انجام شد.

دراین مسابقه تیم ماشین‌سازی که از همکاری چند بازیکن خوب و با تجربه برخوردار بود بعنوان نماینده تبریز در مسابقات شرکت داشت. در این دوره از مسابقات زنجان حضور نداشت و دو تیم از سه تیم شرکت‌کننده به مسابقات نهائی راه یافتند.

در روزهای اول رقابت بین کارگران رضائیه و گیلان بحداعلای خود رسید و بین این دو تیم چند گل ردوبدل شد و بالاخره با شکست هر دو بپایان رسید.

ودوتیم نتوانستند به نتیجه مساوی برسند. و در نتیجه تبریز قهرمان منطقه چهار فوتبال کارگران شد. بازیکنان تیم کارگران که قهرمان این مسابقات بودند، عبارتند از:

رسول اسدی- جواد صدقی- جواد موسوی- محمد فکری اصل- جمشید فکور- قاسم صالحی- کریم جعفرپور- علی پور حامد- علی میرزائی- بیوك اصغری- علی اکبر پاشائی- احمد پور آزاد- احمد علیزاده واحمد منظر صادق

## والاحضرت ولایتعهد، با بازوبند کاپیتانی در میدان

دومین دوره مسابقه‌های جام نهم آبان با نامی تازه شروع شد. سال پیش، بمناسبت زادروز والاحضرت ولایتعهد، چنین جامی پا گرفت. پارسال، تیم فوتبال مدرسه رضاپهلوی، به قهرمانی رسید. امسال، این جام بنام یکی از خدمتگزاران صدیق فوتبال ما «صدقیانی» نام گرفت. والاحضرت ولایتعهد به پاس زحمات چندین ساله آقای حسین صدقیانی به فوتبال کشور، تغییر نام جام را پیشنهاد کرده بودند. والاحضرت با بازوبند کاپیتانی تیم خود وارد میدان شدند.

امسال، در جام صدقیانی، نه تیم نوجوان شرکت داشتند، که عبارت بودند از تیم‌های رضاپهلوی، ادونتیست، البرز، کوشش، رازی، دارلفنون، اندیشه، خوارزمی.

تیم رضاپهلوی در نخستین مسابقه، در برابر تیم ادونتیست قرار گرفت. بازیکنان ادونتیست نیمه اول را سه برد و بنفع خود پایان دادند، ولی در نیمه دوم یاران تیم رضاپهلوی به رهبری کاپیتان خود (والاحضرت همایون ولایتعهد) فشارهای زیادی به حریف وارد کردند که نتیجه آن دوبار گشودن دروازه حریف بود، و سرانجام تیم رضاپهلوی با نتیجه چهار برسه پیروز شد. پس از این مسابقه والاحضرت به خبرنگاران فرمودند:- بازی نسبتاً خوبی داشتیم، ولی چون اولین روز بازی بود، در آمادگی مطلوب نبودیم و مسلماً در بازیهای آینده بهتر خواهیم شد.

پیش‌بینی والاحضرت ولایتعهد، به حقیقت پیوست و در مسابقه بعدی با تیم ایران زمین، تیم رضاپهلوی با نتیجه جالب ۰-۵ حریف را مغلوب از میدان بیرون فرستاد. والاحضرت، در مقام کاپیتانی، دو بار دروازه حریف را گشودند و پایه‌گذار سه گل دیگر شدند.

اعضای تیم رضاپهلوی در این دوره از بازیها عبارت بودند: از والاحضرت ولایتعهد (کاپیتان) حمید طاهری، مسعود معاون، (علی درگاهی)- تورج بختیار- داود علیزاده، محمد محمدی، (کامبیز میرعابدی) جعفر روزبهانی- نامدارصالحی کوروش صدر- افشین قدس- نادر معتمدی

## کارگر رکورد شکن

## نمونه یک قهرمان اصیل ایرانی

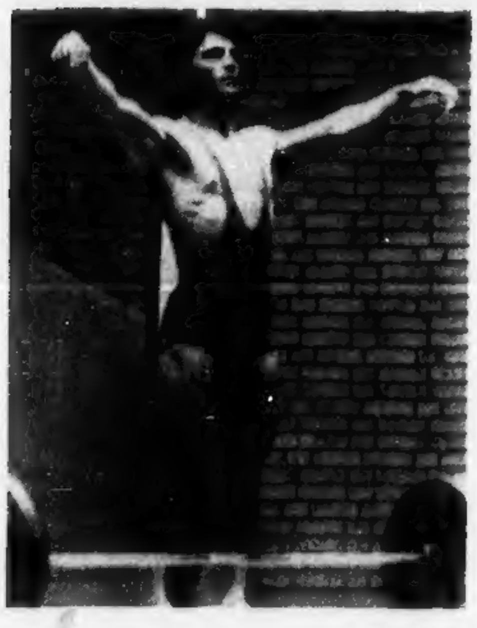

نمونه یك قهرمان اصیل ایرانی است که اگر بیشتر مورد توجه و محبت مسئولان فدراسیون قرار گیرد، بی‌شك در صحنه‌های جهانی نیز قادر به خلق شگفتی خواهد بود.

داود ملکی، کارگر دخانیات و چهره سرشناس وزنه‌برداری ما، بی‌نیاز از تعریف و بازشناسی است ملکی از جمله معدود خیلی ورزشکاران موفق در المپیك مونترال بود که در نبردی جانانه با قهرمانان نام‌آور جهان ۲٦۰ کیلو گرم ششم شد. و مورد توجه کارشناسان وزنه‌برداری المپیك قرار گرفت. ملکی، چندی پیش، در تالار سرپوشیده وزنه‌برداری آریامهر، در جریان برگزاری مسابقه‌های ایران ۲/۵ کیلوگرم رکورد المپیکش را ترقی داد و با ۲٦۲/۵ کیلو دو بار رکوردهای ایران را در دسته پروزن شکست. داود ملکی سالهاست عضو تیم ملی وزنه‌برداری است و در کارنامه قهرمانی او این افتخارات بچشم می‌خورد: نفر چهارم جهان در دسته خروس وزن- مدال برنز مسابقه‌های جهانی مانیل (۱۹۷٤) و صاحب چندین رکود ملی. ملکی با پشتکار به تمرینات خود ادامه میدهد و کسانیکه از نزدیك کار او را دنبال می‌کنند، آینده روشن‌تری برایش پیش‌بینی می‌کنند.

داود ملکی کارگر قهرمان و رکورد شکن ما،

در تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور :
لندن ـ پاریس ـ نیویورک ـ مونیخ ـ هامبورگ ـ
ابوظبی ـ جده ـ شارجه ـ دبی ـ بحرین ـ مسقط ـ
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
درگردش استفاده نمائید
دفترچه حساب درگردش
بانک ملی ایران
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران